

متن و ترجمه
کتاب نفیس

فروع کافی

جلد سوم

تألیف

محدث عالی مقام ثقة الاسلام محمد یعقوب کلینی رازی رحمته الله

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش: محمد حسین رحیمیان

@tasnim_pdf

کتابخانه تسنیم، بزرگترین کتابخانه علوم
اسلامی در ایتا

فهرست موضوعات

پایان بخش کتاب زکات

(۲۱- ۱۵۳)

بخش ششم	بخش یکم
۴۲ صدقه بر خویشاوندان	۲۳ فضیلت صدقه
بخش هفتم	بخش دوم
۴۳ هزینه زندگی خانواده و توسعه بر آنان	۲۸ صدقه بلا و گرفتاری را دفع می‌کند
بخش هشتم	بخش سوم
۴۸ اهل نفقه	۳۵ فضیلت صدقه پنهانی
بخش نهم	بخش چهارم
۴۹ صدقه بر ناشناس	۳۷ صدقه در شب هنگام
بخش دهم	بخش پنجم
۵۱ صدقه بر صحرائشینیان	۴۰ صدقه موجب زیادی مال می‌شود

بخش یازدهم	کراهیت ردّ سائل..... ۵۲
بخش هیجدهم	مَنْت نهادن ۶۷
بخش دوازدهم	اندازه اعطای به سائل ۵۴
بخش نوزدهم	پرداخت پس از درخواست ۶۸
بخش سیزدهم	دعای سائل..... ۵۶
بخش بیستم	احسان و نیکوکاری ۷۴
بخش چهاردهم	کسی صدقه را تقسیم می‌کند با صاحب صدقه شریک است ۵۷
بخش بیست و یکم	فضیلت نیکی کردن ۷۶
بخش پانزدهم	ایثار و از خود گذشتگی ۵۹
بخش بیست و دوم	از فضیلت نیکی ۸۱
بخش شانزدهم	کسی که بدون نیاز سؤال کند..... ۶۱
بخش بیست و سوم	انجام کارهای نیک بلاها و گرفتاری‌های بد را برطرف می‌کند..... ۸۲
بخش هفدهم	کراهت در خواست..... ۶۲
بخش بیست و چهارم	نیکوکاران در دنیا همان نیکوکاران در جهان آخرتند ۸۳

بخش سی و دوم	بخش بیست و پنجم
تحمل هزینه نعمت ۱۰۰	کار نیک کامل ۸۵
بخش سی و سوم	بخش بیست و ششم
نکوداشت نعمت‌ها ۱۰۲	انجام کار نیک در جایگاه خود ۸۶
بخش سی و چهارم	بخش بیست و هفتم
شناخت جود و سخا ۱۰۳	آداب نیکوکاری ۹۰
بخش سی و پنجم	بخش بیست و هشتم
انفاق نمودن ۱۱۲	کفران احسان و نیکوکاری ۹۱
بخش سی و ششم	بخش بیست و نهم
بخل ورزی و تنگ نظری ۱۱۶	قرض دادن ۹۲
بخش سی و هفتم	بخش سی ام
چند حدیث نکته دار ۱۲۰	مهلت دادن بر تنگ دست ۹۵
بخش سی و هشتم	بخش سی و یکم
فضیلت اطعام غذا ۱۲۹	حلال کردن میّت ۹۸

بخش سی و نهم

فضیلت میانه روی..... ۱۳۴

بخش دوم

فضیلت ماه رمضان ۱۶۳

بخش چهلم

نکوهش اسراف و سختگیری..... ۱۳۹

بخش سوم

پاداش کسی که به روزه‌داری افطاری

دهد ۱۶۸

بخش چهل و یکم

نوشاندن آب..... ۱۴۴

بخش چهارم

نهی از گفتن رمضان بدون کلمه ماه . ۱۷۱

بخش چهل و دوم

صدقه وصله برای بنی هاشم و

خدمتکاران آنان ۱۴۷

بخش پنجم

آن چه به هنگام استقبال از ماه رمضان گفته

می‌شود..... ۱۷۲

بخش چهل و سوم

چند روایت نکنه دار..... ۱۵۱

بخش ششم

ماه‌ها و گواهی دادن بر آنها ۱۸۲

کتاب روزه

(۱۵۵ - ۴۱۴)

بخش یکم

روایاتی در فضیلت روز و روزه دار.. ۱۵۷

بخش هفتم

چند روایت نکته دار..... ۱۸۶

بخش پانزدهم	بخش هشتم
دعای روزه‌دار به هنگام افطار ۲۱۹	[چند روایت نکته دار] ۱۸۶
بخش شانزدهم	بخش نهم
روزه وصال و روزه دهر ۲۲۰	حکم روزی که مورد شک قرار می‌گیرد که آن از ماه رمضان است یا از شعبان .. ۱۹۰
بخش هفدهم	بخش دهم
حکم کسی که با شک در طلوع فجر و یا بعد از طلوع آن بخورد و بنوشد ۲۲۲	اقسام روزه ۱۹۵
بخش هیجدهم	بخش یازدهم
فجر چیست؟ کی فجر باز می‌شود؟ و کی خوردن غذا حرام می‌گردد؟ ۲۲۵	آداب روزه دار ۲۰۱
بخش نوزدهم	بخش دوازدهم
حکم کسی که پنداشت شب فرا رسیده است پس هنوز شب نشده افطار نمود ۲۲۸	روزه رسول خدا ﷺ ۲۰۶
بخش بیستم	بخش سیزدهم
هنگام افطار ۲۳۰	فضیلت روزه ماه شعبان و پیوند آن به ماه رمضان و روزه سه روز در هر ماه ... ۲۱۱
	بخش چهاردهم
	استحباب سحری خوردن ۲۱۷

بخش بیست و یکم

حکم کسی که در ماه رمضان از روی
فراموشی غذا بخورد و بیاشامد ۲۳۱

بخش بیست و هشتم

حکم مضمضه واستنشاق برای
روزه‌دار ۲۴۴

بخش بیست و دوم

حکم کسی که در ماه رمضان از روی عمد
بدون عذر افطار و یا جماع نماید ... ۲۳۲

بخش بیست و هفتم

حکم روزه‌داری که از روی عمد یا بدون
اختیار استفراغ کند و یا چیزی از معده او
بیرون می‌آید ۲۴۵

بخش بیست و سوم

حکم روزه‌داری که همسرش را می‌بوسد
بوسه یا به او دست می‌زند ۲۳۷

بخش بیست و هشتم

حکم روزه‌داری که حجامت کرده و وارد
حمام می‌شود ۲۴۷

بخش بیست و چهارم

حکم کسی که در ماه رمضان و غیر آن
جنب شود و غسل نکند تا صبح فرارسد یا
حکم کسی که شب یا روز محتمل
گردد ۲۳۹

بخش بیست و نهم

حکم روزه‌داری که بر بینی و گوش او دارو
ریخته می‌شود یا تنقیه می‌کند ۲۴۹

بخش سی ام

حکم روزه‌داری که سرمه می‌کشد و برای
چشمش دارو می‌ریزد ۲۵۱

بخش بیست و پنجم

کراهیت فرورفتن روزه‌دار در آب ... ۲۴۱

بخش سی و یکم

حکم مسواک زدن برای روزه‌دار ... ۲۵۳

بخش سی و دوم

حکم عطر زدن و بوییدن گل برای روزه‌دار
۲۵۴

بخش سی و هشتم

حکم زن باردار و شیردهی که از روزه
گرفتن ناتوان می‌شوند. ۲۶۵

بخش سی و سوم

حکم جویدن هر نوع جویدنی برای روزه
دار. ۲۵۷

بخش سی و نهم

انسان در چه بیماری می‌تواند روزه خود را
بنخورد. ۲۶۶

بخش سی و چهارم

حکم روزه داری که غذای دیگ را
می‌چشد و غذای جوجه را می‌جود. ۲۵۸

بخش چهل و یکم

حکم کسی که دو ماه رمضان پشت سر هم
بر او بگذرد. ۲۶۹

بخش سی و پنجم

حکم روزه داری که خلط را فرو می‌برد و
کسی که مگس وارد گلویش می‌شود ۲۶۰

بخش چهل و یکم

قضای ماه رمضان ۲۷۱

بخش سی و ششم

حکم کسی که انگشتر، سنگ ریزه و هسته
خرما می‌مکد. ۲۶۱

بخش چهل و دوم

حکم کسی که با اراده روزه صبح می‌کند
پس افطار می‌نماید و حکم کسی که با
عدم اراده روز، صبح می‌کند پس روزه
قضای ماه رمضان و غیر آن را
می‌گیرد. ۲۷۳

بخش سی و هفتم

پیرمرد و پیرزنی که توان روزه ندارند ۲۶۲

بخش چهل و نهم

حکم کسی که ندانسته در سفر روزه بگیرد
۲۹۱

بخش پنجاهم

کسی که افطار و تقصیر در سفر بر او واجب
نیست و کسی که این حکم بر او واجب
است..... ۲۹۳

بخش پنجاه و یکم

انجام روزه مستحبی در سفر و انجام آن
پیش از سفر و قضای آن..... ۲۹۶

بخش پنجاه و دوم

حکم کسی که در ماه رمضان قصد سفر
دارد، یا از سفر بر می‌گردد..... ۲۹۹

بخش پنجاه و سوم

حکم کسی که وارد شهری شد و تصمیم
دارد در آن بماند یا چنین تصمیمی
ندارد..... ۳۰۳

بخش چهل و سوم

حکم کسی که روزه مستحبی می‌گیرد با آن
که قضای ماه رمضان دارد..... ۲۷۷

بخش چهل و چهارم

حکم کسی که می‌میرد و بر ذمه او روزه ماه
رمضان و غیر آن وجود دارد..... ۲۷۸

بخش چهل و پنجم

حکم روزه کودکان و کی آنها به سبب روزه
مؤاخذه می‌شوند؟..... ۲۸۰

بخش چهل و ششم

حکم کسی که در ماه رمضان مسلمان شود
..... ۲۸۲

بخش‌های مربوط به سفر

(۲۸۵ -)

بخش چهل و هفتم

کراهت سفر در ماه رمضان..... ۲۸۷

بخش چهل و هشتم

کراهت روزه در سفر..... ۲۸۸

بخش پنجاه و چهارم

حکم مردی که در سفر با همسر خود نزدیکی کند، یا در ماه رمضان از سفر برگردد ... ۳۰۵

بخش شصتم

حکم تأخیر انداختن روزه سه روز در ماه به فصل زمستان..... ۳۳۰

بخش پنجاه و پنجم

روزه حائض و مستحاضه..... ۳۰۸

بخش شصت و یکم

روزه عرفه و عاشورا..... ۳۳۱

بخش پنجاه و ششم

حکم کسی که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب شود، پس کاری پیشامد کند که از اتمام آن باز دارد..... ۳۱۴

بخش شصت و دوم

روزه عید فطر، قربان و ایام تشریق.. ۳۳۶

بخش شصت و سوم

روزه ترغیب..... ۳۳۷

بخش پنجاه و هفتم

روزه کفاره سوگند..... ۳۲۰

بخش شصت و چهارم

فضیلت افطار نمودن در نزد برادر دینی به هنگام درخواست او..... ۳۴۱

بخش پنجاه و هشتم

حکم کسی که بر خود روزه معینی را واجب نماید و کسی که نذر کرده به هنگام شکر روزه بدارد..... ۳۲۱

بخش شصت و پنجم

جواز روزه مستحبی فقط به اذن دیگری..... ۳۴۴

بخش پنجاه و نهم

کفاره روزه (واجب) و فدیة آن..... ۳۲۶

بخش هفتاد و سوم

اموری که پس از صحت رؤیت هلال
و ثبوت عید فطر برای کسانی که روزه‌اند،
واجب می‌شود ۳۸۰

بخش هفتاد و چهارم

چند روایت نکته دار ۳۸۱

بخش هفتاد و پنجم

زکات فطره ۳۸۴

بخش هفتاد و ششم

اعتکاف ۳۹۴

بخش هفتاد و هفتم

اعتکاف فقط با روزه صورت
می‌پذیرد ۳۹۶

بخش هفتاد و هشتم

مساجدی که اعتکاف در آنها انجام
می‌شود ۳۹۷

بخش شصت و ششم

با آن چه افطار نمودن مستحب است ۳۴۷

بخش شصت و هفتم

انجام غسل در ماه رمضان ۳۴۹

بخش شصت و هشتم

انجام نمازهایی افزون بر ماه‌های دیگر در
ماه رمضان ۳۵۱

بخش شصت و نهم

شب قدر ۳۵۵

بخش هفتادم

دعاهای وارده در دهه پایانی ماه
رمضان ۳۶۳

بخش هفتاد و یکم

تکبیر شب فطر و روز آن ۳۷۶

بخش هفتاد و دوم

روز فطر ۳۷۹

ساییدن به آن ۴۱۷

بخش دوم

آغاز خانه کعبه و طواف ۴۲۳

بخش سوم

نخستین چیزی را که خداوند از زمین

آفرید، مکان کعبه بود، چگونه آن مکان،

نخستین آفریده گشت؟ ۴۲۸

بخش چهارم

چگونگی حج آدم عَلَيْهِ السَّلَام ۴۳۲

بخش پنجم

علت حرم شدن مکه، چرا حرم به این

مسافت شد؟ ۴۴۴

بخش ششم

ابتلا و گرفتاری مردم و آزمودن آنان به کعبه

..... ۴۴۹

بخش هفتم

حج ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَام و بنای خانه

بخش هفتاد و نهم

کمترین زمان اعتکاف ۳۹۹

بخش هشتادم

معتکف نباید جز به هنگام ناچاری از

مسجد بیرون رود ۴۰۱

بخش هشتاد و یکم

حکم معتکفی که بیمار می شود وزن

معتکفی که حائض می گردد ۴۰۳

بخش هشتاد و دوم

حکم معتکفی که با همسرش نزدیکی

کند ۴۰۴

بخش هشتاد و سوم

چند روایت نکته دار ۴۰۵

کتاب حج

(۴۱۵ - ۶۵۲)

بخش یکم

آغاز پیدایش حجرالاسود و سبب دست

بخش سیزدهم

گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «کسی که
وارد حرم شود ایمن خواهد بود»... ۵۱۲

بخش چهاردهم

الحاد و جنایات در مکه..... ۵۱۴

بخش پانزدهم

آشکار ساختن سلاح در مکه..... ۵۱۶

بخش شانزدهم

پوشیدن جامه‌های کعبه..... ۵۱۷

بخش هفدهم

کراهت برداشتن خاک و سنگریزه خانه
کعبه..... ۵۱۸

بخش هیجدهم

کراهت اقامت در مکه..... ۵۲۰

بخش نوزدهم

حکم درخت حرم..... ۵۲۱

کعبه، ووالی کعبه پس از آنها..... ۴۵۶

بخش هشتم

چگونگی حج پیامبران علیهم‌السلام..... ۴۸۲

بخش نهم

ورود تبع و اصحاب فیل به مکه، حفر چاه
زمزم توسط عبدالمطلب تخریب خانه
کعبه توسط قریش، تجدید بنای آن،
تخریب خانه کعبه توسط حجاج و تجدید
بنای او..... ۴۸۸

بخش دهم

گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «در آن
آیه‌های روشن است»..... ۵۰۵

بخش یازدهم

چند روایت نکته‌دار..... ۵۰۸

بخش دوازدهم

آن‌گاه که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید،
مکه را با حرمت و احترام قرار داد..... ۵۱۰

در مکه و واردان از خارج یکسانند». ۵۵۰

بخش بیست و هفتم

حجّ پیامبر ﷺ ۵۵۱

بخش بیست و هشتم

فضیلت حجّ و عمره و پاداش آنها .. ۵۶۹

بخش بیست و نهم

وجوب حجّ و عمره ۵۹۸

بخش سی ام

استطاعت و توانایی بر انجام حجّ ... ۶۰۲

بخش سی و یکم

حکم کسی که با توانایی انجام حجّ آن را به

تأخیر می اندازد ۶۰۶

بخش سی و دوم

حکم کسی که از مکه بیرون می شود و

اراده بازگشت به آن را ندارد ۶۰۹

بخش بیستم

جواز ذبح در حرم و چیزهایی بیرون

بردنشان از حرم جایز است ۵۲۳

بخش بیست و یکم

شکار حرم و وجوب کفاره آن ۵۲۴

بخش بیست و دوم

حکم آن چه در حرم پیدا می شود .. ۵۳۸

بخش بیست و سوم

فضیلت نگاه کردن به کعبه ۵۴۰

بخش بیست و چهارم

حکم کسی که بدهکار خود را در حرم

بیند ۵۴۴

بخش بیست و پنجم

چیزی که به کعبه هدیه می شود ۵۴۵

بخش بیست و ششم

گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «مقیمان

بخش سی و سوم

خیری در ترک حج نیست و هر کس موفق
به انجام حج نشود به خاطر گناه
است ۶۱۰

می‌کند و حجی که کفایت نمی‌کند. . ۶۱۶

بخش سی و نهم

حکم کسی که در مدت پنج سال حج
نیارود ۶۲۶

بخش سی و چهارم

اگر مردم حج را ترک کنند، برای آنان
عذاب نازل خواهد شد ۶۱۱

بخش چهلم
حکم کسی که قرض می‌ستاند و به حج
می‌رود ۶۲۷

بخش سی و پنجم

چند حدیث نکته‌دار ۶۱۲

بخش چهل و یکم

زیادی از هزینه زندگی برای هزینه حج
است ۶۳۰

بخش سی و ششم

وادار کردن مردم بر انجام حج ۶۱۳

بخش چهل و دوم

استحباب آمادگی برای انجام حج .. ۶۳۲

بخش سی و هفتم

حکم کسی که توانایی انجام حج را ندارد و
فرد دیگری را با پرداخت هزینه روانه حج
کند ۶۱۴

بخش چهل و سوم

حکم مردی که مسلمان می‌شود، پیش از
آن که ختنه کند به حج می‌رزد ۶۳۳

بخش سی و هشتم

انجام حجی که از حجة الاسلام کفایت

بخش چهل و چهارم

حکم زنی که همسرش او را از
حجّة الاسلام باز دارد..... ۶۳۴

بخش چهل و هشتم

دعای هنگام خروج از خانه..... ۶۳۸

بخش چهل و هفتم

توصیه به حاجیان..... ۶۴۱

بخش چهل و پنجم

دعای هنگام خروج از خانه و فضیلت
صدقه..... ۶۳۶

بخش چهل و هشتم

دعا در راه..... ۶۴۵

تَمِّمَةُ كِتَابِ الزَّكَاةِ
أَبْوَابُ الصَّدَقَةِ

پایان بخش کتاب زکات
بخش های مربوط به صدقه

(۱)

بَابُ فَضْلِ الصَّدَقَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
الصَّدَقَةُ تَدْفَعُ مِئْتَةَ السُّوءِ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْبِرُّ وَالصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ، وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ، وَ يَدْفَعَانِ تِسْعِينَ مِئْتَةَ السُّوءِ. وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ: وَ يَدْفَعَانِ عَنْ شِيعَتِي مِئْتَةَ السُّوءِ.

بخش یکم

فضیلت صدقه

۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

صدقه مرگ بد را دفع می‌کند:

۲ - راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

نیکی و صدقه ناداری را از بین می‌برند و در عمر انسان می‌افزایند و نود نوع مرگ بد را دفع می‌کنند.

در روایت دیگر آمده است: نیکی و صدقه مرگ بد را از شیعیان من دفع می‌کنند.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَأَنْ أَحُجَّ حَجَّةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ رَقَبَةً وَرَقَبَةً حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى عَشْرَةٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى سَبْعِينَ، وَ لَأَنْ أُعُولَ أَهْلَ بَيْتِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أُشْبِعَ جُوعَتَهُمْ وَ أَكْسُو عَوْرَتَهُمْ وَ أَكْفَّ وَجُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُحُجَّ حَجَّةً وَ حَجَّةً وَ حَجَّةً حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى عَشْرٍ وَ عَشْرٍ وَ عَشْرٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى سَبْعِينَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَدَّقَ بِالْخَلْفِ جَادًا بِالْعَطِيَّةِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۳- ابوبصیر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر یک حج انجام دهم نزد من محبوبتر است از این که بندهای را آزاد کنم و بندهای را. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ تا ده بنده را شمرد تا به هفتاد رسید (و فرمود): اگر سرپرستی خانوادهای از مسلمانان را به عهده بگیرم، گرسنگان آنها را سیر کنم، برهنگان آنها را بپوشانم و آبروی آنها را از مردم حفظ کنم، نزد من محبوبتر است از این که یک حج انجام دهم، یک حج انجام دهم و یک حج انجام دهم، حضرت شمرد تا به عدد ده رسید و عدد ده را تکرار کرد تا به هفتاد حج رسید.

۴- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر که به جای گزینی و عوض صدقه تصدیق دارد از بخشش خودداری نمی کند.

۵- ابن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَ اذْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالِدُّعَاءِ، وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّهَا تُفَكُّ مِنْ بَيْنِ لُحِيِّ سَبْعِمِائَةِ شَيْطَانٍ. وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ الْعَبْدِ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ، فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ.
۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

الصَّدَقَةُ بِالْيَدِ تَقِي مِيتَةَ السَّوْءِ، وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، وَ تُفَكُّ عَنْ لُحِيِّ سَبْعِينَ شَيْطَانًا كُلُّهُمْ يَأْمُرُهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ.

بیمارانتان را با دادن صدقه درمان کنید، بلا را با دعا دفع کنید. با صدقه روزی را از خدا دریافت کنید. به راستی که صدقه چانه هفتصد شیطان را می بندد و هیچ چیزی بر شیطان سنگین تر از صدقه دادن بر مؤمن نیست و صدقه نخست در دست خدا قرار می گیرد پیش از این که به دست بنده برسد.

۶- عبدالرحمان بن زید گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:
زمین قیامت را آتش فرا گرفته است، مگر سایه مؤمن که بیرون از گرما است، زیرا صدقه ای که او داده بر او سایه می افکند.

۷- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود:
صدقه ای که انسان با دست خود بپردازد، او را از مرگ ناگوار بازمی دارد و هفتاد گونه درد و رنج را از او دفع می کند. و انسان را از دام و وسوسه هفتاد شیطان رها می سازد که همه آنها دستور می دهند که در راه خدا انفاق نکند.

- ۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
كَانَ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ: وَ أَمَّا الصَّدَقَةُ فَجُهِدْكَ جُهِدَكَ حَتَّى يُقَالَ: قَدْ أَسْرَفْتَ وَ لَمْ تُسْرِفْ.
- ۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
يُسْتَحَبُّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُعْطِيَ السَّائِلَ بِيَدِهِ، وَ يَأْمُرُ السَّائِلَ أَنْ يَدْعُو لَهُ.
- ۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
أَخْبَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي أَصَبْتُ بِإِنْتِنٍ وَ بَقِيَّ لِي بُنْيٌّ صَغِيرٌ.
فَقَالَ: تَصَدَّقْ عَنْهُ.

- ۸ - معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
در وصیت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرمؤمنان علی صلوات الله و سلامه علیه آمده است: در مورد صدقه تا سر حد امکان و تمام کوشش خود را به کار بیند و تا آن حد تلاش کن که مردم بگویند: اسراف می کند. ولی در صدقه اسراف نیست.
- ۹ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
کسی که بیمار باشد بهتر است که با دست خود به دريوزگان و سائلان انفاق کند و از آنان بخواهد تا برای او دعا کنند.
- ۱۰ - عمر بن یزید گوید: خدمت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من دو فرزند داشتم که اکنون یک فرزند کوچکی برای من مانده است.
امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از طرف او صدقه بده

ثُمَّ قَالَ حِينَ حَضَرَ قِيَامِي: مَرَّ الصَّبِيُّ فَلَيْتَ صَدَّقَ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ، وَإِنْ قَلَّ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ، وَإِنْ قَلَّ بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّيَّةُ فِيهِ عَظِيمٌ، إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.

وَقَالَ: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةٍ * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ * عَلِمَ اللَّهُ ﷻ أَنَّ كُلَّ أَحَدٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى فِكِّ رَقَبَةٍ، فَجَعَلَ إِطْعَامَ الْيَتِيمِ وَالْمَسْكِينِ مِثْلَ ذَلِكَ، تَصَدَّقْ عَنْهُ.

۱۱ - غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

تَصَدَّقُوا وَ لَوْ بِصَاعٍ مِنْ تَمْرٍ، وَ لَوْ بِبَعْضِ صَاعٍ، وَ لَوْ بِقَبْضَةٍ، وَ لَوْ بِبَعْضِ قَبْضَةٍ، وَ لَوْ بِتَمْرَةٍ، وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَبِكَلِمَةٍ لَيْتَةٍ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَاقِ اللَّهَ فَقَائِلٌ لَهُ: أَلَمْ أَفْعَلْ بِكَ؟ أَلَمْ أَجْعَلْكَ سَمِيعًا بَصِيرًا؟ أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ مَالًا وَ وَلَدًا؟

هنگامی که می‌خواستیم از خدمت امام مرخص شوم، امام ع فرمود: به بچه دستور بده که به دست خود تکه نانی یا یک مشت (گندم و...) صدقه بدهد، اگر چه صدقه اندک باشد، زیرا که هر چه که هدف از آن، خدا باشد، اگر چه کم باشد، بزرگ است، زیرا که خداوند می‌فرماید: «هر که به اندازه ذره کار خیر انجام دهد خیر آن را می‌بیند. و هر که به اندازه ذره کار شر انجام دهد، آن را می‌بیند».

و خداوند می‌فرماید: «پس او از آن گردنه مهم نگذشت، و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای، یا غذا دادن در روز گرسنگی به یتیمی از خویشاوندان، یا مستمند خاک نشینی». خداوند متعال می‌دانست که همه مردم قدرت آزاد کردن برده را ندارند. پس غذا دادن یتیم و مستمند را جای آن قرار داده است از عوض او صدقه بده.

۱۱ - ابی جمیله گوید: امام صادق ع فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

صدقه بدهید گرچه آن مال را که صدقه می‌دهید یک صاع (سه کیلو) خرما باشد، یا کمتر از صاع باشد، یا یک مشت خرما باشد، یا کمتر از آن یک مشت خرما باشد، یا کمتر از آن یک دانه خرما باشد، یا کمتر از آن پاره خرمایی باشد و هر که توان مالی ندارد با سخن ملائیم با فقیر برخورد کند، زیرا که یکی از شماها روز قیامت خدا را ملاقات خواهد کرد. به او گفته خواهد شد: آیا درباره تو کارهایی را انجام ندادم؟ آیا تو را گوش شنوا و چشم بینا قرار ندادم؟ آیا برای تو مال و فرزندی قرار ندادم؟

فَيَقُولُ: بَلَىٰ.

فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: فَأَنْظِرُ مَا قَدَّمْتَ لِنَفْسِكَ؟

قَالَ: فَيَنْظُرُ قَدَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ فَلَا يَجِدُ شَيْئًا يَاقِي بِهِ وَجْهَهُ مِنْ النَّارِ.

(۲)

بَابُ أَنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ الْبَلَاءَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

بَكَّرُوا بِالصَّدَقَةِ، وَارْعَبُوا فِيهَا. فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ يُرِيدُ بِهَا مَا عِنْدَ اللَّهِ لِيُدْفَعَ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ شَرٌّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَّا وَقَاهُ اللَّهُ شَرًّا مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

عرض می‌کند: چرا.

خداوند متعال می‌فرماید: بنگر که برای خود چه چیزی فرستاده‌ای؟!

فرمود: بنده به پیشاپیش، پشت سر و طرف راست و چپ خود نگاه می‌کند، چیزی که او را از آتش نگاه دارد، نمی‌بیند.

بخش دوم

صدقه بلا و گرفتاری را دفع می‌کند

۱- ابو ولاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بامدادان صدقه دهید و میل به صدقه دادن داشته باشید. هر مؤمنی که صدقه بدهد و هدفش این باشد که خداوند به وسیله صدقه شرّ و بلاهای آسمانی آن روز از او برطرف کند، خداوند شرّ و بلاهای آسمانی آن روز از او برطرف می‌نماید.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَدْفَعَ بِالصَّدَقَةِ الدَّاءَ وَالدُّبَيْلَةَ وَالْحَرْقَ وَالْغَرَقَ وَالْهَدْمَ وَ
 الْجُنُونَ.

وَ عَدَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الشُّوْءِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَرَّ يَهُودِيٌّ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: السَّامُ عَلَيْكَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَيْكَ.

فَقَالَ أَصْحَابُهُ: إِنَّمَا سَلَّمَ عَلَيْكَ بِالْمَوْتِ.

قَالَ: الْمَوْتُ عَلَيْكَ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَ كَذَلِكَ رَدَدْتُ.

۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نقل می‌کند که پیامبر

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به راستی خداوندی که جز او خدایی نیست، به وسیله صدقه، بیماری، طاعون،
 سوختن، غرق شدن، ویرانی، دیوانگی و هفتاد نوع بدی را دور می‌نماید.

۳ - سالم بن مکرم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی یهودی از کنار پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذشت و گفت: سام بر تو.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بر خودت باد.

یاران پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند: این یهودی با مرگ به شما سلام داد.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من نیز همان گونه به او پاسخ دادم.

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ هَذَا الْيَهُودِيَّ يَعْصُهُ أَسْوَدٌ فِي قَفَاهُ فَيَقْتُلُهُ.
 قَالَ: فَذَهَبَ الْيَهُودِيُّ، فَاحْتَطَبَ حَطْبًا كَثِيرًا فَاحْتَمَلَهُ ثُمَّ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ انْصَرَفَ.
 فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ضَعُهُ.
 فَوَضَعَ الْحَطْبَ، فَإِذَا أَسْوَدٌ فِي جَوْفِ الْحَطْبِ عَاضٌ عَلَى عُنُقِهِ، فَقَالَ: يَا
 يَهُودِيُّ! مَا عَمِلْتَ الْيَوْمَ؟
 قَالَ: مَا عَمِلْتُ عَمَلًا إِلَّا حَطَبِي هَذَا احْتَمَلْتُهُ، فَجِئْتُ بِهِ وَكَانَ مَعِيَ كَعُكَّتَانِ،
 فَأَكَلْتُ وَاحِدَةً وَتَصَدَّقْتُ بِوَاحِدَةٍ عَلَى مِسْكِينٍ.
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بِهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ.
 وَ قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تُدْفَعُ مِيتَةَ السَّوْءِ عَنِ الْإِنْسَانِ.
 ٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
 قَالَ عَلِيُّ ع: كَانُوا يَرَوْنَ أَنَّ الصَّدَقَةَ تُدْفَعُ بِهَا عَنِ الرَّجُلِ الظُّلْمِ.

آن گاه پیامبر خدا ﷺ فرمود: این مرد را مار سیاهی از پشت سرش نیش خواهد زد و
 کشته خواهد شد.
 یهودی به طرف بیابان رفت، هیزم زیادی جمع کرد و زود برگشت، پیامبر خدا ﷺ
 فرمود: هیزم‌ها را زمین بگذار.
 او آن کار را انجام داد، ناگاه مار سیاهی در میان هیزم‌ها بر هیزمی چسبیده بود، مشاهده شد.
 پیامبر خدا ﷺ فرمود: امروز چه کاری انجام داده‌ای؟!
 یهودی گفت: کار من همین جمع آوری هیزم بود که انجام دادم و همراهم دو عدد نان
 بود، یکی را خوردم و دیگری را بر بینوایی صدقه دادم.
 پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند به وسیله این صدقه، بلا را از تو دفع کرده است.
 حضرتش افزود صدقه مرگ بد را از انسان دفع می‌کند.
 ۴- سکونی گوید: امام صادق ع فرمود: حضرت علی ع فرمود:
 راه و روش گذشتگان این بود که صدقه را نجات دهنده از بسیاری از ستم‌ها می‌دانستند.

- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو النَّخَعِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
بَكَّرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَتَخَطَّاهَا.
- ۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُدْفَعُ سَبْعِينَ بَلِيَّةً مِنْ بَلَايَا الدُّنْيَا مَعَ مِئْتَةِ السُّوءِ، إِنَّ صَاحِبَهَا لَا يَمُوتُ مِئْتَةَ السُّوءِ أَبَدًا مَعَ مَا يُدَّخِرُ لِصَاحِبِهَا فِي الْآخِرَةِ.
- ۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَشْرِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ حِينَ يُصْبِحُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ.
- ۸ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ:

۵ - سلیمان ابن عمرو نخعی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
بامدادان صدقه دهید؛ چرا که بلا و گرفتاری از آن تجاوز نکند.

۶ - سدید گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

همانا صدقه هفتاد نوع گرفتاری از گرفتاری‌های دنیا و مرگ بد را دفع می‌کند و دهنده
صدقه هرگز گرفتار مرگ نمی‌گردد با پاداش‌هایی که برای او در جهان آخرت ذخیره
می‌شود.

۷ - مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر که صبح را با صدقه آغاز کند، خداوند شومی آن روز را از او برطرف می‌کند.

۸ - حسن بن جهم گوید:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ ذَكَرَ لَهُ أَنَّ ابْنَهُ صَدَّقَ عَنْهُ قَالَ: إِنَّهُ رَجُلٌ.

قَالَ: فَمَرُّهُ أَنْ يَتَصَدَّقَ وَ لَوْ بِالْكَسْرَةِ مِنَ الْخُبْزِ.

ثُمَّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ لَهُ ابْنٌ وَ كَانَ لَهُ مُجِبًّا، فَأُتِيَ فِي مَنْامِهِ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ ابْنَكَ لَيْلَةً يَدْخُلُ بِأَهْلِهِ يَمُوتُ.

قَالَ: فَلَمَّا كَانَ تِلْكَ اللَّيْلَةُ وَ بَنَى عَلَيْهِ أَبُوهُ تَوَقَّعَ أَبُوهُ ذَلِكَ فَأَصْبَحَ ابْنُهُ سَلِيمًا، فَأَتَاهُ أَبُوهُ، فَقَالَ لَهُ: يَا بَنِي! هَلْ عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ سَأَلْتُ أُمَّيَ الْبَابَ وَ قَدْ كَانُوا ادَّخَرُوا لِي طَعَامًا فَأَعْطَيْتُهُ السَّائِلَ.

فَقَالَ: بِهَذَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْكَ.

۹- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

امام کاظم علیه السلام به اسماعیل بن محمد که فرزندی داشت فرمود: تو از طرف او صدقه بده. گفت: او مردی است.

فرمود: به او بگو: صدقه بدهد گرچه تکه نانی باشد.

حضرت فرمود: امام باقر علیه السلام فرمود: در بنی اسرائیل مردی پسری داشت که او را دوست می داشت، فردی در خواب به او گفت: پسرت در شب عروسیت خواهد مرد. شب عروسی فرا رسید، پدرش منتظر حادثه بود که فرزندش سالم صبح را آغاز کرد و به نزد پدرش آمد.

گفت: فرزندم! آیا دیشب کار خیری انجام داده ای؟

گفت: نه، فقط سائلی پشت در آمد، برای من غذا نگاه داشته بودند، من آن غذا را به سائل دادم.

پدرش گفت: خداوند به وسیله این صدقه بلا را از تو دفع کرد.

۹- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَجُلٍ قِسْمَةٌ أَرْضٍ، وَكَانَ الرَّجُلُ صَاحِبَ نُجُومٍ، وَكَانَ يَتَوَخَّى
سَاعَةَ السُّعُودِ فَيَخْرُجُ فِيهَا وَأَخْرَجَ أَنَا فِي سَاعَةِ النُّحُوسِ، فَاقْتَسَمْنَا فَخَرَجَ لِي
خَيْرُ الْقِسْمَيْنِ.

فَصَرَبَ الرَّجُلُ يَدَهُ الَّتِي عَلَى الْيُسْرَى، ثُمَّ قَالَ: مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قَطُّ؟
قُلْتُ: وَيَلَّ الْآخِرِ وَمَا ذَاكَ؟

قَالَ: إِنِّي صَاحِبُ نُجُومٍ أَخْرَجْتُكَ فِي سَاعَةِ النُّحُوسِ وَخَرَجْتُ أَنَا فِي سَاعَةِ
السُّعُودِ، ثُمَّ قَسَمْنَا فَخَرَجَ لَكَ خَيْرُ الْقِسْمَيْنِ.

فَقُلْتُ: أَلَا أَحَدُتُكَ بِحَدِيثِ حَدَّثَنِي بِهِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَدْفَعَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ يَوْمِهِ، فَلْيَفْتَحْ يَوْمَهُ بِصَدَقَةٍ يُذْهِبُ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ
نَحْسَ يَوْمِهِ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُذْهِبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ لَيْلَتِهِ فَلْيَفْتَحْ لَيْلَتَهُ بِصَدَقَةٍ،
يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ لَيْلَتِهِ.

با مردی در قطعه زمینی شرکت داشتم. آن مرد ستاره شناس بود و منتظر بود که در
ساعت نیکی خارج شود و من در ساعت بد خارج شوم، زمین را تقسیم کردیم. بهترین
زمین به نام من درآمد، او از ناراحتی دست راست خود را بر پشت دست چپش زد و گفت:
هرگز چنین روزی را ندیده بودم.

گفتم: وای بر تو! مگر چه شده است؟

گفت: من ستاره شناس هستم تو را در ساعت بد و خودم در ساعت خوب از منزل
خارج شدیم و بعد از آن زمین را تقسیم کردیم، بهترین زمین به نام تو درآمد.
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

دوست داری حدیثی را برای تو بازگویم که پدرم برای من نقل کرده است؟ پیامبر
خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«هر که دوست دارد خداوند نحوست و شومی روز او را بر طرف کند، آن روز را با
صدقه آغاز کند که خداوند شومی و نحوست آن روز را برطرف می‌کند.
هر که دوست دارد، خداوند نحوست و شومی شب او را برطرف کند، آن شب را با
صدقه آغاز کند که خداوند نحوست آن شب را برطرف می‌کند.»

فَقُلْتُ: وَإِنِّي افْتَتَحْتُ خُرُوجِي بِصَدَقَةٍ، فَهَذَا خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِلْمِ النُّجُومِ.
 ۱۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ
 أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 كَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ، فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ.
 وَ قِيلَ لَهُ: إِنَّهُ يَمُوتُ لَيْلَةَ عُرْسِهِ.
 فَمَكَتِ الْغُلَامُ، فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ عُرْسِهِ نَظَرَ إِلَى شَيْخٍ كَبِيرٍ ضَعِيفٍ، فَرَحِمَهُ الْغُلَامُ
 فَدَعَاهُ فَأَطْعَمَهُ.
 فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ: أَحْيَيْتَنِي، أَحْيَاكَ اللَّهُ.
 قَالَ: فَأَتَاهُ آتٍ فِي النَّوْمِ، فَقَالَ لَهُ: سَلِ ابْنَكَ مَا صَنَعَ؟
 فَسَأَلَهُ فَخَبَّرَهُ بِصَنِيعِهِ.
 قَالَ: فَأَتَاهُ الْآتِي مَرَّةً أُخْرَى فِي النَّوْمِ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ أَحْيَاكَ ابْنَكَ بِمَا صَنَعَ
 بِالشَّيْخِ.

من وقتی بیرون آمدم خروجم را با صدقه آغاز کردم. پس دادن صدقه برای تواز ستاره‌شناسی بهتر است.
 ۱۰ - علی و شفاء گوید: امام کاظم عليه السلام می‌فرماید:
 در بنی اسرائیل مردی بود که فرزندی نداشت. فرزندی برای او متولد شد به او گفته شد: فرزند شما شب عروسی خواهد مرد.
 زمانی آن فرزند زندگی کرد تا شب عروسی فرا رسید و چشم او به پیرمردی افتاد که ناتوان بود و او را مورد مهربانی قرار داد و غذایش داد.
 آن مرد گفت: تو مرا زنده کردی، خداوند تو را زنده کند.
 پس از آن فردی در خواب پدرش آمد و گفت: از فرزندان سؤال کن که چه کاری انجام داده است.
 او سؤال کرد، جوان کاری را که انجام داده بود بیان کرد.
 بار دیگر فردی در خواب او آمد و گفت: خداوند فرزند تو را به جهت کاری که در حق آن پیرمرد انجام داد زنده کرد.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
 كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله فَسَقَطَ شُرْفَةٌ مِنْ شُرْفِ الْمَسْجِدِ، فَوَقَعْتُ عَلَى رَجُلٍ فَلَمْ تَصُرَّهُ وَأَصَابَتْ رِجْلَهُ.
 فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: سَلُوهُ أَيَّ شَيْءٍ عَمِلَ الْيَوْمَ؟
 فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: خَرَجْتُ وَفِي كُمِّي تَمْرٌ، فَمَرَزْتُ بِسَائِلٍ فَتَصَدَّقْتُ عَلَيْهِ بِتَمْرَةٍ.
 فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: بِهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْكَ.

(۳)

بَابُ فَضْلِ صَدَقَةِ السَّرِّ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گويد: با امام باقر عليه السلام در مسجد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نشستند بودیم که بخشی از بالکن مسجد فرو ریخت و به پای مردی اصابت کرد، ولی هیچ آسیبی ندید.
 امام باقر عليه السلام فرمود: از او پرسید که امروز چه کاری انجام داده است؟
 وقتی پرسیدند گفت: هنگامی که از خانه بیرون آمدم، همراه من خرما بود و از نزد بینوایی گذرم افتاد، یک خرما به او صدقه دادم
 امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند به وسیله این صدقه بلا را از تو دفع کرده است.

بخش سوم

فضیلت صدقه پنهانی

۱- ابن القدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

صَدَقَهُ السِّرُّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِرْدَاسٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا عَمَّارُ! الصَّدَقَةُ وَاللَّهِ، فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ، وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ، الْعِبَادَةُ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنْهَا فِي الْعَلَانِيَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:
صَدَقَةُ السِّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

صدقه پنهانی خشم خداوند را خاموش می سازد.

۲- عَمَّارِ سَابَاطِيِّ گويد: امام صادق عليه السلام به من فرمود: ای عَمَّار! به خدا سوگند! صدقه پنهانی برتر از صدقه در آشکار است.

هم چنین به خدا سوگند! عبادت پنهانی برتر از عبادت آشکار است.

۳- عبد الله و صَافِي گويد: امام باقر عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

صدقه پنهانی خشم خداوند تبارک و تعالی را خاموش می سازد.

(۴)

بَابُ صَدَقَةِ اللَّيْلِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أَعْتَمَ وَذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ شَطْرَهُ أَخَذَ جِرَابًا فِيهِ خُبْزٌ وَ لَحْمٌ وَ الدَّرَاهِمُ فَحَمَلَهُ عَلَى عُنُقِهِ، ثُمَّ ذَهَبَ بِهِ إِلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقَسَمَهُ فِيهِمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ، فَلَمَّا مَضَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَدُوا ذَلِكَ فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

بخش چهارم

صدقه در شب هنگام

۱ - هشام بن سالم گوید: همواره امام صادق عليه السلام وقتی شب فرا می‌رسید و پاسی از آن می‌گذشت زنبیلی را برمی داشت و در آن نان، گوشت و پول می‌گذاشت و به پشت مبارک خود حمل می‌کرد و سراغ نیازمندان مردم مدینه می‌رفت و به صورت ناشناس در بین آنها تقسیم می‌کرد.

هنگامی که امام عليه السلام دار فانی را وداع گفت، دیگر کسی شب هنگام نیامد، بینوایان دانستند که او حضرت امام صادق عليه السلام بوده است.

۲ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

إِذَا طَرَقَكُمْ سَائِلٌ ذَكَرْ بَلِيلٌ فَلَا تَرُدُّوهُ.
 ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ
 مُسْلِمٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ:
 خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي لَيْلَةٍ قَدْ رُشَّتْ وَهُوَ يُرِيدُ ظُلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ فَاتَّبَعْتُهُ فَإِذَا
 هُوَ قَدْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ.
 فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ رُدِّ عَلَيْنَا.
 قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ.
 قَالَ: فَقَالَ: مُعَلَّى؟
 قُلْتُ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ!
 فَقَالَ لِي: الْتَمَسَ بِيَدِكَ، فَمَا وَجَدْتَ مِنْ شَيْءٍ فَاذْفَعُهُ إِلَيَّ.
 فَإِذَا أَنَا بِحُبْزٍ مُنْتَشِرٍ كَثِيرٍ، فَجَعَلْتُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ مَا وَجَدْتُ فَإِذَا أَنَا بِجِرَابٍ أَعْجَزُ
 عَنْ حَمَلِهِ مِنْ حُبْزٍ.

اگر شب هنگام سائل مردی درب منزل شما را کوبید، او را ناامید بر مگردانید.

۳ - معلى بن خنيس گوید:

در یک شب بارانی امام صادق عليه السلام از منزل خارج شد و به طرف سایبان بنی ساعده
 می رفت، من در پی حضرتش به راه افتادم، ناگاه چیزی بر زمین افتاد، امام عليه السلام فرمود: به
 نام خدا، بار خدایا! آنها را به من بازگردان.
 من نزدیک رفتم و به امام عليه السلام سلام کردم.
 امام عليه السلام فرمود: معلى هستی؟
 عرض کردم: آری، فدایت گردم!
 امام عليه السلام فرمود: با دست خود بگرد و هر چه پیدا کردی به من بده.
 ناگاه دیدم قرص های نان پراکنده شده اند. من آنها را جمع می کردم و به حضرتش
 می دادم، دیدم زنبیل بزرگی پراز نان است که من توان حمل آن را ندارم.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَحْمِلُهُ عَلَيَّ رَأْسِي؟
 فَقَالَ: لا، أَنَا أَوْلَىٰ بِهِ مِنْكَ، وَ لَكِنِ امْضِ مَعِي.
 قَالَ: فَأَتَيْنَا ظُلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ، فَإِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامٍ فَجَعَلَ يَدُسُّ الرَّغِيفَ وَ
 الرَّغِيفَيْنِ حَتَّىٰ أَتَىٰ عَلَيَّ أَخْرِهِمْ.
 ثُمَّ أَنْصَرَفْنَا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَعْرِفُ هَؤُلَاءِ الْحَقَّ؟!
 فَقَالَ: لَوْ عَرَفُوهُ لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذُّقَّةِ - وَ الذُّقَّةُ هِيَ الْمِلْحُ - إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ لَمْ
 يَخْلُقْ شَيْئًا إِلَّا وَ لَهُ خَازِنٌ يَخْزُنُهُ إِلَّا الصَّدَقَةَ، فَإِنَّ الرَّبَّ يَلِيهَا بِنَفْسِهِ.
 وَ كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا تَصَدَّقَ بِشَيْءٍ وَ ضَعَهُ فِي يَدِ السَّائِلِ، ثُمَّ ارْتَدَّهُ مِنْهُ، فَقَبَّلَهُ وَ
 شَمَّهُ، ثُمَّ رَدَّهُ فِي يَدِ السَّائِلِ.
 إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ تَمْحُو الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، وَ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ،
 وَ صَدَقَةَ النَّهَارِ تُثْمِرُ الْمَالَ، وَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ.

عرض کردم: جانم به قربانت! من آن را روی سرم حمل بکنم؟
 امام عليه السلام فرمود: نه، من بر حمل آن از تو شایسته‌ترم، ولی تو همراه من بیا.
 من همراه امام عليه السلام حرکت کردم، وقتی به سایبان بنی ساعده رسیدیم نیازمندانی را
 دیدم که همه در خواب بودند و امام عليه السلام زیر سر هر فرد، یک یا دو قرص نان می‌گذاشت، تا
 به آخرین نفر رسیدیم، آن گاه بازگشتیم.
 من عرض کردم: جانم به قربانت! آیا این‌ها حق را می‌شناسند؟
 امام عليه السلام فرمود: اگر حق را می‌شناختند در نمک غذا هم با آنها مواسات می‌کردیم. به
 راستی که خداوند متعال هر چیزی را که آفریده برای آن نگهدارنده‌ای قرار داده، مگر
 صدقه که پروردگار خود آن را می‌گیرد.
 پدرم عليه السلام همواره وقتی صدقه‌ای می‌داد، آن را در دست سائل قرار می‌داد، آن گاه آن را
 از سائل می‌گرفت و می‌بوسید و بو می‌کرد دوباره در دست سائل قرار می‌داد.
 آن گاه امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که صدقه در شب، خشم خدا را خاموش
 می‌کند و گناه بزرگ را نابود می‌کند و حساب روز قیامت را آسان می‌کند و صدقه در روز،
 مال را زیاد می‌کند و در عمر می‌افزاید.

إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْ مَرَّ عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ رَمَى بِقُرْصٍ مِنْ قُوْتِهِ فِي الْمَاءِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْحَوَارِيِّينَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ! لِمَ فَعَلْتَ هَذَا وَإِنَّمَا هُوَ مِنْ قُوْتِكَ؟ قَالَ: فَقَالَ: فَعَلْتُ هَذَا لِذَاتِهِ تَأْكُلُهُ مِنْ دَوَابِّ الْمَاءِ، وَتَوَابُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

(۵)

بَابُ فِي أَنْ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ، وَتَخْلِفُ بِالْبَرَكَاتِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَصَدَّقُوا! فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً، وَتَصَدِّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ!

به راستی که عیسی بن مریم علیه السلام هنگامی که از کنار دریایی می گذشت، قرص نانی را به دریا افکند.
یکی از یاران آن حضرت اعتراض کرد و گفت: ای روح الله و کلمه او! چرا چنین کردی؛ چرا که آن نان، غذای شما نبود؟!
حضرت عیسی علیه السلام فرمود: این کار به خاطر حیوان دریایی انجام دادم که او بخورد و پاداش این کار نزد خداوند بزرگ است.

بخش پنجم

صدقه موجب زیادی مال می شود

- ۱ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پرداخت صدقه موجب ادای قرض می شود و به مال برکت به جای می گذارد.
- ۲ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صدقه بدهید، زیرا که صدقه موجب زیادی مال می شود و صدقه بدهید تا این که مورد رحمت خداوند قرار بگیرید.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى قَالَ:
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِمُحَمَّدِ ابْنِهِ: يَا بُنَيَّ! كَمْ فَضَّلَ مَعَكَ مِنْ تِلْكَ النَّفَقَةِ؟
 قَالَ: أَرْبَعُونَ دِينَارًا.
 قَالَ: أَخْرُجْ فَتَصَدَّقْ بِهَا.
 قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مَعِيَ غَيْرُهَا.
 قَالَ: تَصَدَّقْ بِهَا، فَإِنَّ اللَّهَ تعالى يُخْلِفُهَا. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحًا وَ مِفْتَاحُ
 الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ، فَتَصَدَّقْ بِهَا.
 ففَعَلَ، فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَشْرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعِ أَرْبَعَةِ آلَافِ
 دِينَارٍ، فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! أَعْطَيْنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا، فَأَعْطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.
 ۴- قَالَ: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
 اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

۳- هارون بن عیسی گوید: امام صادق عليه السلام به فرزندش محمد فرمود: پسر من! از این هزینہ
 زندگی نزد تو چقدر اضافه مانده است؟
 عرض کرد: چهل دینار.
 امام صادق عليه السلام فرمود: آن را صدقه بده.
 فرزند امام عرض کرد: اضافه فقط همین چهل دینار است.
 امام صادق عليه السلام فرمود: چهل دینار را صدقه بده؛ زیرا که خداوند جایگزین می‌کند. آیا
 نمی‌دانی که هر چیزی را کلیدی است و کلید روزی صدقه است. آن را صدقه بده.
 فرزند امام صدقه داد، هنوز ده روز نگذشته بود که از جایی مبلغ چهار هزار دینار به امام
 رسید. حضرتش فرمود: فرزندم! ما چهل دینار برای خداوند دادیم، خداوند چهار هزار
 دینار به ما عنایت فرمود.
 ۴- موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
 روزی را با صدقه دادن فرو ریزید.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَحْسَنَ عَبْدًا صَدَقَةً فِي الدُّنْيَا إِلَّا أَحْسَنَ اللَّهُ الْخِلَافَةَ عَلَى وُلْدِهِ مِنْ بَعْدِهِ. وَقَالَ: حُسْنُ الصَّدَقَةِ يُفْضِي الدِّينَ، وَ يَخْلُفُ عَلَى الْبَرَكَاتِ.

(۶)

بَابُ الصَّدَقَةِ عَلَى الْقَرَابَةِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَصَلَ قَرِيبًا بِحَجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ، وَ كَذَلِكَ مَنْ حَمَلَ عَنْ حَمِيمٍ يُضَاعِفُ اللَّهُ لَهُ الْأَجْرَ ضِعْفَيْنِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟

۵ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر بنده‌ای که در دنیا صدقه را خوب پرداخت کند، خداوند جای‌گزین خوبی برای فرزندان او بعد از مرگش قرار خواهد داد. حضرتش فرمود: نیکو صدقه دادن موجب ادای بدهکاری می‌شود و برکت را جای‌گزین می‌کند.

بخش ششم

صدقه بر خویشاوندان

- ۱ - جابر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس یک حج، یا یک عمره از جانب فامیل خود به جا آورد و بدین وسیله صلّه رحم نماید، خداوند پاداش دو حج و دو عمره در نامه عمل او می‌نویسد. و هر کس بدهی خویشاوند خود را پرداخت نماید، خداوند دو برابر پاداش به خود او می‌دهد.
- ۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: برترین صدقه کدام است؟

قَالَ: عَلَى ذِي الرَّحِمِ الْكَاشِحِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَصِلَةُ الْإِخْوَانِ بِعَشْرِينَ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعَشْرِينَ.

(۷)

بَابُ كِفَايَةِ الْعِيَالِ وَ التَّوَسُّعِ عَلَيْهِمْ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَأَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْسَبُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ.

۲- وَ عَنْهُمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: صدقه بر خویشاوندی که کنیه توز و دشمن توست که در پنهانی دشمنی می کند.

۳- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود: پاداش صدقه ده برابر و پاداش قرض، هیجده برابر است و صله به برادران دینی بیست برابر و صله رحم بیست چهار برابر است.

بخش هفتم

هزینه زندگی خانواده و توسعه بر آنان

۱- ابو حمزه ثمالی گوید: امام سجّاد علیه السلام فرمود: خوشنودترین شمادر پیشگاه خداوند کسی است که از نظر زندگی بر خانواده اش توسعه دهد.

۲- محمد بن مسلم گوید: مردی به امام باقر علیه السلام گفت:

إِنَّ لِي ضَيْعَةً بِالْجَبَلِ اسْتَعْلَمْتُهَا فِي كُلِّ سَنَةٍ ثَلَاثَ آلَافِ دِرْهَمٍ، فَأُنْفِقُ عَلَى عِيَالِي مِنْهَا أَلْفِي دِرْهَمٍ، وَأَتَصَدَّقُ مِنْهَا بِأَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنْ كَانَتْ الْأَلْفَانِ تَكْفِيهِمْ فِي جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ لَسْتَيْتِهِمْ، فَقَدْ نَظَرْتَ لِنَفْسِكَ وَوَفَّقْتَ لِرُشْدِكَ وَأَجْرَيْتَ نَفْسَكَ فِي حَيَاتِكَ بِمَنْزِلَةٍ مَا يُوصِي بِهِ الْحَيُّ عِنْدَ مَوْتِهِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾. قَالَ: الْأَسِيرُ عِيَالُ الرَّجُلِ، يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا زِيدَ فِي النُّعْمَةِ أَنْ يَزِيدَ أُسْرَاءَهُ فِي السَّعَةِ عَلَيْهِمْ.

من در منطقه کوهستانی بوستانی دارم که هر ساله از اجاره آن سه هزار درهم عایدی دارم با دو هزار درهم آن مخارج خانوادهام را تأمین می‌کنم، و هزار درهم آن را در راه خدا صدقه می‌دهم.

امام باقر عليه السلام فرمود: اگر دو هزار درهم تمام نیازمندی‌های خانوادهات را کفایت کند، بسیار خوب است. در این صورت سود خودت را حفظ کرده‌ای و به راه رشد و صلاح موفق گشته‌ای، دیگران به هنگام مرگ وصیت می‌کنند که زاد و توشه‌ای برای آخرتشان بفرستند. و تو خود زاد و توشه آخرت را از پیش فرستاده‌ای.

۳- معمر بن خلاد گوید: امام ابوالحسن عليه السلام فرمود:

شایسته آن است که انسان بر هزینه خانواده و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را تمناً نکنند.

آن گاه حضرتش این آیه را تلاوت کرد که خدا می‌فرماید: «غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر می‌خورانند، با آن که خود اشتهای وافری دارند».

حضرتش فرمود: خانواده و عیال انسان، اسیر انسان هستند، شایسته آن است که چون نعمت خدا بر کسی وافر شود، بر اسیران خانواده‌اش وسعت دهد و بر رفاهیت آنان بیفزاید.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ فُلَانًا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ، فَمَنْعَهَا أُسْرَاءَهُ وَ جَعَلَهَا عِنْدَ فُلَانٍ، فَذَهَبَ اللَّهُ بِهَا.

قَالَ مُعَمَّرٌ: وَ كَانَ فُلَانٌ حَاضِرًا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَ ابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَنْ عِيَالِهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ، وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ.

حضرتش فرمود:

خداوند بر فلانی (که در آن مجلس حاضر بود) نعمت عطا کرد، اما او خانواده‌اش را از فیض نعمت الهی محروم کرد و عطای الهی را نزد دیگران به امانت سپرد، و خداوند امانت او را تباه کرد.

۴- ربیع بن یزید گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

دست دهنده و الاثر از دست گیرنده است، اما از خاندانت، آغاز کن.

۵- ابو نصر گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کسی که دارای نعمت است، بر او واجب است که در هزینه زندگی بر خانواده‌اش توسعه بدهد.

۶- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمن به اشتهای خانواده خود غذا می خورد و خانواده منافق به خواسته او غذا می خورند.

- ۷- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُوتُ عِيَالَهُ قُوتًا مَعْرُوفًا؟
 قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ النَّفْسَ إِذَا عَرَفَتْ قُوتَهَا قَنَعَتْ بِهِ وَتَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَعُولُهُ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْخَزَرَجِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ غُرَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
- مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ.
- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

- ۷- علی بن اسباط گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا پیامبر خدا ﷺ غذای معروف برای خانواده خود فراهم می‌کرد؟
 فرمود: آری، زیرا هر گاه غذای نفس انسان آماده باشد، به آن غذا قانع می‌گردد و گوشت بدنش از آن می‌روید.
- ۸- هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 ضایع کردن خانواده و عیال، بهترین گناه انسان است.
- ۹- علی بن غراب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 هر کس بار زندگی خود را بردوش دیگران تحمیل کند، ملعون است، ملعون است. هر که خانواده خود را ضایع و بی‌نوا بگذارد، ملعون است، ملعون است.
- ۱۰- ابو حمزه گوید: امام سجّاد علیه السلام فرمود:

لَأَنْ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ دَرَاهِمٌ أُبْتِئِعُ بِهِ لِعِيَالِي لِحِمَاءٍ وَ قَدْ قَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ غَادِيًا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَيْنَ تَذْهَبُ؟

فَقَالَ: أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِي.

قِيلَ لَهُ: أَتَتَصَدَّقُ؟

قَالَ: مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ ﷻ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ ﷻ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ، وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ.

اگر وارد بازار شوم و همراه من پولی باشد که برای خانواده ام گوشت بخرم که بدان نیاز شدید دارند، برای من محبوب تر است که بنده ای آزاد کنم.

۱۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امام سجّاد علیه السلام همواره اول صبح برای کار و زندگی از خانه بیرون می رفت.

مردی پرسید: در این صبح اول وقت کجا می روید؟

فرمود: می روم تا برای خانواده ام صدقه بگیرم.

آن مرد گفت: واقعاً برای صدقه می روید؟

فرمود: هر کس به جست و جو برخیزد و روزی حلالی را تحصیل کند، چنان است که از خداوند ﷻ صدقه دریافت کرده باشد.

۱۲ - عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

مؤمن ادب را از خداوند فرا می گیرد، اگر خداوند روزی او را زیاد کرد، او هم بر

خانواده اش گشایش می دهد و اگر خداوند روزی او را تنگ گرفت، او نیز تنگ می گیرد.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيْمَ عَلَى عِيَالِهِ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ قُوَّةِ عِيَالِهِ فِي الشِّتَاءِ، وَ يَزِيدَ فِي وَقُودِهِمْ.

(۸)

بَابُ مَنْ يَلْزَمُ نَفَقَتَهُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مَنْ الَّذِي أَحْتَنُّ عَلَيْهِ وَ تَلْزَمُنِي نَفَقَتُهُ؟
قَالَ: الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدُ وَالزَّوْجَةُ.

۱۳ - معاذبن کثیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از سعادت انسان است که خود شخصاً امور خانواده اش را اداره کند.

۱۴ - یاسر خادم گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

شایسته است که مؤمن در فصل زمستان از هزینه زندگی خانواده خود بکاهد و بر هزینه وسایل گرمازا بیفزاید.

بخش هشتم

اهل نفقه

۱ - حریز گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: غمگسار چه کسی باشم و مخارج چه کسی را به

طور حتم بپردازم؟

فرمود: پدر و مادر، فرزند و همسر.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَيْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: خُذُوا بِتَفَقُّهِ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنْهُ مِنَ الْعَشِيرَةِ كَمَا يَأْكُلُ مِيرَاثَهُ.
- ۳ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَنْ يَلْزَمُ الرَّجُلَ مِنْ قَرَابَتِهِ مِمَّنْ يُنْفِقُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدَةُ وَالزَّوْجَةُ.

(۹)

بَابُ الصَّدَقَةِ عَلَى مَنْ لَا تَعْرِفُهُ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَطْعِمُ سَائِلًا لَا أَعْرِفُهُ مُسْلِمًا.

- ۲ - غياث بن ابراهيم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کودک یتیمی را خدمت امیرمؤمنان علی صلوات الله عليه آوردند، حضرتش فرمود: هزینه این کودک به عهده نزدیکترین فامیل اوست، چنان که ارث او به نزدیکترین فامیل او خواهد رسید.
- ۳ - محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: نفقه چه کسانی از خویشاوندان بر انسان واجب است؟ فرمود: نفقه پدر و مادر، فرزند و همسر واجب است.

بخش نهم

صدقه بر ناشناس

- ۱ - صیرفی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فقیری را که نمی دانم مسلمان است می توان صدقه داد؟

فَقَالَ: نَعَمْ، أَعْطِ مَنْ لَا تَعْرِفُهُ بِوَلَايَةِ وَلَا عَدَاوَةٍ لِلْحَقِّ، إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿وَقُولُوا
 لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ وَلَا تُطْعِمُ مَنْ نَصَبَ لِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ، أَوْ دَعَا إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ.
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ
 النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ السَّائِلِ يَسْأَلُ وَلَا يُدْرَى مَا هُوَ؟
 قَالَ: أَعْطِ مَنْ وَقَعَتْ لَهُ الرَّحْمَةُ فِي قَلْبِكَ.
 وَ قَالَ: أَعْطِ دُونَ الدَّرْهِمِ.
 قُلْتُ: أَكْثَرَ مَا يُعْطَى؟
 قَالَ: أَرْبَعَةٌ دَوَانِيقَ.

فرمود: آری، کسی را که نمی‌دانی دوست یا دشمن حق است، غذا بده، زیرا خداوند
 می‌فرماید: «و به مردم نیک بگویند» ولی هر که با حق در ستیز است، یا به طرف باطل
 فرامی‌خواند - گر چه اندک باشد - اطعامش نکن.
 ۲ - فضل نوفلی گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدند: سائلی که گدایی می‌کند و ناشناخته
 است آیا می‌توان چیزی به او داد؟
 فرمود: هر که در قلب تو مورد رحمت قرار گرفت صدقه بده.
 حضرتش فرمود: کمتر از یک درهم بده.
 عرض کردم: بیشترین مقداری که می‌توان داد چقدر است؟
 فرمود: چهار دانق.

(۱۰)

بَابُ الصَّدَقَةِ عَلَى أَهْلِ الْبَوَادِي وَ أَهْلِ السَّوَادِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّدَقَةِ عَلَى أَهْلِ الْبَوَادِي وَ السَّوَادِ.
فَقَالَ: تَصَدَّقْ عَلَى الصَّبِيَّانِ وَ النَّسَاءِ وَ الزَّمْنَى وَ الضُّعْفَاءِ وَ الشُّيُوخِ.
وَ كَانَ يَنْهَى عَنْ أَوْلِيَاكَ الْجَمَانِينَ يَعْنِي أَصْحَابَ الشُّعُورِ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ مِنْهَالِ الْقَصَابِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَعْطِ الْكَبِيرَ وَ الْكَبِيرَةَ وَ الصَّغِيرَ وَ الصَّغِيرَةَ، وَ مَنْ وَقَعَتْ لَهُ فِي قَلْبِكَ رَحْمَةٌ، وَ إِيَّاكَ وَ كُلَّ وَ قَالَ بِيَدِهِ وَ هَزَّهَا.

بخش دهم**صدقه بر صحرانشینان**

- ۱ - عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: صدقه دادن بر صحرانشینان و کسانی که در آبادی‌های بیابان زندگی می‌کنند (چه حکمی دارد؟)
فرمود: بر کودکان، و زنان، زمین گیران، ناتوانان و سالمندان صدقه بدهید.
امام عليه السلام از صدقه دادن بر کسانی که موهای سرشان بلند بود، نهی می‌فرمود.
۲ - منهال قصاب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
به پیرمرد، پیرزن، پسر بچه و دختر بچه و هر که در دلت مورد رحمت قرار گرفت، صدقه بده و دوری کن از صدقه دادن به هر که از دشمنان ماست.
امام عليه السلام به دست مبارک خود اشاره کرد و آن را حرکت داد (کنایه از این که به چنین فردی از مخالفان ما صدقه ندهید).

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ السَّوَادِ يَفْتَحُمُونَ عَلَيْنَا وَ فِيهِمُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسُ، فَتَتَصَدَّقُ عَلَيْهِمْ؟
فَقَالَ: نَعَمْ.

(۱۱)

بَابُ كَرَاهِيَةِ رَدِّ السَّائِلِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لا تَقْطَعُوا عَلَى السَّائِلِ مَسْأَلَتَهُ، فَلَوْلَا أَنَّ الْمَسَاكِينَ يَكْذِبُونَ مَا أَفْلَحَ مَنْ رَدَّهُمْ.
۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَعْطِ السَّائِلَ، وَ لَوْ كَانَ عَلَى ظَهْرِ فَرَسٍ.

۳- ابو نصر گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: صحرانشینان برای گرفتن صدقه به ما هجوم می آورند، در بین آنها یهودی، مسیحی و مجوس است، آیا می توان بر آنها صدقه داد؟
فرمود: آری.

بخش یازدهم

کراهیت رد سائل

۱- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: درخواست دریوزگان را قطع نکنید، زیرا اگر دریوزگان دروغ نمی گفتند، هر که آنها را رد می کرد، رستگار نمی شد.
۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
به گدای دریوزه چیزی عطا کن، گر چه سوار اسبی باشد.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ ﷻ بِهِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: يَا مُوسَى! أَكْرِمِ السَّائِلَ بِبَدَلٍ يَسِيرٍ أَوْ بَرْدٍ جَمِيلٍ، لِأَنَّهُ يَأْتِيكَ مَنْ لَيْسَ بِإِنْسٍ وَ لَا جَانٍّ مَلَائِكَةٌ مِنْ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَانِ يَبْلُغُونَكَ فِيمَا خَوَّلْتُكَ وَ يَسْأَلُونَكَ عَمَّا نَوَّلْتُكَ، فَانظُرْ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ يَا ابْنَ عَمْرَانَ؟

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: حَضَرْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَوْمًا حِينَ صَلَّى الْعِدَّةَ فَإِذَا سَائِلٌ بِالْبَابِ. فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: أَعْطُوا السَّائِلَ وَ لَا تَرُدُّوا سَائِلًا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَيْمَانَ بْنِ مُحَرَّرٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

۳ - وصافی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: در مناجات حضرت موسی عليه السلام با خداوند متعال آمده است: خطاب رسید: ای موسی! گدای دریوزه را یا با بخشش اندک یا با رد زیبا و محترمانه گرامی بدار. چرا که کسی نزد تو می آید، نه انسان است نه پری، بلکه فرشته ای از فرشتگان خدای رحمان است، در آن چه به تو عنایت کرده ام تو را می آزماید و از آن چه به تو ارزانی داشته ام، درخواست می کند. ای پسر عمران! بنگر که چگونه با او رفتار می نمایی؟!

۴ - سعید بن مسیب گوید: روزی بامدادان به هنگام نماز صبح خدمت امام سجاد عليه السلام حضور داشتم که سائلی در زد.

امام باقر عليه السلام فرمود: چیزی به سائل بدهید و سائل را دست خالی رد نکنید.

۵ - زید شحام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَا مَنَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَائِلًا قَطُّ أَنْ كَانَ عِنْدَهُ أُعْطِيَ وَإِلَّا قَالَ: يَا تَبِيَّ اللَّهُ بِهِ.
 ۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
 لَا تَرُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظُلْفٍ مُّخْتَرِقٍ.

(۱۲)

بَابُ قَدْرِ مَا يُعْطَى السَّائِلَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ:
 كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَجَاءَهُ سَائِلٌ، فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ
 جَاءَهُ آخَرُ فَأَعْطَاهُ ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ.
 فَقَالَ: يَسْعُ اللَّهُ عَلَيْكَ.

هرگز پیامبر خدا ﷺ سائلی را رد نفرمود، اگر چیزی نزدش بود به او عطا می کرد و گر نه می فرمود: خداوند به تو احسان کند.

۶- حفص بن عمر گوید: امام صادق ع فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:
 سائل فقیر را رد نکنید، گر چه به دادن پوست سوخته گوسفند باشد.

بخش دوازدهم

اندازه اعطای به سائل

۱- ولید بن صبیح گوید: در خدمت امام صادق ع بودم که فقیری آمد. امام ع چیزی
 به او داد. دوباره شخص دیگری آمد. امام ع چیزی به او داد. دوباره شخص دیگری آمد،
 امام ع چیزی به او داد. باز شخص دیگری آمد و امام صادق ع فرمود: خداوند برای تو
 گشایش بدهد.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهَا إِلَّا وَضَعَهَا فِي حَقِّ لِفْعَلٍ فَيَبْقَى لَا مَالَ لَهُ فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ.

قُلْتُ: مَنْ هُمْ؟

قَالَ: أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ! ارزُقْنِي.

فَقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ سَبِيلًا إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ؟

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي السُّؤَالِ:

أَطْعَمُوا ثَلَاثَةً إِنْ شِئْتُمْ أَنْ تَزْدَادُوا فَازْدَادُوا وَإِلَّا فَقَدْ أَدَيْتُمْ حَقَّ يَوْمِكُمْ.

آن گاه امام عليه السلام فرمود: اگر مردی دارای مالی باشد مقدار آن به سی یا چهل هزار درهم برسد، اگر بخواهد چیزی از آن مال نماند مگر این که در راه حق مصرف کند و چیزی از آن برای خودش نماند، همه آن را مصرف کند. پس جزو آن سه نفری خواهد بود که دعای آنها قبول نمی شود.

عرض کردم: آنها کدام افراد هستند؟

فرمود: یکی از آنها کسی است که مال داشته باشد و آن را در غیر جایش مصرف کند.

آن گاه گوید: خدایا! برای من روزی بده .

خداوند به او می فرماید: آیا ما برای تو راهی جهت طلب روزی قرار ندادیم؟

۲- ابو حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

اگر فقیری درخواست کرد، تا سه مرتبه به او اطعام نمایید و اگر از سه مرتبه بیشتر طعام

دادید، اشکال ندارد و اگر نه حق یک روز را انجام دادید.

(۱۳)

بَابُ دُعَاءِ السَّائِلِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَغَيْرِهِ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ:
- إِذَا أُعْطِيتُمُوهُمْ فَلَقُّوهُمْ الدُّعَاءَ، فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ لَهُمْ فِيكُمْ وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
- لَا تُحَقِّرُوا دَعْوَةَ أَحَدٍ، فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لِلْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ فِيكُمْ، وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ.

بخش سیزدهم

دعای سائل

- ۱- راوی گوید: حضرتش فرمود:
- آن گاه که به فقیر چیزی می دهید وادار نمایید که دعا کند، زیرا دعای آنها درباره شما قبول است، اگر چه دعای آنها در حق خودشان قبول نیست.
- ۲- حسن بن جهم گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
- دعا هیچ کس را کوچک نشمارید گرچه فقیر یهودی و مسیحی باشد، دعای آنها درباره شما قبول است ولی در حق خودشان قبول نیست.

(۱۴)

بَابُ أَنَّ الَّذِي يَقْسِمُ الصَّدَقَةَ شَرِيكَ صَاحِبِهَا فِي الْأَجْرِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ:

دَفَعُ إِلَيَّ شَهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ دَرَاهِمَ مِنَ الزَّكَاةِ أَقْسَمَهَا فَأَتَيْتُهُ يَوْمًا فَسَأَلَنِي هَلْ قَسَمْتَهَا؟

فَقُلْتُ: لَا.

فَأَسْمَعَنِي كَلَامًا فِيهِ بَعْضُ الْغِلْظَةِ، فَطَرَحْتُ مَا كَانَ بَقِيَ مَعِيَ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ قُتْمْتُ مُغْضَبًا.

فَقَالَ لِي: ارْجِعْ حَتَّى أُحَدِّثَكَ بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام.
فَرَجَعْتُ فَقَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي إِذَا وَجَدْتُ زَكَاتِي أَخْرَجْتُهَا فَأَدْفَعُ مِنْهَا إِلَى مَنْ أَتَقُّ بِهِ يَقْسِمُهَا؟

بخش چهاردهم**کسی صدقه را تقسیم می‌کند با صاحب صدقه شریک است**

۱ - صالح بن وزین گوید: شهاب بن عبد ربیه چند درهم از زکات به من داد که تقسیم کنم، روزی نزد او رفتم، گفت: آیا درهم‌ها را تقسیم کردی؟
گفتم: نه.

او سخنان تندی به من گفت، من درهم‌هایی را که پیش من بود برگرداندم و با خشم برخاستم.

او گفت: برگرد تا سخنی را که از امام صادق عليه السلام شنیده‌ام، به تو بازگویم.
من برگشتم، شهاب گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر زکات مال خود را جدا کردم آیا می‌توانم قسمتی از آن را به فرد مورد اطمینان بدهم که تقسیم کند؟

قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِذَلِكَ أَمَا إِنَّهُ أَحَدُ الْمُعْطِينَ.

قَالَ صَالِحٌ: فَأَخَذْتُ الدَّرَاهِمَ حَيْثُ سَمِعْتُ الْحَدِيثَ فَقَسَمْتُهَا.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي نَهْشَلٍ عَمَّنْ

ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَوْ جَرَى الْمَعْرُوفُ عَلَى ثَمَانِينَ كَفَّالًا لَجُرُوا كُلُّهُمْ فِيهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ صَاحِبُهُ

مِنْ أَجْرِهِ شَيْئًا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ

دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الدَّرَاهِمَ يُقَسِّمُهَا. قَالَ:

يَجْرِي لَهُ مَا يَجْرِي لِلْمُعْطَى وَلَا يُنْقَصُ الْمُعْطَى، مِنْ أَجْرِهِ شَيْئًا.

فرمود: آری، این کار اشکال ندارد، و آن کسی که زکاة را تقسیم می‌کند او هم از زکاة

دهندگان شمرده می‌شود.

صالح می‌گوید: من وقتی این حدیث را شنیدم، درهم‌ها را پس گرفتم و تقسیم کردم.

۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر کار خوب به دست هشتاد نفر انجام بگیرد، همه آنها پاداش دارند بدون این که از

پاداش صاحب مال کاسته شود.

۳ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی واسطه شود تا زکات دیگران را

بین فقرا و مستمندان تقسیم کند، فرمود:

واسطه تقسیم، به پاداشی می‌رسد که صاحب زکات خواهد رسید، بدون این که اجر و

پاداش صاحب مال نقصان یابد.

(۱۵)

بَابُ الْإِيثَارِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ لَيْسَ عِنْدَهُ إِلَّا قُوْتُ يَوْمِهِ أَيْعِطُفُ مَنْ عِنْدَهُ قُوْتُ يَوْمِهِ عَلَى مَنْ لَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ وَ يَعْطِيفُ مَنْ عِنْدَهُ قُوْتُ شَهْرٍ عَلَى مَنْ دُونَهُ وَ السَّنَةُ عَلَى نَحْوِ ذَلِكَ أَمْ ذَلِكَ كُلُّهُ الْكَفَافُ الَّذِي لَا يُلَامُ عَلَيْهِ. فَقَالَ: هُوَ أَمْرٌ إِنَّ أَفْضَلَ لَكُمْ فِيهِ أَحْرَصُكُمْ عَلَى الرَّغْبَةِ وَ الْأَثَرَةِ عَلَى نَفْسِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» وَ الْأَمْرُ الْآخِرُ لَا يُلَامُ عَلَى الْكَفَافِ، وَ الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَ ابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ.

بخش پانزدهم

ایثار و از خود گذشتگی

۱ - سماعه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که قوت روزانه دارد، باید با کسی که قوت لایموت ندارد، مواسات کند؟ کسی که مخارج یک ماه خود را دارد، باید با فقیرتر از خود مواسات کند؟ کسی که هزینه یک سال خود را در حد کفاف دارد، باید با کسی که هزینه یک سال خود را ندارد، مواسات کند؟ یا نه اگر مواسات نکند، ملامتی بر او نیست، زیرا از سر حد کفاف خود افزون نداشته است؟

فرمود: هر دو راه بهتر است. البته برترین فرد کسی است که در کار نیک راغب و کوشا باشد و دیگران را بر خود برگزیند، چرا که خداوند می فرماید: «دیگران را بر خود مقدم می دارند، با آن که خود محتاج و بی نوایند» کسی که از حد کفاف خود افزون ندارد، مورد ملامت نخواهد بود، دست دهنده والاتراز دست گیرنده است. اما از خاندانت، آغاز کن.

۲- قَالَ: وَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ بُنْدَارِ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّبْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدِ السَّائِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَوْ صِنِّي.

فَقَالَ: أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ. ثُمَّ سَكَتَ، فَشَكَّوْتُ إِلَيْهِ قِلَّةَ ذَاتِ يَدِي وَ قُلْتُ: وَ اللَّهُ، لَقَدْ عَرِيتُ حَتَّى بَلَغَ مِنْ عُرْيَتِي أَنَّ أَبَا فَلَانٍ نَزَعَ ثَوْبَيْنِ كَانَا عَلَيْهِ وَ كَسَانِيهِمَا. فَقَالَ: صُمْ وَ تَصَدَّقْ!

قُلْتُ: أَتَصَدَّقُ مِمَّا وَ صَلَنِي بِهِ إِخْوَانِي، وَ إِنْ كَانَ قَلِيلًا؟ قَالَ: تَصَدَّقْ بِمَا رَزَقَكَ اللَّهُ، وَ لَوْ آثَرْتَ عَلَي نَفْسِكَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟

قَالَ: جُهْدُ الْمُقِلِّ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عز وجل: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ تَرَى هَاهُنَا فَضْلًا.

۲- علی بن سؤید سائی گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: به من سفارشی بفرمایید. فرمود: تو را به تقوای خدا سفارش می‌کنم. آن‌گاه امام سکوت کرد. من به حضرتش از ناداری و تنگ دستی شکایت کردم و عرض کردم: به خدا سوگند! آن چنان برهنه شدم که جریان به ابا فلان رسید و او دو دست لباس که پوشیده بود از تنش بیرون کرد و به من پوشانید. فرمود: روزه بگیر و صدقه بده!

عرض کردم: از آن مالی که برادرانم به من داده‌اند، صدقه بدهم، گرچه اندک باشد؟ فرمود: از آن چه خداوند به تو روزی کرده است، صدقه بده، اگر چه دیگران را بر خودت مقدم بداری.

۳- ابو بصیر گوید: به امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) عرض کردم: کدامین صدقه با فضیلت‌تر است.

فرمود: صدقه و کوشش کسی که مال اندکی دارد، مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمندند» آیا این جا فضیلتی می‌بینی؟

(۱۶)

بَابُ مَنْ سَأَلَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ضَمِنْتُ عَلَى رَبِّي أَنَّهُ لَا يَسْأَلُ أَحَدٌ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ الْمَسْأَلَةُ يَوْمَ مَا إِلَيَّ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجَةٍ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ قَالَ: مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ مَسْأَلَةٍ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ.

بخش شانزدهم

کسی که بدون نیاز سؤال کند

- ۱ - مالک بن عطیه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از جانب پروردگارم ضمانت می‌کنم که فردی که بدون نیاز سؤال کند خداوند او را ناچار نماید که روزی از روی نیاز گدایی کند.
- ۲ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حضرت امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از سخن پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی کنید؛ زیرا که آن حضرت فرمود: هر که بر خود دری از سؤال را باز کند، خداوند بر او دری از فقر و نیاز را باز خواهد کرد.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ حُصَيْنِ السَّكُونِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْأَلُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ فَيَمُوتُ حَتَّى يُحَوِّجَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ يُنَبِّتَ اللَّهُ لَهُ بِهَا النَّارَ.

(۱۷)

بَابُ كَرَاهِيَةِ الْمَسْأَلَةِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَّادٍ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَ سُؤَالَ النَّاسِ، فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا، وَ فَقْرٌ تُعْجَلُونَهُ، وَ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

۳- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر بنده‌ای که بدون نیاز سؤال کند، نمی‌میرد مگر این که خداوند او را نیازمند کند و آتش بر او نوشته می‌شود.

بخش هفدهم

کراهت درخواست

- ۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
از سؤال کردن از مردم دوری کنید؛ زیرا که آن، موجب خواری در دنیا، ناداری با شتاب و صاحب حساب طولانی در روز قیامت است.
- ۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

يَا مُحَمَّدُ! لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدًا أَحَدًا وَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطِي
مَا فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدًا أَحَدًا.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ
رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْأَيْدِي ثَلَاثٌ: يَدُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَ يَدُ الْمُعْطِي الَّتِي تَلِيهَا وَ يَدُ الْمُعْطَى أَسْفَلَ الْأَيْدِي.
فَاسْتَعْفُوا عَنِ السُّؤَالِ مَا اسْتَطَعْتُمْ إِنَّ الْأَرْزَاقَ دُونَهَا حُجُبٌ. فَمَنْ شَاءَ قَنَى
حَيَاءَهُ وَ أَخَذَ رِزْقَهُ وَ مَنْ شَاءَ هَتَكَ الْحِجَابَ وَ أَخَذَ رِزْقَهُ.

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلًا ثُمَّ يَدْخُلَ عَرَضَ هَذَا الْوَادِي
فَيَحْتَطِبَ حَتَّى لَا يَلْتَقِيَ طَرْفَاهُ ثُمَّ يَدْخُلَ بِهِ السُّوقَ فَيَبِيعَهُ بِمُدٍّ مِنْ تَمْرٍ وَ يَأْخُذُ
ثُلُثَهُ وَ يَصَدَّقَ بِثُلُثَيْهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ حَرَمُوهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ
بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

ای محمد! اگر گدای دریوزه بداند چه نکبتی در گدایی نهفته است، دست خود را پیش
کسی دراز نمی‌کند. اگر بخشنده باعطا بداند چه سعادت در عطا و بخشش نهفته است،
هیچ گاه کسی را محروم نخواهد ساخت.

۳- احمد بن نصر در حدیث مرفوعه‌ای گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

دست‌ها سه گونه‌اند: دست خدا که بالا قرار دارد و فروتر از آن دست کسی است که
صدقه می‌دهد و بعد از آن دست کسی که صدقه می‌گیرد.

پس تمامی توانید از در خواست امتناع ورزید، زیرا که بر روزی‌ها پرده‌ای است و هر که خواست
حیا کند روزی خود را می‌گیرد و هر که حیا نداشت پرده را پاره می‌کند و روزی خود را می‌گیرد.
به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست سوگند! اگر یکی از شما طنابی به دست
گیرد و در این بیابان ببیند و هیزم جمع کند تا آن که این طرف طناب را به آن طرفش نرسد
و آن گاه وارد بازار شود و آن را در مقابل یک مدّ از خرما بفروشد و یک سوم آن را برای خود
بردارد و دو سوم آن را صدقه بدهد، بهتر است از آن مردم سؤال کند. معلوم نیست که
چیزی به او بدهند یا محرومش سازند.

۴- ابراهیم بن عثمان گوید: امام صادق ﷺ فرمود رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ شَيْئًا لِنَفْسِهِ وَأَبْغَضُهُ لِحَلْقِهِ، أْبْعَضَ لِحَلْقِهِ الْمَسْأَلَةَ
وَأَحَبَّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ ﷻ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ، فَلَا يَسْتَحْبِي
أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ وَ لَوْ بِشَيْءٍ نَعَلٍ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

جَاءَتْ فَخِذٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ.

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَنَا إِلَيْكَ حَاجَةٌ.

فَقَالَ: هَاتُوا حَاجَتَكُمْ.

قَالُوا: إِنَّهَا حَاجَةٌ عَظِيمَةٌ.

فَقَالَ: هَاتُوهَا مَا هِيَ؟

قَالُوا: تَضَمَّنْ لَنَا عَلَى رَبِّكَ الْجَنَّةَ؟

خداوند تبارک و تعالی، صفتی را بر خود محبوب و بر آفریدگانش مبعوض داشته است؛
گدایی و دریوزگی را در برابر خود، محبوب می‌شمارد و در برابر دیگران مبعوض می‌دارد.
هیچ عبادتی به درگاه خدا بالاتر از این نیست که دست طلب بردارند و از پیشگاه او مسألت
نمایند. مبدا کسی از گدایی درگاه خدا شرم کند، گرچه به خاطر یک بند کفش باشد.

۵ - ابی بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: گروهی از انصار خدمت پیامبر خدا ﷺ

رسیدند، سلام عرض کردند و پیامبر خدا ﷺ جواب فرمود.

عرض کردند: ای رسول خدا! ما به شما حاجتی داریم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: بگوئید، حاجت شما چیست؟

عرض کردند: حاجت بزرگی است.

فرمود: بگوئید چیست؟

عرض کردند: حاجت ما این است که از جانب خدا بهشت را بر ما ضمانت کنید.

قَالَ: فَنَكَسَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَأْسَهُ، ثُمَّ نَكَتَ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ: أَفَعَلُ ذَلِكَ بِكُمْ عَلَى أَنْ لَا تَسْأَلُوا أَحَدًا شَيْئًا؟

قَالَ: فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي السَّفَرِ فَيَسْقُطُ سَوْطُهُ فَيَكْرَهُ أَنْ يَقُولَ لِلْإِنْسَانِ: نَاوِلْنِيهِ، فِرَارًا مِنَ الْمَسْأَلَةِ، فَيَنْزِلُ فَيَأْخُذُهُ، وَ يَكُونُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَيَكُونُ بَعْضُ الْجُلَسَاءِ أَقْرَبَ إِلَى الْمَاءِ مِنْهُ فَلَا يَقُولُ: نَاوِلْنِي حَتَّى يَقُومَ فَيَشْرَبُ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا عَفَّ وَ تَعَفَّفَ، وَ كَفَّ عَنِ الْمَسْأَلَةِ، فَإِنَّهُ يَتَعَجَّلُ الدِّيَّةَ فِي الدُّنْيَا، وَ لَا يُعِينِي النَّاسُ عَنْهُ شَيْئًا.

قَالَ: ثُمَّ تَمَثَّلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ بَيْتِ حَاتِمِ:

إِذَا مَا عَرَفْتُ الْيَأْسَ الْغَيْثُ الْغِنَى إِذَا عَرَفْتَهُ النَّفْسُ وَ الطَّمَعُ الْفَقْرُ

پیامبر خدا ﷺ سر مبارک را به زیر انداخت و بعد از آن با تازیانه‌ای که در دست داشت، زمین را خط کشی نمود (که این نشانه غم و فکر است) بعد از آن سر مبارک را بلند کرد و فرمود: من این کار را برای شما انجام می‌دهم به شرط این که شما نیز از هیچ کس سؤال نکنید. راوی می‌گوید: این گروه از انصار طوری زندگی می‌کردند که اگر در مسافرت تازیانه یکی از آنها از دستش بر زمین می‌افتاد، دوست نداشت کسی که کنار او بود به او بگوید: تازیانه را به من بده، چرا که از سؤال کردن می‌ترسید و خودش پیاده شده و تازیانه را می‌گرفت و اگر یکی از آنها بر سفره غذا می‌نشست و بعضی از همنشینان او نزدیک آب بودند، به او نمی‌گفت: به من آب بده و خودش بلند می‌شد و آب می‌خورد.

۶- حسین ابن ابی العلاء گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که عفت داشته باشد و خود را به صورت آدم‌های با عفت درآورد و از سؤال کردن خود را نگهدارد، زیرا که سؤال کردن پستی در دنیا را نزدیک می‌کند، مردم او را از هیچ چیزی بی‌نیاز نمی‌کنند.

آن‌گاه امام ﷺ به شعر حاتم مثال زد و فرمود: اگر انسان حقیقت ناامیدی از مردم را درک کند ناامیدی را ثروت می‌یابد و اگر انسان آن را درک کند و طمع داشته باشد؛ همان ناداری است.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ قَيْسِ بْنِ رُمَّانَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَذَكَرْتُ لَهُ بَعْضَ حَالِي.

فَقَالَ: يَا جَارِيَةَ! هَاتِ ذَلِكَ الْكَيْسَ هَذِهِ أَرْبَعُمِائَةٍ دِينَارٍ وَصَلَنِي بِهَا أَبُو جَعْفَرٍ فَخَذَهَا وَتَفَرَّجَ بِهَا.

قَالَ: فَقُلْتُ: لَا وَاللَّهِ، جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا هَذَا دَهْرِي، وَ لَكِنْ أَحْبَبْتُ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِي.

قَالَ: فَقَالَ: إِنِّي سَأَفْعَلُ، وَ لَكِنْ إِيَّاكَ أَنْ تُخْبِرَ النَّاسَ بِكُلِّ حَالِكَ فَتَهُونَ عَلَيْهِمْ.

۸- وَ رُوِيَ عَنْ لُقْمَانَ أَنَّهُ قَالَ لِابْنِهِ:

يَا بُنَيَّ! ذُقْتُ الصَّبْرَ وَ أَكَلْتُ لِحَاءَ الشَّجَرِ فَلَمْ أَجِدْ شَيْئًا هُوَ أَمْرٌ مِنَ الْفَقْرِ، فَإِنْ بَلَيْتَ بِهِ يَوْمًا وَ لَا تُظْهِرِ النَّاسَ عَلَيْهِ فَيَسْتَهَيِّنُوكَ، وَ لَا يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، اِرْجِعْ إِلَى الَّذِي ابْتَلَاكَ بِهِ فَهُوَ أَقْدَرُ عَلَيَّ فَارْجِكْ وَ سَلِّهِ مِنْ ذَا الَّذِي سَأَلَهُ، فَلَمْ يُعْطِهِ أَوْ وَثِقْ بِهِ فَلَمْ يُنْجِهِ.

۷- مفضل بن قیس گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدم و از پریشانی روزگارم نالیدم.

حضرتش به خادم خود فریاد زد که آن کیسه را بیاور. و آن کیسه را به من داد و فرمود: در این کیسه چهارصد دینار طلا است که ابو جعفر خلیفه عباسی به من داده است. با این پولها به زندگی خود سرو سامان بده.

گفتم: نه به خدا سوگند! قربانت شوم! من برای جلب کمک، حال و روز خود را برملا نکردم. دوست داشتم که برای من دعا کنید.

فرمود: به زودی برایت دعا خواهم کرد، ولی مبادا مردم را از پریشان حالی خود باخبر سازی که در چشم آنان خوار و بی مقدار می شوی.

۸- راوی گوید: لقمان به فرزندش گفت: ای پسر! صبر را چشیدم و پوست درخت را خوردم چیزی تلخ تر از ناداری نیافتم و اگر روزی به ناداری آزمایش شدی، مردم را از آن آگاه نکن که تو را سبک می شمارند و هیچ منفعتی به تو نمی رسانند. به سوی کسی برگرد که او برگشایش کار تو قدرت دارد و از کسی سؤال کن هر که از او سؤال نمود رد نکرد و هر که به او اطمینان پیدا کرد، نجات داد.

(۱۸)

بَابُ الْمَنِّ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهْتُهَا لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَاتَّبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي مِنْهَا الْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَنُّ يَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ.

بخش هیجدهم

مَنْتْ نِهَادِن

- ۱ - اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند تبارک و تعالی برای من شش صفت را کراحت داشتند و من نیز آنها را برای جانشینان از فرزندانم و پیروان آنها مکروه می‌دارم که یکی از آنها منت نهادن بعد از صدقه است.
- ۲ - احمد بن ابی عبدالله در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مَنْتْ نِهَادِن پاداش صدقه و نیکی را نابود می‌سازد.

(۱۹)

بَابُ مَنْ أُعْطِيَ بَعْدَ الْمَسْأَلَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بَعَثَ إِلَى رَجُلٍ بِخَمْسَةِ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمْرٍ الْبَغْيِيغَةِ،
 وَكَانَ الرَّجُلُ مَمَّنْ يَرْجُو نَوَافِلَهُ وَ يُؤْمَلُ نَائِلُهُ وَ رِفْدُهُ، وَ كَانَ لَا يَسْأَلُ عَلِيًّا عليه السلام وَ لَا
 غَيْرَهُ شَيْئًا.
 فَقَالَ رَجُلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَ اللَّهُ، مَا سَأَلْتُ فَلَانًا وَ لَقَدْ كَانَ يُجْزِيهِ مِنْ
 الْخَمْسَةِ الْأَوْسَاقِ وَ سَقَى وَاحِدًا.
 فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا كَثَّرَ اللَّهُ فِي الْمُؤْمِنِينَ ضَرْبَكَ أُعْطِيَ أَنَا وَ تَبَخَّلُ
 أَنْتَ لِلَّهِ أَنْتَ، إِذَا أَنَا لَمْ أُعْطِ الَّذِي يَرْجُونِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ الْمَسْأَلَةِ ثُمَّ أُعْطِيَهِ بَعْدَ الْمَسْأَلَةِ.

بخش نوزدهم

پرداخت پس از درخواست

۱ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی عليه السلام به مردی پنج وسق خرماى منطقه «بغیغه» را فرستاد و آن مرد
 کسی بود که امیدش به فضل و تفضلات خداوند بود و به او امید داشت که او را ناامید
 نمی‌کرد و میهمان‌های خود را پذیرایی می‌کرد، نه از حضرت علی عليه السلام و نه از غیر آن
 حضرت چیزی را سؤال نمی‌کرد.

مردی که خدمت امیر مؤمنان علی عليه السلام نشسته بود. گفت: این مرد چیزی از شما سؤال
 نمی‌کند که یک وسق خرما برای او کافی بود، چرا پنج وسق خرما برای او فرستادی؟
 امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: خداوند امثال تو را میان مؤمنان زیاد نکند! من
 می‌بخشم تو بخل می‌ورزی! انصاف بده! اگر من چیزی ندهم به کسی که به من
 امید دارد مگر بعد از سؤال کردن آن، که بعد از سؤال کردن به او می‌دهم.

فَلَمْ أُعْطِهِ تَمَنَّ مَا أَخَذْتُ مِنْهُ، وَ ذَلِكَ لِأَنِّي عَرَضْتُهُ أَنْ يَبْدُلَ لِي وَجْهَهُ الَّذِي يُعْفِرُهُ فِي التُّرَابِ لِرَبِّي وَ رَبِّهِ عِنْدَ تَعَبُّدِهِ لَهُ وَ طَلَبِ حَوَائِجِهِ إِلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ هَذَا بِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ قَدْ عَرَفَ أَنَّهُ مَوْضِعٌ لِصَلَاتِهِ وَ مَعْرُوفِهِ فَلَمْ يُصَدِّقِ اللَّهَ ﷻ فِي دُعَائِهِ لَهُ حَيْثُ يَتَمَنَّى لَهُ الْجَنَّةَ بِلِسَانِهِ وَ يَبْخُلُ عَلَيْهِ بِالْحُطَامِ مِنْ مَالِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْعَبْدَ قَدْ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فَإِذَا دَعَا لَهُمْ بِالْمَغْفِرَةِ فَقَدْ طَلَبَ لَهُمُ الْجَنَّةَ فَمَا أَنْصَفَ مَنْ فَعَلَ هَذَا بِالْقَوْلِ وَ لَمْ يُحَقِّقْهُ بِالْفِعْلِ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ عَيْزَةُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ نُوحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الذُّهَلِيِّ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

در واقع قیمت آن چیزی است که ما از او گرفته‌ایم و آن آبروی اوست که او بخشش کرده است، صورتی که برای خدای من و خود بر خاک قرار می‌دهد و زمانی که خدا را عبادت می‌کند و از او طلب حاجت نماید و هر که با برادر مؤمن این گونه رفتار کند در حالی که می‌داند که او مورد احسان و خوبی است؛ پس او خدای متعال گوارا در دعایش تصدیق نکرده است زیرا که از خدا برای برادر مسلمان به زبان خودش آرزوی بهشت می‌کند و اما به او به چیزی که ارزش ندارد از مال خودش، بخل می‌ورزد، زیرا که این بنده در دعایش این گونه می‌گوید: خداوندا! مردان مؤمن و زنهای مؤمن را ببامرز.

وقتی که برای آنها دعا می‌کند در واقع برای آنها به آمرزش طلب کرده است و برای آنها بهشت را درخواست کرده است. پس انصاف نکرده است کسی که این کار را با زبان خود انجام می‌دهد و با عمل خود این کار را به وجود نمی‌آورد.

۲- احمد بن نوح در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمَعْرُوفُ ابْتِدَاءً وَ أَمَّا مَنْ أُعْطِيَتْهُ بَعْدَ الْمَسْأَلَةِ، فَإِنَّمَا كَافِيَّتُهُ بِمَا بَدَلَ لَكَ مِنْ وَجْهِهِ يَبِيْتُ لَيْلَتَهُ أَرْقًا مُتَمَلِّمًا يَمْتُلُّ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْيَأْسِ لَا يَدْرِي أَيْنَ يَتَوَجَّهُ لِحَاجَتِهِ ثُمَّ يَعْزِمُ بِالْقُضْدِ لَهَا، فَيَأْتِيكَ وَ قَلْبُهُ يَرْجُفُ وَ فَرَائِصُهُ تَرْعُدُ قَدْ تَرَى دَمَهُ فِي وَجْهِهِ لَا يَدْرِي أَيْزِجُ بِكَأْتِهِ أَمْ بِفَرَحٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَنْدَلٍ عَنْ يَاسِرٍ عَنِ الْيَسَعِ بْنِ حَمَزَةَ قَالَ: كُنْتُ فِي مَجْلِسِ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام أَحَدْتُهُ، وَ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ طَوَالَ آدَمَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! رَجُلٌ مِنْ مُجِيبِكَ وَ مُجِيبِي آبَائِكَ وَ أَجْدَادِكَ عليهم السلام مَصْدَرِي مِنَ الْحَجِّ وَ قَدْ افْتَقَدْتُ نَفَقَتِي وَ مَا مَعِيَ مَا أَبْلُغُ مَرْحَلَةَ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُنْهَضَنِي إِلَى بَلَدِي وَ لِلَّهِ عَلَيَّ نِعْمَةٌ فَإِذَا بَلَغْتُ بَلَدِي تَصَدَّقْتُ بِالَّذِي تُؤَلِّيَنِي عَنْكَ فَلَسْتُ مَوْضِعَ صَدَقَةٍ.

فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ رَحِمَكَ اللَّهُ!

معروف آن است که اول پرداخت نمایی و اگر چیزی را بعد از سؤال کردن بدهی، همان عوض آبروی اوست او که شب بیدار بوده و از این پهلوی به آن پهلوی خود می پیچیده و بین امید و ترس بوده و نمی دانسته که کجا دنبال حاجتش برود تا این که تصمیم گرفت و اراده کرد که پیش تو بیاید در حالی که قلب او می تپید و از ترس پوست بدن او می لرزید، و خون او را در صورت او می دیدی و او نمی دانست که آیا ناامید و محزون یا خوش حال برمی گردد.

۳- یسع بن حمزه گوید: در حضور امام رضا عليه السلام بودم و با حضرتش گفت و گو می کردم و اطراف امام، جمعیت زیادی از مردم بودند که از حلال و حرام سؤال می کردند. ناگاه شخص گندمگون قد بلندی خدمت امام شرف یاب شد و گفت: درود بر تو ای فرزند رسول خدا! مردی از دوستان تو، پدر تو و اجداد تو هستم که از حج برمی گردم و دارایی خودم را گم کرده ام، چیزی ندارم که مرا به وطنم برسانم. اگر خواستید به من کمک کنید که به وطنم برگردم. زندگی من خوب است، وقتی که آنجا رسیدم مال شما را صدقه می دهم، زیرا که من مستحق صدقه نیستم.

حضرتش فرمود: بنشین! خدا تو را رحمت کند

وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ يُحَدِّثُهُمْ حَتَّى تَفْرُقُوا وَ بَقِيَ هُوَ وَ سُلَيْمَانُ الْجَعْفَرِيُّ وَ
 حَيْثَمَةُ وَ أَنَا، فَقَالَ: أَتَأْذِنُونَ لِي فِي الدُّخُولِ؟
 فَقَالَ لَهُ سُلَيْمَانُ: قَدَّمَ اللَّهُ أَمْرَكَ.
 فَقَامَ فَدَخَلَ الْحُجْرَةَ وَ بَقِيَ سَاعَةً ثُمَّ خَرَجَ وَ رَدَّ الْبَابَ وَ أَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ أَعْلَى
 الْبَابِ، وَ قَالَ: أَيُّنَ الْخُرَاسَانِيِّ؟
 فَقَالَ: هَا أَنَا ذَا.
 فَقَالَ: خُذْ هَذِهِ الْمِائَتِي دِينَارًا، وَ اسْتَعِنْ بِهَا فِي مَثْوَيْكَ وَ نَفَقَتِكَ وَ تَبَرَّكْ بِهَا وَ لَا
 تَصَدَّقْ بِهَا عَنِّي، وَ اخْرُجْ فَلَا أَرَاكَ وَ لَا تَرَانِي.
 ثُمَّ خَرَجَ فَقَالَ لَهُ سُلَيْمَانُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَقَدْ أَجْزَلْتَ وَ رَحِمْتَ فَلِمَا ذَا سَتَرْتَ
 وَ جَهَكَ عَنْهُ؟

آن گاه حضرتش توجّهی به مردم کرده و با آنان حرف می‌زد، تا این که همه مردم رفتند.
 من با سلیمان جعفری و خیثمه ماندم و امام علیه السلام فرمود: اجازه می‌دهید که من به اندرون
 بروم؟

سلیمان عرض کرد: بفرمایید.

امام علیه السلام داخل حجره شد و ساعتی در حجره بود و بعد از آن خارج شد و در را بست و
 دست خود را از بالای در بیرون کرد و فرمود: خراسانی کجاست؟
 آن مرد عرض کرد: من اینجا هستم.

فرمود: این دوست دینار را بگیر در هزینه و زندگی خود خرج کن و تبرک بجوی و از
 جانب من صدقه نده و برو که من تو را نبینم و تو مرا نبینی.

آن مرد رفت. سلیمان عرض کرد: جانم به قربان شما! بخشش کردی به آن مرد و او را
 مورد رحمت قرار دادی، چرا صورت خود را از او پوشانیدی؟

فَقَالَ: مَخَافَةٌ أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ، لِقَضَائِي حَاجَتَهُ. أَمَا سَمِعْتَ حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَجَّةً، وَ الْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَ الْمُسْتَتِرُ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ؟ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْأَوَّلِ: مَتَى آتِهِ يَوْمًا لِأَطْلَبَ حَاجَةً رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَ وَجَّهِي بِمَائِهِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْنَادٍ ذَكَرَهُ عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: سَامَرْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! عَرَضْتُ لِي حَاجَةٌ.

قَالَ: فَرَأَيْتَنِي لَهَا أَهْلًا.

قُلْتُ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!

قَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا.

امام فرمود: از ترس این که خواری سؤال را به جهت برآوردن نیاز او در صورتش نبینم. آیا حدیث پیامبر خدا ﷺ را نشنیده‌ای که فرمود: انجام کار خوبی در پنهانی مساوی است با هفتاد حج و کسی که گناه را آشکار کند، پیش خدا ذلیل است. و کسی که حسنه را پنهانی بدهد مورد مغفرت خدا قرار می‌گیرد. آیا قول پیشینیان را نشنیده‌ای که گفت: زمانی که به خاطر نیازی از نزد آن شخص کریم نزد خانواده‌ام برگشتم در حالی که ابرویم محفوظ بود.

۴ - حارث همدانی گوید: آهسته خدمت امیر مؤمنان علیؑ عرض کردم: ای امیر مؤمنان! برای من گرفتاری پیش آمده است.

امام فرمود: مرا اهل آن دانستی که حاجت تو را برآورده کنم؟

عرض کردم: آری ای امیر مؤمنان!

حضرت فرمود: خداوند تو را از جانب من پاداش خیر بدهد.

ثُمَّ قَامَ إِلَى السَّرَاجِ فَأَعْشَاهَا وَ جَلَسَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا أَعَشَيْتُ السَّرَاجَ لِئَلَّا أَرَى
 دُلَّ حَاجَتِكَ فِي وَجْهِكَ فَتَكَلَّمْتُ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: الْحَوَائِجُ أَمَانَةٌ
 مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ، فَمَنْ كَتَمَهَا كُتِبَتْ لَهُ عِبَادَةٌ، وَ مَنْ أَفْشَاهَا كَانَ حَقًّا عَلَى
 مَنْ سَمِعَهَا أَنْ يَغْنِيَهُ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْأَصْبَغِ عَنْ بُنْدَارِ بْنِ
 عَاصِمٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:

مَا تَوَسَّلَ إِلَيَّ أَحَدٌ بِوَسِيلَةٍ وَلَا تَذَرَعُ بَدْرِيَعَةً أَقْرَبَ لَهُ إِلَيَّ مَا يُرِيدُهُ مِنِّي مِنْ
 رَجُلٍ سَلَفَ إِلَيْهِ مِنِّي يَدٌ أَتْبَعْتُهَا أُخْتَهَا وَ أَحْسَنْتُ رَبَّهَا، فَإِنِّي رَأَيْتُ مَنْعَ الْأَوَاخِرِ
 يَقْطَعُ لِسَانَ سُكْرِ الْأَوَائِلِ، وَ لَا سَخَتْ نَفْسِي بِرَدِّ بَكْرِ الْحَوَائِجِ وَ قَدْ قَالَ الشَّاعِرُ:

وَ إِذَا بُلِيَتْ بِبَدَلٍ وَ جِهَكَ سَائِلًا	فَأَبْذُلُهُ لِمُتَكَرِّمِ الْمِفْضَالِ
إِنَّ الْجَوَادَ إِذَا حَبَاكَ بِمَوْعِدٍ	أَعْطَاكَهُ سَلِسًا بِغَيْرِ مِطَالِ
وَ إِذَا السُّؤَالُ مَعَ النَّوَالِ قَرْنَتْهُ	رَجَحَ السُّؤَالُ وَ خَفَّ كُلُّ نَوَالِ

آن گاه حضرتش به سمت چراغ رفت و نور آن را کم کرد و نشست فرمود: نور چراغ را کم
 کردم مبادا این که خواری نیاز تو را در صورتت بینم، حرف بزن، زیرا که من از پیامبر
 خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «حاجت‌ها امانت است از جانب خدا در سینه‌های بنده‌های
 خدا و هر که پنهان نگه دارد آن امانت را برای او عبادت نوشته شود و هر که آشکار کند آن
 امانت را بر خدا سزاوار است که هر که آن امانت را بشنود او را کفایت کند»

۵ - بندار بن عاصم در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ کس به من به وسیله‌ای متوسل نشد و به اسبابی که نزدیک باشد به آن به من چنگ
 نزد که از من می‌خواست از مردی که سبقت بگیرد از من، دستی که پیروی کند دست اول
 را و نمو و رشد آن را نیکو کند (یعنی هیچ دستی بر دست من در بخشش و هدایا مقدم
 نیست) زیرا که من دیدم محروم کردن دیگران سبب قطع سپاس آن‌ها می‌شود و هرگز
 بخشش من حاجت‌های تازه را، رد نکرده است و شاعر می‌گوید:

زمانی که نیاز پیدا کردی آبروی خود را بخشش کنی در سؤال کردن پس آبروی خود را
 بخشش کن نزد اهل کرم و کسی که بسیار بخشش کننده است، زیرا که بخشش کننده اگر
 شب‌ها وعده بخشش دهد آسان و بدون تلف کردن وقت عطا می‌نماید و زمانی که سؤال با
 بخشش اهل آن همراه شود، سؤال برتری دارد و بخشش سبک می‌شود.

(۲۰)

بَابُ الْمَعْرُوفِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ، فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
 إِنَّ اللَّهَ تعالى جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أَهْلًا مِنْ خَلْقِهِ حَبَبَ إِلَيْهِمْ فَعَالَهُ وَ وَجَّهَ لِطُلَّابِ الْمَعْرُوفِ الطَّلَبَ إِلَيْهِمْ، وَ يَسَّرَ لَهُمْ قَضَاءَهُ كَمَا يَسَّرَ الْغَيْثَ لِلْأَرْضِ الْمُجْدِبَةِ لِيُحْيِيَهَا وَ يُحْيِيَ بِهِنَّ أَهْلَهَا.

بخش بیستم

احسان و نیکوکاری

- ۱- اسماعیل بن جعفری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 اگر ثروت و دولت در کف حق شناسان افتد و آنان که حق نعمت الهی را بدانند و در کار نیک و احسان به خلق کوشا باشند، مایه بقای اسلام و مسلمانان خواهد بود. و اگر ثروت و دولت در کف حق ناشناسان افتد، آنان که حق نعمت الهی را در نیابند و در احسان و نیکوکاری به خلق کوشا نباشند موجب فناء اسلام و مسلمانان خواهد گشت.
- ۲- ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
 خداوند برای معروف از بندگان خود افرادی را شایسته این کار قرار داده است و کار خیر را دوست آنها قرار داده است و کسانی را که طالب خیر هستند، متوجه آنها گردانیده است و بر آنها بر آوردن کارهای آنها را آسان کرده آن سان که باران را برای زمین خشک آسان کرده است که به وسیله باران آن زمین خشک و ساکنان آن زمین زنده می شوند.

وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أَعْدَاءَ مِنْ خَلْقِهِ بَعْضَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ، وَبَعْضَ إِلَيْهِمْ فَعَالَهُ وَ حَظَرَ عَلَى طُلَّابِ الْمَعْرُوفِ الطَّلَبَ إِلَيْهِمْ، وَ حَظَرَ عَلَيْهِمْ قَضَاءَهُ كَمَا يُحَرِّمُ الْغَيْثَ عَلَى الْأَرْضِ الْمُجْدَبَةِ لِيُهْلِكَهَا وَيُهْلِكَ أَهْلَهَا وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ أَكْثَرَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ لِمَنْ حَبَبَ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ وَ حَبَبَ إِلَيْهِ فَعَالَهُ. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

و به راستی که خداوند برای معروف، دشمنانی از بندگان خود قرار داده و معروف را مبعوض آنها ساخته و هم‌چنین کار معروف را بر آنها مبعوض کرده و بر کسانی که طالب معروف‌اند منع کرده که از آنها طلب معروف کنند و آن بندگان که معروف را دشمن دارند از برآوردن نیاز نیازمندان محروم کرده است، همان طوری که زمین خشک را از بارش باران، محروم ساخته است تا این که زمین و ساکنان آن در اثر خشکی و هلاک شوند و آن چه که خداوند مورد گذشت خویش قرار می‌دهد بیش از آن است (که مورد غضب خدا قرار می‌گیرد).

۳ - ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

به راستی که محبوب‌ترین بنده از بندگان خدا کسی است که کار معروف در نزد او محبوب او باشد و هم‌چنین انجام دادن معروف برای او محبوب باشد.

(۲۱)

بَابُ فَضْلِ الْمَعْرُوفِ

- ۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
 كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَأَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرٍ غَنِيٍّ وَابْتِدَاءٍ بِمَنْ تَعُولُ وَ
 الْيَدِ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَلَا يَلُومُ اللَّهُ عَلَى الْكِفَافِ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
 كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي يَظْظَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

بخش بیست و یکم**فضیلت نیکی کردن**

- ۱- عبد الأعلى گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
 احسان و نیکوکاری در شمار صدقه است. برترین صدقه و احسان، صدقه به هنگام
 ثروتمندی است. اما از خانواده‌ها آغاز کن. دست دهنده والاتراز دست گیرنده است.
 خداوند تو را ملامت نمی‌کند که چرا از حد کفاف خود ایثار و انفاق نکردی.
- ۲- معاویه بن وهب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
 هرگونه احسان و نیکوکاری در شمار صدقه است.
- ۳- ابو یظظان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ كَأَسْمِهِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْمَعْرُوفِ إِلَّا تَوَابُهُ وَ ذَلِكَ يُرَادُ مِنْهُ، وَ لَيْسَ كُلُّ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَصْنَعَ الْمَعْرُوفَ إِلَى النَّاسِ يَصْنَعُهُ وَ لَيْسَ كُلُّ مَنْ يَرْغَبُ فِيهِ يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ لَا كُلُّ مَنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ يُؤَدُّ لَهُ فِيهِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الرَّغْبَةُ وَ الْقُدْرَةُ وَ الْإِذْنُ فَهُنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ لِلطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ إِلَيْهِ.
وَ رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَ الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ، وَ اللَّهُ ﷻ يُحِبُّ إِعَانَةَ اللَّهْفَانِ.
۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

احسان و نیکوکاری را همانند نامش نیکو دیدم و نیکوتر از احسان، پاداشی است که خدا برای احسان منظور کرده است. چه بسیارند که احسان به خلق را دوست دارند، اما در عمل قاصر و ناتوانند. چه بسیارند که مشتاق احسانند اما توان مالی ندارند. چه بسیارند که توان مالی دارند، اما رخصت و فرصت نمی‌یابند. موقعی که اشتیاق و توان و رخصت همه جمع گردند سعادت برای خواهان و خواهنده کامل می‌شود.

۴- ابن قَدَّاح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوار خود عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌فرماید که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

هر معروفی صدقه است، راهنمایی کننده بر خیر به سان کسی است آن خیر را انجام داده است و خداوند فریاد رسی مظلومان را دوست دارد.

۵- عمر بن یزید گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالْبِرِّ وَصَلَّةِ الرَّحِمِ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

اصْنَعِ الْمَعْرُوفَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَإِلَى مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ هُوَ مِنْ أَهْلِهِ فَكُنْ أَنْتَ مِنْ أَهْلِهِ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ سَابَاطٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَمَّارٍ:

يَا عَمَّارُ! أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ.

قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: فَتَوَدُّي مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَتُخْرِجُ الْمَعْلُومَ مِنْ مَالِكَ.

احسان و نیکی، از محدوده زکات فریضه خارج است. با احسان و صلۀ رحم به خداوند تَقَرَّبُوا تقرب بجوئید.

۶ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کار معروف را برای همه - اهل معروف باشد یا نباشد - انجام بده، زیرا اگر او اهل معروف نیست، تو اهل معروف باش.

۷ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به عمّار فرمود: ای عمّار! تو مال فراوان داری؟

عرض کرد: آری جانم به قربانت!

فرمود: آن چه که خدا بر تو از زکات واجب کرده است، می پردازی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: مالی که معلوم است می پردازی؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَتَصِلُ قَرَابَتَكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَتَصِلُ إِخْوَانَكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا عَمَّارُ! إِنَّ الْمَالَ يَفْنَى وَ الْبَدَنَ يَبْلَى وَ الْعَمَلَ يَبْقَى وَ الدِّيَانَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ.

يَا عَمَّارُ! إِنَّهُ مَا قَدَّمْتَ فَلَنْ يَسْبِقَكَ وَ مَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يُلْحَقَكَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ حَدِيدِ بْنِ حَكِيمٍ أَوْ مِرَّازِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْ صَلَّ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفًا، فَقَدْ أَوْصَلَ ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

عرض کرد: آری.

فرمود: صله رحم انجام می دهی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: به دوستانت هم کمک می کنی؟

عرض کرد: آری

فرمود: ای عمّار! به راستی که مال از بین می رود، بدن فرسوده می شود و کار می ماند و خدایی که پاداش می دهد زنده است، نمی میرد. ای عمّار! هر چه از مال بر خودت مقدم داشته ای هرگز از تو سبقت نمی گیرد و آن چه که از مالت به تأخیر انداختی، هرگز به تو نمی پیوندد.

۸- مرّازم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس به برادر ایمانی خود احسان کند در واقع به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ احسان کرده است.

- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 اصْنَعُوا الْمَعْرُوفَ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ فَإِنْ كَانَ أَهْلُهُ وَإِلَّا فَانْتَ أَهْلُهُ.
- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ أَعْرَابِيًّا مِنْ بَنِي تَمِيمٍ أَتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: أَوْ صِنِي.
 فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ بِهِ أَنْ قَالَ: يَا فَلَانُ! لَا تَزْهَدَنَّ فِي الْمَعْرُوفِ عِنْدَ أَهْلِهِ.
- ۱۱- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:
 أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْمَعْرُوفُ وَأَهْلُهُ، وَأَوَّلُ مَنْ يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ.
- ۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۹- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

با هر کسی که باشد راه احسان بیوید، اگر او شایسته احسان نباشد، تو شایستگی خود را برای فیض و احسان به خلق نمایان و آشکار کن.

۱۰- ابوبصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مردی از اعراب بنی تميم خدمت پیامبر صلى الله عليه وآله شرفیاب شد و گفت: به من سفارشی بفرمایید!

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در جمله سفارشات خود فرمود: فلانی! مبادا درباره شایستگان و نجیب زادگان از نیکی و احسان دریغ ورزی.

۱۱- عبیدالله بن ولید گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

اهل احسان پیشاپیش دیگران وارد بهشت می شوند، و همانها پیش از دیگران بر کنار حوض کوثر به من ملحق می شوند.

۱۲- سیف بن عمیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَجِيزُوا لِأَهْلِ الْمَعْرُوفِ عَثْرَاتِهِمْ وَ اغْفِرُوا هَا لَهُمْ، فَإِنَّ كَفَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ
هَكَذَا - وَ أَوْ مَا بِيَدِهِ كَأَنَّهُ يُظِلُّ بِهَا شَيْئًا - .

(۲۲)

بَابٌ مِنْهُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الدَّهْقَانَ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ
أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ:
مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ وَ مَنْ أَضَعَفَهُ كَانَ شُكُورًا، وَ مَنْ شَكَرَكَ كَانَ
كَرِيمًا، وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبْطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَ لَمْ
يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ، فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَيْتَ بِهِ
عِرْضَكَ.

لغزش‌های اهل معروف را ببخشید، زیرا که دست خدا بالای آنهاست.
و امام عليه السلام به دست خود اشاره فرمود گویا که دست خود را سایبان چیزی قرار داده بود.

بخش بیست و دوم

از فضیلت نیکی

۱ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام می‌فرمود:
هر که کاری را در مقابل کاری انجام دهد، در واقع عوض آن کار را انجام داده است و هر
که دو برابر آن کار را انجام دهد، او سپاسگزار است و هر که سپاسگزار باشد کریم و بزرگوار
است و هر که بداند که اگر کاری را برای مردم انجام می‌دهد در واقع برای خود انجام
می‌دهد، دیگر از مردم توقع سپاس، آرزوی دوستی خود و سپاسگزاری ندارد که با آن کار
آبروی خود را ننگه داشته‌ای.

وَ اعْلَمَنَّ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةَ لَمْ يُكْرِمَ وَ جَهَّهُ عَنْ وَ جِهَكَ، فَأَكْرَمَ وَ جِهَكَ عَنْ رَدِّهِ.

(۲۳)

بَابُ أَنَّ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ تَدْفَعُ مَصَارِعَ السُّوءِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
 إِنَّ الْبَرَكَةَ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُمْتَنَرُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ، أَوْ مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُتْتَهَاهُ.

و بدان! کسی که به تو نیاز دارد آبروی او از آبروی تو کمتر نیست. پس آبروی خود را حفظ کن و او را ناامید نگردان.

بخش بیست و سوم

انجام کارهای نیک و گرفتاری‌های بد را برطرف می‌کند

- ۱ - عبدالله بن میمون قدّاح گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرتش فرمود:
 کارهای نیک، انسان را از مرگ بد ننگه می‌دارند.
- ۲ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
 به راستی که برکت در خانه‌ای که معروف از آن خانه جاری است از علف به دندان شتر - یا از سیل به انتهای آن - نزدیکتر است.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
 إِنَّ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ تَدْفَعُ مَصَارِعَ الشُّوْءِ.

(۲۴)

بَابُ أَنْ أَهْلَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ أَوْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فِدَاكَ أَبَاؤُنَا وَأُمَّهَاتُنَا! إِنَّ أَصْحَابَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا عُرِفُوا بِمَعْرُوفِهِمْ فِيمَ يُعْرَفُونَ فِي الْآخِرَةِ؟
 فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَدْخَلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ أَمَرَ رِيحًا عَبْقَةً طَيِّبَةً فَلَزِقَتْ بِأَهْلِ الْمَعْرُوفِ، فَلَا يَمُرُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِمَلَأٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدُوا رِيحَهُ فَقَالُوا: هَذَا مِنْ أَهْلِ الْمَعْرُوفِ.

۳ - عبدالله بن سلیمان گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
 کارهای نیک پرتگاههای بدفرجام را دفع می کنند.

بخش بیست و چهارم

نیکوکاران در دنیا همان نیکوکاران در جهان آخرتند

۱ - قتیبة الاعشى گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 یاران پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند: ای رسول خدا! پدران و مادران ما به فدای شما باد! مردمان معروف در دنیا به سبب کارهای خوبی که انجام می دهند شناخته شده اند، آنها در جهان آخرت به چه شناخته می شوند؟
 پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به راستی که خداوند متعال هنگامی که بهشتیان را وارد بهشت کند دستور می دهد که نسیم خوش بویی از نیکوکاران می وزد و بهشتیان که این نسیم خوش بو را می فهمند می گویند: این نسیم خوش بو از نیکوکاران است.

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ. يُقَالُ لَهُمْ: إِنَّ ذُنُوبَكُمْ قَدْ غُفِرَتْ لَكُمْ فَهَبُوا حَسَنَاتِكُمْ لِمَنْ شِئْتُمْ.
- ۳- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ، وَ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ أَبَا يُقَالُ لَهُ: الْمَعْرُوفُ، لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ. وَ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ.

۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کسانی که در دنیا نیکوکارند، همان نیکوکاران در عالم آخرت هستند. برای آنها گفته می‌شود: گناهان شما بخشیده شد. پس شما کارهای خوبتان را به هر که می‌خواهید ببخشید.

۳- عبدالله بن ولید و صفافی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسانی که در دنیا نیکوکار هستند همان نیکوکاران در عالم آخرت هستند و کسانی که در دنیا بدکارند همان افراد بدکار در عالم آخرت هستند.

۴- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

برای بهشت، دری است که احسان نامیده می‌شود. از این در فقط کسانی وارد بهشت می‌شوند که اهل احسان و نیکی بوده‌اند، آنان که در دنیا اهل احسان هستند در جهان آخرت نیز با همین نام و نشان معروف خواهند بود.

(۲۵)

بَابُ تَمَامِ الْمَعْرُوفِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ حَاتِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ: تَضْعِيفِهِ وَتَسْتِيْرِهِ وَتَعْجِيلِهِ، فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصْنَعُهُ إِلَيْهِ، وَإِذَا سَتَّرْتَهُ تَمَمْتَهُ، وَإِذَا عَجَّلْتَهُ هَنَأْتَهُ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ سَخَّفْتَهُ وَنَكَّدْتَهُ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لِكُلِّ شَيْءٍ نَمْرَةٌ، وَنَمْرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُ السَّرَاحِ.

بخش بیست و پنجم

کار نیک کامل

- ۱ - حاتم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
معروف فقط با سه چیز اصلاح می شود:
- ۱ - کوچک شمردن آن ۲ - پنهان نمودن آن ۳ - با شتاب انجام دادن آن
اگر معروف را کوچک شمردی پس کسی را که معروف را درباره اش انجام می دهی
بزرگ شمردی و اگر معروف را پنهان انجام دادی آن را به اتمام رسانده ای و اگر آن را با
شتاب انجام دادی آن را گوارا کرده ای و اگر این کار را انجام ندادی پس معروف را پست کردی.
- ۲ - حمران گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
برای هر چیز میوه ای است و میوه معروف با شتاب و آسان انجام دادن آن است.

(۲۶)

بَابُ وَضْعِ الْمَعْرُوفِ مَوْضِعَهُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ:

يَا مُفَضَّلُ! إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَشَقِيَّ الرَّجُلِ أَمْ سَعِيدٌ فَانظُرْ سَبِيَّهُ وَ مَعْرُوفَهُ إِلَى مَنْ يَصْنَعُهُ، فَإِنْ كَانَ يَصْنَعُهُ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَاعْلَمْ أَنَّهُ إِلَى خَيْرٍ، وَإِنْ كَانَ يَصْنَعُهُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ، فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا مُفَضَّلُ! إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ إِلَى خَيْرٍ يَصِيرُ الرَّجُلُ أَمْ إِلَى شَرٍّ انظُرْ أَيْنَ يَضَعُ مَعْرُوفَهُ، فَإِنْ كَانَ يَضَعُ مَعْرُوفَهُ عِنْدَ أَهْلِهِ فَاعْلَمْ أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى خَيْرٍ، وَإِنْ كَانَ يَضَعُ مَعْرُوفَهُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ، فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ.

بخش بیست و ششم**انجام کار نیک در جایگاه خود**

۱ - سیف بن عمیره گوید: امام صادق عليه السلام برای مفضل بن عمر فرمود: ای مفضل! اگر می خواهی بدانی بدبخت یا نیک بخت کیست به کارهای خوبی که انجام می دهد بنگر، اگر هدایا و معروفش را به اهل آن می دهد بدان که در او خیر هست و اگر آن را به غیر اهل آن می دهد بدان که او پیش خدا خیر و خوبی ندارد.

۲ - نظیر این روایت را محمد بن سنان از مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام نقل می کند که حضرتش در پایان آن فرمود:

پس بدان که در جهان آخرت برای چنین فردی بهره ای نیست.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَجَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ شَعِيبِ بْنِ مِيثَمِ التَّمَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي مِخْنَفِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَهْطٌ مِنَ الشَّيْعَةِ، فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَوْ أَخْرَجْتَ هَذِهِ الْأَمْوَالَ فَفَرَّقْتَهَا فِي هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ وَالْأَشْرَافِ وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَيْنَا حَتَّى إِذَا اسْتَوْسَقَتِ الْأُمُورُ عُذْتُ إِلَى أَفْضَلِ مَا عَوَّذَكَ اللَّهُ مِنَ الْقَسَمِ بِالسَّوِيَّةِ، وَالْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَتَأْمُرُونِي وَيَحْكُمُ! أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالظُّلْمِ وَالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ. لَا وَاللَّهِ، لَا يَكُونُ ذَلِكَ مَا سَمَرَ السَّمِيرُ وَمَا رَأَيْتُ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا.

وَ اللَّهُ، لَوْ كَانَتْ أَمْوَالُهُمْ مَالِي لَسَاوَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا هِيَ أَمْوَالُهُمْ.

۳- راوی گوید: گروهی از شیعیان خدمت امیرمؤمنان علی عليه السلام شرفیاب شدند و عرض کردند: ای امیرمؤمنان! اگر این اموال در میان بزرگان و اشراف تقسیم می‌کردی و آن‌ها را بر ما برتری می‌دادی تا کارهای حکومت شما محکم می‌شد و وضع شما بهتر می‌شد از تقسیم این اموال به مساوات و عدالت در میان همه مردم بهتر بود.

امام عليه السلام فرمود: وای بر شما! دستور می‌دهید حکومتی را که از طرف مسلمانان به من سپرده شده است با ستم و تجاوز یاری کنم؟ نه، سوگند به خدا! این کار را نخواهم کرد اگر چه زمان بسیار طول بکشد و در آسمان ستاره‌ای نبینم.

به خدا سوگند! اگر اموال مسلمانان، مال خودم بود به مساوات بین آنها قسمت می‌کردم. چگونه بین آنان به مساوات قسمت نکنم در حالی که مال خود آنهاست؟

قَالَ: ثُمَّ أَرَمَ سَاكِنًا طَوِيلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَأَيَّاهُ وَ
 الْفَسَادَ، فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي
 النَّاسِ وَ يَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا
 حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ، وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمٌ، فَإِنَّ بَقِيَّ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهِرُ الشُّكْرَ
 لَهُ وَ يَرِيهِ التُّنُوحَ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مَلَقٌ مِنْهُ وَ كَذِبٌ فَإِنَّ زَلَّتْ بِصَاحِبِهِمُ النَّعْلُ ثُمَّ احْتِجَاجَ
 إِلَى مَعُونَتِهِمْ وَ مُكَافَأَتِهِمْ فَأَلَامَ خَلِيلٍ وَ شَرُّ خَدِيدٍ وَ لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ
 حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْحِظِّ فِيمَا أُتِيَ إِلَّا مَحْمَدَةُ اللَّثَامِ وَ نَسَاءُ
 الْأَشْرَارِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مُنْعِمًا مُفْضِلًا وَ مَقَالَةَ الْجَاهِلِ مَا أَجْوَدَهُ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ بِخَيْلٍ.
 فَأَيُّ حِظٍّ أَبْوَرُ وَ أَخْسَرُ مِنْ هَذَا الْحِظِّ؟ وَ أَيُّ فَائِدَةٍ مَعْرُوفٍ أَقْلٌ مِنْ هَذَا
 الْمَعْرُوفِ؟

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَهُ مَالٌ فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيَحْسِنْ مِنْهُ الصِّيْفَةَ وَ لِيَفُكْ بِهِ الْعَانِي
 وَ الْأَسِيرَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ، فَإِنَّ الْفُوزَ بِهَذِهِ الْخِصَالِ مَكَارِمُ الدُّنْيَا وَ شَرَفٌ الْآخِرَةِ.

آن گاه امام علیه السلام مدت طولانی سکوت کرد و بعد از آن سر را بلند کرده و فرمود: هر که از هر
 که از شما مال دارد از فساد دوری کند و اگر آن را در غیر جایش مصرف کند تبذیر و اسراف کرده
 است و اسراف و تبذیر اسم صاحب مال را در بین مردم بالا می برد، ولی پیش خداوند کوچک
 می کند و هر مردی که مال خود را در غیر حق آن و در نزد غیر اهل آن قرار دهد خداوند او را از
 سپاس مردم محروم می کند و دوستی مردم را برای غیر صاحب مال قرار می دهد و اگر عده ای
 برای او اظهار سپاس می کنند او را نصیحت می نمایند فقط برای چاپلوسی و دروغی است که
 آنان انجام می دهند و اگر روزگاری او را فقیر و نیازمند کرد و نیاز به کمک آنان داشت، آنها
 بدترین دوستان او خواهند بود، و هر مردی که مال خود را در غیر جایش و در غیر اهلس قرار
 دهد هیچ بهره ای از آن مال نخواهد برد مگر این انسان های پست و شرور تا زمانی که آنان در
 نعمت زیاد از جانب این شخص هستند او را مدح و ثنا گویند. این شخص در نزد جاهلان اهل
 جود و بخشش و در نزد خدا از بخیلان است.

پس چه بهره ای نابود کننده تر و زیان بار از این مال است؟ و چه فایده ای کمتری از این
 بخشش خود برده است؟

هر که از شما ثروت و مال دارد به خویشاوندان خود صلۀ رحم کند مهمان نوازی نماید،
 اسیران را آزاد کند و به راه ماندگان کمک کند؛ زیرا که سعادت و خوشبختی و بزرگواری دنیا و
 شرافت آخرت به این صفات پسندیده است.

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ ﷻ بِهِ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا نَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ أَخَذُوا مَا نَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْهُ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقٍّ وَ يُنْفِقُوهُ فِي حَقٍّ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ ضُرَيْسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتَوْجِّهَهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوَهَا لِتَكْنِزُوهَا.

۴ - اسماعیل بن جابر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر مردم از فرمان خداوند اطاعت می‌کردند کسی که مال خود را در جایی که خدا از آن نهی کرده است بخشش می‌کرد نمی‌پذیرفتند و اگر مردم از آن چه خداوند از آن نهی کرده است خودداری می‌کردند، در آن جایی که خدا امر کرده است انفاق می‌کردند و آن انفاق را که از حق نبود قبول نمی‌کردند و در حق انفاق می‌کردند.

۵ - ضریس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که خداوند ثروت بسیاری به شما داده است که آن را در آن جایی که خدا دستور داده است مصرف کنید و این ثروت را نداده است که شما ذخیره‌اش کنید.

(۲۷)

بَابُ فِي آدَابِ الْمَعْرُوفِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَدِيثِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِي أَمْرِ مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمَ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُ. قَالَ ابْنُ سِنَانٍ: يَكُونُ عَلَى الرَّجُلِ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ لَكَ مَالٌ فَتَوَدِّي عَنْهُ فَيَذْهَبُ مَالُكَ وَ لَا تَكُونُ قَضَيْتَ عَنْهُ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَبْدُلْ لِإِخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُمْ.

بخش بیست و هفتم**آداب نیکوکاری**

- ۱ - ابن منصور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
برادر دینی خود را وادار به کاری نکن که برای تو ضرر آن بیشتر تو از نفع آن باشد.
ابن سنان گوید: معنای حدیث چنین است:
مردی که قرض زیاد دارد و تو ثروتمند هستی و از جانب او پرداخت نمایی و مال تو از بین رفته با این که قرض او را نداده‌ای.
- ۲ - راوی گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
از جانب خود برای برادر دینیت مالی را که ضرر آن مال بر تو بیش از نفع آن برای برادرت باشد، بخشش نکن.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُرْجَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا تُوجِبْ عَلَى نَفْسِكَ الْحُقُوقَ، وَ اصْبِرْ عَلَى النَّوَائِبِ، وَ لَا تَدْخُلْ فِي شَيْءٍ مَضَرَّتُهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لِأَخِيكَ.

(۲۸)

بَابُ مَنْ كَفَرَ الْمَعْرُوفَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعِي سُبُلِ الْمَعْرُوفِ. قِيلَ: وَ مَا قَاطِعُو سُبُلِ الْمَعْرُوفِ؟ قَالَ: الرَّجُلُ يُصْنَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ فَيَكْفُرُهُ فَيَمْتَنِعُ صَاحِبُهُ مِنْ أَنْ يُصْنَعَ ذَلِكَ إِلَيْهِ غَيْرِهِ.

۳- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر ضرر خودت حقوقی را لازم نکن، در مصیبت‌ها صبر کن و کاری که ضرر آن بر تو بزرگتر از منفعت آن به برادر توست انجام نده.

بخش بیست و هشتم

کفران احسان و نیکوکاری

۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند کسی را که راه معروف را قطع می‌کند از رحمت خود دور کرده است.

گفته شد: چه کسی راه معروف را قطع می‌کند؟

فرمود: مردی که درباره او معروف انجام داده می‌شود و او کفران می‌کند و این کار او

سبب می‌شود که صاحب معروف دیگر آن معروف را درباره غیر آن مرد انجام ندهد.

- ۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَقَلَّ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ!
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أُتِيَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَلْيُكَافِئْ بِهِ، فَإِنْ عَجَزَ فَلْيُثْنِ عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَ النُّعْمَةَ.

(۲۹)

بَابُ الْقَرْضِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲- سيف بن عميره گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: سپاسگزاران معروف چقدر اندک هستند!

۳- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که درباره او کار معروفی انجام گرفت، باید آن را جبران کند و اگر قدرت ندارد، ستایش کند و اگر ستایش نکرد، کفران نعمت کرده است.

بخش بیست و نهم**قرض دادن**

- ۱- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَكْتُوبٌ عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ.
وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: بِخَمْسَةِ عَشْرٍ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِناً يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ
الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ﴾.
قَالَ: يَعْنِي بِالْمَعْرُوفِ الْقَرْضَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

بر در بهشت نوشته شده است: پاداش صدقه ده برابر و پاداش قرض هیچده برابر است.
و در روایت دیگری آمده است: پانزده برابر.

۲- فضیل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر مؤمنی که به قصد کسب خشنودی خدا به مؤمنی وام بدهد، خداوند پاداش آن وام
را به حساب صدقه برای او محسوب می‌کند تا وقتی که مالش به او باز گردد.

۳- ابراهیم بن عبدالحمید گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می‌فرماید:

«خیری در بیشتر نجواهای آنان نیست مگر کسی که به صدقه یا کار نیکی بین مردم امر
کند» فرمود:

معروف و کار نیک همان وام دادن است.

۴- عقبه بن خالد گوید:

دَخَلْتُ أَنَا وَ الْمَعْلَى وَ عُثْمَانُ بْنُ عِمْرَانَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.
فَلَمَّا رَأَانَا قَالَ: مَرَحَبًا مَرَحَبًا بِكُمْ وَ جُوهٌ تُجِبُنَا وَ نُجِبُهَا جَعَلَكُمُ اللَّهُ مَعَنَا فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَعَمْ، مَهْ!

قَالَ: إِنِّي رَجُلٌ مُوسِرٌ.

فَقَالَ لَهُ: بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي يَسَارِكَ.

قَالَ: وَ يَجِيءُ الرَّجُلُ فَيَسْأَلُنِي الشَّيْءَ وَ لَيْسَ هُوَ إِبَانٌ زَكَاتِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْقَرْضُ عِنْدَنَا بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ، وَ مَاذَا
عَلَيْكَ إِذَا كُنْتَ كَمَا تَقُولُ مُوسِرًا أَعْطَيْتَهُ، فَإِذَا كَانَ إِبَانٌ زَكَاتِكَ احْتَسَبْتَ بِهَا مِنْ
الزَّكَاةِ.

يَا عُثْمَانُ! لَا تُرُدَّهُ، فَإِنَّ رَدَّهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

من، معلى و عثمان بن عمران به خدمت امام صادق عليه السلام شرفیاب شدید، وقتی
حضرتش ما را دید فرمود:

آفرین بر شما! آفرین بر شما! چهره‌هایی که ما را دوست می‌دارد. ما هم آنها را دوست
می‌داریم، خدا شما را در دنیا و جهان آخرت با ما قرار دهد.

عثمان گفت: قربانت گردم!

امام صادق عليه السلام به او فرمود: آری، چه می‌خواهی؟

گفت: من مرد متمکن هستم.

حضرت به او فرمود: خدا تمکن تو را مبارک گرداند.

گفت: گاهی مردی می‌آید و چیزی از من می‌خواهد و هنوز موقع پرداخت زکاتم نشده است.
امام صادق عليه السلام به او فرمود: پاداش قرض نزد ما هیجده برابر و صدقه ده برابر است،
چه ایرادی دارد که همین که گفتم متمکن هستی با او عطا کنی پس چون موقع زکاتت
رسید آن را از زکات محسوب کنی. ای عثمان! او را رد نکن، زیرا رد کردن سائل نزد خدا
گناه بزرگی است.

يَا عَثْمَانُ! إِنَّكَ لَوْ عَلِمْتَ مَا مَنَزَلَهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَبِّهِ مَا تَوَانَيْتَ فِي حَاجَتِهِ. وَ مَنْ
أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَقَدْ أَدْخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَضَاءَ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ
يُدْفَعُ الْجُنُونَ وَ الْجَذَامَ وَ الْبَرَصَ.

۵ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ؑ قَالَ: قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ، وَ تَعْجِيلُ خَيْرٍ إِنْ أُيسِرَ أَدَاةً، وَإِنْ مَاتَ
اِحْتُسِبَ مِنَ الزَّكَاةِ.

(۳۰)

بَابُ إِنْظَارِ الْمُعْسِرِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ
مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ قَالَ:
مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ - قَالَهَا ثَلَاثًا - فَهَابَهُ النَّاسُ أَنْ يَسْأَلُوهُ.
فَقَالَ: فَلْيُنْظِرْ مُعْسِرًا أَوْ لِيَدْعَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ.

ای عثمان! اگر می دانستی مقام مؤمن در پیشگاه پروردگارش چقدر است در حاجت او
سستی نمی کردی و هر که مؤمن را خوشحالی کند، در واقع رسول خدا ﷺ خوشحال
نموده است و به جا آوردن حاجت مؤمن، دیوانگی، جذام و بیماری پوستی پیسی را
برطرف می نماید.

۵ - ابراهیم بن سندی گوید: امام صادق ؑ فرمود:

قرض دادن به مؤمن غنیمت و شتاب خیر است. اگر متمکن شد پرداخت کند و اگر از
دنیا رفت از زکات او محسوب می شود.

بخش سی ام

مهلت دادن بر تنگ دست

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق ؑ فرمود: هر که بخواهد که خدا در روزی که
هیچ سایه ای جز سایه او نیست، بر او سایه افکند - حضرتش این جمله را سه بار تکرار کرد
و هیبت حضرت مانع از آن شد که بپرسند - پس فرمود:
بایستی تنگدستی را مهلت دهد یا چیزی از حق خود را به او واگذارد.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي بَنٍ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ - فِي يَوْمٍ حَارٍّ وَ حَنَى كَفَّهُ -: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَنْظِلَ مِنْ فَوْرِ جَهَنَّمَ - قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَقَالَ النَّاسُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ: نَحْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: مَنْ أَنْظَرَ غَرِيماً أَوْ تَرَكَ الْمُعْسِرَ. ثُمَّ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ لِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ: إِنَّ أَبِي أَخْبَرَنِي أَنَّهُ لَزِمَ غَرِيماً لَهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَدَخَلَ بَيْتَهُ وَ نَحْنُ جَالِسَانِ، ثُمَّ خَرَجَ فِي الْهَاجِرَةِ فَكَشَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِتْرَهُ وَ قَالَ: يَا كَعْبُ! مَا زِلْتُمَا جَالِسَيْنِ. قَالَ: نَعَمْ يَا أَبِي وَ أُمِّي. قَالَ: فَأَشَارَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِكَفِّهِ خُذِ النُّصْفَ. قَالَ: فَقُلْتُ: يَا أَبِي وَ أُمِّي!

۲ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ در روز گرمی که به دست خود حنا زده بود سه مرتبه فرمود: هر که دوست دارد از حرارت دوزخ پناه گیرد.

مردم هر بار گفتند: ما رسول خدا؟

پس فرمود: هر که به بدهکار مهلت دهد، یا تنگ دست را رها کند.

بعد از آن امام صادق علیه السلام به من فرمود: عبدالله بن کعب بن مالک به من گفت: پدرم به من خبر داد: کسی که به او بدهکار بود در مسجد او را گرفته بود. پس رسول خدا ﷺ آمده وارد خانه خود شد و ما نشسته بودیم، بعد در شدت گرما بیرون آمد. رسول خدا ﷺ پرده خانه را کنار زد و فرمود: ای کعب همین طور نشسته‌اید؟

گفت: آری، پدر و مادرم فدایت!

گوید: پس رسول خدا ﷺ به دست خود اشاره کرد و فرمود: نصف را بگیری.

گوید: گفتم: پدر و مادرم قربانت!

ثُمَّ قَالَ: أَتْبِعُهُ بِبَقِيَّةِ حَقِّكَ.

قَالَ: فَأَخَذْتُ النُّصْفَ وَوَضَعْتُ لَهُ النُّصْفَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خَلُّوا سَبِيلَ الْمُعْسِرِ كَمَا خَلَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَنْبَرَ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَيَّ أَنْبِيَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! لِيَبْلُغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ. أَلَا وَ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ مَالِهِ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ، وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ، فَتَصَدَّقُوا عَلَيْهِ بِمَالِكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ.

بعد فرمود: بدنبال او برای بقیه حقت برو.

گوید: نصف را دریافت کردم و بقیه را رها نمودم بخشیدم.

۳- یعقوب بن سالم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

تنگدست را رها کنید آن سان که خداوند عَزَّ وَجَلَّ رهایش کرده است.

۴- یحیی بن عبدالله گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر فراز منبر قرار گرفت پس خدا را حمد و ثنا گفت، و بر پیامبرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ درود فرستاد آن گاه فرمود:

ای مردم! حاضران به غایبان ابلاغ کنند که:

هان که هر کس تنگدستی را مهلت دهد در هر روز برای او صدقه‌ای برابر با اصل مالش

بر عهده خداوند عَزَّ وَجَلَّ است تا مال خود را دریافت کند.

بعد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر تنگدست باشد پس مهلت دادن تا روز رفاه است و اگر ببخشید بر شما بهتر است،

اگر بدانید که او تنگدست است. پس مال خود را ببخشید بر شما بهتر است.

(۳۱)

بَابُ تَحْلِيلِ الْمَيِّتِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنَّ لِعَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَيَّابَةَ دَيْنًا عَلَى رَجُلٍ قَدْ مَاتَ وَ قَدْ كَلَّمْنَاهُ أَنْ يُحْلِلَهُ.
فَأَبَى فَقَالَ: وَيْحَهُ أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةَ إِذَا حَلَّلَهُ، فَإِذَا لَمْ يُحْلِلْهُ
فَأَيْمًا لَهُ دِرْهَمٌ بَدَلَ دِرْهَمٍ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ
الْوَلِيدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ مُعْتَبٍ قَالَ:

بخش سی و یکم**حلال کردن میت**

۱ - حسن بن خنیس گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: عبدالله بن سیابه از مردی طلبکار
است که او وفات یافته است و ما با او گفت و گو کردیم که او را حلال کند، ولی نپذیرفت.
امام عليه السلام فرمود: وای بر او! آیا نمی داند که چون او را حلال کند در برابر درهمی، پاداش
ده درهم به او داده می شود، و اگر او را حلال نکند درهمی به جای درهمی است که نصیب
او خواهد شد؟!!

۲ - معتب گوید:

دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ بَشْرِ الْوَشَاءُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْأَلُهُ أَنْ يَكَلِّمَ شِهَابًا أَنْ يُخَفِّفَ عَنْهُ حَتَّى يَنْقُضِيَ الْمَوْسِمَ، وَكَانَ لَهُ عَلَيْهِ أَلْفٌ دِينَارٍ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَأَتَاهُ. فَقَالَ لَهُ: قَدْ عَرَفْتُ حَالَ مُحَمَّدٍ وَانْقِطَاعَهُ إِلَيْنَا وَ قَدْ ذَكَرْنَا لَكَ عَلَيْهِ أَلْفٌ دِينَارٍ لَمْ تَذْهَبْ فِي بَطْنٍ وَلَا فَرْجٍ وَإِنَّمَا ذَهَبْتَ دَيْنًا عَلَى الرَّجَالِ وَ وَضَائِعٍ وَ ضَعَهَا، وَأَنَا أَحِبُّ أَنْ تَجْعَلَهُ فِي حِلٍّ. فَقَالَ: لَعَلَّكَ مِمَّنْ يَزْعُمُ أَنَّهُ يُقْبَضُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَتُعْطَاهَا. فَقَالَ: كَذَلِكَ فِي أَيْدِينَا. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اللَّهُ أَكْرَمُ وَأَعْدَلُ مِنْ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ عَبْدُهُ فَيَقُومَ فِي اللَّيْلَةِ الْقَرَّةِ، أَوْ يَصُومَ فِي الْيَوْمِ الْحَارِّ، أَوْ يَطُوفَ بِهَذَا النَّبِيِّ ثُمَّ يَسْلُبُهُ ذَلِكَ فَيُعْطَاهُ، وَ لَكِنْ لِلَّهِ فَضْلٌ كَثِيرٌ يُكَافِي الْمُؤْمِنَ. فَقَالَ: فَهُوَ فِي حِلٍّ.

محمد بن بشر و شَاء به خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شد که حضرتش با شهاب صحبت فرماید که به او مهلت دهد تا موسم حج را تمام نماید و بر او هزار دینار بدهکار بود. حضرت کسی را نزد او فرستاد و شهاب آمد، به او فرمود: از حال محمد و از ما بودنش را می دانی، گفته شده: تو از او هزار دینار طلبکار هستی که آن را نخورده و نکاح نکرده است جز این که طلبی بود که برای مردم قرض داده و یا ضرر کرده است. من دوست دارم که او را حلال کنی.

گفت: شاید شما از کسانی هستی که گمان می کند از حسنات او گرفته و به او می دهند. فرمود: آری، ما چنین می دانیم.

پس امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند کریم تر و عادل تر از آن است که بنده ای به او تقرّب بجوید و در شب سرد برای عبادت بر خیزد، یا در روز گرم روزه بدارد، یا طواف این خانه کند، سپس این اعمال را از او گرفته به او بدهد، ولی برای خدا فضل زیادی است که عمل مؤمن را جبران می کند.

شهاب گفت: پس بر او حلال است.

(۳۲)

بَابُ مَثْوَنَةِ النَّعْمِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ مَوْلَى طِرْبَالٍ عَنْ حَدِيدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّتْ مَثْوَنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ. فَاسْتَدِيمُوا النِّعْمَةَ بِإِحْتِمَالِ الْمَثْوَنَةِ، وَلَا تُعَرِّضُوهَا لِلزَّوَالِ، فَقَلَّ مَنْ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ فَكَادَتْ أَنْ تَعُودَ إِلَيْهِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَنِيِّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بخش سی و دوم**تحمّل هزینه نعمت**

۱ - حدید بن حکیم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به هر که نعمت خدا بزرگ شود تکالیف معاش مردم برا او سخت تر می شود. پس نعمت را به وسیله تحمّل تکالیف معاش مردم دوام ببخشید و آن را در معرض زوال قرار ندهید، زیرا کمتر کسی است که چون نعمت از او زایل شود امید بازگشت آن به او باشد.

۲ - ابراهیم بن محمد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ تَظَاهَرَتْ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ نِعْمَةٌ إِلَّا اشْتَدَّتْ مَثْوَنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَمَنْ لَمْ يَنْقُمْ لِلنَّاسِ بِحَوَائِجِهِمْ فَقَدْ عَرَّضَ النِّعْمَةَ لِلزَّوَالِ.

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَمَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَقُومَ لِهَذَا الْخَلْقِ بِحَوَائِجِهِمْ؟

فَقَالَ: إِنَّمَا النَّاسُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ - وَاللَّهِ - الْمُؤْمِنُونَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ

مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَانٍ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِحُسَيْنِ الصَّحَّافِ:

يَا حُسَيْنُ! مَا ظَاهَرَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ النِّعَمَ حَتَّى ظَاهَرَ عَلَيْهِ مَثْوَنَةُ النَّاسِ. فَمَنْ

صَبَرَ لَهُمْ وَ قَامَ بِشَأْنِهِمْ زَادَهُ اللَّهُ فِي نِعَمِهِ عَلَيْهِ عِنْدَهُمْ، وَ مَنْ لَمْ يَصْبِرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَنْقُمْ بِشَأْنِهِمْ أَزَالَ اللَّهُ عنه تِلْكَ النِّعْمَةَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَاقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ اشْتَدَّتْ مَثْوَنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَإِنْ هُوَ قَامَ بِمَثْوَنَتِهِمْ

اجْتَلَبَ زِيَادَةَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ عَرَّضَ النِّعْمَةَ لِزَوَالِهَا.

هیچ بنده ای نیست که از جانب خدا نعمت بر او پیاپی شود مگر این که تکالیف معاش مردم بر او سخت تر می شود، هر که به احتیاجات مردم اقدام نکرد. پس نعمت را رو به زوال نموده است.

راوی گوید: گفتم: قربانت گردم! چه کسی می تواند به این همه احتیاجات مردم رسیدگی کند؟

فرمود: به خدا سوگند! مراد از مردم در اینجا فقط مؤمنان هستند.

۳- ابان بن تغلب گوید: امام صادق عليه السلام به حسین صحاف فرمود:

ای حسین! خداوند بر بنده ای نعمت را آشکار نکرد تا احتیاجات مردم را به او اظهار

فرمود. پس هر که بر آنها شکیبایی نمود و به انجام کار آنها اقدام کرد، خداوند نعمت هایش

را در نزد آنها زیاد نماید، و هر که شکیبایی نکرد و به انجام کار آنها اقدام نکرد، خداوند عنه

آن نعمت را از او بگیرد.

۴- نظیر این روایت را مسعدة بن صدقه نیز از امام صادق عليه السلام نقل کرده است.

(۳۳)

بَابُ حُسْنِ جَوَارِ النَّعْمِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام:
يَا ابْنَ عَرْفَةَ! إِنَّ النَّعْمَ كَالْإِبِلِ الْمُعْتَقَلَةِ فِي عَطْنِهَا عَلَى الْقَوْمِ مَا أَحْسَنُوا جَوَارَهَا، فَإِذَا أَسَاءُوا مُعَامَلَتَهَا وَإِنَالَتَهَا نَفَرَتْ عَنْهُمْ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
أَحْسِنُوا جَوَارَ النَّعْمِ.
قُلْتُ: وَمَا حُسْنُ جَوَارِ النَّعْمِ؟
قَالَ: الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَادَاءُ حُقُوقِهَا.

بخش سی و سوم**نکو داشت نعمت‌ها**

- ۱ - محمد بن عرفه گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:
ای فرزند عرفه! نعمت‌ها بر مردم همانند شترهای نگاهداری شده در خوابگاهشان هستند، مادامی که با آنها نیکو رفتار کنند. اگر با آنها بدرفتاری کنند از آنها رم خواهند کرد.
- ۲ - محمد بن عجلان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
با نعمت‌ها نیکو رفتار کنید.
گفتم: نیکو داشت نعمت‌ها چیست؟
فرمود: سپاسگزاری از کسی که نعمت داده است و ادای حقوق آنها.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَحْسِنُوا جَوَارَ نِعَمِ اللَّهِ وَاحْذَرُوا أَنْ تَنْتَقِلَ عَنْكُمْ إِلَى غَيْرِكُمْ. أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَنْتَقِلْ عَنْ أَحَدٍ قَطُّ فَكَادَتْ أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ. قَالَ: وَكَانَ عَلَيَّ عليه السلام يَقُولُ: قَلَّ مَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ.

(۳۴)

بَابُ مَعْرِفَةِ الْجُودِ وَالسَّخَاءِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ وَهُوَ فِي الطَّوَافِ، فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْجَوَادِ. فَقَالَ: إِنَّ لِكَلَامِكَ وَجْهَيْنِ!

۳- زید شحام گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: با نعمت‌ها نیکو رفتار کنید، و از انتقال آن از شما به سوی دیگران حذر کنید. آگاه باشید که هرگز نعمت از کسی انتقال نمی‌یابد که امید بازگشت آن به سوی او باشد. حضرتش فرمود: علی عليه السلام همواره می فرمود: کم اتفاق افتاده است چون چیزی رفت، برگردد.

بخش سی و چهارم

شناخت جود و سخا

۱- احمد بن سلیمان گوید: امام کاظم عليه السلام در حال طواف بود. مردی پرسید: مرا از معنای جواد آگاه کن؟ فرمود: سخن تو دو گونه است:

فَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِ، فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُودِّي مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ.
وَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْخَالِقِ فَهُوَ الْجَوَادُ، إِنْ أُعْطِيَ وَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ مَنَعَ، لِأَنَّهُ إِنْ
أَعْطَاكَ أَعْطَاكَ مَا لَيْسَ لَكَ، وَإِنْ مَنَعَكَ مَنَعَكَ مَا لَيْسَ لَكَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا حَدُّ السَّخَاءِ؟
فَقَالَ: تُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ الْحَقَّ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ فَتَضَعُهُ فِي مَوْضِعِهِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ
آبَائِهِ عليهم السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ:

السَّخِيُّ مُحَبَّبٌ فِي السَّمَاوَاتِ مُحَبَّبٌ فِي الْأَرْضِ، خُلِقَ مِنْ طِينَةٍ عَذْبَةٍ، وَ
خُلِقَ مَاءٌ عَيْنِيهِ مِنْ مَاءِ الْكَوْثَرِ.
وَ الْبَخِيلُ مُبْغَضٌ فِي السَّمَاوَاتِ، مُبْغَضٌ فِي الْأَرْضِ، خُلِقَ مِنْ طِينَةٍ سَبِيحَةٍ، وَ
خُلِقَ مَاءٌ عَيْنِيهِ مِنْ مَاءِ الْعُوسَجِ.

اگر از مخلوق می‌پرسی که جواد آن است که آن چه خدا واجب فرموده به جا آورد و اگر
از خالق می‌پرسی که او جواد است اگر عطا نماید و اگر مانع شود باز او جواد است، زیرا
اگر بر تو عطا نمود چیزی را عطا کرده که مال تو نیست و اگر از تو چیزی را منع نمود،
چیزی را مانع شده که مال تو نبوده است.

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اندازه سخاوت‌مندی چیست؟
فرمود: حقی را که خداوند در مال تو واجب نموده است بیرون کرده و در جایگاه خود
مصرف کنی.

۳ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام از نیاکان خود عليهم السلام نقل کرده که رسول
خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

سخاوت‌مند محبوب آسمان‌ها و زمین است. سرشت او از گل شیرین و گوارا آفریده
شده و آب چشمان او از آب کوثر است و بخیل مبعوض آسمان‌ها و زمین است، سرشت
او از گل شوره و آب چشمان او از آب خار است.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَهْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 السَّخِيُّ الْحَسَنُ الْخُلُقِ فِي كَنْفِ اللَّهِ لَا يَسْتَحْلِي اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ،
 وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ ﷺ نَبِيًّا وَلَا وَصِيًّا إِلَّا سَخِيًّا، وَ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الصَّالِحِينَ إِلَّا سَخِيًّا، وَ
 مَا زَالَ أَبِي يُوصِينِي بِالسَّخَاءِ حَتَّى مَضَى.
 وَ قَالَ: مَنْ أَخْرَجَ مِنْ مَالِهِ الزَّكَاةَ تَامَةً فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسْأَلْ مِنْ أَيْنَ
 اكْتَسَبَتْ مَالَكَ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمَكَارِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَفَدَّ مِنَ الْيَمَنِ وَ فِيهِمْ رَجُلٌ كَانَ أَعْظَمَهُمْ كَلَامًا وَ أَشَدَّهُمْ
 اسْتِقْصَاءً فِي مُحَاجَّةِ النَّبِيِّ ﷺ.

۴- مهدی گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

سخی خوش اخلاق در پناه خداست، خدا او را رها نمی‌کند تا او را وارد بهشت نماید و خداوند هیچ پیامبر و وصیی را برنمی‌گزیند مگر سخی و هیچ یک از صالحین نبودند مگر سخی. پدرم همیشه مرا به سخاوت سفارش می‌فرمود تا درگذشت. حضرتش فرمود: هر که زکات مال خود را به طور کامل پرداخت کند و در جایگاه خود قرار دهد پرسید نمی‌شود که از کجا مال خود را به دست آورده‌ای.

۵- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

گروهی از مردم یمن پیش رسول خدا ﷺ آمدند، در میان آنها مرد سخنوری بود که بیشتر از آنها با پیامبر بحث می‌نمود.

فَغَضِبَ النَّبِيُّ ﷺ حَتَّى اتَّوَى عِرْقُ الْغَضَبِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ تَرَبَّدَ وَ جَهَّهُ وَ أَطْرَقَ إِلَى الْأَرْضِ ، فَأَنَاهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: رَبُّكَ يُثْرِيكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: هَذَا رَجُلٌ سَخِيٌّ يُطْعِمُ الطَّعَامَ.

فَسَكَنَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ الْغَضَبُ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ لَهُ: لَوْ لَا أَنَّ جَبْرَائِيلَ أَخْبَرَنِي عَنِ اللَّهِ ﷻ أَنَّكَ سَخِيٌّ تُطْعِمُ الطَّعَامَ لَشَرَدْتُ بِكَ وَ جَعَلْتُكَ حَدِيثًا لِمَنْ خَلْفَكَ.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: وَإِنَّ رَبَّكَ لَيُحِبُّ السَّخَاءَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ. وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ! لَا رَدَدْتُ مِنْ مَالِي أَحَدًا.

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

پیامبر ﷺ خشمگین شد به گونه‌ای که از غضب از رگ میان دو چشم حضرتش هویدا شد. رویش متغیر گشت و سر به زیر افکند.

پس جبرئیل آمد و گفت: پروردگارت سلام می‌رساند و به تو می‌گوید: این مرد سخی است و به مردم غذا می‌دهد.

خشم پیامبر ﷺ فرو نشست و سر بلند کرد و به او فرمود: اگر نبود که جبرئیل از جانب خداوند ﷻ خبر می‌داد که تو سخی هستی و اطعام می‌کنی تو را طرد می‌کردم و تو را عبرت بر مردم قرار می‌دادم.

آن مرد گفت: پروردگارت سخاوت را دوست می‌دارد؟

فرمود: آری.

گفت: گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و تو فرستاده او هستی و سوگند به آن که تو را به حق برانگیخت! کسی را از مال خود محروم نکردم.

۶ - زید شحام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبَا أَضْيَافٍ فَكَانَ إِذَا لَمْ يَكُونُوا عِنْدَهُ خَرَجَ يَطْلُبُهُمْ وَاعْتَلَقَ بَابَهُ وَأَخَذَ الْمَفَاتِيحَ يَطْلُبُ الْأَضْيَافَ وَإِنَّهُ رَجَعَ إِلَى دَارِهِ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ أَوْ شِبْهِهِ رَجُلٍ فِي الدَّارِ.

فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! بِإِذْنِ مَنْ دَخَلْتَ هَذِهِ الدَّارَ؟

قَالَ: دَخَلْتُهَا بِإِذْنِ رَبِّهَا - يُرَدُّ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -.

فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ جَبْرَائِيلُ، فَحَمِدَ اللَّهَ، ثُمَّ قَالَ: أَرْسَلَنِي رَبُّكَ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِهِ يَتَّخِذُهُ حَلِيلًا.

قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَعْلِمْنِي مَنْ هُوَ أَخْدَمَهُ حَتَّى أَمُوتَ؟

قَالَ: فَأَنْتَ هُوَ.

قَالَ: وَمِمَّ ذَلِكَ؟

قَالَ: لِأَنَّكَ لَمْ تَسْأَلْ أَحَدًا شَيْئًا قَطُّ وَ لَمْ تُسْأَلْ شَيْئًا قَطُّ فَقُلْتَ: لا.

ابراهیم علیه السلام میهمان دوست بود و عادت او چنین بود که اگر میهمان نداشت بیرون می‌رفت و در جست و جوی میهمان می‌گشت. روزی درب را بست و کلید را برداشت و در جست و جوی میهمان می‌گشت. چون به خانه‌اش برگشت، ناگاه در خانه مردی - یا شبه مردی - را دید. فرمود: ای بنده خدا! با اجازه چه کسی وارد این خانه شدی؟ او سه مرتبه گفت: با اجازه صاحب آن.

ابراهیم علیه السلام دانست که او جبرئیل است. پس خدا را شکر نمود.

او گفت: پروردگارت مرا به سوی بنده‌ای فرستاده که او را به عنوان دوست برگزیند.

ابراهیم علیه السلام فرمود: او را بر من بشناسان، او کیست تا موقع مرگم به او خدمت کنم؟ گفت: آن تویی.

فرمود: چرا؟

گفت: زیرا تو هرگز از کسی چیزی نخواستی و هرگز چیزی از تو خواسته نشد که بگویی: نه.

- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَنَّى رَجُلٌ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ إِيْمَانًا؟ قَالَ: أَبْسَطُهُمْ كَفًّا.
- ۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِرَجُلٍ فَيُقَالُ: احْتَجَّ. فَيَقُولُ: يَا رَبُّ! خَلَقْتَنِي وَهَدَيْتَنِي فَأَوْسَعْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَزَلْ أَوْسِعْ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ أُيَسِّرْ عَلَيْهِمْ لِكَيْ تَنْشُرَ عَلَيَّ هَذَا الْيَوْمَ رَحْمَتَكَ وَ تُيَسِّرَهُ. فَيَقُولُ الرَّبُّ جَلَّ تَنَاوُهُ وَ نَعَالَى ذِكْرُهُ: صَدَقَ عَبْدِي، أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ.
- ۹ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

۷ - ابو عبدالرحمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! کدام مردم از جهت ایمان بهتر هستند؟ فرمود: دست و دل بازترین آنها.

۸ - ابو حمزه گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

روز قیامت مردی آورده می شود و گفته می شود: دلیل بیاور.

می گوید: ای پروردگار من! مرا آفریدی و هدایت نمودی و به من تمکن دادی و من هم همیشه بر آفریدگانت تمکن دادم و مشکلاتشان را بر طرف نمودم تا رحمت خود را در این روز بر من بگسترانی و آسانش نمایی.

پس پروردگار - که بلند است ثنای او و عالی است یاد او - می فرماید: بنده ام راست گفت، او را وارد بهشت نمایم.

۹ - حسن بن وشاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

- السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ.
 وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَعْصَانِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ.
- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ:
 السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ، وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ
 النَّاسِ لئَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ.
- ۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام:
 يَا بُنَيَّ! مَا السَّمَاحَةُ؟
 قَالَ: الْبَدْلُ فِي الْيُسْرِ وَ الْعُسْرِ.
- ۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قَالَ
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِبَعْضِ جُلَسَائِهِ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِشَيْءٍ يُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ وَ يُقَرِّبُ مِنَ الْجَنَّةِ
 وَ يُبَاعِدُ مِنَ النَّارِ؟

- سخی نزدیک به خدا، نزدیک به بهشت و نزدیک به مردم است.
 و شنیدم که حضرتش می فرمود: سخاوت درختی در بهشت است. هر که به شاخه‌ای
 از شاخه‌های آن آویزان شد، وارد بهشت می شود.
- ۱۰ - یاسر خادم گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: سخی از غذای مردم می خورد تا از غذای او
 بخورند و بخیل از غذای مردم نمی خورد تا از غذای او نخورند.
- ۱۱ - احمد بن ابی عبدالله در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام به فرزندش
 امام حسن عليه السلام فرمود:
 ای پسر! جوان مردی چیست؟
 عرض کرد: بخشش در هنگام رفاه و تنگدستی است.
- ۱۲ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام به برخی از همنشینان خود فرمود: آیا تو را
 از چیزی که به خدا و بهشت نزدیک کند و از آتش دور سازد، آگاه کنم؟

فَقَالَ: بَلَىٰ.

فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالسَّخَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا بِرَحْمَتِهِ لِرَحْمَتِهِ فَجَعَلَهُمْ
لِلْمَعْرُوفِ أَهْلًا وَ لِلْخَيْرِ مَوْضِعًا وَ لِلنَّاسِ وَجْهًا يُسْعَىٰ إِلَيْهِمْ لِكَيْ يُحْيِيَهُمْ كَمَا
يُحْيِي الْمَطْرُ الْأَرْضَ الْمُجْدِبَةَ. أَوْلَيْكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الْأَمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَىٰ مُوسَىٰ ﷺ أَنْ لَا تَقْتُلِ السَّامِرِيَّ، فَإِنَّهُ سَخِيٌّ.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

شَابُّ سَخِيٍّ مُرَهَّقٌ فِي الذُّبُوبِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ.

۱۵ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ

يَقُولُ:

گفت: آری.

فرمود: بر تو باد سخاوتمندی. پس همانا خدا خلقی را به رحمت خود آفرید و آنها را
شایسته کارهای نیک و جایگاهی در خیر و وجهه‌ای در میان مردم قرار داد که برای مردم
کوشش نماید، تا آنان را زنده نمایند هم‌چنانچه باران زمین مرده را زنده می‌کند. آنان همان
مؤمنانی هستند که در روز قیامت در ایمنند.

۱۳ - علی بن ابراهیم در روایت مرفوعه‌ای گوید:

خداوند ﷻ به موسی ﷺ وحی نمود که سامری گوساله پرست را نکش، زیرا او سخی

است.

۱۴ - ابو جعفر مدائنی گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

جوان سخاوتمند مفرط در گناهان، نزد خدا از پیر عابد بخیل محبوب‌تر است.

۱۵ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

خِيَارُكُمْ سَمَحًا وَكُمْ، وَ شِرَارُكُمْ بِخَلَاؤُكُمْ، وَ مِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ
وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَ إِنَّ الْبَارَّ بِالْإِخْوَانِ لَيَجِبُهُ الرَّحْمَانُ وَ فِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ
لِلشَّيْطَانِ، وَ تَزْحُجُّ عَنِ النَّيْرَانِ، وَ دُخُولُ الْجَنَانِ.

يَا جَمِيلُ! أَخْبِرْ بِهَذَا غُرَّرَ أَصْحَابِكَ!

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي؟

قَالَ: هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ.

ثُمَّ قَالَ: يَا جَمِيلُ! أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ ﷻ فِي
ذَلِكَ صَاحِبَ الْقَلِيلِ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: «يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ
يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

بهترین شما سخاوتمندانان و بدترین شما بخیلانان هستند و از خالص بودن ایمان
نیکی به برادران و کوشش در احتیاجات ایشان است و خدای رحمان شخص نیکوکار به
برادران را دوست می‌دارد و این عمل موجب به خاک ساییدن بینی شیطان و دور شدن در
آتش و وارد شدن در بهشت است.

ای جمیل! اینها را به بهترین اصحاب خود خبر ده!

گفتم: قربانت گردهم! بهترین اصحابم کیانند؟

فرمود: همان نیکوکاران به برادران در سختی و رفاه.

آن گاه فرمود: ای جمیل! آگاه باش که این برای صاحب اموال بسیار آسان است و
خداوند ﷻ صاحب مال اندک را ستوده، و در کتاب خود فرموده است: «دیگران را به خود
ترجیح می‌دهند اگر چه خود گرفتار باشند کسانی که از بخل نفس خود خودداری نمایند
همان رستگار اند».

(۳۵)

بَابُ الْإِنْفَاقِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الشَّمْسَ لَتَطْلُعُ وَ مَعَهَا أَرْبَعَةٌ أَمَلَاكِ: مَلَكٌ يُنَادِي: يَا صَاحِبَ الْخَيْرِ! أَيْتَمَّ وَ أَبْشِرْ. وَ مَلَكٌ يُنَادِي: يَا صَاحِبَ الشَّرِّ! انزِعْ وَ أَقْصِرْ. وَ مَلَكٌ يُنَادِي: أَعْطِ مُنْفِقاً خَلْفاً، وَ آتِ مُمْسِكاً تَلْفَاءً. وَ مَلَكٌ يَنْصَحُهَا بِالْمَاءِ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ اشْتَعَلَتِ الْأَرْضُ.
- ۲- أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ».

بخش سی و پنجم

انفاق نمودن

- ۱- جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آن گاه که خورشید طلوع می کند با آن چهار فرشته است:
- فرشته ای ندا می کند: ای صاحب خیر! احسانت را کامل نما و بر تو مژده باد.
- و فرشته ای دیگر ندا می کند: ای صاحب شر! دست بردار و کوته بیا.
- و فرشته ای دیگر ندا می کند: خدایا! به انفاق کننده جاگزین کن و به باز دارنده از بین رفتن مالش را قرار ده.
- و فرشته ای به آفتاب آب می پاشد و اگر این گونه نبود زمین شعله ور می شد.
- ۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره فرمایش خداوند عَزَّ وَ جَلَّ که می فرماید: «هم چنین خدا کردارهای حسرت انگیزشان را به آنان نشان می دهد».

قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ مَالَهُ لَا يُنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ بُخْلًا ثُمَّ يَمُوتُ فَيَدَعُهُ لِمَنْ يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ، أَوْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَأَهُ فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ فَرَأَهُ حَسْرَةً وَ قَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ، وَإِنْ كَانَ عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَوَّاهُ بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ ﷺ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ رَاشِدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ بَعْضِ مَنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي كَلَامٍ لَهُ: وَ مَنْ يَسْطُرْ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا وَجَدَهُ يُخْلِفُ اللَّهُ لَهُ مَا أَنْفَقَ فِي دُنْيَاهُ وَ يُضَاعِفُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ.

فرمود: او مردی است که مال خود را وا گذاشته و در اطاعت خدا از جهت بخل انفاق نمی‌کند. سپس می‌میرد و آن را برای کسی که آن را در طاعت خدا یا در معصیت خدا انجام می‌دهد و امی‌گذارد. پس اگر آن را در طاعت خدا انجام داد، مال خود را در میزان عمل دیگری می‌بیند و با حسرت به آن می‌نگرد که مال اوست و اگر آن را در معصیت خدا انجام داد که با آن مال تقویت شده تا در معصیت خدا ﷻ انجام داده است.

۳ - سماعه گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کسی که به جایگزین شدن مال یقین داشته باشد، دلش در انفاق سخاوتمند می‌شود.

۴ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه در ضمن سخنانش فرمود:

هر که به کارهای خیر راه یافت و در آن دستش را باز نمود، خداوند آن چه در دنیا انفاق

نمود جایگزین کند و در جهان آخرت به آن می‌افزاید.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أَبَا جَعْفَرٍ! بَلَّغْنِي أَنَّ الْمَوَالِي إِذَا رَكِبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بُخْلِ مِنْهُمْ لِئَلَّا يَنَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْرًا، وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدَّ خَلِّكَ وَ مَخْرَجُكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ، فَإِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَ فِضَّةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَيْتَهُ، وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عُمُومَتِكَ أَنْ تَبْرَهُ فَلَا تُعْطِهِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسِينَ دِينَارًا وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ.

وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عَمَّاتِكَ فَلَا تُعْطِهَا أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ دِينَارًا، وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ، إِنِّي إِنَّمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ. فَأَنْفِقْ وَ لَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْتِنَارًا.

۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَهْمِ بْنِ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۵- ابونصر گوید: در نامه امام رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام خواندم که حضرتش نوشته بود: ای ابو جعفر به من رسیده که چون سواره می شوی غلامان تو را از درب کوچک بیرون می برند به جهت بخل که دارند که کسی از تو چیزی دریافت نکند. از تو می خواهم به حقی که نسبت به تو دارم که ورود و خروج تو جز از درب بزرگ نباشد. چون سوار مرکب می شوی طلا و نقره همراه داشته باش که کسی از تو چیزی نخواهد مگر به او عطا نمایی و اگر از عموهایت چیزی از تو خواستند کمتر از پنجاه دینار ندهی و خواستی بیشتر بده و هر که از عمه هایت از تو خواست کمتر از بیست و پنج دینار ندهی و خواستی بیشتر بده که من می خواهم با این رفتار خدا تو را بلند نماید. پس انفاق کن و از صاحب عرش - یعنی خدا - ترس که تو را تنگدست نماید.

۶ - اسماعیل بن ابی زیاد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ وَمُنْفِقَةٌ وَمُمْسِكَةٌ، وَخَيْرُ الْأَيْدِي الْمُنْفِقَةُ.
 ۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
 قَالَ: قَالَ:

يَا حُسَيْنُ! أَنْفِقْ وَاتَّقِنِ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَنْخَلْ عَبْدٌ وَلَا أُمَّةٌ بِنَفَقَةٍ فِيمَا
 يُرْضِي اللَّهَ ﷻ إِلَّا أَنْفَقَ أَضْعَافَهَا فِيمَا يُسْخِطُ اللَّهَ ﷻ.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - قَالَ:

يُنزِلُ اللَّهُ الْمَعُونَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْعَبْدِ بِقَدْرِ الْمَثُونَةِ، فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ
 سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
 الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

رسول خدا ﷺ فرمود: دست‌ها سه گونه‌اند: سؤال کننده، انفاق کننده و بازدارنده و
 بهترین دست‌ها انفاق کننده است.

۷- حسین بن ایمن گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: ای حسین! انفاق کن و به جای گزینی از
 جانب خدا یقین داشته باش، زیرا هر بنده و کنیزی که در راه رضایت خداوند ﷻ از انفاق
 کردن بخل ورزد پیش از آن در راه خشم خدا ﷻ انفاق خواهد کرد.

۸- عمر بن اذینه در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام یا امام باقر عليه السلام فرمود:
 خداوند هزینه را بر بنده به اندازه مخارج او از آسمان فرود می‌آورد. پس کسی که به
 جای گزینی یقین پیدا کند، دلش در انفاق سخاوتمند می‌شود.

۹- صفوان بن یحیی گوید:

دَخَلَ عَلَيْهِ مَوْلَى لَهُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ أَنْفَقْتَ الْيَوْمَ شَيْئاً؟
قَالَ: لَا وَاللَّهِ.

فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: فَمِنْ أَيْنَ يُخْلِفُ اللَّهُ عَلَيْنَا؟ أَنْفِقْ وَ لَوْ دِرْهَمًا وَاحِدًا.
۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ يَضْمَنُ أَرْبَعَةَ بَأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ، أَنْفِقْ، وَ لَا تَخَفْ فَقْرًا وَ أَنْصِبِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ أَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ، وَ اتْرُكِ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُجِحًّا.

(۳۶)

بَابُ الْبُخْلِ وَ الشُّحِّ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام:

غلام امام رضا عليه السلام خدمت حضرتش شرف یاب شد، حضرت به او فرمود: آیا امروز چیزی انفاق نموده‌ای؟
گفت: نه، به خدا سوگند!
امام رضا عليه السلام فرمود: پس از کجا خدا جای‌گزین بر ما کند؟ انفاق کن گر چه یک درهم باشد.
۱۰ - معاویة بن وهب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
کیست که چهار چیز را به چهار خانه در بهشت ضمانت کند؟ و آن چهار چیز چنین است: انفاق کن و از فقر مترس، درباره مردم از خود انصاف نما، در جهان سلام دادن را آشکار کن و مجادله را اگر چه بر حق باشی واگذار.

بخش سی و ششم

بخل ورزی و تنگ نظری

۱ - مسعده بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: إِنَّ الشَّيْخَ أَغْدَرُ مِنَ الظَّالِمِ. فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ، إِنَّ الظَّالِمَ قَدْ يَتُوبُ وَ يَسْتَغْفِرُ وَ يَرُدُّ الظُّلَامَةَ عَلَى أَهْلِهَا، وَ الشَّيْخُ إِذَا شَحَّ مَنَعَ الزَّكَاةَ، وَ الصَّدَقَةَ وَ صِلَةَ الرَّحِمِ وَ قَرَى الضَّيْفِ وَ النَّفَقَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَبْوَابَ الْبِرِّ وَ حَرَامَ عَلَى الْجَنَّةِ أَنْ يَدْخُلَهَا شَيْخٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِي عَبْدِ حَاجَةً ابْتِلَاءً بِالْبُخْلِ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِبَنِي سَلَمَةَ: يَا بَنِي سَلَمَةَ! مَنْ سَيِّدُكُمْ؟
قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَيِّدُنَا رَجُلٌ فِيهِ بُخْلٌ.

امیرمؤمنان علی علیه السلام شنید که مردی می گوید: بخیل عذرپذیرتر از ستمگر است. حضرت به او فرمود: دروغ گفתי، همانا بسا ستمگری توبه و طلب مغفرت می کند و مظلوم بر صاحبش برمی گرداند، ولی تنگ نظر آن گاه که بخیل می ورزد از زکات و صدقه و صلح رحم و مهمان نوازی و انفاق در راه خدا و کارهای خیر باز می دارد و حرام است که بخیل وارد بهشت شود.

۲- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هرگاه خداوند نسبت به بنده ای نظری نداشته باشد او را مبتلا به بخیل می فرماید.

۳- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به بنی سلمه فرمود:

ای بنی سلمه! بزرگ شما کیست؟

گفتند: ای رسول خدا! بزرگ ما مرد بخیل است.

- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ أَيُّ دَاءٍ أَدْوَى مِنَ الْبُخْلِ؟!
 ثُمَّ قَالَ: بَلْ سَيِّدُكُمْ الْأَبْيَضُ الْجَسَدِ الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ
 مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الْبُخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ
 أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
 مَا مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشُّحِّ شَيْءٌ.
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِهَذَا الشُّحِّ دَيْبِيًّا كَدَيْبِ النَّمْلِ وَ شُعْبًا كَشُعْبِ الشُّرْكِ.
 وَ فِي نُسخةٍ: أُخْرَى الشُّوْكِ.
- ۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي
 جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

- رسول خدا ﷺ فرمود: کدام بیماری بدتر از بخل است؟!
 سپس فرمود: بلکه بزرگ شما فرد رو سفید براء بن معرور است.
- ۴ - احمد بن سليمان گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:
 بخیل کسی است که از آن چه خدا واجب فرموده است، بخل ورزد.
- ۵ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که فرمود:
 رسول خدا ﷺ فرمود:
 هیچ چیز مانند تنگ نظری، اسلام شخص را تباه نمی سازد.
 سپس فرمود: همانا این تنگ نظری حرکت ضعیف و نامحسوسی مانند حرکت مورچه
 و شاخه ای مانند شاخه های دام صیاد دارد.
- ۶ - جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

لَيْسَ بِالْبَخِيلِ الَّذِي يُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فِي مَالِهِ وَ يُعْطِي الْبَائِنَةَ فِي قَوْمِهِ.
 ۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ شَرِيْفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَدْرِي مَا الشَّحِيحُ؟
 قُلْتُ: هُوَ الْبَخِيلُ.

قَالَ: الشُّحُّ أَشَدُّ مِنَ الْبُخْلِ. إِنَّ الْبَخِيلَ يَبْخُلُ بِمَا فِي يَدِهِ، وَ الشَّحِيحُ يَشْحُ عَلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَا يَرَى مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ شَيْئًا إِلَّا تَمَنَّى أَنْ يَكُونَ لَهُ بِالْحِلِّ وَ الْحَرَامِ وَ لَا يَفْنَعُ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ.
 ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

لَيْسَ الْبَخِيلُ مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ مِنْ مَالِهِ وَ أَعْطَى الْبَائِنَةَ فِي قَوْمِهِ. إِنَّمَا الْبَخِيلُ حَقُّ الْبَخِيلِ مَنْ لَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ مِنْ مَالِهِ، وَ لَمْ يُعْطِ الْبَائِنَةَ فِي قَوْمِهِ وَ هُوَ يُبَدِّرُ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ.

کسی که زکات فریضه مال خود را بپردازد و دست عطایش در خویشان خود بگشاید، بخیل نیست.

۷- فضل بن ابی قره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: آیا می دانی شحیح کیست؟
 گفتیم: او بخیل است.

فرمود: شح شدیدتر از بخل است، زیرا بخیل نسبت به چیزی که در دست خود دارد بخل می ورزد، و شحیح هم بر آن چه در دست مردم است و هم به آن چه در دست خود او است، بخل می کند، به گونه ای که چیزی را در دست مردم نمی بیند مگر آن که آرزو می کند که آن چیز - چه از حلال و چه از حرام - متعلق به او باشد و به آن چه خدا به او داده است قانع نمی شود.

۸- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کسی که زکات واجب را از مال خود بپردازد، و دست عطایش را در خویشان خود بگشاید بخیل نیست، بلکه بخیل واقعی کسی است که زکات واجب را از مال خود نپردازد، و دست عطا در خویشان خود نداشته باشد در حالی که در موارد دیگر ول خرجی کند.

(۳۷)

بَابُ النَّوَادِرِ

- ۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سُفْيَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَنْ سَأَلَ النَّاسَ عَاشَ وَمَنْ سَكَتَ مَاتَ.
قُلْتُ: فَمَا أَصْنَعُ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ؟
قَالَ: تُعِينُهُمْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَجَاهِدُ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرٍ غَنِيِّ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

بخش سی و هفتم

چند حدیث نکته دار

- ۱- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
زمانی بر مردم فرا خواهد رسید هر که از مردم سؤال کرد زنده می ماند و هر که ساکت ماند، می میرد.
گفتم: اگر آن زمان را یافتم چه کنم؟
فرمود: آنها را با آن چه داری، یاری کن و اگر نیافتی در رفع نیازهای آنها تلاش کن.
- ۲- عبد الاعلی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
بهترین صدقه، صدقه از روی بی نیازی است.
- ۳- سکوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ تَكُونُ عَنْ فَضْلِ الْكَفِّ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾.

قَالَ: هُوَ الزَّمِنُ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْرُجَ لِزَمَانَتِهِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾. بِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي بِالْوَأْحِدَةِ عَشْرَةَ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ فَمَا زَادَ ﴿فَسَنِّيئِرُهُ لِيُسْرَى﴾. قَالَ: لَا يُرِيدُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا يَسْرَهُ اللَّهُ لَهُ. ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى﴾.

قَالَ: بَخِلَ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ ﷻ ﴿وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ بِأَنَّ اللَّهَ يُعْطِي بِالْوَأْحِدَةِ عَشْرَةَ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ، فَمَا زَادَ.

برترین صدقه، صدقه از فزونی مال است.

۴- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «فقیر شدید را اطعام کنید» فرمود:

منظور فرد زمین‌گیری است که به خاطر آن نتواند بیرون رود.

۵- سعد بن طریف گوید: امام باقر عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «آن که صدقه داد و پرهیزکاری کرد به پاداش نیکو و تصدیق کرد، به این که خدای تعالی در برابر یکی، ده برابر تا صد هزار برابر و پیش از آن می دهد. پس او را متمکن می کنیم» فرمود: آن شخصی هر کار خیری را اراده کند، خداوند آن را بر او آسان می کند.

«و اما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دانست» فرمود: بخل ورزید به آن چه خداوند تعالی به او داده «و پاداش نیکو را تکذیب نمود» به این که خدا در برابر یکی، ده برابر تا صد هزار برابر و بیشتر به او می دهد.

﴿فَسُنِّيَتْهُ لِلعُنْزِيِّ﴾.

قَالَ: لَا يُرِيدُ شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ إِلَّا يَسْرَهُ لَهُ.

﴿وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾.

قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ، مَا هُوَ تَرَدَّى فِي بئرٍ وَلَا مِنْ جَبَلٍ وَلَا مِنْ حَائِطٍ، وَلكِنْ تَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ.

۶- وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَقَدْ وَكَلْتُ بِهِ مَنْ يَقْبِضُهُ غَيْرِي إِلَّا الصَّدَقَةَ، فَإِنِّي أَتَلَقُّهَا بِيَدِي تَلَقُّفًا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَصَدَّقُ بِالتَّمْرَةِ أَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَأُرَبِّبُهَا لَهُ كَمَا يُرَبِّي الرَّجُلُ فَلْوَهُ وَفَصِيلَهُ، فَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مِثْلُ أَحَدٍ وَأَعْظَمُ مِنْ أَحَدٍ.

«پس او را در سختی قرار می‌دهیم» فرمود:

آن شخص چیزی از بدی را اراده نمی‌کند مگر آن را به او آسان می‌کند.

«و کفایت نمی‌کند از آن مال او چون فرو افتد» فرمود: آگاه باش! به خدا سوگند! این گونه

نیست که او در چاه، یا از کوه و یا از دیوار سقوط کند، بلکه در آتش دوزخ فرو خواهد افتاد.

۶- سالم بن ابی حفصه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: هیچ چیزی نیست مگر کسی را گماشته‌ام که آن را

دریافت کند مگر صدقه که آن را خود به دست خودم به سرعت می‌گیرم تا جایی که مردی

یک خرما و یا قسمتی از آن را صدقه می‌دهد، من آن را پرورش می‌دهم آن سان که مرد بچه

شتر از شیر جدا شده خود را پرورش می‌دهد وقتی در روز قیامت می‌آید آن دانه خرما

و پاره‌ای از آن همانند کوه احد یا بزرگتر از آن شده است.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام وَهُمَا جَالِسَانِ عَلَى الصَّفَا، فَسَأَلَهُمَا. فَقَالَا: إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي دَيْنٍ مُوجِبٍ، أَوْ عَزْمٍ مُفْطِعٍ، أَوْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ فَفِيكَ شَيْءٌ مِنْ هَذَا؟
قَالَ: نَعَمْ.

فَأَعْطِيَاهُ وَ قَدْ كَانَ الرَّجُلُ سَأَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ فَأَعْطِيَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلَاهُ عَنْ شَيْءٍ، فَرَجَعَ إِلَيْهِمَا فَقَالَ لَهُمَا: مَا لَكُمْ لَمْ تَسْأَلَانِي عَمَّا سَأَلَنِي عَنْهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهما السلام وَ أَخْبَرَهُمَا بِمَا قَالَا.
فَقَالَا: إِنَّهُمَا عُدِّيَا بِالْعِلْمِ غِذَاءً.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

۷- عبدالرحمان عزمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امام حسن و امام حسین عليهما السلام در صفا نشسته بودند، مردی آمد و از آنها سؤال کرد.
فرمودند: صدقه حلال نمی‌شود، مگر در بدهی دردآور، یا خسارتی که انسان را در سختی اندازد، یا فقری که به خاک اندازد، در تو چیزی از اینها هست؟
گفت: آری.

پس به او عطا کردند. آن مرد پیشتر از عبدالله بن عمر و عبد الرحمان ابی بکر نیز سؤال کرده بود که به او عطا نموده بودند، ولی چیزی از او نپرسیده بودند. آن مرد نزد آن دو برگشت و به آنها گفت: چرا شما از من در مورد آن چه امام حسن و امام حسین عليهما السلام پرسیدند، نپرسیدید؟ و سخن آن بزرگوران به آنها باز گفت.

پاسخ دادند: آنان با علم و دانش پرورش یافته و تغذیه شده‌اند.

۸- مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

لَا تَسْأَلُوا أُمَّتِي فِي مَجَالِسِهَا فَتَبْخُلُوهَا.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ﴾.

قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا أَمَرَ بِالنَّخْلِ أَنْ يَزَكَّى يَجِيءُ قَوْمٌ بِاللَّوَانِ مِنَ تَمْرٍ وَهُوَ مِنْ أَرْضِ التَّمْرِ يُودُّونَهُ مِنْ زَكَاتِهِمْ تَمْرًا يُقَالُ لَهُ: الْجَعْرُورُ وَالْمِعْفَارَةُ قَلِيلَةُ اللَّحَاءِ عَظِيمَةُ النَّوَى، وَكَانَ بَعْضُهُمْ يَجِيءُ بِهَا عَنِ التَّمْرِ الْجَيِّدِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا تَخْرُصُوا هَاتَيْنِ التَّمْرَتَيْنِ وَلَا تَجِئُوا مِنْهَا بِشَيْءٍ، وَفِي ذَلِكَ نَزَلَتْ: ﴿وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ﴾ وَالْإِغْمَاضُ أَنْ تَأْخُذَ هَاتَيْنِ التَّمْرَتَيْنِ.

۱۰- وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾.

در مجالس از اُمت من چیزی درخواست نکنید که آنها را به بخل نسبت دهید.

۹- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردند! از بخش‌های پاکیزه اموالی که به دست آورده‌اید و از آن چه برای شما از زمین بیرون آوردیم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ بخش‌های ناپاک نروید».

فرمود: هنگامی که رسول خدا صلى الله عليه وآله امر می فرمود که مسلمانان زکات خرما را بدهند عده‌ای خرماهای نامرغوب می آوردند و به عنوان زکات می دادند که نام آنها جعرور و معفاره بود. آنها خرماهای کم گوشت و هسته درشت بودند و عده‌ای از آنها خرماهای مرغوب می آوردند. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: این دو نوع خرما را تخمین نزنید و چیزی از آن را نیاورید. در این هنگام این آیه نازل شد «و برای انفاق به سراغ بخش‌های ناپاک نروید که خودتان حاضر به پذیرش آنها نیستید، مگر از روی اغماض و کراهت». اغماض این است که این دو رقم خرما را بگیری.

۱۰- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى که می فرماید «از بخش‌های پاکیزه اموالتان انفاق کنید» فرمود:

فَقَالَ: كَانَ الْقَوْمُ قَدْ كَسَبُوا مَكَاسِبَ سَوْءٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ. فَلَمَّا أَسْلَمُوا أَرَادُوا أَنْ يُخْرِجُوهَا مِنْ أَمْوَالِهِمْ لِيَتَصَدَّقُوا بِهَا، فَأَبَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا أَنْ يُخْرِجُوا مِنْ أَطْيَبِ مَا كَسَبُوا.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي شَيْخٌ كَثِيرُ الْعِيَالِ ضَعِيفُ الرُّكْنِ قَلِيلُ الشَّيْءِ، فَهَلْ مِنْ مَعُونَةٍ عَلَيَّ زَمَانِي؟ فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَصْحَابِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ وَقَالَ: قَدْ أَسْمَعْنَا الْقَوْلَ وَ أَسْمَعَكُم.

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: كُنْتُ مِثْلَكَ بِالْأَمْسِ، فَذَهَبَ بِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَعْطَاهُ مِرْوَدًا مِنْ تَبَرٍ وَكَانُوا يَتَبَايَعُونَ بِالتَّبَرِ وَهُوَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ. فَقَالَ الشَّيْخُ: هَذَا كُلُّهُ.

عدهای در زمان جاهلیت کسب و کار بدی داشتند، چون اسلام آوردند و خواستند آنها را از اموال خود بیرون آورند صدقه دادند. پس خدای تبارک و تعالی آنها را از این کار باز داشت مگر که از پاکیزه‌ترین اموال خود صدقه دهند.

۱۱ - راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرف‌یاب شد و گفت: من پیر مرد بسیار عیالمند، کم درآمد و کم دارایی هستم، آیا می‌توانید مدتی به من کمکی کنید؟

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اصحاب خود و آنها هم به حضرتش نگاه کردند. آن گاه فرمود: او سخن خود را بر ما و شما شنویند.

مردی برخاست و گفت: من هم دیروز همانند تو بودم. او را به خانه‌اش برد و به او مثنی طلا و نقره بی‌سکه داد، آنان همین‌طور مشغول خرید و فروش بودند.

پیر مرد گفت: همه این‌ها مال من است؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ الشَّيْخُ: أَقْبِلْ تَبْرَكَ، فَإِنِّي لَسْتُ بِجَنِّيٍّ وَلَا إِنْسِيٍّ، وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ لِأَبْلُوكَ فَوَجَدْتُكَ شَاكِرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا.

۱۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَنْىَ وَ بَيْنَ أَيْدِينَا عِنَبٌ نَأْكُلُهُ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَهُ فَأَمَرَ بِعُنُقُوذٍ فَأَعْطَاهُ.

فَقَالَ السَّائِلُ: لَا حَاجَةَ لِي فِي هَذَا، إِنْ كَانَ دِرْهَمٌ.

قَالَ: يَسَعُ اللَّهُ عَلَيْكَ.

فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: رُدُّوا الْعُنُقُوذَ.

فَقَالَ: يَسَعُ اللَّهُ لَكَ وَ لَمْ يُعْطِهِ شَيْئًا.

ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ آخَرٌ، فَأَخَذَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ حَبَّاتٍ عِنَبٍ فَنَاوَلَهَا إِيَّاهُ. فَأَخَذَ السَّائِلُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي رَزَقَنِي.

گفت: آری.

پیرمرد گفت: طلا و نقره خود را بگیر که من از جن و انس نیستم، ولی فرستاده‌ای از جانب خدا هستم تا تورا بیازمایم. پس تورا شکرگزار یافتم، خداوند به تو جزای خیر دهد.

۱۲- مسمع بن عبدالملک گوید: در منا خدمت امام صادق علیه السلام بودیم. پیش روی ما انگور بود که می‌خوردیم، سائلی آمد و از حضرتش سؤال کرد.

آن حضرت امر فرمود که یک خوشه انگور به او دادم.

سائل گفت: احتیاج به این ندارم، اگر درهم باشد بدهید.

حضرت فرمود: خدا به تو وسعت دهد.

او رفت دوباره برگشت و گفت: انگور را بدهید.

حضرت فرمود: خدا به تو وسعت دهد.

و چیزی به او نداد، سپس سائل دیگری آمد، امام صادق علیه السلام سه دانه انگور گرفت و به

او داد. سائل از دست حضرتش گرفت و گفت: الحمد لله رب العالمین که مرا روزی داد.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَكَانَكَ! فَحَشَا مِلءَ كَفِّهِ عِنَبًا، فَنَاوَلَهَا إِيَّاهُ.
فَأَخَذَهَا السَّائِلُ مِنْ يَدِهِ، ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَكَانَكَ، يَا غُلَامُ! أَيُّ شَيْءٍ مَعَكَ مِنَ الدَّرَاهِمِ.
فَإِذَا مَعَهُ نَحْوُ مِنْ عِشْرِينَ دِرْهَمًا فِيمَا حَزَزْنَاهُ أَوْ نَحْوِهَا، فَنَاوَلَهَا إِيَّاهُ.
فَأَخَذَهَا ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ هَذَا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَكَانَكَ! فَخَلَعَ قَمِيصًا كَانَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: الْبَسْ هَذَا.
فَلَبَسَهُ ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي وَ سَتَرَنِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَوْ قَالَ: جَزَاكَ
اللَّهُ خَيْرًا. لَمْ يَدْعُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا بِذَلِكَ، ثُمَّ انْصَرَفَ فَذَهَبَ.
قَالَ: فَظَنْنَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَدْعُ لَهُ لَمْ يَزَلْ يُعْطِيهِ، لِأَنَّهُ كَلَّمَا كَانَ يُعْطِيهِ حَمِدَ اللَّهُ أَعْطَاهُ.
۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ:

إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعَلِّمِ أَخَاهُ وَ لَا يُعِينُ عَلَي نَفْسِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: بایست! آن گاه دو کف خود را پر از انگور کرد و به او داد، باز سائل از دست حضرتش گرفت و گفت: الحمد لله رب العالمین.
امام صادق علیه السلام فرمود: بایست! (آن گاه رو به غلامش کرد و فرمود:) ای غلام! چند درهم نزد توست؟
او در حدود بیست درهم به او داد و او گرفت. باز گفت: الحمد لله هذا منك وحدك لا شريك لك.
امام صادق علیه السلام فرمود: بایست! آن گاه پیراهن خود را که در تن داشت درآورد و فرمود: این را بپوش.
او پیراهن را پوشید، سپس گفت: الحمد لله آن که مرا پوشانید و مرا مستور فرمود. ای اباعبدالله! خدا به تو جزای خیر دهد.
همین دعا را در حق امام صادق علیه السلام کرد، سپس برگشت و رفت.
راوی گوید: ما گمان کردیم اگر او حضرت را دعا نمی کرد، حضرتش پیوسته به او عطا می فرمود، زیرا هر چه به او عطا می فرمود حمد خدا را می نمود باز به او عطا می فرمود.
۱۳ - حریر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
هرگاه یکی از شما در تنگنا قرار گرفت برادر دینی خود را آگاه کند و بر خود سخت نگیرد.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ مَعْمَرٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ:

إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعَالِ صِيَانَهُ الْعَرِضِ بِالْمَالِ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمُهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَتْ زِيَادَةً فِي عُمُرِهِ وَبَقَاءَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَ مَا هُنَّ؟

قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَ تَطْوِيلُهُ لِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا أَطْعِمَ عَلَى مَائِدَتِهِ، وَ اضْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ.

۱۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

۱۴ - معمر در روایت مرفوعه‌ای گوید: امیرمؤمنان علی عليه السلام در بعضی از خطبه‌هایش فرمود:

بهترین کارها نگهداشتن آبرو با مال است.

۱۵ - زراره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سه چیز است که اگر مؤمن بداند باعث زیادی عمر و بقای نعمت بر او می‌شود.

گفتم: آنها کدامند؟

فرمود: طول دادن رکوع و سجود در نماز، طول دادن نشستن در کنار سفره غذا و نیکو

کاری بر اهل آن.

۱۶ - سماعه گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قُلْتُ: قَوْمٌ عِنْدَهُمْ فُضُولٌ وَبِإِخْوَانِهِمْ حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ وَ
 لَيْسَ تَسَعُهُمُ الزَّكَاةُ أَمْ يَسَعُهُمْ أَنْ يَشْبَعُوا وَيَجُوعَ إِخْوَانُهُمْ، فَإِنَّ الزَّمَانَ شَدِيدٌ؟
 فَقَالَ: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ، فَيَحِقُّ عَلَى
 الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِيهِ وَالتَّوَاصُلُ وَالتَّعَاوُنُ عَلَيْهِ وَالمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَ
 الْعَطْفُ مِنْكُمْ يَكُونُونَ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ مُتَرَاحِمِينَ.

(۳۸)

بَابُ فَضْلِ إِطْعَامِ الطَّعَامِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ
 مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
 مِنْ مُوجِبَاتِ مَغْفِرَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطْعَامُ الطَّعَامِ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: عده‌ای مال اضافی دارند و برادران دینی آنها در احتیاج
 شدید زندگی می‌کنند و زکات هم شامل آنها نمی‌شود، آیا جایز است که آنها سیر و
 برادرانشان گرسنه باشند؟ زیرا زندگی در این زمانه سخت شده است؟
 فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، او را ستم نمی‌کند و او را رها و محروم نمی‌سازد،
 مسلمانان باید برای رفع مشکل او تلاش کنند، به او کمک نمایند و با اهل حاجت مواسات
 نمایند و مهربانی از شما باشد که بر آن چه خدا امر فرموده که «ما بین خود مهربانند» به
 همدیگر رحم کنند.

بخش سی و هشتم

فضیلت اطعام غذا

۱- موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:
 از سبب‌های آمرزش خدای تبارک و تعالی غذا دادن است.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ الْإِيمَانِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَأَفْشَى السَّلَامَ، وَصَلَّى وَ النَّاسِ نِيَامًا.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَمْرِنَا أَنْ نُطْعِمَ الطَّعَامَ، وَنُؤَدِّيَ فِي النَّاسِ الْبَائِنَةَ، وَنُصَلِّيَ إِذَا نَامَ النَّاسُ.

۵ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ

سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ فَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُنْجِيَاتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ، وَإِفْشَاءُ السَّلَامِ، وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا.

۲ - حماد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اخلاق نیکو و اطعام غذا از ایمان است.

۳ - عبدالله جعفری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

بهترین شما کسی است که به مردم غذا دهد، آشکارا سلام نماید و نماز خواند در حالی که مردم در خوابند.

۴ - جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: علی عليه السلام همواره می فرمود:

ما اهل بیت مأمور شدیم که به مردم غذا بخورانیم، به آنان عطیه ای عطا کنیم و نماز بخوانیم در حالی که مردم در خوابند.

۵ - فیض بن مختار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نجات دهندگان انسان عبارتند از: خوراندن طعام، افشای سلام و نماز خواندن در شب هنگام در حالی که مردم در خوابند.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِهْرَاقَ الدَّمَاءِ، وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْبَاعَ جَوْعَةِ الْمُؤْمِنِ، أَوْ تَنْفِيسَ كُرْبَتِهِ، أَوْ قَضَاءَ دِينِهِ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَابْنِ فَضَّالٍ عَنْ تَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِرَاقَةَ الدَّمَاءِ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۶- ابوبصیر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خدای تبارک و تعالی ریختن خون قربانی، و طعام دادن را دوست می‌دارد.

۷- هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ سیر نمودن مؤمن گرسنه، یا زدودن غم و اندوه او یا پرداخت بدهی اوست.

۸- زراره نیز نظیر این روایت را از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند.

۹- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

أَتَيْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِأَسَارِي فَقَدَّمَ رَجُلًا مِنْهُمْ لِيُضْرَبَ عَنْقَهُ.
 فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: أَخِرْ هَذَا الْيَوْمَ يَا مُحَمَّدُ!
 فَرَدَّهُ وَأَخْرَجَ غَيْرَهُ حَتَّى كَانَ هُوَ آخِرَهُمْ، فَدَعَا بِهِ لِيُضْرَبَ عَنْقَهُ.
 فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: يَا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنَّ أَسِيرَكَ هَذَا
 يُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَ يُفْرِي الضَّيْفَ، وَ يَصْبِرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ يَحْمِلُ الْحَمَالَاتِ.
 فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي فِيكَ مِنَ اللَّهِ ﷻ بِكَذَا وَ كَذَا وَ قَدْ
 أَعْتَقْتُكَ.

فَقَالَ لَهُ: إِنَّ رَبَّكَ لَيُحِبُّ هَذَا؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ. وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا! لَا
 رَدَدْتُ عَنْ مَالِي أَحَدًا أَبَدًا.

اسیرانی را نزد رسول خدا ﷺ آوردند، یکی از آنها را پیش آوردند که گردنش زده شود
 ناگاه جبرئیل گفت: ای محمد! حکم را امروز به تأخیر انداز.
 حضرتش حکم او را اجرا نکرد. پس دیگران را پیش آوردند تا او آخرین نفر شد. وقتی
 خواست گردنش زده شود.

جبرئیل به او گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام رسانید و به تو امر می‌فرماید که
 این اسیر تو اطعام طعام می‌کند، به مهمان اکرام می‌نماید، و بر ناملایمات صبر می‌کند،
 بارهای مردم را بردوش می‌کشد.
 پیامبر ﷺ به او فرمود: جبرئیل درباره تو از خداوند ﷻ چنین و چنان خبر می‌دهد و من
 تو را آزاد نمودم.

او به پیامبر ﷺ گفت: به راستی پروردگار تو این کارها را دوست می‌دارد؟
 فرمود: آری.

گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ. سَوَّغْتُ لَكَ أَنْ تَكُونَ بِحَقِّ نَبِيٍّ بِرَسُولِي
 بِرَانْغِيخْت! هَرْكَزْ مِنْ مَالِ خُودِ كَسِي رَا رَدَ نَمُودِهَام.

- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: الرِّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السُّكَّانِ فِي السَّنَامِ.
- ۱۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: مِنْ مُوجِبَاتِ مَعْفَرَةِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطْعَامُ الطَّعَامِ.
- ۱۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام إِذَا أَكَلَ أَتَى بِصَحْفَةٍ فَتَوَضَّعَ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ، فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا، فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ. ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ، ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾. ثُمَّ يَقُولُ: عَلِمَ اللَّهُ عز وجل أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ، فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ.

۱۰ - عبدالله بن ميمون گوید: امام صادق از پدر بزرگوار خود عليه السلام روایت نمود که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

- کسی که اطعام طعام می‌کند، روزی او از فرو رفتن چاقو در کوهان شتر با نفوذتر است.
- ۱۱ - موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله همواره می‌فرمود: از سبب‌های آمرزش پروردگار متعال غذا دادن است.
- ۱۲ - معمر بن خلاد گوید: روش امام رضا عليه السلام این گونه بود آن گاه که غذا میل می‌فرمود کاسه بزرگی می‌آوردند و آن کنار سفره گذاشته می‌شد و از بهترین غذاها که به او آورده می‌شد، از هر کدام مقداری برمی‌داشت و در آن کاسه بزرگ می‌گذاشت، سپس می‌فرمود: آن را به بینوایان بدهید، سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود: «پس او از آن گردنه مهمّ نگذشت». آن گاه می‌فرمود: خداوند عز وجل دانست که هر کسی نمی‌تواند بنده آزاد کند. پس بر آنها راهی به سوی بهشت قرار داد (و به اطعام طعام دستور داد).

(۳۹)

بَابُ فَضْلِ الْقَصْدِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:
لِيَنْفِقِ الرَّجُلُ بِالْقَصْدِ وَ بُلْغَةِ الْكَفَافِ وَ يُقَدِّمُ مِنْهُ فَضْلًا لِأَخْرَجَتِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِلنُّعْمَةِ وَ أَقْرَبَ إِلَى الْمَزِيدِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْفَعُ فِي الْعَافِيَةِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءَ، فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَلَ شَرَابِكَ.

بخش سی و نهم**فضیلت میانہ روی**

- ۱ - یزید بن معاویہ گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امام سجاد صلوات الله علیه فرمود: انسان باید به اندازه کفاف هزینه کند و فزونی آن را به جهان آخرت پیش فرستد، زیرا همان باقی دارنده نعمت است و به فزونی از جانب خداوند تَعَالَى نزدیکتر است و برای عافیت سودمند است.
- ۲ - داوود رقّی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: میانہ روی، کاری است که خداوند تَعَالَى آن را دوست دارد و اسراف، کاری است که خداوند آن را دشمن دارد، به گونه‌ای که به دور افکندن هسته خرما بینجامد، زیرا آن نیز مورد مصرف قرار می‌گیرد، همین طور است دور ریختن فزونی آب.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ». قَالَ: الْعَفْوُ الْوَسْطُ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ وَالسَّرْفُ مَثْوَاءٌ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: فَذَكَرَ الثَّلَاثَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ أَبِي الْهَزْهَازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ.

۳- راوی گوید: امام صادق عليه السلام در تفسیر گفتار خداوند عَلَيْكُمْ که می فرماید «از تو می پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: عفو را» می فرمود: منظور از عفو، میانه است.

۴ - علی بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: میانه روی ثروت آورو اسراف، از بین بردن آن است.

۵ - ابو حمزه گوید: امام سجّاد عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

سه چیز نجات دهنده هستند؛ سومین آنها میانه روی در توانگری و فقر است.

۶ - مدرک بن ابی هزهاز گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

ضمانت می کنم برای کسی که میانه روی کند فقیر نشود.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ وَاقِدٍ اللَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ مَا فِي يَدَيْهِ فِي سَبِيلِ مَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَا كَانَ أَحْسَنَ وَلَا وُفَّقَ. أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾، ﴿وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ يَعْنِي الْمُقْتَصِدِينَ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عُبَيْدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا عُبَيْدُ! إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى.

۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عَالَ امْرُؤٌ فِي اقْتِصَادٍ.

۷- حمّاد بن واقد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر انسان تمام دارایی خود را در راهی از راه‌های خدا انفاق کند، کار نیکویی نکرده است و موفق نیست، آیا خدای تعالی نمی‌فرماید: «با دستانتان خود را به هلاکت نیندازید»، «و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد» یعنی: میانه‌روان را دوست می‌دارد.

۸- عبید گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

ای عبید! همانا اسراف، فقر و ناداری و میانه‌روی، توانگری می‌آورد.

۹- موسی بن بکر گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هیچ انسانی در میانه‌روی و اقتصاد فقیر و نادار نشد.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لَهُ:

إِنَّا نَكُونُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَنُرِيدُ الْإِحْرَامَ فَنَطْلِي وَ لَا تَكُونُ مَعَنَا نُحَالَةٌ نَتَدَلَّكَ بِهَا مِنْ النُّورَةِ فَتَتَدَلَّكَ بِالذَّقِيقِ وَ قَدْ دَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ مَا اللَّهُ أَعْلَمُ بِهِ.
فَقَالَ: أَمَحَافَةَ الْإِسْرَافِ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ: لَيْسَ فِيهَا أَصْلَحَ الْبَدَنِ إِسْرَافٌ، إِنِّي رُبَّمَا أَمَرْتُ بِالنَّعْيِ فَيَلْتُ بِالزَّيْتِ فَآتَدَلَّكَ بِهِ. إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالَ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ.

قُلْتُ: فَمَا الْإِقْتَارُ؟

قَالَ: أَكْلُ الْخُبْزِ وَ الْمِلْحِ، وَ أَنْتَ تَقْدِرُ عَلَى غَيْرِهِ.

قُلْتُ: فَمَا الْقَصْدُ؟

قَالَ: الْخُبْزُ وَ اللَّحْمُ وَ اللَّبَنُ وَ الْحَلُّ وَ السَّمْنُ مَرَّةً هَذَا وَ مَرَّةً هَذَا.

۱۰ - عدّه‌ای از اصحاب اسحاق بن عبدالعزیز گویند: به امام صادق عليه السلام گفتیم: ما در راه مکه آن گاه که می‌خواستیم محرم شویم بر خود نوره کشیدیم، سبوسی نداشتیم که بعد از نوره بر بدن خود بمالیم. از این رو آرد بر تن خود مالیدیم، آن گاه خدای داند چقدر ناراحت شدیم.

حضرت فرمود: از ترس اسراف؟

گفتیم: آری.

فرمود: چیزی که موجب تندرستی بدن است، اسراف نیست. من گاهی می‌گویم که آرد پوست کنده را با روغن زیتون مخلوط نموده و آن را به تن خود می‌مالم، همانا اسراف در چیزی است که مال را از بین برده و بر بدن ضرر برساند.

گفتم: پس اقتار (وخسیسی) چیست؟

فرمود: خوردن نان با نمک در حالی که می‌توانی غیر آن را میل کنی؟

گفتم: پس میانه‌روی چیست؟

فرمود: استفاده از گوشت، شیر، سرکه و روغن، گاهی از آن و گاهی از این.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا جَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْكُمْ فَجُودُوا، وَإِذَا أَمْسَكَ عَنْكُمْ فَأَمْسِكُوا، وَلَا تُجَاوِدُوا اللَّهَ فَهُوَ الْأَجْوَدُ.

۱۲ - أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ.

۱۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ:

الرُّفْقُ نِصْفُ الْعَيْشِ، وَ مَا عَالَ امْرُؤٌ فِي اقْتِصَادِهِ.

۱۱ - رفاعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خدای تبارک و تعالی بر شما بخشید، شما نیز ببخشید و آن گاه که از شما باز داشت شما نیز باز دارید و از خداوند بخشنده تر نباشید که همو بخشنده است.

۱۲ - ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر که در زندگی خود میانه روی پیش گیرد، خدا به او روزی می دهد و هر که اسراف کند، خدا او را محروم می کند.

۱۳ - موسی بن بکر گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می فرمود:

سازش و نرمی (با اطرافیان) نیمی از زندگی است و انسان با به کار بردن میانه روی فقیر و نادار نخواهد نشد.

(۴۰)

بَابُ كَرَاهِيَةِ السَّرْفِ وَ التَّقْنِيرِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو الْأَحْوَلِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَذِهِ الْآيَةَ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا». قَالَ: فَأَخَذَ قَبْضَةً مِنْ حَصَى وَ قَبْضَهَا بِيَدِهِ، فَقَالَ: هَذَا الْإِقْتَارُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ.

ثُمَّ قَبْضَ قَبْضَةً أُخْرَى فَأَرْخَى كَفَّهُ كُلَّهَا، ثُمَّ قَالَ: هَذَا الْإِسْرَافُ. ثُمَّ أَخَذَ قَبْضَةً أُخْرَى فَأَرْخَى بَعْضَهَا وَ أَمْسَكَ بَعْضَهَا وَ قَالَ: هَذَا الْقَوَامُ.

۲ - وَ عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام عَنِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ. فَقَالَ: مَا بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ: الْإِسْرَافِ وَ الْإِقْتَارِ.

بخش چهلم

نكوهش اسراف و سختگیری

۱ - احوال گوید: امام صادق عليه السلام این آیه را خواند که «مؤمنان به هنگام انفاق اسراف نمی‌کنند و سختگیری هم نمی‌نمایند و ما بین این دو، حد اعتدالی دارند».

راوی گوید: حضرتش یک مشت سنگ ریزه برداشت و دست مبارک خود را مشت کرد و فرمود: این همان سختگیری است که خدا در کتاب خود فرموده است.

آن گاه یک مشت دیگر به دست گرفت، سپس دست خود را باز نمود و فرمود: این اسراف است.

سپس مشت دیگری سنگریزه برداشت و دست مبارک خود را باز نمود و یک مقدار نکه داشت و فرمود: این قوام و میانه‌روی است.

۲ - عبدالله بن ابان گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد هزینه خانواده پرسیدم. فرمود: میان دو مکروه: اسراف و سخت‌گیری است.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ وَ يُوسُفَ بْنِ عُمَارَةَ قَالَا: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَاتِ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
رُبُّ فَقِيرٍ هُوَ أَشْرَفُ مِنَ الْغَنِيِّ، إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَ الْفَقِيرَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ
مَا أُوتِيَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: سَأَلَ
رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُسْرِفِينَ﴾.

فَقَالَ: كَانَ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ الْأَنْصَارِيُّ سَمَاهُ، وَ كَانَ لَهُ حَرْثٌ وَ كَانَ إِذَا أَخَذَ
يَتَصَدَّقُ بِهِ وَ يَبْقَى هُوَ وَ عِيَالُهُ بِغَيْرِ شَيْءٍ فَجَعَلَ اللَّهُ تعالى ذَلِكَ سَرَفًا.

۳- ابن ابی یعفور و یوسف بن عماره گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی که با اسراف، کم برکتی است.

۴- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای بسا فقیری که او اسراف کننده تر از ثروتمند است، زیرا ثروتمند از آن چه دارد انفاق
می کند، و فقیر از آن چه ندارد می دهد.

۵- هشام بن مثنی گوید: مردی از امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى که می فرماید: «حق آن

را در روز درو بدهید و اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست نمی دارد» پرسید.

فرمود: فلان پسر فلانی انصاری - که حضرتش نام برده بود - زراعتی داشت و چون
محصول خود را به دست می آورد آن را صدقه می داد و خود و خانواده اش بی چیز
می ماندند. پس خداوند آن عمل را اسراف قرار داد.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾.

قَالَ: الْإِحْسَارُ: الْفَاقَةُ.

۷ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَجَلَانَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ إِلَيَّ مِكْتَلٍ فِيهِ تَمْرٌ فَمَلَأَ يَدَهُ فَنَاوَلَهُ. ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَاوَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ، فَنَاوَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَاوَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَقَالَ: اللَّهُ رَازِقُنَا وَإِيَّاكَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ لَا يَسْأَلُهُ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ ابْنًا لَهَا، فَقَالَتْ: انْطَلِقْ إِلَيْهِ فَاسْأَلْهُ، فَإِنْ قَالَ لَكَ: لَيْسَ عِنْدَنَا شَيْءٌ. فَقُلْ: أُعْطِنِي قَمِيصَكَ.

۶ - عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام در باره گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «و دست‌های خود را بسته در گردنت قرار نده و آن را به طور کامل هم باز ندارد که ملامت شده و بی چیز بنشینی».

فرمود: احسار همان حاجتمندی است.

۷ - عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد. حضرت برخاست و در زنبیلی که در آن خرما بود، دست خود را پر کرد و به او داد. سپس سائل دیگری آمد و از او سؤال کرد. حضرتش برخاست و با دست مبارک خود خرما برداشت و به او داد. بعد از آن سائل دیگری آمد و از او سؤال کرد. باز حضرتش برخاست و با دست مبارک خود خرما برداشت و به او داد. باز سائل دیگری آمد و از او درخواست نمود. باز حضرتش برخاست و با دست خود خرما برداشت و به او داد.

آن گاه سائل دیگری آمد و درخواست کرد حضرت فرمود: خدا به ما و تو روزی ارزانی کند. آن گاه فرمود: شخصی هر چه از رسول خدا ﷺ سؤال می‌کرد، حضرتش به او عطا می‌فرمود. روزی زنی پسر خود را فرستاد و گفت: خدمت پیامبر برو و از او درخواست کن. اگر به تو بگوید: نزد ما چیزی نیست، بگو: پیراهنت را عطا کن.

قَالَ: فَأَخَذَ قَمِيصَهُ فَرَمَى بِهِ إِلَيْهِ.

وَ فِي نُسخَةِ أُخْرَى: فَأَعْطَاهُ فَأَذَبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ الْقَصْدِ فَقَالَ: ﴿وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾.

قَالَ: الْقَوَامُ هُوَ الْمَعْرُوفُ عَلَيَّ الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ، وَ عَلَيَّ الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَيَّ الْمُحْسِنِينَ عَلَيَّ قَدْرِ عِيَالِهِ وَ مَثُوبَتِهِمُ الَّتِي هِيَ صَلَاحٌ لَهُ وَ لَهُمْ وَ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾.

فَبَسَطَ كَفَّهُ وَ فَرَّقَ أَصَابِعَهُ وَ حَنَاهَا شَيْئًا.

فرمود: حضرتش پیراهن خود را از تنش در آورد و به طرف او انداخت.

در نسخه دیگری آمده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیراهن خود را به او عطا نمود. پس خدای تبارک و تعالی او را به میانه روی تأدیب نمود و فرمود: «دست‌های خود را بسته برگردن خود قرار نده و همه آن را هم باز نکن که ملامت شده و بی چیز بنشینی».

۸- محمد بن سنان گوید: امام کاظم عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى که می‌فرماید: «انفاق آنان حد اعتدال و میانه‌روی است» فرمود: منظور از میانه‌روی همان که معروف است. و منظور از «میانه روی همان نیکی است که توانمند به اندازه تواناییش و تنگدست به اندازه خودش هدیه‌ای است شایسته، که برای نیکوکاران الزامی است» که به اندازه خانواده و مخارج آنها که صلاح او و آنها می‌باشد و خداوند کسی را مکلف نکرده مگر به اندازه‌ای که به او بخشیده است.

۹- عبدالله بن سنان در کتاب خود از ائمه عليهم السلام نقل می‌نماید که حضرتش در توضیح گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «انان که به هنگام هزینه اسراف نمی‌کنند و سختگیری هم نمی‌نمایند و انفاق آنان میانه‌روی است» دست مبارک خود را باز نمود و میان انگشتان خود را جدا و مقداری آنها را کج نمود (کنایه از این که این گونه انفاق نمایند).

وَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾ فَبَسَطَ رَاحَتَهُ وَ قَالَ: هَكَذَا.
 وَ قَالَ: الْقَوَامُ مَا يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الْأَصَابِعِ، وَ يَبْقَى فِي الرَّاحَةِ مِنْهُ شَيْءٌ.
 ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ
 عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَدْنَى مَا
 يَجِيءُ مِنْ حَدِّ الْإِسْرَافِ؟
 فَقَالَ: ابْدَأْكَ تَوْبَ صَوْنِكَ، وَ إِهْرَاقَكَ فَضْلَ إِنَائِكَ، وَ أَكْلَكَ التَّمْرَ وَ رَمِيكَ
 النَّوَى هَاهُنَا وَ هَاهُنَا.
 ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمَّارِ أَبِي
 عَاصِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.
 أَحَدُهُمْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ! ازْرُقْنِي. فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ: أَلَمْ أَمُرْكَ
 بِالْإِفْتِسَادِ؟

آن حضرت در مورد گفتار خدای تعالی «که همه دست خود را نگشا» دست خود را
 به طور کامل گشود و فرمود: این چنین است.

و فرمود: قوام و میانه روی همان است که از میان انگشتان بریزد و در کف دست چیزی بماند.
 ۱۰ - سلیمان بن صالح گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کمترین اندازه اسراف چیست؟
 فرمود: از بین بردن لباسی که تو را می پوشاند، ریختن فزونی آب و پس از میل خرما
 هسته آن را به دور افکندن .

۱۱ - عمار ابی عاصم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چهار فردند که دعای آنها مستجاب نمی شود، یکی از آنها کسی است که مالی داشته
 باشد و آن را از بین ببرد. پس بگوید: ای پروردگار من! روزیم بده. خداوند ﷻ فرماید: آیا
 تو را به میانه روی فرمان ندادم.

(۴۱)

بَابُ سَقْيِ الْمَاءِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَوَّلُ مَا يُبْدَأُ بِهِ فِي الْأَخْرَةِ صَدَقَةُ الْمَاءِ يَعْنِي فِي الْأَجْرِ.
- ۲ - مُحَمَّدٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِبْرَادُ كَبِدٍ حَرَّى.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

بخش چهل و یکم

نوشاندن آب

- ۱ - طلحه بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود: نخستین عملی که در جهان آخرت به پاداش آغاز می‌کنند، صدقه آب است.
- ۲ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: بهترین صدقه، خنک نمودن جگر داغ تشنه است.
- ۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً، وَ مَنْ سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ لَا يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَحْيَا نَفْسًا، وَ مَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَمَرَرْنَا عَلَى رَجُلٍ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ وَ قَدْ أَلْقَى بِنَفْسِهِ فَقَالَ: مِلْ بِنَا إِلَى هَذَا الرَّجُلِ، فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَصَابَهُ عَطَشٌ. فَمِلْنَا فِذَا رَجُلٌ مِنَ الْفَرَّاسِيِّنَ طَوِيلُ الشَّعْرِ. فَسَأَلَهُ أَعْطَشَانُ أَنْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: أَنْزِلْ يَا مُصَادِفُ! فَاسْقِهِ.

فَنَزَلْتُ وَ سَقَيْتُهُ ثُمَّ رَكِبْتُ وَ سِرْنَا، فَقُلْتُ: هَذَا نَصْرَانِيٌّ، فَتَتَصَدَّقُ عَلَيَّ نَصْرَانِيٌّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانُوا فِي مِثْلِ هَذَا الْحَالِ.

هر که در جایی که آب در آنجا یافت شود کسی را آب بنوشاند، به سان کسی است که بنده‌ای را آزاد کرده است، و کسی که آب بنوشاند در جایی که آب نباشد، به سان کسی است که شخصی را زنده کرده است و هر که جانی را احیا کند، به سان کسی است که همه مردم را زنده کرده است.

۴ - مصادف گوید: همراه امام صادق عليه السلام در مسیر بین مکه و مدینه بودم. ما از کنار مردی گذشتیم که کنار درختی افتاده بود، حضرتش فرمود: بیا نزد این مرد برویم، زیرا می‌ترسم تشنگی به او چیره شود.

به همراه حضرتش حرکت کردم، دیدم مرد ریش‌درازی از قبیله فرسان است. حضرتش از او پرسید: آیا تشنه‌ای؟ گفت: آری.

به من فرمود: ای مصادف! پایین بیا و او را سیراب کن.

من از مرکب فرود آمدم و او را سیراب نمودم، سپس سوار بر مرکب شدم و رفتیم. به حضرتش گفتم: این مرد نصرانی بود. آیا به همچو فردی صدقه می‌دهی؟ فرمود: آری، اگر آنها در چنین حال باشند، اشکالی ندارد.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ
 بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ.
 فَقَالَ: أَطْعِمِ الطَّعَامَ، وَ أَفْسِ السَّلَامَ.
 قَالَ: فَقَالَ: لَا أُطِيقُ ذَلِكَ.
 قَالَ: فَهَلْ لَكَ إِبْلٌ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَانظُرْ بَعِيرًا وَ اسْقِ عَلَيْهِ أَهْلَ بَيْتٍ لَا يَشْرَبُونَ الْمَاءَ إِلَّا غِبًّا، فَلَعَلَّهُ لَا يَنْفُقُ
 بَعِيرُكَ وَ لَا يَنْخَرِقُ سِقَاؤُكَ حَتَّى تَجِبَ لَكَ الْجَنَّةُ.

۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ ضُرَيْسِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ
 أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحِبُّ إِبْرَادَ الْكَبِيدِ الْحَرَّى، وَ مَنْ سَقَى كَبِدًا حَرَّى مِنْ
 بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ.

۵ - ابی البلاد گوید:

اعرابی صحرا نشین به نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: علمی را به من بیاموز که به وسیله آن
 به بهشت وارد شوم.

فرمود: به مردم غذا بده و به طور آشکار سلام کن.

راوی گوید: آن مرد گفت: توان چنین عملی را ندارم.

فرمود: آیا شترداری؟

گفت: آری.

فرمود: با شتر خود به خانواده‌ای آب ده که یک روز در میان آب می‌نوشند، شاید هنوز

شتر تو از پا نیفتاده و مشکت سوراخ نشده بهشت بر تو واجب شود.

۶ - ضریس بن عبدالملک گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خدای تبارک و تعالی خنک ساختن جگر تشنه را دوست می‌دارد و هر که جگر تشنه‌ای

را آب دهد، چه چهارپا باشد و غیر آن - در آن روزی که سایه‌ای - جز سایه لطف او - وجود

ندارد، او را در سایه عرش خود قرار خواهد داد.

(۴۲)

بَابُ الصَّدَقَةِ لِبَنِي هَاشِمٍ وَ مَوَالِيهِمْ وَ صَلَاتِهِمْ

۱ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ أَنْاساً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلُوهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهُمْ عَلَى صَدَقَاتِ الْمَوَالِي وَ قَالُوا: يَكُونُ لَنَا هَذَا السَّهْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلْعَامِلِينَ عَلَيْهَا فَنَحْنُ أَوْلَى بِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَجُلُّ لِي وَ لَا لَكُمْ، وَ لَكِنِّي قَدْ وَعَدْتُ الشَّفَاعَةَ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ، لَقَدْ وَعَدَهَا ﷺ فَمَا ظَنُّكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! إِذَا أَخَذْتُ بِحَلَقَةِ بَابِ الْجَنَّةِ أَ تَرُونِي مُؤَثِّراً عَلَيْكُمْ غَيْرَكُمْ؟

بخش چهل و دوم**صدقه و صیله برای بنی هاشم و خدمتکاران آنان**

۱ - عیص بن قاسم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

عده‌ای از بنی هاشم خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و از حضرتش خواستند که آنها را از عاملین زکات گاو، گوسفند و شتر قرار دهد و گفتند: این سهمی که خدا برای عاملین قرار داده، ما به آن سزاوارتریم.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! همانا صدقه (زکات واجب) بر من و شما حلال نیست، ولی من به شفاعت وعده شده‌ام - امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! رسول خدا ﷺ به شفاعت وعده شده است - ای فرزندان عبدالمطلب! چه می‌پندارید آن‌گاه که از حلقه درب بهشت بگیرم، آیا به نظر شما دیگری را بر شما ترجیح می‌دهم؟

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَأَبِي بَصِيرٍ وَزُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:
 إِنَّ الصَّدَقَةَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ مِنْهَا وَمِنْ غَيْرِهَا مَا قَدْ حَرَّمَهُ. وَإِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَجُلُّ لِبَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ.
 ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ! لَوْ قَدْ قُمْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ ثُمَّ أَخَذْتُ بِحَلْقَتِهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي لَا أُوْتِرُ عَلَيْكُمْ. فَارْضُوا لِأَنْفُسِكُمْ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَكُمْ.
 قَالُوا: قَدْ رَضِينَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 قُلْتُ لَهُ: أَتَجُلُّ الصَّدَقَةَ لِبَنِي هَاشِمٍ؟
 فَقَالَ: إِنَّمَا تِلْكَ الصَّدَقَةُ الْوَاجِبَةُ عَلَى النَّاسِ لَا تَجُلُّ لَنَا. فَأَمَّا غَيْرُ ذَلِكَ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ، وَ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ مَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَخْرُجُوا إِلَى مَكَّةَ، هَذِهِ الْمِيَاهُ عَامَّتُهَا صَدَقَةٌ.

۲- محمد بن مسلم، ابوبصیر و زراره گویند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:
 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

همانا صدقه چرک‌های دست مردم است و به راستی خداوند آن و مواردی غیر آن را بر من حرام کرد. و به راستی صدقه بر فرزندان عبدالمطلب حلال نمی‌شود.
 سپس فرمود: آگاه باشید! به خدا سوگند! آن‌گاه که در کنار درب بهشت ایستاده و حلقه آن را بگیریم به طور قطع خواهید دانست که من کسی را به شما ترجیح نمی‌دهم. پس آن چه خدا و رسول او بر شما راضی شده‌اند شما نیز راضی و خشنود باشید.
 گفتند: ما راضی شدیم.

۳- جعفر بن ابراهیم هاشمی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا صدقه بر بنی‌هاشم حلال است؟

فرمود: زکات واجب بر مردم بر ما حلال نمی‌شود. ولی موارد دیگر ایرادی ندارد. و اگر چنین بود آنان نمی‌توانستند به مکه بروند؛ زیرا همه این آب‌های بین راه صدقه هستند.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتَحِلُّ الصَّدَقَةَ لِمَوَالِي بَنِي هَاشِمٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۵ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّدَقَةِ الَّتِي حُرِّمَتْ عَلَى بَنِي هَاشِمٍ مَا هِيَ؟ قَالَ: هِيَ الزَّكَاةُ. قُلْتُ: فَتَحِلُّ صَدَقَةٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۴ - سعید بن عبدالله اعرج گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا صدقه به خدمتکاران بنی هاشم حلال است؟ فرمود: آری.

۵ - اسماعیل بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کدام صدقه بر بنی هاشم حرام شده است؟ فرمود: زکات.

گفتم: آیا صدقه آنها به همدیگر حلال می شود؟ فرمود: آری.

۶ - ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَعْطُوا الزَّكَاةَ مَنْ أَرَادَهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَإِنَّهَا تَحِلُّ لَهُمْ وَإِنَّمَا تَحْرُمُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، وَ الْإِمَامِ الَّذِي مِنْ بَعْدِهِ وَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزُورَ قُبُورَنَا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صُلَحَاءِ إِخْوَانِنَا.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ صَنَعَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدًا كَافِيَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۹- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

هر که از بنی هاشم زکات خواست به او بپردازید، زیرا زکات بر آنان حلال است. زکات فقط بر پیامبر ﷺ و امام بعد از او بر ائمه صلوات الله عليهم اجمعین حرام است.

۷- محمد بن یزید گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هر که نتواند به ما صلّه کند، پس فقراى شیعیان ما را صلّه نماید و هر که نتواند قبور ما را زیارت کند، پس قبور برادران صالح ما را زیارت کند.

۸- عیسی بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که یکی از اهل بیت مرا یاری نماید، در روز رستاخیز برای او دست کار سازی خواهم بود.

۹- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنِّي شَافِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ وَ لَوْ جَاءُوا بِذُنُوبِ أَهْلِ الدُّنْيَا: رَجُلٌ نَصَرَ ذُرِّيَّتِي، وَ رَجُلٌ بَدَلَ مَالِهِ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الْمَضِيقِ، وَ رَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَ بِالْقَلْبِ، وَ رَجُلٌ يَسْعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ شُرِدُوا.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ:
كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْأَلُ شَهَابًا مِنْ زَكَاتِهِ لِمَوَالِيهِ وَ إِنَّمَا حُرِّمَتِ الزَّكَاةُ عَلَيْهِمْ دُونَ مَوَالِيهِمْ.

(۴۳)

بَابُ النَّوَائِرِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عليه السلام: «إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ». قَالَ: يَعْنِي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ.

من در روز رستاخیز بر چهار گروه شفاعتگر هستم، اگر چه با گناهان اهل دنیا آمده باشند: کسی که ذریه مرا یاری کند. کسی که در تنگنای مال خود، بر ذریه من بخشش نماید. فردی که با زبان و دل ذریه مرا دوست داشته باشد. و فردی که در احتیاجات ذریه من تلاش کند، آنگاه که آنها کنار زده شوند، یا گریزان باشند. ۱۰ - ثعلبه بن میمون گوید: امام صادق عليه السلام همواره از شهاب بن عبد ربّه در مورد پرداخت زکات برای خدمتگزاران خود می پرسید. (چرا که) زکات فقط برای خود آنان حرام است نه به خدمتگزاران آنها.

بخش چهل و سوم

چند روایت نکته دار

۱ - راوی گوید: امام باقر عليه السلام در مورد گفتار خداوند تبارک و تعالی که می فرماید: «اگر صدقات را آشکار کنید پس چه نیکوست» فرمود: منظور زکات واجب است.

قَالَ: قُلْتُ: «وَإِنْ تُخْفُوها وَتُؤْتُوها الْفُقَرَاءَ».

قَالَ: يَعْنِي النَّافِلَةَ، إِنَّهُمْ كَانُوا يَسْتَحِبُّونَ إِظْهَارَ الْفَرَائِضِ وَكِتْمَانَ النَّوَافِلِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ تَجِبُ عَلَيَّ فِي مَوْضِعٍ لَا يُمَكِّنُنِي أَنْ أُودِيَّهَا.

قَالَ: اعْزَلِهَا فَإِنْ اتَّجَرْتَ بِهَا فَأَنْتَ ضَامِنٌ لَهَا وَلَهَا الرِّبْحُ، وَإِنْ تَوَيْتَ فِي حَالِ مَا

عَزَلْتَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَشْعَلَهَا فِي تِجَارَةٍ فَلَيْسَ عَلَيْكَ، وَإِنْ لَمْ تَعْزَلِهَا وَاتَّجَرْتَ بِهَا

فِي جُمْلَةٍ مَالِكَ فَلَهَا بِعَسْطِهَا مِنَ الرِّبْحِ وَلَا وَضِيعَةً عَلَيْهَا.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ

الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ

يَتَصَدَّقُ بِالسُّكَّرِ.

فَقِيلَ لَهُ: أَتَتَصَدَّقُ بِالسُّكَّرِ؟

راوی گوید: گفتیم: (منظور از این فراز آیه چیست؟) که واگر آن را پنهان کنی و به فقرا دهی.

فرمود: منظور صدقه مستحبی است، همانا مؤمنان آشکار کردن واجبات و پنهان

نمودن مستحبات را دوست می‌داشتند.

۲- ابو حمزه گوید: از امام باقر علیه السلام درباره زکاتی که بر من واجب است در محلی که

امکان پرداخت ندارم، پرسیدم.

فرمود: آن را کنار بگذار و اگر با آن تجارت نمودی، ضامن هستی و سود هم مال

صاحب زکات است. و اگر در حال کنار گذاشتن بدون این که در تجارتي به کار ببندی از بین

برود، چیزی بر عهده تو نیست و اگر کنار نگذاشتی و در میان اموال خود با آن تجارت

نمودی به اندازه خود سود مربوط به صاحب زکات است و ضرر هم بر آن نیست.

۳- راوی گوید: امام صادق علیه السلام شکر صدقه می‌داد. به حضرتش گفته شد: آیا شکر

صدقه می‌دهی؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُ، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِأَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ.
 ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ
 قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مُوسَى عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَمَ
 عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَدْوِهِ. وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ
 أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

هَذَا آخِرُ كِتَابِ الزَّكَاةِ وَالصَّدَقَةِ مِنْ كِتَابِ «الْكَافِي» لِلشَّيْخِ الْأَجَلِّ أَبِي جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الصِّيَامِ.
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الْأَيْمَّةِ
 الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ.

فرمود: آری، چون چیزی نزد من از آن محبوبتر نیست، من دوست دارم که آن چه نزد
 من دوست داشتنی تر است صدقه دهم.

۴ - معاذ بن کثیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
 شیعیان ما آن چه دارند در کارهای نیک انفاق کنند، آن گاه که قائم ما قیام کند گنج هر
 صاحب گنجی حرام خواهد شد تا در اختیار او قرار دهد و او را بر دشمنش یاری کند. و
 معنای گفتار خداوند تَعَالَى همین است که می فرماید: «آنان که طلا و نقره را می اندوزند و در
 راه خدای انفاق نمی کنند پس به عذاب دردناک به آنها مژده ده».

۵ - موسی بن بکر گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 اموال خود را با زکات حصار کنید.

پایان کتاب زکات و صدقه از کتاب «الکافی» تألیف شیخ بزرگوار ابوجعفر محمد بن
 یعقوب کلینی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ است و پس از آن، کتاب صیام آغاز می شود. و سپس بی حد از آن
 پروردگار جهانیان و درود بر سرور ما حضرت محمد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان او؛ پیشوایان
 پاک و معصوم باد.

كِتَابُ
الصَّيَامِ

كتاب

روزه

(۱)

بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الصَّوْمِ وَ الصَّائِمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟

بخش یکم**روایاتی در فضیلت روز و روزه دار**

۱ - زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اسلام بر پنج پایه، پایه گذاری شده است نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: روزه سپر از آتش دوزخ است.

۲ - اسماعیل بن ابی زیاد گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ روایت فرمود که

روزی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ به اصحاب خود فرمود:

آیا شما را از عملی آگاه سازم که اگر آن را به جا آورید شیطان به مسافت مشرق از مغرب

از شما دور خواهد شد؟

قَالُوا: بَلَىٰ.

قَالَ: الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ، وَ الصَّدَقَةُ تُكْسِرُ ظَهْرَهُ، وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمَوَازِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَفْطَعُ دَابِرَهُ، وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَفْطَعُ وَتَيْنَهُ، وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَصْلِ الْإِسْلَامِ وَ فَرْعِهِ وَ ذُرْوَتِهِ وَ سَنَامِهِ؟ قُلْتُ: بَلَىٰ.

قَالَ: أَصْلُهُ الصَّلَاةُ، وَ فَرْعُهُ الزَّكَاةُ، وَ ذُرْوَتُهُ وَ سَنَامُهُ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ إِنَّ الصَّوْمَ جَنَّةٌ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَجْسَادِ الصَّوْمُ.

گفتند: آری.

فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می‌کند، صدقه پشتش را می‌شکند، و دوستی در راه خدا و تعاون بر انجام عمل صالح او را ریشه‌کن سازد و استغفار رگ قلبش را قطع می‌کند و برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است.

۳- علی بن عبدالعزیز گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا تو را از اساس اسلام و فرع آن و قلّه و مرتفع‌ترین نقطه آن آگاه سازم؟ گفتم: آری.

فرمود: اصل و اساس آن نماز، شاخه آن زکات و قلّه و مرتفع‌ترین نقطه آن جهاد در راه خدا است.

آیا تو را از درب‌های خیر آگاه سازم؟ همانا روزه سپر از آتش دوزخ است.

۴- موسی بن بکر گوید: حضرت فرمود:

برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن‌ها روزه است.

- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ أَبِي: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصُومُ يَوْمًا تَطَوُّعًا يُرِيدُ مَا عِنْدَ اللَّهِ ﷻ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي عَلَيْهِ.
- ۷ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾. قَالَ: الصَّبْرُ الصِّيَامُ. وَقَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ النَّازِلَةُ وَالشَّدِيدَةُ فَلْيَصُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾ يَعْنِي الصِّيَامَ.

- ۵ - اسماعیل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پدر بزرگوارم عليه السلام به من فرمود: هر انسانی که به خاطر خدا یک روز روزه بدارد، خدا به سبب آن او را به بهشت وارد می‌کند.
- ۶ - ابی صباح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم.
- ۷ - راوی می‌گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند ﷻ که می‌فرماید: «از صبر یاری بجوید» فرمود: منظور از صبر روزه است. و فرمود: آن گاه که بر کسی گرفتاری سختی پیش آید، روزه بدارد، زیرا که خداوند ﷻ می‌فرماید: با صبر یعنی روزه یاری بجوید.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ صَامَ لِلَّهِ صوم يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمًا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسُحُونَ وَجْهَهُ وَيُبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ. قَالَ اللَّهُ صوم لَهُ: مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَرَوْحَكَ؟! مَلَأْتُكَتِي! اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَإِنْ كَانَ عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَبْ مُسْلِمًا.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ كَتَمَ صَوْمَهُ قَالَ اللَّهُ صوم لِمَلَايِكَتِهِ: عَبْدِي اسْتَجَارَ مِنْ عَذَابِي فَأَجِيرُوهُ.

۸- یونس بن ظبیان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که یک روز در شدت گرما برای خداوند صوم روزه بدارد آن گاه که تشنگی بر او چیره شود، خداوند هزار فرشته را بر او می‌گمارد که دست مهر بر صورتش بسایند و او را بشارت دهند تا چون افطار کند خداوند صوم می‌فرماید: چه خوش است بوی تو و روح تو؟! ای فرشتگان من! گواه باشید که من او را آمرزیدم.

۹- عبدالله بن طلحه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

روزه دار در حال عبادت است، گر چه در بستر خود باشد؛ مادامی که از مسلمانی غیبت نکند.

۱۰- سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که روزه خود را پنهان دارد، خداوند صوم به فرشتگان خود می‌فرماید: بنده‌ام از عذابم به من پناه آورده است. پس او را پناه دهید.

وَوَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَائِكَتَهُ بِالدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ، وَ لَمْ يَأْمُرْهُمْ بِالدُّعَاءِ لِأَحَدٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُمْ فِيهِ.

۱۱ - عَلِيُّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام.
أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تعالى وَكَّلَ مَلَائِكَتَهُ بِالدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ.
وَ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عليه السلام عَنْ رَبِّهِ أَنَّهُ قَالَ: مَا أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِالدُّعَاءِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ.

۱۲ - وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَ نَفْسُهُ تَسْبِيحٌ.

۱۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
أَوْحَى اللَّهُ تعالى إِلَى مُوسَى عليه السلام: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُنَاجَاتِي؟
فَقَالَ: يَا رَبِّ! أَجَلُّكَ عَنِ الْمُنَاجَاةِ لِحُلُوفِ فَمِ الصَّائِمِ.

و فرشتگان را برای دعای روزه‌داران می‌گمارد و آنها را برای هر که دعا کنند دعایشان را درباره او قبول می‌کند.

۱۱ - مسعده گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می‌کند که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:
به راستی که خداوند تعالى فرشتگان خود را برای دعا به روزه‌داران گماشت.
آن گاه فرمود: جبرئیل از جانب پروردگارش به من خبر داد که او فرموده است: من فرشتگانم را برای کسی از خلقم مأمور نساختم‌ام مگر آن که دعای آنها را درباره او به اجابت رسانیده‌ام.

۱۲ - با همین سند امام صادق عليه السلام فرمود:

خواب روزه‌دار عبادت و تنفس او تسبیح است.

۱۳ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند تعالى به موسی عليه السلام وحی فرمود: چه چیزی تو را از مناجات من باز می‌دارد؟
گفت: ای پروردگار من! تو را بزرگ می‌شمارم که با بوی دهان روزه‌دار با تو مناجات کنم.

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى! لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدِي مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: قِيلُوا، فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُ الصَّائِمَ وَيَسْقِيهِ فِي مَنَامِهِ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ، وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ السَّمَّانِ الْأَزْمِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا رَأَى الصَّائِمُ قَوْمًا يَأْكُلُونَ أَوْ رَجُلًا يَأْكُلُ سَجَّتْ كُلُّ شَعْرَةٍ مِنْهُ.

۱۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

خداوند ﷻ به او وحی نمود: ای موسی! بوی دهان روزه‌دار نزد من از مشک خوشبوتر است.

۱۴ - حسن بن صدقه گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

خواب قیلوله (پیش از ظهر) کنید، زیرا خدا به روزه‌دار در هنگام خوابش غذا و آب می‌خوراند.

۱۵ - ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای روزه‌دار دو خوشحالی است: یک خوشحالی به هنگام افطار و خوشحالی دیگر به هنگام ملاقات پروردگارش.

۱۶ - سمان ارمنی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه روزه‌دار گروهی را ببیند که غذا می‌خورند، یا مردی مشغول خوردن است، هر مویی از تن او ضجّه و فریاد کشند.

۱۷ - یونس بن ظبیان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ صَامَ لِلَّهِ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمًا وَكَلَّ اللَّهُ ﷻ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسُحُونَ وَجْهَهُ وَ يُبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ قَالَ اللَّهُ ﷻ: مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَ رَوْحَكَ؟! مَلَائِكَتِي! اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

(۲)

بَابُ فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَمْرِو الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ. فَغُرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، وَنَزَلَ الْقُرْآنُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. فَاسْتَقْبِلِ الشَّهْرَ بِالْقُرْآنِ.»

۲ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْمُسَمَعِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يُوصِي وُلْدَهُ:

کسی که یک روز در شدت گرما برای خداوند تعالی روزه بدارد آن گاه که تشنگی بر او چیره شود، خداوند هزار فرشته را بر او می‌گمارد که دست مهر بر صورتش بسایند و او را بشارت دهند تا چون افطار کند خداوند تعالی می‌فرماید: چه خوش است بوی تو و روح تو؟! ای فرشتگان من! گواه باشید که من او را آمرزیدم.

بخش دوم

فضیلت ماه رمضان

۱ - عمرو شامی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که شماره ماها در پیشگاه خداوند در کتاب خدا آن روز که آسمانها و زمین را آفرید، دوازده ماه است. نخستین آن ماهها، ماه خداوند - که یاد او بزرگ است - می‌باشد و آن ماه رمضان است و قلب آن ماه، شب قدر است، و قرآن در نخستین شب از ماه رمضان نازل شده است. پس با قرآن به استقبال آن ماه برو.

۲ - اسحاق بن عمار گوید: مسمعی از امام صادق عليه السلام شنیده که حضرتش در وصیت به فرزندانش فرمود:

إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَاجْهَدُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنَّ فِيهِ تُقَسَّمُ الْأَرْزَاقُ، وَ تُكْتَبُ
الْأَجَالُ، وَ فِيهِ يُكْتَبُ وَفَدُ اللَّهِ الَّذِينَ يَفِدُونَ إِلَيْهِ، وَ فِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنْ
الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ
الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
مُحَبُّوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى
عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ:

آن گاه که ماه رمضان فرا رسد خود را به کوشش وادارید، زیرا که در آن ماه ارزاق تقسیم
می گردد و سررسید اجل ها نوشته می شود. در آن ماه تمام حج کنندگان که به میهمانی خدا
مشرف می شوند نوشته می شود و در آن ماه شبی است که عمل در آن از عمل در هزار ماه
بهتر است.

۳ - هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود تا ماه رمضان آینده آمرزیده نخواهد شد مگر آن که
در عرفه حاضر گردد.

۴ - ابو ورد گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخرین جمعه ماه شعبان برای
مردم خطبه خواند. آن حضرت خدا را حمد و ستایش گفت، آن گاه فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ
فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ جَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ كَتَطَوُّعِ صَلَاةِ سَبْعِينَ لَيْلَةً
فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَ جَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخِصَالَةِ مِنَ الْخَيْرِ وَالسَّبْرِ
كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ ﷻ، وَ مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ
كَأَنَّ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ.
وَ هُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَ شَهْرُ الْمُوَأَسَاةِ وَ هُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ
فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ فِيهِ، وَ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَ
مَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُفَطِّرَ صَائِمًا.
فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ لِمَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ لَبَنِ يُفَطِّرُ
بِهَا صَائِمًا، أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ، أَوْ تَمْرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ. وَ مَنْ
خَفَّفَ فِيهِ عَنِ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ حِسَابَهُ.

ای مردم! همانا ماهی بر شما سایه افکنده (و روی آورده) که شبی در آن، از هزار شب
بهتر است و آن ماه رمضان است. خداوند روزه آن را واجب نمود و شبی را در آن ماه برای
انجام نماز مستحبی همانند انجام نماز مستحبی هفتاد شب در ماه‌های دیگر قرار داده است و
برای کسی که در این ماه عملی از اعمال خیر و نیکی انجام دهد، اجری برابر کسی که فریضه‌ای
از فریضه‌های خداوند ﷻ انجام دهد، قرار داده است و کسی که فریضه‌ای از فریضه‌های خدا را
ادا کند، مانند کسی است که هفتاد فریضه را در ماه‌های دیگر به جا آورده است.
آن ماه صبر است که پاداش صبر، بهشت است. ماه مواسات است و آن ماهی است که
خداوند روزی مؤمنان را در آن می‌افزاید. کسی که در این ماه به مؤمن روزه‌داری افطاری دهد،
پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته‌اش را به پاداش این عمل دریافت می‌کند.
گفتند: ای رسول خدا! همه ما توان افطاری روزه‌داری را نداریم.

فرمود: خداوند کریم است و به کسی از شما که قادر نباشد جز با جرعه شیری آمیخته با
آب، یا شربتی از آب گوارا، یا دانه‌ای چند از خرما، روزه‌داری را به افطار فرا خواند و
امکان بیش از این نداشته باشد، همین پاداش را عطا می‌کند و کسی که در این ماه از بار
تکلیف برده خود بکاهد، خدا حساب او را سبک می‌سازد.

وَهُوَ شَهْرٌ أَوْلُهُ رَحْمَةٌ وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَ آخِرُهُ الْإِجَابَةُ، وَ الْعِتْقُ مِنَ النَّارِ.
وَ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصَلْتَيْنِ تُرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا، وَ خَصَلْتَيْنِ لَا غِنَى
بِكُمْ عَنْهُمَا.

فَأَمَّا اللَّتَانِ تُرْضَوْنَ اللَّهَ ﷻ بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ.

وَ أَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا، فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَ الْجَنَّةَ وَ تَسْأَلُونَ
الْعَافِيَةَ وَ تَعُوذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ
أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ ذَلِكَ فِي ثَلَاثِ بَقِيْنَ مِنْ شَعْبَانَ
قَالَ لِبَلَالٍ: نَادِ فِي النَّاسِ.

آن ماهی است که آغاز آن رحمت، وسطش آمرزش و پایش اجابت دعا و آزادی از
آتش دوزخ است.

شما در این ماه از چهار فضیلت بی‌نیازی نیستید: دو خصلت که به وسیله آن خدا را
خشنود می‌سازید و دو خصلت که خود از آن بی‌نیاز نیستید.
آن دو فضیلتی که خداوند ﷻ را با آن خوشنود می‌سازید: گواهی دادن به این که معبودی
جز خدا نیست و این که محمد پیامبر خداوند است.

آن دو فضیلتی که شما از آن بی‌نیاز نیستید، این که در آن ماه، از خدا حاجت‌هایتان را
می‌خواهید و بهشت را درخواست می‌کنید و عافیت می‌خواهید و از آتش دوزخ به او پناه
می‌برید.

۵- راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

آن گاه که ماه رمضان فرا رسید و آن به هنگامی بود که سه روز از ماه شعبان مانده بود،
رسول خدا ﷺ به بلال فرمود: در جمع مردمان ندا ده!

فَجَمَعَ النَّاسَ، ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ:
 أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ خَصَّكُمْ اللَّهُ بِهِ وَ حَضَرَكُمْ وَ هُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ لَيْلَةً
 فِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّارِ وَ تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَانِ.
 فَمَنْ أَدْرَكَهُ وَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ! وَ مَنْ أَدْرَكَ وَ الْدَيْهَ وَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ
 وَ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ

شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُقْبَلُ بِوَجْهِهِ إِلَى النَّاسِ فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ! إِذَا طَلَعَ
 هَيْلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلَّتْ مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ، وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَانِ
 وَ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَ غُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَ اسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، وَ كَانَ لِلَّهِ فِيهِ عِنْدَ كُلِّ
 فِطْرِ عِتْقَاءٌ يُعْتَقُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَ يُنَادِي مُنَادٍ كُلِّ لَيْلَةٍ: هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟ هَلْ مِنْ
 مُسْتَغْفِرٍ؟ اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا، وَ أَعْطِ كُلَّ مُمْسِكٍ تَلْفًا حَتَّى إِذَا طَلَعَ هَيْلَالُ
 شَوَّالٍ تُودِي الْمُؤْمِنُونَ أَنْ ائْتُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ.

پس مردم گرد آمدند. آن گاه پیامبر صلى الله عليه وآله بر فراز منبر قرار گرفت، و خدای را حمد و ستایش گفت، سپس فرمود:

ای مردم! همانا خداوند این ماه را به شما مخصوص کرده و بر شما حاضر شده و آن سرور ماهها است. در آن ماه شبی است که از هزار ماه بهتر است؛ درهای دوزخ در آن ماه بسته می شود و درهای بهشت در آن گشوده می گردد. پس هر که آن ماه را درک کند و آمرزیده نشود، خدا او را از رحمت خود دور کند و کسی که در زنده بودن پدر و مادر خود آمرزیده نشود، خدا او را از رحمت خود دور کند و کسی که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد خداوند او را نیامرزد و از رحمتش دور کند!

۶- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله همواره رو به مردم می کرد و می فرمود:
 ای گروه مردمان! آن گاه که هلال ماه رمضان طلوع کند شیاطین سرکش به زنجیر کشیده می شوند، درهای آسمان، بهشتها و رحمت گشوده می شود، دربهای دوزخ بسته می گردد، دعا به اجابت می رسد و خدای را در هر افطاری آزادشدگانی است که آنها را از آتش آزاد می سازد. در هر شب منادی ندا می دهد: آیا سائلی هست؟ آیا آمرزش خواهی هست؟
 خدایا! انفاق کنندگان را جایگزین ده و اموال خودداری کنندگان از انفاق را تلف و نابود ساز تا آن گاه که هلال ماه شوال طلوع کند، به مؤمنان ندا شود: بامدادان به سراغ جایزه هایتان بروید که امروز، روز جایزه است.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَمَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدَّنَائِيرِ وَلَا الدَّرَاهِمِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 إِنَّ لِلَّهِ سبحانه فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِتْقَاءَ وَ طُلُقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَيَّ مُسْكِرًا، فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ أَعْتَقَ فِيهَا مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي جَمِيعِهِ.

(۳)

بَابُ مَنْ فَطَرَ صَائِمًا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 مَنْ فَطَرَ صَائِمًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ.

سپس امام باقر عليه السلام فرمود: سوگند به آن که جان من در قبضه قدرت اوست! این جایزه از دینارها و درهم‌ها نیست.

۷- محمد بن مروان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
 خداوند سبحانه در هر شب از ماه رمضان آزاد شدگان و رها شدگان از آتش دوزخ دارد، مگر کسی که با مست کننده‌ای افطار کند. پس آن گاه که آخرین شب آن ماه فرا رسد در آن شب به اندازه همه شب‌ها انسان‌ها را از آتش آزاد می‌نماید.

بخش سوم

پاداش کسی که به روزه‌داری افطاری دهد

۱- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 هر که به روزه‌داری افطاری بدهد، برای او پاداشی برابر روزه‌دار خواهد بود.

- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
فَطَرْتُكَ أَخَاكَ الصَّائِمَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِكَ.
- ۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ سَيَّابَةَ عَنْ ضُرَيْسٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمْرَ بَشَاةٍ فَتَذْبَحُ وَتُقَطَّعُ أَعْضَاءٌ وَتُطْبَخُ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ أَكَبَّ عَلَى الْقُدُورِ حَتَّى يَجِدَ رِيحَ الْمَرْقِ وَهُوَ صَائِمٌ.
ثُمَّ يَقُولُ: هَاتُوا الْقِصَاعَ اغْرِفُوا لِأَلِ فُلَانٍ وَ اغْرِفُوا لِأَلِ فُلَانٍ.
ثُمَّ يُؤْتَى بِخُبْزٍ وَ تَمْرٍ فَيَكُونُ ذَلِكَ عَشَاءَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲- موسی بن بکر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

افطاری دادن تو به برادر روزه دارت از روزه داشتنت بهتر است.

۳- حمزه بن حمران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه ما روزه فرا می‌رسید، امام سجاد علیه السلام امر می‌فرمود که گوسفندی را ذبح می‌کردند و اعضایش را خرد می‌نمودند و آن را می‌پختند. شامگاهان آن‌ها را بر دیگ‌ها می‌پختند تا در حال روزه بوی آن را بیابد و آن گاه می‌فرمود: کاسه‌ها را بیاورید! برای خانواده فلان و خانواده فلان غذا بکشید.
سپس نانی و خرمایی می‌آوردند و همان شام آن حضرت بود. درود خدا بر او و بر پدران بزرگوارش باد.

۴- مسعده گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

دَخَلَ سَدِيرٌ عَلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ: يَا سَدِيرُ! هَلْ تَدْرِي أَيُّ
 اللَّيَالِي هَذِهِ؟
 فَقَالَ: نَعَمْ، فِدَاكَ أَبِي! هَذِهِ لَيَالِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَمَا ذَاكَ؟
 فَقَالَ لَهُ: أَتَقْدِرُ عَلَى أَنْ تُعْتِقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ هَذِهِ اللَّيَالِي عَشْرَ رَقَبَاتٍ مِنْ وُلْدِ
 إِسْمَاعِيلَ؟
 فَقَالَ لَهُ سَدِيرٌ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي! لَا يَبْلُغُ مَالِي ذَاكَ.
 فَمَا زَالَ يَنْقُصُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ رَقَبَةً وَاحِدَةً، فِي كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ: لَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ.
 فَقَالَ لَهُ: فَمَا تَقْدِرُ أَنْ تُفْطِرَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ رَجُلًا مُسْلِمًا؟
 فَقَالَ لَهُ: بَلَى وَ عَشْرَةَ.
 فَقَالَ لَهُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ: فَذَاكَ الَّذِي أَرَدْتُ يَا سَدِيرُ! إِنَّ إِفْطَارَكَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ يَعْدِلُ
 رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ.

سدیر در ماه رمضان حضور پدرم علیه السلام شرفیاب شد، پدرم فرمود: ای سدیر! آیا
 می دانی این شبها چه شبهایی هستند؟
 گفت: آری، فدایت شوم! شبهای ماه رمضان است، نظر شما چیست؟
 فرمود: آیا می توانی در هر شبی از این شبها ده بنده از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کنی؟
 سدیر گفت: پدر و مادرم به فدایت! من این قدر توان ندارم.
 پدرم پیوسته از شمار آن بندگان می کاست تا به یک بنده رسید، سدیر در هر نوبت
 می گفت: توانایی آن را ندارم.
 فرمود: می توانی در هر شب یک مرد مسلمان را افطاری بدهی؟
 گفت: چرا، ده نفر می توانم افطاری دهم.
 آن گاه پدرم علیه السلام به او فرمود: منظور من همین بود ای سدیر! زیرا افطاری دادن تو به
 برادر مسلمانان با آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام برابر است.

(۴)

بَابُ فِي النَّهْيِ عَنْ قَوْلِ رَمَضَانَ بِلَا شَهْرٍ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْحَنْعَمِيِّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
لَا تَقُولُوا: رَمَضَانَ، وَ لَكِنْ قُولُوا: شَهْرُ رَمَضَانَ، فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ مَا رَمَضَانُ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ
هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
كُنَّا عِنْدَهُ تَمَانِيَةَ رَجَالٍ فَذَكَرْنَا رَمَضَانَ.
فَقَالَ: لَا تَقُولُوا: هَذَا رَمَضَانُ، وَ لَا ذَهَبَ رَمَضَانُ وَ لَا جَاءَ رَمَضَانُ، فَإِنَّ رَمَضَانَ
اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ﷻ لَا يَجِيءُ وَ لَا يَذْهَبُ وَ إِنَّمَا يَجِيءُ وَ يَذْهَبُ الزَّائِلُ، وَ لَكِنْ
قُولُوا: شَهْرُ رَمَضَانَ، فَإِنَّ الشَّهْرَ مُضَافٌ إِلَى الْإِسْمِ وَ الْإِسْمُ اسْمُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ
الشَّهْرُ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ جَعَلَهُ مَثَلًا وَ عِيدًا.

بخش چهارم**نهی از گفتن رمضان بدون کلمه ماه**

- ۱ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام از پدرش عليه السلام نقل کرد که حضرتش فرمود:
امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: نگوئید رمضان، ولی بگوئید: ماه رمضان، زیرا شما
نمی دانید رمضان چیست.
- ۲ - سعد گوید: با هشت تن خدمت امام باقر عليه السلام شرف حضور داشتم، سخن از رمضان
بود. حضرتش فرمود: نگوئید: این رمضان است، رمضان رفت و رمضان آمد، زیرا
رمضان، نامی از نام های خداوند ﷻ است، نه می آید و نه می رود، فقط آن چه از بین رونده
است می آید و می رود، ولی بگوئید: ماه رمضان، چرا که ماه بر آن افزوده شده و آن نام،
نام خدای عزّ ذکره است و آن ماهی است که در آن قرآن فرود آمد که خدا آن را حجّت و
بشارت قرار داد.

(۵)

بَابُ مَا يُقَالُ فِي مُسْتَقْبَلِ شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ. اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنا فِيهِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بخش پنجم**آن چه به هنگام استقبال از ماه رمضان گفته می شود**

- ۱ - جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
هنگامی که هلال ماه رمضان پدیدار می شد پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به جانب قبله می کرد و دست های خود را بلند می نمود و عرضه می داشت: خدایا! این هلال را برای ما با امن و ایمان و سلامت و تسلیم، عافیت فرا گیر، روزی گسترده و برطرف شدن دردها ظاهر ساز. خدایا! در این ماه روزه داری و قیام به عبادتش را و تلاوت قرآن را برای ما روزی کن. خدایا! این ماه را بر ما و از ما سالم بدار و ما را در آن ماه سلامت بدار.
- ۲ - عمار ساباطی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ:
 اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ
 الْقُرْآنَ وَ أُنزِلَتْ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ.
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَ أَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ.
 اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَ سَلِّمْنا فِيهِ وَ تَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنكَ وَ مُعَافَاةٍ وَ اجْعَلْ فِيْمَا
 تُقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِيْمَا يُفْرَقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ
 الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبِنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمْ
 الْمَشْكُورِ سَعِيَّتِهِمْ الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمْ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ اجْعَلْ فِيْمَا تُقْضِي وَ
 تُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي وَ تُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ.
 ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنِ الْعَبْدِ
 الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا رسيد بگو:

خدایا! این ماه رمضان است که در آن قرآن نازل فرمودی و در آن آیه‌های روشن هدایت
 و فرقان نازل فرمودی.

خدایا! بر ما روزه داری در آن را روزی بفرما و ما را برای قیام در شب یاری بفرما.
 خدایا! آن را از ما و بر ما سلامت بدار و ما را در آن ماه در آسانی و عافیت سلامت بدار
 و در آن قضا و قدری که قرار می‌دهی از امر حتمی در کار محکم در شب قدر از تقدیری که
 رد و بدل ندارد این که مرا از حاجیان خانه محترم خود که حجشان نیکو و سعیشان مشکور
 و گناهانشان آمرزیده و خطاهایشان درگذشته شده است بنویسی و مرا در قضا و قدرت
 چنان قرار بده که عمرم را طولانی نمایی و از روزی حلال برای من توسعه دهی.

۳ - علی بن ربایب گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

اذْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلَ دُحُولِ السَّنَةِ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ
مُحْتَسِبًا مُخْلِصًا لَمْ تُصِبْهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِتْنَةٌ وَ لَا آفَةٌ يُضْرَبُ بِهَا دِينُهُ وَ بَدَنُهُ وَ وَقَاهُ
اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ شَرَّ مَا يَأْتِي بِهِ تِلْكَ السَّنَةَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ
الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ
شَيْءٍ، وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا
أَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ يَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ،
وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسَنِّحُ بِهَا نُزُولَ الْبَلَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَ
اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ،

این دعا را در ماه رمضان به هنگام استقبال از آن بخوان. هر کسی این دعا را برای خدا و
از روی اخلاص بخواند در آن سال هیچ فتنه و آفتی بر دین، دنیا و بدنش ضرر نرساند و
خداوند تعالی او را از شرّ حوادثی که در آن سال آید مصونش می‌دارد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي
قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِجَبْرُوتِكَ
الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ يَا بَاقِيَ بَعْدَ
كُلِّ شَيْءٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَ اغْفِرْ
لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ،
وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسَنِّحُ بِهَا نُزُولَ الْبَلَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ،

وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَ الْبِسْنِي دِرْعَكَ
 الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ عَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ.
 اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ
 رَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ إِسْرَافِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ جِبْرَائِيلَ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ ٩ وَ أَهْلِ
 بَيْتِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمَا سَمَّيْتَهُ.
 يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَ تُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَ تُضَاعِفُ مِنَ
 الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ وَ الْكَثِيرِ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 أَهْلِ بَيْتِهِ وَ الْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ سِتْرَكَ وَ نَضْرُ وَ جِهِي بِبُورِكَ وَ أَحْبَبِي بِمَحَبَّتِكَ وَ
 بَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَ شَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَ جَزِيلَ عَطَائِكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَ مِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطٍ أَحَدًا
 مِنْ خَلْقِكَ، وَ الْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ.
 يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يَا دَافِعَ كُلِّ مَا تَشَاءُ مِنْ
 بَلِيَّةٍ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوْفَنِي عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَ فِطْرَتِهِ وَ عَلَيَّ دِينَ مُحَمَّدٍ وَ
 سُنَّتِهِ، وَ عَلَيَّ خَيْرِ وَفَاةٍ فَتَوْفَنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ.

وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَ الْبِسْنِي دِرْعَكَ
 الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ عَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ.
 اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ
 السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ إِسْرَافِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ جِبْرَائِيلَ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ ٩ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ سَيِّدِ
 الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمَا سَمَّيْتَهُ.
 يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَ تُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَ تُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
 بِالْقَلِيلِ وَ الْكَثِيرِ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ الْبِسْنِي
 فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ سِتْرَكَ وَ نَضْرُ وَ جِهِي بِبُورِكَ وَ أَحْبَبِي بِمَحَبَّتِكَ وَ بَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَ شَرِيفَ
 كَرَامَتِكَ وَ جَزِيلَ عَطَائِكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَ مِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطٍ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَ الْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ.
 يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يَا دَافِعَ كُلِّ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا
 كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوْفَنِي عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَ فِطْرَتِهِ وَ عَلَيَّ دِينَ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَيَّ خَيْرِ
 وَفَاةٍ فَتَوْفَنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ.

اللَّهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ
 أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَ أَخَافُ مَقْتَكِ إِتَّيَّ عَلَيْهِ
 حَذراً أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ فِي حِفْظِكَ وَ جِوَارِكَ وَ كَنَفِكَ وَ جَلَّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَ
 هَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهَكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحٍ مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ الْحَقْنِي بِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مُسْلِماً لِمَنْ قَالَ
 بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ.

وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِهِ حَاطِبَتِي وَ ظُلْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ اتَّبَاعِي لِهَوَايَ وَ
 اشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِياً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً
 لِسَخَطِكَ وَ نَقْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ قَرِّبْنِي بِهِ إِلَيْكَ زُلْفَى.

اللَّهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ
 فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَ أَخَافُ مَقْتَكِ إِتَّيَّ عَلَيْهِ حَذراً أَنْ
 تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ فِي حِفْظِكَ وَ جِوَارِكَ وَ كَنَفِكَ وَ جَلَّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَ هَبْ لِي
 كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهَكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحٍ مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ الْحَقْنِي بِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مُسْلِماً لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ
 عَلَيْكَ مِنْهُمْ.

وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِهِ حَاطِبَتِي وَ ظُلْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ اتَّبَاعِي لِهَوَايَ وَ اشْتِغَالِي
 بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِياً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَ نَقْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ قَرِّبْنِي بِهِ إِلَيْكَ زُلْفَى.

اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ﷺ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعَدَكَ وَانْجَزْتَ لَهُ مَوْعِدَكَ بِعَهْدِكَ.

اللَّهُمَّ بِذَلِكَ فَكَفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَاسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَأُخْرَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ الْعَافِيَةِ وَالنُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجْلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاعْتَرَفَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفَظْتِكَ وَأَخْصَنْتَهَا كِرَامًا مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجْلِي.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالْدُّعَاءِ وَتَكَلَّمْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ».

۴ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ﷺ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعَدَكَ وَانْجَزْتَ لَهُ مَوْعِدَكَ بِعَهْدِكَ.

اللَّهُمَّ بِذَلِكَ فَكَفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَاسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَأُخْرَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ الْعَافِيَةِ وَالنُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجْلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاعْتَرَفَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفَظْتِكَ وَأَخْصَنْتَهَا كِرَامًا مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجْلِي.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالْدُّعَاءِ وَتَكَلَّمْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ».

۴ - عمرو بن شمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم کہ می فرمود:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ أَقْبَلَ إِلَى الْقِبْلَةِ. ثُمَّ قَالَ:

«اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمَجَلَّةِ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ.

اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَ تَسَلِّمْهُ مِنَّا وَ سَلِّمْْنَا فِيهِ».

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ وَ التَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى».

۶ - يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَ أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ

وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ».

امیرمؤمنان علی عليه السلام همواره آن گاه که هلال ماه رمضان پدیدار می شد رو به قبله می نمود سپس می فرمود:

خدایا! این هلال را برای ما با ایمنی و ایمان، سلامت و اسلام و عافیت فراگیر قرار ده. خدایا! روزه داشتن روزهایش، قیام شبهایش و تلاوت قرآن در آن را روزی ما بفرما. خدایا! آن را بر ما و از ما سالم بدار و ما را در آن ماه سلامت بدار.

۵ - معاویة بن عمار گوید: هرگاه هلال ماه رمضان پدیدار می شد امام صادق عليه السلام این گونه دعا می فرمود:

خدایا! آن را بر ما با سلامت و اسلام و اطمینان خاطر و یقین و ایمان و نیکی کردن و توفیق بر آن چه دوست می داری و راضی می شوی وارد کن.

۶ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: چون ماه رمضان فرا رسید بگو:

«اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَ أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ

مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ».

اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَ سَلِّمْنَا فِيهِ وَ تَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۷ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ أَتَوَسَّلُ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي مَنْ طَلَبَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ، فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ تُقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي، وَ تَرْزُقُنِي أَنْ أَعْصِ بِصَرِي، وَ أَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي، وَ أَنْ أَكْفَ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَ حَشْيَتِكَ وَ الْعَمَلِ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ التَّرَكِّ لِمَا كَرِهْتَ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ».

اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَ سَلِّمْنَا فِيهِ وَ تَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۷ - ابو بصير گوید: امام صادق عليه السلام همواره در ماه رمضان این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ أَتَوَسَّلُ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي مَنْ طَلَبَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ، فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ تُقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي، وَ تَرْزُقُنِي أَنْ أَعْصِ بِصَرِي، وَ أَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي، وَ أَنْ أَكْفَ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَ حَشْيَتِكَ وَ الْعَمَلِ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ التَّرَكِّ لِمَا كَرِهْتَ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ».

وَ اجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ وَ يَسَارٍ وَ عَافِيَةٍ وَ أُوزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ
وَقَاتِي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَاءَكَ وَ أَعْدَاءَ
رَسُولِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَا تُهَيِّئَ بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.
اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ».

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ:
اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَ هَذَا
شَهْرُ الْمَغْفَرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ هَذَا شَهْرُ الْعِنُقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ.

اللَّهُمَّ فَسَلِّمْهُ لِي وَ تَسَلِّمْهُ مِنِّي وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَ فَرِّغْنِي
فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَ أَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتَةَ وَ أَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَاقِبَةَ وَ أَصِحِّ لِي
فِيهِ بَدَنِي وَ أَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي وَ اكْفِنِي فِيهِ مَا أَمَّيْنِي وَ اسْتَجِبْ لِي فِيهِ دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي فِيهِ
رَجَائِي.

وَ اجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ وَ يَسَارٍ وَ عَافِيَةٍ وَ أُوزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَقَاتِي
قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَاءَكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ
تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَا تُهَيِّئَ بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.
اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ».

٨- راوی گوید: امام سجاد عليه السلام همواره در هر روز ماه رمضان این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَ هَذَا
شَهْرُ الْمَغْفَرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ هَذَا شَهْرُ الْعِنُقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ.

اللَّهُمَّ فَسَلِّمْهُ لِي وَ تَسَلِّمْهُ مِنِّي وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَ فَرِّغْنِي
فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَ أَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتَةَ وَ أَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَاقِبَةَ وَ أَصِحِّ لِي
فِيهِ بَدَنِي وَ أَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي وَ اكْفِنِي فِيهِ مَا أَمَّيْنِي وَ اسْتَجِبْ لِي فِيهِ دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي فِيهِ
رَجَائِي.

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفُتْرَةَ وَ الْقَسْوَةَ وَ الْعَقْلَةَ وَ الْغَرَّةَ.
اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانَ وَ الْأَعْرَاضَ وَ الْأَمْرَاضَ وَ الْخَطَايَا وَ
الدُّنُوبَ وَ اصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ وَ الْجَهْدَ وَ الْبَلَاءَ وَ التَّعَبَ وَ الْعِنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ
الدُّعَاءِ.

اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ وَ نَفَثِهِ وَ نَفَخِهِ وَ وَسْوَاسِهِ وَ كَيْدِهِ وَ
مَكْرِهِ وَ حِيلِهِ وَ أَمَانِيهِ وَ خُدَعِهِ وَ غُرُورِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ رَجَلِهِ وَ شَرِكِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ أَخْدَانِهِ وَ
أَشْيَاعِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ وَ شُرَكَائِهِ وَ جَمِيعِ كَيْدِهِمْ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِهِ وَ بُلُوغَ الْأَمَلِ فِي قِيَامِهِ، وَ اسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ فِيهِ صَبْرًا وَ
إِيمَانًا وَ يَقِينًا وَ اخْتِسَابًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنَّا بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَ الْأَجْرِ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَ الْاجْتِهَادَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ وَ الرَّهْبَةَ وَ
الْجَزَعَ وَ الرِّقَّةَ وَ صِدْقَ اللِّسَانِ وَ الْوَجَلَ مِنْكَ وَ الرَّجَاءَ لَكَ وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ الثِّقَّةَ بِكَ، وَ الْوَرَعَ
عَنْ مَحَارِمِكَ بِصَالِحِ الْقَوْلِ وَ مَقْبُولِ السَّعْيِ وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَ مُسْتَجَابِ الدُّعَاءِ وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي وَ
بَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَ لَا مَرَضٍ وَ لَا هَمٍّ وَ لَا غَمٍّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفُتْرَةَ وَ الْقَسْوَةَ وَ الْعَقْلَةَ وَ الْغَرَّةَ.
اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانَ وَ الْأَعْرَاضَ وَ الْأَمْرَاضَ وَ الْخَطَايَا وَ الدُّنُوبَ وَ
اصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ وَ الْجَهْدَ وَ الْبَلَاءَ وَ التَّعَبَ وَ الْعِنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.
اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ وَ نَفَثِهِ وَ نَفَخِهِ وَ وَسْوَاسِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ وَ
حِيلِهِ وَ أَمَانِيهِ وَ خُدَعِهِ وَ غُرُورِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ رَجَلِهِ وَ شَرِكِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ أَخْدَانِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ
أَوْلِيَائِهِ وَ شُرَكَائِهِ وَ جَمِيعِ كَيْدِهِمْ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِهِ وَ بُلُوغَ الْأَمَلِ فِي قِيَامِهِ، وَ اسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ فِيهِ صَبْرًا وَ إِيمَانًا وَ
يَقِينًا وَ اخْتِسَابًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنَّا بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَ الْأَجْرِ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَ الْاجْتِهَادَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ وَ الرَّهْبَةَ وَ الْجَزَعَ وَ
الرِّقَّةَ وَ صِدْقَ اللِّسَانِ وَ الْوَجَلَ مِنْكَ وَ الرَّجَاءَ لَكَ وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ الثِّقَّةَ بِكَ، وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ بِصَالِحِ
الْقَوْلِ وَ مَقْبُولِ السَّعْيِ وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَ مُسْتَجَابِ الدُّعَاءِ وَ لَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَ لَا
مَرَضٍ وَ لَا هَمٍّ وَ لَا غَمٍّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ رَفَعَهُ قَالَ:
 قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَلَا تَبْرَحْ وَ قُلِ:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَ فَتْحَهُ وَ نُورَهُ وَ نَصْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ طُهُورَهُ وَ رِزْقَهُ وَ
 أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ.
 اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ التَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَ
 تَرْضَى».

(۶)

بَابُ الْأَهْلِ وَ الشَّهَادَةِ عَلَيْهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ
 ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّهُ سُئِلَ عَنِ
 الْأَهْلِ.

۹ - حسين بن مختار در روایت مرفوعه ای گوید: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود: هرگاه
 هلال ماه رمضان را دیدی، حرکت نکن و بگو:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَ فَتْحَهُ وَ نُورَهُ وَ نَصْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ طُهُورَهُ وَ رِزْقَهُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا
 فِيهِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ.
 اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ التَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى».

بخش ششم

هلال ماهها و گواهی دادن بر آنها

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد هلال ماهها سؤال شد.

فَقَالَ: هِيَ أَهْلَةُ الشُّهُورِ، فَإِذَا رَأَيْتَ الْهَيْلَالَ فَصُمْ وَإِذَا رَأَيْتَهُ فَأَفْطِرْ.

۲ - حَمَّادٌ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا أُجِيزُ فِي الْهَيْلَالِ إِلَّا شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْهَيْلَالِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْهَيْلَالِ، وَلَا تَجُوزُ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ

سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لَيْسَ عَلَى أَهْلِ الْقِبْلَةِ إِلَّا الرُّؤْيَةُ لَيْسَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ إِلَّا الرُّؤْيَةُ.

فرمود: منظور، هلال ماه‌هاست. هر گاه هلال (ماه رمضان) را دیدی، روزه بدار و

آن‌گاه که هلال (ماه شوال) را دیدی، افطار نما.

۲ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره می‌فرمود: برای

رؤیت هلال جز شهادت دو مرد عادل را تنفیذ نمی‌کنم.

۳ - محمد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق علیه السلام است) گوید:

گواهی زنان در رویت هلال جایز نیست.

۴ - حماد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: گواهی زنان در رؤیت هلال جایز نیست و فقط گواهی دو

مرد عادل جایز است.

۵ - فضل بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بر اهل قبله تکلیفی جز رؤیت نیست و بر مسلمانان تکلیفی جز رؤیت نیست.

۶- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا، وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا وَ لَيْسَ بِالرَّأْيِ وَلَا بِالتَّظْنِيِّ، وَلَيْسَ الرُّؤْيَةُ أَنْ يَقُومَ عَشْرَةَ نَفَرٍ فَيَقُولَ وَاحِدٌ: هُوَ ذَا، وَ يَنْظُرُ تِسْعَةَ فَلَا يَرُونَهُ لَكِنْ إِذَا رَأَهُ وَاحِدٌ رَأَهُ الْف.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الصَّلْتِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا غَابَ الْهَيْلَالُ قَبْلَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَّيْلَةِ، وَإِذَا غَابَ بَعْدَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِللَّيْلِ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَمْزَةَ أَبِي يَعْلَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي خَالِدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا صَحَّ هَيْلَالُ شَهْرِ رَجَبٍ فَعُدَّ تِسْعَةً وَ خَمْسِينَ يَوْمًا وَ صُمَّ يَوْمَ السُّتَيْنِ.

۶- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که هلال (ماه رمضان) را رؤیت کردید روزه بدارید و چون هلال (ماه شوال) را رویت نمایید، افطار کنید و ماه به ماهی و گمان ثابت نمی شود و رؤیت این نیست که ده نفر به (نظاره) بایستند پس یکی از ایشان می گوید: هلال این است و نه نفر نگاه کنند، ولی آن را نبینند، بلکه وقتی یک نفر آن را دید در واقع هزار نفر آنرا دیده است.

۷- صلت خزاز گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه هلال پیش از شفق ناپدید شود، ماه یک شبهه است و وقتی بعد از شفق ناپدید گردد ماه دو شبهه است.

۸- محمد بن حسن بن ابی خالد در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه هلال ماه رجب به صورت صحیح رؤیت شد، پس پنجاه و نه روز بشمار و روز شصتم را روزه مدار.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي صُهَبَانَ عَنْ حَفْصِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَدَّ شَعْبَانَ تِسْعَةً وَ عِشْرِينَ يَوْمًا، فَإِنْ كَانَتْ مُتَغَيِّمَةً فَأَصْبَحَ صَائِمًا، فَإِنْ كَانَتْ صَاحِيَةً وَ تَبَصَّرَتْهُ وَ لَمْ تَرَ شَيْئًا فَأَصْبَحَ مُفْطَرًا.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَبْلَ الزَّوَالِ فَهُوَ لِلَّيْلَةِ الْمَاضِيَةِ، وَ إِذَا رَأَاهُ بَعْدَ الزَّوَالِ فَهُوَ لِلَّيْلَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ.

۱۱- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُرَّازِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا تَطَوَّقَ الْهَلَالَ فَهُوَ لِللَّيْلَتَيْنِ، وَ إِذَا رَأَيْتَ ظِلَّ رَأْسِكَ فِيهِ فَهُوَ لِثَلَاثِ لَيَالٍ.

۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَرِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا غَابَ الْهَلَالَ قَبْلَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَّيْلَتَيْنِ، وَ إِذَا غَابَ بَعْدَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَّيْلَتَيْنِ.

۹- هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شعبان را بیست و نه روز بشمار پس اگر هوا ابری بود (و امکان رؤیت نبود) پس صبح را روزه بدار و اگر هوا صاف بود و نگاه کردی چیزی را ندیدی پس صبح را افطار نما.

۱۰- حماد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه هلال پیش از زوال ظهر دیده شود پس آن مربوط به شب گذشته است و چون بعد از زوال ظهر دیده شود پس آن مربوط به شب آینده است.

۱۱- مرزم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه هلال طوق داشت آن دو شبهه است و هرگاه سایه سرت را در آن دیدی آن سه شبهه است.

۱۲- اسماعیل بن حرّ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه هلال پیش از شفق ناپدید شود ماه یک شبهه است و آن گاه که بعد از شفق ناپدید گردد ماه دو شبهه است.

(۷)

بَابُ نَادِرٍ

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ أَبَدًا.

وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ مِثْلَهُ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ، ثُمَّ اخْتَزَلَهَا عَنْ أَيَّامِ السَّنَةِ، وَ السَّنَةُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ أَرْبَعٌ وَ خَمْسُونَ يَوْمًا، شَعْبَانُ لَا يَتِمُّ أَبَدًا، رَمَضَانُ لَا يَنْقُصُ - وَ اللَّهُ - أَبَدًا، وَ لَا تَكُونُ فَرِيضَةٌ نَاقِصَةً إِذَا اللَّهُ تعالى يَقُولُ: ﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾.

بخش هفتم

چند روایت نکته دار

۱ - حذیفه بن منصور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ماه رمضان سی روز است و هرگز کم نمی شود.

۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خدای تبارک و تعالی دنیا را در شش روز آفرید، سپس آنها را از روزهای سال جدا کرد و سال سیصد و پنجاه و چهار روز است و شعبان هرگز کامل نمی شود و به خدا سوگند! هرگز رمضان ناقص نمی شود و فریضه ناقص نمی شود، همانا خداوند تعالی می فرماید: «تا این روزها را تکمیل کنید».

وَ شَوَّالٍ تِسْعَةً وَ عَشْرُونَ يَوْمًا وَ ذُو الْقَعْدَةِ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لِقَوْلِ اللَّهِ ﷻ وَ «وَاعْدُنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَّنَّاهَا بِعَشْرِ فَمَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» وَ ذُو الْحِجَّةِ تِسْعَةً وَ عَشْرُونَ يَوْمًا، وَ الْمُحَرَّمُ ثَلَاثُونَ يَوْمًا، ثُمَّ الشُّهُورُ بَعْدَ ذَلِكَ شَهْرٌ تَامٌّ وَ شَهْرٌ نَاقِصٌ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يُنْقُصُ وَ اللَّهُ أَبَدًا.

(۸)

بَابُ

۱- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَدَنِيِّ عَنْ عِمْرَانَ الزَّعْفَرَانِيِّ قَالَ:

وماه شَوَّال بیست و نه روز است و ماه ذی القعدة سی روز است به جهت قول خداوند ﷻ آنجا که می فرماید: «و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب تکمیل نمودیم. پس میعاد پروردگارش به چهل شب به پایان رسید». ماه ذی الحجه بیست و نه روز است و ماه محرم سی روز است. سپس ماهها بعد از آن یک ماه تمام و یک ماه ناقص می باشد.

۳- معاذ بن کثیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ماه رمضان سی روز است و به خدا سوگند! هرگز ناقص نمی شود.

بخش هشتم

[چند روایت نکته دار]

۱- عمران زعفرانی گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ السَّمَاءَ تُطْبِقُ عَلَيْنَا بِالْعِرَاقِ الْيَوْمَ وَالْيَوْمَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ فَأَيُّ يَوْمٍ نَصُومُ؟

قَالَ: أَنْظِرِ الْيَوْمَ الَّذِي صُمْتَ مِنَ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَصُمْ يَوْمَ الْخَامِسِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْخُدْرِيِّ عَنْ بَعْضِ مَشَايخِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صُمْ فِي الْعَامِ الْمُسْتَقْبَلِ يَوْمَ الْخَامِسِ مِنْ يَوْمِ صُمْتَ فِيهِ عَامَ أَوَّلٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ قَالَ:

كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِلَى الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُهُ عَمَّا رَوَى مِنَ الْحِسَابِ فِي الصَّوْمِ عَنْ آبَائِكَ فِي عَدِّ خَمْسَةِ أَيَّامٍ بَيْنَ أَوَّلِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَالسَّنَةِ الثَّانِيَةِ الَّتِي تَأْتِي.

فَكَتَبَ: صَحِيحٌ، وَلَكِنْ عُدَّ فِي كُلِّ أَرْبَعِ سِنِينَ خَمْسًا، وَفِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ سِتًّا فِيمَا بَيْنَ الْأُولَى وَالْحَادِثِ، وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ خَمْسَةٌ خَمْسَةٌ.

به امام صادق علیه السلام گفتم: در کشور عراق آسمان یک، دو و سه روز ابری می شود. کدام روز را روزه بداریم؟

فرمود: به روزی که در سال گذشته روزه گرفتی نگاه کن، روز پنجم را روزه بگیر.

۲- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در سال جاری پنجمین روز از روزی که سال گذشته روزه گرفته‌ای، روزه بدار.

۳- سیاری گوید: محمد بن فرج نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت و از حسابی که در روزه از پدران بزرگوارت در شمارش پنج روز از بین سال گذشته و سال دوم که می‌آید پرسید.

حضرتش در پاسخ نوشت: صحیح است، ولی در هر چهار سال، پنج روز و در سال پنجم، شش روز میان سال گذشته با سال جدید را محاسبه کن و ماسوای آن پنج روز، پنج روز است.

قَالَ السِّيَّارِيُّ: وَ هَذِهِ مِنْ جِهَةِ الْكَبِيْسَةِ.

قَالَ: وَ قَدْ حَسَبَهُ أَصْحَابُنَا فَوَجَدُوهُ صَحِيحًا.

قَالَ: وَ كَتَبَ إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ مِائَتَيْنِ: هَذَا الْحِسَابُ لَا يَنْهَيَّا لِكُلِّ إِنْسَانٍ أَنْ يَعْمَلَ عَلَيْهِ، إِنَّمَا هَذَا لِمَنْ يَعْرِفُ السَّنِينَ، وَ مَنْ يَعْلَمُ مَتَى كَانَتْ السَّنَةُ الْكَبِيْسَةُ، ثُمَّ يَصِحُّ لَهُ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ، فَإِذَا صَحَّ الْهَيْلَالُ لِلَيْلَتِهِ وَ عَرَفَ السَّنِينَ صَحَّ لَهُ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْأَحْوَلِ عَنْ عِمْرَانَ الرَّعْفَرَانِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا نَمَكُّتُ فِي الشِّتَاءِ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ لَا تَرَى شَمْسًا وَ لَا نَجْمًا فَأَيَّ يَوْمٍ نَصُومُ؟

قَالَ: أَنْظِرِ الْيَوْمَ الَّذِي صُمْتَ مِنَ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ عِدَّةَ خَمْسَةِ أَيَّامٍ وَ صُمْ الْيَوْمَ الْخَامِسَ.

سیاری گوید: این به جهت سال کبیسه است.

وی گوید: اصحاب ما آن را حساب کردند و درست یافتند.

گوید: دوباره محمد بن فرج در سال دویست و هشتاد و هشت طی نامه‌ای به امام نوشت: این گونه حساب برای هر فرد امکان ندارد که به آن عمل کند، فقط کسی می‌تواند که سال‌ها را بشناسد و از سال کبیسه آگاهی داشته باشد. بعد از آن هلال ماه و شب اول رمضان بر او صحیح می‌شود. پس چون از هلال شب اول آن درست شد سال‌ها را می‌شناسد و بر او درست می‌شود، ان شاء الله.

٤ - عمران زعفرانی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: ما در فصل زمستان یک و دو

روز صبر می‌کنیم و آفتاب و ستاره‌ای نمی‌بینیم چه روزی روزه بگیریم؟

فرمود: روزی را که سال گذشته روزه گرفته‌ای حساب کن و پنج روز بشمار و روز پنجم

را روزه بگیر.

(۹)

بَابُ الْيَوْمِ الَّذِي يُشْكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هُوَ أَوْ مِنْ شَعْبَانَ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ يَعْلَى عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ الْكَاهِلِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشْكُّ فِيهِ مِنْ شَعْبَانَ.

قَالَ: لِأَنَّ أَصُومَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشْكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لَا يَدْرِي أَهُوَ مِنْ شَعْبَانَ أَوْ مِنْ رَمَضَانَ فَصَامَهُ فَكَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

قَالَ: هُوَ يَوْمٌ وَفَّقَ لَهُ وَ لَا قَضَاءَ عَلَيْهِ.

۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ:

بخش نهم**حکم روزی که مورد شک قرار می‌گیرد که آن از ماه رمضان است یا از شعبان**

۱ - کاهلی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد روزی که مورد شک قرار می‌گیرد که از شعبان است، پرسیدم.

فرمود: اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم در نزد من بهتر است از این که روزی از ماه رمضان را افطار نمایم.

۲ - سماعه گوید: از امام عليه السلام در مورد روزی که مورد شک قرار می‌گیرد که از ماه شعبان است یا از ماه رمضان، پس فردی آن روز را روزه گرفت بعد معلوم شد که از ماه رمضان بود پرسیدم؟

فرمود: آن روزی است که به آن موفق شده است و قضا ندارد.

۳ - معاویة بن وهب گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَصُومُ الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَكُونُ كَذَلِكَ.

فَقَالَ: هُوَ شَيْءٌ وَفَّقَ لَهُ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصُّهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَبِاطٍ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي صُمْتُ الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ فَكَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَمْ قَضِيهِ؟

قَالَ: لَا، هُوَ يَوْمٌ وَفَّقْتَ لَهُ.

۵ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي الصُّهْبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجْرَةَ عَنْ بَشِيرِ النَّبَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ. فَقَالَ: صُمَّهُ، فَإِنْ يَكُ مِنْ شَعْبَانَ كَانَ تَطَوُّعًا، وَإِنْ يَكُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَوْمٌ وَفَّقْتَ لَهُ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: انسان در روزی که شک دارد که از ماه رمضان است روزه می‌گیرد و همین طور می‌شود؟

فرمود: روزی که موفق به انجام روزه شده است.

۴ - سعید اعرج گوید: من در روزی که شک داشتم که از ماه رمضان است روزه گرفتم، آیا قضای آن را به جا آورم؟

فرمود: نه، به روزه آن روز موفق شده‌ای.

۵ - بشیر نبال گوید: از امام صادق عليه السلام از روزه روز شک پرسیدم؟

فرمود: آن روز را روزه بدار اگر از شعبان باشد روزه مستحبی محسوب می‌شود و اگر از ماه رمضان باشد پس روزی است که به آن موفق شده‌ای.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ صَامَ يَوْمًا وَ لَا يَدْرِي أَمِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هُوَ أَوْ مِنْ غَيْرِهِ، فَجَاءَ قَوْمٌ فَشَهِدُوا أَنَّهُ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ: عِنْدَنَا لَا يُعْتَدُّ بِهِ. فَقَالَ: بَلَى.

فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ قَالُوا: صُمْتَ وَأَنْتَ لَا تَدْرِي أَمِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا أَمْ مِنْ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ: بَلَى، فَاَعْتَدَّ بِهِ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ وَفَقَّكَ اللَّهُ لَهُ، إِنَّمَا يُصَامُ يَوْمَ الشُّكِّ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَا يُصَوْمُهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّهُ قَدْ نُهِيَ أَنْ يَنْفَرِدَ الْإِنْسَانُ بِالصِّيَامِ فِي يَوْمِ الشُّكِّ وَ إِنَّمَا يَنْوِي مِنَ اللَّيْلَةِ أَنَّهُ يُصَوْمُ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ بِتَفَضُّلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ بِمَا قَدْ وَسَّعَ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَهَلَكَ النَّاسُ.

۷- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۶- سماعه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی روزی را روزه گرفت و ندانست که آن از ماه رمضان است یا غیر آن، پس عده‌ای آمدند و گواهی دادند که آن روزه از ماه رمضان است.

بعضی از مردم گفتند: به نظر ما آن روز از ماه رمضان حساب نمی‌شود.

امام عليه السلام فرمود: آری، آن را از ماه رمضان حساب نکن!

گفتم: آنها می‌گویند: روزه داشتنی در حالی که نمی‌دانستی که این روز از ماه رمضان است و یا غیر آن.

فرمود: آری، آن را از ماه رمضان حساب کن، زیرا آن روزی است که خدا تو را به آن موفق کرده است فقط روز شک را از ماه شعبان می‌گیری و از ماه رمضان روزه نمی‌گیری، زیرا که باز داشته شده است که انسان جداگانه روز شک را روزه بگیرد، بلکه از شب نیت می‌کند که از شعبان روزه می‌دارد. پس اگر از ماه رمضان بود. به فضل خدای تعالی از او کفایت می‌کند و به آن چه خدا بر بندگانش رفاه داده است و اگر چنین نبود مردم هلاک می‌شوند.

۷- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْعَبَّاسِ بِالْحَيْرَةِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي الصِّيَامِ
الْيَوْمِ؟

فَقُلْتُ: ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ صُمْتَ صُمْنَا وَإِنْ أَفْطَرْتَ أَفْطَرْنَا.

فَقَالَ: يَا غُلَامُ! عَلَيَّ بِالْمَائِدَةِ.

فَأَكَلْتُ مَعَهُ وَأَنَا أَعْلَمُ - وَاللَّهِ - أَنَّهُ يَوْمٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَكَانَ إِفْطَارِي يَوْمًا وَ
قِضَاؤُهُ أَيْسَرَ عَلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقِي وَلَا يُعْبَدَ اللَّهُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ الْخَضِرِيِّ بْنِ

عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشْكُ فِيهِ، فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ مَنْ

صَامَهُ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

فَقَالَ: كَذَبُوا إِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهُوَ يَوْمٌ وَفَّقَ لَهُ، وَإِنْ كَانَ مِنْ غَيْرِهِ فَهُوَ

بِمَنْزِلَةٍ مَا مَضَى مِنَ الْأَيَّامِ.

در حیره نزد ابو عباس سفاح رفتم به من گفت: ای ابو عبدالله! در مورد روزه امروز چه

می گویی؟

گفتم: آن مربوط به امام است، اگر روزه بداری روزه می داریم و اگر افطار نمایی افطار

می کنیم.

گفت: ای پسر! سفره را بیاور.

سفره غذا گسترده شده من نیز با او غذا خوردم با آن که - به خدا سوگند! - می دانستم که

آن روز از ماه رمضان است. از این رو یک روز افطار روزه و قضای آن بر من آسانتر است از

این که گردنم زده نشود و (در اثر کشته شدن من حجّت خدا) خداوند عبادت نشود.

۸- محمد بن حکیم گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد روز شک پرسیدم که مردم (اهل

تسنن) گمان می کنند که هر کس آن روز را روزه بدارد همانند کسی است که یک روز از ماه

رمضان را افطار نموده است.

فرمود: دروغ می گویند. اگر از ماه رمضان باشد پس روزی است که به آن توفیق یافته

است و اگر جز آن باشد، همانند روزهای گذشته است.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ
عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ - وَهُوَ
بِالْحِيرَةِ فِي زَمَانِ أَبِي الْعَبَّاسِ -:

إِنِّي دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ قَدْ شَكَ النَّاسُ فِي الصَّوْمِ، وَ هُوَ وَاللَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ،
فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَصُمْتَ الْيَوْمَ؟
فَقُلْتُ: لَا.

وَ الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ: فَادُّ فَكُلْ.

قَالَ: فَدَنَوْتُ، فَأَكَلْتُ.

قَالَ: وَ قُلْتُ: الصَّوْمُ مَعَكَ وَ الْفِطْرُ مَعَكَ.

فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تُفْطِرُ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؟

فَقَالَ: إِي وَاللَّهِ، أَنْ أَفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقِي.

۹- یکی از اصحاب می گوید: امام صادق عليه السلام می فرماید: در زمان حکومت ابوعباس
سفاح که او در حیره بود، نزدش رفتم. مردم در مورد آن روز به شک افتاده بودند، به خدا
سوگند! آن روز، از ماه رمضان بود. به او سلام کردم. سفاح به من گفت: ای ابا عبدالله! آیا
امروز روزه گرفته ای؟

گفتم: نه.

سفره غذا گسترده بود، به من گفت: نزدیک شو غذا بخور.

من نزدیک شدم و غذا خوردم و گفتم: روزه و افطار با توست.

مردی به امام صادق عليه السلام عرضه داشت: یک روز از ماه رمضان را افطار کردی؟

فرمود: آری. به خدا سوگند! اگر یک روز از ماه رمضان را افطار کنم برای من بهتر از این

است که گردنم زده شود.

(۱۰)

بَابُ وُجُوهِ الصَّوْمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَوْمًا: يَا زُهْرِيُّ! مِنْ أَيْنَ جِئْتَ؟
فَقُلْتُ: مِنَ الْمَسْجِدِ.
قَالَ: فِيمَ كُنْتُمْ؟
قُلْتُ: تَذَاكُرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ، فَاجْتَمَعَ رَأْيِي وَرَأْيُ أَصْحَابِي عَلَى أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ.
فَقَالَ: يَا زُهْرِيُّ! لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ، الصَّوْمُ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا:

بخش دهم

اقسام روزه

۱ - زهری گوید: روزی امام سجّاد عليه السلام به من فرمود: ای زهری! از کجا می‌آیی؟
عرض کردم: از مسجد.
فرمود: مشغول چه کاری بودید؟
گفتم: درباره روزه گفت و گو می‌کردیم. پس نظر من و اصحابم بر این شد که روزه واجب جز روزه ماه رمضان نیست.
فرمود: ای زهری! چنین نیست که شما گفتید، زیرا روزه بر چهل قسم است:

فَعَشْرَةٌ أَوْ جِهٍ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوُجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ عَشْرَةٌ أَوْ جِهٍ مِنْهَا صِيَامُهُنَّ حَرَامٌ، وَ أَرْبَعَةٌ عَشْرَ مِنْهَا صَاحِبُهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَ صَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ، وَ صَوْمُ التَّأْدِيبِ وَ صَوْمُ الْإِبَاحَةِ وَ صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَسَّرْهُنَّ لِي.

قَالَ: أَمَّا الْوَاجِبَةُ، فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظَّهَارِ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَّسَا﴾ ... إِلَى قَوْلِهِ: ﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ﴾.

وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبًا، لِقَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ﴾ ... إِلَى قَوْلِهِ ﷻ: ﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾.

ده قسم آن واجب است مانند واجب بودن روزه ماه رمضان. و ده قسم آن روزه اش حرام است و در چهارده قسم دیگر انسان اختیار دارد اگر بخواهد روزه می‌دارد و اگر بخواهد افطار می‌کند و روزه اذن بر سه قسم است، و روزه تأدیب و روزه اباحه و روزه سفر و بیماری. گفتم: قربانت گردم! آنها را برای من تفسیر کن.

فرمود: روزه واجب عبارت است از: روزه ماه رمضان، روزه دو ماه پشت سر هم در کفاره (ظهار) که خدای تعالی می‌فرماید: «کسانی که درباره زنان خود ظهار^(۱) می‌کنند سپس از گفته خود باز می‌گردند بایستی پیش از آمیزش بنده‌ای آزاد کنند»... «پس کسی که نتواند بایستی دو ماه پیاپی روزه بگیرد». روزه دو ماه پیاپی برای کسی که یک روز از ماه رمضان را افطار کند. روزه دو ماه پیاپی در قتل خطا برای کسی که نتواند بنده‌ای را آزاد کند، به مقتضای گفتار خداوند ﷻ که می‌فرماید: «و کسی که مؤمنی را از روی خطا بکشد بایستی بنده مؤمنی را آزاد کند و دیه‌ای به خانواده او بپردازد»... «پس کسی که نتواند بایستی دو ماه پیاپی روزه بگیرد که توبه‌ای به سوی خداست و خداوند دانا و حکیم است».

۱ - ظهار این است که مرد به زنش گوید: تو نسبت به من به منزله مادرم هستی.

وَصَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ﴾.

هَذَا لِمَنْ لَا يَجِدُ الْأَطْعَامَ كُلَّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٍ، وَ لَيْسَ بِمُنْتَفِرٍ.

وَ صِيَامُ أَدَى حَلْقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَدَى مِنْ رَأْسِهِ فَعِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسُكٌ﴾ فَصَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ، فَإِنْ صَامَ، صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

وَ صَوْمُ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ﴾.

وَ صَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا﴾.

روزه سه روز در کفاره سوگند واجب است که خداوند ﷻ می فرماید: «سه روز روزه می گیرد این کفاره سوگندهای شما است آن گاه که سوگند یاد کنید». این برای کسی است که دسترسی به اطعام نداشته باشد و همه این روزهها بایستی پشت سر هم باشد. روزه کسی که برای عمل سر تراشیدن در حج سردرد داشته باشد که خداوند ﷻ می فرماید: «و کسی که بیمار باشد یا ناراحتی در سر دارد پس او اختیار دارد (که سرش را بترشد) در این صورت بایستی به رسم فدیة سه روز روزه بگیرد یا صدقه دهد یا قربانی کند. او اختیار دارد اگر روزه گرفت سه روز روزه می گیرد.

روزه عوض قربانی واجب در حج تمتع برای کسی که نتواند قربانی تهیه کند، چنان که خدای تعالی می فرماید: «پس کسی که عمره تمتع را به جا آورد تا موسم حج آن فرا رسد بایستی یک قربانی - در صورت امکان - ذبح کند، پس کسی که دسترسی بر این کار ندارد بایستی سه روز در مکه و هفت روز به هنگام بازگشت به خانه و خانواده اش روزه بگیرد و این یک دهه کامل گردد».

روزه کفاره صید. خداوند ﷻ در این باره می فرماید: «و کسی که از روی عمد صیدی را بکشد، بایستی همانند آن چه کشته است از چهارپایان قربانی کند، و دو مرد عادل از شما معادل بودن آن را حکم کنند و (گوشت آن میان فقرای) حاضر در کنار کعبه تقسیم شود، یا مساکینی را به رسم کفاره اطعام نماید، یا برابر آن صید روزه بگیرد».

أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهْرِيُّ؟
 قَالَ: قُلْتُ: لَا أَذْرِي.
 قَالَ: يُقَوِّمُ الصَّيْدَ قِيَمَةً قِيَمَةَ عَدْلٍ، ثُمَّ تُفَضُّ تِلْكَ الْقِيَمَةُ عَلَى الْبُرِّ، ثُمَّ يُكَالُ
 ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا.
 وَ صَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ.
 وَ صَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ.
 وَ أَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ، فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ
 التَّشْرِيقِ، وَ صَوْمُ يَوْمِ الشُّكِّ أَمْرًا بِهِ وَ نُهْيًا عَنْهُ أَمْرًا بِهِ أَنْ نَصُومَهُ مَعَ صِيَامِ
 شَعْبَانَ، وَ نُهْيًا عَنْهُ أَنْ يَنْفَرِدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشُكُّ فِيهِ النَّاسُ.
 فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامَ مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكِّ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْرًا عَنْهُ،
 وَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَضُرَّهُ.

[آن‌گاه امام علیه السلام به زهری فرمود: ای زهری! آیا می‌دانی که چگونه روزه معادل صید می‌شود؟
 زهری گوید: گفتم: نمی‌دانم.
 فرمود: قیمت صید محاسبه می‌شود، سپس قیمت به دست آمده را با گندم
 می‌سنجند، آن‌گاه آن گندم را به وزن صاع توزین می‌نمایند، سپس کسی که صید را کشته
 است در برابر هر نیم صاع، یک روز روزه می‌گیرد.
 روزه نذر واجب است و روزه اعتکاف واجب است.
 اما روزه‌های حرام عبارتند از: روزه عید فطر، روزه عید قربان، روزه ایام تشریق (کسی
 که در منا در حال مناسک حج باشد)، روزه یوم الشک که هم به انجام آن امر شده‌ایم و هم
 از روزه داشتنش نهی شده‌ایم؛ مأمور شده‌ایم که آن را با ماه شعبان روزه بداریم و از روزه
 داشتن آن نهی گشته‌ایم، زیرا روزه گرفتن آن روزه بدین معنا است که شخص در روزی که
 مردم در شک به سر می‌برند با این عمل خود از جمع جدا شود.
 گفتم: فدایت شوم! اگر هیچ روزی از ماه شعبان را روزه نداشته باید چه کند؟
 فرمود: در لیلۃ الشک نیت می‌کند که او از ماه شعبان روزه می‌گیرد. پس اگر آن روز از ماه
 رمضان بوده، از او کفایت کند و اگر معلوم شد که از ماه شعبان است به او ضرری نداشته است.

فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ يُجْزَى صَوْمُ تَطَوُّعٍ عَنْ فَرِيضَةٍ؟
 فَقَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ
 رَمَضَانَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ لَأَجْزَأَ عَنْهُ، لِأَنَّ الْفَرَضَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بَعَيْنِهِ.
 وَ صَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ، وَ صَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ، وَ صَوْمُ نَذْرِ الْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ، وَ
 صَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ.
 وَ أَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ، فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ الْخَمِيسِ، وَ
 صَوْمُ الْبَيْضِ، وَ صَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ صَوْمُ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَ
 صَوْمُ يَوْمِ عَاشُورَاءَ.
 فَكُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ، وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.
 وَ أَمَّا صَوْمُ الْأِذْنِ، فَالْمَرْأَةُ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَ الْعَبْدُ لَا يَصُومُ
 تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ، وَ الصَّيْفُ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ.
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ.

گفتم: چگونه یک روزه مستحب از روزه واجب کفایت می‌کند؟
 فرمود: اگر کسی روزی از ماه رمضان را به عنوان مستحب روزه گرفت با آن که
 نمی‌دانست که آن روز از ماه رمضان است، بعد فهمید از ماه رمضان است، برای او کافی
 است، زیرا روزه گرفتن آن روز واجب بوده و به جا واقع شده است.
 و روزه وصال حرام است. روزه صمت (سکوت) حرام است. روزه نذر معصیت حرام
 است و روزه دهر (مادام العمر) حرام است.
 و اما روزه‌ای که انسان درباره آن اختیار دارد (عبارت است از: روزه روز جمعه،
 پنجشنبه و روزه روزهای بیض (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه) و شش روز از ماه
 شوال بعد از ماه رمضان، روزه روز عرفه و روزه روز عاشورا که در تمامی آنها انسان مختار
 است که روزه بگیرد و یا افطار کند.
 اما روزه اذن روزه‌ای است که زن فقط با اجازه شوهرش، غلام فقط با اجازه مولایش و
 میهمان فقط با اجازه میزبانش می‌تواند روزه مستحبی بگیرد. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی
 که بر قومی وارد شد می‌باید جز با اجازه آنان روزه مستحبی نگیرد.

وَأَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنْ يُؤْخَذَ الصَّبِيُّ إِذَا رَاهِقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيباً وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ، وَ كَذَلِكَ الْمَسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَدِمَ أَهْلَهُ أَمْرًا بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ لِمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِياً أَوْ قَاءَ مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَ أَجْزَأَ عَنْهُ صَوْمُهُ.

وَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ، فَإِنَّ الْعَامَّةَ قَدِ اخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ فَقَالَ: قَوْمٌ يَصُومُ وَ قَالَ: آخَرُونَ لَا يَصُومُ. وَ قَالَ قَوْمٌ: إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.

وَ أَمَّا نَحْنُ فَنَقُولُ: يُفْطِرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعاً، فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ فَهَذَا تَفْسِيرُ الصِّيَامِ.

اما روزه تأديب این گونه است:

هنگامی که کودک نزدیک به سن بلوغ رسید، برای تأدیب او را به روزه گرفتن و می‌دارند و این روزه، واجب نیست.

هم چنین مسافران گاه که از اول روز چیزی بخورد و پس از آن به خانه و خانواده‌اش باز گردد مأمور است که بقیه روز را امساک کند و این واجب نیست.

و اما روزه مباح، کسی که از روز فراموشی چیزی بخورد، یا بیاشامد و یا بدون عمد استغراغ کند، خدا آن را بر او مباح ساخته و روزه‌اش درست است.

و اما در مورد روزه سفر و بیمار، اهل تسنن اختلاف کرده‌اند. گروهی گویند: روزه می‌گیرد. گروهی دیگری گویند: روزه نمی‌گیرد و گروه سومی گویند: اگر بخواهد روزه می‌گیرد و اگر بخواهد افطار می‌کند.

ولی ما می‌گوییم: در هر دو حال نباید روزه بگیرد، اگر در سفر یا در حال بیماری روزه بگیرد باید قضای آن را به جا آورد، زیرا خداوند ﷻ می‌فرماید: «پس هر که بیمار شود، یا در سفر باشد بایستی چند روز از روزه‌های دیگر روزه بگیرد» این تفسیر انواع روزه‌هاست.

(۱۱)

بَابُ آدَبِ الصَّائِمِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا. وَقَالَ: لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَرَّازِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِحَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: يَا جَابِرُ! هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مِنْ صَامِ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَعَقَّ بَطْنَهُ وَفَرَّجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ.

بخش یازدهم

آداب روزه دار

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: آن گاه که روزه گرفتی بایستی گوش، چشم، مو و پوستت نیز روزه بدارد. حضرتش موارد دیگری را شمرد و فرمود: روز روزه داری تو نباید همانند روز افطار کردن تو باشد.
- ۲ - جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به جابر بن عبدالله فرمود: ای جابر! این ماه رمضان است، هر که روزه را روزه بدارد و پاسی از شیش را برای عبادت بر خیزد، عفت شکم و عورت داشته باشد و زبانش را کنترل کند به سان پایان دادن ماه و بیرون آمدن از آن، بیرون می آید.

فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثَ؟!
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا جَابِرُ! وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطَ؟!
 ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ
 سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُ.
 ثُمَّ قَالَ: «قَالَتْ مَرْيَمُ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» أَي: صَوْمًا صَمْتًا.
 وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى: أَي صَمْتًا، فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ غُصُّوا
 أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا.
 قَالَ: وَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ امْرَأَةً تَسُبُّ جَارِيَةَ لَهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ.
 فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا: كُلِي.
 فَقَالَتْ: إِنِّي صَائِمَةٌ.

جابر عرض نمود: ای رسول خدا! این حدیث چه حدیث نیکویی است؟!
 رسول خدا ﷺ فرمود: ای جابر! و انجام این شروط چه سخت هستند؟!
 ۳- جراح مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 روزه‌داری تنها خودداری از غذا و آشامیدن نیست.
 سپس فرمود: مریم عليها السلام گفت: «من برای خدای رحمان روزه نذر کرده‌ام».
 یعنی روزه سکوت گرفته‌ام.
 در نسخه دیگری آمده است: یعنی روزه سکوت، پس هنگامی که روزه دارید،
 زبان‌هایتان را کنترل کنید، چشم‌هایتان را فروپوشید، با یکدیگر به ستیز و نزاع نپردازید
 و به یکدیگر حسد نورزید.
 فرمود: رسول خدا ﷺ شنید که زن روزه داری به کنیزش دشنام می‌داد حضرتش صلی الله علیه و آله
 غذا خواست، و به آن زن فرمود: بخور.
 گفت: من روزه دارم.

فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَقَدْ سَبَبْتَ جَارِيَتَكَ؟! إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ.

قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ، وَدَعِ الْمِرَاءَ وَأَذَى الْخَادِمِ، وَلِيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصِّيَامِ وَلَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَامَ أَحَدُكُمْ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ مِنَ الشَّهْرِ فَلَا يُجَادِلَنَّ أَحَدًا وَلَا يَجْهَلْ وَلَا يُسْرِعْ إِلَى الْحَلْفِ وَالْأَيْمَانِ بِاللَّهِ، فَإِنْ جَهِلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَلْيَتَحَمَّلْ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

فرمود: چگونه روزه دار هستی که کنیزت را دشنام دادی؟! روزه تنها خودداری از خوردن و نوشیدن نیست.

امام صادق عليه السلام فرمود:

آن گاه که روزه گرفتی باید گوش و چشم تو از حرام و زشتی روزه بدارد و از کشمکش و ناسزاگویی و آزار خدمتکار بپرهیز و همواره سنگین و باوقار روزه بدار و روز روزه داشتت را همانند روز افطارت قرار نده.

۴- فضیل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که یکی از شما سه روز از ماه (پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه) را روزه بگیرد، نبایستی با کسی ستیزه و نادانی نماید و به سوگند و عهد و پیمان شتاب ننماید و اگر کسی به او نادانی نمود، بایستی تحمل و بردباری کند.

۵- مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ يُشْتَمُ فَيَقُولُ: إِنِّي صَائِمٌ، سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا أَشْتِمُكَ كَمَا
شَتَمْتَنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي، فَقَدْ
أَجْرْتُهُ مِنَ النَّارِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُنْشَدُ الشَّعْرُ بِلَيْلٍ وَلَا يُنْشَدُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بَلِيلٌ وَلَا نَهَارٌ.
فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتَاهُ! فَإِنَّهُ فِينَا.

قَالَ: وَإِنْ كَانَ فِينَا.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ
هَارُونَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ عَنْ حُصَيْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُّعَاءِ. فَأَمَّا الدُّعَاءُ، فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ
الْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ.

هر بنده صالحی که مورد دشنام قرار گیرد و در پاسخ بگوید: من روزه دارم، سلام بر تو.
من همانند تو دشنام نمی‌دهم، پروردگار تبارک و تعالی می‌فرماید: بنده من از شر بنده‌ام به
روزه پناه برد. من او را از دوزخ پناه دادم.

۶- حماد بن عثمان و روای دیگری گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگام شب نباید شعر خوانده شود و در ماه رمضان نه در شب و نه در روز نباید شعر خوانده
شود.

اسماعیل (فرزند امام عليه السلام) عرضه داشت: ای پدر! اگر چه شعر درباره ما باشد؟
فرمود: اگر چه درباره ما باشد.

۷- حصین گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود:

بر شما باد در ماه رمضان به کثرت استغفار و دعا. دعا بلا را از شما برطرف می‌کند و
استغفار گناهانتان را محو می‌نماید.

۸- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالِدُعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ وَ
الِاسْتِغْفَارِ وَ التَّكْبِيرِ. فَإِذَا أَفْطَرَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي شِئْتُ أَنْ تَفْعَلَ فَعَلْتَ.

۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ حِدَهُ إِنَّ مَرْيَمَ عليها السلام قَالَتْ: «إِنِّي نَذَرْتُ
لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» أَي: صَمْتًا.

فَأَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَنَازَعُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ
يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوْنُسَ عَنْ
أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
الْكَذِبَةُ تَنْقُضُ الْوُضُوءَ وَ تُفْطِرُ الصَّائِمَ.

۸- با همین اسناد آمده است: امام سجّاد عليه السلام همواره آن گاه که ماه رمضان فرا می‌رسید
سخنی جز دعا، تسبیح، استغفار و تکبیر نمی‌گفت. حضرتش به هنگام افطار عرضه
می‌داشت: «خدایا! اگر می‌خواستی انجام گیرد، انجام می‌دادی».

۹- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

روزه داری تنها خودداری از خوردنی و آشامیدنی نیست، زیرا مریم عليها السلام گفت: «من
برای خدای رحمان روزه‌ای نذر کردم» یعنی روزه سکوتی. پس زبان‌هایتان را نگاه دارید،
دیدگانتان را فروپوشانید، به یکدیگر حسد نوزید و با هم نزاع نکنید، چرا که حسد ایمان
را می‌خورد، آن سان که آتش هیزم را می‌خورد.

۱۰- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

دروغ و وضو و روزه را باطل می‌کند.

قَالَ: قُلْتُ: هَلَكْنَا.

قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ، إِنَّمَا ذَلِكَ الْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ ﷻ وَعَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْأُيُمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ، ثُمَّ كَرِهَتْهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي: الرَّفَثَ فِي الصَّوْمِ.

(۱۲)

بَابُ صَوْمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

گوید: گفتم: پس ما هلاک شدیم.

فرمود: چنین که تو گمان می کنی، نیست. آن فقط دروغ بستن به خداوند ﷻ، رسول او وائمه علیهم السلام است.

۱۱ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند شش خصلت را برای من ناپسند داشت و من آنها را بر اوصیای از فرزندانم و پیروان آنان بعد از خودم ناپسند داشتم: ... فحش در حال روزه است.

بخش دوازدهم

روزه رسول خدا ﷺ

۱ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

صَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى قِيلَ: مَا يُفْطَرُ: ثُمَّ أَفْطَرَ حَتَّى قِيلَ: مَا يَصُومُ، ثُمَّ صَامَ صَوْمَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا وَ يَوْمًا لَا تُنْمَقُ بِضَ عَلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ. قَالَ: إِنَّهُنَّ يَعْدِلُنَّ صَوْمَ الشَّهْرِ وَ يَذْهَبْنَ بِوَحْرِ الصَّدْرِ وَ الْوَحْرِ الْوَسْوَسَةُ. قَالَ حَمَّادٌ: فَقُلْتُ: وَ أَيُّ الْأَيَّامِ هِيَ؟ قَالَ: أَوَّلُ حَمِيْسٍ فِي الشَّهْرِ وَ أَوَّلُ أَرْبَعَاءَ بَعْدَ الْعَشْرِ مِنْهُ وَ آخِرُ حَمِيْسٍ فِيهِ. فَقُلْتُ: كَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي تُصَامُ. فَقَالَ: إِنَّ مَنْ قَبْلَنَا مِنَ الْأُمَّمِ كَانَ إِذَا نَزَلَ عَلَى أَحَدِهِمُ الْعَذَابُ نَزَلَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ. فَصَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْأَيَّامَ الْمَخُوفَةَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رسول خدا ﷺ آن قدر روزه گرفت که گفتند: افطار نمی‌کند. سپس حضرتش چندان افطار کرد که گفتند: روزه نمی‌گیرد.

آن‌گاه روزه داوود علیه السلام را یک روز در میان می‌گرفت و پس از آن حضرتش در حالی که در هر ماه سه روز روزه می‌داشت از دنیا رفت.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمود: روزه سه روز در ماه معادل روزه یک ماه است و همان وسوسه سینه را از بین می‌برد.

حمّاد گوید: گفتیم: آن سه روز کدام روزها هستند؟ فرمود: نخستین پنجشنبه در ماه و نخستین چهارشنبه بعد از ده روز از آن و آخرین پنجشنبه آن.

گفتم: چگونه این ایام برای روزه اختصاص یافته است؟ فرمود: در امت‌های پیشین هرگاه بر یکی از ایشان عذابی فرود می‌آمد در همین ایام نازل می‌گشت، از این رو رسول خدا ﷺ این ایام سهمناک را روزه گرفت.

۲ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوَّلَ مَا بَعَثَ يَصُومُ حَتَّى يُقَالَ: مَا يُفْطِرُ، وَ يُفْطِرُ حَتَّى يُقَالَ: مَا يَصُومُ. ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَ صَامَ يَوْمًا وَ أَفْطَرَ يَوْمًا وَ هُوَ صَوْمُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَ صَامَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ الْغُرُّ ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ وَ فَرَّقَهَا فِي كُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ، فَفَبِضِّ ﷺ وَ هُوَ يَعْمَلُ ذَلِكَ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: كَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَصُومُ حَتَّى يُقَالَ: لَا يُفْطِرُ ثُمَّ صَامَ يَوْمًا وَ أَفْطَرَ يَوْمًا ثُمَّ صَامَ الْإِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسِ، ثُمَّ آَلَ مِنْ ذَلِكَ إِلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ الْخَمِيسِ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ أَرْبَعَاءَ فِي وَسْطِ الشَّهْرِ وَ خَمِيسٍ فِي آخِرِ الشَّهْرِ. وَ كَانَ يَقُولُ: ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ.

وَ قَدْ كَانَ أَبِي ﷺ يَقُولُ: مَا مِنْ أَحَدٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْ رَجُلٍ يُقَالَ لَهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَفْعَلُ كَذَا وَ كَذَا، فَيَقُولُ: لَا يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَلَى أَنْ أُجْتَهَدَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَرَكَ شَيْئًا مِنَ الْفَضْلِ عَجْزًا عَنْهُ.

پیامبر خدا ﷺ در نخستین روزهای بعثت آن قدر روزه گرفت که گفته شد: افطار نمی‌کند و آن قدر افطار کرد که گفته شد: دیگر روزه نمی‌گیرد. سپس حضرتش این روش را ترک کرد و یک روز در میان روزه گرفت و این همان روزه حضرت داوود علیہ السلام است. آن گاه این روش را ترک کرد ایام بیض را روزه گرفت. سپس این روش را نیز ترک کرد و روزه را به ایام ماه پراکنده کرد که در هر ده روز یک روز که بین دو پنجشنبه که بین آن دو یک چهارشنبه بود، روزه می‌گرفت و بدین روش بود تا این که رحلت کرد.

۳ - محمد بن مروان گوید: از امام صادق علیہ السلام شنیدم که می‌فرمود: رسول خدا ﷺ آنقدر روزه می‌گرفت که می‌گفتند: افطار نمی‌کند، سپس یک روز روزه می‌گرفت و یک روز افطار می‌کرد. آن گاه دوشنبه و پنجشنبه را روزه گرفت و پس از آن به روزه سه روز در ماه: پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه بازگشت و می‌فرمود: این، روزه دهر است.

و پدرم علیہ السلام همواره می‌فرمود: هیچ کس نزد من مبعوض‌تر از آن نیست که به او بگویند: رسول خدا ﷺ چنین و چنان می‌کرد و او بگوید: خدا مرا به علت کوشش در نماز عذاب نمی‌کند! گویی او چنین می‌پندارد که رسول خدا ﷺ چیزی از فضیلت را به علت ناتوانیش ترک نموده است!

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُنَّ نِسَاءُ النَّبِيِّ ﷺ إِذَا كَانَ عَلَيْهِنَّ صِيَامٌ أَخْرَجْنَ ذَلِكَ إِلَى شَعْبَانَ كَرَاهَةً أَنْ يَمْنَعَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَإِذَا كَانَ شَعْبَانُ صُمْنَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: شَعْبَانُ شَهْرِي.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ صَامَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ شَعْبَانَ؟

قَالَ: خَيْرُ آبَائِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَامَهُ.

۶ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ

الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ صَامَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ شَعْبَانَ قَطُّ؟

قَالَ: صَامَهُ خَيْرُ آبَائِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

۴ - حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه زنان پیامبر ﷺ روزه به عهده داشتند آن را تا ماه شعبان به تأخیر می انداختند که نکند رسول خدا ﷺ مانع آنها شود. پس هر گاه ماه شعبان فرا می رسید روزه می داشتند و رسول خدا ﷺ می فرمود: شعبان، ماه من است.

۵ - سماعه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا یکی از پدران بزرگوارت در ماه شعبان

روزه گرفت؟

فرمود: بهترین پدرانم رسول خدا ﷺ بود که آن ماه را روزه گرفت.

۶ - حلبی گوید: همین پرسش را از امام صادق علیه السلام کردم و حضرتش همین پاسخ را داد.

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ
 الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.
 فَأَمَّا الَّذِي جَاءَ فِي صَوْمِ شَعْبَانَ أَنَّهُ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهُ فَقَالَ: مَا صَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 وَلَا أَحَدٌ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 قَالَ ذَلِكَ، لِأَنَّ قَوْمًا قَالُوا: إِنَّ صِيَامَهُ فَرَضٌ مِثْلُ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَوُجُوبُهُ
 مِثْلُ وَجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِنَّ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْهُ فَعَلَيْهِ مِنَ الْكُفَّارَةِ مِثْلُ مَا عَلَى
 مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.
 وَإِنَّمَا قَوْلُ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا صَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَلَا أَحَدٌ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ» أَي: مَا
 صَامُوهُ فَرَضًا وَاجِبًا، تَكْذِيبًا لِقَوْلِ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ فَرَضٌ، وَإِنَّمَا كَانُوا يَصُومُونَهُ سُنَّةً
 فِيهَا فَضْلٌ، وَلَيْسَ عَلَى مَنْ لَمْ يَصُمْهُ شَيْءٌ.
 ۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ عَنَبَسَةَ الْعَابِدِ
 قَالَ:

[نگارنده گوید:]

اما آن روایتی که وارد شده که از حضرتش درباره روزه ماه شعبان پرسیدند و فرمود: آن
 ماه را نه رسول خدا ﷺ و نه یکی از پدرانم روزه داشته‌اند.
 این پاسخ را بدان جهت فرموده است که عده‌ای گفتند: روزه آن ماه همانند ماه رمضان
 واجب است و وجوب آن مانند وجوب ماه رمضان است و هر که یک روز از آن ماه را افطار
 کند، کفاره ماه رمضان بر عهده اوست.
 و این که امام کاظم علیه السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ و نه یکی از پدرانم آن را روزه
 نگرفت». یعنی آنها به صورت فرض و واجب روزه نگرفتند تا گفتار کسی که می‌پندارد
 روزه آن ماه واجب است، تکذیب شود همانا آنها به صورت مستحبی روزه می‌گرفتند و در
 آن فضیلتی است و هر کس آن ماه را روزه نگرفت گناهی بر او نیست.
 ۷- عنبسه گوید:

فَبِضِ النَّبِيِّ ﷺ عَلَى صَوْمِ شَعْبَانَ وَ رَمَضَانَ وَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ أَوَّلِ
خَمِيسٍ وَ أَوْسَطِ أَرْبَعَاءَ وَ آخِرِ خَمِيسٍ .
وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَصُومَانِ ذَلِكَ .

(۱۳)

بَابُ فَضْلِ صَوْمِ شَعْبَانَ وَ صَلَاتِهِ بِرَمَضَانَ وَ صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

صَوْمُ شَعْبَانَ وَ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ.

پیامبر ﷺ در حالی از دنیا رحلت فرمود که ماه شعبان، ماه رمضان و سه روز در هر ماه؛
نخستین پنجشنبه، چهارشنبه میانی و آخرین پنجشنبه هر ماه را روزه می گرفت و امام باقر و
امام صادق ﷺ همواره این گونه روزه می گرفتند.

بخش سیزدهم

فضیلت روزه ماه شعبان و پیوند آن به ماه رمضان و روزه سه روز در هر ماه

۱- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود:

به خدا سوگند! روزه ماه شعبان و ماه رمضان به صورت پی در پی توبه ای از جانب
خداست.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

صَوْمُ شَعْبَانَ وَ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ وَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَصِلُ مَا بَيْنَ شَعْبَانَ وَ رَمَضَانَ وَ يَقُولُ: صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ شَعْبَانَ وَ رَمَضَانَ يَصِلُهُمَا، وَ يَنْهَى النَّاسَ أَنْ يَصِلُوهُمَا. وَ كَانَ يَقُولُ: هُمَا شَهْرَا اللَّهِ وَ هُمَا كَفَّارَةٌ لِمَا قَبْلَهُمَا وَ لِمَا بَعْدَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ.

۲- مفضل بن عمر نیز نظیر این روایت را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیده است.

۳- سماعه و مفضل گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره روزه ماه شعبان را به ماه رمضان پیوند می داد و می فرمود: روزه دو ماه پشت سر هم توبه ای از جانب خداوند است.

۴- عمرو بن خالد گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همواره روزه ماه شعبان را به ماه رمضان پیوند می داد. و مردم (اهل تسنن) از این کار باز می دارند؟! آن حضرت همواره می فرمود: این دو ماه، ماه خدا هستند، همانها کفاره گناهان پیشین و پسین هستند.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يَصُومُ شَعْبَانَ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ؟
 فَقَالَ: هُمَا الشَّهْرَانِ اللَّذَانِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿شَهْرَيْنِ مُتْتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ﴾.
 قُلْتُ: فَلَا يَفْصِلُ بَيْنَهُمَا؟
 قَالَ: إِذَا أَفْطَرَ مِنَ اللَّيْلِ فَهُوَ فَضْلٌ وَإِنَّمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا وَصَالَ فِي صِيَامٍ،
 يَعْنِي لَا يَصُومُ الرَّجُلُ يَوْمَيْنِ مُتَوَالِيَيْنِ مِنْ غَيْرِ إِفْطَارٍ، وَ قَدْ يُسْتَحَبُّ لِلْعَبْدِ أَنْ لَا
 يَدَعَ السُّحُورَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّوْمِ فِي الْحَضْرِ.
 فَقَالَ: ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرِ الْخَمِيْسِ مِنْ جُمُعَةٍ وَ الْأَرْبِعَاءِ مِنْ جُمُعَةٍ وَ
 الْخَمِيْسِ مِنْ جُمُعَةٍ أُخْرَى.

۵ - محمد بن سلیمان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما درباره مردی که ماه
 شعبان و ماه رمضان را روزه می‌دارد چیست؟
 فرمود: آنها ماه‌هایی هستند که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «دو ماه پی در پی توبه
 از جانب خداست».

گفتم: میان آنها فاصله داده نمی‌شود؟
 فرمود: چون شب افطار نماید، همان فاصله است و همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:
 «پیوست میان روزه نیست». یعنی انسان نمی‌تواند پی در پی بدون افطار روزه بگیرد و
 مستحب است که بنده سحری را ترک نکند.

۶ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره روزه در وطن سؤال شد.
 فرمود: سه روز در هر ماه: پنجشنبه از هفته، چهارشنبه از هفته و پنجشنبه از هفته آخر
 است.

وَقَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِيَامُ شَهْرِ الصَّبْرِ وَثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ يَذْهَبْنَ بِبَلَابِلِ الصُّدُورِ وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرِ صِيَامِ الدَّهْرِ. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا».

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصِّيَامِ فِي الشَّهْرِ كَيْفَ هُوَ؟ قَالَ: ثَلَاثٌ فِي الشَّهْرِ فِي كُلِّ عَشْرِ يَوْمٍ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ صَوْمِ الدَّهْرِ.

۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَخَارِقِ أَبِي جُنَادَةَ السَّلُولِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ صَامَ شَعْبَانَ كَانَ لَهُ طَهْرًا مِنْ كُلِّ زَلَّةٍ وَ وَصْمَةٍ وَبَادِرَةٍ.
قَالَ أَبُو حَمْزَةَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الْوَصْمَةُ؟

حضرتش فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: روزه ماه صبر (یعنی ماه رمضان) و سه روز از هر ماه، و سوسه‌های دل را برطرف می‌سازد و روزه سه روز در هر ماه، روزه دهر است. زیرا خداوند سُبْحَانَهُ می‌فرماید: «کسی که کار نیکی به جا آرد، پس ده برابر آن برای او منظور خواهد شد».

۷ - محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد روزه در ماه پرسیدم که چگونه است؟ فرمود: سه روز در ماه در هر ده روزی یک روز، زیرا خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «کسی که کار نیکی به جا آورد پس ده برابر آن برای او منظور خواهد شد» روزه سه روز در ماه، روزه دهر است.

۸ - ابوحمزه گوید: امام باقر از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر که ماه شعبان را روزه بگیرد کفاره و پاکیزگی او از هر گونه لغزشی، ننگ و شدت خشم می‌گردد.

ابوحمزه گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: منظور از عار و ننگ چیست؟

قَالَ: أَلَيْمِينَ فِي الْمَعْصِيَةِ، وَ النَّذْرُ فِي الْمَعْصِيَةِ.

قُلْتُ: فَمَا الْبَادِرَةُ؟

قَالَ: أَلَيْمِينَ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَ التَّوْبَةُ مِنْهَا النَّدَمُ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ
قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَفْضَلِ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي التَّطَوُّعِ مِنَ الصَّوْمِ.

فَقَالَ: ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ الْخَمِيسُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ الْأَرْبَعَاءُ فِي وَسْطِ

الشَّهْرِ وَ الْخَمِيسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: هَذَا جَمِيعُ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّوْمِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ:

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا جَاءَ فِي الصَّوْمِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ؟

فرمود: سوگند در معصیت و نذر در معصیت است.

گفتم: شدت خشم چیست؟

فرمود: سوگند به هنگام خشم است و توبه آن، پشیمانی از آن است.

۹- زراره گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: بهترین سنت در روزه مستحبی به چه

جریان یافته است؟

فرمود: سه روز در هر ماه: پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه.

گوید: از امام علیه السلام سؤال کردم: آیا همه سنت‌هاست که در روزه جاری شده است؟

فرمود: آری.

۱۰- حریز گوید: به امام صادق علیه السلام گفته شد: در مورد روزه روز چهارشنبه چه وارد

شده است؟

فَقَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ سَخَّرَ خَلَقَ النَّارَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَأَوْجَبَ صَوْمَهُ لِيَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ عَنْ صَوْمِ خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ.
فَقَالَ: أَمَّا الْخَمِيسُ فَيَوْمٌ تُعْرَضُ فِيهِ الْأَعْمَالُ، وَ أَمَّا الْأَرْبَعَاءُ فَيَوْمٌ خُلِقَتْ فِيهِ
النَّارُ، وَ أَمَّا الصَّوْمُ فَجَنَّةٌ مِنَ النَّارِ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:
إِنَّمَا يُصَامُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لِأَنَّهُ لَمْ تُعَذَّبْ أُمَّةٌ فِيهَا مَضَى إِلَّا فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ وَسَطِ
الشَّهْرِ، فَيَسْتَحَبُّ أَنْ يُصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ.

فرمود: امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خداوند سَخَّرَ آتش را روز چهارشنبه آفرید. پس روزه آن روز را لازم کرد تا از آتش به او پناه برده شود.
۱۱ - ابن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد روزه روز پنجشنبه که میان آنها چهارشنبه ای باشد، سؤال شد.

فرمود: پنجشنبه روزی است که در آن اعمال عرض می شود و چهارشنبه روزی است که آتش آفریده شده است و روزه هم سپراز آتش است.
۱۲ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
این که روز چهارشنبه روزه گرفته می شود بدان جهت است که امت های پیشین فقط در روز چهارشنبه وسط ماه به عذاب گرفتار شدند. پس مستحب است که در آن روز روزه گرفته شود.

۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا كَانَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ حَمِيسَانَ فَصُمْ أَوْلَهُمَا، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ، وَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ حَمِيسَانَ فَصُمْ آخِرَهُمَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ.

(۱۴)

بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ السَّحُورُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ أَوْ اجِبَ هُوَ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَتَسَحَّرَ إِنْ شَاءَ، وَ أَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ أَنْ يَتَسَحَّرَ. نُحِبُّ أَنْ لَا يُتْرَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

۱۳ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

هرگاه در دهه اول ماه دو پنجشنبه واقع شد، پس نخستین پنجشنبه را روزه بگیر، زیرا آن بهتر است و چون در دهه آخر ماه دو پنجشنبه قرار گرفت، پس آخر آنها را روزه بگیر، زیرا آن بهتر است.

بخش چهاردهم

استحباب سحری خوردن

۱ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا سحری برای کسی که می خواهد روزه بگیرد واجب است؟ فرمود: اشکالی ندارد که بدون سحری روزه بگیرد، ولی در ماه رمضان بهتر آن است که سحری بخورد. من دوست دارم که سحری خوردن در ماه رمضان ترک نشود.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ.

فَقَالَ: أَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِنَّ الْفَضْلَ فِي السَّحُورِ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ، وَ أَمَّا فِي التَّطَوُّعِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْسَحَرَ فَلْيَفْعَلْ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا بَأْسَ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

السَّحُورُ بَرَكَةٌ.

قَالَ: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا تَدْعُ أُمَّتِي السَّحُورَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ.

۲ - سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره سحری برای کسی که بخواهد روزه بگیرد، سؤال کردم.

فرمود: در ماه رمضان بهتر است که سحری خورده شود، گرچه به خوردن جرعه آبی باشد. ولی در روزه مستحبی (غیر واجب) هر کسی دوست دارد سحری بخورد و هر که سحری نخورد، اشکالی ندارد.

۳ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

سحری برکت است.

حضرتش فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اُمّت من نباید سحری را ترک کنند، گرچه با خرمای خشکیده و پلاسیده ای باشد.

(۱۵)

بَابُ مَا يَقُولُ الصَّائِمُ إِذَا أَفْطَرَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
أَبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُومْنَا وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْنَا مِنَّا» ذَهَبَ الظَّمَأُ وَ ابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَ بَقِيَ
الْأَجْرُ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَقُولُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ إِلَى آخِرِهِ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا فَصُمْنَا وَ رَزَقَنَا فَأَفْطَرْنَا.»

بخش پانزدهم

دعای روزه دار به هنگام افطار

۱ - سکونی گوید: امام باقر از پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ این گونه نقل کرده است:

هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افطار می نمود می فرمود:

خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر رزق تو افطار نمودیم پس آن را از ما بپذیر. تشنگی رفت
ورگها خیس شد و پاداش ماند.

۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در هر شب ماه رمضان از موقع افطار تا آخر آن می گویی: سپاس خدایی را است که ما را
یاری نمود، پس روزه گرفتیم و روزی داد پس افطار نمودیم.

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَاعِنَّا عَلَيْهِ وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ عَنَّا يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».

(۱۶)

بَابُ صَوْمِ الْوِصَالِ وَصَوْمِ الدَّهْرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا الْوِصَالُ فِي الصِّيَامِ؟
 قَالَ: فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: لَا وَصَالَ فِي صِيَامٍ، وَلَا صَمْتٌ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ، وَلَا عَتَقٌ قَبْلَ مَلِكٍ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

خدایا! از ما بپذیر، ما را به آن یاری کن و ما را در آن سلامت بدار و آن را نیز از جانب ما سالم بدار، در آسانی و سلامتی سپاس خدا را که ما را به یک روز از ماه رمضان را موفق داشت.

بخش شانزدهم

روزه وصال و روزه دهر

- ۱ - حَسَّانُ بْنُ مُخْتَارٍ گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: وصال در روزه چیست؟
 فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: وصال در روزه صحیح نیست و روزه سکوت از آغاز روز تا شب صحیح نیست و آزاد کردن بنده پیش از تملک صحیح نیست.
- ۲ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْوِصَالَ فِي الصَّيَامِ أَنْ يَجْعَلَ عَشَاءَهُ سَحُورَهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُؤَاصِلُ فِي الصَّيَامِ يَصُومُ يَوْماً وَ لَيْلَةً وَ يُفْطِرُ فِي السَّحْرِ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَوْمِ الدَّهْرِ.

فَقَالَ: لَمْ نَزَلْ نَكْرَهُهُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ الدَّهْرِ.

فَكَرِهَهُ وَ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَصُومَ يَوْماً وَ يُفْطِرَ يَوْماً.

وصال در روزه آن است که روزه دار شام را سحری خود قرار دهد.

۳- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وصال در روزه آن است که روزه دار یک روز و شب را روزه می دارد و هنگام سحر افطار
می نماید.

۴- زراره گوید: از امام صادق عليه السلام درباره روزه دهر پرسیدم.

فرمود: من همواره آن را ناپسند می دانم.

۵- سماعه گوید: از امام عليه السلام در مورد روزه دهر پرسیدم.

حضرتش آن را ناپسند دانست و فرمود: اشکالی ندارد که انسان یک روز را روزه بدارد و
روز دیگر افطار نماید.

(۱۷)

بَابُ مَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ وَهُوَ شَاكٌّ فِي الْفَجْرِ أَوْ بَعْدَ طُلُوعِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ تَسَحَّرَ ثُمَّ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ وَكَانَ طَلَعَ الْفَجْرُ وَتَبَيَّنَ. قَالَ: يَتِمُّ صَوْمُهُ ذَلِكَ ثُمَّ لِيَقْضِيهِ، فَإِنْ تَسَحَّرَ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْدَ الْفَجْرِ أَفْطَرَ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَيْلَةً يُصَلِّي وَأَنَا أَكُلُ فَأَنْصَرَفَ. فَقَالَ: أَمَا جَعْفَرُ فَقَدْ أَكَلَ وَشَرِبَ بَعْدَ الْفَجْرِ، فَأَمَرَنِي فَأَفْطَرْتُ ذَلِكَ الْيَوْمَ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

بخش هفدهم**حکم کسی که با شک در طلوع فجر و یا بعد از طلوع آن بخورد و بنوشد**

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فردی که سحری خورد و از منزل خود بیرون شد در حالی که فجر طلوع کرده و روشن شده بود سؤال شد. فرمود: او بایستی روزه خود را به پایان رسانیده سپس قضای آن را به جا آورد و اگر در غیر ماه رمضان بعد از فجر سحری خورد باید افطار نماید. سپس حضرتش فرمود: شبی پدر بزرگوارم نماز می خواند، من مشغول خوردن غذا بودم. پس از پایان نماز فرمود: جعفر بعد از فجر غذا خورد و نوشید. آن گاه به من دستور داد که آن روز را افطار نمودم، در حالی که غیر ماه رمضان بود.
- ۲ - سماعة بن مهران گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَكَلَ وَ شَرِبَ بَعْدَ مَا طَلَعَ الْفَجْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
 فَقَالَ: إِنْ كَانَ قَامَ فَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ الْفَجْرَ فَأَكَلَ ثُمَّ عَادَ فَرَأَى الْفَجْرَ فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ وَلَا
 إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ قَامَ فَأَكَلَ وَ شَرِبَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى الْفَجْرِ فَرَأَى أَنَّهُ قَدْ طَلَعَ الْفَجْرُ
 فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ وَ يَقْضِي يَوْمًا آخَرَ، لِأَنَّهُ بَدَأَ بِالْأَكْلِ قَبْلَ النَّظْرِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.
 ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَمْرُ الْجَارِيَةِ أَنْ تَنْظُرَ طَلَعَ الْفَجْرُ أَمْ لَا؟ فَتَقُولَ: لَمْ يَطْلُعْ
 فَأَكُلْ، ثُمَّ أَنْظُرُهُ فَأَجِدُهُ قَدْ طَلَعَ حِينَ نَظَرْتُ.
 قَالَ: تُتِمُّ يَوْمَكَ ثُمَّ تَقْضِيهِ، أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي نَظَرْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ
 قِضَاؤُهُ؟

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ
 الْقَاسِمِ قَالَ:

از امام عليه السلام پرسیدم: فردی در ماه رمضان پس از طلوع فجر خورد و آشامید؟
 فرمود: اگر برخیزد و نگاه کند و فجر را نبیند و بخورد پس از آن بار دیگر نگاه کند و فجر
 را ببیند بایستی روزه‌اش را کامل نماید و اعاده آن بر او لازم نیست، ولی اگر (از خواب)
 برخیزد و بخورد و بیاشامد و بعد از آن به فجر بنگرد و ببیند که طلوع کرده است بایستی
 روزه‌اش را به پایان برساند و روزی دیگر قضای آن به جا آورد؛ زیرا او پیش از نگریستن
 خورده است. پس بر اوست که روزه را اعاده کند.

۳ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: به کنیز خود دستور می‌دهم که به
 فجر بنگرد آیا طلوع کرده است یا نه، می‌گوید: طلوع نکرده است. پس من مشغول خوردن
 غذا می‌شوم، سپس نگاه می‌کنم می‌بینم که هنگام نگریستن او فجر طلوع کرده بود (چه
 وظیفه‌ای دارم)؟

فرمود: آن روز را به پایان می‌رسانی، سپس قضای آن را به جا می‌آوری؛ ولی در
 صورتی که خودت نگاه کرده بودی، قضای آن روز بر عهده تو نبود.

۴ - عیص بن قاسم گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ أَصْحَابُهُ يَتَسَحَّرُونَ فِي بَيْتٍ فَنَظَرَ إِلَى الْفَجْرِ وَ نَادَاهُمْ، فَكَفَّ بَعْضُهُمْ وَ ظَنَّ بَعْضُهُمْ أَنَّهُ يَسْحَرُ فَأَكَلَ. فَقَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ وَ يَقْضِي.

۵ - صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: يَكُونُ عَلَيَّ الْيَوْمُ وَ الْيَوْمَانِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَتَسَحَّرُ مُصْبِحًا أَفْطِرُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ أَقْضِي مَكَانَ ذَلِكَ الْيَوْمِ يَوْمًا آخَرَ أَوْ أُتِمُّ عَلَى صَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ أَقْضِي يَوْمًا آخَرَ؟

فَقَالَ: لَا، بَلْ تُفْطِرُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، لِأَنَّكَ أَكَلْتَ مُصْبِحًا وَ تَقْضِي يَوْمًا آخَرَ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ

مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ شَرِبَ بَعْدَ مَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. قَالَ: يَصُومُ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَ يَقْضِي يَوْمًا آخَرَ، وَإِنْ كَانَ قِضَاءً لِرَمَضَانَ فِي شَوَالٍ أَوْ فِي غَيْرِهِ فَشَرِبَ بَعْدَ الْفَجْرِ فَلْيُفْطِرْ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَ يَقْضِي.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در ماه رمضان از خانه بیرون می‌رود، دوستانش مشغول خوردن سحری هستند، چشمش به فجر افتاد فریاد زد که فجر طلوع کرده است. عده‌ای دست از غذا کشیدند و عده‌ای گمان کردند که شوخی می‌کند و مشغول شدند چه حکمی دارد؟

فرمود: کسی که غذا بخورد، باید روزه خود را به پایان برساند و قضای آن را به جا آورد. ۵ - اسحاق بن ابراهیم گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: یک روز روزه ماه رمضان قضا دارم. از این رو سحری خوردم با آن که صبح شده بود، آن روز را افطار کنم و روز دیگری را به جا آورم؟ فرمود: نه. بلکه آن روز را افطار می‌کنی، چون تو به هنگام صبح غذا خورده‌ای و روز دیگری قضای آن را به جا آورد.

۶ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که ندانسته بعد از طلوع فجر در ماه رمضان آشامید، چه حکمی دارد؟

فرمود: آن روز را روزه می‌دارد و روز دیگری قضای آن را به جا می‌آورد و اگر قضای ماه رمضان در ماه شوال یا ماه دیگر است و بعد از طلوع فجر بیاشامد، بایستی آن روز را افطار نماید و قضای آن را به جا آورد.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَا فَنَظَرَا إِلَى الْفَجْرِ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: هُوَ ذَا وَ قَالَ الْآخَرُ: مَا أَرَى شَيْئًا.

قَالَ: فَلْيَأْكُلِ الَّذِي لَمْ يَسْتَبِنْ لَهُ الْفَجْرُ وَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ الَّذِي زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى الْفَجْرَ. إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾.

(۱۸)

بَابُ الْفَجْرِ مَا هُوَ؟ وَ مَتَى يَحِلُّ؟ وَ مَتَى يَحْرُمُ الْأَكْلُ؟

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

۷ - سماعة بن مهران گوید: از امام علیؑ پرسیدم: دو نفر به پا خواستند و به فجر نگاه کردند، یکی از آنها گفت: فجر شده و دیگری گفت: چیزی نمی بینم، چه حکمی دارد؟ فرمود: آن که فجر بر او روشن نشده است می خورد، و آن که گمان کرده بود که فجر را دیده است، حرام است چیزی بخورد، زیرا خداوند ﷻ می فرماید: «بخورید و بیاشامید تا خط سفید از خط سیاه از فجر بر شما روشن گردد».

بخش هیجدهم

فجر چیست؟ کی فجر باز می شود؟ و کی خوردن غذا حرام می گردد؟

۱ - زراره گوید: امام صادق علیؑ فرمود:

أَذَّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ لِمَصَلَاةِ الْعَدَاةِ وَ مَرَّ رَجُلٌ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ يَتَسَحَّرُ، فَدَعَاهُ أَنْ يَأْكُلَ مَعَهُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ لِلْفَجْرِ!؟
 فَقَالَ: إِنَّ هَذَا ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَ هُوَ يُؤَذِّنُ بِلَيْلٍ، فَإِذَا أَذَّنَ بِلَالٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَأَمْسِكْ.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 الْفَجْرُ هُوَ الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ مُعْتَرِضاً كَأَنَّهُ بَيَاضُ سُورَى.
 ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخَيْطِ الْأَبْيَضِ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ.
 فَقَالَ: بَيَاضُ النَّهَارِ مِنْ سَوَادِ اللَّيْلِ.
 قَالَ: وَ كَانَ بِلَالٌ يُؤَذِّنُ لِلنَّبِيِّ ﷺ وَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَ كَانَ أَعْمَى يُؤَذِّنُ بِلَيْلٍ، وَ يُؤَذِّنُ بِلَالٌ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ.
 فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِذَا سَمِعْتُمْ صَوْتَ بِلَالٍ فَدَعُوا الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ.

شبی ابن امّ مکتوم برای نماز صبح اذان گفت و مردی از نزد رسول خدا ﷺ می گذشت حضرتش سحری می خورد، او را دعوت کرد که با حضرتش غذا بخورد.
 آن شخص گفت: ای رسول خدا! مؤذن اذان فجر را گفته است.
 حضرتش فرمود: این مؤذن ابن امّ مکتوم است که شب هنگام اذان می گوید. هر گاه بلال اذان گفت در آن موقع امساک کن.
 ۲ - علی بن عطیه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 فجر هنگامی است که فجر صادق را ببینی که پهناور و به سان سفیدی منطقه (نهر) سورا است.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آشکاری خط سفید از خط سیاه پرسیدم.
 فرمود: منظور آشکار شدن سفیدی روز از سیاهی شب است.
 حضرتش فرمود: مؤذن پیامبر ﷺ بلال و امّ مکتوم نابینا بود. امّ مکتوم شب هنگام و بلال هنگام طلوع فجر اذان می گفتند. پیامبر ﷺ فرمود: هر گاه صدای اذان بلال را شنیدید، دست از غذا و نوشیدن بردارید که صبح شده است.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾ ... الْآيَةَ. فَقَالَ: نَزَلَتْ فِي خَوَاتِ بْنِ جُبَيْرِ الْأَنْصَارِيِّ، وَ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي الْخَنْدَقِ وَ هُوَ صَائِمٌ فَأَمْسَى وَ هُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ، وَ كَانُوا قَبْلَ أَنْ تَنْزَلَ هَذِهِ الْآيَةُ إِذَا نَامَ أَحَدُهُمْ حَرَّمَ عَلَيْهِ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ، فَجَاءَ خَوَاتٌ إِلَى أَهْلِهِ حِينَ أَمْسَى. فَقَالَ: هَلْ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ؟

فَقَالُوا: لَا، لَا تَنْمَ حَتَّى نُضَلِّحَ لَكَ طَعَاماً. فَاتَّكَأَ فَنَامَ، فَقَالُوا لَهُ: قَدْ فَعَلْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

فَبَاتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَأَصْبَحَ ثُمَّ غَدَا إِلَى الْخَنْدَقِ، فَجَعَلَ يُغَشَى عَلَيْهِ فَمَرَّ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَلَمَّا رَأَى الَّذِي بِهِ أَخْبَرَهُ كَيْفَ كَانَ أَمْرُهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عز وجل فِيهِ الْآيَةَ: ﴿وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾.

۴ - ابوبصیر گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) درباره تفسیر گفتار خدای تعالی که می فرماید: «آمیزش جنسی با همسرانتان در شب روزهایی که روزه می گیرید، حلال است» فرمود: این آیه در شأن خوات بن جبیر انصاری نازل شد. او در آن هنگام روزه بود و با پیامبر صلى الله عليه وآله در خندق فعالیت داشت، او تا شامگاه بر آن حال سپری کرد، پیش از نزول این آیه اگر یکی از مسلمانان به هنگام شب می خوابید طعام بر او حرام می شد. خوات شب هنگام نزد خانواده خود رفت و گفت: آیا غذایی دارید؟ گفتند: نه، نخواب تا غذایی برای تو آماده نماییم.

او به بالشتی تکیه کرد و خواب او را ریود. به او گفتند: خوابیده بودی؟ گفت: آری، او شب را با آن حال سپری کرد و بامدادان به سمت خندق روان شد (از فرط ناتوانی) بیهوش شد. رسول خدا صلى الله عليه وآله از کنار او می گذشت و چون از حال او پرسید، ماجرا را به آن حضرت باز گفت. پس خداوند عز وجل این آیه را فرو فرستاد که: «بخورید و بیاشامید تا آن گاه که برای شما روشنی سپیده بمانند رشته سپید در سراسر آفاق پدید آید و از رشته سیاه تاریکی جدا گردد».

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: مَتَى يَحْرُمُ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ عَلَى الصَّائِمِ وَ تَحِلُّ الصَّلَاةُ صَلَاةُ الْفَجْرِ؟
 فَقَالَ: إِذَا اعْتَرَضَ الْفَجْرُ وَ كَانَ كَالْقُبْطِيَّةِ الْبَيْضَاءِ فَشَمَّ يَحْرُمُ الطَّعَامُ وَ يَحِلُّ الصِّيَامُ وَ تَحِلُّ الصَّلَاةُ صَلَاةُ الْفَجْرِ.
 قُلْتُ: فَلَسْنَا فِي وَقْتِ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ شُعَاعُ الشَّمْسِ.
 فَقَالَ: هَيْهَاتَ أَيْنَ تَذْهَبُ؟ تِلْكَ صَلَاةُ الصَّبِيَّانِ.

(۱۹)

بَابُ مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ لَيْلٌ فَأَفْطَرَ قَبْلَ اللَّيْلِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

۵ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کی به روزه دار خوردن و نوشیدن حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد؟
 فرمود: آن گاه که سفیدی صبح گسترش یابد و به صورت کتانی سفید در آید که آن موقع غذا بر روزه دار حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد.
 گفتم: تا طلوع خورشید فرصت نداریم؟
 فرمود: هیهات! کجا می روی؟ آن هنگام، هنگام نماز کودکان است.

بخش نوزدهم

حکم کسی که پنداشت شب فرا رسیده است پس هنوز شب نشده افطار نمود

۱ - سماعه گوید:

سَأَلَتْهُ عَنْ قَوْمٍ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ فَعَشِيَهُمْ سَحَابٌ أَسْوَدٌ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فَظَنُّوا أَنَّهُ لَيْلٌ فَأَفْطَرُوا ثُمَّ إِنَّ السَّحَابَ انْجَلَى فَإِذَا الشَّمْسُ.
 فَقَالَ: عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ صِيَامُ ذَلِكَ الْيَوْمِ. إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾
 فَمَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ اللَّيْلُ فَعَلَيْهِ قِصَاؤُهُ، لِأَنَّهُ أَكَلَ مُتَعَمِّدًا.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ
 سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ.

فِي قَوْمٍ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ فَعَشِيَهُمْ سَحَابٌ أَسْوَدٌ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ،
 فَرَأَوْا أَنَّهُ اللَّيْلُ فَأَفْطَرَ بَعْضُهُمْ، ثُمَّ إِنَّ السَّحَابَ انْجَلَى فَإِذَا الشَّمْسُ.
 قَالَ: عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ صِيَامُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾
 فَمَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ اللَّيْلُ فَعَلَيْهِ قِصَاؤُهُ، لِأَنَّهُ أَكَلَ مُتَعَمِّدًا.

از امام صادق ﷺ پرسیدم: عده‌ای در ماه رمضان روزه گرفته بودند، نزدیک غروب آفتاب ابر سیاهی آسمان را فرا گرفت. آنها چنین پنداشتند که شب فرا رسیده است. از این رو افطار نمودند. سپس ابرها برطرف شدند. ناگاه آفتاب پدیدار شد.
 فرمود: کسی که افطار نموده است قضای روزه آن روز را باید بگیرد، زیرا خداوند ﷻ می‌فرماید: «روزه را تا شب به پایان برسانید» پس هر که پیش از فرا رسیدن شب بخورد باید قضای آن روز را بگیرد، زیرا که او از روی عمد خورده است.
 ۲ - نظیر این روایت را ابوبصیر و سماعه از امام صادق ﷺ نقل کرده‌اند.

(۲۰)

بَابُ وَقْتِ الْإِفْطَارِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَقْتُ سُقُوطِ الْقُرْصِ وَوُجُوبِ الْإِفْطَارِ مِنَ الصَّيَامِ أَنْ يَقُومَ بِحِذَاءِ الْقِبْلَةِ وَيَتَفَقَّدَ الْحُمْرَةَ الَّتِي تَرْتَفِعُ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَإِذَا جَازَتْ قِمَّةَ الرَّأْسِ إِلَى نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَقَدْ وَجَبَ الْإِفْطَارُ وَسَقَطَ الْقُرْصُ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا غَابَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ يَعْنِي نَاحِيَةَ الْمَشْرِقِ فَقَدْ غَابَتِ الشَّمْسُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرِبَتْهَا.

بخش بیستم

هنگام افطار

- ۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: روزه‌دار به هنگام سقوط قرص آفتاب و وجوب افطار روزه مقابل قبله می‌ایستد و در جست و جوی سرخی که از طرف مشرق بالا می‌آید می‌گردد. پس هرگاه این سرخی از بالای سر به جانب مغرب گذشت پس افطار واجب شده و قرص آفتاب افتاده و غروب کرده است.
- ۲- برید بن معاویه گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: هنگامی که سرخی از این جانب - یعنی از ناحیه مشرق - غروب نمود، در واقع آفتاب از شرق و غرب زمین غروب کرده است.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ عَنِ الْإِفْطَارِ قَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَهَا؟
 قَالَ: إِنْ كَانَ مَعَهُ قَوْمٌ يَخْشَى أَنْ يَحْبَسَهُمْ عَنْ عَشَائِهِمْ فَلْيُفْطِرْ مَعَهُمْ، وَإِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ فَلْيُصَلِّ وَ لْيُفْطِرْ.

(۲۱)

بَابُ مَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِيًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَأَكَلَ وَ شَرِبَ ثُمَّ ذَكَرَ.
 قَالَ: لَا يُفْطِرُ، إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ.

۳- حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد که افطار پیش از نماز مغرب است و یا بعد از آن؟

فرمود: اگر عده‌ای منتظر روزه‌دار باشند و بترسد که آنها از غذای شامشان بمانند پس بایستی با آنها افطار نماید و در غیر این صورت، اول نماز بخواند سپس افطار نماید.

بخش بیست و یکم

حکم کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا بخورد و بیاشامد

۱- حلبی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: فردی که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا خورده و آب آشامیده بعد متوجه شده است چه حکمی دارد؟
 فرمود: روزه‌اش را نخورد، آن چیزی بود که خداوند به او روزی نموده است پس روزه‌اش را به پایان برساند.

- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَامَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَكَلَ وَ شَرِبَ نَاسِيًا. قَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَنْسَى فَيَأْكُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. قَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ، فَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ أَطْعَمَهُ اللَّهُ إِيَّاهُ.

(۲۲)

بَابُ مَنْ أَفْطَرَ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ أَوْ جَامَعَ مُتَعَمِّدًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

- ۲ - سماعه گوید: مضمون همین پرسش را از حضرتش پرسیدم. فرمود: روزه را به پایان می‌رساند و قضای روزه‌ای برعهده او نیست.
- ۳ - داوود بن سرحان گوید: در پاسخ همین پرسش امام صادق عليه السلام فرمود: روزه را به پایان برساند که آن، روزی بوده که خداوند به او ارزانی داشته است.

بخش بیست و دوم

حکم کسی که در ماه رمضان از روی عمد و بدون عذر افطار و یا

جماع نماید

- ۱ - عبدالله بن سنان گوید:

فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ.
 قَالَ: يُعْتَقُ نَسَمَةٌ أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مَسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ
 تَصَدَّقْ بِمَا يُطِيقُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
 عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا.
 فَقَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: هَلَكْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
 فَقَالَ: مَا لَكَ؟
 فَقَالَ: النَّارَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
 قَالَ: وَمَا لَكَ؟
 قَالَ: وَقَعْتُ عَلَى أَهْلِي.
 قَالَ: تَصَدَّقْ وَ اسْتَغْفِرْ.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که یک روز از ماه رمضان از روی عمد و بدون عذر
 روزه‌اش را افطار نماید. فرمود:

بنده‌ای آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بدارد، یا شصت مسکین را اطعام نماید و
 اگر نتوانست آن قدر که می‌تواند صدقه بدهد.

۲ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره مردی که یک روز از ماه رمضان را از
 روی عمد افطار نموده سؤال شد.

فرمود: در دوران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شخصی نزد حضرتش آمد و گفت: هلاک شدم ای رسول خدا!

فرمود: به تو چه شده است؟

گفت: آتش است ای رسول خدا!

فرمود: به تو چه شده است؟

گفت: با همسرم نزدیکی کردم.

فرمود: صدقه بده و استغفار کن.

فَقَالَ الرَّجُلُ: فَوَ الَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ! مَا تَرَكْتُ فِي الْبَيْتِ شَيْئًا لَا قَلِيلًا وَلَا كَثِيرًا.
 قَالَ: فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ بِمِكَتَلٍ مِنْ نَمْرٍ فِيهِ عِشْرُونَ صَاعًا يَكُونُ عَشْرَةَ
 أَصْوُعٍ بِصَاعِنَا. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خُذْ هَذَا التَّمْرَ فَتَصَدَّقْ بِهِ.
 فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَيَّ مَنْ أَنْصَدَقُ بِهِ؟ وَ قَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَيْسَ فِي بَيْتِي قَلِيلٌ
 وَلَا كَثِيرٌ.

قَالَ: فَخُذْهُ وَ أَطْعِمْهُ عِيَالَكَ وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ.
 قَالَ: فَلَمَّا خَرَجْنَا قَالَ أَصْحَابُنَا: إِنَّهُ بَدَأَ بِالْعَتَقِ فَقَالَ: أَعْتِقْ أَوْ صُمْ أَوْ تَصَدَّقْ.
 ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ ﷺ:
 فِي رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ يَجِدْ مَا يَتَصَدَّقُ بِهِ عَلَى سِتِّينَ
 مِسْكِينًا.
 قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِقَدَرِ مَا يُطِيقُ.

آن مرد گفت: به آن که حق تو را بزرگ داشت سوگند! در خانه چیزی - نه کم و نه زیاد - ندارم.
 حضرت فرمود: در این هنگام مردی با زنبیلی که بیست صاع خرما - که به صاع ما ده
 صاع می باشد - داشت وارد شد. رسول خدا ﷺ به او فرمود: این خرما را بگیر و آن را
 صدقه بده.

گفت: ای رسول خدا! به که صدقه بدهم در حالی که به شما گفتم که در خانه ام - نه کم و
 نه زیاد - چیزی نیست؟

فرمود: آن را بگیر و به خانواده خود بخوران و از خدا طلب آمرزش نما.

جمیل گوید: چون بیرون شدیم، یاران ما گفتند که او با آزاد کردن بنده آغاز کرد.

پس فرمود: بنده آزاد کن، یا روزه بگیر یا صدقه بده.

۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق ﷺ درباره مردی که در ماه رمضان با همسر خود
 نزدیکی کند و چیزی ندارد که بر شصت مسکین صدقه دهد، فرمود: به اندازه توانش
 صدقه دهد.

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَعْبَثُ بِأَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى يُمْنِي.
قَالَ: عَلَيْهِ مِنَ الْكُفَّارَةِ مِثْلُ مَا عَلَى الَّذِي يُجَامِعُ.
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ
عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ:
سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ شَهِدَ عَلَيْهِ شُهُودٌ أَنَّهُ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.
قَالَ: يُسْأَلُ هَلْ عَلَيْكَ فِي إِفْطَارِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِثْمٌ، فَإِنْ قَالَ: لَا، فَإِنَّ عَلَى
الْإِمَامِ أَنْ يَفْتُلَّهُ، وَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَنْهَكَهُ ضَرْبًا.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وُجِدَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ أَفْطَرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقَدْ رُفِعَ إِلَى الْإِمَامِ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

- ۴ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی در ماه رمضان با همسر خود ملاعبه می‌کند به حدی که منی بیرون می‌آید، چه حکمی دارد؟
فرمود: کفاره همانند کفاره فردی است که با همسرش آمیزش می‌کند.
- ۵ - برید عجلی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدند: گواهانی علیه مردی گواهی داده‌اند که سه روز در ماه رمضان روزه خود را خورده است.
فرمود: از او می‌پرسند آیا بر روزه خواری تو در ماه رمضان گناهی است؟ اگر بگوید: گناهی نیست، امام بایستی او را به قتل برساند و اگر بگوید: آری گناه دارد امام بایستی او را سخت مورد ضرب قرار دهد.
- ۶ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی در ماه رمضان سه بار روزه خواری کرده است و سه مرتبه هم نزد امام برده شده است (وظیفه چیست؟).

قَالَ: يُقْتَلُ فِي الثَّلَاثَةِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ سُوقَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُلَاعِبُ أَهْلَهُ أَوْ جَارِيَتَهُ وَهُوَ فِي قِضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَسْبِقُهُ الْمَاءُ فَيُنْزِلُ.

قَالَ: عَلَيْهِ مِنَ الْكُفَّارَةِ مِثْلُ مَا عَلَى الَّذِي يُجَامِعُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا.

قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِعِشْرِينَ صَاعًا وَيَقْضِي مَكَانَهُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

حَمَّادٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فرمود: در مرتبه سوم کشته می شود.

۷- راوی گوید: مردی به قضای روزه ماه رمضان گرفته است. او با زن یا کنیزش ملاعبه

می کند و منی خارج می شود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: او به سان کسی که در ماه رمضان با همسرش نزدیکی می کند، بایستی کفاره

دهد.

۸- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی که در ماه رمضان یک

روز از روی عمد روزه خواری کرده است (چه حکمی دارد؟).

فرمود: بیست صاع صدقه می دهد و قضای آن روز را به جا می آورد.

۹- مفضل بن عمر گوید:

فِي رَجُلٍ أَتَى امْرَأَتَهُ وَهُوَ صَائِمٌ وَهِيَ صَائِمَةٌ.
فَقَالَ: إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ كَفَّارَتَانِ، وَإِنْ كَانَتْ طَاوَعَتْهُ فَعَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَعَلَيْهَا
كَفَّارَةٌ، وَإِنْ كَانَ أَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ ضَرْبُ خَمْسِينَ سَوْطًا نِصْفِ الْحَدِّ، وَإِنْ كَانَتْ
طَاوَعَتْهُ ضَرْبُ خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ سَوْطًا وَضَرْبُ خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ سَوْطًا.

(۲۳)

بَابُ الصَّائِمِ يُقْبَلُ أَوْ يُبَاشِرُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَمَسُّ مِنَ الْمَرْأَةِ شَيْئًا أَيْفَسِدُ ذَلِكَ صَوْمَهُ أَوْ يَنْقُضُهُ؟
فَقَالَ: إِنْ ذَلِكَ يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ الشَّابِّ مَخَافَةَ أَنْ يَسْبِقَهُ الْمَنِيُّ.

امام صادق عليه السلام در مورد مردی که با زن خود نزدیکی نموده با این که هر دو روزه بودند،
فرمود:

اگر مرد همسرش را مجبور ساخته دو کفاره بر عهده مرد است و اگر زن مایل بوده یک
کفاره بر عهده مرد و کفاره دیگر بر عهده زن است و اگر زن، مرد را مجبور نموده است بر
مرد پنجاه تازیانه به اندازه نصف حد زده می شود و اگر زن مایل بوده است، بیست و پنج
تازیانه به مرد و بیست و پنج تازیانه به زن زده می شود.

بخش بیست و سوم

حکم روزه داری که همسرش را می بوسد یا به او دست می زند

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: مردی که به همسرش دست می زند آیا
روزه اش را باطل یا نقض می کند؟
فرمود: این کار بر جوان ناپسند است، چرا که بیم آن می رود که از او منی بیرون آید.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا تَنْقُضُ الْقُبْلَةَ الصَّوْمَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ
النُّعْمَانِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الصَّائِمِ يُقْبَلُ الْجَارِيَةَ وَالْمَرْأَةَ؟
فَقَالَ: أَمَّا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ مِثْلِي وَ مِثْلُكَ فَلَا بَأْسَ، وَ أَمَّا الشَّابُّ الشَّبِيقُ فَلَا، لِإِنَّهُ لَا
يُؤْمِنُ وَ الْقُبْلَةَ إِحْدَى الشَّهْوَتَيْنِ.

قُلْتُ: فَمَا تَرَى فِي مِثْلِي تَكُونُ لَهُ الْجَارِيَةَ فَيَلَا عِبَهَا.

فَقَالَ لِي: إِنَّكَ لَشَبِيقٌ يَا أَبَا حَازِمٍ! كَيْفَ طَعْمُكَ؟

قُلْتُ: إِنْ شَبِعْتُ أَضْرَبْنِي، وَإِنْ جُعْتُ أَضْعَفْنِي.

قَالَ: كَذَلِكَ أَنَا فَكَيْفَ أَنْتَ وَ النِّسَاءُ؟

۲- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

بوسه، ناقض و باطل کننده روزه نیست.

۳- منصور بن حازم گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: نظر شما در مورد روزه داری که کنیز

و زن خود را می بوسد، چیست؟

فرمود: این کار برای پیرمردی که مانند من و توست اشکالی ندارد، ولی برای جوان با

شهوت جایز نیست، چرا که به او اطمینان نیست و بوسه یکی از دو شهوت است.

گفتم: نظر شما در مورد فردی همانند من اگر کنیزی داشته باشد و با او ملاحظه کند چیست؟

حضرتش به من فرمود: ای ابا حازم! تو هم شهوت زیاد داری؟ غذای تو چگونه است؟

گفتم: آن گاه که سیر می شوم، غذا بر من ضرر می رساند و اگر گرسنه بمانم ناتوان و

ضعیف می گردم.

فرمود: من نیز چنین هستم، تو با زنان چگونه ای؟

قُلْتُ: وَ لَا شَيْءَ.

قَالَ: وَ لَكِنِّي يَا أَبَا حَازِمٍ! مَا أَشَاءُ شَيْئاً أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنِّي إِلَّا فَعَلْتُ.

(۲۴)

**بَابُ فِيمَنْ أُجْنِبَ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ غَيْرِهِ فَتَرَكَ الْغُسْلَ
إِلَى أَنْ يُصْبِحَ أَوْ احْتَلَمَ بِاللَّيْلِ أَوْ النَّهَارِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ
ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ احْتَلَمَ أَوَّلَ اللَّيْلِ أَوْ أَصَابَ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ نَامَ مُتَعَمِّداً فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ حَتَّى أَصْبَحَ.

قَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ ذَلِكَ ثُمَّ يَقْضِيهِ إِذَا أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ.

گفتم: تمایلی به آنان ندارم.

حضرتش فرمود: ای ابا حازم! ولی من هر چیزی را که خواستم، انجام می‌دهم.

بخش بیست و چهارم

**حکم کسی که در ماه رمضان و غیر آن جنب شود و غسل نکند تا صبح
فرا رسد یا حکم کسی که شب یا روز محتلم گردد**

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در باره مردی که در ماه رمضان در آغاز شب محتلم
شود یا با همسرش همبستر گردد، سپس از روی عمد بخوابد تا صبح فرا رسد، فرمود:
آن روز را با روزه به پایان می‌رساند. سپس هر گاه ماه رمضان تمام شد، قضای آن را به
جا می‌آورد و از پروردگار خود طلب آمرزش می‌کند.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ الْجَارِيَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ. قَالَ: يَتِمُّ صَوْمُهُ وَ يَقْضِي ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا أَنْ يَسْتَيْقِظَ قَبْلَ أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ، فَإِنْ أَنْتَظَرَ مَاءً يُسَخِّنُ أَوْ يَسْتَقِي فَطَلَعَ الْفَجْرُ فَلَا يَقْضِي يَوْمَهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ ثُمَّ يَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ أَيْصَوْمُ ذَلِكَ الْيَوْمِ تَطَوُّعًا؟

فَقَالَ: أَلَيْسَ هُوَ بِالْخِيَارِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ نِصْفِ النَّهَارِ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَلِمُ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَتِمُّ صَوْمُهُ كَمَا هُوَ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

۴ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ:

۲ - محمد بن مسلم گوید: از (امام باقر، یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: مردی در ماه رمضان با کنیز خود همبستر می شود، آن گاه پیش از غسل می خوابد؟ فرمود: قضای آن را به جا می آورد، مگر پیش از طلوع فجر بیدار شود، در این صورت اگر در انتظار گرم شدن آب و یا در حال کشیدن آب از چاه باشد و فجر طلوع گردد و قضای آن روز لازم نیست.

۳ - ابن بکیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی جنب می شود، سپس می خوابد تا صبح می شود، آیا آن روز را به عنوان مستحبی روزه بگیرد؟

فرمود: آیا او از وقت اذان تا هنگام ظهر در روزه مستحبی اختیار ندارد؟ گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی در ماه رمضان در روز محتلم می شود و همچنان روزه خود را ادامه می دهد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۴ - ابن سنان گوید:

كَتَبَ أَبِي إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ كَانَ يَقْضِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَ قَالَ: إِنِّي أَصْبَحْتُ بِالْغُسْلِ وَ أَصَابْتَنِي جَنَابَةٌ فَلَمْ أَغْتَسِلْ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ.
فَأَجَابَهُ عليه السلام: لَا تَصُمْ هَذَا الْيَوْمَ، وَ صُمْ غَدًا.
۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَسِيَ أَنْ يَغْتَسِلَ حَتَّى يَمْضِيَ بِذَلِكَ جُمُعَةً أَوْ يَخْرُجَ شَهْرَ رَمَضَانَ.
قَالَ: عَلَيْهِ قِضَاءُ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ.

(۲۵)

بَابُ كَرَاهِيَةِ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ لِلصَّائِمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

پدرم که مشغول قضاى ماه رمضان بود طى نامه‌اى به امام صادق عليه السلام نوشت: من در حال غسل صبح نمودم و جنب بودم و غسل نکرده بودم که فجر طلوع کرد. حضرتش در پاسخ نوشت: آن روز را روزه نگیر و فردا را روزه بگیر.
۵ - ابراهیم بن میمون گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردى در ماه رمضان شب هنگام جنب مى‌شود و فراموش مى‌کند که غسل نماید و یک هفته بدین سان مى‌گذرد یا ماه رمضان پایان مى‌پذیرد (چه حکمى دارد؟).
فرمود: او بایستى نماز و روزه را قضا نماید.

بخش بیست و پنجم

کراهیت فرورفتن روزه‌دار در آب

۱ - حلبى گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

- الصَّائِمُ يَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ وَلَا يَزْتَمِسُ رَأْسَهُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَزْتَمِسُ الصَّائِمُ وَلَا الْمُحْرِمُ رَأْسَهُ فِي الْمَاءِ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّائِمُ يَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ وَيَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ وَيَتَبَرَّدُ بِالثَّوْبِ وَيَنْضَحُ بِالْمَرْوَةِ، وَيَنْضَحُ الْبُورِيَاءَ تَحْتَهُ، وَلَا يَغْمِسُ رَأْسَهُ فِي الْمَاءِ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تُلْزِقُ ثَوْبَكَ إِلَى جَسَدِكَ وَهُوَ رَطْبٌ وَأَنْتَ صَائِمٌ حَتَّى تَغْصِرَهُ.
- ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:

روزه دار می تواند در آب فرو رود، ولی نمی تواند سرش را در آب فرو برد.

۲ - حریز گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

روزه دار و محرم نباید سر خود را در آب فرو برند.

۳ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

روزه دار می تواند در آب فرو می رود، بر سر خود آب می ریزد، با لباس (تر) خنک می شود، به وسیله بادبزین آب پاشی می شود، برای زیرانداز او حصیر آب پاشی می شود، ولی نباید سرش را در آب فرو برد.

۴ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: در حال روزه لباس

خیس خود را بر بدنت نچسبان تا آن را فشار دهی.

۵ - حنّان بن سدید گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّائِمِ يَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ؟
 قَالَ: لَا بَأْسَ، وَ لَكِنْ لَا يَنْغَمِسُ فِيهِ وَ الْمَرْأَةُ لَا تَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ، لِأَنَّهَا تَحْمِلُ
 الْمَاءَ بِفَرْجِهَا.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُشْنَى الْحَنَاطِ وَ
 الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّائِمِ يَزْتَمِسُ فِي الْمَاءِ.
 قَالَ: لَا، وَ لَا الْمُحْرِمُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَلْبَسُ الثُّوبَ الْمَبْلُولَ؟
 قَالَ: لَا.

از امام صادق علیه السلام درباره روزه داری که در آب فرو می رود پرسیدم؟
 فرمود: اشکالی ندارد، ولی (سرش را) در آب فرو نبرد و زن روزه دار نباید در آب فرو
 رود، زیرا که آب را با فرج خود برمی دارد.

۶- حسن صیقل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روزه داری که در آب فرو می رود
 (چه حکمی دارد؟)

فرمود: نه، چنین نکند، محرم نیز چنین نکند.

گوید: از حضرتش پرسیدم: روزه داری که لباس خیس را می پوشد (چه حکمی
 دارد؟).

فرمود: نه (چنین نکند).

(۲۶)

بَابُ الْمَضْمُضَةِ وَالِاسْتِنْشَاقِ لِلصَّائِمِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي الصَّائِمِ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَيَدْخُلُ الْمَاءَ حَلْقَهُ.
فَقَالَ: إِنْ كَانَ وَضُوؤُهُ لِصَّلَاةٍ فَرِيضَةً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ كَانَ وَضُوؤُهُ لِصَّلَاةٍ
نَافِلَةٍ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ
زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي الصَّائِمِ يَتَمَضَّمُضُ؟
قَالَ: لَا يَبْلَعُ رِيْقَهُ حَتَّى يَبْرُقَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الصَّائِمِ يَتَمَضَّمُضُ وَ يَسْتِنْشِقُ.

بخش بیست و ششم**حکم مضمضه و استنشاق^(۱) برای روزه دار**

- حماد گوید: امام صادق عليه السلام در مورد روزه‌داری که برای نماز وضو می‌گیرد آن‌گاه آب به
گلوئی او وارد می‌شود. فرمود:
اگر وضوی او برای نماز واجب باشد، چیزی بر او نیست و اگر برای وضوی نماز
مستحبی باشد باید روزه‌اش را قضا نماید.
- ۲ - زید گوید: امام صادق عليه السلام درباره روزه‌داری که مضمضه می‌کند فرمود:
روزه‌دار بایستی آب دهان خود را فرو نبرد تا سه بار آن را بیرون اندازد.
- ۳ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره روزه‌داری که مضمضه و استنشاق می‌کند
فرمود:

۱ - آب در دهان گرداندن را مضمضه و آب در بینی کردن را استنشاق گویند.

قَالَ: نَعَمْ وَ لَكِنْ لَا يُبَالِغُ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ قَالَ:
الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَسْتَأْذِنُ مَتَى شَاءَ وَإِنْ تَمَضَّمَ فِي وَقْتِ فَرِيضَتِهِ
فَدَخَلَ الْمَاءَ حَلَقَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَقَدْ تَمَّ صَوْمُهُ، وَإِنْ تَمَضَّمَ فِي غَيْرِ
وَقْتِ فَرِيضَةٍ فَدَخَلَ الْمَاءَ حَلَقَهُ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ، وَالْأَفْضَلُ لِلصَّائِمِ أَنْ لَا
يَتَمَضَّمَ.

(۲۷)

بَابُ الصَّائِمِ يَتَّقِيًا أَوْ يَذَرُّهُ النَّعْيُ أَوْ يَقْلِبُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

آری (اشکالی ندارد) ولی زیاده روی نکند.

۴ - یونس گوید: امام علیه السلام فرمود:

روزه‌دار در ماه رمضان هر وقت که خواست می‌تواند مسواک زند و اگر در وقت نماز
واجب مضمضه بکند و آب وارد گلوئی او بشود، چیزی براو نیست و روزه‌اش تمام است و
اگر در غیر وقت واجب مضمضه کند و آب وارد گلویش شود باید روزه را دوباره بگیرد و
بهتر است روزه‌دار مضمضه نکند.

بخش بیست و هفتم

حکم روزه‌داری که از روی عمد یا بدون اختیار استفراغ کند و یا

چیزی از معده او بیرون می‌آید

۱ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا تَقِيًا الصَّائِمُ فَعَلِيهِ قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَإِنْ ذَرَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَقِيًا فَلَيْتِمَ صَوْمَهُ.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا تَقِيًا الصَّائِمُ فَقَدْ أَفْطَرَ وَإِنْ ذَرَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَقِيًا فَلَيْتِمَ صَوْمَهُ.
 ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الَّذِي يَذَرَعُهُ الْقَيْءُ وَ هُوَ صَائِمٌ.

قَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ وَ لَا يَقْضِي.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ مِنْ جَوْفِهِ الْقَلَسُ حَتَّى يَبْلُغَ الْحَلْقَ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى جَوْفِهِ وَ هُوَ صَائِمٌ.
 قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ.

هرگاه روزه‌دار استنفاغ کند باید قضای آن روز را بگیرد و اگر بدون استنفاغ چیزی از معده او بیرون آید باید روزه‌اش را به پایان برساند.

۲ - نظیر همین روایت را حلبی از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ - معاویه گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی بی‌اختیار استنفاغ کند، فرمود:

روزه‌اش را به پایان می‌رساند و قضا نمی‌کند.

۴ - عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: روزه داری که از معده‌اش چیزی

بیرون می‌آید تا به گلو می‌رسد، سپس به داخل بر می‌گردد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد.

سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ أَيْ يَحْتَجِمُ؟
 فَقَالَ: إِنِّي أَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ أَمَا يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ؟
 قُلْتُ: مَاذَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ؟
 قَالَ: الْعَشْيَانِ أَوْ تُتَوَّرَ بِهِ مِرَّةً.
 قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَوِيَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَمْ يَخْشَ شَيْئاً؟
 قَالَ: نَعَمْ إِنْ شَاءَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحِجَامَةِ لِلصَّائِمِ؟
 قَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَخَفْ ضَعْفًا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ
 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: آیا روزه‌دار می‌تواند حجامت کند؟
 فرمود: من بر او بیمناکم. آیا او بر خود بیمناک نیست؟
 گفتم: برای چه بیمناک شود؟

فرمود: این که بی‌هوش شود و یا صفرا بر او غلبه کند.

گفتم: اگر توان مقاومت بر آن داشته باشد و بیمی نداشته باشد، چه؟

فرمود: آری (در این صورت) اگر خواست (می‌تواند حجامت کند و وارد حمام
 شود).

۲ - حسین بن ابی‌العلاء گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره حجامت نمودن روزه‌دار

پرسیدم؟

فرمود: آری، هرگاه از ضعف و ناتوانی نترسد می‌تواند حجامت کند.

۳ - محمد بن مسلم گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْحَمَّامَ وَهُوَ صَائِمٌ؟
فَقَالَ: لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَخْشَ ضَعْفًا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْحَمَّامَ وَهُوَ صَائِمٌ.
قَالَ: لَا بَأْسَ.

(۲۹)

بَابُ فِي الصَّائِمِ يَسْعُطُ وَيَصُبُّ فِي أُذُنِهِ الدُّهْنَ أَوْ يَحْتَقِنُ

۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَشْتَكِي أُذُنَهُ يَصُبُّ فِيهَا الدَّوَاءَ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

از امام باقر عليه السلام سؤال شد که انسان می تواند در حال روزه وارد حمام شود؟
فرمود: ایرادی ندارد مادامی که از ضعف و ناتوانی بیم نداشته باشد.
۴ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: انسان روزه دار می تواند وارد حمام شود؟
فرمود: آری.

بخش بیست و نهم

حکم روزه داری که بر بینی و گوش او دارو ریخته می شود یا تنقیه می کند
۱ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: گوش روزه داری درد می کند و در آن دارو ریخته می شود (چه حکمی دارد؟).
فرمود: ایرادی ندارد.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّائِمِ يَصُبُّ فِي أُذُنِهِ الدُّهْنَ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَقِنُ تَكُونُ بِهِ الْعِلَّةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. فَقَالَ: الصَّائِمُ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَحْتَقِنَ.

۴ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّائِمِ يَحْتَجِمُ وَيَصُبُّ فِي أُذُنِهِ الدُّهْنَ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ إِلَّا السُّعُوطَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِ كِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲ - حماد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روزه داری که در گوش او روغن ریخته می شود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد.

۳ - احمد بن محمد از حضرتش پرسید: مردی مبتلا به بیماری است و در ماه رمضان تنقیه کند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: برای روزه دار تنقیه جایز نیست.

۴ - لایث مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روزه داری که حجامت می کند و در گوش او روغن ریخته می شود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد، مگر این دارو به بینی او ریخته شود که این عمل مکروه است.

۵ - علی بن جعفر گوید:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ هَلْ يَصْلِحُ لَهُمَا أَنْ يَسْتَدْخِلَا الدَّوَاءَ وَهُمَا صَائِمَانِ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي التَّلَطُّفِ يَسْتَدْخِلُهُ الْإِنْسَانُ وَهُوَ صَائِمٌ؟
فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِالْجَامِدِ.

(۳۰)

بَابُ الْكُحْلِ وَالذَّرُورِ لِلصَّائِمِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الصَّائِمِ يَكْتَجِلُ.
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ لَيْسَ بِطَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ.

از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا مرد و زن روزه دار می توانند دارو شیاف کنند؟
فرمود: ایرادی ندارد.
۶- حسین گوید: طی نامه ای به امام ابی الحسن عليه السلام نوشتم. نظر شما در مورد
روزه داری که دارو شیاف می کند چیست؟
حضرتش در پاسخ نوشت: اگر شیاف جامد باشد، اشکالی ندارد.

بخش سی ام

حکم روزه داری که سرمه می کشد و برای چشمش دارو می ریزد

محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام درباره روزه داری که بر خود سرمه می کشد فرمود:
ایرادی ندارد، چرا که سرمه خوردنی و آشامیدنی نیست.

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يُصِيبُهُ الرَّمْدُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يَذُرُّ عَيْنَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ؟
قَالَ: يَذُرُّهَا إِذَا أَفْطَرَ وَلَا يَذُرُّهَا وَهُوَ صَائِمٌ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْكُحْلِ لِلصَّائِمِ.
فَقَالَ: إِذَا كَانَ كُحْلًا لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ، وَ لَيْسَ لَهُ طَعْمٌ فِي الْحَلْقِ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۲ - سعد بن سعد اشعری گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که چشم درد دارد آیا در ماه رمضان می تواند در حال روزه به چشم خود دارو بریزد.

فرمود: آن گاه که افطار کند، دارو استعمال کند و در حال روزه دارو استعمال نکند.

۳ - سماعة بن مهران گوید: از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ دربارهٔ سرمه برای روزه دار پرسیدم؟
فرمود: هر گاه سرمه ای باشد که در آن مشک نباشد و مزه ای نداشته باشد که در گلو احساس شود، ایرادی ندارد.

(۳۱)

بَابُ السُّوَاكِ لِلصَّائِمِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السُّوَاكِ لِلصَّائِمِ.
فَقَالَ: نَعَمْ يَسْتَأْذِنُ أَيَّ النَّهَارِ شَاءَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّائِمِ يَسْتَأْذِنُ بِالْمَاءِ.
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.
وَ قَالَ: لَا يَسْتَأْذِنُ بِسِوَاكِ رَطْبٍ.

بخش سی و یکم

حکم مسواک زدن برای روزه دار

- ۱ - حسین بن ابی العلاء گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مسواک زدن روزه دار پرسیدم.
فرمود: آری، هر موقع از روز خواست می تواند مسواک زند.
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره روزه داری که با آب مسواک می زند، پرسیدم؟
فرمود: ایرادی ندارد.
حضرتش فرمود: با مسواک تر مسواک نزنند.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَرِهَ لِلصَّائِمِ أَنْ يَسْتَاكَ بِسِوَاكِ رَطْبٍ وَقَالَ: لَا يَضُرُّ أَنْ يَبُلَّ سِوَاكَهُ بِالْمَاءِ ثُمَّ يَنْفُضَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِيهِ شَيْءٌ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّائِمِ يَنْزِعُ ضِرْسَهُ؟ قَالَ: لَا، وَلَا يَدْمِي فَاهُ وَلَا يَسْتَاكَ بِعُودٍ رَطْبٍ.

(۳۲)

بَابُ الطَّيِّبِ وَ الرَّيْحَانِ لِلصَّائِمِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِهَ الْمِسْكَ أَنْ يَتَطَيَّبَ بِهِ الصَّائِمُ.

- ۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام مکروه می داشت که روزه دار با مسواک تر مسواک کند و فرمود: ضرر ندارد که مسواک خود را با آب تر نماید، سپس آن را بفشانند تا چیزی در آن نماند.
- ۴- عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا روزه دار می تواند دندان خود را بکشد؟ فرمود: نه، هم چنین نباید دهان خود را خون آلود کند و با مسواک تر مسواک ننماید.

بخش سی و دوم

حکم عطر زدن و بوییدن گل برای روزه دار

- ۱- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: علی علیه السلام مکروه می داشت که روزه دار با مشک خود را معطر سازد.

- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ قَالَ:
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَنْهَى عَنِ النَّرْجِسِ.
 فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لِمَ ذَلِكَ؟
 فَقَالَ: لِأَنَّهُ رِيحَانُ الْأَعَاجِمِ.
 وَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا: أَنَّ الْأَعَاجِمَ كَانَتْ تَشْمُهُ إِذَا صَامُوا وَ قَالُوا: إِنَّهُ يُمَسِّكُ الْجُوعَ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
 كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا صَامَ تَطَيَّبَ بِالطَّيِّبِ وَ يَقُولُ: الطَّيِّبُ تُحْفَةُ الصَّائِمِ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

- ۲- محمد بن فیض گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که از بوییدن گل نرجس نهی می‌کرد.
- گفتم: فدایت گردم! چرا نهی می‌نمایید؟
- فرمود: چون گل نرجس گل عجم‌ها (مجوس‌ها) است (آنها روزی را روزه می‌گرفتند و در آن حال، گل نرجس را می‌بوییدند).
- یکی از اصحابمان گفت: عجم‌ها چون روزه می‌گرفتند آن را می‌بوییدند و می‌گفتند: این سدّ جوع می‌کند.
- ۳- حسن بن راشد گوید: امام صادق عليه السلام همواره به هنگام روزه‌داری خود را عطرآگین می‌نمود و می‌فرمود:
 عطر تحفه روزه دار است.
- ۴- محمد بن مسلم گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّائِمُ يَشْمُ الرَّيْحَانَ وَالطَّيِّبَ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

وَرُوِيَ: أَنَّهُ لَا يَشْمُ الرَّيْحَانَ، لِأَنَّهُ يُكْرَهُ لَهُ أَنْ يَتَلَدَّ بِهِ.
۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَائِضُ تَقْضِي الصَّلَاةَ؟
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: تَقْضِي الصَّوْمَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ جَاءَ ذَا؟

قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ.

قُلْتُ: وَالصَّائِمُ يَسْتَنْتَعِعُ فِي الْمَاءِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

به امام صادق علیه السلام گفتم: روزه دار می تواند گل و عطر ببوید؟
فرمود: ایرادی ندارد.

روایت شده است: نباید روزه دار گل ببوید؛ چرا که مکروه است که با آن لذت جوید.
۵- حسن بن راشد گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: زنی حائض باید نمازش را قضا کند؟
فرمود: نه.

گفتم: روزه قضا می کند؟

فرمود: آری.

گفتم: این حکم از کجا آمده است؟

فرمود: به راستی نخستین کسی که قیاس نمود، ابلیس بود.

گفتم: روزه دار می تواند به آب فرو رود؟

فرمود: آری.

قُلْتُ: فَيُبَلُّ تَوْبًا عَلَى جَسَدِهِ؟
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ جَاءَ ذَا؟
قَالَ: مِنْ ذَاكَ.

قُلْتُ: الصَّائِمُ يَشْمُ الرِّيحَانَ؟
قَالَ: لَا، لِأَنَّهُ لَذَّةٌ وَ يُكْرَهُ لَهُ أَنْ يَتَلَذَّذَ.

(۳۳)

بَابُ مَضْغِ الْعِلْكِ لِلصَّائِمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قُلْتُ: الصَّائِمُ يَمْضَغُ الْعِلْكَ؟
قَالَ: لَا.

گفتم: می تواند لباس تنش را خیس کند؟
فرمود: نه.

گفتم: این حکم از کجا آمده است؟
فرمود: از همان (که گفتم قیاس نیست).

گفتم: روزه دار می تواند گل ببوید؟
فرمود: نه، زیرا این کار لذت است و مکروه است که روزه دار لذت بجوید.

بخش سی و سوم

حکم جویدن هر نوع جویدنی برای روزه دار

۱ - حلبی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: روزه دار می تواند نوعی جویدنی بجود؟
فرمود: نه.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
يَا مُحَمَّدُ! إِيَّاكَ أَنْ تَمَضَّعَ عِلْكَأً، فَإِنِّي مَضَعْتُ الْيَوْمَ عِلْكَأً وَ أَنَا صَائِمٌ، فَوَجَدْتُ فِي نَفْسِي مِنْهُ شَيْئاً.

(۳۴)

بَابُ فِي الصَّائِمِ يَذُوقُ الْقَدْرَ وَيَرْقُ الْفَرْخَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ الصَّائِمَةِ تَطْبُخُ الْقَدْرَ فَتَذُوقُ الْمَرْقَةَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ.
فَقَالَ: لَا بَأْسَ.
قَالَ: وَ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ لَهَا الصَّبِيُّ وَ هِيَ صَائِمَةٌ فَتَمَضَّعُ الْخُبْزَ وَ تُطْعِمُهُ.
فَقَالَ: لَا بَأْسَ، وَ الطَّيْرُ إِنْ كَانَ لَهَا.

۲ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

ای محمد! پرهیز از این که سقز بجوی، زیرا که من روزی در حال روزه سقز جویدم و در وجود خود از آن چیزی (تغییر ذائقه و آب دهان) یافتم.

بخش سی و چهارم

حکم روزه داری که غذای دیگر را می چشد و غذای جوجه را می جود

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: زن روزه داری که غذا می پزد و آبگوشت را می چشد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد.

و گوید: از حضرتش پرسیده شد: زن روزه داری که بچه دارد و نان را می جود و به او می خوراند؟

فرمود: ایرادی ندارد و اگر پرنده‌ای هم داشته باشد (و غذای آن را بجود) اشکال ندارد.

- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا بَأْسَ لِلطَّبَّاحِ وَالطَّبَّاحَةِ أَنْ يَذُوقَ الْمَرَقَ وَهُوَ صَائِمٌ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ تَمْضَعُ لِلْحَسَنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّائِمِ يَذُوقُ الشَّيْءَ وَ لَا يَبْلَعُهُ.
قَالَ: لَا.

۲ - حسین بن زیاد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بر مرد و زن آشپز روزه‌دار ایرادی ندارد که مزه آبگوشت را بچشد.

۳ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام در ماه رمضان در حال روزه غذای حسن و حسین علیهما السلام را می‌جوید.

۴ - سعید اعرج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا روزه‌دار می‌تواند چیزی را بچشد

و آن را فرو نبرد؟

فرمود: نه.

(۳۵)

بَابُ فِي الصَّائِمِ يَزْدَرِدُ نُخَامَتَهُ وَ يَدْخُلُ حَلَقَهُ الدُّبَابُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يَزْدَرِدَ الصَّائِمُ نُخَامَتَهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام:

أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام سُئِلَ عَنِ الدُّبَابِ يَدْخُلُ حَلَقَ الصَّائِمِ؟
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِطَعَامٍ.

بخش سی و پنجم

حکم روزه داری که خلط را فرو می برد و کسی که مگس وارد گلویش می شود

غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایراد ندارد که روزه دار خلط خود را فرو ببرد.

۲ - مسعدة بن صدقه گوید: از امام صادق از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: از علی صلوات الله علیه درباره مگسی که وارد گلوئی روزه دار می شود پرسیده شد.

فرمود: روزه او قضا ندارد، زیرا آن غذا نیست.

(۳۶)

بَابُ فِي الرَّجُلِ يَمُصُّ الْخَاتَمَ وَالْحَصَاةَ وَالنَّوَاةَ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي الرَّجُلِ يَعْطَشُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَمُصَّ الْخَاتَمَ.
- ۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
الْخَاتَمُ فِي فَمِ الصَّائِمِ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ، فَأَمَّا النَّوَاةُ فَلَا.

بخش سی و ششم

حکم کسی که انگشتر، سنگ ریزه و هسته خرما می مکد

- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که در ماه رمضان تشنه می شود.
فرمود:
ایرادی ندارد که انگشتر را بمکد.
۲- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
بودن انگشتر در دهان برای روزه دار ایرادی ندارد، ولی نباید روزه دار هسته خرما به
دهان نهد.

(۳۷)

بَابُ الشَّيْخِ وَالْعَجُوزِ يَضْعَفَانِ عَنِ الصَّوْمِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ﴾.
 قَالَ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَاشُ.
 وَ عَنْ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿فَنَ لَمْ يَسْتَطِعْ فِاطِعًا سِتِّينَ مَسْكِينًا﴾.
 قَالَ: مِنْ مَرَضٍ أَوْ عَطَاشٍ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَتَبَةَ الْهَاشِمِيِّ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْعَجُوزِ الْكَبِيرَةِ الَّتِي تَضْعُفُ عَنِ الصَّوْمِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

بخش سی و هفتم

پیرمرد و پیرزنی که توان روزه ندارند

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد گفتار خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ که می فرماید: «و کسانی که از روزه ناتوانند باید کفاره دهند؛ مسکینی را اطعام کنند» پرسیدم.
 فرمود: منظور پیرمرد و کسی است که تشنه می شود.
 و از حضرتش درباره گفتار خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ که می فرماید: «هر که نتوانست پس شصت مسکین را طعام دهد».
 فرمود: منظور کسی است که بیمار شود یا تشنگی بر او چیره گردد.
- ۲- عبدالملک بن عتبه هاشمی گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: پیرمرد و پیرزنی نمی توانند در ماه رمضان روزه بگیرند چه وظیفه ای دارند؟

قَالَ: تَصَدَّقُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمُدِّ حِنْطَةٍ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَبِيرٍ ضَعْفَ عَنْ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ.

قَالَ: يَتَصَدَّقُ كُلَّ يَوْمٍ بِمَا يُجْزِي مِنْ طَعَامِ مَسْكِينٍ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

السَّيِّخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي بِهِ الْعَطَاشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَتَصَدَّقُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمُدِّ مِنْ طَعَامٍ، وَ لَا قِضَاءَ عَلَيْهِمَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِمَا.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ﴾. قَالَ: الَّذِينَ كَانُوا يُطِيقُونَ الصَّوْمَ فَأَصَابَهُمْ كِبَرٌ أَوْ عَطَاشٌ أَوْ شَبَهُ ذَلِكَ فَعَلَيْهِمْ لِكُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ.

فرمود: در ازای هر روز یک مد گندم صدقه می دهد.

۳- عبدالله بن سنان گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: پیرمردی که توان روزه ماه رمضان را ندارد (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: در ازای هر روز به اندازه‌ای که برای غذای مسکین کافی است، صدقه می دهد.

۴- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

پیرمرد بزرگسال و کسی که مبتلا به تشنگی است، اشکالی ندارد که در ماه رمضان روزه خود را بنخورد و هر در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهند و قضای روزه‌ای بر عهده آنان نیست و اگر توان پرداختن آن را نداشته باشند، چیزی بر عهده آنان نیست.

۵- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالى که می فرماید:

«کسانی که از روزه گرفتن ناتوانند بایستی کفاره دهند؛ مسکینی را اطعام کنند».

فرمود: منظور کسانی بودند که توان روزه گرفتن را داشتند. آن‌گاه پیری یا بیماری

تشنگی یا مانند آن به آنها غلبه کرد در ازای هر روز یک مد طعام بر عهده آنهاست.

۶- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ
عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْعَطَاشُ حَتَّى يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ.
قَالَ: يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمْسِكُ بِهِ رَمَقَهُ وَ لَا يَشْرَبُ حَتَّى يَرَوَى.
۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ
عُمَرَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ لَنَا فَتَيَاتٍ وَ شُبَّانًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الصِّيَامِ مِنْ شِدَّةِ مَا
يُصِيبُهُمْ مِنَ الْعَطَشِ.
قَالَ: فَلْيَشْرَبُوا بِقَدْرِ مَا تَرَوَى بِهِ نَفْسُهُمْ وَ مَا يَحْذَرُونَ.

۶- عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که تشنگی بر او غلبه کند، به گونه‌ای بر
جان خود بترسد. فرمود:

به اندازه‌ای که رمق خود را حفظ کند، می‌تواند آب بنوشد، نه به اندازه‌ای که سیراب
شود.

۷- مفضل بن عمر گوید:

به امام صادق عليه السلام گفتم: دختران و پسران جوان ما که از شدت تشنگی توانایی روزه
گرفتن را ندارند (چه وظیفه‌ای دارند؟).

فرمود: به اندازه‌ای که به جان خود می‌ترسند، بیاشامند.

(۳۸)

بَابُ الْحَامِلِ وَالْمُرْضِعِ يَضَعُفَانِ عَنِ الصَّوْمِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْحَامِلُ الْمُقْرَبُ وَالْمُرْضِعُ الْقَلِيلَةُ اللَّبَنِ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّهُمَا لَا تُطِيقَانِ الصَّوْمَ، وَعَلَيْهِمَا أَنْ يَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ يُفْطِرُ فِيهِ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَعَلَيْهِمَا قَضَاءُ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرْنَا فِيهِ تَقْضِيَانِهِ بَعْدَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

بخش سی و هشتم

حکم زن باردار و شیردهی که از روزه گرفتن ناتوان می شوند

۱ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: اشکال ندارد که زن باردار در شُرْفِ وضع حمل و زن شیردهی که کم شیر است در ماه رمضان روزه خود را بخورند، زیرا که آنها طاقّت روزه را ندارند و بر ذمه آنها است که برای هر روزی که خورده اند یک مدّ طعام صدقه بدهند، هم چنین بایستی قضای هر روزی را به جا آورند.

(۳۹)

بَابُ حَدِّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُفْطِرَ فِيهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: حُمِمْتُ بِالْمَدِينَةِ يَوْمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
فَبَعَثَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِقُضْعَةٍ فِيهَا خَلٌّ وَزَيْتٌ وَقَالَ: أَفْطِرْ وَصَلِّ وَأَنْتَ قَاعِدٌ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَسْأَلُهُ مَا حَدُّ الْمَرَضِ الَّذِي يُفْطِرُ فِيهِ صَاحِبُهُ وَ
الْمَرَضِ الَّذِي يَدْعُ صَاحِبُهُ الصَّلَاةَ قَائِمًا؟
قَالَ: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ.
وَقَالَ: ذَلِكَ إِلَيْهِ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ.

بخش سی و نهم**انسان در چه بیماری می تواند روزه خود را بخورد**

- ۱ - ولید بن صبیح گوید: روزی در ماه رمضان در مدینه تب گرفتم، امام صادق عليه السلام برای من کاسه سرکه و روغن فرستاد و فرمود: افطارکن و نمازت را در حال نشسته بخوان.
- ۲ - عمر بن اذینه گوید: به امام صادق عليه السلام طی نامه ای نوشتم: اندازه بیماری که انسان می تواند روزه خود را افطار نماید و نماز ایستاده را واگذارد چیست؟
فرمود: بلکه انسان بر خود بینش دارد.
و فرمود: این امر به خود انسان موکول شده است او از خود آگاهتر است.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُوسُفَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ مَا حَدُّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ فِيهِ الْإِفْطَارُ كَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِي السَّفَرِ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ. قَالَ: هُوَ مُؤْتَمَنٌ عَلَيْهِ مَفْوُضٌ إِلَيْهِ، فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَلْيُفْطِرْ، وَإِنْ وَجَدَ قُوَّةً فَلْيُصِمْهُ كَانَ الْمَرَضُ مَا كَانَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الصَّائِمُ إِذَا خَافَ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الرَّمَدِ أَفْطَرَ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَجِدُ فِي رَأْسِهِ وَجَعًا مِنْ صُدَاعٍ شَدِيدٍ هَلْ يَجُوزُ لَهُ الْإِفْطَارُ؟ قَالَ: إِذَا صُدِعَ صُدَاعًا شَدِيدًا وَإِذَا حُمَّ حُمًّا شَدِيدًا، وَإِذَا رَمِدَتْ عَيْنَاهُ رَمْدًا شَدِيدًا فَقَدْ حَلَّ لَهُ الْإِفْطَارُ.

۳ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: حدّ بیماری که بر بیمار واجب می شود افطار کند، آن سان برای مسافر در سفر واجب می شود که افطار کند، چیست؟ فرمود: انسان مورد اعتماد است و این امر به خود واگذار شده است. پس اگر احساس ناتوانی کرد، افطار می کند و اگر احساس توانمندی و نیرو کرد، روزه می گیرد، بیماری او هرگونه باشد (مهم نیست).

۴ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه روزه دار بیم آن داشته باشد که در اثر روزه چشمانش درد کند، باید افطار نماید. ۵ - عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که سردرد شدیدی دارد آیا می تواند روزه خود را افطار نماید؟

فرمود: هرگاه انسان گرفتار سردرد سختی شد، تب شدیدی گرفت و گرفتار چشم درد سختی شد، افطار کردن بر او حلال می شود.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:
سَأَلَهُ أَبِي - يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَأَنَا أَسْمَعُ - مَا حَدُّ الْمَرَضِ الَّذِي يُتْرَكُ مِنْهُ الصَّوْمُ؟

قَالَ: إِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَتَسَحَّرَ.

۷ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
اشْتَكَّتْ أُمُّ سَلَمَةَ - رَحِمَهَا اللَّهُ - عَيْنَهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ تُفْطِرَ، وَ قَالَ: عَشَاءُ اللَّيْلِ لِعَيْنِكَ رَدِيٌّ.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا حَدُّ الْمَرِيضِ إِذَا نَقَعَهُ فِي الصِّيَامِ؟
قَالَ: ذَلِكَ إِلَيْهِ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ إِذَا قَوِيَ فَلْيَصُمْ.

۶ - بكر بن ابی بکر حضرمی گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودیم که پدرم از حضرتش درباره اندازه بیماری که موجب ترک روزه می شود پرسید؟
فرمود: هر گاه انسان نتواند سحری بخورد.

۷ - سلیمان بن عمرو گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چشمان ام سلمه رحمها الله در ماه رمضان درد می کرد، رسول خدا ﷺ به او دستور داد که افطار نماید و فرمود: غذای شب برای چشمانت ضرر دارد.

۸ - محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: دوره نقاهت در روزه چقدر است؟
فرمود: آن امر به خود بیمار واگذار شده است. او بر خود داناست، هر گاه نیرو گرفت بایستی روزه بگیرد.

(۴۰)

بَابُ مَنْ تَوَالَى عَلَيْهِ رَمَضَانًا

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُمَا عَنْ رَجُلٍ مَرِضٍ فَلَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانٌ آخِرٌ. فَقَالَا: إِنْ كَانَ بَرَأَ ثُمَّ تَوَالَى قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهُ رَمَضَانٌ الْآخِرِ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ عَلَى مَسْكِينٍ وَ عَلَيْهِ قِصَاؤُهُ، وَإِنْ كَانَ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانٌ آخِرٌ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ مُدًّا عَلَى مَسْكِينٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِصَاؤُهُ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليهما السلام:

بخش چهلم

حکم کسی که دو ماه رمضان پشت سر هم بر او بگذرد

- ۱- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر و امام صادق عليهما السلام پرسیدم: کسی در ماه رمضان بیمار شد و بعد از آن (قضای) روزه را نگرفت تا ماه رمضان دیگر فرا رسید (چه وظیفه‌ای دارد؟). فرمودند: اگر بهبود یافت و پیش از فرا رسیدن ماه رمضان از گرفتن قضای آن سستی نمود، بایستی روزهٔ رضائی را که رسیده است بگیرد و در ازای هر روز، یک مد طعام به مسکین بدهد و قضای آن هم بر ذمه او می‌باشد و اگر بیماری او تا رمضان دیگر ادامه داشت، آن ماه رمضان را روزه بگیرد و در ازای ماه رمضان اول برای هر روز یک مد طعام به مسکین بدهد و قضایی بر عهده او نیست.
- ۲- زراره گوید:

فِي الرَّجُلِ يَمْرُضُ فَيُدْرِكُهُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ يَخْرُجُ عَنْهُ وَ هُوَ مَرِيضٌ وَ لَا يَصِحُّ حَتَّى يُدْرِكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ آخِرًا.

قَالَ: يَتَصَدَّقُ عَنِ الْأَوَّلِ وَ يَصُومُ الثَّانِي، فَإِنْ كَانَ صَحَّ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرِكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ آخِرُ صَامَهُمَا جَمِيعًا وَ يَتَصَدَّقُ عَنِ الْأَوَّلِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضَيْلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ طَائِفَةٌ ثُمَّ أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ قَابِلًا.

قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يَصُومَ وَ أَنْ يُطْعِمَ كُلَّ يَوْمٍ مِسْكِينًا، فَإِنْ كَانَ مَرِيضًا فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ حَتَّى أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ قَابِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا الصِّيَامُ إِنْ صَحَّ وَ إِنْ تَتَابَعَ الْمَرَضُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَصِحَّ فَعَلَيْهِ أَنْ يُطْعِمَ لِكُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا.

امام باقر عليه السلام درباره کسی که بیمار می شود و ماه رمضان فرا می رسد و تمام می شود و او همچنان بیمار است و تا ماه رمضان دیگر بهبود نمی یابد، فرمود: جهت روزه های رمضان اول صدقه می دهد و ماه رمضان دوم را روزه می گیرد و اگر مابین آن دو بهبود یابد و روزه نگیرد تا ماه رمضان دیگر فرا رسد، هر دو ماه را روزه بدارد و جهت ماه رمضان اول صدقه بدهد.

۳- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: کسی که چند روز از ماه رمضان را روزه نگرفته اینک ماه رمضان دیگر فرا می رسد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: بر ذمه اوست که روزه بگیرد و از جهت هر روز به مسکینی طعام دهد و اگر در فاصله میان رمضان پیشین و آینده بیمار بود بر ذمه او فقط روزه است. اگر بهبود یابد و اگر بیماری او ادامه داشت و بهبود نیافت پس بر ذمه اوست که در ازای هر روزی، مسکینی را اطعام نماید.

(۴۱)

بَابُ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ يَفْضِيهَا مُتَفَرِّقَةً؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِتَفْرِيقِ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّمَا الصَّيَامُ الَّذِي لَا يُفَرِّقُ كَفَّارَةَ الظُّهَارِ وَكَفَّارَةَ الدَّمِّ وَكَفَّارَةَ الْيَمِينِ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يَفْضِي شَهْرَ رَمَضَانَ مُنْقَطِعًا.
قَالَ: إِذَا حَفِظَ أَيَّامَهُ فَلَا بَأْسَ.

بخش چهل و یکم

قضای ماه رمضان

- ۱ - سلیمان بن جعفر جعفری گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: کسی که چند روز قضای ماه رمضان بر عهده دارد آیا می‌تواند جدا جدا آنها را قضا کند؟
فرمود: اشکالی ندارد که انسان قضای ماه رمضان به صورت پراکنده انجام دهد، فقط کفارهٔ ظهار، کفارهٔ خون و کفارهٔ سوگند را نمی‌توان پراکنده انجام داد.
- ۲ - سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی که قضای ماه رمضان را به صورت پراکنده انجام می‌دهد (چه حکمی دارد؟).
فرمود: هرگاه روزهای آن را به یاد داشته باشد، ایرادی ندارد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَفْطَرَ شَيْئًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي عَذْرِ فَإِنْ قَضَاهُ مُتَّابِعًا أَفْضَلُ، وَإِنْ قَضَاهُ مُتَفَرِّقًا فَحَسَنٌ لَا بَأْسَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ عَلَى الرَّجُلِ شَيْءٌ مِنْ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلْيَقْضِهِ فِي أَيِّ شَهْرٍ شَاءَ أَيَّامًا مُتَّابِعَةً، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَقْضِهِ كَيْفَ شَاءَ وَ لِيَمَحِّصِ الْأَيَّامَ، فَإِنْ فَرَّقَ فَحَسَنٌ وَإِنْ تَابَعَ فَحَسَنٌ.

۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ذِي الْحِجَّةِ أَوْ أَقْطَعُهُ. قَالَ: أَفْضَلُ فِي ذِي الْحِجَّةِ، وَ أَقْطَعُهُ إِنْ شِئْتَ.

۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که بخشی از ماه رمضان را با عذر افطار کند، اگر آن روزه‌ها را پیاپی قضا نماید، بهتر است و اگر به صورت پراکنده قضا نماید نیکوست، ایرادی ندارد.

۴- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه انسان قضای روزه‌ای از ماه رمضان داشته باشد، آن را در هر ماه که بخواهد طی چند روز پیاپی به جا آورد، پس اگر نتواند به هر نحو که بخواهد آن را قضا کند او بایستی روزها را بشمارد پس اگر به صورت پراکنده انجام دهد نیکوست و اگر پیاپی انجام دهد، باز نیکوست.

۵- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: قضای روزه ماه

رمضان می‌توانم در ماه ذی الحججه انجام دهم یا انجام ندهم؟

فرمود: آن را در ماه ذی الحججه به جا آورو اگر خواستی انجام نده.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 فِي رَجُلٍ مَرِضٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمَّا بَرَأَ أَرَادَ الْحَجَّ كَيْفَ يَصْنَعُ بِقَضَاءِ الصَّوْمِ؟
 قَالَ: إِذَا رَجَعَ فَلْيَصُمْهُ.

(۴۲)

بَابُ الرَّجُلِ يُصْبِحُ وَهُوَ يُرِيدُ الصِّيَامَ فَيُفْطِرُ وَ يُصْبِحُ وَهُوَ لَا يُرِيدُ
 الصَّوْمَ فَيَصُومُ فِي قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ غَيْرِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۶- عقبة بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در ماه رمضان بیمار شده و چون بهبود یافت خواست در مراسم حج شرکت کند، تکلیف او در مورد قضای روزه چیست؟
 فرمود: هر گاه از حج بازگشت آن را به جا آورد.

بخش چهل و دوم

حکم کسی که با اراده روزه صبح می کند پس افطار می نماید و حکم کسی
 که با عدم اراده روزه صبح می کند پس روزه قضای ماه رمضان
 و غیر آن را می گیرد

حلبی گوید:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصْبِحُ وَهُوَ يُرِيدُ الصِّيَامَ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فَيُفْطِرُ.
 قَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نِصْفِ النَّهَارِ.
 قُلْتُ: هَلْ يَقْضِيهِ إِذَا أَفْطَرَ؟
 قَالَ: نَعَمْ، لِأَنَّهَا حَسَنَةٌ أَرَادَ أَنْ يَعْمَلَهَا فَلْيَتِمَّهَا.
 قُلْتُ: فَإِنَّ رَجُلًا أَرَادَ أَنْ يَصُومَ ارْتِفَاعَ النَّهَارِ أَيَصُومُ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ
 أَيُّوبَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّائِمِ الْمُتَطَوِّعِ تَعَرَّضَ لَهُ الْحَاجَةُ.
 قَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَصْرِ، وَإِنْ مَكَثَ حَتَّى الْعَصْرِ ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ
 يَصُومَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ فَلَهُ أَنْ يَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ شَاءَ.
 ۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ سِنَانٍ
 عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که با اراده روزه صبح می‌کند، سپس نظرش برمی‌گردد
 و افطار می‌نماید؟

فرمود: او از آن زمان تا ظهر اختیار دارد که (روزه بگیرد یا نه).

گفتم: هرگاه افطار نمود قضای آن را به جا بیاورد؟

فرمود: آری، زیرا آن حسنه‌ای بود که خواست به آن عمل نماید. پس بایستی آن را تمام کند.

گفتم: اگر انسان بخواهد در وسط روز، نیت روزه کند، آیا می‌تواند روزه بگیرد؟

فرمود: آری.

۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که می‌خواهد روزه مستحبی بگیرد

کاری بر او پیش می‌آید؟

فرمود: تا عصر اختیار دارد و اگر تا عصر نیت نکرد، سپس تصمیم روزه گرفت اگر

خواست آن روز را روزه می‌گیرد.

۳ - سماعة بن مهران گوید:

فِي قَوْلِهِ: «الصَّائِمُ بِالْخِيَارِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ». قَالَ: ذَلِكَ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمَّا النَّافِلَةُ فَلَهُ أَنْ يُفْطِرَ أَيَّ سَاعَةٍ شَاءَ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَبْدُو لَهُ بَعْدَ مَا يُصْبِحُ وَ يَرْتَفِعُ النَّهَارُ فِي صَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ لِيَقْضِيَهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ مِنَ اللَّيْلِ.

قَالَ: نَعَمْ، لِيَصُمَّهُ وَ لِيَعْتَدَّ بِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَحَدَثَ شَيْئاً.

۵ - عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: فِي رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي يَوْمٍ يَقْضِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

امام صادق عليه السلام درباره گفتار خود او که «روزه دار تا زوال خورشید (ظهر) اختیار دارد» فرمود:

این حکم در روزه واجب است، ولی اگر روزه مستحبی باشد در هر ساعتی که بخواهد تا غروب خورشید می تواند افطار کند.

۴ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: امام کاظم عليه السلام درباره کسی که بعد از صبح و بالا آمدن خورشید می خواهد روزه قضای ماه رمضان را انجام دهد با آن که از شب تصمیم نگرفته بود. فرمود:

آری، آن روز را روزه بدارد و قضای ماه رمضان به شمار آورد، مادامی که از مبطلات روزه را انجام نداده است.

۵ - برید عجللی گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که به هنگام روزه قضای ماه رمضان با همسر خود نزدیکی کند، فرمود:

قَالَ: إِنْ كَانَ أَتَى أَهْلَهُ قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا يَوْمَ مَكَانَ يَوْمٍ وَإِنْ كَانَ أَتَى أَهْلَهُ بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ عَلَى عَشْرَةِ مَسَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ صَامَ يَوْمًا مَكَانَ يَوْمٍ وَصَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَفَّارَةً لِمَا صَنَعَ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَفْضِي شَهْرَ رَمَضَانَ فَيُكْرِهُهَا زَوْجُهَا عَلَى الْإِفْطَارِ.

فَقَالَ: لَا يُبْغِي لَهُ أَنْ يُكْرِهَهَا بَعْدَ الزَّوَالِ.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَنْوِي الصَّوْمَ فَيَلْقَاهُ أَخُوهُ الَّذِي هُوَ عَلَى أَمْرِهِ أُيْفِطِرُ؟

قَالَ: إِنْ كَانَ تَطَوُّعًا أَجْزَأَهُ وَحُسِبَ لَهُ وَإِنْ كَانَ قَضَاءً فَرِيضَةٌ قَضَاهُ.

اگر پیش از زوال با همسر خود نزدیکی کند، چیزی بر ذمه او نیست، فقط قضای روزی به جای روزی انجام دهد، و اگر بعد از زوال خورشید با همسرش نزدیکی کند بایستی به ده مسکین صدقه دهد و اگر نتواند، یک روز به جای آن روز روزه می‌گیرد و سه روز به عنوان کفاره آن کار، روزه می‌گیرد.

۶- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی قضای ماه رمضان را انجام می‌داد که همسرش او را به افطار مجبور نمود، چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: نمی‌تواند او را بعد از زوال به افطار مجبور نماید.

۷- عبدالله خثعمی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: کسی که نیت روزه می‌کند، برادر ایمانی با او دیدار می‌نماید، آیا می‌تواند افطار کند؟

فرمود: اگر روزه‌اش مستحبی است به او کفایت کرده و برای او محسوب می‌شود و اگر قضای روزه واجب است، باید قضای آن را به جا آورد.

(۴۳)

بَابُ الرَّجُلِ يَتَطَوَّعُ بِالصِّيَامِ وَ عَلَيْهِ مِنْ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَيَّامٌ أَيْتَطَوَّعُ؟
- فَقَالَ: لَا، حَتَّى يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ عَلَيْهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ طَائِفَةٌ أَيْتَطَوَّعُ؟
- فَقَالَ: لَا، حَتَّى يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

بخش چهل و سوم

حکم کسی که روزه مستحبی می‌گیرد با آن که قضای ماه رمضان دارد

- ۱ - ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که قضای روزه ماه رمضان به عهده دارد آیا می‌تواند روزه مستحبی به جا آورد؟
- فرمود: نه، تا آن که قضای ماه رمضان به جا آورد.
- ۲ - نظیر این روایت را حلبی نیز از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

(۴۴)

بَابُ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ غَيْرِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
فِي الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ صَلَاةٌ أَوْ صِيَامٌ.
قَالَ: يَقْضِي عَنْهُ أَوْلَى النَّاسِ بِمِيرَاثِهِ.
قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ امْرَأَةً؟
فَقَالَ: لَا، إِلَّا الرَّجَالَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ
رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هُوَ مَرِيضٌ فَتَوَفِّيَ قَبْلَ أَنْ يَبْرَأَ.
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَكِنْ يَقْضِي عَنِ الَّذِي يَبْرَأُ ثُمَّ يَمُوتُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِي.

بخش چهل و چهارم**حکم کسی که می میرد و بر ذمه او روزه ماه رمضان و غیر آن وجود دارد**

۱ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که می میرد و بر ذمه او نماز یا روزه وجود دارد.

فرمود: از جانب او نزدیکترین فرد از نظر میراث قضا می کند.

گفتم: اگر نزدیکترین فرد، زن باشد چطور؟

فرمود: نه، فقط مرد.

۲ - محمد بن مسلم گوید: از (امام باقر و یا امام صادق عليه السلام) سؤال کردم: کسی که ماه رمضان را در حال بیماری درک کرد و پیش از بهبودی وفات نمود (چه باید کرد؟).
فرمود: بر ذمه او چیزی نیست، ولی کسی که پیش از وفات، بهبودی یافته است و قضای آن را به جا نیاورده است و از دنیا رفته بایستی قضای روزهها به جا آورده شود.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي بَنِي عَثْمَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَامَ الرَّجُلُ شَيْئًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى مَاتَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ صَحَّ ثُمَّ مَرِضَ ثُمَّ مَاتَ وَكَانَ لَهُ مَالٌ تُصَدَّقُ عَنْهُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِمَدٍّ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيَّهُ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَنْ يَقْضِي عَنْهُ؟

قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِهِ.

قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ امْرَأَةً؟

قَالَ: لَا، إِلَّا الرَّجَالُ.

۳- ابو مریم انصاری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی بخشی از ماه رمضان را روزه گرفت، سپس پیوسته بیمار شد تا وفات یافت بر ذمه او چیزی نیست و چنانچه بهبودی یافت، سپس بیمار شد بعد وفات نمود و مالی داشت از جانب او به جای هر روز، یک مد طعام صدقه داده می شود و اگر مالی نداشت، ولی او از جانبش روزه می گیرد.

۴- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که می میرد و بر ذمه او نماز یا روزه وجود

دارد.

فرمود: از جانب او نزدیکترین فرد از نظر میراث قضا می کند.

گفتم: اگر نزدیکترین فرد، زن باشد چطور؟

فرمود: نه، فقط باید مرد باشد.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدٍ قَالَ:
 كَتَبْتُ إِلَى الْأَخِيرِ عليه السلام: رَجُلٌ مَاتَ وَ عَلَيْهِ قِضَاءٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَلَهُ
 وَلِيَانٍ، هَلْ يَجُوزُ لَهُمَا أَنْ يَقْضِيَا عَنْهُ جَمِيعاً خَمْسَةَ أَيَّامٍ أَحَدُ الْوَلِيِّينِ وَ خَمْسَةَ
 أَيَّامٍ الْآخَرَ؟
 فَوَقَعَ عليه السلام: يَقْضِي عَنْهُ أَكْبَرُ وَلِيِّهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ لَاءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
 ۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ
 أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
 إِذَا مَاتَ رَجُلٌ وَ عَلَيْهِ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ عِلَّةٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ عَنِ
 الشَّهْرِ الْأَوَّلِ، وَ يَقْضِيَ الشَّهْرَ الثَّانِي.

(۴۵)

بَابُ صَوْمِ الصَّبِيَّانِ وَ مَتَى يُؤْخَذُونَ بِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۵ - مُحَمَّدٌ [بن صفار] گوید: به امام حسن عسکری عليه السلام - طی نامه‌ای - نوشتم: مردی از
 دنیا رفته است، قضای ده روز از ماه رمضان را بر ذمه دارد و او دو ولی دارد، آیا جایز است
 که هر یک از آنها قضای پنج روز او را به جا آورد؟
 امام عليه السلام در پاسخ نوشت: از جانب او ولی بزرگتر ده روز از لحاظ ولایت روزه می‌گیرد،
 ان شاء الله.

۶ - حسن بن علی و شأ گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
 هر گاه مردی بمیرد و بر ذمه او به سبب بیماری، روزه دو ماه پیاپی باشد، پس بر
 اوست که در ازای ماه اول صدقه دهد و قضای ماه دوم را به جا آورد.

بخش چهل و پنجم

حکم روزه کودکان و کی آنها به سبب روزه مؤاخذه می‌شوند؟

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ.

فَمُرُوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَيْوَبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّيْبِيُّ بِالصَّيَامِ؟
قَالَ: مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً، وَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً فَإِنْ هُوَ صَامَ قَبْلَ ذَلِكَ فَدَعَهُ، وَ لَقَدْ صَامَ ابْنِي فَلَانٌ قَبْلَ ذَلِكَ فَتَرَكَتَهُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّيْبِيِّ مَتَى يَصُومُ؟

قَالَ: إِذَا قَوِيَ عَلَى الصَّيَامِ.

ما در هفت سالگی کودکانمان را به بخشی از روزه در حد توانشان - تا نیمی از روزه، بیشتر یا کمتر - به روزه وادار می‌کنیم، پس هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنها چیره شود، افطار می‌نمایند تا عادت به روزه نمایند و توانایی آن را داشته باشند.

از این رو شما نیز کودکان نه ساله خود را وادار کنید به اندازه طاقتشان روزه بگیرند، پس هر گاه تشنگی بر آنها چیره شد، افطار نمایند.

۲- معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: بچه در چند سالگی بایستی به روزه گرفتن گمارده شود؟

فرمود: زمانی که به سن پانزده و چهارده سالگی برسد و اگر پیش از این، روزه گرفت او را به حال خود واگذار. فلان پسر من پیش از این، روزه می‌گرفت، من او را به حال خود وا می‌گذاشتم.

۳- سماعة گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: بچه چه وقت باید روزه بگیرد؟

فرمود: زمانی که نیروی روزه گرفتن را پیدا کند.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَطَاقَ الْعَلَامُ صِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مُتَتَابِعَةٍ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ.

(۴۶)

بَابُ مَنْ أَسْلَمَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَسْلَمَ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَا عَلَيْهِ مِنْ صِيَامِهِ؟ قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا مَا أَسْلَمَ فِيهِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام:

أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ فِي رَجُلٍ أَسْلَمَ فِي نِصْفِ شَهْرِ رَمَضَانَ: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا مَا يَسْتَقْبِلُ.

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که پسر بچه طاقت روزه گرفتن سه روز پشت سر هم را داشته باشد، روزه ماه رمضان بر او واجب است.

بخش چهل و ششم

حکم کسی که در ماه رمضان مسلمان شود

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: مردی که در نیمه ماه رمضان مسلمان شود، وظیفه او در مورد روزه چیست؟

فرمود: فقط در روزهایی که مسلمان شده، مکلف به روزه است.

۲ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می‌کند که حضرت علی صلوات الله علیه درباره مردی که در نیمه ماه رمضان اسلام آورده بود می‌فرمود: فقط در روزهای آینده روزه بر ذمه اوست.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْمٍ أَسْلَمُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ قَدْ مَضَى مِنْهُ أَيَّامٌ هَلْ عَلَيْهِمْ أَنْ يَصُومُوا مَا مَضَى مِنْهُ أَوْ يَوْمَهُمُ الَّذِي أَسْلَمُوا فِيهِ؟
فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ قَضَاءٌ وَ لَا يَوْمُهُمُ الَّذِي أَسْلَمُوا فِيهِ إِلَّا أَنْ يَكُونُوا أَسْلَمُوا قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ.

۳- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: گروهی که در ماه رمضان پس از گذشت چند روز از آن، اسلام آورده‌اند، آیا بر آنهاست که قضای روزه‌های گذشته را به جا آورند و یا روزه روزی را که مسلمان شده‌اند، به جا آورند؟
فرمود: قضایی بر ذمه آنها نیست و نه آن روز ورودشان به اسلام، مگر آن که پیش از طلوع فجر اسلام آورده باشند.

أَبْوَابُ السَّفَرِ

بخش‌های مربوط به سفر

(۴۷)

بَابُ كَرَاهِيَةِ السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْخُرُوجِ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ.
قَالَ: لَا، إِلَّا فِيمَا أُخْبِرَكَ بِهِ خُرُوجٌ إِلَى مَكَّةَ أَوْ عَزْوٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ مَالٌ تَخَافُ هَلَاكَهُ أَوْ أَخٌ تُرِيدُ وَدَاعَهُ وَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَاً مِنَ الْأَبِ وَالْأُمِّ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ لَا يُرِيدُ بَرَاحاً، ثُمَّ يَبْدُو لَهُ بَعْدَ مَا يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ أَنْ يُسَافِرَ.

بخش چهل و هفتم

کراهت سفر در ماه رمضان

- ۱ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: آیا با فرا رسیدن ماه رمضان مسافرت جایز است؟
فرمود: نه، مگر در مواردی که باز می‌گویم: سفر برای مکه، یا برای جنگ در راه خدا، یا برای حفظ مالی که بیم از بین رفتن آن را داشته باشی، یا برای بدرقه برادری که از پدر و مادر نیست (بلکه برادر ایمانی است).
- ۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان مقیم بوده و قصد سفر نداشته آن گاه با فرا رسیدن آن به فکر مسافرت افتاد (چگونه است؟).

فَسَكَتَ ، فَسَأَلْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ .
فَقَالَ : يُقِيمُ أَفْضَلَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ حَاجَةٌ لَا بُدَّ مِنَ الْخُرُوجِ فِيهَا ، أَوْ يَتَخَوَّفَ عَلَى
مَالِهِ .

(۴۸)

بَابُ كَرَاهِيَةِ الصَّوْمِ فِي السَّفَرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ
الْعَبْدِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ :
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلُ اللَّهِ تعالى : ﴿ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ﴾ .
قَالَ : مَا أُبَيِّنْهَا مَنْ شَهِدَ فَلْيَصُمْهُ ، وَ مَنْ سَافَرَ فَلَا يَصُمْهُ .
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ : سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

پس حضرت سکوت فرمود، تا من چند بار مسأله را پرسیدم.
فرمود: اقامتش بهتر است، مگر آن که کاری داشته باشد که ناگزیر از سفر باشد، یا از
تلف شدن مالش بترسد.

بخش چهل و هشتم

کراهت روزه در سفر

- ۱ - عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى پرسیدم که
می‌فرماید: «هر که از شما ماه رمضان را دریافت پس باید روزه بگیرد».
فرمود: چه واضح فرموده است؟! به این معنا که هر کس در وطن حضور داشته باشد
بایستی آن ماه را روزه بگیرد و هر که سفر کند، روزه نخواهد گرفت.
۲ - راوی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَصَدَّقَ عَلَى مَرَضَى أُمَّتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالتَّقْصِيرِ
وَ الْإِفْطَارِ، أَيْ سَرُّ أَحَدِكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ؟
۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
عَمَّارٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الصَّائِمُ فِي السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَالْمُفْطِرِ فِيهِ فِي الْحَضَرِ.
ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي
السَّفَرِ؟

فَقَالَ: لَا فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّهُ عَلَيَّ يَسِيرٌ؟
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَصَدَّقَ عَلَى مَرَضَى أُمَّتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالْإِفْطَارِ
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، أَيْ عَجِبُ أَحَدِكُمْ لَوْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ؟!
۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند ﷻ افطار در ماه رمضان و تقصیر در نماز را به بیماران و
مسافران اُمت من صدقه کرده است. آیا کسی از شما خوشحال می‌شود آن‌گاه که صدقه‌ای
را داد آن را به او رد کنند؟!

۳- یحیی بن ابی البلاد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
روزه‌دار در ماه رمضان در سفر به سان افطار کننده در وطن است.
آن‌گاه حضرتش فرمود: مردی به نزد پیامبر ﷺ شرف‌یاب شد و گفت: ای رسول خدا!
آیا می‌توانم در سفر روزه بگیرم؟
فرمود: نه.

گفت: ای رسول خدا! این کار برای من آسان است.
رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند ﷻ افطار در ماه رمضان را به بیماران و مسافران اُمت
من صدقه کرده است، آیا کسی از شما خوشش می‌آید که چون صدقه‌ای را داد آن را به او
رد کنند؟!

۴- ابان بن تغلب گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَ قَصَّرُوا، وَإِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا
أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا.

وَ شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ وُلِدُوا فِي النُّعْمِ، وَ عُدُّوا بِهِ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ، وَ يَلْبَسُونَ
لَيِّنَ الثِّيَابِ، وَإِذَا تَكَلَّمُوا لَمْ يَصُدُّ قَوْلًا.

۵- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ
بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسَافِرًا أَفْطَرَ.

وَ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَعَهُ
النَّاسُ وَ فِيهِمُ الْمَشَاءُ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى كُرَاعِ الْغَمِيمِ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فِيمَا بَيْنَ
الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ فَشَرِبَ وَ أَفْطَرَ، ثُمَّ أَفْطَرَ النَّاسُ مَعَهُ وَ ثُمَّ أَنَسَ عَلَى صَوْمِهِمْ،
فَسَمَّاهُمْ الْعُصَاةَ، وَ إِنَّمَا يُؤْخَذُ بِأَخْرِ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

نیکان اُمت من کسانی هستند که به هنگام سفر، روزه را افطار و نماز را شکسته می‌خوانند،
آن‌گاه که مورد احسان و نیکی قرار می‌گیرند شاد می‌شوند و آن‌گاه که بدی کنند آمرزش می‌طلبند.
و بدهای اُمت من کسانی هستند که در ناز و نعمت متولّد گشته‌اند و با آن تغذیه
شده‌اند؛ غذاهای خوب می‌خورند و لباس‌های نرم می‌پوشند و به هنگام سخن گفتن
راست نمی‌گویند.

۵- عیص بن قاسم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر گاه انسان در ماه رمضان به سفر رود، باید افطار کند.

حضرتش فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ماه رمضان از مدینه به سوی مکه روان شد
و گروهی از مردم با حضرتش همسفر بودند، در میان آنان پیادگانی نیز بودند، هنگامی که
حضرتش در بین ظهر و عصر به سرزمین «کراع غمیم» رسید کاسه آبی خواست و آن را
نوشید و افطار کرد. مردم نیز با آن حضرت افطار کردند. گروهی از همراهان، روزه خود را
به پایان رساندند. از این رو حضرتش آنان را عصیانکاران نامید. آنها بایستی آخرین امر
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را (که همان خوردن روزه در سفر است) به کار ببندند.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرُوا وَ قَصَرَ عَصَاةً وَ قَالَ: هُمْ الْعَصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَإِنَّا لَنَعْرِفُ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مَاتَ صَائِمًا فِي السَّفَرِ مَا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ.

(۴۹)

بَابُ مَنْ صَامَ فِي السَّفَرِ بِجَهَالَةٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۶- زراره گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عده‌ای را که هنگام افطار و تقصیر روزه داشتند، عصیانکار نامید. حضرتش فرمود: اینان تا روز رستاخیز عصیانکارند و ما، فرزندان و فرزند زادگانشان را (به سبب پیروی از پدرانشان) تا به امروز می‌شناسیم.

۷- حکیم گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

اگر کسی در سفر در حال روزه بمیرد بر او نماز نخواهم خواند.

بخش چهل و نهم

حکم کسی که ندانسته در سفر روزه بگیرد

۱- حلبی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ صَامَ فِي السَّفَرِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ بَلَغَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بَلَغَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ صَامَ فِي السَّفَرِ بِجَهَالَةٍ لَمْ يَقْضِهِ.

۳- صَفْوَانَ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا سَافَرَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْطَرَ، وَإِنْ صَامَهُ بِجَهَالَةٍ لَمْ يَقْضِهِ.

کسی که در سفر روزه گرفته است چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر به او رسیده که رسول خدا ﷺ از آن نهی فرموده، بایستی قضای آن روز را بگیرد و اگر نمی‌دانسته چیزی بر او نیست.

۲- عیص بن قاسم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که ندانسته در سفر روزه بگیرد آن روز را قضا نمی‌کند.

۳- لیث مرادی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه انسان در ماه رمضان مسافرت کند، بایستی افطار نماید و اگر ندانسته روزه گرفت، آن را قضا نمی‌کند.

(۵۰)

بَابُ مَنْ لَا يَجِبُ لَهُ الْإِفْطَارُ وَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَ مَنْ يَجِبُ لَهُ ذَلِكَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْمُكَارِي وَ الْجَمَّالُ الَّذِي يَخْتَلِفُ وَ لَيْسَ لَهُ مَقَامُ يَتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يَصُومُ شَهْرَ
رَمَضَانَ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:
لَا يُفْطِرُ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا فِي سَبِيلِ حَقٍّ.
۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

بخش پنجاهم

کسی که افطار و تقصیر در سفر بر او واجب نیست و کسی که

این حکم بر او واجب است

۱- هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
چهار پادار و شتربانی که در حال رفت و آمد هستند، و در یک جا اقامت ندارند،
بایستی نماز را تمام خوانده و روزه ماه رمضان را بگیرند.
۲- ابن ابی عمیر (که از اصحاب ائمه علیهم السلام است) از یکی از اصحاب خود این گونه نقل
می‌کند:

انسان در ماه رمضان جز به هنگام سفر در راه حق، نباید روزه‌اش را افطار کند.

۳- محمد بن مروان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ سَافَرَ قَصَرَ وَ أَفْطَرَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلًا سَفَرَهُ إِلَى صَيْدٍ أَوْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ أَوْ رَسُولًا لِمَنْ يَعْبُدِي اللَّهَ أَوْ فِي طَلَبِ شَحْنَاءٍ أَوْ سِعَايَةِ ضَرَّرَ عَلَى قَوْمٍ مُسْلِمِينَ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُشَيِّعُ أَخَاهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَبْلُغُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ مَعَ رَجُلٍ مِنْ إِخْوَانِهِ أَوْ يُفْطِرُ أَوْ يَصُومُ؟
قَالَ: يُفْطِرُ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُشَيِّعُ أَخَاهُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ.
قَالَ: إِنْ كَانَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلْيُفْطِرْ.
قُلْتُ: أَيُّمَا أَفْضَلُ يَصُومُ أَوْ يُشَيِّعُهُ؟

کسی که به سفر می رود بایستی افطار کند و نماز را شکسته بخواند مگر کسی که سفرش برای شکار یا در معصیت خدا باشد و یا فرستاده معصیت کاری باشد که معصیت خدا می کند یا در جست و جوی دشمنی یا ضرر رسانیدن بر گروهی از مسلمانان باشد.

۴ - سعید بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در ماه رمضان از برادر دینی خود مشایعت می کند به اندازه یک روز راه می پیماید، یا به همراه مردی از برادران ایمانی می رود، آیا روزه را افطار کند یا روزه بگیرد؟
فرمود: افطار کند.

۵ - محمد بن مسلم گوید: (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) درباره کسی که برای طی مسیر یک یا دو یا سه روز به مشایعت برادر دینی خود راه می پیماید، فرمود:
اگر در ماه رمضان باشد، بایستی افطار کند.

گفتم: کدام یک بهتر است (اقامت کند) روزه بگیرد، یا او را مشایعت نماید؟

قَالَ: يُشَيِّعُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَيَكْفِيكَ قَدْ وَضَعَهُ عَنْهُ.

۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَائِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِي قَدْ جَاءَنِي خَبْرُهُ مِنَ الْأَعْوَصِ وَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَتَلَقَّاهُ وَ أَفْطِرُهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: أَتَلَقَّاهُ وَ أَفْطِرُهُ أَوْ أُقِيمُ وَ أَصُومُ؟

قَالَ: تَلَقَّاهُ وَ أَفْطِرُهُ.

۷ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عِدَّةٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ

أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ: الرَّجُلُ يُشَيِّعُ أَخَاهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ.

فرمود: او را مشایعت کند، زیرا خداوند تبارک و تعالی روزه را از او برداشته است.

۶ - حمّاد بن عثمان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: در ماه رمضان برای من خبری در مورد یکی از اصحابمان از منطقه «اعوص» رسید، آیا به ملاقات او بروم و روزهام را افطار نمایم؟

فرمود: آری.

گفتم: آیا او را ملاقات کنم و روزهام را افطار نمایم و یا در وطن بمانم و روزه بگیرم؟
فرمود: او را ملاقات کن و افطار نما.

۷ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: کسی است که در ماه رمضان به مسافت یک و دو

روز برای مشایعت برادر (دینی) خود می‌رود (چه حکمی دارد؟).

قَالَ: يُفْطِرُ وَ يَفْضِي.
 قِيلَ لَهُ: فَذَلِكَ أَفْضَلُ أَوْ يُقِيمُ وَ لَا يُشَيِّعُهُ؟
 قَالَ: يُشَيِّعُهُ وَ يُفْطِرُ، فَإِنَّ ذَلِكَ حَقٌّ عَلَيْهِ.

(۵۱)

بَابُ صَوْمِ التَّطَوُّعِ فِي السَّفَرِ وَ تَقْدِيمِهِ وَ قَضَائِهِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَاسِعٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلِ بْنِ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ فِي أَيَّامٍ بَقِيْنَ مِنْ شَعْبَانَ فَكَانَ يَصُومُ ثُمَّ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هُوَ فِي السَّفَرِ فَأَفْطَرَ.
 فَقِيلَ لَهُ: تَصُومُ شَعْبَانَ وَ تُفْطِرُ شَهْرَ رَمَضَانَ؟

فرمود: روزه را افطار کند و قضای آن را به جا آورد.

به حضرتش گفته شد: آن بهتر است یا بماند و او را مشایعت نکند؟

فرمود: او را مشایعت کند و روزه را افطار نماید، زیرا این امر شایسته اوست.

بخش پنجاه و یکم

انجام روزه مستحبی در سفر و انجام آن پیش از سفر و قضای آن

۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام چند روز از ماه شعبان مانده بود که از مدینه حرکت کرد، حضرتش روزه می گرفت. وقتی ماه رمضان فرا رسید آن حضرت در سفر بود روزه اش را افطار نمود.

به آن بزرگوار گفته شد: ماه شعبان را روزه می گیری و ماه رمضان را افطار می کنی؟

فَقَالَ: نَعَمْ، شَعْبَانُ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ صُمْتُ، وَإِنْ شِئْتُ لَا وَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَزَمَ مِنْ
 اللَّهُ ﷻ عَلَيَّ الْإِطَارَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ
 عُثْمَانَ عَنْ عُدَايِرٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: أَصُومُ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ فِي الشَّهْرِ فَرُبَّمَا سَافَرْتُ وَ
 رُبَّمَا أَصَابْتَنِي عِلَّةٌ فَيَجِبُ عَلَيَّ قَضَاؤُهَا؟
 قَالَ: فَقَالَ لِي: إِنَّمَا يَجِبُ الْفَرَضُ، فَأَمَّا غَيْرُ الْفَرَضِ فَأَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ.
 قُلْتُ: بِالْخِيَارِ فِي السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ؟
 قَالَ: فَقَالَ: الْمَرَضُ قَدْ وَضَعَهُ اللَّهُ ﷻ عَنْكَ وَ السَّفَرُ إِنْ شِئْتَ فَأَقْضِهِ وَ إِنْ لَمْ
 تَقْضِهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ
 الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ﷺ قَالَ:

فرمود: آری، شعبان در اختیار من است اگر خواستم روزه می‌گیرم و اگر نخواستم روزه
 نمی‌گیرم، ولی افطار کردن در ماه رمضان از جانب خداوند ﷻ بر من حتمی است.

۲ - عذافر گوید: به امام صادق ﷺ گفتم: من سه روز در ماه را روزه می‌گیرم. گاهی
 مسافرت می‌نمایم یا بیمار می‌شوم. آیا قضای آن بر من واجب است؟
 گوید: حضرتش به من فرمود: فقط روزه واجب، واجب است؛ ولی تو در روزه غیر
 واجب اختیار داری.

گفتم: آیا در سفر و بیماری اختیار دارم؟
 فرمود: خداوند ﷻ روزه را در دوران بیماری از تو برداشته است، ولی در سفر اگر
 خواستی آن را قضا کن و اگر قضا ننمودی، گناهی بر تو نیست.

۳ - محمد بن سعد اشعری گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ هَلْ فِيهِ قَضَاءٌ عَلَى الْمُسَافِرِ؟
قَالَ: لَا.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمَرْزُبَانِ بْنِ عِمْرَانَ قَالَ:
قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام: أُرِيدُ السَّفَرَ فَأُصُومُ لِشَهْرِي الَّذِي أُسَافِرُ فِيهِ؟
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَإِذَا قَدِمْتُ أَقْضِيهِ؟

قَالَ: لَا، كَمَا لَا تَصُومُ كَذَلِكَ لَا تَقْضِي.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَسَّامٍ
الْجَمَّالِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:
كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فِي شَعْبَانَ وَهُوَ صَائِمٌ ثُمَّ
رَأَيْنَا هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَفْطَرْنَا.

آیا روزه سه روز در ماه بر مسافر قضا دارد؟

فرمود: نه.

۴- مرزبان بن عمران گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: می‌خواهم سفر کنم آیا روزه ماهی که
در آن سفر می‌کنم، بگیرم؟

فرمود: نه.

گفتم: چون برگشتم آن را قضا نمایم؟

فرمود: نه، چنانچه روزه نمی‌گیری همچنان قضا نمی‌کنی.

۵- راوی گوید: در ماه شعبان بین مکه و مدینه همراه امام صادق عليه السلام بودم و حضرتش
روزه بود آن گاه که هلال ماه رمضان را دیدیم حضرتش افطار نمود.

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمْسِ كَأَنَّ عَنْ شَعْبَانَ وَأَنْتَ صَائِمٌ وَالْيَوْمُ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَأَنْتَ مُفْطِرٌ؟
فَقَالَ: إِنَّ ذَاكَ تَطَوُّعٌ وَ لَنَا أَنْ نَفْعَلَ مَا شِئْنَا، وَ هَذَا فَرَضٌ فَلَيْسَ لَنَا أَنْ نَفْعَلَ إِلَّا مَا
أَمَرْنَا.

(۵۲)

بَابُ الرَّجُلِ يُرِيدُ السَّفَرَ أَوْ يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَدَّادِيِّ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ يُرِيدُ السَّفَرَ وَهُوَ صَائِمٌ.
قَالَ: فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَنْتَصِفَ النَّهَارُ فَلْيُفْطِرْ وَ لِيَقْضِ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنْ
خَرَجَ بَعْدَ الزَّوَالِ فَلْيَتِمَّ يَوْمَهُ.

به او گفتم: فدایت شوم! دیروز از ماه شعبان بود، شما روزه بودید، امروز که از ماه
رمضان است شما افطار نموده‌اید؟
پس فرمود: روزه ماه شعبان مستحبی بود و ما می‌توانستیم در مورد آن هرگونه
خواستیم انجام دهیم، ولی روزه ماه رمضان واجب است، برای ما جایز نیست کاری
بکنیم، مگر آن‌چه مأمور شده‌ایم.

بخش پنجاه و دوم

حکم کسی که در ماه رمضان قصد سفر دارد، یا از سفر برمی‌گردد

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که (در ماه رمضان) از خانه خود به
قصد سفر بیرون می‌رود و روزه است (چه وظیفه‌ای دارد)؟
فرمود: اگر پیش از ظهر خارج شود، بایستی افطار نماید و آن روز را قضا کند و اگر بعد
از ظهر حرکت کند، باید روزه آن روز را به پایان برساند.

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْدَ الزَّوَالِ أَتَمَّ الصِّيَامَ فَإِذَا خَرَجَ قَبْلَ الزَّوَالِ أَفْطَرَ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 فِي الرَّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَصُومُ أَوْ يُفْطِرُ.
 قَالَ: إِنْ خَرَجَ قَبْلَ الزَّوَالِ فَلْيُفْطِرْ، وَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ الزَّوَالِ فَلْيَصُمْ.
 وَ قَالَ: يُعْرَفُ ذَلِكَ بِقَوْلِ عَلِيِّ عليه السلام: أَصُومُ وَأُفْطِرُ حَتَّى إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ عَزِمَ عَلَيَّ يَعْنِي الصِّيَامَ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۲- عبید بن زرارہ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه انسان در ماه رمضان بعد از ظهر از وطنش بیرون رود، بایستی روزه را به پایان برساند، ولی اگر پیش از ظهر از وطنش بیرون رفت، افطار می‌کند.

۳- عبید بن زرارہ گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که در ماه رمضان مسافرت می‌کند، آیا روزه بگیرد و یا افطار کند؟

فرمود: اگر پیش از ظهر حرکت کند باید افطار کند و اگر بعد از ظهر حرکت کند باید روزه بگیرد.

حضرتش فرمود: این حکم از سخن علی عليه السلام دانسته می‌شود که فرمود: «به هنگام سفر می‌توانم روزه بگیرم و افطار کنم تا آن گاه که ظهر فرا رسد روزه بر من حتمی می‌شود».

۴- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا سَافَرَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَخَرَجَ بَعْدَ نِصْفِ النَّهَارِ فَعَلَيْهِ صِيَامُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ يَعْتَدُّ بِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِذَا دَخَلَ أَرْضًا قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ هُوَ يُرِيدُ الْإِقَامَةَ بِهَا فَعَلَيْهِ صَوْمُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَإِنْ دَخَلَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَلَا صِيَامَ عَلَيْهِ وَ إِنْ شَاءَ صَامَ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَفْقَدُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ سَفَرٍ حَتَّى يَرَى أَنَّهُ سَيَدْخُلُ أَهْلَهُ ضَحْوَةً أَوْ ارْتِفَاعَ النَّهَارِ. فَقَالَ: إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ هُوَ خَارِجٌ وَ لَمْ يَدْخُلْ أَهْلَهُ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

هرگاه کسی در ماه رمضان مسافرت نماید و بعد از نیمی از روز از وطنش خارج شود، بایستی روزه آن روز را به پایان برساند و روزه آن روز از ماه رمضان حساب می‌شود. هرگاه پیش از طلوع فجر به سرزمینی وارد شود که می‌خواهد در آنجا قصد اقامت کند، بایستی آن روز را روزه بدارد و اگر بعد از طلوع فجر وارد شود، روزه‌ای بر عهده ندارد و اگر بخواهد، می‌تواند روزه بگیرد.

۵ - رِفَاعَةُ بْنُ مُوسَى گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در ماه رمضان از سفر باز می‌گردد به نظرش می‌رسد که پس از طلوع آفتاب، یا بالا آمدن آن به خانه‌اش می‌رسد (چه وظیفه‌ای دارد؟).

امام عليه السلام فرمود: هرگاه فجر بدمد و او بیرون شهرش باشد و هنوز وارد خانه نشده باشد، اختیار دارد که روزه بگیرد، یا افطار کند.

۶ - نظیر این روایت را محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند.

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَفْتَدِمُ مِنْ سَفَرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَدْخُلُ أَهْلَهُ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ اِرْتِفَاعَ النَّهَارِ.
قَالَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَهُوَ خَارِجٌ وَ لَمْ يَدْخُلْ أَهْلَهُ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَمْ يَطْعَمْ شَيْئًا قَبْلَ الزَّوَالِ.
قَالَ: يَصُومُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ مُسَافِرٍ دَخَلَ أَهْلَهُ قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ قَدْ أَكَلَ.
قَالَ: لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَأْكُلَ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْئًا، وَ لَا يُوَاقِعُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِنْ كَانَ لَهُ أَهْلٌ.

۷- احمد بن محمد گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: کسی که پیش از ظهر از سفر برمی‌گردد و هنوز چیزی نخورده است (چه وظیفه‌ای دارد؟).
فرمود: روزه می‌گیرد.

۸- سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مسافری پیش از ظهر به خانه‌اش وارد می‌شود، در حالی که در راه غذا خورده است (چه وظیفه‌ای دارد؟).
فرمود: شایسته نیست در آن روز چیزی بخورد و اگر همسر دارد با او نزدیکی نکند.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ:
 قَالَ: فِي الْمُسَافِرِ الَّذِي يَدْخُلُ أَهْلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ أَكَلَ قَبْلَ دُخُولِهِ.
 قَالَ: يَكْفُفُ عَنِ الْأَكْلِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ.
 وَقَالَ فِي الْمُسَافِرِ يَدْخُلُ أَهْلَهُ وَهُوَ جُنُبٌ قَبْلَ الزَّوَالِ وَلَمْ يَكُنْ أَكَلَ: فَعَلَيْهِ أَنْ
 يُنِمَّ صَوْمَهُ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ. يَعْنِي إِذَا كَانَتْ جَنَابَتُهُ مِنْ اِحْتِلَامٍ.

(۵۳)

بَابُ مَنْ دَخَلَ بَلَدَهُ فَأَرَادَ الْمَقَامَ بِهَا أَوْ لَمْ يُرِدْ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

۹- یونس بن عبدالرحمان گوید: حضرتش دربارهٔ مسافری که در ماه رمضان به خانه‌اش
 وارد می‌شود و پیش از ورودش غذایی خورده است، فرمود:
 در باقی مانده از روز از خوردن دست بر می‌دارد و بر اوست که آن روز را قضا کند.
 و فرمود: مسافری که پیش از ظهر با حالت جنب وارد خانه‌اش می‌شود و هنوز هم
 چیزی نخورده است بر اوست که روزه‌اش را به پایان برساند و قضایی در ذمه ندارد.
 [یونس گوید: منظور این است که هر گاه جنابت او از احتلام باشد.]

بخش پنجاه و سوم

حکم کسی که وارد شهری شد و تصمیم دارد در آن بماند یا چنین

تصمیمی ندارد

۱ - ابوبصیر (که از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام است) گوید:

إِذَا قَدِمْتَ أَرْضاً وَأَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُقِيمَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ وَأْتِمَّ وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُقِيمَ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَأَفْطِرْ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ شَهْرٍ، فَإِذَا بَلَغَ الشَّهْرَ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَإِنْ قُلْتَ: أَرْتَجُلُ غُدْوَةً.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُدْرِكُهُ شَهْرُ رَمَضَانَ فِي السَّفَرِ فَيُقِيمُ الْأَيَّامَ فِي الْمَكَانِ عَلَيْهِ صَوْمٌ.

قَالَ: لَا حَتَّى يُجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَإِذَا أَجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ صَامَ وَأَتَمَّ الصَّلَاةَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ مُسَافِرٌ يَفْضِي إِذَا أَقَامَ فِي الْمَكَانِ.

قَالَ: لَا، حَتَّى يُجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ.

هرگاه وارد سرزمینی شدی و خواستی ده روز در آن بمانی، روزه بگیر و نماز را تمام بخوان و اگر خواستی کمتر از ده روز اقامت کنی تا یک ماه افطار کن، وقتی اقامت تو یک ماه شد، نماز و روزه را تمام به جا آور، گرچه بگویی: فردا کوچ می‌کنم.

۲ - علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که ماه رمضان را در سفر درک می‌کند و چند روز در مکانی می‌ماند آیا می‌تواند روزه بگیرد؟

فرمود: نه تا در آن مکان ده روز بماند و هرگاه ده روز اقامت کرد، روزه می‌گیرد و نماز را تمام می‌خواند.

گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی چند روز قضای ماه رمضان بر عهده دارد، آیا می‌تواند در مسافرت آن گاه که در یک جا اقامت نمود، قضا نماید؟

فرمود: نه، مگر ده روز در یک جا اقامت کند.

(۵۴)

بَابُ الرَّجُلِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ فِي السَّفَرِ أَوْ يَقْدُمُ مِنْ سَفَرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَلَهُ أَنْ يُصِيبَ مِنَ النِّسَاءِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ مُسَافِرٌ. قَالَ: لَا بَأْسَ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَتَبَةَ الْهَاشِمِيِّ قَالَ:

بخش پنجاه و چهارم

حکم مردی که در سفر با همسر خود نزدیکی کند ، یا در ماه رمضان از سفر برگردد

۱- عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که در ماه رمضان مسافرت

می‌کند آیا می‌تواند با همسرش نزدیکی کند؟

فرمود: آری.

۲- نظیر این روایت را سهل نیز از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند.

۳- عبدالملک بن عتبه هاشمی نیز همین پرسش را از امام کاظم عليه السلام می‌نماید.

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ - يَعْنِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ فِي السَّفَرِ وَهُوَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۴ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي الرَّجُلِ يُسَافِرُ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يَقَعُ عَلَيْهَا؟
قَالَ: نَعَمْ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ فَلَهُ أَنْ يُصِيبَ مِنْهَا بِالنَّهَارِ؟
فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تَعْرِفُ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ؟! إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ سُبْحًا طَوِيلًا.

۴ - ابوالعباس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کسی که در ماه رمضان به همراه کنیزی مسافرت می کند، می تواند با او نزدیکی کند؟
فرمود: آری.

۵ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم: مردی که در ماه رمضان با کنیز خود به مسافرت می رود آیا می تواند در روز با او نزدیکی کند؟

فرمود: سبحان الله! آیا احترام ماه رمضان را نمی دانی؟! به راستی که برای او شب هنگام فرصت بسیاری است.

قُلْتُ: أَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ وَيَشْرَبَ وَيَقْصُرَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ رَخَّصَ لِلْمُسَافِرِ فِي الْإِفْطَارِ وَالتَّقْصِيرِ رَحْمَةً وَ تَخْفِيفاً لِمَوْضِعِ التَّعَبِ وَ النَّصَبِ وَ وَعَثِ السَّفَرِ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي مُجَامَعَةِ النِّسَاءِ فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ أَوْجَبَ عَلَيْهِ قِضَاءَ الصِّيَامِ وَ لَمْ يُوجِبْ عَلَيْهِ قِضَاءَ تَمَامِ الصَّلَاةِ إِذَا أَبَ مِنْ سَفَرِهِ.

ثُمَّ قَالَ: وَ السُّنَّةُ لَا تُقَاسُ، وَ إِنِّي إِذَا سَافَرْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا أَكُلُ إِلَّا الْقَوْتَ وَ مَا أَشْرَبُ كُلَّ الرَّيِّ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي جَارِيَّتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ.

فَقَالَ: مَا عَرَفَ هَذَا حَقَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ سَبْحاً طَوِيلاً.

گفتم: آیا برای او روا نیست که بخورد، بیاشامد و نمازش را شکسته بخواند؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی به آیین رحمت و به منظور فرو کاستن از خستگی و رنج و مشقت سفر، به مسافر رخصت افطار و تقصیر داده است. ولی رخصت مجامعت با زنان را در سفر به هنگام روز در ماه رمضان به او نداده است و قضای روزه را بر او واجب ساخته، ولی قضای اتمام نماز را پس از رخصت از سفر بر او واجب نکرده است. آن‌گاه فرمود: و سنت قیاس نمی‌شود و من هرگاه در ماه رمضان سفر کنم، غذای کامل نمی‌خورم و تا حد سیراب نمی‌آشامم.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: از حضرتش پرسیدم: آیا مرد می‌تواند در ماه رمضان در سفر

به هنگام روز با کنیز خود نزدیکی کند؟

فرمود: چنین فردی حق و حرمت ماه رمضان را نشناخته است، برای او شب هنگام

فرصت بسیاری است.

قَالَ الْكَلْبِيُّ: الْفَضْلُ عِنْدِي أَنْ يُوقَّرَ الرَّجُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ يُمَسِكَ عَنِ النِّسَاءِ فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ تَغْلِبُهُ الشَّهْوَةُ وَ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ فَقَدْ رُخِّصَ لَهُ أَنْ يَأْتِيَ الْحَالَ كَمَا رُخِّصَ لِلْمَسَافِرِ الَّذِي لَا يَجِدُ الْمَاءَ إِذَا غَلَبَهُ الشَّبَقُ أَنْ يَأْتِيَ الْحَالَ.

قَالَ: وَ يُوجَرُ فِي ذَلِكَ كَمَا أَنَّهُ إِذَا أَتَى الْحَرَامَ أَثِمَ.

(۵۵)

بَابُ صَوْمِ الْحَائِضِ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْحَائِضُ تَقْضِي الصَّوْمَ؟
 قَالَ: نَعَمْ.
 قُلْتُ: تَقْضِي الصَّلَاةَ؟

کلینی رحمته الله گوید: به نظر من بهتر است که انسان ماه رمضان را بزرگ شمارد و در سفر در روز از نزدیکی با زنان خودداری نماید، مگر این که شهوت بر او چیره گردد و بر خود بترسد که آن گاه به حلال رخصت داده شده است، همچنانچه برای مسافری که آب نیابد و شهوت زیاد بر او غلبه کند می تواند با همسر خود نزدیکی کند. وی گفت: اگر حرمت آن ماه را نگه دارد، پاداش دارد، آن سان که وقتی مرتکب حرام شود، گناه دارد.

بخش پنجاه و پنجم

روزه حائض و مستحاضه

۱ - حسن بن راشد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: زن حائض روزه را قضا می کند؟
 فرمود: آری.
 گفتم: نماز را قضا می کند؟

قَالَ: لَا.

قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ جَاءَ هَذَا؟

قَالَ: أَوَّلُ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ أَصْبَحَتْ صَائِمَةً فَلَمَّا اِرْتَفَعَ النَّهَارُ أَوْ كَانَ الْعَشِيِّ حَاضَتْ أَتْفَطِرُ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ كَانَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ فَلَتُفَطِرُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ رَأَتْ الطُّهْرَ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَتَغْتَسِلُ وَ لَمْ

تَطْعَمَ فَمَا تَصْنَعُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟

قَالَ: تُفَطِرُ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَإِنَّمَا فِطْرُهَا مِنَ الدَّمِ.

فرمود: نه.

گفتم: این حکم از کجا آمده؟

فرمود: نخستین کسی که قیاس نمود، ابلیس بود.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی روزه بود چون روز بالا آمد، یا نزدیک

غروب شد حائض گشت آیا افطار کند؟

فرمود: آری و اگر (نزدیک) مغرب باشد، باید افطار کند.

راوی گوید: پرسیدم: زنی در ماه رمضان در آغاز روز پاک شد، آن گاه غسل نمود و

چیزی هم نخورد وظیفه او در آن روز چیست؟

فرمود: آن روز را افطار کند، زیرا آن روز با خون حیض شکسته شده است.

- ۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ تَطُمْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ. قَالَ: تُفْطِرُ حِينَ تَطُمْتُ.
- ۴- صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَلِدُ بَعْدَ الْعَصْرِ أَتَيْتُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَمْ تُفْطِرُ؟ قَالَ: تُفْطِرُ وَ تَقْضِي ذَلِكَ الْيَوْمَ.
- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُسْتَحَاضَةِ. قَالَ: فَقَالَ تَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا الْأَيَّامَ الَّتِي كَانَتْ تَحِيضُ فِيهِنَّ ثُمَّ تَقْضِيهَا بَعْدَهُ.

- ۳- عیص بن قیس گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که در ماه رمضان پیش از غروب آفتاب حائض می شود (چه وظیفه ای دارد؟).
- فرمود: آن گاه که حیض شد، افطار می کند.
- ۴- عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام ابوالحسن (امام کاظم عليه السلام) پرسیدم: زنی که بعد از عصر وضع حمل می کند، آیا روزه آن روز را به پایان برساند، یا افطار کند؟
- فرمود: آن روز را افطار نماید و قضای آن را به جا آورد.
- ۵- سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام درباره زن مستحاضه پرسیدم؟
- فرمود: ماه رمضان را - جز روزهایی که در آن حیض می شد - روزه می گیرد، سپس قضای آنها را به جا می آورد.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ عليه السلام: امْرَأَةٌ طَهَّرَتْ مِنْ حَيْضِهَا أَوْ مِنْ دَمٍ نَفَاسِهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ اسْتَحَاضَتْ فَصَلَّتْ وَ صَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْمَلَ مَا تَعْمَلُ الْمُسْتَحَاضَةُ مِنَ الْغُسْلِ لِكُلِّ صَلَاتَيْنِ فَهَلْ يَجُوزُ صَوْمُهَا وَ صَلَاتُهَا أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ عليه السلام: تَقْضِي صَوْمَهَا وَ لَا تَقْضِي صَلَاتَهَا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَأْمُرُ فَاطِمَةَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ نِسَائِهِ بِذَلِكَ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي امْرَأَةٍ أَصْبَحَتْ صَائِمَةً فَلَمَّا ارْتَفَعَ النَّهَارُ أَوْ كَانَ الْعِشِيُّ حَاضَتْ أَتْفَطِرُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ إِنْ كَانَ قَبْلَ الْمَغْرِبِ فَلْتَفْطِرْ.

۶- علی بن مهزیار (که از راویان امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام است) گوید: طی نامه‌ای خدمت امام عليه السلام نوشتم: زنی در اول روزه از ماه رمضان از خون حیض یا از خون نفاس پاک شده سپس مستحاضه شده است و نماز خوانده و تمام ماه رمضان را روزه گرفته است بی آن که به دستورات مستحاضه از غسل در هر نماز عمل کند، آیا روزه و نماز او جایز است یا نه؟

حضرتش در پاسخ نوشت: روزه‌اش را قضا می‌کند، ولی نمازش را قضا نمی‌کند، زیرا رسول خدا صلى الله عليه وآله فاطمه [بنت ابی حبیب] و همسران مؤمن خود را به همین عمل امر می‌نمود.

۷- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی روزه گرفته است، وقتی روز بالا آمده یا آخر روز فرا رسیده، حائض شده است، آیا روزه خود را افطار می‌کند؟ فرمود: آری و اگر پیش از مغرب باشد، باید افطار کند.

وَ عَنِ امْرَأَةٍ تَرَى الطُّهْرَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ تَغْتَسِلْ وَ لَمْ تَطْعَمْ
كَيْفَ تَصْنَعُ بِذَلِكَ الْيَوْمَ؟

قَالَ: إِنَّمَا فَطَرُهَا مِنَ الدَّمِ.

۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
يَحْيَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ مَرَضَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَاتَتْ فِي سُؤَالٍ فَأَوْصَيْتَنِي أَنْ أَقْضِيَ
عَنْهَا.

قَالَ: هَلْ بَرَأَتْ مِنْ مَرَضِهَا؟

قُلْتُ: لَا مَاتَتْ فِيهِ.

فَقَالَ: لَا تَقْضِ عَنْهَا، فَإِنَّ اللَّهَ تعالى لَمْ يَجْعَلْهُ عَلَيْهَا.

قُلْتُ: فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَقْضِيَ عَنْهَا وَ قَدْ أَوْصَيْتَنِي بِذَلِكَ.

و هم چنین پرسیدم: زنی در اول روز در ماه رمضان پاک شد و هنوز غسل نکرده و
چیزی نخورده است در آن روز چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: روزه را افطار می‌کند، چرا که روزه‌اش از خون حیض شکسته شده است.

۸ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی در ماه رمضان بیمار شد و در ماه
سؤال از دنیا رفت. او به من وصیت کرد که از جانب وی قضای (روزه هایش را) به جا
آورم؟

فرمود: آیا از بیماریش بهبودی یافت؟

گفتم: در اثر آن بیماری فوت کرد.

فرمود: از جانب او قضا به جا نیاور، زیرا خداوند تعالی قضا را بر او قرار نداده است.

گفتم: من دوست دارم که از جانب او قضا به جا آورم، چون او بر من وصیت کرده است.

قَالَ: كَيْفَ تَقْضِي عَنْهَا شَيْئاً لَمْ يَجْعَلْهُ اللَّهُ عَلَيْهَا، فَإِنْ اشْتَهَيْتَ أَنْ تَصُومَ لِنَفْسِكَ فَصُمْ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ مَرَضَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ طَمِثَتْ أَوْ سَافَرَتْ فَمَاتَتْ قَبْلَ خُرُوجِ شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يُقْضَى عَنْهَا؟
قَالَ: أَمَّا الطَّمِثُ وَالْمَرَضُ فَلَا، وَأَمَّا السَّفَرُ فَنَعَمْ.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَنِ الْمَرْأَةِ تَنْذِرُ عَلَيْهَا صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ.
قَالَ: تَصُومُ وَتَسْتَأْنِفُ أَيَّامَهَا الَّتِي قَعَدْتَ حَتَّى تُتِمَّ شَهْرَيْنِ.
قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ هِيَ يَبْسُتُ مِنَ الْمَحِيضِ أَتَقْضِيهِ؟
قَالَ: لَا تَقْضِي يُجْزئُهَا الْأَوَّلُ.

فرمود: چگونه از جانب او قضا به جا می‌آوری، در حالی که خدا برای او قضا قرار نداده است. پس اگر خواستی از جانب خودت روزه بگیری، پس روزه بگیر.
۹- ابو حمزه گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی در ماه رمضان بیمار شد، یا حائض گشت یا مسافرت نمود و پیش از پایان ماه رمضان وفات یافت، آیا از جانب او می‌توان قضا به جا آورد؟

فرمود: در مورد حیض و بیماری نه (قضا نیست)، ولی در مورد سفر آری.
۱۰- رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی روزه دو ماه پی در پی را نذر کرده است (چگونه انجام دهد؟).

فرمود: روزه می‌گیرد و در دوران حیض که روزه نگرفته، روزه را از سر می‌گیرد تا آن دو ماه را کامل کند.

گفتم: به نظر شما اگر آن زن یائسه باشد آیا قضای آن را انجام دهد؟
فرمود: قضا نکند، همان روزه اولی از او کفایت می‌کند.

۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ امْرَأَتِي جَعَلَتْ عَلَيَّ نَفْسَهَا صَوْمَ شَهْرَيْنِ فَوَضَعَتْ
 وَلَدَهَا وَأَذْرَكَهَا الْحَبْلُ فَلَمْ تَقْوِ عَلَيَّ الصَّوْمِ.
 قَالَ: فَلْتَتَصَدَّقْ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ عَلَيَّ مِسْكِينٍ.

(۵۶)

**بَابُ مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتْتَابِعَيْنِ فَعَرَضَ لَهُ أَمْرٌ
 يَمْنَعُهُ عَنِ اِتِّمَامِهِ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
 عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ جَمِيلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

۱۱- محمد بن جعفر گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: همسرم دو ماه روزه نذر کرده است، ولی زایمان کرد و بار دیگر باردار شد و توان روزه گرفتن را نداشت؟
 فرمود: در ازای هر روز از آن دو ماه، یک مد طعام به مسکین صدقه دهد.

بخش پنجاه و ششم

**حکم کسی که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب شود، پس کاری
 پیشامد کند که از اتمام آن باز دارد**

۱- جمیل و محمد بن حمران گویند: امام صادق عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ الْاُحْرُ يُلْزَمُهُ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي ظَهَارٍ فَيَصُومُ شَهْرًا ثُمَّ يَمْرُضُ.

قَالَ: يَسْتَقْبَلُ وَإِنْ زَادَ عَلَى الشَّهْرِ الْاُخْرَ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ بَنَى عَلَى مَا بَقِيَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ اِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَدِيثِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

صِيَامُ كَفَّارَةِ الْيَمِينِ فِي الظُّهَارِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَالتَّابِعُ أَنْ يَصُومَ شَهْرًا وَ يَصُومَ مِنَ الشَّهْرِ الْاُخْرَ أَيَّامًا أَوْ شَيْئًا مِنْهُ، فَإِنْ عَرَضَ لَهُ شَيْءٌ يُفْطِرُ فِيهِ أَفْطَرَ ثُمَّ قَضَى مَا بَقِيَ عَلَيْهِ، وَإِنْ صَامَ شَهْرًا ثُمَّ عَرَضَ لَهُ شَيْءٌ فَأَفْطَرَ قَبْلَ أَنْ يَصُومَ مِنَ الْاُخْرَ شَيْئًا فَلَمْ يُتَابِعْ اَعَادَ الصِّيَامَ كُلَّهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَيَّامِ؟

درباره انسان آزادی که روزه دو ماه پیاپی جهت کفاره ظهار بر عهده دارد، پس یک ماه روزه می‌گیرد، آن‌گاه مریض می‌شود. فرمود:

روزه را از سر می‌گیرد و اگر از ماه دوم یک یا دو روز روزه گرفته باشد بنا را بر همان مانده می‌گذارد.

۲ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزه کفاره سوگند در ظهار دو ماه پیاپی است، منظور از پیاپی این است که یک ماه روزه بگیرد و از ماه بعدی هر چند روز یا چیزی از آن روزه بگیرد. پس اگر به آن شخص کاری پیش آمد که باید افطار کند، افطار می‌نماید، سپس قضای مابقی را به جا می‌آورد و اگر یک ماه روزه بگیرد، سپس کاری برای او پیش آمد که پیش از این که چیزی از ماه دیگر روزه بگیرد، افطار نمود. پس روزه را پیاپی انجام نداده است و همه روزه‌ها را بایستی دوباره بگیرد.

۳ - سماعة بن مهران گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی دو ماه پیاپی روزه به عهده دارد، آیا می‌تواند میان آن روزها فاصله دهد؟

فَقَالَ: إِذَا صَامَ أَكْثَرَ مِنْ شَهْرٍ فَوَصَلَهُ ثُمَّ عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ فَأَفْطَرَ فَلَا بَأْسَ، فَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ أَوْ شَهْرًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصِّيَامَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي ظَهَارِ فَصَامَ ذَا الْقَعْدَةِ ثُمَّ دَخَلَ عَلَيْهِ ذُو الْحِجَّةِ.

قَالَ: يَصُومُ ذَا الْحِجَّةِ كُلَّهُ إِلَّا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ يُفْضِيهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَيَكُونُ قَدْ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ.

قَالَ: وَ لَا يُنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْرَبَ أَهْلَهُ حَتَّى يُفْضِيَ ثَلَاثَةَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ الَّتِي لَمْ يَصُمْهَا، وَ لَا بَأْسَ إِنْ صَامَ شَهْرًا ثُمَّ صَامَ مِنَ الشَّهْرِ الْآخِرِ الَّذِي يَلِيهِ أَيَّامًا ثُمَّ عَرَضَ لَهُ عِلَّةٌ أَنْ يَقْطَعَهَا ثُمَّ يُفْضِيَ مِنْ بَعْدِ تَمَامِ الشَّهْرَيْنِ.

فرمود: هر گاه بیش از یک ماه روزه بگیرد و آن را به ماه دیگر وصل نماید، سپس بر او کاری پیش آید که افطار کند، ایرادی ندارد و اگر کمتر از یک ماه یا فقط یک ماه روزه بگیرد براوست که روزه‌ها را از سر گیرد.

۴- ابوایوب گوید: از امام صادق عليه السلام (پرسیدم:) مردی دو ماه روزه پیاپی جهت کفاره ظهار به عهده داشت. او ماه ذی القعدة را روزه گرفت و ماه ذی الحجه فرا رسید (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: همه ماه ذی الحجه - به استثنای ایام تشریق - را روزه می‌گیرد که آن سه روز را از نخستین روز محرم قضا می‌کند تا سه روز پایان می‌پذیرد. در این صورت دو ماه پیاپی روزه گرفته است.

حضرتش فرمود: و بر او شایسته نیست که پیش از قضای ایام تشریق - که روزه نگرفته بود - با همسرش نزدیکی کند، و در صورتی که یک ماه روزه بگیرد و از ماه بعد چند روزی روزه بگیرد آن گاه عارضه‌ای برای او رخ دهد، ایرادی ندارد که آن را قطع نموده و در فرصت دیگر روزه دو ماه را کامل سازد.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ صَامٍ فِي ظَهَارِ شَعْبَانَ ثُمَّ أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ. قَالَ: يَصُومُ رَمَضَانَ وَ يَسْتَأْنِفُ الصَّوْمَ، فَإِنْ هُوَ صَامَ فِي الظُّهَارِ فَزَادَ فِي النُّصْفِ يَوْمًا قَضَى بَقِيَّتَهُ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

قَالَ فِي رَجُلٍ جَعَلَ عَلَيْهِ صَوْمَ شَهْرِ فَصَامَ مِنْهُ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا ثُمَّ عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ فَقَالَ:

إِنْ كَانَ صَامَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَهُ أَنْ يَقْضِيَ مَا بَقِيَ، وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا لَمْ يُجْزِئْهُ حَتَّى يَصُومَ شَهْرًا تَامًا.

۵ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که در کفاره ظهار، ماه شعبان را روزه گرفته آن گاه ماه رمضان بر او فرا رسیده فرمود:

ماه رمضان را روزه می‌گیرد آن گاه روزه را از سر می‌گیرد و اگر در کفاره ظهار روزه گرفت و یک روز بر نصف آن افزود، بقیه آن را انجام می‌دهد.

۶ - فضیل گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که یک ماه روزه بر ذمه داشت، پانزده روز، روزه گرفت و آن گاه عارضه‌ای بر او رخ داد فرمود:

اگر پانزده روز، روزه گرفته باشد می‌تواند که روزه‌های مانده را به جا آورد و اگر کمتر از پانزده روز روزه گرفته باشد برای او کفایت نمی‌کند تا این که یک ماه تمام روزه بگیرد.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَطْعِ صَوْمِ كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَكَفَّارَةِ الظُّهَارِ وَكَفَّارَةِ الْقَتْلِ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ عَلَى رَجُلٍ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فَأَفْطَرَ أَوْ مَرِضَ فِي الشَّهْرِ الْأَوَّلِ، فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصِّيَامَ وَ إِنْ صَامَ الشَّهْرَ الْأَوَّلَ وَ صَامَ مِنَ الشَّهْرِ الثَّانِي شَيْئاً ثُمَّ عَرَضَ لَهُ مَا لَهُ فِيهِ عُدْرٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يُفْضِيَ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ. قَالَ: تُعَلِّطُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ. قُلْتُ: فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ.

۷- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قطع روزه کفاره سوگند،ظهار و قتل پرسیدم.

فرمود: اگر بر ذمه مردی روزه دو ماه پیاپی باشد و افطار کند، یا در ماه اول بیمار گردد بر اوست که روزه را از سر گیرد. و اگر ماه اول را روزه گرفت و از ماه دوم هم چند روزی روزه گرفت آن گاه بر او عارضه ای رخ داد بر اوست که آن روزها را قضا کند.

۸- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی از روی خطا در ماه حرام مردی را کشت (چه حکمی دارد؟)

فرمود: دیه بر او سخت گرفته می شود، او بایستی یک بنده آزاد کند، یا دو ماه پیاپی از ماه های حرام روزه بگیرد.

گفتم: در این دو ماه روزهای ممنوعی وجود دارد.

فَقَالَ: مَا هُوَ؟

قُلْتُ: يَوْمُ الْعِيدِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ.

قَالَ: يَصُومُهُ، فَإِنَّهُ حَقٌّ يَلْزَمُهُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَعْلَبَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحَرَمِ.

قَالَ: عَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثَلَاثٌ وَ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَ يُعْتِقُ رَقَبَةً وَ

يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا.

قَالَ: قُلْتُ: يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ.

قَالَ: وَ مَا يَدْخُلُ؟

قُلْتُ: الْعِيدَانِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ.

قَالَ: يَصُومُهُ، فَإِنَّهُ حَقٌّ لَزِمَهُ.

فرمود: چه روزی است؟

گفتم: روز عید و ایام تشریق.

فرمود: آن روزها را روزه می‌گیرد، زیرا حقی است که انجام آن بر او لازم است.

۹- زراره گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: مردی، در حرم مرتکب قتل شد و مردی را کشت

(چه حکمی دارد؟).

فرمود: بر اوست که دیه و یک سوم آن را بپردازد، دو ماه پیاپی از ماه‌های حرام را روزه

بگیرد، بنده‌ای را آزاد کند و به شصت مسکین اطعام نماید.

گوید: گفتم: در این دو ماه روزهای ممنوعی است.

فرمود: چه روزهایی؟

گفتم: عیدها و ایام تشریق.

فرمود: آن روزها را روزه می‌گیرد، زیرا حقی است که انجام آن بر او لازم است.

(۵۷)

بَابُ صَوْمِ كَفَّارَةِ الْيَمِينِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُلُّ صَوْمٍ يُفَرَّقُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ.

۲ - وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ مُتَتَابِعَاتٍ لَا يُفْصَلُ بَيْنَهُنَّ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

السَّبْعَةُ الْأَيَّامُ وَالثَّلَاثَةُ الْأَيَّامُ فِي الْحَجِّ لَا يُفَرَّقُ، إِنَّمَا هِيَ بِمَنْزِلَةِ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ فِي الْيَمِينِ.

بخش پنجاه و هفتم

روزه كفاره سوگند

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بین هر نوع روزه ای می توان فاصله داد، مگر سه روز در روزه كفاره سوگند.

۲ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزه سه روز در كفاره سوگند پیایی است، میان آنها فاصله داده نمی شود.

۳ - حسین بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در مورد هفت روز و سه روز روزه در حج فاصله داده نمی شود، همانا این روزه ها

همانند سه روز روزه كفاره سوگند است.

(۵۸)

بَابُ مَنْ جَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ صَوْماً مَعْلُوماً وَ مَنْ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ فِي شُكْرِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ كَرَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي جَعَلْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ أَصُومَ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عليه السلام. فَقَالَ: صُمْ وَ لَا تَصُمْ فِي السَّفَرِ وَ لَا الْعِيدَيْنِ وَ لَا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ، وَ لَا الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتِيمَ قَالَ: كَتَبَ الْحُسَيْنُ إِلَى الرَّضَا عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رَجُلٌ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ أَيَّاماً مَعْلُومَةً فَصَامَ بَعْضَهَا ثُمَّ اعْتَلَّ فَأَفْطَرَ أَيَّتَدِي فِي صَوْمِهِ أَمْ يَحْتَسِبُ بِمَا مَضَى؟ فَكَتَبَ إِلَيْهِ: يَحْتَسِبُ مَا مَضَى.

بخش پنجاه و هشتم

حکم کسی که بر خود روزه معینی را واجب نماید و کسی که نذر کرده به هنگام شکر روزه بدارد

- ۱ - کرام گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من بر خود لازم کرده‌ام تا قائم عليه السلام قیام کند، روزه بگیرم؟
فرمود: روزه بگیر، ولی در سفر، عیدها، ایام تشریق و یوم الشک از ماه رمضان روزه بگیر.
- ۲ - احمد بن اشمیم گوید: حسین طی نامه‌ای به امام رضا عليه السلام نوشت: فدایت کردم! مردی نذر کرده که روزهای معینی را روزه بگیرد. پس بخشی از آن را روزه گرفت. آن گاه بیمار شد و افطار نمود، آیا روزه‌اش را از سر گیرد، یا گذشته را به حساب آورد؟
حضرت در پاسخ او نوشت: گذشته را به حساب آورد.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عَلِيُّ صِيَامُ شَهْرٍ إِنْ خَرَجَ عَمِّي مِنَ الْحَبْسِ فَخَرَجَ فَأُصْبِحُ وَأَنَا أُرِيدُ الصِّيَامَ فَيَجِئُنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا فَأَدْعُو بِالْعَدَاءِ وَآتَعُدِّي مَعَهُ. قَالَ: لَا بَأْسَ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ صَوْمَ شَهْرٍ بِالْكُوفَةِ وَ شَهْرٍ بِالْمَدِينَةِ وَ شَهْرٍ بِمَكَّةَ مِنْ بَلَاءٍ ابْتَلَى بِهِ فَقَضَى أَنَّهُ صَامَ بِالْكُوفَةِ شَهْرًا وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ فَصَامَ بِهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَ لَمْ يُقِمِ عَلَيْهِ الْجَمَالَ. قَالَ: يَصُومُ مَا بَقِيَ عَلَيْهِ إِذَا انْتَهَى إِلَى بَلَدِهِ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام: أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ فِي رَجُلٍ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ زَمَانًا.

۳ - صالح بن عبدالله گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: فدایت گردم! بر ذمه من یک ماه روزه بود که اگر عمومی از زندان آزاد شود انجام دهم. عمومی از زندان آزاد شد و با قصد روزه صبح را آغاز نمودم. یکی از یارانمان نزد آمد و مرا به صبحانه دعوت کرد و با آنها غذا خوردم؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۴ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی از گرفتاری که بر او رخ داده است به عهده گرفته که یک ماه در کوفه، یک ماه در مدینه و یک ماه در مکه روزه بگیرد. اینک گرفتاری او برطرف شده است. او یک ماه در کوفه روزه گرفت و وارد مدینه شد و هیچ‌کس روز روزه گرفت ولی شتریان در آنجا نماند (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: باقی مانده روزه را آن گاه که به شهر خود برگشت می‌گیرد.

۵ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می‌کند که علی عليه السلام درباره مردی که نذر نموده مدت زمانی روزه بگیرد، فرمود:

قَالَ: الزَّمَانُ خَمْسَةٌ أَشْهُرٌ وَ الْحَيْنُ سِتَّةُ أَشْهُرٍ، لِأَنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَصُومَ حِينًا وَ ذَلِكَ فِي شُكْرِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَدْ أَتَيْتَنِي عَلِيُّ ﷺ فِي مِثْلِ هَذَا.

فَقَالَ: صُمْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ، فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾ يَعْنِي سِتَّةَ أَشْهُرٍ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ آبَائِهِ ﷺ:

فِي الرَّجُلِ يَجْعَلُ عَلَيَّ نَفْسِهِ أَيَّامًا مَعْدُودَةً مُسَمَّاةً فِي كُلِّ شَهْرٍ ثُمَّ يُسَافِرُ فَتَمُرُّ بِهِ الشُّهُورُ أَنَّهُ لَا يَصُومُ فِي السَّفَرِ وَ لَا يَقْضِيهَا إِذَا شَهِدَ.

زمان، پنج ماه و حین شش ماه است، زیرا خداوند ﷻ می‌فرماید: «هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد».

۶- ابوریع گوید: از امام صادق ﷺ در مورد مردی پرسیدند که گفت: برای انجام شکر از جانب خدا بر ذمه من است که حینی را روزه بگیرم.

امام صادق ﷺ فرمود: همانند این مسأله را از علی ﷺ پرسیدند. فرمود: شش ماه روزه بگیرد، زیرا خداوند ﷻ می‌فرماید: «هر زمان - شش ماه - میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد».

۷- مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق ﷺ از پدران بزرگوارش ﷺ نقل می‌کند که حضرتش درباره مردی که انجام روزه روزهای معین شمارش شده در هر ماه خود قرار می‌دهد، آن گاه چند ماهی به سفر می‌رود (فرمود):

در سفر روزه نمی‌گیرد و هر گاه در وطن حاضر شد، آنها را قضا نمی‌کند.

- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَصُومُ صَوْمًا قَدْ وَقَّتَهُ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ يَصُومُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ فَيَمُرُّ بِهِ الشَّهْرُ وَ الشَّهْرَانِ لَا يَفْضِيهِ.
- فَقَالَ: لَا يَصُومُ فِي السَّفَرِ وَ لَا يَفْضِي شَيْئًا مِنْ صَوْمِ التَّطَوُّعِ إِلَّا الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ الَّتِي كَانَ يَصُومُهَا مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ لَا يَجْعَلُهَا بِمَنْزِلَةِ الْوَاجِبِ إِلَّا أَنِّي أُحِبُّ لَكَ أَنْ تَدُومَ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ.
- قَالَ: وَ صَاحِبِ الْحُرْمِ الَّذِي كَانَ يَصُومُهَا وَ يُجْزئُهُ أَنْ يَصُومَ مَكَانَ كُلِّ شَهْرٍ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجْعَلُ لِلَّهِ تعالى عَلَيْهِ صَوْمَ يَوْمٍ مُسَمًّى.

- ۸- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی انجام روزه‌ای را در وقت معین یا در ماه‌های حرام بر عهده گرفته است. پس یک ماه و دو ماه می‌گذرد که قضای آن را به جا نمی‌آورد (چه وظیفه‌ای دارد؟)
- فرمود: او در سفر روزه نمی‌گیرد و چیزی از روزه‌های مستحبی را قضا نمی‌کند، مگر سه روز را که در هر ماه آنها را روزه می‌گرفته و آن را به منزله واجب قرار نمی‌دهد، مگر از باب آن که دوست دارم تو عمل صالح را ادامه دهی.
- فرمود: و کسی که انجام روزه را در ماه‌های حرام بر عهده گرفته، در آن ماه‌ها روزه می‌گیرد و بر او کفایت می‌کند که به جای هر ماه از ماه‌های حرام، سه روز روزه بگیرد.
- ۹- ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی از جانب خداوند تعالى به عهده گرفته که روز معینی روزه بگیرد.

قَالَ: يَصُومُهُ أَبَدًا فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ

قَالَ:

إِنَّ أُمَّي كَانَتْ جَعَلَتْ عَلَى نَفْسِهَا لِلَّهِ عَلَيْهَا نَذْرًا إِنْ كَانَ اللَّهُ رَدَّ عَلَيْهَا بَعْضَ
وُلْدِهَا مِنْ شَيْءٍ كَانَتْ تَخَافُ عَلَيْهِ أَنْ تَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي يَتَقَدَّمُ فِيهِ مَا بَقِيَتْ
فَخَرَجَتْ مَعَنَا مُسَافِرَةً إِلَى مَكَّةَ فَأَشْكَلَ عَلَيْنَا لَمْ نَذِرْ أَنْ تَصُومَ أَمْ تُفْطِرُ؟
فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ وَ أَخْبَرْتُهُ بِمَا جَعَلَتْ عَلَى نَفْسِهَا.
فَقَالَ: لَا تَصُومُ فِي السَّفَرِ قَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهَا حَقَّهُ وَ تَصُومُ هِيَ مَا جَعَلَتْ عَلَى
نَفْسِهَا.

قَالَ: قُلْتُ: مَا تَرَى إِذَا هِيَ قَدِمَتْ وَ تَرَكَتْ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَرَى فِي الَّذِي نَذَرْتَ مَا تَكْرَهُ.

فرمود: همواره می‌تواند آن روز را - در سفر و حضر - روزه بگیرد.

۱۰- زراره گوید: مادرم برای خدا نذر کرد که خداوند یکی از فرزندان را - که بر او بیم داشت - برگرداند مادامی که زنده است آن روز را روزه بگیرد. او به همراه ما در مراسم حج شرکت کرد، انجام نذر او مشکل شد، نفهمیدیم که آیا روزه بگیرد یا افطار کند؟ این موضوع را از امام صادق عليه السلام پرسیدم.

فرمود: در سفر روزه نگیرد، چرا که خداوند حق خود را برداشته است و طبق آن نذر (در حضر) روزه بگیرد.

گوید: گفتم: به نظر شما هرگاه به وطن بازگردد می‌تواند آن نذر را رها سازد؟

فرمود: من می‌ترسم در مورد کسی که نذر نموده، ناراحتی ببیند.

(۵۹)

بَابُ كَفَّارَةِ الصَّوْمِ وَفِدْيَتِهِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ زَيْدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَا:
- سَأَلْنَا الرَّضَا ع عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ نَذْرًا إِنْ هُوَ تَخَلَّصَ مِنَ الْحَبْسِ أَنْ يَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي تَخَلَّصَ فِيهِ فَيَعْجُزُ عَنِ الصَّوْمِ لِعِلَّةٍ أَصَابَتْهُ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ فَمَدَّ لِلرَّجُلِ فِي عُمُرِهِ وَ قَدِ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَوْمٌ كَثِيرٌ مَا كَفَّارَةُ ذَلِكَ الصَّوْمِ؟
- قَالَ: يُكْفَرُ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدِّ حِنْطَةٍ أَوْ شَعِيرٍ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ:

سَأَلْتُ الرَّضَا ع عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ نَذْرًا فِي صِيَامٍ فَعَجَزَ.

بخش پنجاه و نهم**کفارہ روزہ (واجب) و فدیہ آن**

- ۱ - ادريس بن زيد و علي بن ادريس گویند: از امام رضا ع پرسیدیم: کسی نذر کرده که اگر از زندان آزاد شد، روز آزادی خود را روزه بگیرد پس در آن روز به جهت بیماری یا غیر آن نتوانست روزه بگیرد، از طرفی عمر او هم طولانی شد و روزه‌های بسیار بر ذمه او جمع شد، کفارہ آن روزه چیست؟
- فرمود: در ازای هر روز یک مد گندم، یا جو کفارہ می‌دهد.
- ۲ - محمد بن منصور گوید: از امام رضا ع پرسیدم: مردی نذر کرده که روزه بگیرد، ولی از انجام آن ناتوان شد؟

فَقَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ يَقُولُ: عَلَيْهِ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مُدًّا.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي رَجُلٍ نَذَرَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ هُوَ سَلِمَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ تَخَلَّصَ مِنْ حَبْسٍ أَنْ يَصُومَ كُلَّ يَوْمٍ أَرْبَعَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي تَخَلَّصَ فِيهِ فَعَجَزَ عَنِ الصَّوْمِ لِعَلَّةٍ أَصَابَتْهُ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ فَمَدَّ لِلرَّجُلِ فِي عُمُرِهِ وَ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَوْمٌ كَثِيرٌ مَا كَفَّارَةٌ ذَلِكَ؟

قَالَ: تَصَدَّقَ لِكُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ حِنْطَةٍ أَوْ تَمَنِّ مُدًّا.

۴- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَمَّنْ لَمْ يَصُمْ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ هُوَ يَشُدُّ عَلَيْهِ الصِّيَامَ هَلْ فِيهِ فِدَاءٌ؟

قَالَ: مُدٌّ مِنْ طَعَامٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

فرمود: پدرم علیه السلام می فرمود: او در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

۳- ادریس بن زید و علی بن ادریس گویند: از امام رضا علیه السلام پرسیدیم: مردی نذر کرده که اگر بیماری بهبود یافت یا اگر از زندان آزاد شد، هر روز چهارشنبه را که روز آزادی اوست روزه بگیرد. در آن روز به جهت بیماری یا غیر آن نتوانست روزه بگیرد و عمر او هم طولانی شد و روزه‌های بسیار بر ذمه او جمع شد، کفاره آن روزه چیست؟

فرمود: در ازای هر روز یک مد گندم، یا قیمت آن را می‌پردازد.

۴- عیص بن قاسم گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: کسی که در هر ماه سه روز، روزه نگرفته با

این که روزه گرفتن در این روزها بر او مشکل است آیا باید فدیة بپردازد؟

فرمود: در ازای هر روز یک مد طعام بدهد.

- ۵ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَائِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الصَّوْمَ يَشُدُّ عَلَيَّ.
 فَقَالَ لِي: لَدَرَهُمْ تَصَدَّقْ بِهِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ يَوْمٍ.
 ثُمَّ قَالَ: وَ مَا أَحَبُّ أَنْ تَدَعَهُ.
- ۶ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ:
 شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: إِنِّي أُصَدِّعُ إِذَا صُمْتُ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ وَ يَشُقُّ عَلَيَّ.
 قَالَ: فَاصْنَعْ كَمَا أَصْنَعُ إِذَا سَافَرْتُ، فَإِنِّي إِذَا سَافَرْتُ تَصَدَّقْتُ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ قُوتِ أَهْلِي الَّذِي أَقُوْتُهُمْ بِهِ.

۵ - عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: گرفتن یک روز روزه بر من سخت است.

فرمود: یک درهم صدقه بهتر از یک روز روزه است.

سپس فرمود: و دوست ندارم آن را رها کنی.

۶ - یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق عليه السلام شکوه کردم و گفتم: هر گاه سه روز روزه می گیرم سر درد می شوم و بر من سخت می گذرد.

فرمود: انجام بده آن سان که من در مسافرت انجام می دهم. هر گاه به مسافرت می روم

در ازای هر روز یک مد از آذوقه ای که به خانواده ام می دهم، صدقه می دهم.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ
 صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي قَدْ كَبُرْتُ وَ ضَعُفْتُ عَنِ الصِّيَامِ
 فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟
 فَقَالَ: يَا عُقْبَةُ! تَصَدَّقْ بِدِرْهَمٍ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ.
 قَالَ: قُلْتُ: دِرْهَمٌ وَاحِدٌ.
 قَالَ: لَعَلَّهَا كَبُرَتْ عِنْدَكَ وَأَنْتَ تَسْتَقِيلُ الدَّرْهَمَ؟
 قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ نِعَمَ اللَّهِ عليه السلام عَلَيَّ لَسَابِغَةٌ.
 فَقَالَ: يَا عُقْبَةُ! لِإِطْعَامِ مُسْلِمٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ.

۷- عقبه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: فدایت گردم! من پیر و کهن سال شده‌ام و در
 گرفتن روزه ناتوانم. نسبت به این سه روز روزه هر ماه چه وظیفه‌ای دارم؟
 فرمود: ای عقبه! در ازای هر روز یک درهم صدقه بده.
 گوید: گفتم: فقط یک درهم؟
 فرمود: شاید این حکم نزد تو گران آمد، تو یک درهم را کم می‌شماری؟
 گوید: گفتم: به راستی که نعمت‌های خدا بر من تمام و کامل است.
 فرمود: ای عقبه! اطعام یک مسلمان از روزه یک ماه بهتر است.

(۶۰)

بَابُ تَأْخِيرِ صِيَامِ الثَّلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنَ الشَّهْرِ إِلَى الشِّتَاءِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام -: الرَّجُلُ يَتَعَمَّدُ الشَّهْرَ فِي الْأَيَّامِ
 الْقِصَارِ يَصُومُهُ لِسَنَةِ.
 قَالَ: لَا بَأْسَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
 مِهْزَمٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: صَوْمٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ أَوْ خَرُّهُ إِلَى الشِّتَاءِ ثُمَّ
 أَصُومُهَا؟
 قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

بخش شصتم**حکم تأخیر انداختن روزه سه روز در ماه به فصل زمستان**

- ۱ - حسن بن راشد گوید: به امام صادق عليه السلام - یا امام کاظم عليه السلام - گفتم: کسی که از روی
 عمد روزه‌های مستحبی را در روزهای کوتاه انتخاب می‌کند (چگونه است؟).
 فرمود: ایرادی ندارد.
- ۲ - ابو حمزه گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: روزه سه روز از هر ماه را به فصل زمستان به تأخیر
 می‌اندازم سپس روزه می‌گیرم (چگونه است؟)
 فرمود: ایرادی ندارد.

۳- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ مِنَ الثَّلَاثَةِ أَيَّامِ الشَّهْرِ هَلْ يَصْلِحُ لَهُ أَنْ يُؤَخَّرَهَا أَوْ يَصُومُهَا فِي آخِرِ الشَّهْرِ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: يَصُومُهَا مُتَوَالِيَةً أَوْ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا؟
قَالَ: مَا أَحَبُّ إِنْ شَاءَ مُتَوَالِيَةً، وَإِنْ شَاءَ فَرَّقَ بَيْنَهُمَا.

(۶۱)

بَابُ صَوْمِ عَرَفَةَ وَ عَاشُورَاءَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ.

۳- عَمَّارِ بْنِ مُوسَى گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که بر ذمه او سه روز از روزه ماه است، آیا صلاح است که آنها را به تأخیر اندازد و یا آن را در ماه دیگر انجام دهد؟
فرمود: ایرادی ندارد.

گفتم: پیاپی روزه بگیرد یا جداگانه؟

فرمود: آن چه دوست دارد، اگر خواست پیاپی و اگر خواست پراکنده انجام دهد.

بخش شصت و یکم

روزه عرفه و عاشورا

۱- محمد بن مسلم گوید: از (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) در مورد روزه روز عرفه پرسیدند؟

- فَقَالَ: أَمَا أَصَوْمُهُ الْيَوْمَ؟ وَ هُوَ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
 إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَصُمْ يَوْمَ عَرَفَةَ مُنْذُ نَزَلَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ يَاسِينَ الصَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَا:
 لَا تَصُمْ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ لَا عَرَفَةَ بِمَكَّةَ، وَ لَا فِي الْمَدِينَةِ وَ لَا فِي وَطَنِكَ وَ لَا فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ.
- ۴- الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَاشِمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ:
 حَدَّثَنِي نَجْبَةُ بْنُ الْحَارِثِ الْعَطَّارُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ.

فرمود: هان که آن روز را روزه بگیرم؟! آن روز، روز دعا و مسألت است.

۲- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
 از زمانی که آیه روزه ماه رمضان فرود آمد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روز عرفه را روزه نگرفته است.

۳- زراره گوید: امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرمودند:
 روز عاشورا و روز عرفه را نه در مکه، نه در مدینه، نه در وطن خود و نه در شهری از شهرها روزه بگیر.

۴- حسن بن علی و شاء گوید: نجبة بن حارث عطّار به من گفت: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد روزه عاشورا سؤال کردم.

فَقَالَ: صَوْمٌ مَّتْرُوكٌ بُنْزُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ الْمَّتْرُوكُ بِدَعَاةٍ.
 قَالَ نَجْبَةُ: فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ فَأَجَابَنِي بِمِثْلِ
 جَوَابِ أَبِيهِ.

ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ صَوْمٌ يَوْمٍ مَا نَزَلَ بِهِ كِتَابٌ وَ لَا جَرَتْ بِهِ سُنَّةٌ إِلَّا سُنَّةُ آلِ زِيَادٍ
 بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۵ - عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عِيْسَى أَخُوهُ قَالَ:
 سَأَلْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ.

فَقَالَ: عَنْ صَوْمِ ابْنِ مَرْجَانَةَ تَسْأَلُنِي؟ ذَلِكَ يَوْمٌ صَامَهُ الْأَدْعِيَاءُ مِنْ آلِ زِيَادٍ لِقَتْلِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَوْمٌ يَنْشَأُ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَنْشَأُ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَ الْيَوْمُ
 الَّذِي يَنْشَأُ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ، لَا يُصَامُ وَ لَا يُتَبَرَّكُ بِهِ. وَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمٌ نَحْسٌ
 قَبِضَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيَّهُ وَ مَا أُصِيبَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ.

فرمود: با فرود آمدن روزه ماه رمضان، روزه روز عاشورا متروک است و روزه متروک
 بدعت است.

نجمه گوید: پس از امام باقر علیه السلام از امام صادق علیه السلام در این مورد پرسیدم. آن حضرت نیز
 همین پاسخ را داد. آن گاه فرمود: آن روزه‌ای است که نه در کتاب در مورد آن نازل شده و نه سنت
 بر آن جاری گشته است، مگر سنت آل زیاد که به کشتن حسین بن علی علیه السلام جاری شده است.

۵ - جعفر بن عیسی گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد روزه روز عاشورا و آنچه مردم
 (اهل تسنن) درباره آن می‌گویند، پرسیدم.

فرمود: از روزه فرزند مرجانه می‌پرسی؟ آن روزی است که زنازادگان آل زیاد برای
 کشتن حسین علیه السلام روزه گرفتند و آن روزی است که آل محمد علیه السلام آن را شوم می‌شمارند،
 مسلمانان آن را شوم می‌شمارند و روزی را که مسلمانان شوم بشمارند، نباید روزه گرفت و
 به آن تبرک جست.

و روز دوشنبه، روز نحس است که در آن روز خداوند تبارک و تعالی جان پیامبر خود را قبض کرد،
 مصایبی که بر آل محمد علیه السلام رسید در روز دوشنبه بود.

فَتَشَامُنَا بِهِ وَتَبَرَّكَ بِهِ عَدُونَا.

وَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَبَرَّكَ بِهِ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَ تَشَامُّ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَمْسُوحَ الْقَلْبِ، وَ كَانَ حَشْرُهُ مَعَ الَّذِينَ سُنُّوا صَوْمَهُمَا وَ التَّبَرُّكَ بِهِمَا.

۶- وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدِ النَّزَّسِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ عُيَيْدَ بْنَ زُرَّارَةَ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ. فَقَالَ: مَنْ صَامَهُ كَانَ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِ ذَلِكَ الْيَوْمِ حَظَّ ابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زِيَادٍ. قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا كَانَ حَظُّهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ؟

قَالَ: النَّارُ أَعَادَنَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَ مِنْ عَمَلٍ يُقَرَّبُ مِنَ النَّارِ.

۷- وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ تَاسُوعَاءَ وَ عَاشُورَاءَ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ.

ما آن روز را شوم می دانیم و دشمن ما به آن روز تبرک می جوید. و در روز عاشورا امام حسین صلوات الله علیه کشته شد و فرزند مرجانه آن را متبرک شمرد و آل محمد صلی الله علیهم آن را شوم شمردند.

از این رو کسی که آن دو روز را (دوشنبه و عاشورا) روزه بگیرد، یا آنها را متبرک شمارد، خداوند تبارک و تعالی را با قلب مسخ شده ملاقات خواهد نمود و حشر او با کسانی خواهد بود که روزه آن دو روز را سنت شمرده و به آنها تبرک جسته اند.

۶- زید نرسی گوید: از عبید بن زراره شنیدم که از امام صادق علیه السلام در مورد روزه روز عاشورا پرسید.

فرمود: کسی که آن روز را روزه بگیرد، بهره او از روزه آن، بهره ابن مرجانه و آل زیاد خواهد شد.

گوید: گفتم: بهره آنها از آن روز چیست؟

فرمود: آتش است - به خدا از آتش پناه می بریم - و هر که چنین کند، نزدیک آتش می شود.

۷- عبدالملک گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد روزه تاسوعا و عاشورا ماه محرم پرسیدم.

فَقَالَ: تَأْسُوعَاءُ يَوْمٌ حُوصِرَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابُهُ بِكَرْبَلَاءَ، وَاجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَيْلُ أَهْلِ الشَّامِ وَأَنَاخُوا عَلَيْهِ وَفَرِحَ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَعُمَرُ بْنُ سَعْدٍ بِتَوَافُرِ الْخَيْلِ وَكَثْرَتِهَا، وَاسْتَضَعَفُوا فِيهِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَآيَقُنُوا أَنْ لَا يَأْتِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاصِرٌ وَلَا يَمُدُّهُ أَهْلُ الْعِرَاقِ، بِأَبِي الْمُسْتَضَعَفِ الْغَرِيبِ!

ثُمَّ قَالَ: وَ أَمَّا يَوْمٌ عَاشُورَاءَ فَيَوْمٌ أُصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَرِيحاً بَيْنَ أَصْحَابِهِ وَ أَصْحَابِهِ صَرَخَى حَوْلَهُ عُرَاءَةً، أَفْصَوْمٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟

كَلَّا وَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ مَا هُوَ يَوْمٌ صَوْمٍ وَ مَا هُوَ إِلَّا يَوْمٌ حُزْنٍ وَ مُصِيبَةٍ دَخَلَتْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَوْمٌ فَرِحَ وَ سُرُورٍ لِابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زِيَادٍ وَ أَهْلِ الشَّامِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ بَكَتْ عَلَيْهِ جَمِيعُ بَقَاعِ الْأَرْضِ خَلاً بُقْعَةَ الشَّامِ،

فرمود: تاسوعا روزی است که امام حسین علیه السلام و یارانش - رضی الله عنهم - در کربلا محاصره شدند و آن روز لشکریان شام گرد هم آمدند و عرصه را به آن حضرت سخت گرفتند. ابن مرجانه و عمر بن سعد به انبوه لشکر خود خوشحال شدند. در آن روز امام حسین علیه السلام و یارانش - رضی الله عنهم - را ناتوان نمودند و یقین کردند که هیچ یار و یاورى بر امام علیه السلام نخواهد آمد و مردم عراق آن بزرگوار را یاری نخواهند کرد، پدرم فدای آن ناتوان غریب!

سپس فرمود: روز عاشورا، روزی است که امام حسین علیه السلام کشته شد و در میان یاران خود بر زمین افتاد و یاران حضرتش پیرامون او با تنهای برهنه بر زمین افتاده بودند. آیا می‌توان در چنین روزی روزه گرفت؟

هرگز، به پروردگار بیت الحرام سوگند! عاشورا، روز روزه نیست. آن روز، روز اندوه و مصیبت آسمانیان، زمینیان و همه مؤمنان است و روز خوشحالی و سرور ابن مرجانه و آل زیاد و شامیان است که خداوند بر آنها و فرزندان آنها خشم خواهد نمود. آن روزی است که همه سرزمین‌ها - جز سرزمین شام - گریه کردند.

فَمَنْ صَامَهُ أَوْ تَبَرَكَ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ آلِ زِيَادٍ مَمْسُوحِ الْقَلْبِ مَسْحُوطِ عَلَيْهِ، وَ مَنْ ادَّخَرَ إِلَى مَنْزِلِهِ ذَخِيرَةً أَعَقَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى نِفَاقًا فِي قَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ وَ انْتَزَعَ الْبَرَكَهَ عَنْهُ وَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ وُلْدِهِ وَ شَارَكَهُ الشَّيْطَانُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ.

(۶۲)

بَابُ صَوْمِ الْعِيدَيْنِ وَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ الْفِطْرِ. فَقَالَ: لَا يَنْبَغِي صِيَامُهُ وَ لَا صِيَامُ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمُكَارِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ قَالَ: قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا صِيَامَ بَعْدَ الْأَضْحَى ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لَا بَعْدَ الْفِطْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِنَّهَا أَيَّامُ أَكْلِ وَ شُرْبٍ.

از این رو، کسی که آن روز را مبارک شمارد، خداوند با آل زیاد با قلب مسخ شده و غضب شده محشور خواهد کرد و کسی که در آن روز توشه‌ای به خانواده‌اش ذخیره نماید خداوند تا روز ملاقات خود، قلب او را به نفاق مبتلا خواهد ساخت و برکت را از او و خانواده و فرزندان‌ش بر خواهد داشت و شیطان را در همه آنها شریک خواهد ساخت.

بخش شصت و دوم

روزه عید فطر، قربان و ایام تشریق

- ۱ - سماعه گوید: از امام عليه السلام در مورد روزه روز فطر پرسیدم. فرمود: روزه آن روز و روزه ایام تشریق روا نیست.
- ۲ - زیاد بن ابی الحلال گوید: امام صادق عليه السلام به ما فرمود: روزه سه روز بعد از قربان و سه روز بعد از فطر جایز نیست، زیرا آنها روزهای خوردن و آشامیدن است.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْيَوْمَيْنِ اللَّذَيْنِ بَعْدَ الْفِطْرِ أَيُّصَامَانِ أَمْ لَا؟
فَقَالَ: أَكْرَهُ لَكَ أَنْ تَصُومَهُمَا.

(۶۳)

بَابُ صِيَامِ التَّرْغِيبِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرَ الْعِيدَيْنِ؟
قَالَ: نَعَمْ يَا حَسَنُ! أَكْبَرُهُمَا وَأَشْرَفُهُمَا.
قُلْتُ: وَأَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟

۳ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام درباره روزه دو روز بعد از عید فطر سؤال کردم که آیا می‌توان در آن دو روز، روزه گرفت یا نه؟
فرمود: من دوست ندارم که آن دو روز را روزه بگیری.

بخش شصت و سوم

روزه ترغیب

۱ - حسن بن راشد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت گردم! برای مسلمانان جز دو عید فطر و قربان، عید دیگری است؟
فرمود: آری، ای حسن! بزرگتر و باشرافت‌تر از آن دو عید.
گفتم: کدام روز است؟

قَالَ: هُوَ يَوْمٌ نُصِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ فِيهِ عَلَمًا لِلنَّاسِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيهِ؟

قَالَ: تَصُومُهُ يَا حَسَنُ! وَ تُكثِرُ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ، فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيَّ أَنْ يُتَّخَذَ عِيدًا.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ صَامَهُ؟

قَالَ: صِيَامٌ سِتِّينَ شَهْرًا وَ لَا تَدْعُ صِيَامَ يَوْمِ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ، فَإِنَّهُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ النُّبُوءَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ نَوَابُهُ مِثْلُ سِتِّينَ شَهْرًا لَكُمْ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ

الْأَوَّلِ عَلَيْهِ قَالَ:

فرمود: روزی است که امیرمؤمنان عليه السلام در آن برای مردم به عنوان راهنما تعیین گردید.

گفتم: فدایت شوم! در آن روز سزاوار است چه عملی را انجام دهیم؟

فرمود: ای حسن! در آن روز، روزه می‌گیری و بر محمد و آل او صلوات بسیار می‌فرستی و از کسانی که در حق ایشان ستم کرده‌اند به سوی خداوند بیزاری می‌جویی، زیرا که همه پیامبران صلوات الله عليهم به اوصیای خود دستور دادند که روز نصب وصی را عید بگیرند.

گوید: گفتم: پاداش کسی که آن روز را روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: پاداش شصت ماه روزه. روزه روز بیست و هفتم رجب را رها نکن، زیرا که آن روز، همان روزی است که نبوت بر محمد عليه السلام نازل شد، و پاداش آن برای شما با شصت ماه برابر است.

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

بَعَثَ اللَّهُ ﷺ مُحَمَّدًا ﷺ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فِي سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا وَ فِي خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ وَضِعَ الْبَيْتُ وَهُوَ أَوَّلُ رَحْمَةٍ وَضَعَتْ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ فَجَعَلَهُ اللَّهُ ﷻ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا، فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا. وَ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وُلِدَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَانِ ﷺ، فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا.

۳- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ هَلْ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ الْأَضْحَى وَ الْفِطْرِ؟

قَالَ: نَعَمْ أَعْظَمُهَا حُرْمَةً.

قُلْتُ: وَ أَيُّ عِيدٍ هُوَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟

خداوند ﷻ در روز بیست و هفتم رجب حضرت محمد ﷺ برای جهانیان به عنوان رحمت و مهر برانگیخت. پس هر که آن روز را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه برای او می‌نویسد.

و در روز بیست و پنجم ذی القعدة کعبه بنا نهاده شد و آن نخستین رحمتی است که در روی زمین نهاده شد و خداوند ﷻ آن را جایگاه پاداش و مجتمع و ایمنی برای مردم قرار داد. پس کسی که آن روز را روزه بگیرد خدا برای او پاداش شصت ماه روزه را می‌نویسد. و در نخستین روز از ماه ذی الحجّه ابراهیم خلیل الرحمان ﷺ متولد شد. پس هر که آن روز را روزه بگیرد، خدا برای او پاداش شصت ماه روزه را می‌نویسد.

۳- سالم گوید: از امام صادق ﷺ سؤال کردم: آیا مسلمانان جز روز جمعه، عید قربان و عید فطر، عید دیگری دارند؟

فرمود: آری، عیدی که حرمت آن از آنها بزرگتر است.

گفتم: فدایت گردم! آن کدام عید است؟!

قَالَ: الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ».

قُلْتُ: وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟

قَالَ: وَ مَا تَصْنَعُ بِالْيَوْمِ إِنَّ السَّنَةَ تَدُورُ، وَ لَكِنَّهُ يَوْمٌ ثَمَانِيَّةَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ. فَقُلْتُ: وَ مَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَفْعَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

قَالَ: تَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ فِيهِ بِالصَّيَامِ وَ الْعِبَادَةِ وَ الذُّكْرِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَوْصَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَتَّخِذَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا، وَ كَذَلِكَ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَفْعَلُ كَانُوا يُوصُونَ أَوْ صِبْيَاءَهُمْ بِذَلِكَ فَيَتَّخِذُونَهُ عِيدًا.

٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ السُّحْتِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الصَّبِقَلِيِّ قَالَ:

خَرَجَ عَلَيْنَا أَبُو الْحَسَنِ - يَعْنِي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي يَوْمِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ فَقَالَ:

فرمود: روزی است که رسول خدا ﷺ امیرمؤمنان علی علیه السلام را (به عنوان جانشین) نصب کرد و فرمود: «هر که من مولای او هستم علی مولای اوست».

گفتم: آن کدام روز است؟

فرمود: باروز آن چه کار داری؟ همانا سال در گردش است، ولی آن روز هیچ‌کدام ذی الحجه است.

گفتم: در آن روز شایسته است چه عملی انجام دهیم؟

فرمود: باروزه و عبادت و یاد محمد ﷺ و آل محمد ﷺ باشید. زیرا رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان علی علیه السلام وصیت نمود که آن روز را عید بگیرد، هم چنین همه پیامبران ﷺ به اوصیای خود سفارش نمودند که آن روز عید قرار دهند.

٤ - محمد بن عبدالله صیقل گوید: روز بیست و پنجم ذی القعدة امام رضا علیه السلام نزد ما آمد و فرمود:

صُومُوا، فَإِنِّي أَصْبَحْتُ صَائِمًا.
 قُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ! أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟
 فَقَالَ: يَوْمٌ نُشِرَتْ فِيهِ الرَّحْمَةُ، وَ دُحِيتَ فِيهِ الْأَرْضُ، وَ نُصِبَتْ فِيهِ الْكَعْبَةُ، وَ
 هَبَطَ فِيهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(۶۴)

بَابُ فَضْلِ إِفْطَارِ الرَّجُلِ عِنْدَ أَخِيهِ إِذَا سَأَلَهُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
 عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِفْطَارُكَ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ تَطَوُّعًا.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ
 الْعَيْصِ عَنِ نَجْمِ بْنِ حُطَيْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

در این روز روزه بگیرید که من روزه هستم.

گفتیم: فدایت گردیم! امروز چه روزی است؟

فرمود: روزی است که در آن رحمت الهی پخش گردید، زمین گسترده شد، کعبه نصب

شد و آدم علیه السلام به زمین هبوط نمود.

بخش شصت و چهارم

فضیلت افطار نمودن در نزد برادر دینی به هنگام درخواست او

۱ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

افطار کردن تو در نزد برادر مؤمنت بهتر از گرفتن روزه مستحبی است.

۲ - نجم بن حطیم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

مَنْ نَوَى الصَّوْمَ ثُمَّ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ فَسَأَلَهُ أَنْ يُفْطِرَ عِنْدَهُ فَلْيُفْطِرْ وَ لْيُدْخِلْ عَلَيْهِ السَّرُورَ، فَإِنَّهُ يُحْتَسَبُ لَهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا».

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَنْ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَ هُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُعْلِمْهُ بِصَوْمِهِ فَيَمُنَّ عَلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنَةٍ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الدِّينَوْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ خِوَانٌ عَلَيْهِ عَسَانِيَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا، فَقَالَ: ادْنُ فَكُلْ.

کسی که قصد روزه نمود، آن گاه نزد برادر (دینی) خود رسید، وقتی برادر دینی از او درخواست نمود که در نزدش افطار نماید، باید افطار کند و او را خوشحال سازد که به جای آن، ده روز روزه به حساب او نوشته می شود و معنای گفتار خداوند ﷻ همین است که می فرماید: «هر که حسنه ای را به جا آورد ده برابر آن پاداش دارد».

۳- جمیل بن درّاج گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

روزه داری که نزد برادر دینی خود برود و کنار سفره او روزه اش را افطار کند و او را از روزه خود آگاه نسازد که ممتی بر او نهد، خداوند برای او روزه یک سال را می نویسد.

۴- صالح بن عقبه گوید: خدمت جمیل بن درّاج رفتم، پیش رویش سفره غذایی گسترده بود که از آن میل می کرد. به من گفت: نزدیک بیا و غذا بخور.

فَقُلْتُ: إِنِّي صَائِمٌ، فَتَرَكَنِي حَتَّى إِذَا أَكَلَهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا الْيَسِيرُ عَزَمَ عَلَيَّ أَلَّا أَفْطِرَ؟

فَقُلْتُ لَهُ: أَلَا كَانَ هَذَا قَبْلَ السَّاعَةِ؟
فَقَالَ: أَرَدْتُ بِذَلِكَ أَدَبَكَ.

ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَيُّمَا رَجُلٍ مُؤْمِنٍ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ فَسَأَلَهُ الْأَكْلَ فَلَمْ يُخْبِرْهُ بِصِيَامِهِ لِيَمُنَّ عَلَيْهِ بِإِفْطَارِهِ كَتَبَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ صِيَامَ سَنَةٍ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمَهُورٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَدْخُلْ عَلَيَّ الْقَوْمَ وَهُمْ يَأْكُلُونَ وَ قَدْ صَلَّيْتُ الْعَصْرَ وَ أَنَا صَائِمٌ فَيَقُولُونَ: أَفْطِرُ.
فَقَالَ: أَفْطِرُ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ.

گفتم: من روزه گرفته‌ام. او کاری به من نداشت و مشغول خوردن غذا شد، وقتی غذايش را خورد و اندکی از آن ماند رو به من نمود و گفتم: آیا افطار نکردی؟

گفتم: چرا پیش از این نگفتی؟

گفت: تا تو را ادب نمایم.

آن‌گاه گفتم: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر مرد مؤمن روزه داری که نزد برادر دینی خود رود، برادر دینی از او درخواست افطار کند و او روزه خود معلوم نسازد که با افطار خود بر او منت بگذارد، خداوند جلّ ثناؤه درازای آن روز برای او یک سال روزه بنویسد.

۵ - علی بن حدید گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: گاهی پس از نماز عصر با تیت روزه مستحبی نزد گروهی می‌روم که آنها مشغول خوردن غذا هستند، به من می‌گویند: (بیا و) افطار کن؟

فرمود: افطار کن که همان بهتر است.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سُفْيَانَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا فِطْرَكَ فِي مَنْزِلِ أَخِيكَ الْمُسْلِمِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا، أَوْ تِسْعِينَ ضِعْفًا.

(۶۵)

بَابُ مَنْ لَا يَجُوزُ لَهُ صِيَامُ التَّطَوُّعِ إِلَّا بِإِذْنِ غَيْرِهِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ نَشِيطِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

۶- داوود رقی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود: افطار نمودن تو در خانه برادر مسلمان هفتاد- یا نود- برابر بهتر از روزه گرفتن توست.

بخش شصت و پنجم

جواز روزه مستحبی فقط به اذن دیگری

- ۱- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: جایز نیست که زن بدون اجازه همسرش روزه مستحبی بگیرد.
- ۲- هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مِنْ فِقْهِ الضَّيْفِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ لِرَوْجِهَا أَنْ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ، وَ مِنْ صِلَاحِ الْعَبْدِ وَ طَاعَتِهِ وَ نُصْحِهِ لِمَوْلَاهُ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ وَ أَمْرِهِ، وَ مِنْ بِرِّ الْوَالِدِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهِ وَ أَمْرِهِمَا، وَ إِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا، وَ كَانَتِ الْمَرْأَةُ عَاصِيَةً، وَ كَانَ الْعَبْدُ فَاسِقًا عَاصِيًا، وَ كَانَ الْوَالِدُ عَاقًا.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ بِإِسْنَادٍ ذَكَرَهُ عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بَلَدَةً فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ بِهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ وَ لَا يَنْبَغِي لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ لِئَلَّا يَعْمَلُوا الشَّيْءَ فَيَفْسُدَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَصُومُوا إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ لِئَلَّا يَحْتَشِمَهُمْ فَيَشْتَهِيَ الطَّعَامَ فَيَتْرُكَهُ لَهُمْ.

از فهم و دانش میهمان این است که جز با اجازه میزبانش روزه مستحبی نگیرد و از اطاعت زن از همسرش این است که جز با اجازه و دستور او روزه مستحبی نگیرد و از شایستگی بنده و فرمانبرداری او و خیرخواهی او بر مولایش این است که جز با اجازه مولایش روزه مستحبی نگیرد و از نیکی فرزند این است که جز با اجازه پدر و مادر و دستور آنها روزه مستحبی نگیرد، وگرنه میهمان نادان خواهد بود، زن نافرمان به شمار خواهد آمد، بنده فاسق و عاصی و فرزند عاق قلمداد خواهند شد.

۳ - فضیل بن یسار گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هنگامی که شخصی وارد شهری شود تا آن گاه که از آن شهر خارج گردد، میهمان دینداران آن شهر خواهد بود و سزاوار نیست که میهمان جز با اجازه آنها روزه بگیرد تا غذایی که پخته‌اند فاسد شود. هم چنین سزاوار نیست که آنها جز با اجازه میهمان روزه بگیرند تا میهمان از آنان خجالت نکشد و دلش غذا بخواد و به خاطر آنها نتواند اظهار کند.

- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُبَيْرٍ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: هُوَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.
- فَقَالَتْ: أَخْبِرْنِي بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ.
- فَقَالَ: لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

۴ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

جایز نیست که زن بدون اجازه همسرش روزه مستحبی بگیرد.

۵ - عمرو بن جبیر عزمی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زنی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و گفت: ای رسول خدا! حق شوهر نسبت به

همسرش چیست؟

فرمود: بیش از آن است که بیان گردد.

گفت: چیزی از آن را به من بازگو.

فرمود: این که فقط با اجازه شوهرش روزه بگیرد.

(۶۶)

بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ أَنْ يُفْطَرَ عَلَيْهِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَامَ فَلَمْ يَجِدِ الْحُلُوءَ أَفْطَرَ عَلَى الْمَاءِ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَفْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْمَاءِ الْفَاتِرِ نَقَى كَبِدَهُ وَغَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ وَ قَوَّى الْبَصَرَ وَ الْحَدَقَ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سِنْدِيٍّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْأَفْطَارُ عَلَى الْمَاءِ يَغْسِلُ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

بخش شصت و ششم

با آن چه افطار نمودن مستحب است

- ۱- سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که حضرتش فرمود: هرگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزه می‌گرفت و به هنگام افطاری حلوا نمی‌یافت، با آب افطار می‌نمود.
- ۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه انسان با آب ولرم افطار نماید، کبدش را پاک می‌کند، گناه را از دلش می‌زداید و چشم و حدقه او را نیرومند می‌سازد.
- ۳- روای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: افطاری با آب، گناهان را از دل می‌شوید.
- ۴- عبدالله بن مسکان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحَلْوَاءٍ يُفْطِرُ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلُّهُ فَمَاءٍ فَاتِرٍ، وَكَانَ يَقُولُ:

يُنْقِي الْمَعِدَةَ وَالْكَبِدَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَالْفَمَ، وَيُقَوِّي الْأَضْرَاسَ وَيُقَوِّي الْحَدَقَ، وَيَجْلُو النَّاطِرَ، وَيَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا، وَيُسَكِّنُ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَالْمِرَّةَ الْعَالِبَةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ، وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُفْطِرُ عَلَى التَّمْرِ فِي زَمَنِ التَّمْرِ وَعَلَى الرُّطْبِ فِي زَمَنِ الرُّطْبِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوَّلَ مَا يُفْطِرُ عَلَيْهِ فِي زَمَنِ الرُّطْبِ الرُّطْبُ وَفِي زَمَنِ التَّمْرِ التَّمْرُ.

رسول خدا ﷺ همواره به هنگام افطار با حلوا آغاز می نمود و اگر حلوا نمی یافت با شکر یا خرما. پس هر گاه هیچ کدام از آنها را نمی یافت با آب ولرم افطار می نمود و می فرمود: آب ولرم معده و کبد را پاکیزه، بوی دهان را خوشبو، دندانها را محکم، حدقه چشم را نیرومند می نماید به دیده جلوه می بخشد، گناهان را به طور کامل می شوید، به رگ های هیجانی صفرا و یا سودا آرامی بخشد، بلغم را قطع می کند، حرارت معده را فرو می نشاند و سردرد را از بین می برد.

۵- طلحة بن زید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ در فصل خرما با خرما و در فصل رطب با رطب افطار می نمود.

۶- ابن قداح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ با نخستین غذایی که افطار می نمود، در فصل رطب، رطب و در فصل خرما، خرما بود.

(۶۷)

بَابُ الْغُسْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَفُضَيْلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- الْغُسْلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ وُجُوبِ الشَّمْسِ قُبَيْلَهُ ثُمَّ يُصَلِّي ثُمَّ يُفْطِرُ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ أَعْتَسَلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةً؟
- قَالَ: لَيْلَةَ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثِ وَ عِشْرِينَ.
- قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ شَقَّ عَلَيَّ؟
- قَالَ: فِي إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثِ وَ عِشْرِينَ.

بخش شصت و هفتم**انجام غسل در ماه رمضان**

- ۱ - زراره و فضیل گویند: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- انجام غسل در ماه رمضان اندکی پیش از فرو رفتن آفتاب است، سپس روزه‌دار نماز خوانده آن گاه افطار می‌نماید.
- ۲ - سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: در شب‌های ماه رمضان کدام شب‌ها غسل انجام دهم؟
- فرمود: شب نوزدهم، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم.
- گوید: گفتم: اگر انجام آن برای من مشکل شد چه کنم؟
- فرمود: شب بیست و یکم و بیست و سوم انجام بده.

قُلْتُ: فَإِنْ شَقَّ عَلَيَّ؟

قَالَ: حَسْبُكَ الْآنَ.

۳ - صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ اللَّيْلَةِ الَّتِي يُطَلَّبُ فِيهَا مَا يُطَلَّبُ مَتَى الْعُسْلُ.

فَقَالَ: مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَإِنْ شِئْتَ حَيْثُ تَقُومُ مِنْ آخِرِهِ.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِيَامِ.

فَقَالَ: تَقُومُ فِي أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيِّ بْنِ

الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

الْعُسْلُ فِي لَيْالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي تِسْعِ عَشْرَةٍ وَإِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ

عَشْرِينَ، وَ أُصِيبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةٍ، وَ قُبِضَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى

وَ عَشْرِينَ عليهما السلام.

گفتم: باز اگر مشکل شد؟

فرمود: اکنون برای تو کافی است.

۳ - عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شبی که حاجت درخواست

می شود، کی غسل انجام می شود؟

فرمود: در آغاز شب و اگر خواستی در پایان هر شب آن گاه که (از خواب) برخوایستی،

انجام ده.

و از حضرتش در مورد قیام به عبادت در آن شبها پرسیدم.

فرمود: در آغاز و پایان شب به عبادت بر می خیزی.

۴ - محمد بن مسلم گوید: (امام باقر یا امام صادق عليهما السلام) فرمود:

غسل در شبهای ماه رمضان؛ در شب نوزدهم، بیست و یکم و سوم است.

امیرمؤمنان صلوات الله علیه در شب نوزدهم ضربت خورد و در شب بیست و یکم به

شهادت رسید صلوات خدا بر او باد.

قَالَ: وَ الْغُسْلُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ وَ هُوَ يُجْزَى إِلَى آخِرِهِ.

(۶۸)

بَابُ مَا يُزَادُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟

فَقَالَ: لِشَهْرِ رَمَضَانَ حُرْمَةٌ، وَ حَقٌّ لَا يَشْبَهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ صَلَّى مَا اسْتَطَعْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ فَافْعَلْ، إِنْ عَلَيْنَا عليه السلام فِي آخِرِ عُمُرِهِ كَانَ يُصَلِّيَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ. فَصَلِّ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! زِيَادَةٌ فِي رَمَضَانَ.
فَقُلْتُ: كَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟

حضرتش فرمود: غسل در آغاز شب است و تا پایان شب نیز همان کفایت می‌کند.

بخش شصت و هشتم

انجام نمازهایی افزون بر ماه‌های دیگر در ماه رمضان

۱ - علی بن حمزه گوید: با ابوبصیر حضور امام جعفر صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم ابوبصیر به آن حضرت گفت: در مورد نماز در ماه رمضان چه می‌فرمایید؟
فرمود: برای ماه رمضان حرمت و حقی است که به ماه‌های دیگر شبیه نیست، هر چه توانستی در شب و روز ماه رمضان نمازهای مستحبی بخوان. پس اگر توانستی که در هر روز و شب هزار رکعت نماز بخوانی، بخوان؛ زیرا علی عليه السلام در پایان عمرش در هر روز و شب هزار رکعت نماز به جا می‌آورد.
ای ابا محمد! در ماه رمضان نماز بسیار بخوان.
گفتم: چقدر قربانت کردم؟

فَقَالَ: فِي عِشْرِينَ لَيْلَةً تُصَلِّي فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً تَمَانِي رَكْعَاتٍ قَبْلَ الْعَتَمَةِ وَ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَكْعَةً بَعْدَهَا سِوَى مَا كُنْتَ تُصَلِّي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ فَصَلِّ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً فِي كُلِّ لَيْلَةٍ تَمَانِي رَكْعَاتٍ قَبْلَ الْعَتَمَةِ وَ اثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ رَكْعَةً بَعْدَهَا سِوَى مَا كُنْتَ تَفْعَلُ قَبْلَ ذَلِكَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْبُقْبَاقِ وَ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي صَلَاتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ صَلَّى بَعْدَهَا فَيَقُومُ النَّاسُ خَلْفَهُ، فَيَدْخُلُ وَ يَدْعُهُمْ، ثُمَّ يَخْرُجُ أَيْضًا فَيَجِئُونَ وَ يَقُومُونَ خَلْفَهُ فَيَدْعُهُمْ وَ يَدْخُلُ مَرَارًا.

قَالَ: وَ قَالَ: لَا تُصَلِّ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ.

فرمود: در بیست شب در هر شب بیست رکعت نماز بخوان: هشت رکعت پیش از نماز شب و دوازده رکعت پس از آن، به استثنای نمازهایی که پیش از آن می خواندی. پس آن گاه که دهه پایانی ماه فرا رسید در هر شب، سی رکعت نماز بگزار. هشت رکعت پیش از نماز عشا و بیست و دو رکعت پس از آن، به استثنای نمازهایی که پیش از آن می خواندی.

۲ - ابوعباس بقباک و عبید بن زرارہ گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره به نمازش در ماه رمضان می افزود. حضرتش آن گاه که نماز عشا را می خواند به نماز می ایستاد مردم هم پشت سر آن حضرت می ایستادند. سپس حضرتش وارد خانه می شد، و آنها را به حال خود می گذاشت، سپس دوباره به مسجد می آمد، مردم هم می آمدند و پشت سر آن حضرت می ایستادند، باز آنها را به حال خود وامی گذاشت و بارها وارد خانه می شد.

راوی گوید: حضرتش فرمود: در غیر ماه رمضان بعد از نماز عشا نماز نگزار.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ شَدَّ الْمِئْزَرَ، وَاجْتَنَبَ النِّسَاءَ وَ أَحْيَا اللَّيْلَ وَ تَفَرَّغَ لِلْعِبَادَةِ.
- ۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: صَلِّ لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مِائَةَ رَكْعَةٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَزُولَ اللَّيْلُ، فَإِذَا زَالَ اللَّيْلُ صَلَّى.

۳- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن‌گاه که دهه پایانی ماه رمضان فرا می‌رسد، رسول خدا صلى الله عليه وآله کمر خود را برای عبادت سخت می‌بست، از زنها دوری می‌کرد، شب را احیا می‌داشت و به عبادت می‌پرداخت.

۴- سلیمان جعفری گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

در شب بیست و یکم و شب بیست و سوم صد رکعت نماز بگزار که در هر رکعت ده مرتبه سوره توحید را بخوان.

۵- فضیل بن یسار گوید: امام باقر عليه السلام همواره در شب بیست و یکم و شب بیست و

سوم ماه رمضان تا نیمی از شب به دعا مشغول می‌گشت و پس از آن، نماز می‌خواند.

۶ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُطَهَّرٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُخْبِرُهُ بِمَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ:

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ مِنَ اللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الْوُتْرُ وَرَكْعَتَا الْفَجْرِ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَضَّ اللَّهُ فَاهُ! صَلَّى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي عِشْرِينَ لَيْلَةً كُلَّ لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً ثَمَانِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَ اغْتَسَلَ لَيْلَةَ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ لَيْلَةَ ثَلَاثِ وَ عِشْرِينَ وَ صَلَّى فِيهِمَا ثَلَاثِينَ رَكْعَةً اثْنَتَيْ عَشْرَةَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ ثَمَانِي عَشْرَةَ بَعْدَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ صَلَّى فِيهِمَا مِائَةَ رَكْعَةٍ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ صَلَّى إِلَى آخِرِ الشَّهْرِ كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً كَمَا فَسَّرْتُ لَكَ.

۶ - علی بن محمد گوید: محمد بن احمد بن مطهر طی نامه‌ای به امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت: روایتی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که حضرتش در ماه رمضان و ماه‌های دیگر شب هنگام، سیزده رکعت نماز می‌گزارد: یک رکعت نماز وتر و دو رکعت نافله نماز شب.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ نوشت: خدا دهانش را بشکند! آن حضرت در بیست شب ماه رمضان بیست رکعت نماز می‌خواند: هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا و در شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم غسل می‌نمود و در آن دو شب سی رکعت نماز می‌گزارد؛ دوازده رکعت بعد از نماز مغرب و هیجده رکعت بعد از نماز عشا و صد رکعت دیگر در آن دو شب نماز می‌خواند، در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه توحید را می‌خواند و تا پایان ماه هر شب، سی رکعت - آن سان که به تو توضیح دادم - نماز می‌گزارد.

(۶۹)

بَابُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ. فَقَالَ: التَّمَسُّهَا فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى؟ فَقَالَ: فِي إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.

بخش شصت و نهم

شب قدر

- ۱ - حَسَّانُ بْنُ مَهْرَانَ گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد شب قدر پرسيدم. فرمود: شب قدر را در شب بيست و يكم يا شب بيست و سوم بجوى.
- ۲ - ابو حمزه ثمالی گويد: خدمت امام صادق عليه السلام بودم كه ابو بصير به حضرتش گفت: فدايت كردم! شب قدری كه در آن، اميد رحمت الهی می‌رود، کدام شب است؟ فرمود: شب بيست و يكم يا شب بيست و سوم.

قَالَ: فَإِنْ لَمْ أَفَوْ عَلَيَّ كَلْتَيْهِمَا.
فَقَالَ: مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ.
قُلْتُ: فَرَبِّمَا رَأَيْنَا الْهَلَالَ عِنْدَنَا وَ جَاءَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِخِلَافِ ذَلِكَ مِنْ أَرْضِ
الْأُخْرَى.

فَقَالَ: مَا أَيْسَرَ أَرْبَعَ لَيَالٍ تَطْلُبُهَا فِيهَا.
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَيْلَةٌ ثَلَاثٌ وَ عِشْرِينَ لَيْلَةٌ الْجَهَنِّي؟
فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَيُقَالُ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ رَوَى فِي تِسْعِ عَشْرَةَ يُكْتَبُ وَفِدَا الْحَاجِّ.
فَقَالَ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! وَفِدَا الْحَاجِّ يُكْتَبُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ الْمَنِيَا وَ الْبَلَايَا وَ
الْأَرْزَاقِ وَ مَا يَكُونُ إِلَى مِثْلِهَا فِي قَابِلٍ، فَاطْلُبْهَا فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثِ
وَ عِشْرِينَ، وَ صَلِّ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةَ رَكْعَةٍ وَ أَحْيِيهِمَا إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَى
النُّورِ وَ اغْتَسِلْ فِيهِمَا.

گفت: اگر توان عبادت در آن دو شب را نداشته باشم چه کنم؟
فرمود: چه آسان است دو شب در آن چه تو می طلبی!
گفتم: گاهی هلال ماه در نزد ما ثابت می شود، ولی کسی را می یابیم که بر خلاف آن از
سرزمین دیگر خبر می دهد.

فرمود: چه آسان است آن چهار شب در آن چه تو می طلبی!
گفتم: قربانت گردم! شب بیست و سوم شب جهنی است؟
فرمود: چنین گفته می شود.

گفتم: سلیمان بن خالد روایت کرده است که در شب نوزدهم نام کسانی که حج خواهند
رفت، نوشته می شود.

حضرتش به من فرمود: ای ابا محمد! در شب قدر نام واردین حج، بلاها، مرگها،
روزیها و همه حوادثی که تا شب قدر سال آینده اتفاق می افتد، نوشته می شود. پس آنها
را در شب بیست و یکم و بیست و سوم طلب کن و در هر یک از آن دو شب، صد رکعت نماز
بگزار و اگر بتوانی آن دو شب را تا روشن شدن هوا احیا بدار و در آن دو شب غسل انجام بده.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ وَ أَنَا قَائِمٌ.

قَالَ: فَصَلِّ وَ أَنْتَ جَالِسٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَسْتَطِعْ.

قَالَ: فَعَلَى فِرَانِكَ، لَا عَلَيْكَ أَنْ تَكْتَجِلَ أَوَّلَ اللَّيْلِ بِشَيْءٍ مِنَ النَّوْمِ، إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي رَمَضَانَ وَ تُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ وَ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ، نِعْمَ الشَّهْرُ رَمَضَانُ كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْمَرْزُوقَ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ

رَزِينِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

فَقَالَ: عَلَامَتُهَا أَنْ تَطِيبَ رِيحُهَا، وَ إِنَّ كَانَتْ فِي بَرْدٍ دَفِئَتْ وَ إِنَّ كَانَتْ فِي حَرٍّ

بَرَدَتْ فَطَابَتْ.

قَالَ: وَ سُئِلَ عَنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

گوید: گفتیم: اگر به حال ایستاده نتوانم بخوانم چه؟

فرمود: در حال نشسته به جا آور.

گفتم: اگر توان آن را نیز نداشته باشم.

فرمود: در بسترت بخوان، ایرادی ندارد که در آغاز شب اندکی خواب را سرمه چشم خود کنی، زیرا در ماه رمضان درهای آسمان گشوده شود، شیاطین به بند کشیده شده و اعمال مؤمنان پذیرفته می‌شود. ماه رمضان، چه ماه خوبی است! این ماه در زمان رسول خدا ﷺ مرزوق نامیده می‌شد.

۳- محمد بن مسلم گوید: از یکی از دو امام (باقر و امام صادق علیه السلام) علامت شب قدر

سؤال کردم.

فرمود: با این علامت که نسیم آن خوشبو است و اگر آن شب در فصل سرما باشد، از

سرمایش کاسته می‌شود و اگر در فصل گرما باشد، از گرمایش کاسته می‌شود و خنک می‌گردد.

راوی گوید: از امام علیه السلام درباره شب قدر سؤال شد.

فَقَالَ: تَنْزِلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ وَأَمْرُهُ عِنْدَهُ مَوْقُوفٌ لَهُ وَفِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيَقْدِمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيَمْحُو وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا: قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا - قَالَ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا سَعِيداً السَّمَانِ - كَيْفَ يَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟

قَالَ: الْعَمَلُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَتِ التَّوْرَةُ فِي سِتِّ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الزَّبُورُ فِي لَيْلَةِ ثَمَانِي عَشْرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَنَزَلَ الْقُرْآنُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

فرمود: در آن شب فرشتگان و نویسندگان اعمال به آسمان فرود می آیند و همه وقایعی را که در آن سال واقع خواهد شد و هر رویدادی را که به بندگان خواهد رسید و هر امری را که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است، می نویسند. پس خدای متعال هر چه را بخواهد مقدم می دارد و هر چه را بخواهد به تأخیر می اندازد، محو می کند و ثابت می دارد و اُم کتاب در پیشگاه اوست.

۴- ابن ابی عمیر از چند نفر از او بیان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که گویند: یکی از اصحابمان - به نظر سعید سمان - به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: چگونه شب قدر بهتر از هزار ماه است؟ فرمود: عمل در آن شب، بهتر از عمل در هزار ماه است که در آن ها شب قدر نباشد.

۵- ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کتاب آسمانی تورات در ششم ماه رمضان فرود آمد، کتاب آسمانی انجیل در شب دوازدهم ماه رمضان فرود آمد، کتاب آسمانی زبور در شب هیجدهم ماه رمضان فرود آمد و قرآن (این کتاب آسمانی) در شب قدر فرود آمد.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنِ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾.

قَالَ: نَعَمْ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ هِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ، فَلَمْ يُنَزَلِ الْقُرْآنُ إِلَّا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ اللَّهُ تعالى: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾. قَالَ: يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ خَيْرٍ وَ شَرٍّ وَ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ وَ مَوْلُودٍ وَ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قُدِّرَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ وَ قُضِيَ فَهُوَ الْمَحْتُومُ وَ لِلَّهِ تعالى فِيهِ الْمَشِيئَةُ.

قَالَ: قُلْتُ: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ أَيُّ شَيْءٍ عُنِيَ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ: الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. وَ لَوْ لَا مَا يُضَاعَفُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَّغُوا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ بِحُبِّنَا.

۶ - فضیل، زرارہ و محمد بن مسلم گویند: حمران از امام باقر عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالى که می‌فرماید: «ما آن (قرآن) را در شب مبارک فرو فرستادیم» پرسید. حضرتش فرمود: آری، آن شب قدر است. آن شب در هر سال در دهه پایانی ماه رمضان است و قرآن جز در شب قدر نازل نشده است. خداوند تعالى می‌فرماید: «در آن شب هر امر حکیمانه‌ای تدبیر و جدا می‌شود».

فرمود: در شب قدر همه امور خیر، شر، طاعت، معصیت، مولود، اجل، رزق در آن سال تا سال آینده تدبیر می‌گردد. آن چه در آن سال مقدر و حکم می‌شود، همان حتمی است و مشیت خداوند تعالى در آن تعلق گرفته است.

راوی گوید: گفتم: «شب قدر از هزار شب بهتر است» منظور خداوند چیست؟ فرمود: انجام اعمال شایسته در شب قدر، خواندن نماز، پرداخت زکات و انواع کارهای خیر، بهتر از انجام عمل در هزار ماه است که در آن‌ها شب قدر نباشد و اگر جز این بود که خدای تبارک و تعالی حسنات را برای مؤمنان دو چندان می‌نماید، آنان به کمال فضیلت و ثواب نمی‌رسیدند، ولی خداوند حسنات را برای آنان به جهت محبت ما دو چندان می‌سازد.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ قَالَ:

سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ. فَقَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَأَنْتَ أَوْ تَكُونُ فِي كُلِّ عَامٍ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَوْ رُفِعَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَرُفِعَ الْقُرْآنُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَنَاسٌ يَسْأَلُونَهُ يَقُولُونَ: الْأَرْزَاقُ تُقَسَّمُ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، مَا ذَلِكَ إِلَّا فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فَإِنَّ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ وَفِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ، يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَفِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ يُمَضَى مَا أَرَادَ اللَّهُ تعالى مِنْ ذَلِكَ، وَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تعالى: ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾.

۷- داوود بن فرقد گوید: یعقوب به من گفت: از مردی شنیدم که از امام صادق عليه السلام درباره شب قدر سؤال کرد و گفت: در مورد شب قدر به من بگوئید. آیا شبی بوده که (در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) گذشته یا در هر سال می باشد؟

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر شب قدر برداشته می شد، البته قرآن نیز برداشته می شد. ۸- اسحاق بن عمار گوید: از امام عليه السلام شنیدم که به مردم پاسخ می فرمود، آنان از حضرتش سؤال کرده و می گفتند: آیا روزی ها در شب نیمه شعبان تقسیم می شود؟ گوید: حضرتش فرمود: نه، به خدا سوگند! تقسیم روزی ها فقط در شب نوزدهم ماه رمضان، بیست و یکم و بیست و سوم است، زیرا در شب نوزدهم گروه (نویسندگان نامه اعمال) ملاقات می کنند، شب بیست و یکم هر کار محکم مشخص می گردد و در شب بیست و سوم آنچه خداوند تعالی بخواهد، امضا می شود و آن شب قدر است که خداوند تعالی فرمود: «بهتر از هزار ماه است».

قَالَ: قُلْتُ: مَا مَعْنَى قَوْلِهِ: «يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ»؟
 قَالَ: يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا مَا أَرَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ وَتَأْخِيرِهِ وَإِرَادَتِهِ وَقَضَائِهِ.
 قَالَ: قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى يُمْضِيهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ؟
 قَالَ: إِنَّهُ يَفْرُقُهُ فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ
 ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ أَمْضَاهُ فَيَكُونُ مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.
 ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ
 زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةٍ تِسْعَ عَشْرَةَ، وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ، وَ الْإِمْضَاءُ فِي
 لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.
 ۱۰- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ
 أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى الْقَمَّاطِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

راوی گوید: گفتم: معنای گفتار حضرتش که «گروه نویسندگان نامه اعمال ملاقات می‌کنند» چیست؟

فرمود: خداوند هرچه بخواهد که تقدیم بدارد، تأخیر بیندازد، اراده کند و حکم نماید، در آن شب گردهم می‌آورد.

راوی گوید: گفتم: پس معنای امضا در شب بیست و سوم چیست؟
 فرمود: در شب بیست و یکم امضای آن را جدا می‌کند و در آن بداء (خواست) حاصل می‌شود. پس چون شب بیست و سوم شد، آن را امضاء می‌کند و حکم حتمی می‌شود که دیگر بدایی در آن برای خدای تبارک و تعالی نمی‌شود.

۹- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تقدیر در شب نوزدهم، ابرام (محکم و استوار نمودن) در شب بیست و یکم و امضا در شب بیست و سوم صورت می‌گیرد.

۱۰- عموی علی بن عیسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمِّيَّةَ يَصْعَدُونَ عَلَى مَنبَرِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرَى، فَأَصْبَحَ كَثِيْبًا حَزِيْنًا.
 قَالَ: فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لِي أَرَاكَ كَثِيْبًا حَزِيْنًا؟
 قَالَ: يَا جَبْرِيْلُ! إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمِّيَّةَ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَصْعَدُونَ مَنبَرِي مِنْ بَعْدِي وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرَى.
 فَقَالَ: وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا! إِنَّ هَذَا شَيْءٌ مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ.
 فَعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ نَزَلَ عَلَيْهِ بِأَيِّ مِنَ الْقُرْآنِ يُؤَنِّسُهُ بِهَا قَالَ:
 ﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ﴾ وَ
 أَنْزَلَ عَلَيْهِ: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾
 جَعَلَ اللَّهُ ﷻ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّهِ ﷺ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مُلْكِ بَنِي أُمِّيَّةَ.

رسول خدا ﷺ در عالم خواب دید که بنی اُمیّه بعد از او بر فراز منبرش بالا می‌روند و مردم را از راه راست به گمراهی عقب می‌رانند. حضرتش اندوهگین و محزون صبح را آغاز کرد.

حضرتش می‌فرماید: جبرئیل علیه السلام بر آن بزرگوار فرود آمد و گفت: ای رسول خدا! چرا اندوهگین و محزون هستی؟

فرمود: ای جبرئیل! من دیشب بنی اُمیّه را در عالم خواب دیدم که پس از من بر فراز منبرم بالا می‌روند و مردم را از راه راست به گمراهی عقب می‌رانند.

جبرئیل گفت: به خدایی که تو را به حق به پیامبری مبعوث کرده است! این چیزی است که من از آن آگاهی نداشتم.

سپس به آسمان عروج کرد و دیری نگذشت که با آیه‌هایی از قرآن که پیامبر ﷺ را با آنها انس می‌گرفت، فرود آمد و گفت: «آیا در این باره اندیشیده‌ای که اگر ما سالیانی آنها را از لذات زندگی بهره‌مند سازیم. سپس از آن عذاب موعود بر آنان فرود آید، آن بهره‌گیری از لذت دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت» و جبرئیل این سوره را برای پیامبر فرود آورد که: «ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم. و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است». خداوند ﷻ شب قدر را برای پیامبرش ﷺ بهتر از هزار ماه سلطنت بنی اُمیّه قرار داد.

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ وَ هِيَ آخِرُهَا.
- ۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ الْمُسَلَّبِيِّ وَ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ ذَكَرَاهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ، وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ الْقَضَاءُ، وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ إِبْرَامُ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا، لِلَّهِ جَلَّ تَنَاوُهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ.

(۷۰)

بَابُ الدُّعَاءِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ:

۱۱ - رفاعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شب قدر آغاز و پایان سال است (که امور در آن تدبیر و مقدر می‌گردد).

۱۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در شب نوزدهم ماه رمضان تقدیر، در شب بیست و یکم قضا و در شب بیست و سوم ابرام و حتمی بودن حوادث و وقایعی است که تا چنین شبی از سال آینده رخ خواهد داد. و خدای بزرگوار هر چه بخواهد درباره آفریدگانش انجام دهد.

بخش هفتم

دعاهای وارده در دهه پایانی ماه رمضان

۱ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در دهه پایانی ماه رمضان هر شب این دعا را بخوان:

«أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِي عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ».

٢- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَظِينَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ دُعَاءُ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الْأُولَى:

«يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَ مُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَ مُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً».

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ أَنْتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ.

«أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِي عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ».

٢- أَيُّوبُ بْنُ يَظِينَ يَا فَرْدَ دِيكَرِي كَوَيْدٍ: اَيْنَ دَعَاهَايَ دَهْءُ يَا بَانِي اَزِ ائِمَّةِ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَقَلَ شَدَّةَ اسْتِ كِهْ دَرِ شَبِّ اَوَّلِ مِي كَوِيي:

«يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَ مُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَ مُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً».

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ أَنْتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ.

وَ ارزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

وَ تَعُولُ فِي اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ:

«يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَ مُجْرِي الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ، يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَ مُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ مُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَ وِلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا».

ثُمَّ تَعُودُ إِلَى الدُّعَاءِ الْأَوَّلِ إِلَى قَوْلِهِ: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» ... إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ.

وَ تَعُولُ فِي اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ:

وَ ارزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

و در شب دوم می‌گوی:

«يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَ مُجْرِي الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ، يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَ مُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ مُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَ وِلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا».

سپس دعای نخست را تا این فراز می‌خوانی که: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» تا

پایان دعا.

و در شب سوم می‌گوی:

«يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ جَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ رَبَّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْجِبَالِ وَ الْبِحَارِ وَ الظُّلَمِ وَ الْأَنْوَارِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام».

۳- ابن أبي عمير عن محمد بن عطية عن أبي عبد الله عليه السلام في الدعاء في شهر رمضان في كل ليلة تقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجَّهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ الْمَغْفُورِ دُنُوبُهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ».

«يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ جَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ رَبَّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْجِبَالِ وَ الْبِحَارِ وَ الظُّلَمِ وَ الْأَنْوَارِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام».

۳- محمد بن عطية گوید: از امام صادق عليه السلام نقل شده که حضرتش فرمود: در دعاهاى هر شب ماه رمضان مى گویى:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجَّهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ الْمَغْفُورِ دُنُوبُهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ».

وَأَنْ تَجْعَلَ فِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوِّمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِي غَيْرِي».

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عليهم السلام قَالَ: تَكَرَّرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَاعِدًا وَعَوْنًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

وَتَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الرَّابِعَةِ:

«يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْمُلْكِ وَالْإِحْرَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

وَأَنْ تَجْعَلَ فِي مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوِّمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِي غَيْرِي».

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ مِنْ خُودِ أَثَمَةَ عليها السلام أَيْنَ كَوْنَهُ رَوَيْتَ مِى كُنْدَ: حَضَرْتَشْ فَرَمُودَ: دَرِ شَبِّ بِيَسْتِ وَ سَوْمِ مَاهِ رَمَضَانَ أَيْنَ دَعَارًا دَرِ حَالِ سَجْدِهِ، اِيسْتَادِهِ، نَشِسْتَهُ وَ دَرِ هَرِ حَالِ وَ دَرِ هَمَّةِ اَوْقَاتِ مَاهِ، هَرِ كَوْنَهُ كِهْ اِمَكَانَتِ شُودِ وَ هَرِ زَمَانِ كِهْ اَزِ دُورَانِ زَنْدَكِيَتِ بَاشَدِ، بَعْدَ اَزِ حَمْدِ خُدَايِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ دَرُودِ بَرِ پِيَامْبَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيْنَ كَوْنَهُ تَكَرَّرَ مِى كَنِى:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَاعِدًا وَعَوْنًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

و در شب چهارم می‌گویی:

«يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْمُلْكِ وَالْإِحْرَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَثْرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ.
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ
 رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.
 وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشُّكِّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ
 إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
 وَتَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الْخَامِسَةِ:
 «يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أُوتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا
 جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ
 الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ.»

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَثْرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ.
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي
 مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.
 وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشُّكِّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا
 حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَ
 التَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
 وَتَقُولُ فِي اللَّيْلِ الْخَامِسَةِ:
 «يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أُوتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا
 اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ
 الْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ.»

و در شب پنجم می گویی:

«يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أُوتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا
 اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ
 الْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ.»

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَعْفُورَةً.
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
وَ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ السَّادِسَةِ:

«يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبَعُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا يَا مُفْضِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ.»

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَعْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَعْفُورَةً.

وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
و در شب ششم می‌گوی:

«يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبَعُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا يَا مُفْضِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ.»

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَعْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِيرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ
لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام».

وَ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ السَّابِعَةِ:

«يَا مَادَّ الظِّلِّ وَ لَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا
يَسِيرًا يَا ذَا الْجُودِ وَ الطَّوْلِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْإِلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسَ يَا سَلَامَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا
خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ
الْإِلَاءُ».

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ
رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَعْفُورَةً.

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ
آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ
الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام».

وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا
وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام».

وَ در شب هفتم می گویی:

«يَا مَادَّ الظِّلِّ وَ لَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا يَا ذَا
الْجُودِ وَ الطَّوْلِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْإِلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا
قُدُّوسَ يَا سَلَامَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْإِلَاءُ».

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي
مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَعْفُورَةً.

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ
الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام».

وَ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ:

«يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَ خَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ وَ مَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ حَاسِبَهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا عَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْإِلَاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً. وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ».

وَ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ التَّاسِعَةِ:

و در شب هشتم می‌گوی:

«يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَ خَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ وَ مَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ حَاسِبَهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا عَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْإِلَاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً. وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ».

و در شب نهم می‌گوی:

«يَا مُكَوَّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَ مُكَوَّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ سَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

وَ تَقُولُ فِي اللَّيْلَةِ الْعَاشِرَةِ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا قُدُّوسَ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحَ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمَانَ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اللَّهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ.

«يَا مُكَوَّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَ مُكَوَّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ سَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.

وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عليه السلام.

و در شب دهم می گویی:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا قُدُّوسَ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحَ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمَانَ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اللَّهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ
 رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.
 وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُدْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَتُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ
 آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَ
 الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
 ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ
 سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَاقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَتْ
 آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ:
 «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبَّ أَنْ
 يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَتَصَرَّمْ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ لَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي
 مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً.
 وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُدْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنَا فِي
 الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ
 الإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.
 ۵ - عَمَّارِ بْنِ مُوسَى كَوَيْد: امام صادق عليه السلام فرمود: در شب پایانی ماه رمضان بگو:
 «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبَّ أَنْ يَطْلُعَ
 الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَتَصَرَّمْ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ لَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٦- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ:
«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ
وَ قَدْ تَصَرَّمْتَ فَاسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدُ
أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُقَاسِمَنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَتَصَرَّمَ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَ قَدْ غَفَرْتَهُ
لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوْلَهَا وَ آخِرُهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَ مَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ
الْمُجْتَهِدُونَ الْمَعْدُودُونَ الْمُوقَّرُونَ ذِكْرَكَ وَ الشُّكْرَ لَكَ الَّذِينَ أَعْنَتُهُمْ عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ
خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ
جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ عَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ وَ عِنْدَنَا مِنْ قَسْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ
تَظَاهِرِ امْتِنَانِكَ فَبِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّائِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طَوْلُ
الْأَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعْنَتْنَا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْنَا صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ مِنْ صَلَاةٍ وَ مَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ
شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ.

٦- ابوبصير گوید: امام صادق عليه السلام برای وداع ماه رمضان این دعا را فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَدْ
تَصَرَّمْتَ فَاسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي
عَلَيْهِ أَوْ تُقَاسِمَنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَتَصَرَّمَ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَ قَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوْلَهَا وَ آخِرُهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَ مَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ
الْمُجْتَهِدُونَ الْمَعْدُودُونَ الْمُوقَّرُونَ ذِكْرَكَ وَ الشُّكْرَ لَكَ الَّذِينَ أَعْنَتُهُمْ عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنْ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى
أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ عَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ وَ عِنْدَنَا مِنْ قَسْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ تَظَاهِرِ امْتِنَانِكَ فَبِذَلِكَ لَكَ
مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّائِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طَوْلُ الْأَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعْنَتْنَا عَلَيْهِ حَتَّى
قَضَيْنَا صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ مِنْ صَلَاةٍ وَ مَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ.

اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ تَجَاوُزِكَ وَ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ حَقِيقَةَ رِضْوَانِكَ حَتَّى تَنْظُرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَ جَزِيلٍ عَطَاءٍ مُؤَهَّبٍ وَ تَوْقِينًا فِيهِ مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَ جَمِيلِ ثَنَائِكَ وَ خَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَكْبَرُ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَتَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي وَ خَلَاصِ نَفْسِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ تَشْفَعْتَنِي فِي مَسَائِلِي وَ تَمَامِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ وَ صَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَ لِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي فِيهِ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خَرَّتْ لَهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ جَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَكْبَرِ الْأَجْرِ وَ كَرَامِ الدُّخْرِ وَ حُسْنِ الشُّكْرِ وَ طَوْلِ الْعُمْرِ وَ دَوَامِ الْيُسْرِ.

اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ طَوْلِكَ وَ عَفْوِكَ وَ نِعْمَانِكَ وَ جَلَالِكَ وَ قَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَيَّ أَحْسَنِ حَالٍ وَ تُعَرِّفَنِي هَيْلَالَهُ مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ وَ الْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَ أَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَ أَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَ أَجْزَلِ قِسْمِكَ يَا

اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ تَجَاوُزِكَ وَ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ حَقِيقَةَ رِضْوَانِكَ حَتَّى تَنْظُرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَ جَزِيلٍ عَطَاءٍ مُؤَهَّبٍ وَ تَوْقِينًا فِيهِ مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَ جَمِيلِ ثَنَائِكَ وَ خَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَكْبَرُ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَتَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي وَ خَلَاصِ نَفْسِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ تَشْفَعْتَنِي فِي مَسَائِلِي وَ تَمَامِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ وَ صَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَ لِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي فِيهِ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خَرَّتْ لَهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ جَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَكْبَرِ الْأَجْرِ وَ كَرَامِ الدُّخْرِ وَ حُسْنِ الشُّكْرِ وَ طَوْلِ الْعُمْرِ وَ دَوَامِ الْيُسْرِ.

اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ طَوْلِكَ وَ عَفْوِكَ وَ نِعْمَانِكَ وَ جَلَالِكَ وَ قَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَيَّ أَحْسَنِ حَالٍ وَ تُعَرِّفَنِي هَيْلَالَهُ مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ وَ الْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَ أَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَ أَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَ أَجْزَلِ قِسْمِكَ يَا

رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي رَبُّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ وَدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِلِقَاءِ حَتَّى تَرِينِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النُّعْمِ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.
اللَّهُمَّ اسْمِعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ
لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيْفًا وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَ مِنْكَ فَاْمُنُّنْ عَلَيَّ جَلَّ تَنَاوُكٌ وَتَقَدَّسَتْ
أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافَى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى بَلَغَنِي آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ».

(٧١)

بَابُ التَّكْبِيرِ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ يَوْمَهُ

١ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ
سَعِيدِ النَّعَّاشِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِي:

رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي رَبُّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ وَدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِلِقَاءِ حَتَّى تَرِينِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النُّعْمِ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.
اللَّهُمَّ اسْمِعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا أَرْجُو
نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيْفًا وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَ مِنْكَ فَاْمُنُّنْ عَلَيَّ جَلَّ تَنَاوُكٌ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي
شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافَى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ
هَذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى بَلَغَنِي آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ».

بخش هفتاد ویکم

تکبیر شب فطر و روز آن

١ - سعید نقاش گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

أَمَّا إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا وَ لَكِنَّهُ مَسْتَوْرٌ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيْنَ هُوَ؟

قَالَ: فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْأَخْرَةَ وَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ فِي صَلَاةِ الْعِيدِ ثُمَّ يُقَطَّعُ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟

قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا». وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: «وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» يَعْنِي الصِّيَامَ «وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَذَاكُمْ».

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ مِثْلَهُ.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 تُكَبِّرُ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ صَبِيحَةَ الْفِطْرِ كَمَا تُكَبِّرُ فِي الْعَشْرِ.

آگاه باش! که (عید) فطر تکبیری دارد، ولی آن پنهان است.

گوید: گفتیم: آن در کدام وقت است؟

فرمود: در شب فطر در نماز مغرب و عشاء و در نماز صبح و در نماز عید است و آن گاه قطع می‌شود.

گفتیم: چگونه آن را بگوییم؟

فرمود: بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا» و این قول خداوند ﷻ است که می‌فرماید: «این روزه‌ها» یعنی روزه «را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت نمود بزرگ شمارید و تکبیر گوید».

۲ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شب فطر و صبح آن تکبیر بگو، آن سان که در روز دهم (ذی الحججه) می‌گویی.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الْمَغْفِرَةَ تَنْزِلُ عَلَيَّ مِنْ صَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ.
 فَقَالَ: يَا حَسَنُ! إِنَّ الْقَارِيَجَارَ إِنَّمَا يُعْطَى أُجْرَتَهُ عِنْدَ فَرَاغِهِ ذَلِكَ لَيْلَةَ الْعِيدِ.
 قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِيهَا.
 فَقَالَ: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَاعْتَسِلْ وَإِذَا صَلَّيْتَ الثَّلَاثَ الْمَغْرِبِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ
 قُلْ: «يَا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيًّا مُحَمَّدًا وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ
 لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ أَخْصِيئْتُهُ عَلَيَّ وَ نَسِيئْتُهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِكَ» .
 وَ تَخَرَّ سَاجِدًا وَ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» وَ أَنْتَ سَاجِدٌ وَ تَسْأَلُ حَوَائِجَكَ.
 وَ رُوِيَ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ يُصَلِّي فِيهَا رَكَعَتَيْنِ يَفْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ مَرَّةً وَاحِدَةً.

۳- حسن بن راشد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردم (اهل تسنن) می گویند: کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد در شب قدر مغفرت بر او نازل می شود.
 فرمود: ای حسن! مزدکارگر را پس از پایان کار می پردازند و آن در شب عید می باشد.
 گفتم: فدایت شوم! پس برای ما انجام چه عملی در آن شب شایسته است؟
 فرمود: آن گاه که خورشید غروب کند، سه رکعت نماز مغرب را به جا آور و دست های را بلند کن و بگو: «يَا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِيًّا مُحَمَّدًا وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ أَخْصِيئْتُهُ عَلَيَّ وَ نَسِيئْتُهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِكَ» .
 سپس سر به سجده می گذاری و صد بار می گویی: «أتوب إلى الله» و در حال سجده حوائج را درخواست می نمایی.
 در روایتی آمده است: امیرمؤمنان علی عليه السلام همواره در شب فطر دو رکعت نماز می خواند؛ در رکعت اول سوره حمد و هزار مرتبه سوره توحید را می خواند و در رکعت دوم سوره حمد و یک مرتبه سوره توحید را می خواند.

(۷۲)

بَابُ يَوْمِ الْفِطْرِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- اطْعَمَ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْمَصَلَّى.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- لِيَطْعَمَ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ وَ لَا يَطْعَمَ يَوْمَ أَضْحَى حَتَّى يَنْصَرِفَ الْإِمَامُ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
- إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ سُؤَالِ نَادَى مُنَادٍ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! اْعُدُّوا إِلَيَّ جَوَائِزِكُمْ.

بخش هفتاد و دوم

روز فطر

- ۱ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- روز فطر پیش از رفتن به مصلاً طعام بخور.
- ۲ - جرّاح مدائنی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- روز فطر پیش از نماز طعام بخور و در روز قربان بعد از آن که امام نماز عید را به پایان رساند، غذا می‌خوری.
- ۳ - جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
- هر گاه نخستین روز شوال فرا رسید منادی ندا کند: ای مؤمنان! بامدادان برای دریافت جایزه‌هایتان بشتابید.

ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ! جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ بِجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ.

ثُمَّ قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْفِطْرِ نَادَى مُنَادٍ: اْعُدُّوا إِلَيَّ جَوَائِزِكُمْ.

(۷۳)

بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى النَّاسِ إِذَا صَحَّ عِنْدَهُمُ الرُّؤْيَا يَوْمَ الْفِطْرِ بَعْدَ

مَا أَصْبَحُوا صَائِمِينَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُوسُفَ بْنِ

عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

آن گاه فرمود: ای جابر! جایزه‌های خدا، (مانند) جایزه‌های این پادشاهان نیست.

سپس فرمود: آن، روز جایزه‌هاست.

۴- جمیل بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه صبح روز فطر فرا رسد منادی ندا کند: بامدادان برای دریافت جایزه‌هایتان

بشتابید.

بخش هفتاد و سوم

اموری که پس از صحت رؤیت هلال و ثبوت عید فطر برای کسانی که

روزه‌اند، واجب می‌شود

۱- محمد بن قیس گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِذَا شَهِدَ عِنْدَ الْإِمَامِ شَاهِدَانِ أَنَّهُمَا رَأَيَا الْهَيْلَالَ مُنْذُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَمَرَ الْإِمَامُ بِالْإِفْطَارِ، وَ صَلَّى فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا كَانَا شَهِدَا قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِنْ شَهِدَا بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، أَمَرَ الْإِمَامُ بِإِفْطَارِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ أَخَّرَ الصَّلَاةَ إِلَى الْعَدِ فَصَلَّى بِهِمْ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ قَالَ:

إِذَا أَصْبَحَ النَّاسُ صِيَامًا وَ لَمْ يَرَوْا الْهَيْلَالَ وَ جَاءَ قَوْمٌ عُدُولٌ يَشْهَدُونَ عَلَى الرُّؤْيَا فَلْيَفْطِرُوا وَ لِيَخْرُجُوا مِنَ الْعَدِ أَوَّلَ النَّهَارِ إِلَى عِيدِهِمْ.

(۷۴)

بَابُ النَّوَائِرِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السِّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي الصَّوْمِ فَإِنَّهُ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُمْ لَا يُؤَفَّقُونَ لِصَوْمٍ؟!

هرگاه دو شاهد نزد امام شهادت دهند که از سی روز پیش هلال ماه را دیده‌اند، امام به افطار آن روز فرمان می‌دهد و اگر پیش از ظهر باشد آن روز نماز عید می‌خوانند و اگر بعد از ظهر باشد، امام به افطار آن روز امر می‌کند و نماز عید را به فردا موکول می‌کند و با آنها نماز می‌خواند.

۲ - محمد بن احمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: حضرتش فرمود:

هرگاه مردم بامدادان را با روزه آغاز می‌کنند و هلال ماه رؤیت نشود و گروهی عادل فرارسند و بر رویت هلال ماه شهادت دهند، بایستی مردم افطار کنند و روز بعد در آغاز روز برای نماز عید (به بیرون شهر) خارج شوند.

بخش هفتاد و چهارم

چند روایت نکته دار

۱ - محمد بن اسماعیل رازی گوید: به امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: قربانت کردم! نظر شما در مورد روزه‌ای که روایت شده است که آنها (اهل تسنن) به آن موفق نمی‌شوند، چیست؟

فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَةُ الْمَلِكِ فِيهِمْ.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟

قَالَ: إِنَّ النَّاسَ لَمَّا قَتَلُوا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا يُنَادِي: أَيُّهَا الْأُمَّةُ الظَّالِمَةُ الْقَاتِلَةُ عِتْرَةَ نَبِيِّهَا! لَا وَفَقَكُمْ اللَّهُ لِيَصُومَ وَلَا لِيَفْطُرَ.

۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:

يَا عَبْدَ اللَّهِ! مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ لِيَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ حُزْنًا.

قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟

قَالَ: لِإِنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَطِيفِ

التَّمْلِيسِيِّ عَنْ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: هان که نفرین فرشته درباره آنها قبول شده است.

گويد: گفتم: قربانت گردهم! نفرین فرشته چگونه است؟

فرمود: آن گاه که مردم امام حسين عليه السلام را کشتند، خدای تبارک و تعالی به فرشته ای فرمان داد که ندا در دهد: ای اُمّت ستمکار و کشنده عترت پیامبرشان! خداوند شما را برای روزه و عید فطر موفق ننماید.

۲ - عبدالله بن دینار گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: ای عبدالله! هیچ عیدی از اعیاد مسلمانان

- چه قربان و چه فطر - نیست مگر آن که در آن عید اندوه آل محمد عليه السلام تجدید می گردد.

گفتم: چرا؟

فرمود: چون آنان حق خودشان را در دست دیگران می بینند.

۳ - رزین گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَمَّا ضُرِبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسَّيْفِ فَسَقَطَ رَأْسُهُ ثُمَّ ابْتَدَرَ لِيُقَطَعَ رَأْسُهُ،
 نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: أَلَا أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحِيرَةُ الضَّالَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا! لَا وَفَقَكُمْ
 اللَّهُ لِأَضْحَى وَلَا لِفِطْرٍ.
 قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَا جَرَمَ - وَ اللَّهُ - مَا وَفَّقُوا وَلَا يُوفَّقُونَ حَتَّى يَنَارَ
 ثَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَرَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَفْطَرْتُ يَوْمَ الْفِطْرِ عَلَى تَيْنٍ وَ تَمْرَةٍ.
 فَقَالَ لِي: جَمَعْتَ بَرَكَهَ وَ سُنَّةً.

۵ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَتَى بِطَيْبٍ يَوْمَ الْفِطْرِ بَدَأَ بِبِنْسَائِهِ.

آن‌گاه که امام حسین بن علی علیه السلام با شمشیر ضربت خورد و تنش بر زمین افتاد و قاتل
 برای جدا کردن سرش شتاب کرد، منادی از درون عرش ندا داد: هان ای اُمّت سرگردان
 گمراه بعد از پیامبرشان! خداوند شما را برای عید قربان و فطر توفیق ندهد.
 سپس امام صادق علیه السلام فرمود: سرانجام آنان توفیق نیافتند و توفیق نخواهند یافت تا
 آن‌گاه که منتقم خون حسین علیه السلام برای خون خواهی قیام کند.

۴ - علی بن محمد نوفلی گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: من روز فطر با خاک (قبر امام
 حسین علیه السلام) و با خرما افطار کردم.
 فرمود: برکت و سنت را جمع کرده‌ای.

۵ - اسحاق بن عمار و یا دیگری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره اگر روز فطر عطری برایش می‌آوردند، نخست آن را به
 همسرانش می‌داد.

(۷۵)

بَابُ الْفِطْرَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ مَنْ ضَمَمْتَ إِلَى عِيَالِكَ مِنْ حُرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ فَعَلَيْكَ أَنْ تُؤَدِّيَ الْفِطْرَةَ عَنْهُ. قَالَ: وَإِعْطَاءُ الْفِطْرَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ وَبَعْدَ الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفِطْرَةِ. فَقَالَ: عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْحُرِّ، وَالْعَبْدِ عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ صَاعٌ مِنْ حِنْطَةٍ أَوْ صَاعٌ مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعٌ مِنْ زَبِيبٍ.

بخش هفتاد و پنجم

زکات فطره

- ۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر که به خانواده خود - از آزاد و یا بنده - ضمیمه کردی بر تو واجب است از جانب او زکات فطره پردازی.
- حضرتش فرمود: دادن زکات فطره پیش از نماز عید بهتر است و بعد از نماز، صدقه است.
- ۲ - صفوان جمّال گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زکات فطره پرسیدم. فرمود: بر صغیر و کبیر و آزاد و بنده از هر انسانی یک صاع از گندم، یا از خرما یا از کشمش مویز تعلق می‌گیرد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: التَّمْرُ فِي الْفِطْرَةِ أَفْضَلُ مِنْ غَيْرِهِ، لِأَنَّهُ أَسْرَعُ مَنَفَعَةً وَ ذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ فِي يَدِ صَاحِبِهِ أَكَلَ مِنْهُ.

قَالَ: وَ قَالَ: نَزَلَتِ الزَّكَاةُ وَ لَيْسَ لِلنَّاسِ أَمْوَالٌ وَ إِنَّمَا كَانَتِ الْفِطْرَةُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

الْفِطْرَةُ إِنْ أُعْطِيَتْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْعِيدِ فَهِيَ فِطْرَةٌ، وَ إِنْ كَانَتْ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ إِلَى الْعِيدِ فَهِيَ صَدَقَةٌ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ كَمْ نَدْفَعُ عَنْ كُلِّ رَأْسٍ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ.

۳- هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

دادن خرما در زکات فطره بهتر از چیز دیگر است، زیرا منفعت آن زودتر فرا می‌رسد، زیرا به مجرد آن که در دست صاحبش قرار گرفت از آن می‌خورد.

حضرتش فرمود: آیات متعلق به زکات از آغاز کار درباره زکات فطره نازل شده است، زیرا مردم اموالی نداشتند، فقط فطره بوده است.

۴- ابراهیم بن میمون گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر زکات فطره را پیش از رفتن به نماز عید بپردازیم فطره است و اگر بعد از بیرون رفتن به نماز عید بپردازیم، صدقه است.

۵- سعد بن سعد اشعری گوید: از امام رضا عليه السلام درباره زکات فطره سؤال کردم که چقدر

از عوض هر نفر گندم، جو، خرما و کشمش بپردازیم؟

قَالَ: صَاعٌ بِصَاعِ النَّبِيِّ ﷺ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ تَعْجِيلِ الْفِطْرَةِ بِيَوْمٍ.
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

قُلْتُ: فَمَا تَرَى بَأْنَ تَجْمَعَهَا وَ نَجْعَلَ قِيمَتَهَا وَرِقاً وَ نُعْطِيهَا رَجُلًا وَاحِدًا مُسْلِمًا.
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
لَا بَأْسَ بَأْنَ يُعْطَى الرَّجُلُ عَنْ عِيَالِهِ وَ هُمْ غَيْبٌ عَنْهُ وَ يَأْمُرُهُمْ فَيُعْطُونَ عَنْهُ وَ هُوَ غَائِبٌ عَنْهُمْ.

فرمود: یک صاع به وزن صاع پیامبر ﷺ.

۶ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق ع درباره پرداخت یک روز زودتر زکات فطره سؤال کردم.

فرمود: ایرادی ندارد.

گفتم: نظر شما در مورد این که زکات فطره را جمع کنیم و به ارزش آن اسکناس تهیه نماییم و به یک مرد مسلمان بپردازیم چیست؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۷ - جمیل بن دراج گوید: امام صادق ع فرمود:

ایرادی ندارد که انسان از جانب خانواده غایب خود که نزد او نیستند زکات فطره بدهد و به آنها بگوید که از جانب او نیز زکات فطره بدهند.

- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ قَالَ:
 كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ وَكَمْ تُدْفَعُ؟
 قَالَ: فَكَتَبَ: سِتَّةُ أَرْطَالٍ مِنْ تَمْرٍ بِالْمَدَنِيِّ، وَذَلِكَ تِسْعَةُ أَرْطَالٍ بِالْبَغْدَادِيِّ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الهمدانيّ وَكَانَ مَعَنَا حَاجًّا قَالَ:
 كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَدَي أَبِي: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ أَصْحَابِنَا اخْتَلَفُوا
 فِي الصَّاعِ، بَعْضُهُمْ يَقُولُ: «الْفِطْرَةُ بِصَاعِ الْمَدَنِيِّ» وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ: «بِصَاعِ الْعِرَاقِيِّ».
 فَكَتَبَ إِلَيَّ: الصَّاعُ سِتَّةُ أَرْطَالٍ بِالْمَدَنِيِّ، وَتِسْعَةُ أَرْطَالٍ بِالْعِرَاقِيِّ.
 قَالَ: وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَكُونُ بِالْوَزْنِ أَلْفًا وَمِائَةً وَسَبْعِينَ وَزْنَةً.
- ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ
 النُّعْمَانِ وَسَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

- ۸- علی بن بلال گوید: طی نامه‌ای به امام علی (ع) نوشته و از آن حضرت درباره زکات فطره پرسیدم که چقدر داده می‌شود؟
 گوید: حضرتش در جواب پاسخ نوشت: شش رطل از خرمای مدنی که همان نه رطل بغدادی است (که در حدود یک صاع می‌شود).
- ۹- محمد بن احمد گوید: جعفر بن ابراهیم بن محمد همدانی - که با ما در سفر حج، همسفر بود - گوید: نامه‌ای به حضور امام هادی (ع) نوشتم و آن را توسط پدرم فرستادم: فدایت شوم! اصحاب ما درباره وزن صاع اختلاف نظر دارند، بعضی از آنان می‌گویند: زکات فطره به صاع مدنی است و برخی دیگر می‌گویند: به صاع عراقی است.
 حضرتش در پاسخ نوشت: صاع شش رطل مدنی و نه رطل عراقی است.
 گوید: به من خبر داد که صاع به وزن، هزار و دویست و هفتاد وزنه است.
- ۱۰- اسحاق بن عمار گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ لَا يَكُونُ عِنْدَهُ شَيْءٌ مِنَ الْفِطْرَةِ إِلَّا مَا يُؤَدِّي عَنْ نَفْسِهِ وَحَدَهَا يُعْطِيهِ غَرِيبًا أَوْ يَأْكُلُ هُوَ وَ عِيَالُهُ؟

قَالَ: يُعْطِي بَعْضَ عِيَالِهِ، ثُمَّ يُعْطِي الْآخَرَ عَنْ نَفْسِهِ يُرَدُّونَهَا، فَيَكُونُ عَنْهُمْ جَمِيعًا فِطْرَةً وَاحِدَةً.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ: الْفَقِيرُ الَّذِي يُتَصَدَّقُ عَلَيْهِ هَلْ عَلَيْهِ صَدَقَةُ الْفِطْرَةِ؟
فَقَالَ: نَعَمْ، يُعْطِي مِمَّا يُتَصَدَّقُ بِهِ عَلَيْهِ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَوْلُودٍ وُلِدَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ عَلَيْهِ فِطْرَةٌ.
قَالَ: لَا قَدْ خَرَجَ الشَّهْرُ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی که دارایی او فقط به اندازه زکات فطره خود اوست. در این صورت آیا باید آن را به حساب زکات فطره به دیگری بپردازد، یا خود و خانواده‌اش از آن ارتزاق کنند؟

فرمود: آن را به یکی از خانواده خود می‌دهد و او از جانب خود به دیگری همگی دستگردان می‌کنند و یک زکات فطره می‌شود.

۱۱- زراره گوید: به امام عليه السلام گفتم: فقیری که صدقه می‌گیرد آیا زکات فطره بر او واجب است؟

فرمود: آری، از آن چه به او صدقه داده‌اند، می‌پردازد.

۱۲ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مولودی که شب فطر متولد شود پرسیدم که آیا فطره بر او واجب است؟

فرمود: نه، چون ماه (رمضان) پایان یافته است (و او متولد شده است).

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ يَهُودِيٍّ أَسْلَمَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ عَلَيْهِ فِطْرَةٌ؟
قَالَ: لَا.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: الْوَصِيُّ يُزَكِّي عَنْ الْيَتَامَى زَكَاةَ الْفِطْرِ إِذَا كَانَ لَهُمْ مَالٌ؟
فَكَتَبَ: لَا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ.

وَ عَنْ مَمْلُوكٍ يَمُوتُ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَنْهُ غَائِبٌ فِي بَلَدٍ آخَرَ وَ فِي يَدِهِ مَالٌ لِمَوْلَاهُ
وَ يَحْضُرُ الْفِطْرُ أَيُّزَكِّي عَنْ نَفْسِهِ مِنْ مَالِ مَوْلَاهُ وَ قَدْ صَارَ لِلْيَتَامَى؟
قَالَ: نَعَمْ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَلْ عَلَى أَهْلِ الْبَوَادِي الْفِطْرَةُ؟
قَالَ: فَقَالَ: الْفِطْرَةُ عَلَى كُلِّ مَنْ اقْتَاتَ قُوْتًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَ مِنْ ذَلِكَ الْقُوْتِ.

از حضرتش پرسیدم: یهودی که شب فطر مسلمان شود، آیا فطره بر او واجب است؟
فرمود: نه.

۱۳ - محمد بن قاسم بن فضیل بصری گوید: طی نامه‌ای به امام ابوالحسن امام رضا علیه السلام
نوشتیم: آیا وصی می‌تواند از جانب یتیمانی که مال داشته باشند، زکات فطره بپردازد؟
حضرتش در پاسخ نوشت: زکات بر مال یتیم تعلق نمی‌گیرد.

و از حضرتش پرسیدم: غلامی مولایش در شهر دیگری می‌میرد و اموالی از مولایش در
دست اوست و وقت پرداخت زکات فطره فرا می‌رسد. آیا غلام می‌تواند از جانب خود از
مال مولایش زکات فطره بپردازد که اینک جزو دارایی یتیمان شده است؟
فرمود: آری.

۱۴ - راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت کردم! آیا پرداخت زکات بر
بیابان‌نشینان واجب است؟

فرمود: هر کس در تغذیه خود به نوعی از خوراکی عادت کرده باشد، باید از آن زکات
فطره بپردازد.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ فِي الْبَادِيَةِ لَا يُمَكِّنُهُ الْفِطْرَةَ.

قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِأَرْبَعَةِ أَرْطَالٍ مِنْ لَبَنٍ.

۱۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ
يَزِيدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الضَّيْفُ مِنْ إِخْوَانِهِ فَيَحْضُرُ يَوْمَ
الْفِطْرِ يُؤَدِّي عَنْهُ الْفِطْرَةَ؟

قَالَ: نَعَمْ، الْفِطْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يَعُولُ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى، صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ، حُرٍّ
أَوْ مَمْلُوكٍ.

۱۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا
عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا بَأْسَ أَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ عَنْ رَأْسَيْنِ وَثَلَاثَةٍ وَارْبَعَةٍ، يَعْنِي الْفِطْرَةَ.

۱۵ - ابراهیم در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مرد صحرائشین که

امکان دادن زکات فطره را ندارد سوال شد؟

فرمود: چهار لیتر شیر به عنوان زکات فطره صدقه دهد.

۱۶ - عمر بن یزید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که یکی از برادران دینیش نزد

او مهمان است، در این میان روز فطر فرا می‌رسد، آیا باید زکات فطره او را ادا کند؟

فرمود: آری، زکات فطره کسانی که معاش آنها را از مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا

بنده بر عهده دارد، واجب است.

۱۷ - اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایراد ندارد که انسان، به فردی، زکات فطره دو، سه و چهار نفر را بپردازد.

- ۱۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مَالِكِ الْجَهَنِيِّ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ زَكَاةِ الْفِطْرَةِ.
قَالَ: تُعْطِيهَا الْمُسْلِمِينَ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ مُسْلِمًا فَمُسْتَضْعَفًا، وَاعْطِ ذَا قَرَابَتِكَ مِنْهَا
إِنْ شِئْتَ.
- ۱۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ
أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ صَدَقَةِ الْفِطْرَةِ أُعْطِيهَا غَيْرَ أَهْلِ وَلايَتِي مِنْ فَقَرَاءِ جِيرَانِي؟
قَالَ: نَعَمْ الْجِيرَانُ أَحَقُّ بِهَا لِمَكَانِ الشُّهُرَةِ.
- ۲۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
يُؤَدِّي الرَّجُلُ زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنْ مَكَاتِبِهِ وَرَقِيقِ امْرَأَتِهِ وَعَبْدِهِ النَّصْرَانِيِّ وَ
الْمَجُوسِيِّ وَ مَا أَعْلَقَ عَلَيْهِ بَابُهُ.

- ۱۸- مالک جهنی گوید: از امام باقر ع در مورد زکات فطره پرسیدم.
فرمود: آن را به مسلمانان می‌پردازم. اگر مسلمان نیافتی به مستضعف در عقیده و اگر
خواستی به خویشان خود عطا کن.
- ۱۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم ع درباره زکات فطره سوال کردم که آیا
می‌توانم به غیر اهل ولایت از فقرای همسایگانم بپردازم؟
فرمود: آری، همسایگان به جهت مشهور بودن به آن شایسته‌ترند.
- ۲۰- محمد بن احمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق ع فرمود:
بایستی انسان زکات فطره بنده مکاتب خود، برده همسرش، بنده نصرانی و مجوسی
خود و هر کسی را که در خانه را برای او می‌بندد، بپردازد.

۲۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ مُعْتَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: أَذْهَبَ فَأَعْطَى عَنْ عِيَالِنَا الْفِطْرَةَ وَ أَعْطَى عَنِ الرَّقِيقِ وَ اجْمَعُهُمْ وَ لَا تَدْعُ مِنْهُمْ أَحَدًا، فَإِنَّكَ إِنْ تَرَكَتَ مِنْهُمْ إِنْسَانًا تَخَوَّفْتَ عَلَيْهِ الْفَوْتَ. قُلْتُ: وَ مَا الْفَوْتُ؟ قَالَ: الْمَوْتُ.

۲۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: بَعَثْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام بِدَرَاهِمٍ لِي وَ لِعَيْرِي وَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ أُخْبِرُهُ أَنَّهَا مِنْ فِطْرَةِ الْعِيَالِ. فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: قَبِضْتُ وَ قَبِلْتُ.

۲۱- معتب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برو و زکات فطره را از جانب خانواده ما و از جانب همه بردگان پرداز و کسی از آنها را و ماگذار. اگر یکی از آنها را و گذاری و از جانب او زکات پرداز بر او بیم فوت دارم. گفتم: فوت چیست؟ فرمود: مرگ است.

۲۲- محمد بن اسماعیل گوید: چند درهم از جانب خود و دیگری برای امام رضا عليه السلام فرستادم، به حضرتش نوشتم که آن از زکات فطره خانواده است. حضرتش به خط خود نوشت: دریافت نمودم و پذیرفتم.

۲۳- أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ لِمَنْ هِيَ؟

قَالَ: لِلْإِمَامِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَأَخْبِرْ أَصْحَابِي؟

قَالَ: نَعَمْ، مَنْ أَرَدْتَ أَنْ تُطَهَّرَهُ مِنْهُمْ.

وَ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعْطِيَ وَ تَحْمِلَ تَمَنَ ذَلِكَ وَرِقًا.

۲۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ

نُوحٍ قَالَ:

كُتِبَتْ إِلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام: أَنَّ قَوْمًا سَأَلُونِي عَنِ الْفِطْرَةِ وَ يَسْأَلُونِي أَنْ
يَحْمِلُوا قِيمَتَهَا إِلَيْكَ، وَ قَدْ بَعَثَ إِلَيْكَ هَذَا الرَّجُلَ عَامَ أَوَّلٍ وَ سَأَلَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ
فَنَسِيتُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ الْعَامَ عَنْ كُلِّ رَأْسٍ مِنْ عِيَالِي بِدِرْهِمٍ عَلَى قِيمَةِ
تِسْعَةِ أَرْطَالٍ بِدِرْهِمٍ فَرَأَيْتَ - جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! - فِي ذَلِكَ؟

۲۳- ابو علی بن راشد (که وکیل امام هادی عليه السلام بود) گوید: از حضرتش درباره زکات

پرسیدم که از آن چه کسی است؟

فرمود: برای امام است.

گوید: گفتم: این حکم را به اصحاب خود بازگویم؟

فرمود: آری، هر کسی را که خواستی از زکات پاکیزه نمایی.

فرمود: ایرادی ندارد که آن (جنس) را داده و قیمت آن را به اسکناس بفرستی.

۲۴- ایوب بن نوح گوید:

طی نامه‌ای به امام هادی عليه السلام نوشتم: عده‌ای از من درباره زکات فطره پرسیده‌اند که

می‌خواستند قیمت آن را به خدمت شما بفرستند. سال اول شخصی از من خواست که از

تو بپرسم. ولی من آن را فراموش نمودم و امسال خدمت شما از جانب هر نفر از خانواده

خود یک درهم فرستادم که قیمت نه رطل، یک درهم می‌باشد. خدا مرا فدایت گرداند!

نظر شما چیست؟

فَكَتَبَ عَلَيْهِ: الْفِطْرَةَ قَدْ كَثُرَ السُّؤَالُ عَنْهَا، وَأَنَا أَكْرَهُ كُلَّ مَا أَدَّى إِلَى الشُّهْرَةِ،
فَأَقْطَعُوا ذِكْرَ ذَلِكَ وَاقْبِضْ مِمَّنْ دَفَعَ لَهَا وَأَمْسِكْ عَمَّنْ لَمْ يَدْفَعْ.

(۷۶)

بَابُ الْإِعْتِكَافِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ
قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ وَشَمَّرَ الْمُتَزَّرَ وَطَوَى فِرَاشَهُ.
وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: وَ اعْتَزَلَ النِّسَاءَ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا اعْتِزَالَ النِّسَاءِ، فَلَا.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: در مورد زکات فطره پرسش بسیاری می شود. من همه مواردی را
که به من می رسد به جهت مشهور شدن و تقییه ناپسند می دارم. پس سخن از آن را کم کنید.
و هر که آن را می پردازد بستان و کسی که نمی پردازد، (از دریافتش) خودداری کن.

بخش هفتاد و ششم

اعتکاف

۱ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
رسول خدا ﷺ دهه پایانی ماه رمضان را در مسجد به اعتکاف پرداخت. برای
حضرتش خیمه ای مویین برپا می شد و آن حضرت کمر را برای عبادت محکم می بست و
رختخواب خود را برمی چید.
برخی گفتند: حضرتش از زنان دوری می کرد.
امام صادق علیه السلام فرمود: حضرتش از زنان دوری نمی کرد.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَتْ بَدْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ يَعْتَكِفْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلٍ اعْتَكَفَ عَشْرَيْنَ ، عَشْرًا لِعَامِهِ وَ عَشْرًا قِضَاءً لِمَا فَاتَهُ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّلَاثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ.

۲ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

جنگ بدر در ماه رمضان رخ داد، آن سال رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتکاف ننمود. حضرتش سال آینده بیست روز به اعتکاف پرداخت؛ ده روز از سال جاری و ده روز از سال گذشته قضا به جا آورد.

۳ - ابوالعباس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ماه رمضان در دهه اول به اعتکاف پرداخت، سپس دومین بار در دهه دوم به اعتکاف پرداخت، سپس سومین بار در دهه سوم به اعتکاف پرداخت. سپس همواره در دهه پایانی به اعتکاف مشغول می شد.

(۷۷)

بَابُ أَنَّهُ لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا بِصَوْمٍ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ.

بخش هفتاد و هفتم**اعتکاف فقط با روزه صورت می پذیرد**

- ۱ - ابوالعباس گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
اعتکاف فقط با روزه صورت می پذیرد.
- ۲ - نظیر این روایت را محمد بن مسلم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند.
- ۳ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
اعتکاف فقط با روزه در مسجد جامع صورت می پذیرد.

(۷۸)

بَابُ الْمَسَاجِدِ الَّتِي يَصْلُحُ الْإِعْتِكَافُ فِيهَا

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْإِعْتِكَافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا؟
فَقَالَ: لَا إِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ،
وَ لَا بَأْسَ أَنْ يُعْتَكَفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ
مَكَّةَ.

۲ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ:

لَا إِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

بخش هفتاد و هشتم**مساجدی که اعتکاف در آنها انجام می شود**

۱ - عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما در مورد اعتکاف در برخی از
مساجد بغداد چیست؟

فرمود: اعتکاف جز در مسجد جمعی که امام عادل در آن نماز جماعت گزارده، جایز
نیست. اگر در مسجد کوفه، بصره، مسجد مدینه و مسجد مکه اعتکاف انجام شود،
اشکالی ندارد.

۲ - داوود بن سرحان گوید: حضرتش فرمود:

اعتکاف فقط در بیست روز پایانی ماه رمضان صورت می پذیرد.

وَ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ
 مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ.
 وَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ
 حَتَّى يَرْجِعَ وَ الْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ.
 ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْإِعْتِكَافِ.
 قَالَ: لَا يَصْلُحُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ
 مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ، وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا.
 ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ
 أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:
 الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا شَاءَ، سِوَاءَ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ صَلَّى، أَوْ
 فِي بُيُوتِهَا.

حضرتش فرمود: حضرت علی علیه السلام همواره می فرمود اعتکاف را فقط در مسجد الحرام،
 یا مسجد الرسول ﷺ و یا مسجد جامع جایز می دانم. معتکف نباید از مسجد - جز به کاری
 که ناچار است - بیرون رود و نباید بیرون از مسجد بنشیند تا به مسجد باز گردد و حکم زن
 نیز مانند حکم مرد است.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره اعتکاف سوال شد.

فرمود: اعتکاف جز در مسجد الحرام یا مسجد الرسول ﷺ یا مسجد کوفه و یا مسجد
 جامع صلاحیت ندارد و انسان مادامی که معتکف است، بایستی روزه بگیرد.

۴ - عبدالله بن سنان گویند امام علی علیه السلام فرمود:

معتکف در مکه در هر یک از خانه‌های آن بخواند، می تواند نماز بگزارد و برای او
 مساوی است که در مسجد نماز بخواند، یا در خانه‌های آن.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا شَاءَ، وَ الْمُعْتَكِفُ فِي غَيْرِهِ لَا يُصَلِّي إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي سَمَّاهُ.

(۷۹)

بَابُ أَقَلِّ مَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ زَوْجَهَا غَائِبًا فَقَدِمَ وَ هِيَ مُعْتَكِفَةٌ بِإِذْنِ زَوْجِهَا. فَخَرَجَتْ حِينَ بَلَغَهَا قُدُومُهُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَى بَيْتِهَا، فَتَهَيَّأَتْ لِزَوْجِهَا حَتَّى وَاقَعَهَا.

۵- منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

معتکف در مکه در هر یک از خانه‌هایی که خواست می‌تواند نماز گزارد، ولی معتکف در غیر مکه فقط در مسجدی که معتکف شده است نماز می‌گزارد.

بخش هفتاد و نهم

کمترین زمان اعتکاف

۱- ابو ولاد حنّاط گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی در غیاب شوهرش با اجازه او معتکف بوده است. اکنون از آمدن شوهرش باخبر شد و از مسجد خارج شد و به خانه‌اش رفت و خود را برای شوهرش مهیا نموده، همسرش با او نزدیکی کرد، چه حکمی دارد؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ حَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَ لَمْ تَكُنْ اشْتَرَطْتَ فِي اعْتِكَافِهَا، فَإِنَّ عَلَيْهَا مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ اعْتَكَفَ صَامًا وَ يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اعْتَكَفَ أَنْ يَشْتَرِطَ كَمَا يَشْتَرِطُ الَّذِي يُحْرِمُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا اعْتَكَفَ يَوْمًا وَ لَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَهُ أَنْ يَخْرُجَ وَ يَفْسَخَ الْإِعْتِكَافَ، وَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ وَ لَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ اعْتِكَافَهُ حَتَّى يَمُضِيَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اگر از پیش از تمام شدن سه روز از مسجد بیرون رفته و به هنگام اعتکاف هم آن را شرط نکرده بود. آن چه بر عهده ظهار کننده است، بر او عهده او نیز خواهد بود.

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اعتکاف کمتر از سه روز نمی شود و هر که معتکف شود بایستی روزه بگیرد و برای معتکف سزاوار است که چون اعتکاف کند شرط نماید آن سان که محرم شرط می نماید.

۳- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هرگاه انسان یک روز اعتکاف کند، بی آن که شرطی هم بنماید، می تواند از مسجد بیرون رود و اعتکاف را فسخ نماید و اگر دو روز اعتکاف نماید و شرط هم نکرده باشد نمی تواند اعتکافش را فسخ نماید تا این که سه روز سپری شود.

۴- ابو عبیده گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

الْمُعْتَكِفُ لَا يَسْمُ الطَّيِّبَ وَلَا يَنْلَذُّ بِالرَّيْحَانِ، وَلَا يَمَارِي وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ.
 قَالَ: وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ،
 وَإِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ
 حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ
 قَالَ: بَدَأَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ.
 فَقَالَ: الْإِعْتِكَافُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ - يَعْنِي السُّنَّةَ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

(۸۰)

بَابُ الْمُعْتَكِفِ لَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ
 أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

معتكف نباید عطر استشمام کند و از بوییدن گل ریحان لذت ببرد، نپایستی مرء و
 جدال نماید، نباید خرید و فروش کند.

فرمود: هر که سه روز معتکف شد، روز چهارم اختیار دارد، اگر خواست سه روز دیگر
 می‌افزاید و اگر خواست از مسجد بیرون می‌رود و اگر دو روز اعتکاف انجام دهد، نباید از
 مسجد بیرون رود تا سه روز دیگر را به پایان برساند.

۵- داوود بن سرحان گوید: امام صادق عليه السلام بی آن که از حضرتش بپرسم فرمود:
 اعتکاف سنت سه روز است، ان شاء الله.

بخش هشتماد

معتکف نباید جز به هنگام ناچاری از مسجد بیرون رود

۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَيْسَ عَلَى الْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا إِلَى الْجُمُعَةِ أَوْ جَنَازَةٍ أَوْ غَائِطٍ.
 ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ
 قَالَ:

كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْتَكِفَ
 فَمَاذَا أَقُولُ؟ وَمَاذَا أَفْرُضُ عَلَى نَفْسِي؟
 فَقَالَ: لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، وَلَا تَقْعُدْ تَحْتَ ظِلَالٍ حَتَّى
 تَعُودَ إِلَى مَجْلِسِكَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ
 حَتَّى يَرْجِعَ، وَلَا يَخْرُجَ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِجَنَازَةٍ، أَوْ يَعُودُ مَرِيضًا، وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى
 يَرْجِعَ، وَاعْتِكَافُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ ذَلِكَ.

معتکف نباید جز به نماز جمعه و تشییع جنازه یا قضای حاجت از مسجد خارج شود.

۲- داوود بن سرحان گوید: در ماه رمضان در مدینه بودم به امام صادق عليه السلام گفتم:

می‌خواهم معتکف شوم چه بگویم؟ و چه چیزی بر خودم فرض نمایم؟

فرمود: از مسجد - جز برای کاری که ناچار - بیرون نرو و زیر سایه ننشین تا به جای

خود بازگردی.

۳- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

معتکف نباید جز برای کاری که ناچار است از مسجد بیرون رود، آن گاه که رفت

نمی‌نشیند تا به مسجد بازگردد و برای چیزی به جز تشییع جنازه یا عیادت بیمار بیرون

نمی‌رود تا به مسجد بازگردد و حکم زن نیز همین گونه است.

(۸۱)

بَابُ الْمُعْتَكِفِ يَمْرُضُ وَ الْمُعْتَكِفَةِ تَطْمِثُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا مَرَضَ الْمُعْتَكِفُ وَ طَمِثَتِ الْمَرْأَةُ الْمُعْتَكِفَةَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي بَيْتَهُ ثُمَّ يُعِيدُ إِذَا بَرَأَ وَيَصُومُ.

وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ: لَيْسَ عَلَى الْمَرِيضِ ذَلِكَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُعْتَكِفَةِ إِذَا طَمِثَتْ. قَالَ: تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِهَا وَ إِذَا طَهَّرَتْ رَجَعَتْ فَقَضَتْ مَا عَلَيْهَا.

بخش هشتماد و یکم**حکم معتکفی که بیمار می شود و زن معتکفی که حائض می گردد**

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه معتکف بیمار شود و زن معتکف حائض گردد می تواند به خانه خود باز گردد و هرگاه مشکل برطرف شد به مسجد بازگشته و روزه می گیرد.

۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زن معتکفی که حائض شده فرمود:

در این حال به خانه اش برمی گردد، وقتی پاک شد، به مسجد باز می گردد و آنچه از او فوت شده، قضا می نماید.

(۸۲)

بَابُ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ.

قَالَ: إِذَا فَعَلَ فَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ وَقَعَ أَهْلَهُ.

قَالَ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

بخش هشتماد و دوم**حکم معتکفی که با همسرش نزدیکی می‌کند**

۱ - زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: معتکفی که با همسرش نزدیکی می‌کند چه

حکمی دارد؟

فرمود: در این صورت بر عهده اوست آن چه بر عهده طهار کننده است.

۲ - سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد معتکفی که با همسرش نزدیکی

نموده پرسیدم.

فرمود: او همانند کسی است که یک روز از ماه رمضان را افطار نماید.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يَأْتِي أَهْلَهُ.
فَقَالَ: لَا يَأْتِي امْرَأَتَهُ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا وَهُوَ مُعْتَكِفٌ.

(۸۳)

بَابُ النَّوَائِرِ

۱ - أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ أَسْرَتْهُ الرُّومُ وَ لَمْ يَصُمْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ لَمْ يَدْرِ أَيُّ شَهْرٍ هُوَ؟
قَالَ: يَصُومُ شَهْرًا وَ يَتَوَخَّاهُ وَ يَحْسُبُ، فَإِنْ كَانَ الشَّهْرُ الَّذِي صَامَهُ قَبْلَ شَهْرِ
رَمَضَانَ لَمْ يُجْزِهِ وَ إِنْ كَانَ بَعْدَ رَمَضَانَ أَجْرَاهُ.

۳ - حسن بن جهم گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد معتکفی که با همسرش نزدیکی
می‌کند، پرسیدم.

فرمود: انسان در حال اعتکاف نباید - نه در شب و نه در روز - با همسرش نزدیکی کند.

بخش هشتاد و سوم

چند روایت نکته دار

۱ - عبدالرحمان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که در دست رومیان اسیر است و
ماه رمضان را به جهت ناآگاهی روزه نگرفته است، چه حکمی دارد؟
فرمود: او یک ماه را جست و جو می‌کند و آن را انتخاب می‌کند و روزه می‌گیرد و آن را
حساب می‌کند. پس اگر ماهی را که روزه گرفته پیش از ماه رمضان باشد، کفایت نمی‌کند و
اگر بعد از ماه رمضان باشد، همان کافی است.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو بْنِ خَلِيفَةَ الزِّيَّاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! عَلَيْكُمْ بِالْبَاهِ! فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهُ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّيَامِ، فَإِنَّهُ وَجَاؤُهُ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾ وَ الرَّفَثُ: الْمَجَامَعَةُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ يَوْمَ الْفِطْرِ وَهُوَ يَدْعُو لَهُ:

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر یا امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ای گروه جوانان! بر شما باد ازدواج! پس اگر نتوانستید بر شما باد روزه، زیرا که روزه موجب کنترل شهوت می شود.

۳ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پدرم از جدم از آباءش عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نقل فرمود که علی صلوات الله علیه فرمود:

مستحب است که انسان در شب اول ماه رمضان با همسرش نزدیکی نماید، به جهت گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید: «در شب های ماه رمضان نزدیکی با همسرانتان برای شما حلال است».

۴ - محمد بن فضل گوید: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز فطر به یکی از علاقمندانش دعا کرد

و فرمود:

يَا فُلَانُ! تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَ مِنَّا.

ثُمَّ أَقَامَ حَتَّى كَانَ يَوْمُ الْأَضْحَى فَقَالَ لَهُ: يَا فُلَانُ! تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَ مِنْكَ.
قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! قُلْتُ فِي الْفِطْرِ شَيْئاً وَ تَقُولُ فِي الْأَضْحَى
غَيْرَهُ؟

قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ، إِنِّي قُلْتُ لَهُ فِي الْفِطْرِ: تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَ مِنَّا، لِأَنَّهُ فَعَلَ مِثْلَ
فِعْلِي وَ تَأَسَّيْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْفِعْلِ. وَ قُلْتُ لَهُ فِي الْأَضْحَى: تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَ مِنْكَ،
لِأَنَّهُ يُمَكِّنُنَا أَنْ نُضْحِيَ وَ لَا يُمَكِّنُهُ أَنْ يُضْحِيَ، فَقَدْ فَعَلْنَا نَحْنُ غَيْرَ فِعْلِهِ.
۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الصَّخْرِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ
الرَّحِيمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
نَظَرْتُ إِلَى النَّاسِ فِي يَوْمِ فِطْرِ يَلْعَبُونَ وَ يَضْحَكُونَ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ - وَ التَّفَتَّ
إِلَيْهِمْ:

ای فلانی! خداوند از تو و از ما قبول کند.
سپس ایام سپری شد تا این که عید قربان فرا رسید، حضرتش فرمود: فلانی! خداوند
از ما و از تو قبول کند.
گوید: به حضرتش عرض نمودم: ای فرزند رسول خدا! در عید فطر چیزی فرمودید و
در عید قربان چیز دیگری؟
فرمود: آری، من به او در عید فطر گفتم: خدا از تو و از ما قبول کند، زیرا که او کاری
همانند کار من انجام داده بود و من و او در عمل مساوی شدیم و در عید قربان به او گفتم:
خدا از ما و از تو قبول کند، زیرا برای ما امکان قربانی شد و برای او امکان قربانی نشد.
پس، کاری که ما انجام دادیم غیر از کار او بود.
۵ - ابو صخر احمد بن عبدالرحیم در روایت مرفوعه ای گوید:
امام کاظم عليه السلام در روز فطر به مردم نگاه کرد، متوجه شد که مشغول بازی هستند و می خندند.
حضرتش به اصحاب خود رو کرد و فرمود:

إِنَّ اللَّهَ ۖ خَلَقَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِضْمَارًا لِحَلْقِهِ لِيَسْتَبِقُوا فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ
فَسَبَقَ فِيهِ قَوْمٌ فَفَازُوا، وَتَخَلَّفَ آخَرُونَ فَخَابُوا.

فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنَ الصَّاحِكِ اللَّاعِبِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ
الْمُحْسِنُونَ، وَ يَخِيبُ فِيهِ الْمُقْصِرُونَ. وَ أَيْمُ اللَّهِ! لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَشِغِلَ مُحْسِنٌ
بِإِحْسَانِهِ، وَ مُسِيءٌ بِإِسَاءَتِهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ
مُحَمَّدٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام: لِمَ فَرَضَ اللَّهُ الصَّوْمَ؟
فَوَرَدَ الْجَوَابُ: لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَضْضَ الْجُوعِ فَيَحِنَّ عَلَى الْفَقِيرِ.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

خداوند تعالی ماه رمضان را برای مردم میدان مسابقه‌ای آفریده که با طاعتش به سوی
رضوانش پیشی گیرند. عده‌ای در آن پیشی گرفته و رستگار شدند و دیگران تخلف ورزیده
و زیانکار گشتند.

پس شگفتی حقیقی از کسی است که در این روز می‌خندد و مشغول بازی است؛ روزی
که نیکوکاران به پاداش و مقصّران به زیان می‌رسند. به خدا سوگند! اگر پرده برداشته شود،
نیکوکار به نیکی خود و بدکار به بدی خود مشغول خواهد شد.

۶- حمزة بن محمد گوید: طی نامه‌ای به امام حسن عسکری عليه السلام نوشتم: چرا خداوند
روزه را واجب کرد؟

پاسخ آمد: تا این که بی‌نیاز، سختی گرسنگی را دریافته و به فقیر نادار عطوفت
و دل‌سوزی نماید.

۷- محمد بن عمران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَتَيْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ بِالْكُوفَةِ بِقَوْمٍ وَجَدُوهُمْ
يَأْكُلُونَ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكَلْتُمْ وَأَنْتُمْ مُفْطِرُونَ؟

قَالُوا: نَعَمْ.

قَالَ: يَهُودُ أَنْتُمْ؟

قَالُوا: لَا.

قَالَ: فَنَصَارَى؟

قَالُوا: لَا.

قَالَ: فَعَلَى أَيِّ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَدْيَانِ مُخَالِفِينَ لِلْإِسْلَامِ؟

قَالُوا: بَلْ مُسْلِمُونَ.

قَالَ: فَسَفَرُ أَنْتُمْ؟

قَالُوا: لَا.

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه در مسجد کوفه نشسته بود، عده‌ای را نزد حضرتش
آوردند، که در حال خوردن روزه ماه رمضان دستگیر شده بودند. امیرمؤمنان علی علیه السلام به
آنها فرمود: آیا روزه خود را افطار نمودید؟

گفتند: آری.

فرمود: آیا شما یهودی هستید؟

گفتند: نه.

فرمود: مسیحی هستید؟

گفتند: نه.

فرمود: پس کدام یک از دین‌های مخالف اسلام را قبول دارید؟

گفتند: ما مسلمانیم.

فرمود: شما در سفر بودید؟

گفتند: نه.

قَالَ: فِيكُمْ عِلَّةٌ اسْتَوْجَبْتُمْ الْإِطَارَ لَا نَشْعُرُ بِهَا، فَإِنَّكُمْ أَبْصَرُ بِأَنْفُسِكُمْ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾.

قَالُوا: بَلْ أَصْبَحْنَا مَا بَيْنَا عِلَّةٌ.

قَالَ: فَضَحِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: تَشْهَدُونَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا

رَسُولُ اللَّهِ؟

قَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْرِفُ مُحَمَّدًا.

قَالَ: فَإِنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ.

قَالُوا: لَا نَعْرِفُهُ بِذَلِكَ، إِنَّمَا هُوَ أَعْرَابِيٌّ دَعَا إِلَىٰ نَفْسِهِ.

فَقَالَ: إِنَّ أَقْرَبَكُمْ وَإِلَّا لَا قُتِلْنَاكُمْ.

فرمود: آیا بیماری داشتید که به سبب آن افطار بر شما لازم گردیده که ما از آن آگاهی نداشتیم، زیرا شما نسبت به خود بیناترید، چرا که خدا تعالی می فرماید: «بلکه انسان نسبت به خود آگاه است»

گفتند: بلکه بامدادان را بدون بیماری آغاز نمودیم.

گوید: پس امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه تبسمی کرد و فرمود: گواهی می دهید که معبودی جز خدا نیست و محمد رسول خدا است؟

گفتند: آری، گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست، ولی محمد را نمی شناسیم.

فرمود: به راستی که او، رسول خدا است.

گفتند: ما او را این گونه نمی شناسیم، همانا او عربی بود که به سوی خود می خواند.

فرمود: اگر اقرار کردید خوب، وگرنه قطعاً شما را خواهیم کشت.

قَالُوا: وَإِنْ فَعَلْتَ .

فَوَكَّلَ بِهِمْ شُرَطَةَ الْحَمِيرِ، وَ خَرَجَ بِهِمْ إِلَى الظَّهْرِ؛ ظَهَرَ الْكُوفَةَ، وَ أَمَرَ أَنْ
يُخْفَرَ حُفْرَتَيْنِ؛ وَ حَفَرَ إِحْدَاهُمَا إِلَى جَنْبِ الْأُخْرَى، ثُمَّ خَرَقَ فِيمَا بَيْنَهُمَا كَوْهَةً
صَحْمَةً شَبَهَ الْخَوْخَةَ فَقَالَ لَهُمْ: إِنِّي وَ اضِعُكُمْ فِي إِحْدَى هَذَيْنِ الْقَلْبَيْنِ وَ أَوْ قَدْ
فِي الْأُخْرَى النَّارَ فَأَقْتُلُكُمْ بِاللُّدْحَانِ.

قَالُوا: وَإِنْ فَعَلْتَ. فَإِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.

فَوَضَعَهُمْ فِي إِحْدَى الْجُبَيْنِ وَ ضَعَا رَفِيقًا ثُمَّ أَمَرَ بِالنَّارِ فَأَوْقَدَتْ فِي الْجُبِّ
الْآخِرِ ثُمَّ جَعَلَ يُنَادِي بِهِمْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ مَا تَقُولُونَ؟
فَيُجِيبُونَهُ اقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ حَتَّى مَا تُنَوِّا.

قَالَ: ثُمَّ أَنْصَرَفَ فَسَارَ بِفِعْلِهِ الرُّكْبَانُ وَ تَحَدَّثَ بِهِ النَّاسُ. فَبَيَّنَمَا هُوَ ذَاتَ يَوْمٍ
فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَدِمَ عَلَيْهِ يَهُودِيٌّ مِنْ أَهْلِ يَثْرِبَ قَدْ أَقْرَلَهُ مَنْ فِي يَثْرِبَ مِنَ الْيَهُودِ
أَنَّهُ أَعْلَمُهُمْ، وَ كَذَلِكَ كَانَتْ أَبَاؤُهُ مِنْ قَبْلُ.

گفتند: اگر چه چنین رفتار کنی.

حضرت گارد ویژه لشکر را بر آنها گمارد و آنها را به خارج کوفه بردند و فرمان داد که دو
چاه کنار هم بکنند و همانند گذرگاهی به یکدیگر راه دهند.
به آنها فرمود: من شما را در یکی از این دو چاه قرار می‌دهم و در دیگری آتش افروخته
و با دود شما را می‌کشم.

گفتند: اگر چنین کردی، در زندگی دنیایی حکم نموده‌ای.

حضرتش آنها را آهسته و با نرمش در یکی از چاه‌ها قرار داد، سپس فرمان داد که در چاه
دیگر آتش افروختند، سپس آنها را صدا می‌زد: چه می‌گویید؟
جواب می‌دادند: حکم کن به آن چه حکم می‌کنی، تا مردند.

فرمود: آن‌گاه حضرتش به کوفه برگشت. این رفتار به وسیله سواران دهان به دهان به مردم
نقل گردید. روزی حضرتش در مسجد حضور داشت، یهودی از مردم مدینه که یهودیان
مدینه به دانایی او اعتراف داشتند، و پدران‌ش نیز پیشتر همان‌گونه بودند، وارد کوفه شد.

قَالَ: وَقَدِمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَلَمَّا أَنْتَهَوْا إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ بِالْكُوفَةِ أَنَاخُوا رَوَاحِلَهُمْ ثُمَّ وَقَفُوا عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ وَأَرْسَلُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ قَدِمْنَا مِنَ الْحِجَازِ، وَ لَنَا إِلَيْكَ حَاجَةٌ فَهَلْ تَخْرُجُ إِلَيْنَا أَمْ نَدْخُلُ إِلَيْكَ؟

قَالَ: فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ وَ هُوَ يَقُولُ: سَيَدْخُلُونَ وَ يَسْتَأْنِفُونَ بِالْيَمِينِ فَمَا حَاجَتُكُمْ؟ فَقَالَ لَهُ عَظِيمُهُمْ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! مَا هَذِهِ الْبِدْعَةُ الَّتِي أَحَدَثْتَ فِي دِينِ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟

فَقَالَ لَهُ: وَ آيَةُ بَدْعَةٍ؟

فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ: زَعَمَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْحِجَازِ أَنَّكَ عَمَدْتَ إِلَى قَوْمٍ شَهِدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُقَرُّوا أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُهُ فَقَتَلْتَهُمْ بِالْدُّخَانِ.

فرمود: او با گروهی از خاندان خود خدمت امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شد، وقتی به مسجد اعظم کوفه رسیدند، شتران سواری خود را خوابانیدند، آن گاه درب مسجد ایستاده و به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پیام فرستادند که ما عده‌ای از یهود هستیم و از مدینه آمده و با توکاری داریم، آیا تو نزد ما می‌آیی، یا ما نزد تو بیاییم؟ حضرت نزد آنها آمد که می‌فرمود: به زودی در دین اسلام وارد می‌شوید و به سوگند آن را سر می‌گیرید. کار شما چیست؟

بزرگ آنها به حضرت گفت: ای فرزند ابوطالب! این چه بدعتی است که در دین

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احداث نموده‌ای؟

حضرت فرمود: کدام بدعت؟

یهودی گفت: عده‌ای از مردم حجاز گمان می‌کنند که تو گروهی را که به «لا اله الا الله»

شهادت داده‌اند ولی به رسالت محمد اقرار ننموده‌اند که با دود به قتل رسانده‌ای.

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَشَدُّتُكَ بِالتَّسْعِ الْآيَاتِ الَّتِي أَنْزَلْتَ عَلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُورِ سَيْنَاءَ وَبِحَقِّ الْكِنَائِسِ الْخَمْسِ الْقُدْسِ وَبِحَقِّ السَّمْتِ الدِّيَانِ! هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ أَتَى بِقَوْمٍ بَعْدَ وَفَاةِ مُوسَى شَهِدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ كَمْ يُقِرُّوْا أَنَّ مُوسَى رَسُولُ اللَّهِ فَقَتَلَهُمْ بِمِثْلِ هَذِهِ الْقِتْلَةِ.

فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ: نَعَمْ أَشْهَدُ أَنَّكَ نَامُوسُ مُوسَى.

قَالَ: ثُمَّ أَخْرَجَ مِنْ قَبَائِهِ كِتَابًا، فَدَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَضَّهَ وَ نَظَرَ فِيهِ وَ

بَكَى.

فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ: مَا يُبْكِيكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! إِنَّمَا نَظَرْتَ فِي هَذَا الْكِتَابِ وَ هُوَ

كِتَابُ سُرِّيَانِيٍّ، وَ أَنْتَ رَجُلٌ عَرَبِيٌّ فَهَلْ تَدْرِي مَا هُوَ؟

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ هَذَا اسْمِي مُثَبَّتٌ.

فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ: فَأَرِنِي اسْمَكَ فِي هَذَا الْكِتَابِ وَ أَخْبِرْنِي مَا اسْمُكَ

بِالسُّرِّيَانِيَّةِ؟

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: تو را سوگند می‌دهم به نشانه‌های هفت گانه‌ای که در طور سینا به موسی علیه السلام نازل شد و به حق کنیسه‌های پنج گانه مقدس و به حق راه خدای دیان و حاکم! آیا می‌دانی که بعد از وفات موسی گروهی را نزد یوشع بن نون آوردند که به «الاله» شهادت دادند ولی به این که موسی پیامبر خدا است، اقرار نکردند، یوشع آنها را همین‌گونه به قتل رسانید؟

یهودی گفت: آری، گواهی می‌دهم که تو صاحب سرّ موسی هستی.

فرمود: آن گاه از زیر قبایش کتابی را بیرون آورد و به امیرمؤمنان علی علیه السلام داد.

حضرتش آن را گشوده و نگاهی کرد و گریست.

یهودی گفت: ای فرزند ابوطالب! چه چیزی تو را می‌گریاند؟ تو فقط به این کتاب سریانی

نگاه کردی، در حالی که تو یک مرد عرب هستی، آیا می‌دانی در آن چه نوشته شده است؟

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: آری، این نام من است که در آن ثبت شده است.

یهودی گفت: نامت را در این کتاب به من نشان بده و مرا آگاه کن که نام تو به سریانی چیست؟

قَالَ: فَأَرَاهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ اسْمُهُ فِي الصَّحِيفَةِ. فَقَالَ: اسْمِي إِيَّا. فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ مُحَمَّدٍ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ ﷺ. وَ بَايَعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ. فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ أَكُنْ عِنْدَهُ مَنْسِيًّا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَثْبَتَنِي عِنْدَهُ فِي صَحِيفَةِ الْأَبْرَارِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. تَمَّ كِتَابُ الصُّومِ وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْحَجِّ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ وَحْدَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مَنْ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

حضرتش فرمود: امیرمؤمنان علی سلام الله علیه نام خود را در آن کتاب به آن مرد یهودی نشان داد و فرمود: نام من «الیا» است. یهودی گفت: شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و این که محمد رسول خدا است و گواهی می‌دهم به این که تو وصی و جانشین محمد و شایسته‌ترین مردم بعد از محمد هستی. آن گاه با امیرمؤمنان علی علیه بیعت کردند و وارد مسجد شد. امیرمؤمنان علیه فرمود: سپاس خدایی را که در پیشگاه او از فراموش شدگان نبودم. سپاس خدایی را که در پیشگاه خود مرا در صحیفه نیکان ثبت فرمود و سپاس خدایی را که صاحب جلال و اکرام است. تمام شد کتاب روزه که در پی آن کتاب حج خواهد آمد. تمام سپاس‌ها از آن خدای یگانه است. و درود خدا بر کسی که پس از او پیامبری نخواهد بود و بر خاندان پاک و پاکیزه او باد.

كِتَابُ
الْحَجِّ

كتاب

حج

(۱)

بَابُ بَدْءِ الْحَجْرِ وَالْعِلَّةِ فِي اسْتِئْلَامِهِ

- ۱ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَاقِيْعَ الْعِبَادِ أَمَرَ الْحَجَرَ فَالْتَقَمَهَا وَ لِذَلِكَ يُقَالُ: أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِمَ جُعِلَ اسْتِئْلَامُ الْحَجْرِ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تبارك وتعالى حَيْثُ أَخَذَ مِيثَاقَ بَنِي آدَمَ دَعَا الْحَجَرَ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَمَرَهُ فَالْتَقَمَ الْمِيثَاقَ فَهُوَ يَشْهَدُ لِمَنْ وَافَاهُ بِالْمُؤَافَاةِ.

بخش یکم

آغاز پیدایش حجرالاسود و سبب دست ساییدن به آن

- ۱ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی خداوند تبارک و تعالی آن گاه که از بندگان پیمان گرفت به حجرالاسود فرمان داد تا پیمان‌های آنها را در خود نگه دارد. از این رو کنار حجرالاسود گفته می‌شود: امانت خود را ادا کردم و پیمان خود را تجدید نمودم که برای من به وفای به پیمان گواهی دهی.
- ۲ - حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: برای چه به حجرالاسود دست می‌سایند؟
- فرمود: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم پیمان گرفت، حجرالاسود را از بهشت خواست و به او را فرمان داد تا پیمان را در خود نگه دارد. او برای هر کس که به آن پیمان وفا کند، به وفا نمودنش گواهی می‌دهد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ ابْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَيِّ عِلَّةٍ وَضَعَ اللَّهُ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَ لَمْ يُوَضَّعْ فِي غَيْرِهِ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ تُقْبَلُ؟ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ؟ وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ وَضِعَ مِيثَاقُ الْعِبَادِ وَ الْعَهْدُ فِيهِ وَ لَمْ يُوَضَّعْ فِي غَيْرِهِ؟ وَ كَيْفَ السَّبَبُ فِي ذَلِكَ تُخْبِرُنِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! فَإِنَّ تَفَكُّرِي فِيهِ لَعَجَبٌ.
 قَالَ: فَقَالَ: سَأَلْتَ وَ أَعْضَلْتَ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ اسْتَفْصَيْتَ، فَافْهَمِ الْجَوَابَ وَ فَرِّغْ قَلْبَكَ وَ أَضْغِ سَمْعَكَ أُخْبِرُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ:
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ هِيَ جَوْهَرَةٌ أُخْرِجَتْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى آدَمَ عليه السلام فَوَضَعَتْ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ لِعِلَّةِ الْمِيثَاقِ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا أَخَذَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ حِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ؛

۳- بکیر بن اعین گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برای چه خداوند حجر الاسود را در رکن مخصوص آن قرار داد که اکنون در آنجاست و در رکن دیگری قرار نداد؟ و برای چه آن را بوسند؟ و چرا آن از بهشت بیرون آورده شده است؟ و برای چه پیمان و عهد بندگان در آن - نه در غیر آن - قرار داده شده؟ سبب این کار چیست؟ خداوند مرا فدای شما گرداند! مرا از این امور آگاه سازید؛ چرا که فکرم در این مورد شگفت زده شده است.
 راوی گوید: آن حضرتش فرمود: سؤال کردی و مسأله مشکلی را مطرح نمودی و خواستار دست یابی به نهایت آن شده‌ای. اینک پاسخ را بشنو و دل خود را خالی و گوش فرا ده - ان شاء الله - تو را آگاه خواهم ساخت.

همانا خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را - که گوهری بود - از بهشت برای آدم عليه السلام بیرون آورد و به خاطر پیمان، در آن رکن گذارده شد. به دلیل این که آن گاه که خداوند از فرزندان آدم از نسل های آنان از فرزندانشان در آن مکان پیمان گرفت،

وَفِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَاءَى لَهُمْ وَمِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ يَهْبِطُ الطَّيْرُ عَلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَأَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ ذَلِكَ الطَّائِرُ وَهُوَ وَاللَّهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَإِلَى ذَلِكَ الْمَقَامِ يُسْنِدُ الْقَائِمُ ظَهْرَهُ وَهُوَ الْحُجَّةُ وَالدَّلِيلُ عَلَى الْقَائِمِ وَهُوَ الشَّاهِدُ لِمَنْ وَافَاهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ الشَّاهِدُ عَلَى مَنْ أَدَّى إِلَيْهِ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ ﷻ عَلَى الْعِبَادِ.

وَ أَمَّا الْقُبْلَةُ وَ الْإِسْتِلامُ فَلِعَلَّةِ الْعَهْدِ تَجْدِ يَدًا لِذَلِكَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ وَ تَجْدِ يَدًا لِلْبَيْعَةِ لِيُؤَدُّوا إِلَيْهِ الْعَهْدَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الْمِيثَاقِ فَيَأْتُوهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ يُؤَدُّوا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْعَهْدَ وَ الْأَمَانَةَ اللَّذِينَ أُخِذَ عَلَيْهِمْ.

أَلَا تَرَى أَنَّكَ تَقُولُ: «أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ»؟! وَ اللَّهُ، مَا يُؤَدِّي ذَلِكَ أَحَدٌ غَيْرُ شِيعَتِنَا، وَ لَا حَفِظَ ذَلِكَ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ أَحَدٌ غَيْرُ شِيعَتِنَا، وَ إِنَّهُمْ لَيَأْتُوهُ فَيَعْرِفُهُمْ وَ يُصَدِّقُهُمْ وَ يَأْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيُنْكِرُهُمْ وَ يُكْذِبُهُمْ.

در همان جا برای آنان ظاهر شد تا او را دیدند، و از همان مکان است که پرنده‌ای برای قائم عليه السلام فرود می‌آید و نخستین کسی که با او بیعت می‌کند، همان پرنده است که به خدا سوگند! او جبرئیل عليه السلام است.

و حضرت قائم عليه السلام همان مکان تکیه می‌دهد و همو حجّت و دلیل بر آن حضرت است. او شاهد برای افرادی است که در آن مکان او را دیدار کرده‌اند، و گواه بر کسی است که پیمان و عهدی را که خداوند ﷻ بر بندگان گرفته است، ادا کرده است.

و اما علت بوسیدن و دست ساییدن به آن، جهت تجدید همان عهد و پیمان و بیعت است، تا آن عهدی که خداوند در میثاق از آنان گرفته است به او ادا کنند. از این رو مردم هر سال نزد آن می‌آیند و آن عهد و امانتی را که از آنان گرفته شده، ادا می‌کنند.

مگر تو نمی‌گویی: «امانت خود را ادا کردم و میثاق و پیمانم را تجدید نمودم تا این که برای من به وفای به پیمان گواهی دهی»؟!، به خدا سوگند! جز شیعیان ما کسی آن را ادا نمی‌کند و جز آنان، آن عهد و میثاق را حفظ نمی‌نماید، و به راستی که شیعیان ما نزد آن می‌آیند، همه آنها را می‌شناسد و آنان را تصدیق می‌کند، و دیگران (غیر شیعیان) نزد آن می‌آیند، آنها را انکار می‌کند و تکذیب می‌نماید.

وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَحْفَظْ ذَلِكَ غَيْرَكُمْ فَلَكُمْ وَاللَّهِ، يَشْهَدُ وَعَلَيْهِمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ
بِالْخَفْرِ وَالْجُحُودِ وَالْكَفْرِ، وَهُوَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَجِيءُ،
وَلَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَعَيْنَانِ فِي صُورَتِهِ الْأُولَى يَعْرِفُهُ الْخَلْقُ وَلَا يُنْكِرُهُ، يَشْهَدُ لِمَنْ
وَأَفَاهُ وَجَدَّدَ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ عِنْدَهُ بِحِفْظِ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَيَشْهَدُ
عَلَى كُلِّ مَنْ أَنْكَرَ وَجَحَدَ وَنَسِيَ الْمِيثَاقَ بِالْكَفْرِ وَالْإِنْكَارِ.
فَأَمَّا عِلَّةٌ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَهَلْ تَدْرِي مَا كَانَ الْحَجَرُ؟
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: كَانَ مَلَكًا مِنْ عُظَمَاءِ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ اللَّهِ. فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
الْمِيثَاقَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَأَقَرَّ ذَلِكَ الْمَلَكُ، فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِينًا عَلَيَّ جَمِيعِ
خَلْقِهِ، فَالْقَمَّةُ الْمِيثَاقُ وَأُودِعَهُ عِنْدَهُ وَاسْتَعْبَدَ الْخَلْقُ أَنْ يُجَدِّدُوا عِنْدَهُ فِي كُلِّ
سَنَةِ الْإِقْرَارَ بِالْمِيثَاقِ وَالْعَهْدِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ آدَمَ فِي
الْجَنَّةِ يُدَكِّرُهُ الْمِيثَاقَ وَيُجَدِّدُ عِنْدَهُ الْإِقْرَارَ فِي كُلِّ سَنَةٍ.

چرا که کسی جز شما شیعیان آن را حفظ نمی‌کند، به خدا سوگند! او برای شما گواهی می‌دهد و
علیه آنان به پیمان شکنی، انکار و کفر گواهی می‌دهد. او در روز قیامت حجت بالغه خداوند بر آنان
است و در آن روز در حالتی می‌آید که زبانی گویا و دو چشم بینا در صورت دارد. خلق او را
می‌شناسند و او را انکار نمی‌کنند، به حفظ عهد و پیمان و ادای امانت شهادت می‌دهد، و بر هر
کسی که او را انکار کرده و عهد و پیمان را فراموش کرده به کفر و انکار گواهی می‌دهد.
در مورد این که خداوند حجر الاسود را از بهشت خارج ساخت، آیا می‌دانی حجر الاسود
چه بود؟

عرض کردم: نه.

فرمود: فرشته‌ای از فرشتگان بزرگ در پیشگاه خدا بود. و هنگامی که خداوند از فرشتگان
پیمان گرفت، اولین فرشته‌ای بود که به آن ایمان آورد و به آن اقرار کرد. خداوند او را بر همه
آفریدگانش امین قرار داد و عهد و پیمان را بر دهان او نهاد و آن را به عنوان ودیعه نزد او گذارد، و
بندگان را به بندگی گرفت که هر سال در نزد او به آن میثاق و عهدی که خداوند ﷻ از آنان گرفته،
تجدید عهد کنند، و بدان اقرار نمایند، آن گاه خداوند او را در بهشت با آدم قرار داد تا عهد و
پیمان را به یاد او آورد و هر ساله در نزد آن تجدید اقرار کند.

فَلَمَّا عَصَى آدَمُ وَأُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْسَاهُ اللَّهُ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى وُلْدِهِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ لِيُوصِيَهُ ﷺ وَ جَعَلَهُ نَائِبًا حَيْرَانَ.

فَلَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ حَوَّلَ ذَلِكَ الْمَلَكَ فِي صُورَةِ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ فَرَمَاهُ مِنْ الْجَنَّةِ إِلَى آدَمَ ﷺ وَ هُوَ بِأَرْضِ الْهِنْدِ. فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ أَنْسَ إِلَيْهِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ بِأَكْثَرِ مِنْ أَنَّهُ جَوْهَرَةٌ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ ﷻ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ! أَنْعَرِفُنِي؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: أَجَلٌ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكَ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكَ ذِكْرَ رَبِّكَ.

ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى صُورَتِهِ الَّتِي كَانَ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ، فَقَالَ لِآدَمَ: أَيِنَّ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ؟

فَوَتَّبَعَ إِلَيْهِ آدَمُ وَ ذَكَرَ الْمِيثَاقَ وَ بَكَى وَ خَضَعَ لَهُ وَ قَبَّلَهُ وَ جَدَّدَ الْإِقْرَارَ بِالْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ، ثُمَّ حَوَّلَهُ اللَّهُ ﷻ إِلَى جَوْهَرَةِ الْحَجَرِ دُرَّةً بَيْضَاءَ صَافِيَةً تُضِيءُ،

هنگامی که آدم مخالفت کرد و از بهشت بیرون شد، خداوند آن عهد و میثاقی را که بر او و بر فرزندانش برای حضرت محمد ﷺ و وصی آن حضرت ﷺ گرفته بود، از یادش برد و او را متحیر و سرگردان قرار داد.

هنگامی که خداوند توبه آدم را پذیرفت، آن فرشته را به صورت مرواریدی سفید رنگ گردانید و از بهشت به سوی آدم - که در سرزمین هند بود - فرود آورد، وقتی که آدم او را دید با او انس گرفت با آن که او را جز گوهری سفید نمی شناخت.

خداوند ﷻ او را به سخن درآورد و به او گفت: ای آدم! آیا مرا می شناسی؟

گفت: نه.

گفت: آری، شیطان بر تو چیره گشت و یاد خدا را از یاد تو برد.

سپس به همان صورتی که در بهشت با آدم بود برگشت و به او گفت: عهد و میثاق کجاست؟ آدم به طرف او برجست، میثاق را به یاد آورد، گریه نمود، برای او خضوع کرد و او را بوسید و اقرار به عهد و میثاق کرد و آن را تجدید نمود. آن گاه خداوند ﷻ آن را به گوهر و مرواریدی سفید و صاف و روشنی بخش برگردانید.

فَحَمَلَهُ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى عَاتِقِهِ إِجْلَالاً لَهُ وَ تَعْظِيماً، فَكَانَ إِذَا أَعْيَا حَمَلَهُ عَنْهُ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى وَافَى بِهِ مَكَّةَ فَمَا زَالَ يَأْنُسُ بِهِ بِمَكَّةَ وَ يُجَدِّدُ الْإِفْرَارَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ ﷻ لَمَّا بَنَى الْكَعْبَةَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ، لِأَنَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حِينَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ أَخَذَهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ أَلْقَمَ الْمَلَكُ الْمِيثَاقَ، وَ لِذَلِكَ وَضَعَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنَ وَ نَحَى آدَمَ مِنْ مَكَانِ الْبَيْتِ إِلَى الصَّفَا وَ حَوَاءَ إِلَى الْمَرْوَةِ وَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنَ.

فَلَمَّا نَظَرَ آدَمَ مِنَ الصَّفَا وَ قَدْ وَضِعَ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ كَبَّرَ اللَّهُ وَ هَلَّلَهُ وَ مَجَّدَهُ فَلِذَلِكَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِالتَّكْبِيرِ وَ اسْتِيفَالِ الرُّكْنِ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ مِنَ الصَّفَا، فَإِنَّ اللَّهَ أَوْدَعَهُ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، لِأَنَّ اللَّهَ ﷻ لَمَّا أَخَذَ الْمِيثَاقَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَصِيَّةِ اضْطَكَّتْ فَرَائِصُ الْمَلَائِكَةِ.

و آدم به خاطر بزرگ داشت و شکوه و عظمتش آن را روی دوش خود حمل می کرد و هرگاه خسته می شد جبرئیل آنان برمی داشت تا این که آن را به مکه آورد و پیوسته به آن انس می گرفت و شب و روز اقرار را برای او تازه می کرد.

هنگامی که خداوند ﷻ کعبه را ساخت حجر را در همان مکان گذارد، زیرا خداوند تبارک و تعالی در همان مکان از فرزندان آدم پیمان گرفته بود و در همان مکان میثاق را بر دهان آن فرشته نهاده بود. به همین جهت در آن رکن گذارده شد. آدم را از مکان کعبه به کوه صفا و حوآ را به کوه مروه فاصله داد و حجر الاسود را در آن رکن گذارد.

هنگامی که آدم از صفا نگاه کرد و حجر را دید که در رکن نهاده شده، الله اکبر و لاله الا الله گفت و خدا را به بزرگی یاد کرد. به همین سبب سنت بر این جاری شد که به هنگام آغاز سعی تکبیر بگویند و روی خود را از طرف صفا به رکنی که حجر الاسود در آن نهاده شده متوجه سازند، زیرا خداوند میثاق و عهد را به او سپرد و به دیگر فرشتگان نسپرد. زیرا هنگامی که خداوند ﷻ برای ربوبیت خود، نبوت حضرت محمد ﷺ و وصایت و جانشینی حضرت علی ﷺ پیمان گرفت، فرشتگان سخت به هراس افتادند و ارکان وجودشان لرزید.

فَأَوَّلُ مَنْ أَسْرَعَ إِلَى الْإِفْرَارِ ذَلِكَ الْمَلَكُ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَشَدُّ حُبًّا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهُ وَ لِذَلِكَ اخْتَارَهُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ وَ هُوَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنٌ نَاطِرَةٌ يَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ حَفِظَ الْمِيثَاقَ.

(۲)

بَابُ بَدْءِ الْبَيْتِ وَ الطَّوَّافِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبَّادٍ عُمَرَانَ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
بَيْنَا أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا فِي الطَّوَّافِ إِذْ أَتَيْتُ رَجُلًا شَرَجِبًا مِنَ الرِّجَالِ فَقُلْتُ: وَ مَا الشَّرَجِبُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟
قَالَ: الطَّوِيلُ. فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَ أَدْخَلَ رَأْسَهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَبِي.

پس نخستین موجودی که در این باره به اقرار بشتافت همان فرشته حجر الاسود بود، و در میان فرشتگان کسی نبود که از او بیشتر محمد و آل محمد عليهم السلام را دوست بدارد و به همین سبب خداوند تعالی آن را برگزید و میثاق را بر دهان او نهاد و در روز قیامت در حالتی می آید که زبانی گویا و چشمی بینا دارد، و درباره کسی که در آن مکان با او دیدار کرده و میثاق را محفوظ داشته است شهادت می دهد.

بخش دوم

آغاز خانه کعبه و طواف

۱ - ابو عبّاد عمران بن عطیه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که به همراه پدرم عليه السلام مشغول طواف بودیم، ناگاه مردی شرحب نزدیک آمد.
عرض کردم: خداوند به شما خیر دهد! شرحب چیست؟!
فرمود: مرد بلند قامت. آن مرد رو به ما کرد و گفت: السلام علیکم و با سر خود بین ما فاصله انداخت.

قَالَ: فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ أَبِي وَ أَنَا فَرَدَدْنَا عَلَيْهِ السَّلَامَ . ثُمَّ قَالَ: أَسْأَلُكَ رَحِمَكَ اللَّهُ .
فَقَالَ لَهُ أَبِي: نَقْضِي طَوَافَنَا ثُمَّ تَسْأَلُنِي .
فَلَمَّا قَضَى أَبِي الطَّوَافَ دَخَلْنَا الْحِجْرَ فَصَلَّيْنَا الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ التَّفَتَ، فَقَالَ: أَيْنَ
الرَّجُلُ يَا بَنِيَّ؟
فَإِذَا هُوَ وَرَاءَهُ قَدْ صَلَّى، فَقَالَ: مِمَّنِ الرَّجُلُ؟
قَالَ: مِنْ أَهْلِ الشَّامِ .
فَقَالَ: وَ مِنْ أَيِّ أَهْلِ الشَّامِ؟
فَقَالَ: مِمَّنْ يَسْكُنُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ .
فَقَالَ: قَرَأْتَ الْكِتَابَيْنِ .
قَالَ: نَعَمْ .

من و پدرم و به او نگاه کردیم و سلام او را پاسخ گفتیم، آن گاه عرض کرد: خداوند شما را رحمت کند! می خواهم از شما سؤالی کنم.
پدرم به او فرمود: طواف خود را به پایان برسانیم، سپس از من سؤال کن.
وقتی پدرم طواف را به پایان رساند وارد حجر اسماعیل شدیم و دو رکعت نماز گزاریم، نگاه کرد و فرمود: فرزندم! آن مرد کجاست؟
او در پشت سر پدرم نماز گزارده بود.
پدرم به او فرمود: اهل کجایی؟
عرض کرد: اهل شام.
فرمود: از کدام منطقه شام؟
عرض کرد: از کسانی که در بیت المقدس ساکنند.
فرمود: آیا آن دو کتاب را خوانده‌ای؟^(۱)
عرض کرد: آری.

۱- دو کتاب، تورات و انجیل، یا قرآن و یکی از آن دو باشد.

قَالَ: سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ.

فَقَالَ: أَسْأَلُكَ عَنْ بَدْءِ هَذَا الْبَيْتِ وَ عَنِ قَوْلِهِ: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾.

وَ عَنِ قَوْلِهِ: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾.

فَقَالَ: يَا أَخَا أَهْلِ الشَّامِ! اسْمَعْ حَدِيثَنَا وَ لَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا، فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيْنَا

فِي شَيْءٍ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَدْ

كَذَبَ عَلَى اللَّهِ، وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ عَذَّبَهُ اللَّهُ ﷻ.

أَمَّا بَدْءُ هَذَا الْبَيْتِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ لِّلْمَلَائِكَةِ: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

خَلِيفَةً﴾.

فَرَدَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى اللَّهِ ﷻ فَقَالَتْ: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾؟

فرمود: هر چه به نظرت می‌رسد بپرس.

عرض کرد: از آغاز پیدایش این خانه از شما می‌پرسم، و از گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «ن. سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند»، و از گفتار خداوند که می‌فرماید: «و آن کسانی که در اموال ایشان حقی معلوم برای سائل و محتاج است».

حضرتش فرمود: ای برادر شامی! حدیث ما را بشنو و بر ما دروغ میند، زیرا کسی که در چیزی بر ما دروغ بزند، بر رسول خدا ﷺ دروغ بسته، و کسی که بر رسول خدا ﷺ دروغ بزند، در واقع بر خدا دروغ بسته است، و کسی بر خدا دروغ بزند خداوند ﷻ او را عذاب کند. در مورد آغاز پیدایش این خانه، همانا خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان فرمود: «من در زمین پدید آورنده خلیفه هستم».

فرشتگان در پاسخ خداوند ﷻ گفتند: «آیا کسی را در زمین می‌آفرینی که در آن فساد می‌کند و خونریزی کند؟»

فَاعْرَضَ عَنْهَا فَرَأَتْ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ سَخَطِهِ فَلَاذَتْ بِعَرْشِهِ، فَأَمَرَ اللَّهُ مَلَكًا مِنْ
 الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ بَيْتًا فِي السَّمَاءِ السَّادِسَةِ يُسَمَّى «الضُّرَّاحَ» بِإِزَاءِ عَرْشِهِ،
 فَصَيَّرَهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ يَطُوفُ بِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ لَا يَعُودُونَ وَ
 يَسْتَغْفِرُونَ.

فَلَمَّا أَنْ هَبَطَ آدَمُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا أَمَرَهُ بِمَرْمَةِ هَذَا الْبَيْتِ وَهُوَ بِإِزَاءِ ذَلِكَ،
 فَصَيَّرَهُ لِآدَمَ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَيَّرَ ذَلِكَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.
 قَالَ: صَدَقْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ!

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ وَابْنِ مَحْبُوبٍ
 جَمِيعًا عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 يَقُولُ:

خداوند از فرشتگان روی گردانید و دانستند که این روی گردانی از خشم و غضب
 اوست. از این رو آنان به عرش خداوند پناه بردند و خداوند به فرشته‌ای فرمان داد تا در
 آسمان ششم برای او خانه‌ای بسازد و آن خانه «ضراح» (بیت المعمور) نامیده می‌شود و
 در برابر عرش خداوند است، و آن خانه را برای آسمانیان قرار داد که هر روز هفتاد هزار
 فرشته آن را طواف می‌کنند و بازمی‌گردند و طلب آمرزش می‌کنند.

هنگامی که آدم به آسمان دنیا فرود آمد، خداوند به او فرمان داد تا این خانه کعبه را آباد
 کند، و این خانه در برابر آن خانه است. خداوند کعبه را برای آدم و فرزندان او قرار داد،
 همان طوری که آن خانه (بیت المعمور) را برای آسمانیان قرار داده است.

آن مرد عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! راست فرمودید.

۲ - محمد بن مروان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

كُنْتُ مَعَ أَبِي ۙ فِي الْحَجْرِ فَبَيْنَمَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَجَلَسَ إِلَيْهِ فَلَمَّا انْصَرَفَ سَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ وَرَجُلٌ آخَرٌ.

قَالَ: مَا هِيَ؟

قَالَ: أَخْبِرْنِي أَيَّ شَيْءٍ كَانَ سَبَبُ الطَّوْفِ بِهَذَا الْبَيْتِ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ ۙ لَمَّا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لِأَدَمَ ۙ رَدُّوا عَلَيْهِ، فَقَالُوا: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ؟﴾

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾. فَغَضِبَ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ التَّوْبَةَ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطُوفُوا بِالضُّرَّاحِ وَهُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ وَمَكَثُوا يَطُوفُونَ بِهِ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ ۙ مِمَّا قَالُوا، ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَرَضِيَ عَنْهُمْ. فَهَذَا كَانَ أَصْلُ الطَّوْفِ.

با پدرم ۙ در حجر اسماعیل بودیم. پدرم نماز می‌گزارد، ناگهان مردی به نزد آن حضرت آمد و نشست، وقتی از نماز فارغ شد بر حضرتش سلام نمود و عرض کرد: من از شما در مورد سه چیز می‌پرسم که کسی جز شما و فرد دیگری آنها را نمی‌داند. فرمود: پرسش تو چیست؟

عرض کرد: مرا از سبب طواف در گرد این خانه آگاه کنید؟

فرمود: وقتی که خداوند ۙ به فرشتگان فرمان داد تا بر آدم سجده کنند، در پاسخ گفتند: «آیا کسی را در روی زمین قرار می‌دهی که در آن فساد می‌کند و خونریزی می‌کند با این که ما تو را ستایش تسبیح می‌کنیم و تنزیه می‌نماییم؟»

خدای تبارک و تعالی فرمود: «من از چیزی آگاهم که شما آگاهی ندارید».

پس خداوند بر آنان غضب فرمود. آنها از خداوند درخواست توبه نمودند.

خداوند به آنان فرمان داد تا برگرد ضراح - که همان بیت المعمور است - طواف کنند، و هفت سال در آنجا مانند آنکه همواره طواف می‌نمودند و از آن چه که گفته بودند از خداوند ۙ طلب بخشش می‌کردند. خداوند توبه آنها را پذیرفت و از آنان راضی شد. پس این اصل طواف بود.

ثُمَّ جَعَلَ اللَّهُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ حَذْوِ الضُّرَّاحِ تَوْبَةً لِمَنْ أَذْنَبَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَ طَهَّورًا
لَهُمْ.
فَقَالَ: صَدَقْتَ.

(۳)

بَابُ أَنْ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ مَوْضِعَ الْبَيْتِ وَ كَيْفَ كَانَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عِمْرَانَ الْعَجَلِيِّ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّ شَيْءٍ كَانَ مَوْضِعَ الْبَيْتِ حَيْثُ كَانَ الْمَاءُ فِي قَوْلِ
اللَّهِ تعالى: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾.
قَالَ: كَانَ مَهَاءً بَيْضَاءَ يَعْنِي دُرَّةً.

آن گاه خداوند بیت الحرام کعبه را در برابر ضراح (بیت المعمور) قرار داد تا جایگاهی
برای توبه و بازگشت فرزندان آدم و باعث پاکی آنان از گناه باشد.
آن مرد عرض کرد: راست فرمودید.

بخش سوم

نخستین چیزی را که خداوند از زمین آفرید، مکان کعبه بود، چگونه آن
مکان، نخستین آفریده گشت؟

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْعَجَلِيِّ گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مکان خانه چه چیز
بود آن گاه که همه جا را آب فرا گرفته بود که خداوند تعالى می فرماید: «و عرش پروردگار بر
آب قرار داشت»؟
فرمود: درّی سفید بود که می درخشید (و به نور خود از جاهای دیگر ممتاز بود).

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَائِ عَنِ أَحْمَدَ بْنَ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَنْزَلَ الْحَجَرَ لِأَدَمَ ﷺ مِنَ الْجَنَّةِ وَكَانَ الْبَيْتُ دُرَّةً بَيضاءَ فَرَفَعَهُ اللَّهُ ﷻ إِلَى السَّمَاءِ وَبَقِيَ أُسُهُ وَهُوَ بِحِيَالِ هَذَا الْبَيْتِ يَدْخُلُهُ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لَا يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ أَبَدًا، فَأَمَرَ اللَّهُ ﷻ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ ﷺ بِبُنْيَانِ الْبَيْتِ عَلَى الْقَوَاعِدِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَالِحِ الْفَافِي عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ دَحَا الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِ الْكَعْبَةِ إِلَى مَنَى ثُمَّ دَحَاهَا مِنْ مَنَى إِلَى عَرَفَاتٍ ثُمَّ دَحَاهَا مِنْ عَرَفَاتٍ إِلَى مَنَى. فَالْأَرْضُ مِنْ عَرَفَاتٍ، وَعَرَفَاتٌ مِنْ مَنَى، وَ مَنَى مِنَ الْكَعْبَةِ.

۲ - ابو خديجه (۱) گوید: حضرتش فرمود:

خداوند ﷻ حجر الاسود را از بهشت برای آدم ﷺ فرو فرستاد و خانه کعبه قطعه دري سفيد بود، خداوند ﷻ آن را به آسمان بالا برد و پايه آن به جای ماند و آن در مقابل اين خانه بود، که هر روز هفتاد هزار فرشته به آن داخل می شوند که هرگز به آن بر نمی گردند. آن گاه خداوند ﷻ ابراهيم و اسماعيل ﷺ را مأمور ساخت تا خانه را روی آن پايه ها بنا کنند.

۳ - صالح لفائفی گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

همانا خداوند ﷻ زمين را از زیر کعبه تا منا بگسترده، سپس آن را از منا تا عرفات گسترش داد، پس از آن، از عرفات تا منا گسترده ساخت. از اين رو زمين از عرفات است، و عرفات از منا و منا از کعبه .

۱ - اين روايت در کتاب «من لا يحضره الفقيه» از امام صادق ﷺ روايت نقل شده است .

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
كَانَ مَوْضِعُ الْكَعْبَةِ رِبْوَةً مِنَ الْأَرْضِ بَيْضَاءَ تُضِيءُ كَضَوْءِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حَتَّى قَتَلَ ابْنَا آدَمَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَاسْوَدَّتْ.
فَلَمَّا نَزَلَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَفَعَ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ كُلَّهَا حَتَّى رَأَاهَا.
ثُمَّ قَالَ: هَذِهِ لَكَ كُلُّهَا.
قَالَ: يَا رَبِّ! مَا هَذِهِ الْأَرْضُ الْبَيْضَاءُ الْمُنِيرَةُ؟
قَالَ: هِيَ فِي أَرْضِي، وَ قَدْ جَعَلْتُ عَلَيْكَ أَنْ تَطُوفَ بِهَا كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِمِائَةَ طَوَافٍ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ: لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّاهُ اللَّهُ الْعَتِيقَ؟

۴- عبدالله هاشمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محل کعبه تپه سفیدی از زمین بود، که به سان خورشید و ماه می درخشید، و این وضع همچنان باقی بود تا آن گاه که یکی از دو پسر آدم، برادر خود را کشت و آن تپه نورانی سفید، سیاه گشت.

هنگامی که آدم فرود آمد، خداوند همه زمین را برای آدم بالا برد تا آن را دید، سپس فرمود: آن چه دیدی همه از آن توست.

آدم گفت: پروردگارا! این سرزمین سفید نورانی چیست؟

فرمود: آن (حرم من است که) در زمین من قرار دارد، و من آن را برای تو مقرر کردم که هر روز هفتصد بار گرد آن طواف کنی.

۵- ابو حمزه ثمالی گوید: در مسجدالحرام به امام باقر علیه السلام عرض کردم: برای چه خداوند خانه کعبه را عتیق (آزاد شده) نامید؟

فَقَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَيْتِ وَضَعَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا لَهُ رَبٌّ وَ سَكَّانٌ
يَسْكُنُونَهُ غَيْرَ هَذَا الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ لَا رَبَّ لَهُ إِلَّا اللَّهُ ﷻ وَ هُوَ الْحُرُّ.
ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ خَلَقَهُ قَبْلَ الْأَرْضِ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِ فَدَحَاهَا مِنْ
تَحْتِهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: لِمَ سُمِّيَ الْبَيْتُ الْعَتِيقُ؟

قَالَ: هُوَ بَيْتٌ حُرٌّ عَتِيقٌ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ

عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي زُرَّارَةَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي حَسَّانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ ﷻ أَنْ يَخْلُقَ الْأَرْضَ أَمَرَ الرِّيَّاحَ فَضْرَبْنَ وَجْهَ الْمَاءِ.

فرمود: هر خانه‌ای را که خداوند بر روی زمین قرار داده است صاحب و ساکن دارد، جز
این خانه کعبه که جز خداوند ﷻ صاحبی ندارد و آن خانه، آزاد است.
آن گاه فرمود: همانا خداوند ﷻ این خانه را پیش از زمین آفرید. آن گاه زمین را آفرید و
آن را از زیر این خانه گسترش داد.

۶- راوی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: برای چه کعبه بیت عتیق نامیده شد؟

فرمود: چون آن خانه، آزاد است و از تسلط مردم و جبّاران آزاد است، و هیچ
جهان‌گشایی مالک آن نشده است.

۷- ابو حسان گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند ﷻ اراده فرمود تا زمین را بیافریند به باد فرمان دارد تا به شدت بر
روی آب بوزد.

حَتَّى صَارَ مَوْجًا، ثُمَّ أَرْبَدَ فَصَارَ زَبَدًا وَاحِدًا فَجَمَعَهُ فِي مَوْضِعِ الْبَيْتِ ثُمَّ جَعَلَهُ جَبَلًا مِنْ زَبَدٍ ثُمَّ دَحَا الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾.

وَ رَوَاهُ أَيْضًا عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مِثْلَهُ.

(۴)

بَابُ فِي حَجِّ آدَمَ ﷺ

۱ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

به گونه‌ای که موجی پدیدار گشت، آن موج‌ها تراکم شدند و به توده‌ای از کف تبدیل شدند، آن گاه در محلّ خانه کعبه کفی گرد آورد، و آن را کوهی از کف ساخت، و آن گاه زمین را از زیر آن کوه گسترش داد، و این همان معنای گفتار خداوند ﷻ است که می‌فرماید: «همانا نخستین خانه‌ای که خداوند آن را برای پرستش خویش برای مردم قرار داد آن خانه پر خیر و بابرکتی در مکه است».

نظیر این روایت را ابوبکر حضرمی از امام صادق ﷺ روایت کرده است.

بخش چهارم

چگونگی حج آدم ﷺ

۱ - ابو ابراهیم گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ لَمَّا أَصَابَ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْحِجْطَةَ أَخْرَجَهُمَا مِنَ الْجَنَّةِ وَأَهْبَطَهُمَا إِلَى الْأَرْضِ فَأَهْبَطَ آدَمَ عَلَى الصَّفَا وَأَهْبَطَ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ وَإِنَّمَا سُمِّيَ صَفَا، لِأَنَّهُ شُقَّ لَهُ مِنْ اسْمِ آدَمِ الْمُصْطَفَى. وَ ذَلِكَ لِقَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا﴾. وَ سُمِّيَتِ الْمَرْوَةُ مَرْوَةً، لِأَنَّهُ شُقَّ لَهَا مِنْ اسْمِ الْمَرْأَةِ. فَقَالَ آدَمُ: مَا فُرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُ لَا تَحِلُّ لِي، وَ لَوْ كَانَتْ تَحِلُّ لِي هَبَطْتُ مَعِيَ عَلَى الصَّفَا، وَ لَكِنَّهَا حُرِّمَتْ عَلَيَّ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ، وَ فُرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا. فَمَكَتْ آدَمَ مُعْتَزِلًا حَوَاءَ، فَكَانَ يَأْتِيهَا نَهَارًا فَيَتَحَدَّثُ عِنْدَهَا عَلَى الْمَرْوَةِ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ وَ خَافَ أَنْ تَغْلِبَهُ نَفْسُهُ يَرْجِعُ إِلَى الصَّفَا، فَيَبِيتُ عَلَيْهِ.

هنگامی که حضرت آدم و همسرش حوا از گندم خوردند، خداوند ﷻ آنها را از بهشت بیرون کرد و به زمین فرستاد، آدم کنار کوه صفا و حوا کنار کوه مروه فرود آمد، و از آن رو که آدم مصطفی و برگزیده بود آن کوه را صفا نامیدند و این، همان معنای گفتار خداوند ﷻ است که می‌فرماید: «خدا آدم و نوح را برگزید» و از آن رو مروه نامیده شد، زیرا برای آن اسمی از اسم مرأة (زن) انتخاب گشت. آدم گفت: جدایی میان من و حوا فقط بدین جهت است که او برای من حلال نیست. اگر برای من حلال بود به همراه من به کوه صفا فرود می‌آمد و به همین خاطر بر من حرام گشته و بین من و او جدایی افتاده است. دیر زمانی آدم از حوا کناره گرفت و روزها به نزد او می‌آمد و کنار کوه مروه با او سخن می‌گفت و چون شب می‌شد از ترس این که مبدا نفس وی بر او چیره شود، به کوه صفا باز می‌گشت و در آنجا می‌خوابید.

وَلَمْ يَكُنْ لِأَدَمَ أَنْسٌ غَيْرَهَا، وَلِذَلِكَ سُمِّيَنَ النِّسَاءَ مِنْ أَجْلِ أَنَّ حَوَاءَ كَانَتْ أَنْسًا
لِأَدَمَ لَا يُكَلِّمُهُ اللَّهُ وَلَا يُرْسِلُ إِلَيْهِ رَسُولًا.
ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ ﷻ مَنْ عَلَيْهِ بِالتَّوْبَةِ وَتَلَقَّاهُ بِكَلِمَاتٍ، فَلَمَّا تَكَلَّمَ بِهَا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
بَعَثَ إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آدَمُ التَّائِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ الصَّابِرُ لِبَلِيَّتِهِ!
إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ لِأَعَلِّمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي تَطْهَرُ بِهَا.
فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَنْطَلَقَ بِهِ إِلَى مَكَانِ الْبَيْتِ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ عِمَامَةً فَأَظَلَّتْ مَكَانَ
الْبَيْتِ، وَكَانَتْ الْعِمَامَةُ بِحِيَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَقَالَ: يَا آدَمُ! خُطِّ بِرِجْلِكَ حَيْثُ
أَظَلَّتْ عَلَيْكَ هَذِهِ الْعِمَامَةُ، فَإِنَّهُ سَيُخْرِجُ لَكَ بَيْتًا مِنْ مَهَاةٍ يَكُونُ قِبَلَتَكَ وَ قِبَلَةَ
عَقِبِكَ مِنْ بَعْدِكَ.

برای آدم مونسی جز حوا نبود و به همین سبب زن‌ها را نساء نامیده‌اند، چون که حوا
انیسی برای آدم بود، و خداوند با آدم سخن نمی‌گفت، فرستاده‌ای را به نزد او نمی‌فرستاد.
هنگامی که خداوند ﷻ به توبه و بازگشت برای او مسنت نهاد و کلماتی^(۱) را برای وی
فروفرستاد. وقتی آدم آن کلمات را گفت، خداوند توبه او را پذیرفت و جبرئیل را نزد او فرستاد
و به وی گفت: سلام بر تو ای آدم! ای توبه کننده از خطای خود و شکیبای بر بلای خویش! اینک
خداوند ﷻ مرا نزد تو فرستاد تا مناسکی را به تو بیاموزم که خود را با انجام آن پاکیزه کنی.
سپس دست او را گرفت و به مکان خانه کعبه برد. خداوند بر او ابری فرستاد و بر محل
کعبه سایه افکند و آن ابر در مقابل بیت المعمور بود.
جبرئیل گفت: ای آدم! آن جایی را که ابر بر تو سایه افکنده با پای خود نشانه کن و به زودی
برای تو خانه‌ای از در بیرون خواهد آمد که قبله تو و فرزندان پس از تو خواهد بود.

۱ - با توجه به روایات دیگر مراد از کلمات، نام‌های مبارک پنج تن علیهم السلام است که خداوند به وسیله ایشان توبه آدم را
پذیرفت.

فَفَعَلَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخْرَجَ اللَّهُ لَهُ تَحْتَ الْعِمَامَةِ بَيْتًا مِنْ مَهَابَةٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ، وَكَانَ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَضْوَأَ مِنَ الشَّمْسِ، وَإِنَّمَا اسْوَدَّ، لِأَنَّ الْمُشْرِكِينَ تَمَسَّحُوا بِهِ فَمِنْ نَجَسِ الْمُشْرِكِينَ اسْوَدَّ الْحَجَرُ. وَأَمْرُهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَسْتَغْفِرَ اللَّهُ مِنْ ذَنْبِهِ عِنْدَ جَمِيعِ الْمَشَاعِرِ، وَ يُخْبِرُهُ أَنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ غَفَرَ لَهُ وَأَمْرُهُ أَنْ يَحْمِلَ حَصِيَّاتِ الْجِمَارِ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ.

فَلَمَّا بَلَغَ مَوْضِعَ الْجِمَارِ نَعَرَّضَ لَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ! أَيْنَ تُرِيدُ؟
فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُكَلِّمُهُ وَ اِزْمِهِ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ وَ كَبَّرَ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ.
فَفَعَلَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى فَرَغَ مِنْ رَمِي الْجِمَارِ، وَأَمْرُهُ أَنْ يُقَرِّبَ الْقُرْبَانَ وَ هُوَ الْهَدْيُ قَبْلَ رَمِي الْجِمَارِ، وَأَمْرُهُ أَنْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ تَوَاضِعًا لِلَّهِ ﷻ.

آدم چنین کرد و خداوند از زیر ابر برای او خانه‌ای از در بیرون آورد. آن گاه خداوند حجرالاسود را فرود آورد و در حالی که از شیر سفیدتر و از خورشید درخشنده‌تر بود و این که سیاه گشت به جهت آن که مشرکان به آن دست مالیدند و به خاطر پلیدی آنان سیاه شد.

جبرئیل علیه السلام به آدم فرمان داد تا در تمام مشاعر (عرفات، مزدلفه و موارد دیگر) از گناه خود توبه کند و به او خبر داد که خداوند ﷻ او را بخشیده است، و به او دستور داد تا سنگریزه‌های جمره‌های سه گانه در منارا از مزدلفه بردارد، و چون به محل جمره‌ها رسید، ابلیس با او رو به رو شد و گفت: ای آدم! کجا می‌روی؟
جبرئیل به آدم گفت: با او سخن مگو و هفت سنگریزه به او بزن و با پرتاب هر سنگریزه تکبیر بگو.

آدم علیه السلام چنین کرد تا این که از رمی سه جمره فارغ گشت، و به او فرمان داد تا قربانی کند و آن قربانی پیش از رمی سه جمره است، و به او و دستور داد تا سر خود را به جهت تواضع و فروتنی برای خداوند ﷻ بتراشد.

فَفَعَلَ آدَمُ ﷺ ذَلِكَ ثُمَّ أَمَرَهُ بِزِيَارَةِ الْبَيْتِ وَأَنْ يَطُوفَ بِهِ سَبْعًا وَيَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أُسْبُوعًا يَبْدَأُ بِالصَّفَا وَيَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ. ثُمَّ يَطُوفَ بَعْدَ ذَلِكَ أُسْبُوعًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ لَا يَحِلُّ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يُبَاضِعَ حَتَّى يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ. فَفَعَلَ آدَمُ ﷺ. فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ غَفَرَ ذَنْبَكَ وَ قَبِلَ تَوْبَتَكَ وَ أَحَلَّ لَكَ زَوْجَتَكَ، فَانطَلَقَ آدَمُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ وَ قُبِلَتْ مِنْهُ تَوْبَتُهُ، وَ حَلَّتْ لَهُ زَوْجَتُهُ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ آدَمَ ﷺ لَمَّا أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ أَهْبَطَ عَلَى الصَّفَا، وَ لِذَلِكَ سُمِّيَ الصَّفَا، لِأَنَّ الْمُصْطَفَى هَبَطَ عَلَيْهِ، فَتَقَطَّعَ لِلْجَبَلِ اسْمٌ مِنْ اسْمِ آدَمَ يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ».

آدم ﷺ این دستور را نیز انجام داد، آن گاه به او فرمان داد تا کعبه را زیارت کند و دور آن هفت بار طواف نماید، و هفت بار میان صفا و مروه که از صفا شروع و به مروه ختم می شود، سعی کند. پس از آن هفت بار خانه کعبه را طواف کند که این طواف، همان طواف نساء است و برای کسی که محرم شده نزدیکی با زن جایز نیست تا این که طواف نساء را انجام دهد. آدم ﷺ این دستور را نیز انجام داد. جبرئیل به او گفت: همانا خداوند ﷻ گناه تو را بخشید، توبه تو را پذیرفت و همسرت را برای تو حلال کرد. آدم ﷺ روانه شد در حالی که گناهِش بخشوده، توبه اش پذیرفته و همسرش برای او حلال شده بود.

۲- عبدالرحمان بن کثیر گوید: امام صادق ﷺ فرمود: آن گاه که آدم ﷺ به زمین هبوط کرد، به کوه صفا هبوط نمود و آن کوه صفا نام گرفت چرا که برگزیده (خدا) به آن هبوط کرد و نام آن کوه از نام آدم گرفته شده که خداوند می فرماید: «به راستی خداوند آدم، نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید».

وَأُهْبِطَتْ حَوَاءٌ عَلَى الْمَرْوَةِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الْمَرْوَةُ مَرْوَةً، لِأَنَّ الْمَرْأَةَ هَبَطَتْ عَلَيْهَا فَقُطِعَ لِلْجَبَلِ اسْمٌ مِنْ اسْمِ الْمَرْأَةِ، وَهُمَا جَبَلَانِ عَنِ يَمِينِ الْكَعْبَةِ وَشِمَالِهَا. فَقَالَ آدَمُ ﷺ حِينَ فُرِّقَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ حَوَاءَ: مَا فُرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ زَوْجَتِي إِلَّا وَ قَدْ حُرِّمَتْ عَلَيَّ.

فَاعْتَزَلَهَا وَكَانَ يَأْتِيهَا بِالنَّهَارِ فَيَتَحَدَّثُ إِلَيْهَا فَإِذَا كَانَ اللَّيْلَةَ حَشِيَّ أَنْ تَغْلِبَهُ نَفْسُهُ عَلَيْهَا رَجَعَ فَبَاتَ عَلَى الصَّفَا، وَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ النِّسَاءُ، لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِآدَمَ أَنْسٌ غَيْرَهَا.

فَمَكَتْ آدَمُ ﷺ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمَكُتَ لَا يُكَلِّمُهُ اللَّهُ وَ لَا يُرْسِلُ إِلَيْهِ رَسُولًا وَ الرَّبُّ سُبْحَانَهُ يُبَاهِي بِصَبْرِهِ الْمَلَائِكَةَ.

حضرت حواء به کوه مروه هبوط کرد، از این رو آن کوه مروه نامیده شد که نامی از اسم زن به آن کوه برگزیده شد. آن دو کوه در سمت چپ و راست کعبه قرار دارند. آن‌گاه که بین آدم و حوا ﷺ جدایی افتاد آدم گفت: به خاطر حرمت، بین من و همسرم جدایی افتاد. از این رو از او کناره گرفت و روز، نزد او می‌آمد و با او سخن می‌گفت: شب هنگام از بیم غلبه نفس به صفا بازمی‌گشت. و از این رو، زن به عنوان آنیس نامیده شد. چرا که آدم ﷺ با او انس می‌گرفت.

حضرت آدم ﷺ مدتی که خدا می‌خواست چنین بود. خداوند با او سخن نمی‌گفت و فرستاده‌ای نزد او نمی‌فرستاد و خدای سبحان به خاطر صبر و شکیبایی آدم ﷺ به فرشتگان افتخار می‌نمود.

فَلَمَّا بَلَغَ الْوَقْتُ الَّذِي يُرِيدُ اللَّهُ ﷻ أَنْ يَتُوبَ عَلَى آدَمَ فِيهِ أَرْسَلَ إِلَيْهِ
جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آدَمُ الصَّابِرُ لِبَلِيَّتِهِ التَّائِبُ عَنْ خَطِيئَتِهِ! إِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأَعْلَمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكَ بِهَا.
فَأَخَذَ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أَتَى بِهِ مَكَانَ الْبَيْتِ فَنَزَلَ غَمَامٌ مِنَ السَّمَاءِ
فَأَظَلَّ مَكَانَ الْبَيْتِ.

فَقَالَ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ! خُطِّبِ رِجْلِكَ حَيْثُ أَظَلَّ الْغَمَامُ، فَإِنَّهُ قِبْلَةٌ لَكَ وَ لِأَخِي
عَقِبِكَ مِنْ وُلْدِكَ.

فَخَطَّ آدَمُ بِرِجْلِهِ حَيْثُ أَظَلَّ الْغَمَامُ، ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ إِلَى مَنَى فَأَرَاهُ مَسْجِدَ مَنَى،
فَخَطَّ بِرِجْلِهِ وَ مَدَّ خِطَّةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بَعْدَ مَا خَطَّ مَكَانَ الْبَيْتِ، ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ مِنْ
مَنَى إِلَى عَرَافَاتٍ فَأَقَامَهُ عَلَى الْمَعْرَفِ.

آن‌گاه که موعدی که خداوند می‌خواست فرا رسید که توبه آدم را بپذیرد، خداوند
جبرئیل را نزد او فرستاد و گفت: سلام بر تو ای آدم، شکبیا نسبت به بلا و توبه‌گراز گناه
خود! خداوند متعال مرا نزد تو فرستاد تا مناسک و اعمالی را که خداوند می‌خواهد به
وسیله آنها توبه تو را بپذیرد، به تو بیاموزم.

جبرئیل دست آدم را گرفت و به جای کعبه آورد. پس ابری از آسمان در فراز آن قرار
گرفت و جای کعبه را سایه انداخت.

جبرئیل گفت: ای آدم! جای سایه را با پای خود خط بکش که همان جا قبله تو و نسل
تو خواهد بود.

پس از آن جبرئیل با آدم به سوی منا روانه شد و مسجد منارا به او نشان داد و او با پای
خود خط کشید، پس از آن که جای کعبه را خط کشید مکان مسجد الحرام را نیز رسم کرد.
آن‌گاه با آدم از منا به سوی عرفات روانه شد و او را بر موقف معرفت واداشت.

فَقَالَ: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَعْتَرِفْ بِذَنْبِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ، وَ سَلِ اللَّهَ الْمَغْفِرَةَ وَ التَّوْبَةَ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ لِذَلِكَ سُمِّيَ الْمَعْرَفَ، لِأَنَّ آدَمَ اعْتَرَفَ فِيهِ بِذَنْبِهِ وَ جُعِلَ سُنَّةً لِوَلَدِهِ يَعْتَرِفُونَ بِذُنُوبِهِمْ كَمَا اعْتَرَفَ آدَمُ، وَ يَسْأَلُونَ التَّوْبَةَ كَمَا سَأَلَهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ أَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ فَأَقَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَمَرَّ عَلَى الْجِبَالِ السَّبْعَةِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يُكَبِّرَ عِنْدَ كُلِّ جَبَلٍ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى جَمْعٍ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى جَمْعٍ ثَلَاثَ اللَّيْلِ فَجَمَعَ فِيهَا الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْأَخْرَةَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ ثَلَاثَ اللَّيْلِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ.

ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَنْبَطِحَ فِي بَطْحَاءِ جَمْعٍ فَأَنْبَطِحَ فِي بَطْحَاءِ جَمْعٍ حَتَّى انْفَجَرَ الصُّبْحُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَصْعَدَ عَلَى الْجَبَلِ جَبَلِ جَمْعٍ وَ أَمَرَهُ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ أَنْ يَعْتَرِفَ بِذَنْبِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَسْأَلَ اللَّهَ التَّوْبَةَ وَ الْمَغْفِرَةَ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

و گفت: آن گاه که آفتاب غروب کرد، هفت مرتبه به گناه خود اقرار کن، و هفت مرتبه از خداوند آمرزش و توبه را درخواست کن.

آدم در آنجا به گناه خود اعتراف کرد و آن را برای فرزندانش سنت قرار داد که به گناه خود اعتراف کنند، همان طوری که آدم اعتراف کرد و از خدا درخواست توبه کنند آن سان که آدم درخواست توبه کرد.

آن گاه جبرئیل به او فرمان داد تا از عرفات روانه شود. او بر کوه‌های هفت‌گانه میان عرفات و مزدلفه گذر کرد، و به او دستور داد تا در نزد هر کوه چهار تکبیر بگوید.

پس آدم آن کار را انجام داد تا این که به مزدلفه رسید، هنگامی که به مزدلفه رسید یک‌سوم از شب سپری شده بود. در آن شب، در آن مکان بین نماز مغرب و عشا را جمع کرد. آن گاه به او فرمان داد تا در وادی مزدلفه رکوع و سجود خود را طولانی کند. او این کار را کرد تا این که صبح صادق طلوع نمود. پس به او دستور داد تا بر کوه مزدلفه بالا رود و به هنگام طلوع آفتاب، هفت مرتبه به گناه خود اعتراف نماید و هفت مرتبه از خداوند توبه و آمرزش خواهی کند.

فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا أَمَرَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنَّمَا جَعَلَهُ اعْتِرَافِينَ لِيَكُونَ سُنَّةً فِي
 وُلْدِهِ فَمَنْ لَمْ يُدْرِكْ مِنْهُمْ عَرَفَاتٍ وَ أَدْرَكَ جَمْعًا فَقَدْ وَافَى حَجَّهُ إِلَى مِنَى، ثُمَّ
 أَفَاضَ مِنْ جَمْعٍ إِلَى مِنَى فَبَلَغَ مِنَى ضَحَى فَأَمَرَهُ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي مَسْجِدِ مِنَى ثُمَّ
 أَمَرَهُ أَنْ يُقَرِّبَ لِلَّهِ قُرْبَانًا لِيُقْبَلَ مِنْهُ وَ يَعْرِفَ أَنَّ اللَّهَ تَبَّ عَلَيْهِ وَ يَكُونَ سُنَّةً
 فِي وُلْدِهِ الْقُرْبَانُ.

فَقَرَّبَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُرْبَانًا فَقَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ، فَأَرْسَلَ نَارًا مِنْ السَّمَاءِ فَقَبِلَتْ قُرْبَانُ آدَمَ.
 فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: يَا آدَمُ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ إِذْ عَلَّمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي يُتَوَبُّ
 بِهَا عَلَيْكَ وَ قَبِلَ قُرْبَانَكَ فَاحْلِقْ رَأْسَكَ تَوَاضَعًا لِلَّهِ ﷻ، إِذْ قَبِلَ قُرْبَانَكَ.
 فَحَلَقَ آدَمُ رَأْسَهُ تَوَاضَعًا لِلَّهِ ﷻ ثُمَّ أَخَذَ جَبْرَائِيلُ بِيَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانْطَلَقَ بِهِ إِلَى
 الْبَيْتِ، فَعَرَضَ لَهُ إِبْلِيسُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ، فَقَالَ لَهُ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ: يَا آدَمُ! أَيْنَ تُرِيدُ؟

آدم همان طوری که جبرئیل به او فرمان داده بود، انجام داد، و این که آن را دو اعتراف
 قرار داد یکی در عرفات و دیگری در مزدلفه برای آن است که سنتی در فرزندان او شود که
 هر کس از آنان عرفات را درک نکند و مزدلفه را درک کند و از آنجا به سوی منا روانه شود و
 به حج خود برسد.

سپس آدم از مزدلفه به سوی منا روانه شد و به هنگام بالا آمدن آفتاب به منا رسید. جبرئیل
 به او فرمان داد تا در مسجد منا دو رکعت نماز بگذارد و برای خداوند قربانی نماید تا از او
 قبول شود و بداند که خدا توبه او را پذیرفته است، و این قربانی سنتی در فرزندان او باشد.
 آدم قربانی کرد و خداوند با فرستادن آتشی از آسمان قربانی او را پذیرفت.
 جبرئیل به او گفت: ای آدم! خداوند با تو نیکی کرد که مناسک را به تو یاد داد و با آن
 توبه تو را پذیرفت و قربانی تو را قبول کرد. اینک سر خود را به نشانه تواضع و فروتنی برای
 خداوند بتراش چون قربانی تو را پذیرفت.

آدم به نشانه تواضع و فروتنی برای خداوند ﷻ سر خود را تراشید. آن گاه جبرئیل
 دست آدم را گرفت و با او به طرف کعبه روانه شد و در نزد جمره اول در منا ابلیس بر وی
 آشکار شد. ابلیس لعنه الله به او گفت: ای آدم! کجا می روی؟

فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ! اِزِمِهِ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ وَ كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ.

ثُمَّ عَرَضَ لَهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الثَّانِيَةِ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ! أَيْنَ تُرِيدُ؟

فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِزِمِهِ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ وَ كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ.

ثُمَّ عَرَضَ لَهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الثَّالِثَةِ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ! أَيْنَ تُرِيدُ؟

فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِزِمِهِ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ وَ كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ، فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ لَنْ تَرَاهُ بَعْدَ مَقَامِكَ هَذَا أَبَدًا ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ إِلَى الْبَيْتِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ سَبْعَ مَرَّاتٍ. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ.

فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ ذُنُوبَكَ وَ قَبِلَ تَوْبَتَكَ وَ أَحَلَّ لَكَ زَوْجَتَكَ.

جبرئیل به آدم گفت: هفت سنگریزه به او بزن و با هر سنگریزه یک تکبیر بگو. آدم آن کار را انجام داد و ابلیس رفت.

سپس در نزد جمرة دوم ظاهر شد و به آدم گفت: کجا می روی؟

جبرئیل به او گفت: با هفت سنگریزه او را بزن و با هر سنگریزه یک تکبیر بگو. آدم آن کار را کرد و ابلیس رفت.

آن گاه در نزد جمرة سوم بر او آشکار شد و گفت: ای آدم کجا می روی؟

جبرئیل به او گفت: هفت سنگریزه به او بزن و با هر سنگریزه یک تکبیر بگو. آدم آن کار را انجام داد و ابلیس برفت.

جبرئیل به آدم گفت: پس از این مکان، هرگز او را نخواهی دید، آن گاه با او به سوی کعبه روانه شد و به او فرمان داد تا هفت بار خانه کعبه را طواف کند، و آدم آن کار انجام داد.

جبرئیل به او گفت: همانا خداوند گناهت را بخشید، توبه تو را پذیرفت و همسرت را برای تو حلال کرد.

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ حَازِمٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا طَافَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَيْتِ وَ انْتَهَى إِلَى الْمُلتَزِمِ قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ! أَقْرَبَ لِرَبِّكَ بِذُنُوبِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ.

قَالَ: فَوَقَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَبِّ إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا وَ قَدْ عَمِلْتُ فَمَا أَجْرِي. فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ! قَدْ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ.

قَالَ: يَا رَبِّ! وَ لَوْلَا دِي أَوْ لِدَرْيْتِي؟

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ! مَنْ جَاءَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ، وَ أَقْرَبَ بِذُنُوبِهِ، وَ تَابَ كَمَا تُبْتُ نَمَّ اسْتَعْفَرَ غَفَرْتُ لَهُ.

عبدالحمید بن ابی دیلم نیز مانند این حدیث را از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

۳- معاویة بن عمار و جمیل بن صالح گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که آدم علیه السلام خانه کعبه را طواف کرد و به ملتزم (که در پشت کعبه است) رسید،

جبرئیل به او گفت: ای آدم! در این مکان به گناه خود اقرار کن!

امام علیه السلام فرمود: آدم علیه السلام ایستاد و گفت: ای پروردگارا! به راستی برای هر عمل کننده‌ای

اجرو پاداشی است و من دستور تو را اجرا کردم؛ اجرو پاداش من چیست؟

خداوند ﷻ به او وحی فرمود: ای آدم! گناه تو را بخشیدم.

عرض کرد: پروردگارا! آیا برای فرزندان و ذریه من نیز این اجرو پاداش هست؟

خداوند ﷻ به او وحی فرمود: ای آدم! هر کس از فرزندان تو به این مکان بیاید و به

گناهان خود اقرار کند و همان طوری که تو، توبه کردی توبه کند و درخواست بخشش و

آمرزش نماید او را می‌آمرزم.

- ۴- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا أَفَاضَ آدَمُ مِنْ مَنَى تَلَقَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا: يَا آدَمُ! بُرِّحْكَ أَمَا إِنَّهُ قَدْ حَجَّجْنَا هَذَا الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ تَحُجَّهُ بِأَلْفِي عَامٍ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو بَلَالٍ الْمَكِّيُّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ صَلَّى فِيمَا بَيْنَ الْبَابِ وَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ رَكْعَتَيْنِ، فَقُلْتُ لَهُ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنْكُمْ صَلَّى فِي هَذَا الْمَوْضِعِ. فَقَالَ: هَذَا الْمَكَانُ الَّذِي تَيْبَ عَلَيَّ آدَمَ عليه السلام فِيهِ.
- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ آدَمَ عليه السلام حَيْثُ حَجَّ بِمَا حَلَقَ رَأْسَهُ. فَقَالَ: نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عليه السلام بِيَاقُوتَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَمَرَهَا عَلَى رَأْسِهِ فَتَنَاطَرَ شَعْرُهُ.

۴- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که آدم از منا کوچ کرد، فرشتگان از او استقبال کردند و گفتند: حجّت مقبول باد! هان! ما دو هزار سال پیش از آن که بر این خانه طواف کنی، آن را طواف کرده ایم.

۵- ابو بلال مکی گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که خانه کعبه را طواف کرد، سپس در مکانی میان در و حجرالاسود دو رکعت نماز گزارد، به حضرتش عرض کردم: از شما خاندان کسی را ندیده ام که در این مکان نماز گزارد؟!

فرمود: اینجا مکانی است که در آن توبه آدم پذیرفته شد.

۶- علی بن محمد علوی گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم: وقتی آدم اعمال حج را

انجام داد به وسیله چه چیزی سر خود را تراشید؟

فرمود: جبرئیل عليه السلام یاقوتی از بهشت بر ای او آورد، آن را بر سر خود کشید و موهایش بریخت.

(۵)

بَابُ عِلَّةِ الْحَرَمِ وَ كَيْفَ صَارَ هَذَا الْمِقْدَارَ؟

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام عَنِ الْحَرَمِ وَ أَعْلَامِهِ كَيْفَ صَارَ بَعْضُهَا أَقْرَبَ مِنْ بَعْضٍ وَ بَعْضُهَا أَبْعَدَ مِنْ بَعْضٍ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تعالى لَمَّا أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ هَبَطَ عَلَيَّ أَبِي قُبَيْسٍ، فَشَكَا إِلَيَّ رَبِّي الْوَحْشَةَ، وَ أَنَّهُ لَا يَسْمَعُ مَا كَانَ يَسْمَعُهُ فِي الْجَنَّةِ فَأَهْبَطَ اللَّهُ تعالى عَلَيَّ يَاقُوتَةَ حَمْرَاءَ، فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِ الْبَيْتِ. فَكَانَ يَطُوفُ بِهَا آدَمُ عليه السلام فَكَانَ ضَوْؤُهَا يَبْلُغُ مَوْضِعَ الْأَعْلَامِ، فَيَعْلَمُ الْأَعْلَامَ عَلَى ضَوْئِهَا وَ جَعَلَهُ اللَّهُ حَرَمًا.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامِ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام نَحْوَ هَذَا.

بخش پنجم**علت حرم شدن مکه، چرا حرم به این مسافت شد؟**

۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام در مورد حرم و علامت‌های آن پرسیدم که چگونه برخی از علامت‌ها (نسبت به کعبه) نزدیکتر از برخی دیگر و بعضی نیز دورتر از برخی دیگر شد؟

فرمود: هنگامی که خداوند تعالی آدم را از بهشت فرود آورد، بر کوه ابوقییس فرود آمد. او از وحشت و ترس به پروردگار خود شکوه کرد که دیگر صداهایی را که در بهشت می‌شنید نمی‌شنود.

خدای تبارک و تعالی یاقوت سرخ فامی را بر او فرود آورد، و آدم آن را در مکان کعبه قرار داد و همچنان پیرامون آن طواف می‌کرد و شعاع انوار آن یاقوت، تا محلّ اعلام (علامت‌های حرم) گسترش می‌یافت، پس اعلام به نشانه روشنی آن دانسته می‌شود، و از آن پس خداوند تعالی همه آن موضع را حرم ساخت.

نظیر این روایت را ابو همام اسماعیل بن همام کندی نیز از امام رضا عليه السلام روایت کرده است.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام:
 أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى جِبْرِئِيلَ عليه السلام أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَأَنِّي قَدْ رَحِمْتُ آدَمَ وَ حَوَاءَ لَمَّا شَكِيَا إِلَيَّ مَا شَكِيَا.
 فَاهْبِطْ عَلَيْهِمَا بِخَيْمَةٍ مِنْ خَيْمِ الْجَنَّةِ وَ عَزِّهِمَا عَنِّي بِفِرَاقِ الْجَنَّةِ، وَ اجْمَعْ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ، فَإِنِّي قَدْ رَحِمْتُهُمَا لِبُكَائِهِمَا وَ وَحْشَتِهِمَا فِي وَحْدَتِهِمَا، وَ انْصِبِ الْخَيْمَةَ عَلَى التُّرْعَةِ الَّتِي بَيْنَ جِبَالِ مَكَّةَ.
 قَالَ: وَ التُّرْعَةُ: مَكَانُ الْبَيْتِ وَ قَوَاعِدِهِ الَّتِي رَفَعَتْهَا الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ آدَمَ فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ عليه السلام عَلَى آدَمَ عليه السلام بِالْخَيْمَةِ عَلَى مَقْدَارِ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ قَوَاعِدِهِ فَانْصَبَهَا.
 قَالَ: وَ أَنْزَلَ جِبْرِئِيلُ آدَمَ عليه السلام مِنَ الصَّفَا وَ أَنْزَلَ حَوَاءَ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ جَمَعَ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ.

۲ - محمد بن اسحاق گوید، امام باقر عليه السلام از نیاکان گرامیش عليهم السلام نقل کند که حضرتش فرمود: خداوند متعال به جبرئیل عليه السلام وحی فرمود: من خداوند بخشنده مهربانم، هنگامی آدم و حوا (از فراق و جدایی بهشت و دوری از یکدیگر) به من شکایت کردند بر آنان رحم کردم. اینک با خیمه‌ای از خیمه‌های بهشتی بر آنان فرود آی و آنها را به دوری از بهشت تسلیت بگو و در آن خیمه آنها را جمع کن، زیرا من به خاطر گریه و وحشت و تنهاییشان به آنان رحم کردم، و خیمه آنها را در ترعه - که در میان کوه‌های مکه قرار دارد - بر پای دار.
 امام عليه السلام فرمود: ترعه همان مکان خانه کعبه و ستون‌های آن است که پیش از فرود آمدن آدم فرشتگان آن را بلند کرده بودند.
 پس جبرئیل عليه السلام با خیمه‌ای به اندازه پایه‌ها و ستون‌های کعبه بر آدم عليه السلام فرود آمد و آن را برپا داشت.
 امام عليه السلام فرمود: جبرئیل آدم عليه السلام را از صفا و حوا را از مروه پایین آورد و در خیمه میان ایشان را جمع کرد.

قَالَ: وَكَانَ عَمُودُ الْخَيْمَةِ قَضِيبَ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ فَأَصَاءَ نُورُهُ وَضَوْؤُهُ جِبَالَ
مَكَّةَ وَ مَا حَوْلَهَا.
قَالَ: وَ اَمْتَدَّ ضَوْءُ الْعَمُودِ.
قَالَ: فَهَوَّ مَوَاضِعَ الْحَرَمِ الْيَوْمَ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ حَيْثُ بَلَغَ ضَوْءُ الْعَمُودِ.
قَالَ: فَجَعَلَهُ اللَّهُ حَرَمًا لِحُرْمَةِ الْخَيْمَةِ وَ الْعَمُودِ، لِأَنَّهُمَا مِنَ الْجَنَّةِ.
قَالَ: وَ لِذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ ﷻ الْحَسَنَاتِ فِي الْحَرَمِ مُضَاعَفَةً وَ السَّيِّئَاتِ مُضَاعَفَةً.
قَالَ: وَ مُدَّتْ أَطْنَابُ الْخَيْمَةِ حَوْلَهَا فَمُنْتَهَى أَوْتَادُهَا مَا حَوْلَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.
قَالَ: وَ كَانَتْ أَوْتَادُهَا مِنْ عَفْيَانِ الْجَنَّةِ وَ أَطْنَابُهَا مِنْ ضَفَائِرِ الْأَرْجُوانِ.
قَالَ: وَ أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اهْبِطْ عَلَى الْخَيْمَةِ بِسَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ
يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ وَ يُؤَسُّوْنَ آدَمَ وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْخَيْمَةِ تَعْظِيمًا
لِلْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ.

فرمود: ستون خیمه شاخه درخت یاقوت سرخ بود که از تابش و روشنایی آن کوه‌های
مکه و اطراف آن روشن می‌شد.
امام علیه السلام فرمود: روشنایی ستون خیمه کشیده شد، و امروز تا جایی که نور ستون
رسیده،^(۱) از هر طرف مکان و موضع حرم است.
فرمود: خداوند به جهت حرمت و عزت خیمه و ستون، آن را حرم قرار داد؛ زیرا آن دو
از بهشت بودند، و به همین سبب خداوند ﷻ پاداش کار خوب و بد را در حرم چند برابر
غیر حرم قرار داد.
فرمود: طناب‌های خیمه به اطراف آن کشیده شد و انتهای میخ‌های آن کنار مسجدالحرام
است، میخ‌های آن از طلای خالص بهشتی و طناب‌های آن از بافته‌های ارغوان بود.
امام علیه السلام فرمود: خداوند ﷻ به جبرئیل وحی کرد که هفتاد هزار فرشته را بر خیمه فرود
آورد تا آن را از شیطان‌های سرکش حفظ کنند و مونس آدم باشند و به جهت تعظیم و بزرگ
داشت خانه و خیمه برگرد آن طواف کنند.

۱- این روایت در «من لا یحضره الفقیه» از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

قَالَ: فَهَبَطَ بِالْمَلَائِكَةِ فَكَانُوا بِحَضْرَةِ الْخَيْمَةِ يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ الْعُتَاةِ وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ كَمَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ.

قَالَ: وَ أَرْكَانُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ فِي الْأَرْضِ حِيَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَوْحَى إِلَيَّ جِبْرَائِيلَ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ اهْبِطْ إِلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ، فَنَحِّهِمَا عَنْ مَوَاضِعِ قَوَاعِدِ بَيْتِي وَ ارْفَعْ قَوَاعِدَ بَيْتِي لِمَلَائِكَتِي ثُمَّ وُلِدِ آدَمَ. فَهَبَطَ جِبْرَائِيلُ عَلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ فَأَخْرَجَهُمَا مِنَ الْخَيْمَةِ وَ نَحَّاهُمَا عَنْ تُرْعَةِ الْبَيْتِ، وَ نَحَى الْخَيْمَةَ عَنْ مَوْضِعِ التُّرْعَةِ.

قَالَ: وَ وَضَعَ آدَمَ عَلَى الصَّفَا وَ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ. فَقَالَ آدَمُ: يَا جِبْرَائِيلُ! أَيْسَخَطُ مِنَ اللَّهِ ﷻ حَوْلَتْنَا وَ فَرَّقْتَ بَيْنَنَا أَمْ بِرِضًا وَ تَقْدِيرٍ عَلَيْنَا؟

فرمود: جبرئیل فرشتگان را فرود آورد و آنان در کنار خیمه بودند و آن را از شیطان‌های سرکش متکبر حفظ می‌کردند و در اطراف پایه‌های خانه و خیمه هر شب و روز طواف می‌کردند، همچنان که در آسمان در گرد بیت المعمور طواف می‌نمودند. فرمود: و پایه‌های خانه کعبه در زمین برابر بیت المعمور می‌باشد که در آسمان است. آن‌گاه امام علیؑ فرمود: پس از آن خداوند ﷻ به جبرئیل وحی فرمود که به نزد آدم و حوا فرود آی و آنها را از جاهای اساس خانه‌ام دور کن و ستون‌های خانه‌ام را برای فرشتگان من، سپس برای فرزندان آدم بلند کن. جبرئیل کنار آدم و حوا فرود آمد و آنها را از خیمه بیرون کرد و از پایه‌های خانه کعبه دور ساخت و خیمه را نیز از مکان پایه‌های خانه دور کرد. فرمود: آدم را بر صفا و حوا را بر مروه گذارد. آدم گفت: ای جبرئیل آیا به غضب خداوند جای ما را تغییر دادی و میان ما جدایی افکندی، یا به رضا و خشنودی و تقدیر اوست؟

فَقَالَ لَهُمَا: لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمَا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ.
يَا آدَمُ! إِنَّ السَّبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ الَّذِينَ أَنْزَلَهُمُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ لِيُؤْنِسُوكَ وَ يَطُوفُوا
حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ الْخَيْمَةِ سَأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُبْنِي لَهُمْ مَكَانَ الْخَيْمَةِ بَيْنًا
عَلَى مَوْضِعِ التَّرْعَةِ الْمُبَارَكَةِ حَيْثُ أَلْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَيَطُوفُونَ حَوْلَهُ كَمَا كَانُوا
يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ.

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْيَ أَنْ أَنْحِيكَ وَ أَرْفَعِ الْخَيْمَةَ.

فَقَالَ آدَمُ: قَدْ رَضِينَا بِتَقْدِيرِ اللَّهِ وَ نَأْفِذُ أَمْرَهُ فِيْنَا.

فَرَفَعَ قَوَاعِدَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بِحَجَرٍ مِنَ الصَّفَا وَ حَجَرٍ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ حَجَرٍ مِنْ طُورِ
سَيْنَاءَ وَ حَجَرٍ مِنْ جَبَلِ السَّلَامِ وَ هُوَ ظَهَرَ الْكُوفَةِ وَ أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْيَ جِبْرِيْلُ أَنْ
ابْنِهِ وَ أَيْمَهُ. فَأَقْتَلَعَ جِبْرِيْلُ الْأَحْجَارَ الْأَرْبَعَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ ﷻ مِنْ مَوَاضِعِهِنَّ بِجَنَاحِهِ،
فَوَضَعَهَا حَيْثُ أَمَرَ اللَّهُ ﷻ فِي أَرْكَانِ الْبَيْتِ عَلَى قَوَاعِدِهِ الَّتِي قَدَّرَهَا الْجَبَّارُ وَ
نَصَبَ أَعْلَامَهَا.

گفت: به غضب خدا نیست. خداوند از آن چه انجام می دهد، مورد بازخواست نمی شود. ای آدم! به راستی که هفتاد هزار فرشته ای را که خداوند برای انس تو به زمین فرستاده و در اطراف بیت المعمور طواف می کرده اند از خداوند خواسته اند که در مکان خیمه برای آنان بر جای پایه های مبارک در برابر بیت المعمور خانه ای بسازد تا همان طوری که در آسمان در اطراف بیت المعمور طواف می کردند، در اطراف آن طواف کنند.

پس خداوند به من وحی فرمود تا تو را دور کنم و خیمه را بلند نمایم.

آدم گفت: به تقدیر خداوند راضی شدیم و فرمان او در میان ما جاری شد.

پس جبرئیل بنیادها و اساس های خانه کعبه را به سنگی از صفا، سنگی از مروه، سنگی از طور سینا - که در شام است - و سنگی از کوه سلام (که در پشت کوفه است) بلند کرد، و خداوند ﷻ به جبرئیل فرمود که خانه را بنا کن و آن را به پایان برسان.

جبرئیل به فرمان خداوند ﷻ با بال های خود سنگ های چهارگانه را بر کند و آن جایی را که خداوند ﷻ امر فرموده و تدبیر کرده بوده بود، در پایه های خانه بر بنیادهای آن گذارد و علامت های آن را نصب کرد.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ ابْنِهِ وَأَتَمَّهُ بِحِجَارَةٍ مِنْ أَبِي قُبَيْسٍ وَاجْعَلْ لَهُ بَابَيْنِ بَابًا شَرْقِيًّا وَبَابًا غَرْبِيًّا.
 قَالَ: فَأَتَمَّهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا أَنْ فَرَعَ طَافَتْ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ. فَلَمَّا نَظَرَ آدَمُ وَحَوَاءُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْبَيْتِ انْطَلَقَا فَطَافَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ حَرَجَا يَطْلُبَانِ مَا يَأْكُلَانِ.

(۶)

بَابُ ابْتِلَاءِ الْخَلْقِ وَ اخْتِبَارِهِمْ بِالْكَعْبَةِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يُسَيْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَيْسَى بْنِ يُونُسَ قَالَ:
 كَانَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ مِنْ تَلَامِذَةِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ فَأَنْحَرَفَ عَنِ التَّوْحِيدِ.
 فَقِيلَ لَهُ: تَرَكْتَ مَذْهَبَ صَاحِبِكَ وَ دَخَلْتَ فِيْمَا لَا أَصْلَ لَهُ وَ لَا حَقِيقَةَ؟

آن گاه خداوند ﷻ به جبرئیل وحی فرمود که آن را به سنگی از کوه ابوقبیس بناکن و به پایان برسان و دو در در شرق و غرب آن قرار ده.
 امام ﷻ می فرماید: جبرئیل ﷻ آن را به پایان رساند، سپس فرشتگان برگرد آن طواف کردند، و چون آدم و حواء ﷻ به فرشتگان نگاه کردند که در اطراف خانه طواف می کنند روانه شده و هفت دور طواف کردند، سپس خارج شده و در پی چیزی بودند که بیابند و بخورند (یعنی در پی پیدا کردن غذای خویش رفتند، چون تا پیش از این برایشان غذا آورده می شد).

بخش ششم

ابتلا و گرفتاری مردم و آزمودن آنان به کعبه

۱ - عیسی بن یونس گوید: ابن ابی العوجاء از شاگردان حسن بصری بود، پس از آن که از توحید منحرف شد، به او گفتند: مذهب رفیق خود را واگذاشتی و به مذهبی درآمدی که نه اصلی دارد و نه حقیقتی؟

فَقَالَ: إِنَّ صَاحِبِي كَانَ مِخْلَطًا كَانَ يَقُولُ طَوْرًا بِالْقَدْرِ وَ طَوْرًا بِالْجَبْرِ وَ مَا
أَعْلَمُهُ اعْتَقَدَ مَذْهَبًا دَامَ عَلَيْهِ وَ قَدِمَ مَكَّةَ مُتَمَرِّدًا وَ إِنْكَارًا عَلَيَّ مَنْ يَحِجُّ وَ كَانَ يَكْرَهُ
الْعُلَمَاءَ مُجَالِسَتَهُ وَ مُسَاءَلَتَهُ لِحُبِّ لِسَانِهِ وَ فَسَادِ ضَمِيرِهِ، فَأَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
فَجَلَسَ إِلَيْهِ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ نُظَرَائِهِ.

فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! إِنَّ الْمَجَالِسَ أَمَانَاتٌ وَ لَا بُدَّ لِكُلِّ مَنْ بِهِ سُعَالٌ أَنْ يَسْأَلَ،
أَفَتَأْذُنُ فِي الْكَلَامِ؟
فَقَالَ: تَكَلِّمْ.

فَقَالَ: إِلَى كَمْ تَدُوسُونَ هَذَا الْبَيْدَرَ وَ تَلُوذُونَ بِهَذَا الْحَجَرِ وَ تَعْبُدُونَ هَذَا الْبَيْتَ
الْمَعْمُورَ بِالطُّوبِ وَ الْمَدْرِ وَ تُهْرَوِلُونَ حَوْلَهُ هَرْوَلَةَ الْبَعِيرِ إِذَا نَفَرْنَا؟! إِنَّ مَنْ فَكَّرَ فِي
هَذَا وَ قَدَّرَ عَلِمَ أَنَّ هَذَا فِعْلٌ أَسَّسَهُ غَيْرُ حَكِيمٍ وَ لَا ذِي نَظَرٍ فَقُلْ فَإِنَّكَ رَأْسُ هَذَا
الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ أَبُوكَ أُسُّهُ وَ تَمَامُهُ.

گفت: رفیق و مصاحب من پریشان گوی بود، گاهی به قدر قائل می شد و گاهی به جبر،
و من او را چنان نمی شناسم که معتقد مذهبی شده و به آن ثابت مانده باشد، و از سر تمرد
و سرکشی و به منظور انکار بر کسی که حج را به جای می آورد به مکّه رفت، و دانشمندان
به علت بد زبانی و فساد باطن همنشینی و سؤال و جواب او را خوش نمی داشتند.
پس به نزد امام صادق عليه السلام آمد، و با عده ای مانند خود در محضر آن حضرت بنشست،
و آن گاه گفت: مجالس امانات است و هر که سرفه ای داشته باشد، ناگزیر باید، انجام دهد.
آیا اجازه می دهی سخنی گویم؟
امام عليه السلام فرمود: بگوی.

گفت: تا کی این خرمن را می کوبید، به این سنگ پناه می برید، این خانه به آجر و کلوخ
آباد شده را پرستش می کنید و همچون شتران رم کرده گرد آن هروله می نمایید؟ کسی که در
این باره فکر کند یا حقیقت آن را بررسی نماید، خواهد فهمید که این کاری است که فرد غیر
حکیمی و غیر صاحب نظری آن را تأسیس کرده، پس اکنون تو در این باره سخن آغاز کن،
چرا که تو در این امر سررشته داری و بزرگ آن هستی، و پدرت پایه و پایان رساننده آن است.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ مَنْ أَصَلَّهُ اللَّهُ وَأَعَمَّى قَلْبَهُ اسْتَوْحَمَ الْحَقَّ وَلَمْ يَسْتَعِذْ
 بِهِ وَصَارَ الشَّيْطَانُ وَلِيَّهُ وَرَبَّهُ وَ قَرِينَهُ يُورِدُهُ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ ثُمَّ لَا يُصْدِرُهُ.
 وَ هَذَا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَهُمْ فِي إِثْبَانِهِ فَحَثَّهِمْ عَلَى تَعْظِيمِهِ
 وَ زِيَارَتِهِ وَ جَعَلَهُ مَحَلَّ أَنْبِيَائِهِ وَ قِبْلَةَ لِلْمُصَلِّينَ إِلَيْهِ.
 فَهُوَ شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوَانِهِ وَ طَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى غُفْرَانِهِ مَنْصُوبٌ عَلَى اسْتِوَاءِ الْكَمَالِ
 وَ مَجْمَعِ الْعِظَمَةِ وَ الْجَلَالِ خَلَقَهُ اللَّهُ قَبْلَ دُخُولِ الْأَرْضِ بِالْفَيْ عَامٍ.
 فَأَحَقُّ مَنْ أَطِيعَ فِيمَا أَمَرَ وَ أَنْتَهِيَ عَمَّا نَهَى عَنْهُ وَ زَجَرَ اللَّهُ الْمُنْشِئِي لِلْأَرْوَاحِ وَ
 الصُّورِ.

امام صادق عليه السلام آغاز به سخن کرد و فرمود: بی‌گمان کسی که خدا او را گمراه کرده و
 قلبش را کور ساخته، حق را بر طبع خویش سنگین می‌یابد. از این رو آن را گوارا نمی‌داند،
 شیطان دوست، و سرپرست و همنشین او می‌شود، و او را به راه‌های هلاکت می‌افکند و
 بیرون نمی‌آورد؛ این کعبه خانه‌ای است که خدا به وسیله آن مردم خود را به بندگی خویش
 در آورده تا با آمدن به سوی آن طاعتشان را بیازماید. از این رو آنان را به بزرگداشت و
 زیارت آن برانگیخته است، و آن را جایگاه پیامبران خود و قبله نمازگزاران برای خویش
 قرار داده است. بنابراین، کعبه شعبه‌ای از رضوان او و راهی به غفران و آمرزش اوست که
 بر حد رسیدن به کمال و بر محل جمع شدن عظمت و جلال نصب شده است.
 خداوند کعبه را دو هزار سال پیش از دحو الارض ^(۱) به وجود آورده است. پس
 سزاوارترین فرد، کسی است که در برابر فرمان‌هایش مطیع و فرمانبردار شود و از آن چه
 نهی کرده باز ایستد، خدای به وجود آوردنده روح‌ها و صورت‌ها است.

۱- دحو الارض زمانی است که زمین از زیر کعبه گسترش یافت.

۲- وَ رُوِيَ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ:
 وَ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ جَلَّ تَنَاوُهُ بِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الذُّهَبَانِ وَ
 مَعَادِنِ الْعَقِيَانِ وَ مَعَارِسِ الْجِنَانِ، وَ أَنْ يَحْشُرَ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ وَحْشَ الْأَرْضِ مَعَهُمْ
 لَفَعَلَ.

وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاءُ وَ بَطَلَ الْجَزَاءُ وَ اضْمَحَلَّتِ الْأَنْبَاءُ، وَ لَمَا وَجَبَ لِلْقَائِلِينَ
 أَجُورُ الْمُبْتَلِينَ، وَ لَا لَحِقَ الْمُؤْمِنِينَ ثَوَابُ الْمُحْسِنِينَ، وَ لَا لَزِمَتِ الْأَسْمَاءُ أَهْلِيهَا
 عَلَى مَعْنَى مُبِينٍ.

وَ لِذَلِكَ لَوْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ، وَ لَوْ فَعَلَ
 لَسَقَطَ الْبَلَاؤُ عَنِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.

۲- و روایت شده است: امیرمؤمنان عليه السلام در خطبه‌ای از خطبه‌های خویش فرمود:
 و اگر آن هنگام که خداوند - که ثنای او بزرگ است - پیامبرانش را برای راهنمایی امت‌ها
 برمی‌انگیخت می‌خواست برای آنان گنج‌های زر و معدن‌های طلاهای ناب را بگشاید، و
 باغ‌هایی که در آنها انواع درختان می‌نشانند، و پرندگان آسمان و چرندگان زمین را با آنان
 بفرستد به طور هم به جای می‌آورد.

و اگر چنین کرده بود به طور قطع امتحان برطرف، و اجر و مزد ناپیدا و اخبار غیبی
 بی‌مورد بود. چون مردم بنده دنیا هستند و اگر پیامبران دارای دنیا بودند، مردم فرمان آنها را از
 جان و دل گردن می‌نهادند، آن وقت مؤمن و فاسق تشخیص داده نمی‌شد و پاداش و کیفری در
 کار نبود و برای قبول کنندگان تکلیف پاداش‌های آزمایش شدگان لازم نگردیده و مؤمنان سزاوار
 پاداش نیکوکاران نمی‌شدند و نام‌های خوب مانند مؤمن و متقی و زاهد و عابد اهل‌های آنها را
 بر یک معنایی آشکار لازم نمی‌شد (یعنی نام‌ها با معانی خود مطابقت نمی‌کردند).

برای همین جهت است که اگر به طور حتم خداوند آیه و علامت قدرتی را نازل می‌کرد
 (مانند آن چه بر قوم یونس نازل کرد) گردن‌های کافران برای او فروتنی می‌کرد، و اگر چنین
 می‌کرد آزمایش از همه مردم ساقط می‌شد.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِ نِيَّاتِهِمْ وَ ضَعَفَةً فِيمَا تَرَى
الْأَعْيُنُ مِنْ حَالِهِمْ مِنْ قَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَ الْعُيُونُ غَنَاؤُهُ وَ خِصَاصَةٍ تَمَلُّ
الْأَسْمَاعَ وَ الْأَبْصَارَ أَذَاؤُهُ.

وَ لَوْ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَا تُرَامُ وَ عِزَّةٍ لَا تُضَامُ وَ مُلْكٍ يُمَدُّ نَحْوَهُ أَعْنَاقُ
الرِّجَالِ وَ يُشَدُّ إِلَيْهِ عَقْدُ الرِّحَالِ لَكَانَ أَهْوَى عَلَى الْخَلْقِ فِي الْإِخْتِبَارِ وَ أَبْعَدَ لَهُمْ
فِي الْإِسْتِكْبَارِ وَ لَأَمْنُوا عَنْ رَهْبَةِ قَاهِرَةٍ لَهُمْ أَوْ رَغْبَةِ مَائِلَةٍ بِهِمْ، فَكَانَتْ النِّيَّاتُ
مُشْتَرَكَةً وَ الْحَسَنَاتُ مُقْتَسَمَةً.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْإِتِّبَاعُ لِرُسُلِهِ وَ التَّصَدِيقُ بِكُتُبِهِ وَ الْخُشُوعُ لِرُؤُوسِهِ
وَ الْإِسْتِكَانَةُ لِأَمْرِهِ وَ الْإِسْتِسْلَامُ لِطَاعَتِهِ أُمُورًا لَهُ خَاصَّةٌ لَا تَشُوبُهَا مِنْ غَيْرِهَا شَائِبَةٌ
وَ كَلَّمَا كَانَتْ الْبَلْوَى وَ الْإِخْتِبَارُ أَعْظَمَ كَانَتْ الْمَثُوبَةُ وَ الْجَزَاءُ أَجْزَلَ.

ولی خداوند - که ثنای او بزرگ است - پیامبرانش را در عزم و اراده‌هایشان قوی و توانا
گرداند، و در آن چه دیده‌ها به احوالشان نگردانند، ناتوانشان ساخت، دارای قناعتی بودند که
دل‌ها و دیده‌ها را از بی‌نیازی پر می‌کرد، و فقر و تنگدستی داشتند که گوش‌ها و چشم‌ها را
پرازار می‌ساخت.

و اگر پیامبران را توانایی و قوتی بود، کسی به فکر آزار آنان نمی‌افتاد، و اگر قدرتی داشتند،
کسی نمی‌توانست بر آنان ستم کند، و اگر سلطنتی داشتند گردن‌های مردان به سوی آن کشیده
می‌شد و گره‌های تنگ مرکب‌ها برای گشودن بار به ساحت ملک آنان بسته می‌گردید. البته برای
امتحان مردم آسان‌تر و از کبر و وزیدنشان دورتر بود، و آن مردم به آن پیامبران ایمان می‌آوردند از
جهت ترسی غلبه‌کننده، یا خواهشی که میل‌کننده به آنان بود، آن گاه تبت‌ها درهم آمیخته و
نیکی‌ها قسمت شده بود نیمی از مردم برای دنیا و نیمی برای آخرت کار می‌کردند.

ولی خداوند اراده فرمود که پیروی از پیامبرانش، باور داشتن کتاب‌هایش، فروتنی برای
فرمان و امر خودش و گردن نهادن به بندگی چیزهایی دربرداشته باشد که ویژه و مخصوص
خود او بوده و از جز آنها عیبی به آن چیزها آمیخته نشود، و به همین خاطر هر چه بلا و امتحان
سخت‌تر، پاداش و مزد فراوان‌تر است.

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ اخْتَبَرَ الْأُولِينَ مِنْ لَدُنِ آدَمَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا
 الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ.
 فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا. ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعِرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ
 حَجْرًا وَأَقْلَّ نَتَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَأَضْيَقَ بَطُونِ الْأَوْدِيَةِ مَعَاشًا وَأَغْلَظَ مَحَالَّ
 الْمُسْلِمِينَ مِيَاهًا بَيْنَ جِبَالٍ حَشِينَةٍ وَرِمَالٍ دَمِيئَةٍ وَعُيُونٍ وَشِبْلَةٍ وَقُرَى مُنْقَطِعَةٍ وَأَثَرٍ
 مِنْ مَوَاضِعِ قَطْرِ السَّمَاءِ دَائِرٍ لَيْسَ يَزْكُو بِهِ خُفٌّ وَلَا ظِلْفٌ وَلَا حَافِرٌ.
 ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ وَوَلَدَهُ أَنْ يُنْتُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَغَايَةً
 لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ.

تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْنِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قِفَارٍ مُتَّصِلَةٍ وَجَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ
 وَمَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يَهْلُلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ.

آیا نمی‌نگرید که خداوند - که ثنای او بزرگ است - از زمان آفرینش آدم، پیشینیان تا آخرین
 فرد از جهانیان را به سنگ‌هایی که سود و زیانی نرسانده و بینا و شنوا نیستند آزمود.
 آن‌گاه آن سنگ‌ها را خانه محترم خویش قرار داد، آن چنان خانه‌ای که آن را برای مردم
 سرپای ساخته و آن را از جهت سنگستان بودن در سخت‌ترین جاهای زمین و از جهت خاک و
 کلوخ داشتن در کمترین جاهای بلند جهان، و از نظر زندگی در تنگ‌ترین دره‌ها، و از جهت آب‌ها
 - که در چاه‌ها هستند - غلیظ‌ترین جایی که مسلمانان فرود می‌آیند، میان کوه‌های درشت و
 زمخت و شن‌های نرم، و چشمه‌های کم آب و قریه‌های دور از هم، و نشانی در بیابان‌ها که کهنه
 است یعنی راه‌های آنجا جاده ندارد و قافله بدون راهنما نمی‌تواند به آنجا برود و راهنما نیز گاهی راه
 را گم می‌کند و باعث سرگردانی قافله می‌شود و شتر و گاو و گوسفند در آنجا فریه نمی‌گردد.
 آن‌گاه به آدم و فرزندان او فرمان داد تا به سمت آن روی آورند. خانه کعبه جایگاه سود دادن
 سفرها و مرکز بارانداختنشان گردید که با به جا آوردن اعمال حج، سودی مادی و معنوی نصیب
 ایشان می‌گردد.

خرم دلان به آن خانه فرود می‌آیند، از بیابان‌های خشک و خالی که پیوسته است و از
 جزیره‌های دریاهایی که از زمین دور و از بلندی‌های دره‌های ژرف برکنارند، تا این که از جهت خشوع
 و خواری و شوق، بازوانشان لرزید. گرد آن خانه صدا به لا اله الا الله برکشیده و هروله‌کنان هستند.

وَ يَزْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْتًا غُبْرًا لَهُ قَدْ نَبَدُوا الْقُفْعَ وَ السَّرَائِيلَ وَ رَاءَ ظُهُورِهِمْ
وَ حَسَرُوا بِالشُّعُورِ حَلْقًا عَنْ رُءُوسِهِمْ ائْتِلَاءً عَظِيمًا وَ اخْتِبَارًا كَبِيرًا وَ امْتِحَانًا
شَدِيدًا وَ تَمَحِيصًا بَلِيغًا وَ قُنُوتًا مُبِينًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وَصْلَةً وَ وَسِيلَةً
إِلَى جَنَّتِهِ وَ عِلَّةً لِمَغْفِرَتِهِ وَ ائْتِلَاءً لِلخَلْقِ بِرَحْمَتِهِ.

وَ لَوْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ
أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الْأَشْجَارِ دَانِي الثَّمَارِ مُلْتَفَّ النَّبَاتِ مُتَّصِلِ الْقَرَى مِنْ بَرَّةٍ
سَمْرَاءَ وَ رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافٍ مُخَدِقَةٍ وَ عِرَاصٍ مُعَدِقَةٍ وَ زُرُوعِ نَاصِرَةٍ وَ طُرُقِ
عَامِرَةٍ وَ حَدَائِقِ كَثِيرَةٍ لَكَانَ قَدْ صَغُرَ الْجَزَاءُ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ.

ثُمَّ لَوْ كَانَتِ الْأَسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمُرْدَةٍ
خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ،
وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلِجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ.

آنان برای خشنودی خدا با موهای ژولیده و روهای غبار آلوده هستند، و سلاح‌ها و
جامه‌های دوخته خویش را به پشت سر افکنده و احرام پوشیده‌اند و سرهای خود را به سبب
اکتفای به موهای سر، برای تراشیدن آنها برهنه کرده‌اند. خداوند آنان را به این اعمال در حج
آزمایش کرد؛ آزمایشی بزرگ، کامل، سخت، هویدا، و خضوعی آشکار، و آن را وسیله
رحمتش، و پیوستگی و رسیدن به بهشتش، و سببی برای بخشش، و آزمایشی برای مخلوق به
رحمتش گردانید.

و اگر خدای تبارک و تعالی خانه محترم خود را میان باغستان‌ها، نهرها، و زمین نرم و هموار -
که با درخت‌های بسیار و میوه‌های نزدیک و گیاه‌های بهم پیوسته، و آبادی‌های نزدیک بهم، از
گندم سرخ و بستان خرّم، و زمین‌های پر گیاه سبز و کشتزارهای تازه و شاداب، و راه‌های آباد و
باغ‌های فراوان - قرار می‌داد؛ مزد و پاداش به نسبت سبکی آزمایش اندک می‌گردانید.

و اگر پایه‌هایی که آن خانه بر روی آن قرار گرفته و سنگ‌هایی که آن را با آنها بالا برده‌اند، از
زمرد سبز، یاقوت سرخ و نور و روشنی بود. البته چنین بنایی کشتی گرفتن‌های شک و تردید را
در سینه‌ها سبک ساخته، و کوشش ابلیس را از دل‌ها برای حج نگزاردن به یک سو نهاده، و شک
و نگرانی را از مردم دور می‌کرد.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبِيدَهُ بَأْنَوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَلْوَانِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجاً لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَ إِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي أَنْفُسِهِمْ، وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فَتْحاً إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَاباً ذُلّاً لِعَفْوِهِ وَ فِتْنَتِهِ كَمَا قَالَ: ﴿الم * أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾.

(۷)

بَابُ حَجِّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ بِنَائِهِمَا الْبَيْتَ وَ مَنْ وَلِيَ الْبَيْتَ بَعْدَهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ وَهَبِ بْنِ عَامِرٍ وَ غَيْرِهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

ولی خواست خداوند ﷺ چنین است که بندگانش را به سختی‌های گوناگون بیازماید، و به انواع کوشش‌ها، به بندگی و ادارشان سازد، و آنان را به چیزهای گوناگونی که خاطر پسند نیست آزمایش کند تا کبر و خودخواهی را از دلشان، و سکونت افتادگی در جانشان را براند. و بدین وسیله این آزمایش را درهای گشاده به سوی احسان، و سایل آسان برای عفو و بخشش و آزمایشش قرار دهد، همچنان که فرموده است: «الم. آیا مردم پنداشتند که واگذاشته می‌شوند که بگویند: ایمان آوردیم و آنان امتحان نشوند. و به تحقیق آنان را که پیش از ایشان بودند، امتحان کردیم. پس البتّه خداوند می‌داند آنان را که راست گفتند و دروغگویان را نیز می‌داند».

بخش هفتم

حج ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و بنای خانه کعبه و والی کعبه پس از آنها

۱ - ابوالعبّاس گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَمَّا وُلِدَ إِسْمَاعِيلُ حَمَلَهُ إِبْرَاهِيمُ وَ أُمُّهُ عَلَى حِمَارٍ وَ أَقْبَلَ مَعَهُ جَبْرَائِيلُ حَتَّى وَضَعَهُ فِي مَوْضِعِ الْحِجْرِ وَ مَعَهُ شَيْءٌ مِنْ زَادٍ وَ سِقَاءٌ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَاءٍ وَ الْبَيْتُ يَوْمَئِذٍ رَبْوَةٌ حَمْرَاءُ مِنْ مَدْرٍ.

فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ لَجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَاهُنَا أَمْرَتُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ مَكَّةُ يَوْمَئِذٍ سَلَمٌ وَ سَمُرٌ وَ حَوْلَ مَكَّةَ يَوْمَئِذٍ نَاسٌ مِنَ الْعَمَالِيقِ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْهُ أَيْضًا قَالَ:

فَلَمَّا وَلَّى إِبْرَاهِيمُ قَالَتْ هَاجِرٌ: يَا إِبْرَاهِيمُ! إِلَى مَنْ تَدْعُنَا؟

قَالَ: أَدْعُكُمْ إِلَى رَبِّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ.

قَالَ: فَلَمَّا نَفِدَ الْمَاءُ وَ عَطِشَ الْغُلَامُ خَرَجَتْ حَتَّى صَعِدَتْ عَلَى الصِّفَا فَنَادَتْ:

هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أَنْيْسٍ؟

وقتی که اسماعیل متولد شد، ابراهیم او و مادرش را بر چهار پایی نشانید و جبرئیل با او آمد تا آن که او را در مکان حجر گذارد و مقداری توشه و مشکى آب به همراه او بود، در آن روز محل کعبه تپه‌ای سرخ‌رنگ از کلوخ بود، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ به جبرئیل گفت: آیا مأمور شده‌ای که اهل مرا در اینجا بگذاری؟

گفت: آری.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در آن روز در مکه درخت سلم و موز بود و در اطراف آن مردمی از عمالیق ^(۱) بودند.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است که حضرتش فرمود: وقتی که ابراهیم رو گرداند تا بازگردد هاجر گفت: ای ابراهیم! ما را به که می‌سپاری؟

گفت: شما را به پروردگار این خانه می‌سپارم.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگامی که آب تمام شد، اسماعیل تشنه گشت، هاجر بیرون رفت و بر کوه صفا بالا رفت و صدا زد: آیا در این دره هیچ مونسى نیست؟!

۱ - عمالیق: گروهی از فرزندان عملیق بن لاوزین ارم بن سام بن نوح می‌باشند که در شهرها پراکنده گردیده‌اند.

ثُمَّ انْحَدَرَتْ حَتَّى أَتَتِ الْمَرْوَةَ، فَنَادَتْ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَقْبَلَتْ رَاجِعَةً إِلَى ابْنِهَا،
فَإِذَا عَقِبُهُ يَفْحَصُ فِي مَاءٍ فَجَمَعْتُهُ فَسَاخَ وَ لَوْ تَرَكَتُهُ لَسَاخَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا خَلَفَ إِسْمَاعِيلَ بِمَكَّةَ عَطِشَ الصَّبِيُّ فَكَانَ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا
وَ الْمَرْوَةَ شَجِرًا، فَخَرَجَتْ أُمُّهُ حَتَّى قَامَتْ عَلَى الصَّفَا فَقَالَتْ: هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ
أَنِيسٍ؟ فَلَمْ تُجِبْهَا أَحَدٌ، فَمَضَتْ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَرْوَةَ.

فَقَالَتْ: هَلْ بِالْبَوَادِي مِنْ أَنِيسٍ؟ فَلَمْ تُجِبْ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الصَّفَا وَ قَالَتْ: ذَلِكَ
حَتَّى صَنَعْتَ ذَلِكَ سَبْعًا.

فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ سُنَّةً.

وَ أَتَاهَا جَبْرَيْلُ فَقَالَ لَهَا: مَنْ أَنْتِ؟

سپس سرازیر شد و به مروه آمد و همان گونه صدا زد، آن گاه به طرف فرزندش
بازگشت، ناگاه دید که پاشنه پای خود را در آب که از زمین می جوشید، می کاوید.
هاجر آن آب را جمع کرد و بر دور آن خاک ریخت تا روان نشود. پس آن آب فرو
نشست و اگر آن را به حال خود وامی گذاشت بر روی زمین روان می شد.

۲ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ اسماعیل را در مکه گذارد، کودک تشنه شد و بین صفا و مروه
درخت بود، مادرش خارج شد تا این که بر صفا ایستاد و گفت: آیا در این درّه مونسى نیست؟
کسى او را پاسخی نداد، گذشت تا این که به مروه رسید گفت: آیا در این درّه انیسی
نیست؟! جوابی داده نشد، آن گاه به صفا بازگشت و همان سخن را تکرار کرد و تا هفت بار
این کار را انجام داد و خداوند آن را سنتی در حج و عمره قرار داد که حاجیان هفت بار میان
صفا و مروه سعی نمایند.

جبرئیل به نزد او آمد و گفت: تو کیستی؟

فَقَالَتْ: أَنَا أُمُّ وَلَدِ إِبْرَاهِيمَ.
 قَالَ لَهَا: إِلَىٰ مَنْ تَرَكَّكُمْ؟
 فَقَالَتْ: أَمَا لَيْنُ قُلْتِ ذَاكَ لَقَدْ قُلْتِ لَهُ حَيْثُ أَرَادَ الذَّهَابَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! إِلَىٰ مَنْ
 تَرَكْتَنَا فَقَالَ: إِلَىٰ اللَّهِ ﷻ.
 فَقَالَ جَبْرَائِيلُ ﷺ: لَقَدْ وَكَلَّكُمْ إِلَىٰ كَافٍ.
 قَالَ: وَكَانَ النَّاسُ يَجْتَنِبُونَ الْمَمَرَّ إِلَىٰ مَكَّةَ لِمَكَانِ الْمَاءِ، فَفَحَصَ الصَّبِيُّ
 بِرِجْلِهِ فَنَبَعَتْ زَمْزَمُ.
 قَالَ: فَرَجَعْتُ مِنَ الْمَرْوَةِ إِلَىٰ الصَّبِيِّ وَ قَدْ نَبَعَ الْمَاءُ، فَأَقْبَلَتْ تَجْمَعُ التُّرَابَ
 حَوْلَهُ مَخَافَةَ أَنْ يَسِيحَ الْمَاءُ وَ لَوْ تَرَكْتَهُ لَكَانَ سَيْحًا.

گفت: من کنیز ابراهیم هستم.

به او گفت: شما را به چه کسی واگذارده است؟

گفت: این سخن را که تو گفتی من نیز هنگام رفتن به او گفتم: ای ابراهیم! ما را به که

وامی گذاری؟

گفت: به خداوند ﷻ.

جبرئیل گفت: به کسی واگذارده که شما را کفایت می کند.

امام ﷺ فرمود: مردم به خاطر نبودن آب از عبور از مکه دوری می کردند. پس اسماعیل

با پای خود زمین را کاوید و آب زمزم جوشید.

فرمود: هاجر از مروه به سوی کودک بازگشت در حالی که از زمین آب جوشیده بود،

پس خاک را در اطراف آن آب جمع می کرد از ترس این که روان شود، و اگر آن را به حال

خود وامی گذاشت روان می شد.

قَالَ: فَلَمَّا رَأَتْ الطَّيْرُ الْمَاءَ حَلَّقَتْ عَلَيْهِ فَمَرَّ رَكْبٌ مِنَ الْيَمَنِ يُرِيدُ السَّفَرَ، فَلَمَّا رَأَوْا الطَّيْرَ قَالُوا: مَا حَلَّقَتْ الطَّيْرُ إِلَّا عَلَى مَاءٍ فَاتَوْهُمْ فَسَقَوْهُمْ مِنَ الْمَاءِ فَأَطَعَمُوهُمْ الرِّكْبَ مِنَ الطَّعَامِ وَ أَجْرَى اللَّهُ ﷻ لَهُمْ بِذَلِكَ رِزْقًا، وَ كَانَ النَّاسُ يَمُرُّونَ بِمَكَّةَ فَيَطْعَمُونَهُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَ يَسْقُونَهُمْ مِنَ الْمَاءِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ كُثُومِ بْنِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْحَرَّانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

أَمَرَ اللَّهُ ﷻ إِبْرَاهِيمَ ﷺ أَنْ يَحُجَّ وَ يُحِجَّ إِسْمَاعِيلَ مَعَهُ وَ يُسْكِنَهُ الْحَرَمَ، فَحَجَّ عَلَى جَمَلٍ أَحْمَرَ وَ مَا مَعَهُمَا إِلَّا جَبْرَيْلُ ﷺ. فَلَمَّا بَلَغَا الْحَرَمَ قَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ: يَا إِبْرَاهِيمُ! أَنْزِلَا فَاعْتَسِلَا قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَا الْحَرَمَ.

فرمود: وقتی که پرندگان آب را دیدند در اطراف آن حلقه زدند. سوارانی از یمن که اراده سفر داشتند وقتی پرندگان را دیدند، گفتند: پرندگان حلقه نزده‌اند مگر بر آب، آنها نیز فرود آمدند. مردم مکه از آنها پذیرایی کردند و به آنها آب و غذا دادند. خداوند به وسیله آن آب، برای آنان روزی جاری ساخت، به این روش که مردم از راه مکه گذر می‌کردند و به آنها غذا می‌دادند و آنان نیز از آب به آنان می‌آشامانیدند.

۳- کثوم حرّانی گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

خداوند ﷻ به ابراهیم ﷺ فرمان داد مراسم حج را به جای آورد، و اسماعیل نیز با او حج را انجام دهد و او را در حرم ساکن سازد، آنان سوار بر شتری سرخ به همراه جبرئیل ﷺ انجام دادند، وقتی که به حرم رسیدند جبرئیل به او گفت: ای ابراهیم! فرود آید و پیش از آن که وارد حرم شوید، غسل کنید.

فَنَزَلَا فَأَعْتَسَلَا وَ أَرَاهُمَا كَيْفَ يَتَهَيَّئَانِ لِلْإِحْرَامِ، فَفَعَلَا ثُمَّ أَمَرَهُمَا فَأَهْلَا بِالْحَجِّ
وَ أَمَرَهُمَا بِالتَّلْبِيَّاتِ الْأَرْبَعِ الَّتِي لَبَّى بِهَا الْمُرْسَلُونَ.

ثُمَّ صَارَ بِهِمَا إِلَى الصَّفَا فَنَزَلَا وَ قَامَ جَبْرئِيلُ بَيْنَهُمَا وَ اسْتَقْبَلَ الْبَيْتَ فَكَبَّرَ اللَّهُ وَ
كَبَّرَا وَ هَلَّلَ اللَّهُ وَ هَلَّلَا وَ حَمَّداً اللَّهُ وَ حَمَّداً وَ مَجَّداً اللَّهُ وَ مَجَّداً وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ
فَعَلَا مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَقَدَّمَ جَبْرئِيلُ وَ تَقَدَّمَ يُثْنِيَانِ عَلَى اللَّهِ ﷻ وَ يُمَجِّدَانِهِ حَتَّى انْتَهَى
بِهِمَا إِلَى مَوْضِعِ الْحَجَرِ فَاسْتَلَمَ جَبْرئِيلُ الْحَجَرَ وَ أَمَرَهُمَا أَنْ يَسْتَلِمَا وَ طَافَ بِهِمَا
أُسْبُوعاً.

ثُمَّ قَامَ بِهِمَا فِي مَوْضِعِ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ ﷺ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ وَ صَلَّى ثُمَّ أَرَاهُمَا
الْمَنَاسِكَ وَ مَا يَعْمَلَانِ بِهِ.

فَلَمَّا قَضَيَا مَنَاسِكَهُمَا أَمَرَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ ﷺ بِالْإِنْصِرَافِ وَ أَقَامَ إِسْمَاعِيلُ ﷺ
وَ حُدَّهُ مَا مَعَهُ أَحَدٌ غَيْرُ أُمِّهِ.

آن دو فرود آمدند و غسل کردند و به آنان نشان داد که چگونه برای احرام آماده شوند،
و آنها انجام دادند، آن گاه به آنها فرمان داد تا برای حج گفتن صدای تلبیه خود را بلند
کردند، و به آنان آن چهار تلبیه‌ای را که پیامبران لبیك گفتند، فرمان داد، سپس با آنان به
سوی صفا روانه شد، در آنجا فرود آمدند و جبرئیل در میان آن دو ایستاد و رو به خانه کعبه کرد
و تکبیر گفت و آن دو نیز تکبیر گفتند، جبرئیل «لااله الاالله» گفت و آنان نیز «لااله الاالله» گفتند، او
خداوند را حمد کرد آنها نیز حمد کردند، او خدای را ستود ایشان نیز ستودند، او خدا را ثنا
گفت آنها نیز ثنا گفتند.

جبرئیل پیش آمد و آنان نیز پیش آمدند و بر خداوند ﷻ ثنا می‌گفتند و او را می‌ستودند
تا این که آنان را به جایگاه حجر الاسود آورد، پس جبرئیل حجر الاسود را امسح کرد و دست کشید
و به آنان فرمان داد تا مسح کنند و دست بکشند، و با آنها هفت دور خانه کعبه را طواف کرد.
سپس با آنان در جایگاه مقام ابراهیم ﷺ ایستاد و دو رکعت نماز گزارد و آنها نیز نماز
گزارند. آن گاه مناسک حج و آن چه را که به آن عمل می‌کنند (مانند وقوف در عرفات و مشعر
و مانند آنها) به آنان نشان داد، و هنگامی که مناسک خود را به انجام رسانیدند، خداوند
ابراهیم ﷺ را فرمان بازگشت داد و اسماعیل به تنهایی ماند و جز مادرش کسی با او نبود.

فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلِ أذنَ اللَّهِ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحَجِّ وَبِنَاءِ الْكَعْبَةِ، وَكَانَتْ الْعَرَبُ تَحُجُّ إِلَيْهِ وَإِنَّمَا كَانَ رَذْمًا إِلَّا أَنْ قَوَاعِدَهُ مَعْرُوفَةٌ، فَلَمَّا صَدَرَ النَّاسُ جَمَعَ إِسْمَاعِيلُ الْحِجَارَةَ وَطَرَحَهَا فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ.
فَلَمَّا أذنَ اللَّهُ لَهُ فِي الْبِنَاءِ قَدِمَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! قَدْ أَمَرْنَا اللَّهُ بِبِنَاءِ الْكَعْبَةِ.

وَكَشَفَا عَنْهَا فَإِذَا هُوَ حَجَرٌ وَاحِدٌ أَحْمَرٌ.

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: ضَعُ بِنَاءَهَا عَلَيْهِ.

وَ أَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ أَرْبَعَةَ أَمْثَالِ يَجْمَعُونَ إِلَيْهِ الْحِجَارَةَ، فَكَانَ إِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَضَعَانِ الْحِجَارَةَ وَالْمَلَائِكَةُ تُنَاوِلُهُمَا حَتَّى تَمَّتِ اثْنَا عَشَرَ ذِرَاعًا وَ هَيَّئَا لَهُ بَابَيْنِ: بَابًا يُدْخَلُ مِنْهُ. وَبَابًا يُخْرَجُ مِنْهُ.

وَ وَضَعَا عَلَيْهِ عَتَبًا وَ شَرَجَا مِنْ حَدِيدٍ عَلَى أَبْوَابِهِ وَكَانَتْ الْكَعْبَةُ عُرْيَانَةً، فَصَدَرَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ سَوَّى الْبَيْتَ وَ أَقَامَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

پس چون سال بعد فرا رسید، خداوند به ابراهیم علیه السلام به ادای حج و بنای کعبه اذن داد، و پیش از آن که ابراهیم کعبه را باز سازی کند، قبایل عرب به حج می آمدند، و این در حالی بود که خانه، به صورت تلی از آثار خرابه ای جلوه داشت مگر آن که پایه های آن شناخته شده بود، و چون مردم از سفر حج بازگشته و به قبایل خود رفته بودند، اسماعیل سنگها را گرد آورده در جوف کعبه ریخت.

هنگامی که خداوند به ابراهیم علیه السلام اجازه بنای کعبه را داد، به آن سرزمین وارد شد و فرمود: ای فرزندم! خداوند ما را به بنای کعبه فرمان داده است.

آن دو آوارها را از محل کعبه برطرف کردند و ناگهان به سنگی سرخ رنگ رسیدند، پس خداوند ﷻ به ابراهیم وحی کرد که بنای خانه را بر پایه آن بگذار، و چهار فرشته را به نزد او فرستاد که سنگ را برای وی جمع می کردند.

ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام سنگها را در جای خود نصب می کردند، و فرشتگان آن سنگها را به دست آنان می دادند تا ساختمان خانه به دوازده ذراع برآمد، و برای آن دو درگاه قرار داد: دری که از آن داخل می شد، و دری که از آن خارج می گشت، و بر درهای آن آستانه ها و دسته هایی از آهن گذاردند، و کعبه هم چنان برهنه و بدون پرده بود تا ابراهیم علیه السلام از آن سرزمین عزیمت کرد، و اسماعیل همچنان در آنجا مقیم بماند.

فَلَمَّا وَرَدَ عَلَيْهِ النَّاسُ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ مِنْ حِمِيرٍ أَعْجَبَهُ جَمَالُهَا فَسَأَلَ اللَّهَ ﷻ أَنْ يُزَوِّجَهَا إِيَّاهُ، وَكَانَ لَهَا بَعْلٌ.

فَقَضَى اللَّهُ عَلَى بَعْلِهَا بِالْمَوْتِ وَأَقَامَتْ بِمَكَّةَ حُزْنًا عَلَى بَعْلِهَا، فَاسْتَلَى اللَّهُ ذَلِكَ عَنْهَا وَزَوَّجَهَا إِسْمَاعِيلَ ﷻ وَ قَدِمَ إِبْرَاهِيمُ ﷻ الْحَجَّ. وَكَانَتْ امْرَأَةً مُوقِفَةً وَ خَرَجَ إِسْمَاعِيلُ إِلَى الطَّائِفِ يَمْتَنِرُ لِأَهْلِهِ طَعَامًا.

فَنَظَرَتْ إِلَى شَيْخٍ شَعِثٍ فَسَأَلَهَا عَنْ حَالِهِمْ فَأَخْبَرْتَهُ بِحُسْنِ حَالٍ فَسَأَلَهَا عَنْهُ خَاصَّةً فَأَخْبَرْتَهُ بِحُسْنِ الدِّينِ وَ سَأَلَهَا مِمَّنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: امْرَأَةٌ مِنْ حِمِيرٍ.

فَسَارَ إِبْرَاهِيمُ ﷻ وَ لَمْ يَلْقَ إِسْمَاعِيلَ ﷻ وَ قَدْ كَتَبَ إِبْرَاهِيمُ كِتَابًا فَقَالَ: اذْفَعِي هَذَا إِلَيَّ بَعْلِكَ إِذَا أَتَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

فَقَدِمَ عَلَيْهَا إِسْمَاعِيلُ فَدَفَعَتْ إِلَيْهِ الْكِتَابَ فَقَرَأَهُ فَقَالَ: أَتَدْرِينَ مَنْ هَذَا الشَّيْخُ؟

وقتی که مردم در موسم حج براو وارد شدند، زنی از حمیر^(۱) را دید و از جمال وی خوشش آمد و از خداوند ﷻ خواست تا وی را همسراو قرار دهد، و آن زن شوهر داشت، خداوند مرگ را بر شوهرش مقدر فرمود و او به خاطر اندوه از دست دادن شوهر در مکه ماند و خداوند آن غم را از دلش بزود و او را با اسماعیل تزویج کرد.

ابراهیم برای انجام مراسم حج وارد آن سرزمین شد، و آن زن عاقل و باکمال بود، و اسماعیل برای تهیه غذا به جهت خانواده‌اش به طائف رفته بود، آن زن به پیری ژولیده موی نگاه کرد که از وی از حالشان پرسید، او را خبر داد که در بهترین حال به سر می‌برند، و به خصوص از حال اسماعیل پرسید، به او خبر داد که دارای رفتار و سلوک خوبی است.

هم چنین پرسید: از کدام قبیله‌ای؟ گفت: زنی از حمیرم.

پس ابراهیم رفت و اسماعیل را ملاقات نکرد. ابراهیم نامه‌ای نوشت و گفت: این نامه را وقتی که - ان شاء الله - شوهرت آمد به او بده. اسماعیل از سفر بازگشت و براو وارد شد و او نامه را به اسماعیل داد. او نامه را خواند و گفت: آیا می‌دانی این پیرمرد کیست؟

۱ - نام قبیله و مکانی در یمن است.

فَقَالَتْ: لَقَدْ رَأَيْتُهُ جَمِيلاً فِيهِ مُشَابَهَةٌ مِنْكَ.

قَالَ: ذَلِكَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَقَالَتْ: وَاسْوَأَتَاهُ مِنْهُ.

فَقَالَ: وَلِمَ نَظَرْتُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ مَحَاسِنِكَ؟

فَقَالَتْ: لَا، وَ لَكِنْ خِفْتُ أَنْ أَكُونَ قَدْ قَصَّرْتُ.

وَ قَالَتْ لَهُ الْمَرْأَةُ - وَ كَانَتْ عَاقِلَةً -: فَهَلَّا تَعَلَّقُ عَلَى هَذَيْنِ الْبَابَيْنِ سِتْرَيْنِ: سِتْرًا

مِنْ هَاهُنَا وَ سِتْرًا مِنْ هَاهُنَا؟

فَقَالَ لَهَا: نَعَمْ.

فَعَمِلَا لَهُمَا سِتْرَيْنِ طَوْلُهُمَا اثْنَا عَشَرَ ذِرَاعًا، فَعَلَّقَاهُمَا عَلَى الْبَابَيْنِ فَأَعْجَبَهُمَا

ذَلِكَ فَقَالَتْ: فَهَلَّا أَحْوَكُ لِلْكَعْبَةِ ثِيَابًا فَتَسْتُرُهَا كُلَّهَا، فَإِنَّ هَذِهِ الْحِجَارَةَ سَمِجَةٌ؟

فَقَالَ لَهَا إِسْمَاعِيلُ: بَلَى.

گفت: او را دیدم که زیبا بود و شباهتی به تو داشت.

گفت: او ابراهیم بود.

آن زن گفت: وای از رسوایی و شرمندگی من، که او را نشناختم.

اسماعیل گفت: به چیزی از خوبی‌ها و نیکویی‌های تو نظر نکرد؟

گفت: نه، ولی من ترسیدم از این که در تعظیم و بزرگداشت او کوتاهی کرده باشم.

آن بانوی خردمند به اسماعیل گفت: آیا اجازه هست که پرده‌ای بر این دو درگاه،

پرده‌ای از اینجا و پرده‌ای از آنجا، بیاویزم؟

اسماعیل به او گفت: آری.

پس دو پرده برای آن دو درگاه آماده ساختند که طول آنها دوازده ذراع بود و آنها را در

جلو و درگاه بیاویختند و این منظره در نظر هر دو جالب و شگفت آمد.

آن بانو گفت: آیا اجازه هست که برای کعبه جامه‌هایی ببافم که سراپای آن را بپوشاند

چرا که این سنگ‌ها زیبا نیستند؟

اسماعیل به او گفت: آری.

فَأَسْرَعَتْ فِي ذَلِكَ وَبَعَثَتْ إِلَى قَوْمِهَا بِصُوفٍ كَثِيرٍ تَسْتَعِزُّ لَهُمْ.
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَإِنَّمَا وَقَعَ اسْتِغْزَالُ النِّسَاءِ مِنْ ذَلِكَ بَعْضُهُنَّ لِبَعْضٍ لِدَلِكِ.
 قَالَ: فَأَسْرَعَتْ وَاسْتَعَانَتْ فِي ذَلِكَ، فَكَلَّمَا فَرَعَتْ مِنْ شُقَّةٍ عَلَّقَتْهَا فَجَاءَ
 الْمَوْسِمُ وَقَدْ بَقِيَ وَجْهٌ مِنْ وَجْهِ الكَعْبَةِ.
 فَقَالَتْ لِإِسْمَاعِيلَ: كَيْفَ نَصْنَعُ بِهَذَا الْوَجْهِ الَّذِي لَمْ تُدْرِكْهُ الْكِسْوَةُ؟
 فَكَسَوَهُ خَصْفًا فَجَاءَ الْمَوْسِمُ وَجَاءَتْهُ الْعَرَبُ عَلَى حَالٍ مَا كَانَتْ تَأْتِيهِ فَنَظَرُوا
 إِلَى أَمْرِ أَعْجَبَهُمْ فَقَالُوا: يَنْبَغِي لِعَامِلِ هَذَا الْبَيْتِ أَنْ يُهْدَى إِلَيْهِ.
 فَمِنْ ثَمَّ وَقَعَ الْهَدْيُ فَأَتَى كُلُّ فَخِذٍ مِنَ الْعَرَبِ بِشَيْءٍ يَحْمِلُهُ مِنْ وَرَقٍ وَ مِنْ
 أَشْيَاءَ غَيْرِ ذَلِكَ حَتَّى اجْتَمَعَ شَيْءٌ كَثِيرٌ، فَزَعَوْا ذَلِكَ الْخَصْفَ وَ أَتَمُّوا كِسْوَةَ
 الْبَيْتِ وَ عَلَّقُوا عَلَيْهَا بَابَيْنِ.

او در آن کار شتاب کرد وپشم بسیاری به سوی قبیله خویش فرستاد و آنها را وادار به رشتن کرد.
 امام صادق عليه السلام فرمود: از آن زمان به خاطر همین عمل درخواست رشتن بعضی از زنان
 از بعضی دیگر رسم شد.
 فرمود: پس آن زن در آن کار شتاب کرد و کمک گرفت و هر تخته از آن قماش را که آماده
 می ساخت به قسمتی از دیوار می آویخت، ولی موسم حج فرا می رسید و هنوز قسمتی از
 دیوار کعبه همچنان بدون پوشش مانده بود.
 آن بانو به اسماعیل گفت: حال چه کار کنیم که این جامه به پایان نرسیده است؟! پس
 آن را با قطعه ای حصیر پوشانیدند. موسم حج فرا رسید طایفه های حاجیان و بزرگان عرب
 همان طوری که در گذشته می آمدند به نزد او آمدند، به منظره پرده نگاه کردند و تعجب
 آنان برانگیخت و با یکدیگر گفتند: سزاوار است که برای کارگزار این خانه هدیه ای داده
 شود. از این رو سنت هدیه تحفه ای که برای کعبه می بردند از همین جا برقرار شد، و هر
 گروه از قبایل عرب هدیه ای برای کعبه می آورد تا این که نقدینه و کالایی بسیار گرد آمد.
 در این میان آن قطعه حصیر را از جای برکنند و پوشش کعبه را کامل ساختند و دو
 قطعه نیز به درگاه های آن نصب کردند .

وَ كَانَتْ الْكَعْبَةُ لَيْسَتْ بِمُسَقَّفَةٍ، فَوَضَعَ إِسْمَاعِيلُ فِيهَا أَعْمَدَةً مِثْلَ هَذِهِ
 الْأَعْمَدَةِ الَّتِي تَرَوْنَ مِنْ خَشَبٍ وَ سَقَّفَهَا إِسْمَاعِيلُ بِالْجِرَائِدِ وَ سَوَّاهَا بِالطِّينِ
 فَجَاءَتِ الْعَرَبُ مِنَ الْحَوْلِ فَدَخَلُوا الْكَعْبَةَ وَ رَأَوْا عِمَارَتَهَا فَقَالُوا: يَنْبَغِي لِعَامِلِ
 هَذَا الْبَيْتِ أَنْ يُزَادَ فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلِ جَاءَهُ الْهُدْيُ فَلَمْ يَدْرِ إِسْمَاعِيلُ كَيْفَ يَصْنَعُ.
 فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ أَنْ أَنْحَرَهُ وَ أَطْعِمَهُ الْحَاجَّ.
 قَالَ: وَ شَكَا إِسْمَاعِيلُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ قَلَّةَ الْمَاءِ.
 فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنْ اخْتَفِرْ بئراً يَكُونُ مِنْهَا شَرَابُ الْحَاجِّ.
 فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ ﷺ فَاخْتَفَرَ قَلْبِيهِمْ - يَعْنِي زَمْزَمَ - حَتَّى ظَهَرَ مَآؤُهَا.
 ثُمَّ قَالَ جِبْرَائِيلُ ﷺ: أَنْزِلْ يَا إِبْرَاهِيمُ!
 فَنَزَلَ بَعْدَ جِبْرَائِيلَ فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ اضْرِبْ فِي أَرْبَعِ زَوَايَا الْبئرِ وَ قُلْ: بِسْمِ اللَّهِ.
 قَالَ: فَضْرَبَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ فِي الزَّوَايَةِ الَّتِي تَلِي الْبَيْتَ وَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ،
 فَأَنْفَجَرَتْ عَيْنٌ.

و کعبه سقف نداشت، پس اسماعیل پایه‌های چوبین همان پایه‌هایی که می‌بینید،
 گذارد و با شاخه‌های نخل برای آن سقف ساخت و با گل آن را هموار کرد.
 وقتی در سال آینده طایفه‌های حاجیان عرب آمدند و داخل کعبه شدند و ساختمان و
 عمارت آن را دیدند، گفتند: کارگزار این خانه را سزد که بر هدایای وی افزوده شود.
 از این رو چون موسم سال بعد فرا رسید قربانی‌های شتران به سوی او روان شدند، و
 اسماعیل ندانست که با آنها چه کند.
 خداوند ﷻ به او وحی نمود که آنها را نحر (ذبح) کن و به حاجیان اطعام نما.
 امام ﷺ فرمود: اسماعیل از کمی آب به ابراهیم ﷺ شکایت کرد. خداوند ﷻ به ابراهیم
 وحی کرد که چاهی را حفر کن که آب آشامیدنی حاجیان از آن تأمین شود.
 جبرئیل نازل شد و چاه زمزم را حفر کرد تا آب آن ظاهر شد، جبرئیل گفت: ای ابراهیم!
 در چاه فرو رو.
 ابراهیم بعد از جبرئیل به درون چاه رفت، جبرئیل گفت: ای ابراهیم! در چهارگوشه چاه
 با کلنگ ضربتی بزن و بسم الله بگو.
 امام ﷺ فرمود: ابراهیم در گوشه‌ای که نزدیک کعبه است ضربه‌ای به زمین زد و گفت:
 بسم الله و چشمه‌ای جوشید.

ثُمَّ ضَرَبَ فِي الزَّائِيَةِ الثَّانِيَةِ وَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ. فَأَنْفَجَرْتُ عَيْنٌ ثُمَّ ضَرَبَ فِي الثَّلَاثَةِ وَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ فَأَنْفَجَرْتُ عَيْنٌ. ثُمَّ ضَرَبَ فِي الرَّابِعَةِ وَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ فَأَنْفَجَرْتُ عَيْنٌ.

وَ قَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: اشْرَبْ يَا إِبْرَاهِيمُ! وَ ادْعُ لَوْلَدِكَ فِيهَا بِالْبَرَكَاتِ. وَ خَرَجَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَبْرَائِيلُ جَمِيعاً مِنَ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهُ: أَفِضْ عَلَيْكَ يَا إِبْرَاهِيمُ! وَ طُفَّ حَوْلَ الْبَيْتِ، فَهَذِهِ سُقْيَا سَقَاهَا اللَّهُ وَ لَدِ إِسْمَاعِيلَ، فَسَارَ إِبْرَاهِيمُ وَ شَيْعَتُهُ إِسْمَاعِيلُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْحَرَمِ فَذَهَبَ إِبْرَاهِيمُ وَ رَجَعَ إِسْمَاعِيلُ إِلَى الْحَرَمِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ وَ يَهْ بْنِ عَامِرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نُصْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ بِنَاءِ الْكَعْبَةِ وَ أَنْ يَرْفَعَ قَوَاعِدَهَا وَ يُرِيَ النَّاسَ مَنَاسِكَهُمْ.

سپس در گوشه دوم ضربه‌ای زد و گفت: بسم‌الله، باز چشمه‌ای جوشید، پس از آن در گوشه سوم ضربه‌ای زد و بسم‌الله گفت و چشمه‌ای دیگر جوشید، آن گاه در گوشه چهارم ضربه‌ای زد و گفت: بسم‌الله، و چشمه دیگری جوشید.

جبرئیل به ابراهیم گفت: بنوش ای ابراهیم! و برای فرزندان در آن آب، طلب برکت کن. ابراهیم و جبرئیل از چاه خارج شدند. پس جبرئیل به او گفت: از این آب برخود بیفشان، و گرد این خانه طواف کن، زیرا این چشمه‌ای است که خداوند برای فرزندان اسماعیل روان ساخته است.

پس ابراهیم به جانب شام روانه شد و اسماعیل او را بدرقه کرد تا از حرم خارج شد، ابراهیم رفت و اسماعیل به سوی حرم بازگشت.

۴ - عقبه بن بشیر گوید: امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

خداوند ﷻ به ابراهیم فرمان داد که خانه کعبه را بسازد و پایه‌های آن را بلند کند و مناسک حج را به مردم تعلیم دهد.

فَبَنَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ الْبَيْتَ كُلِّ يَوْمٍ سَافًا حَتَّىٰ انْتَهَىٰ إِلَىٰ مَوْضِعِ الْحَجَرِ
الْأَسْوَدِ.
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَتَنَادَىٰ أَبُو قُبَيْسٍ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: إِنَّ لَكَ عِنْدِي وَدِيعَةً، فَأَعْطَاهُ
الْحَجَرَ فَوَضَعَهُ مَوْضِعَهُ.
ثُمَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَدَانَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ
اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَحُجُّوا هَذَا الْبَيْتَ فَحُجُّوهُ.
فَأَجَابَهُ مَنْ يَحُجُّ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ أَجَابَهُ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ.
قَالَ: وَحَجَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام هُوَ وَأَهْلُهُ وَوَلَدُهُ. فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الذَّبِيحَ هُوَ إِسْحَاقُ فَمَنْ
هَاهُنَا كَانَ ذَبْحَهُ.
وَ ذُكِرَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام يَزْعُمَانِ أَنَّهُ إِسْحَاقُ فَأَمَّا
زُرَّارَةُ فَزَعَمَ أَنَّهُ إِسْمَاعِيلُ.

ابراهیم و اسماعیل هر روزی یک چینه از دیوار را می ساختند تا این که به جای
حجر الاسود رسید.
امام باقر عليه السلام فرمود: کوه ابوقبیس ابراهیم عليه السلام را مورد خطاب قرار داد و گفت: تو در نزد
من امانتی داری پس حجر الاسود را به او داد و ابراهیم آن را در جای خود نهاد.
آن گاه ابراهیم عليه السلام مردم را برای حج این گونه ندا داد و گفت: ای مردم! به راستی که من
ابراهیم خلیل الله هستم همانا خداوند به شما فرمان داده که این خانه را حج کنید. پس حج
آن را به جای آورید.
از این رو تا روز قیامت هر که حج به جای می آورد، دعوت او را پاسخ گفته است، و
نخستین کسانی که دعوت او را پاسخ گفتند، از اهل یمن بودند.
امام عليه السلام فرمود: ابراهیم عليه السلام، خانواده و فرزندانش حج را به جای آوردند.
پس کسی که گمان کرده که ذبیح قربانی اسحاق است از همین جا ذبح اسحاق را ثابت کرده
است (در حالی که اسحاق در آنجا نبوده تا قربانی شود، بلکه اسماعیل در آنجا بوده است).
در روایتی دیگر ابو بصیر گوید: از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام شنیدم که آن دو امام
ذبیح را اسحاق می پنداشتند، اما زراره در روایت خود ذبیح را اسماعیل پنداشته است.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ:
 قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام - يَعْنِي الرُّضَا - لِلْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ: أَيُّ شَيْءٍ السَّكِينَةُ
 عِنْدَكُمْ؟

فَقَالَ: لَا أَدْرِي جُعِلَتْ فِدَاكَ! وَ أَيُّ شَيْءٍ هِيَ؟
 قَالَ: رِيحٌ تَخْرُجُ مِنَ الْجَنَّةِ طَيِّبَةٌ لَهَا صُورَةٌ كَصُورَةِ وَجْهِ الْإِنْسَانِ فَتَكُونُ مَعَ
 الْأَنْبِيَاءِ، وَ هِيَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حَيْثُ بَنَى الْكَعْبَةَ فَجَعَلَتْ تَأْخُذُ كَذَا وَ
 كَذَا فَبَنَى الْأَسَاسَ عَلَيْهَا.
 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ
 السَّكِينَةِ فَذَكَرَ مِثْلَهُ.

۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۵ - ابن فضال گوید: امام رضا عليه السلام به حسن بن جهم فرمود: سکینه نزد شما چه معنایی
 دارد؟

عرض کرد: نمی دانم قربانت گردم! معنای آن چیست؟
 فرمود: سکینه نسیمی خوشبو است که از بهشت می وزد، صورتی مانند صورت انسان
 دارد و با پیامبران می باشد، و همان است به هنگام بنای کعبه به ابراهیم عليه السلام نازل شد، و
 ابراهیم را برگردآوری و تنظیم مواد ساختمانی و نشان دادن محلّ اولیّه آن، یاری می کرد، و
 ابراهیم اساس کعبه بر روی آن بنهاد.

علی بن اسباط نیز مانند این حدیث را از امام رضا عليه السلام روایت کرده است.

۶ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَمَّا أَمَرَ إِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِنَاءِ الْبَيْتِ وَتَمَّ بِنَاؤُهُ قَعَدَ إِبْرَاهِيمُ عَلَى رُكْنٍ ثُمَّ نَادَى: هَلُمَّ الْحَجَّ! هَلُمَّ الْحَجَّ!

فَلَوْ نَادَى: هَلُمَّوا إِلَى الْحَجِّ، لَمْ يَحْجَّ إِلَّا مَنْ كَانَ يَوْمَئِذٍ إِنْسِيًّا مَخْلُوقًا، وَ لَكِنَّهُ نَادَى: هَلُمَّ الْحَجَّ، فَلَبَّى النَّاسُ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ لَبْيَكَ دَاعِيِ اللَّهِ لَبْيَكَ دَاعِيِ اللَّهِ ﷻ.

فَمَنْ لَبَّى عَشْرًا يَحْجُّ عَشْرًا وَ مَنْ لَبَّى خَمْسًا يَحْجُّ خَمْسًا، وَ مَنْ لَبَّى أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَبَعْدَ ذَلِكَ، وَ مَنْ لَبَّى وَاحِدًا حَجَّ وَاحِدًا وَ مَنْ لَمْ يَلْبُ لَمْ يَحْجَّ.

۷- عَنْهُ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَتْ الْكَعْبَةُ عَلَى عَهْدِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعَةَ أَذْرُعَ، وَ كَانَ لَهَا بَابَانِ فَبَنَاهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ، فَرَفَعَهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا فَهَدَمَهَا الْحَجَّاجُ فَبَنَاهَا سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ ذِرَاعًا.

۸- وَ زُوِّيَ عَنْ ابْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

وقتی که ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ به بنای خانه کعبه مأمور شدند و بنای آن به انجام رسید، ابراهیم بر رکنی نشست و ندا کرد: بیا برای حج! بیا برای حج! اگر ندا می‌کرد: بیا بیا به سوی حج، حج نمی‌کرد مگر آن کسانی که در آن روز خلق شده بودند، ولی او ندا کرد که: بیا برای حج! پس مردمان در صلب‌های مردان به لبیک زبان گشوده و گفتند: ای خواننده از جانب خداوند! تو را اجابت می‌کنیم.

پس هر که ده بار لبیک گفت، ده مرتبه حج به جای آورد، و هر که پنج مرتبه لبیک گفت، پنج مرتبه به حج موفق گردد، و هر که بیشتر گفت به همان شماره توفیق حج خواهد یافت، و هر که یک بار لبیک گفت یکبار حج انجام دهد، و هر که آن ندا را لبیک نگفت، حج به جای نیآورد.

۷- عده‌ای از اصحاب گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کعبه در زمان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نه ذراع و دارای دو در بود، عبدالله بن زبیر آن را بنا کرد و هیجده ذراع بلند نمود، آن گاه حجج آن را ویران کرد و بیست و هفت ذراع ساخت.

۸- ابان بن عثمان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

كَانَ طُولُ الْكَعْبَةِ يَوْمَئِذٍ تِسْعَةَ أَذْرُعٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهَا سَقْفٌ فَسَقَّفَهَا قُرَيْشٌ تَمَانِيَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا فَلَمْ تَزَلْ تُنَزَلُ ثُمَّ كَسَرَهَا الْحَجَّاجُ عَلَى ابْنِ الزُّبَيْرِ فَبَنَاهَا وَ جَعَلَهَا سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعًا.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ وَهَبِ بْنِ عَامِرٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَذْكُرَانِ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ قَالَ جَبْرَائِيلُ لِإِبْرَاهِيمَ عليه السلام: تَرَوُهُ مِنَ الْمَاءِ. فَسُمِّيَتِ التَّرْوِيَةُ، ثُمَّ أَتَى مِنِّي فَأَبَاتَهُ بِهَا ثُمَّ غَدَا بِهِ إِلَى عَرَفَاتٍ فَضَرَبَ خِيبَهُ بِنَمْرَةٍ دُونَ عَرَفَةَ فَبَنَى مَسْجِدًا بِأَحْجَارٍ بَيْضٍ وَ كَانَ يُعْرَفُ أَثَرُ مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حَتَّى أُدْخِلَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ الَّذِي بِنَمْرَةٍ حَيْثُ يُصَلِّي الْإِمَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ فَصَلَّى بِهَا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ ثُمَّ عَمَدَ بِهِ إِلَى عَرَفَاتٍ، فَقَالَ: هَذِهِ عَرَفَاتُ، فَأَعْرَفَ بِهَا مَنَاسِكَكَ وَ اعْتَرَفَ بِذَنْبِكَ فَسُمِّيَ عَرَفَاتٍ.

طول کعبه در آن روز نه ذراع بود و سقف نداشت. قریش آن را به اندازۀ هیجده ذراع پوشانیدند و سقف دار کردند، سپس حججاج آن را بر سر این زبیر شکست و از نو بنا کرد، و آن را بیست و هفت ذراع قرار داد.

۹- ابان گوید: ابو بصیر گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام که شنیدم می فرمودند: وقتی روز ترویبه فرا رسید، جبرئیل به ابراهیم علیه السلام گفت: از آب سیراب شو. به همین سبب ترویبه نامیده شد. پس از آن به منا آمد و شب را در آنجا گذرانید، آن گاه بامدادان او را به عرفات برد و خیمه او را در «نمره» پایین تراز عرفه برافراشت، و مسجدی را با سنگ های سفید ساخت، و همیشه اثر مسجد ابراهیم علیه السلام شناخته می شد، تا این که در مسجدی که در نمره بود ادغام شد، همان جایی که پیش نماز در آن جا در روز عرفه نماز می گزارد. پس ابراهیم علیه السلام در آن نماز ظهر و عصر را به جای آورد، سپس او را متوجه به عرفات ساخت و گفت: این عرفات است! مناسک خود را در آن بشناس و به گناه خویش اعتراف کن، پس عرفات نامیده شد.

ثُمَّ أَفَاضَ إِلَى الْمَزْدَلِفَةِ، فَسَمَّيْتُ الْمَزْدَلِفَةَ، لِأَنَّهُ أَزْدَلَفَ إِلَيْهَا. ثُمَّ قَامَ عَلَيَّ
الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَأَمَرَهُ اللَّهُ أَنْ يَذْبَحَ ابْنَهُ وَ قَدْ رَأَى فِيهِ شَمَائِلَهُ وَ خَلَاتِقَهُ وَ أَنَسَ مَا
كَانَ إِلَيْهِ.

فَلَمَّا أَصْبَحَ أَفَاضَ مِنَ الْمَشْعَرِ إِلَى مِنَى. فَقَالَ لِأُمِّهِ: زُورِي الْبَيْتَ أَنْتِ.
وَ أَحْتَبِسِ الْعُلَامَ. فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! هَاتِ الْجِمَارَ وَ السِّكِّينَ حَتَّى أُقَرِّبَ الْقُرْبَانَ.
فَقَالَ أَبَانُ: فَقُلْتُ لِأَبِي بَصِيرًا: مَا أَرَادَ بِالْجِمَارِ وَ السِّكِّينِ؟
قَالَ: أَرَادَ أَنْ يَذْبَحَهُ ثُمَّ يَحْمِلُهُ فَيَجْهَرُهُ وَ يَدْفِنُهُ.
قَالَ: فَجَاءَ الْعُلَامُ بِالْجِمَارِ وَ السِّكِّينِ.
فَقَالَ: يَا أَبَتِ! أَيُّنَ الْقُرْبَانِ؟

قَالَ: رَبُّكَ يَعْلَمُ أَيُّنَ هُوَ يَا بُنَيَّ! أَنْتَ وَ اللَّهُ هُوَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي بِذَبْحِكَ فَانظُرْ مَا
ذَا تَرَى.

قَالَ: ﴿ يَا أَبَتِ! افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴾.

سپس ابراهیم به سوی مزدلفه روانه شد، و مزدلفه نامیده شد، زیرا او به سوی آن گام نهاد و
شتاب کرد. آن گاه ابراهیم بر مشعرالحرام ایستاد، خداوند به او فرمان داد تا فرزند خود را قربانی
کند و در حالی که ابراهیم عادت‌ها و خوبی‌های خود را در آن پسر دیده و به او انس گرفته بود.
ابراهیم بامدادان از مشعر به سوی منا روانه شد و به مادرش گفت: خانه کعبه را زیارت کن.
و خود پسر را نگاهداشت. و گفت: فرزندم! الاغ و کارد را بیاور تا قربانی را قربان کنم.
ابان گوید: به ابوبصیر گفتم: منظورش از الاغ و کارد چه بود؟
گفت: می‌خواست او را ذبح کند، سپس برداشته و آماده نماید و دفن کند.
امام علیه السلام فرمود: پسرش الاغ و کارد را آورد و گفت: ای پدر! قربانی کجاست؟
گفت: پروردگارتو می‌داند که آن کجاست، ای فرزندم! به خدا سوگند که تو آن قربانی هستی،
همانا خداوند به من فرمان داده تا تو را ذبح کنم فکر کن که در خود چه می‌بینی.
گفت: «ای پدر! آن چه را که بدان مأمور شده‌ای، انجام ده و ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی
یافت».

قَالَ: فَلَمَّا عَزَمَ عَلَى الذَّبْحِ قَالَ: يَا أَبَتِ! خَمَّرْ وَجْهِي وَ شُدَّ وَثَاقِي.
 قَالَ: يَا بُنَيَّ! الْوَثَاقُ مَعَ الذَّبْحِ، وَاللَّهِ لَا أَجْمَعُهُمَا عَلَيْكَ الْيَوْمَ.
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَطَرَحَ لَهُ قُرْطَانَ الْحِمَارِ ثُمَّ أَضْجَعَهُ عَلَيْهِ وَأَخَذَ الْمُدِيَّةَ
 فَوَضَعَهَا عَلَى حَلْقِهِ.

قَالَ: فَأَقْبَلَ شَيْخٌ، فَقَالَ: مَا تُرِيدُ مِنْ هَذَا الْغُلَامِ؟
 قَالَ: أُرِيدُ أَنْ أَذْبَحَهُ.

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! غُلَامٌ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ تَذْبِئُهُ.
 فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي بِذَبْحِهِ.

فَقَالَ: بَلْ رَبُّكَ نَهَاكَ عَنْ ذَبْحِهِ وَإِنَّمَا أَمَرَكَ بِهَذَا الشَّيْطَانُ فِي مَنَامِكَ.
 قَالَ: وَيَلَكُ الْكَلَامُ الَّذِي سَمِعْتُ هُوَ الَّذِي بَلَغَ بِي مَا تَرَى، لَا وَاللَّهِ لَا أَكَلِّمُكَ.

فرمود: هنگامی که تصمیم گرفت او را ذبح کند، اسماعیل گفت: ای پدر! صورت مرا
 ببوشان و مرا محکم ببند.
 گفت: ای فرزندم! بستن و ذبح کردن! به خدا سوگند که این دو را امروز بر تو جمع
 نخواهم کرد.

امام باقر عليه السلام فرمود: ابراهیم عليه السلام روانداز الاغ را پهن کرد و اسماعیل عليه السلام را بر آن خوابانید
 و کارد را گرفت و بر حلق او گذارد. در این هنگام ابلیس به صورت پیرمردی آمد و گفت: از
 این پسر چه می خواهی؟
 گفت: می خواهم او را ذبح کنم.

گفت: سبحان الله! پسری که یک چشم بهم زدن خدا را نافرمانی نکرده، او را ذبح می کنی؟!
 گفت: آری، همانا خداوند به من فرمان داده که او را ذبح کنم.
 ابلیس گفت: بلکه پروردگارت، تو را از ذبح او باز داشته و فقط شیطان در خواب تو را به
 این کار فرمان داده است.

ابراهیم عليه السلام گفت: وای بر تو! آن سخنی که در خواب شنیدم همان است که مرا به این
 مرتبه و مقام رسانیده است. نه، به خدا سوگند! دیگر با تو سخن نخواهم گفت.

ثُمَّ عَزَمَ عَلَى الذَّبْحِ فَقَالَ الشَّيْخُ: يَا إِبْرَاهِيمُ! إِنَّكَ إِمَامٌ يُقْتَدَى بِكَ، فَإِنْ ذَبَحْتَ
وَلَدَكَ ذَبَحَ النَّاسُ أَوْلَادَهُمْ فَمَهْلًا فَأَبَى أَنْ يُكَلِّمَهُ.
قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: فَأَضَجَعُهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى ثُمَّ
أَخَذَ الْمُدِيَّةَ فَوَضَعَهَا عَلَى حَلْقِهِ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْتَحَى عَلَيْهِ، فَقَلَبَهَا
جَبْرَائِيلُ عليه السلام عَنْ حَلْقِهِ. فَنَظَرَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام فَإِذَا هِيَ مَقْلُوبَةٌ.
فَقَلَبَهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَى خَدِّهَا، وَ قَلَبَهَا جَبْرَائِيلُ عَلَى قَفَاهَا، فَفَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا ثُمَّ
نُودِيَ مِنْ مَيْسِرَةِ مَسْجِدِ الْخَيْفِ: يَا إِبْرَاهِيمُ! قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا.
وَ اجْتَرَّ الْعَلَامَ مِنْ تَحْتِهِ وَ تَنَاوَلَ جَبْرَائِيلُ الْكَبِشَ مِنْ قَلَّةِ ثَبِيرٍ فَوَضَعَهُ تَحْتَهُ وَ
خَرَجَ الشَّيْخُ الْخَبِيثُ حَتَّى لَحِقَ بِالْعَجُوزِ حِينَ نَظَرَتْ إِلَى الْبَيْتِ، وَ الْبَيْتُ فِي
وَسَطِ الْوَادِي، فَقَالَ: مَا شَيْخٌ رَأَيْتُهُ بِمَنْى؟

آن گاه که ابراهیم تصمیم گرفت اسماعیل را ذبح کند ، پیرمرد ابلیس گفت: ای ابراهیم! تو
امامی هستی که به تو اقتدا می شود و اگر فرزند خود را ذبح کنی، مردم نیز فرزندان خود را ذبح
خواهند کرد. آرام باش و آرامش را پیشه کن. ابراهیم عليه السلام از او رو برگرداند و با او سخن نگفت.
ابو بصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود: ابراهیم عليه السلام، اسماعیل را در نزد جمرة
وسطی خوابانید، سپس کارد را گرفت و آن را بر گلوی او گذارد و سر خود را به آسمان بلند کرد.
آن گاه بر کارد را گرفت تا گلوی او را ببرد. جبرئیل عليه السلام کارد را از گلوی او برگردانید.
ابراهیم عليه السلام نگاه کرد و کارد را وارونه دید، آن را به جانب تیزی آن برگردانید، بار دیگر
جبرئیل آن را به پشت برگردانید.

این کار چندین مرتبه تکرار شد، سپس از گوشه چپ مسجد خیف ندایی رسید: ای ابراهیم!
به راستی که تو آن خواب را تحقق بخشیدی.

در این هنگام پسر از زیر دست او کشیده شد، و جبرئیل قوچی را از قلّه کوه ثبیر آورد و به
زیر دست ابراهیم عليه السلام قرار داد. آن پیرمرد خبیث ابلیس از ابراهیم دور شد و به نزد پیرزن همسر
ابراهیم آمد که به خانه کعبه نگاه می کرد و خانه کعبه در میان درّه بود، رو به او کرد و گفت: آن
پیرمردی را که در منا دیدم کیست؟

فَنَعَتَ نَعَتَ إِبْرَاهِيمَ.
 قَالَتْ: ذَاكَ بَعْلِي.
 قَالَ: فَمَا وَصِيفُ رَأَيْتُهُ مَعَهُ وَ نَعَتَ نَعْتَهُ.
 قَالَتْ: ذَاكَ ابْنِي.
 قَالَ: فَإِنِّي رَأَيْتُهُ أَضْجَعُهُ وَأَخَذَ الْمُدِيَةَ لِيَذْبَحَهُ.
 قَالَتْ: كَلَّا مَا رَأَيْتُ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا أَرْحَمَ النَّاسِ وَ كَيْفَ رَأَيْتَهُ يَذْبَحُ ابْنَهُ؟
 قَالَ: وَ رَبُّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ! وَ رَبُّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ! لَقَدْ رَأَيْتُهُ أَضْجَعُهُ وَ أَخَذَ
 الْمُدِيَةَ لِيَذْبَحَهُ.
 قَالَتْ: لِمَ؟
 قَالَ: زَعَمَ أَنَّ رَبَّهُ أَمَرَهُ بِذْبَحِهِ.
 قَالَتْ: فَحَقُّ لَهُ أَنْ يُطِيعَ رَبَّهُ.

و نشانه ابراهیم را بازگو کرد.
 گفت: او همسر من است.
 آن گاه ابلیس از فرزندش سخن گفت و نشانه‌های او را بازگو کرد.
 گفت: او پسر من است.
 ابلیس گفت: من دیدم که او را خوابانیده و کارد را گرفته می‌خواهد او را ذبح کند.
 پرسید: هرگز من از ابراهیم مهربان‌تر ندیده‌ام، چگونه پسرش را ذبح می‌کرد؟
 گفت: به پروردگار آسمان و زمین و این بنای عظیم سوگند! او را در حالی دیدم که
 پسرش را خوابانیده و کارد را گرفته بود و می‌خواست او را ذبح کند.
 پرسید: برای چه؟
 پاسخ داد: گمان می‌کند که پروردگارش به ذبح او فرمان داده است.
 گفت: شایسته است که او از پروردگار خویش اطاعت کند.

قَالَ: فَلَمَّا قَضَتْ مَنَاسِكَهَا فَرِقَتْ أَنْ يَكُونَ قَدْ نَزَلَ فِي ابْنِهَا شَيْءٌ، فَكَأَنِّي أَنْظُرُ
إِلَيْهَا مُسْرِعَةً فِي الْوَادِي وَاضِعَةً يَدَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ هِيَ تَقُولُ. رَبِّ لَا تُؤَاخِذْنِي
بِمَا عَمِلْتُ بِأُمَّ إِسْمَاعِيلَ.

قَالَ: فَلَمَّا جَاءَتْ سَارَةَ فَأُخْبِرَتْ الْخَبَرَ قَامَتْ إِلَى ابْنِهَا تَنْظُرُ فَإِذَا أَثَرُ السُّكَّينِ
حُدُوشًا فِي حَلْقِهِ فَفَزِعَتْ وَ اشْتَكَّتْ وَ كَانَ بَدَأَ مَرَضِهَا الَّذِي هَلَكَتْ فِيهِ.

وَ ذَكَرَ أَبَانٌ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَرَادَ أَنْ يَذْبَحَهُ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي حَمَلَتْ أُمُّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عِنْدَ الْجَمْرَةِ
الْوُسْطَى فَلَمْ يَزَلْ مَضْرِبُهُمْ يَتَوَارَثُونَ بِهِ كَابِرٌ عَنْ كَابِرٍ حَتَّى كَانَ آخِرَ مَنْ اذْتَحَلَ
مِنهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فِي شَيْءٍ كَانَ بَيْنَ بَنِي هَاشِمٍ وَ بَيْنَ بَنِي أُمَيَّةَ فَارْتَحَلَ
فَضْرَبَ بِالْعَرِينِ.

امام عليه السلام فرمود: وقتی که مناسک و اعمال خود را تمام کرد، بیم آن داشت که چیزی به
سرفرزندش نازل شده باشد. گویا او را می بینم که در آن درّه باشتاب می رفت و دست خود
را بر سرش گذارده بود و می گفت: پروردگار را! مرا به جهت رفتاری که در حق مادر
اسماعیل هاجر انجام دادم مؤاخذه نکن.

فرمود: وقتی ساره آمد و آن خبر به او داده شد، نزد پسرش رفت و به او نگاه می کرد که
نگاه اثر و نشانه کارد را در گلوی او دید و مضطرب شد و بیمار گشت و آن بیماری، آغاز
همان بیماری بود که در اثر آن وفات یافت.

امام باقر عليه السلام فرمود: ابراهیم عليه السلام می خواست فرزند خود را در جایی که مادر رسول
خدا صلى الله عليه وآله حامله شد؛ در کناره جمره وسطی قربانی کند. از این رو پیوسته خیمه گاه
بنی هاشم آنجا بود و بزرگی از بزرگ دیگر آنجا را به ارث می برد و آخرین شخصی که از آنجا
کوچ کرد، امام سجاد عليه السلام بود و آن هم به خاطر نزاعی بود که بین بنی هاشم و بنی امیه اتفاق
افتاد، آن حضرت کوچ نمود و خیمه را در عرین پیرامون خانه کعبه بر افراشت.

- ۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْنَ أَرَادَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَذْبَحَ ابْنَهُ؟
قَالَ: عَلَى الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى.
وَ سَأَلْتُهُ عَنْ كَبْشِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ لَوْنُهُ؟ وَ أَيْنَ نَزَلَ؟
فَقَالَ: أَمْلَحَ وَ كَانَ أَفْرَنْ وَ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْجَبَلِ الْأَيْمَنِ مِنْ مَسْجِدِ مِنِّي، وَ
كَانَ يَمْشِي فِي سَوَادٍ وَ يَأْكُلُ فِي سَوَادٍ وَ يَنْظُرُ وَ يَبْعَرُ وَ يَبُولُ فِي سَوَادٍ.
۱۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ نُعْمَانَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا زَادُوا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.
فَقَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَدَّاءَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.
۱۲ - وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

- ۱۰ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ در کجا تصمیم گرفت
پسرش را ذبح کند؟
فرمود: در جمره میانی.
هم چنین از قوچ ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم که چه رنگی داشت؟ و در کجا فرود آمد؟
فرمود: سفید و سیاه و شاخ دار بود. آن از آسمان بر کوهی که در قسمت راست منا
است فرود آمد و در چراگاه راه می رفت و در آنجا می خورد، نگاه می کرد، پشکل
می انداخت و بول می کرد.
۱۱ - حسن بن نعمان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: چه بخشی از مسجدالحرام را
زیاد کرده اند؟
فرمود: ابراهیم و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حد مسجدالحرام را در مابین صفا و مروه قرار دادند.
۱۲ - در روایت دیگری آمده است: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

خَطَّ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ مَا بَيْنَ الْحَزْوَرَةِ اِلَى الْمَسْعَى، فَذَلِكَ الَّذِي خَطَّ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَغْنِي الْمَسْجِدَ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اِسْمَاعِيلَ دَفَنَ أُمَّهُ فِي الْحَجْرِ وَ حَجَرَ عَلَيْهَا لَيْلًا يُوطَأُ قَبْرُ أُمِّ اِسْمَاعِيلَ فِي الْحَجْرِ.

۱۴ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْحَجْرُ بَيْتُ اِسْمَاعِيلَ وَ فِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَ قَبْرُ اِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَجْرِ أَمِنْ الْبَيْتِ هُوَ أَوْ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْبَيْتِ؟

ابراهيم عليه السلام در مکه میان حزوره^(۱) تا مسعی (ابتدای محل سعی) را حد مسجد قرار داد و خط کشید، پس مسجد همان جایی است که ابراهیم عليه السلام خط کشید.

۱۳ - ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اسماعیل، مادر خود را در حجر دفن کرد و سنگچینی بر قبر او ساخت تا قبرش پایمال نگردد.

۱۴ - مفضل بن عمر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حجر، خانه اسماعیل است و قبر هاجر و اسماعیل در آنجا است.

۱۵ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد حجر پرسیدم که آیا جزو کعبه

است یا چیزی از کعبه در آن است؟

۱ - نام مکانی در مکه است.

فَقَالَ: لا، وَ لا قَلَامَةٌ ظُفْرٍ، وَ لَكِنْ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَفَنَ أُمَّهُ فِيهِ فَكَّرَهُ أَنْ تُوْطَأَ فَحَجَّرَ عَلَيْهِ حِجْرًا وَ فِيهِ قُبُورُ أَنْبِيَاءَ.

۱۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ شَبَابِ الصَّيْرِفِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

دُفِنَ فِي الْحِجْرِ مِمَّا يَلِي الرُّكْنَ الثَّلَاثَةَ عَذَارَى بَنَاتِ إِسْمَاعِيلَ.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمْ يَزَلْ بَنُو إِسْمَاعِيلَ وَ لَأَةَ الْبَيْتِ وَ يُقِيمُونَ لِلنَّاسِ حَجَّهُمْ وَ أَمْرَ دِينِهِمْ يَتَوَارَثُونَهُ كَأَبْرَ عَنْ كَأَبْرٍ حَتَّى كَانَ زَمَنُ عَدْنَانَ بْنِ أَدَدَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ، فَفَسَدَتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَفْسَدُوا وَ أَحَدُوا فِي دِينِهِمْ وَ أَخْرَجَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَمِنْهُمْ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ خَرَجَ كَرَاهِيَّةَ الْقِتَالِ وَ فِي أَيْدِيهِمْ أَشْيَاءُ كَثِيرَةٌ مِنْ الْحَنِيفِيَّةِ مِنْ تَحْرِيمِ الْأُمَّهَاتِ وَ الْبَنَاتِ وَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي النِّكَاحِ

فرمود: نه، و نه به اندازۀ ریزۀ ناخنی، ولی اسماعیل، مادر خود را در آنجا دفن کرد و چون دوست نداست که پایمال شود بر آن سنگچین ساخت و در آنجا قبر پیامبران نیز هست.

۱۶ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در حجر، همان جا که نزدیک به رکن سوم است، دوشیزگان از دختران اسماعیل دفن شده‌اند.

۱۷ - ابوبصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

همواره فرزندان اسماعیل والیان خانۀ کعبه بودند، آنان برنامه حج مردم و اموری دینی آنها را اقامه می‌کردند و این کار را بزرگی از بزرگ دیگر به ارث می‌برد تا این که زمان عدنان بن آدد شد و مدتی طولانی زندگی آنان در رفاه بود. دل‌های ایشان سخت شد و فساد کردند و در دین بدعت‌ها گذاردند و بعضی از آنها بعضی دیگر را از حرم بیرون نمودند، عده‌ای از آنها برای طلب معاش و روزی و بعضی نیز به جهت خوش نداشتن جنگ و خون ریزی از مکه خارج شدند، و در حالی که امور بسیاری را از دین ابراهیم در اختیار داشتند که از جمله آنها حرمت ازدواج با مادران و دختران بود و آن چه را که خداوند در ازدواج حرام فرموده بود،

إِلَّا أَنَّهُمْ كَانُوا يَسْتَجِلُّونَ امْرَأَةَ أَبِي وَ ابْنَةَ الْأُخْتِ وَ الْجَمْعَ بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ، وَ كَانَ فِي أَيْدِيهِمُ الْحَجُّ وَ التَّلْبِيَةُ وَ الْعُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ إِلَّا مَا أَحَدْتُوا فِي تَلْبِيَتِهِمْ وَ فِي حَجِّهِمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ كَانَ فِيمَا بَيْنَ إِسْمَاعِيلَ وَ عَدْنَانَ بْنِ أَدَدَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۸ - وَ رُوِيَ: أَنَّ مَعَدَّ بْنَ عَدْنَانَ خَافَ أَنْ يَدْرُسَ الْحَرَمَ، فَوَضَعَ أَنْصَابَهُ وَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَهَا. ثُمَّ غَلَبَتْ جُرْهُمُ عَلَى وَ لَايَةِ النَّبِيِّ فَكَانَ يَلِي مِنْهُمْ كَابِرٌ عَنْ كَابِرٍ حَتَّى بَعَثَ جُرْهُمُ بِمَكَّةَ، وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَهَا وَ أَكَلُوا مَالَ الْكَعْبَةِ وَ ظَلَمُوا مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ وَ عَتَوْا وَ بَعَوْا.

وَ كَانَتْ مَكَّةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَظْلِمُ وَ لَا يَبْغِي فِيهَا، وَ لَا يَسْتَحِلُّ حُرْمَتَهَا مَلِكٌ إِلَّا هَلَكَ مَكَانَهُ.

وَ كَانَتْ تُسَمَّى «بَكَّةَ» لِأَنَّهَا تَبُكُ أَعْنَاقَ الْبَاغِينَ إِذَا بَعَوْا فِيهَا، وَ تُسَمَّى «بَسَّاسَةَ» كَانُوا إِذَا ظَلَمُوا فِيهَا بَسْتَهُمْ وَ أَهْلَكْتَهُمْ، وَ تُسَمَّى أُمَّ رُحْمٍ كَانُوا إِذَا لَزِمُوها رُحْمًا.

ولی آنان زن پدر، دختر خواهر و جمع میان دو خواهر را حلال می‌شمردند، در حالی که از دستورات حج، تلبیه و غسل جنابت آگاهی داشتند؛ ولی آنها در تلبیه و حج خویش بدعت گذارده و شرک قرار دادند. در فاصله بین دوران اسماعیل و عدنان بن ادد دوران پیامبری موسی علیه السلام بود (که او را نیز تصدیق نکردند).

۱۸ - و روایت شده است: معبد بن عدنان به سبب فساد فرزندان اسماعیل و خارج شدن عده‌ای از آنان از حرم ترسید که آثار حرم کهنه شود. از این رو حدود و نشانه‌هایی را به حرم گذارد. او نخستین کسی بود که این کار را انجام داد. پس از او قبیله جرهم بر ولایت خانه کعبه دست یافتند و بزرگان آنها یکی پس از دیگری بر آن ولایت می‌کردند تا این که در مکه ستم روا داشتند، حرمت آن را نادیده گرفتند، دارایی‌های کعبه را خوردند و کسانی که وارد مکه می‌شدند ستم روا داشتند و سرکشی و زیاده روی نمودند. در حالی که در دوران جاهلیت، در مکه هیچ پادشاهی ظلم و ستم و زیاده‌روی نمی‌کرد و حرمت آن را نادیده نمی‌گرفت مگر آن که در همان جا نابود می‌شد.

مکه را از آن رو «مکه» می‌نامیدند که گردن ستمگران را - هنگامی که در آن جا ستم می‌کردند - می‌کوفت. هم چنین از آن رو «بساسة» نامیدند که هرگاه پادشاهان در آن ستم می‌کردند، آنها را پراکنده و نابود می‌کرد، و «امم رجم» نامیده شده که هرگاه آنان حرمت آن را ننگه می‌داشتند، مورد رجم قرار می‌گرفتند.

فَلَمَّا بَعَثَ جُرْهُمُ وَ اسْتَحَلُّوا فِيهَا بَعَثَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِمُ الرُّعَافَ وَ النَّمْلَ وَ أَفْنَاهُمُ
فَعَلَبَتْ خُزَاعَةٌ، وَ اجْتَمَعَتْ لِيَجْلُوا مَنْ بَقِيَ مِنْ جُرْهُمَ عَنِ الْحَرَمِ وَ رَيْسُ خُزَاعَةَ
عَمْرُو بْنُ رَبِيعَةَ بْنِ حَارِثَةَ بْنِ عَمْرٍو، وَ رَيْسُ جُرْهُمَ عَمْرُو بْنُ الْحَارِثِ بْنِ مُصَاصِ
الْجُرْهُمِيِّ.

فَهَزَمَتْ خُزَاعَةُ جُرْهُمَ وَ خَرَجَ مَنْ بَقِيَ مِنْ جُرْهُمَ إِلَى أَرْضٍ مِنْ أَرْضِ جُهَيْنَةَ،
فَجَاءَهُمْ سَيْلٌ أَتَيْ فَذَهَبَ بِهِمْ وَ وَلِيَتْ خُزَاعَةُ النَّبِيَّتَ فَلَمْ يَزَلْ فِي أَيْدِيهِمْ حَتَّى
جَاءَ قُصَيُّ بْنُ كِلَابٍ وَ أَخْرَجَ خُزَاعَةَ مِنَ الْحَرَمِ وَ وَلِيَ النَّبِيَّتَ وَ غَلَبَ عَلَيْهِ.

۱۹ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ
إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
إِنَّ الْعَرَبَ لَمْ يَزَالُوا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْحَنِيفِيَّةِ يَصِلُونَ الرَّحِمَ وَ يَقْرُونَ الصَّنِيفَ وَ
يَحْجُونَ النَّبِيَّتَ وَ يَقُولُونَ: اتَّقُوا مَالَ الْيَتِيمِ، فَإِنَّ مَالَ الْيَتِيمِ عِقَالٌ، وَ يَكْفُونَ عَنْ
أَشْيَاءَ مِنَ الْمَحَارِمِ مَخَافَةَ الْعُقُوبَةِ.

هنگامی که جرهم ستم روا داشتند و حرمت مکه را نادیده گرفتند، خداوند ﷻ آنها را
مبتلا به بیماری طاعون و آبله کرد و آنها را نابود ساخت. از این رو قبیله خزاعه چیره شده و
به اتفاق نظر تصمیم گرفتند همه ماندگان قبیله جرهم را از حرم خارج سازند.

رئیس خزاعه، عمرو بن ربیعة بن حارثة بن عمرو و رئیس جرهم عمرو بن حارث بن
مصاص جرهمی بود. در این درگیری قبیله خزاعه بر قبیله پیروز شده و آنها را فراری دادند
و بقیه افراد آنها به سر زمینی جهینه رهسپار شدند، در آن منطقه سیل شگفتی جاری شد و
آنان را از بین برد.

آن گاه قبیله خزاعه، والی کعبه شدند، کعبه همواره در دست آنان بود تا آن که قصی بن
کلاب آمد و قبیله خزاعه را از حرم بیرون کرد و والی کعبه شد و بر آنها پیروز شد.

۱۹ - سعید اعرج گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

به راستی که عرب همواره به بخشی از دین حق پایبند بودند، صلح رحم می کردند،
مهمان نوازی می نمودند و حج خانه کعبه را انجام می دادند و می گفتند: از خوردن مال یتیم
پرهیزید، چرا که مال یتیم سبب سخت شدن کارها و بسته شدن درهای روزی است. آنان
از کارهای حرام به خاطر ترس از کیفر آن، خودداری می کردند.

وَ كَانُوا لَا يُمَلَى لَهُمْ إِذَا انْتَهَكُوا الْمَحَارِمَ وَ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْ لِحَاءِ شَجَرِ الْحَرَمِ، فَيَعْلُقُونَهُ فِي أَعْنَاقِ الْإِبِلِ فَلَا يَجْتَرِي أَحَدٌ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ تِلْكَ الْإِبِلِ حَيْثُمَا ذَهَبَتْ وَ لَا يَجْتَرِي أَحَدٌ أَنْ يُعَلِّقَ مِنْ غَيْرِ لِحَاءِ شَجَرِ الْحَرَمِ أَيُّهُمْ فَعَلَ ذَلِكَ عُوقِبَ.

وَ أَمَّا الْيَوْمَ فَأُمَلِيَ لَهُمْ وَ لَقَدْ جَاءَ أَهْلَ الشَّامِ فَانصَبُوا الْمَنْجَنِيْقَ عَلَى أَبِي قُبَيْسٍ، فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سَحَابَةَ كَجَنَاحِ الطَّيْرِ فَأَمْطَرَتْ عَلَيْهِمْ صَاعِقَةً فَأَحْرَقَتْ سَبْعِينَ رَجُلًا حَوْلَ الْمَنْجَنِيْقِ.

(۸)

بَابُ حَجِّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

واین طور بود که اگر حرامها را پرده‌داری کرده و مرتکب می‌شدند به آنها مهلت داده نمی‌شد. در میان آنان رسم بود که از پوست درخت حرم برمی‌گرفتند و بر گردن شتران می‌آویختند و دیگر کسی جرئت نمی‌کرد از آن شترها - هر جا که روند - بگیرد. هم چنین کسی جرئت نمی‌کرد چیزی غیر از پوست درخت حرم بیاویزد. هر کدام از ایشان چنین کاری می‌کرد، مجازات می‌شد.

ولی امروز که پیامبر خدا ﷺ مبعوث شده به آنان مهلت داده شده است. اهل شام وارد مکه شدند و برای تخریب کعبه بر کوه ابوقبیس منجنیق نصب کردند. خداوند ابری مانند بال پرنده بر آنان فرستاد و صاعقه‌ای بر آنها فرستاد و هفتاد مردی که در اطراف منجنیق بودند، سوختند.

بخش هشتم

چگونگی حج پیامبران عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

إِنَّ سَفِينَةَ نُوحٍ كَانَتْ مَأْمُورَةً طَافَتْ بِالْبَيْتِ حَيْثُ غَرِقَتِ الْأَرْضُ، ثُمَّ أَتَتْ مِنِّي فِي أَيَّامِهَا ثُمَّ رَجَعَتِ السَّفِينَةُ وَكَانَتْ مَأْمُورَةً وَطَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يُحَدِّثُ عَطَاءً قَالَ:

كَانَ طُولُ سَفِينَةِ نُوحٍ أَلْفَ ذِرَاعٍ وَ مِائَتِي ذِرَاعٍ، وَ عَرْضُهَا ثَمَانِمِائَةَ ذِرَاعٍ، وَ طُولُهَا فِي السَّمَاءِ مِائَتَيْنِ ذِرَاعًا وَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، ثُمَّ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

مَرَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام فِي سَبْعِينَ نَبِيًّا عَلَى فِجَاجِ الرُّوحَاءِ عَلَيْهِمُ الْعِبَاءُ الْقَطَوَانِيَّةُ يَقُولُ: لَيْتَكَ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ.

همانا کشتی نوح مأمور بود، وقتی که زمین را آب فرا گرفت، آن کشتی، خانه کعبه را طواف کرد، سپس در ایام منا به منا آمد و آن گاه کشتی بازگشت و در حالی که مأمور بود بر دور خانه کعبه طواف نساء را انجام داد.

۲ - حسن بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام باقر عليه السلام با عطاء سخن می گفت، شنیدم که حضرتش فرمود:

طول کشتی نوح عليه السلام هزار و دویست ذراع، عرض آن هشتصد ذراع و ارتفاع آن دویست ذراع بود. آن بر گرد کعبه طواف کرد و هفت بار در میان صفا و مروه سعی نمود، آن گاه بر فراز کوه جودی استقرار یافت.

۳ - ابوبصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

موسی بن عمران عليه السلام در جمع هفتاد پیامبر از بزرگ راه های روحاء ^(۱) گذشت. آنان همگی عباپی قطوانی ^(۲) بر تن داشتند. موسی عليه السلام می گفت: لبیک، بنده تو و پسر بنده توام.

۱ - روحاء مکانی است میان مکه و مدینه.

۲ - قطوان: مکانی در کوفه است.

- ۴- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَرَّ مُوسَى النَّبِيُّ عليه السلام بِصَفْحِ الرَّوْحَاءِ عَلَى جَمَلٍ أَحْمَرَ خِطَامُهُ مِنْ لَيْفٍ عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَطَوَانِيَّتَانِ وَ هُوَ يَقُولُ: لَبَيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَيْكَ.
- قَالَ: وَ مَرَّ يُونُسُ بْنُ مَتَّى بِصَفْحِ الرَّوْحَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: لَبَيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَيْكَ.
- قَالَ: وَ مَرَّ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام بِصَفْحِ الرَّوْحَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: لَبَيْكَ عَبْدُكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَبَيْكَ.
- وَ مَرَّ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله بِصَفْحِ الرَّوْحَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: لَبَيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَيْكَ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَحْرَمَ مُوسَى عليه السلام مِنْ رَمْلَةِ مِصْرَ.

۴- هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: موسی عليه السلام بر فراز جهاز شتری سرخ موی - که مهار آن از لیف خرما بود - از سنگستان روحاء گذشت در حالی که دو عبای قطوانی بر تن داشت و می گفت: لبیک ای کریم! لبیک.

حضرتش فرمود: و یونس بن متی نیز بر سنگستان روحاء گذشت در حالی که می گفت: لبیک، برطرف کننده اندوههای بزرگ، لبیک.

حضرتش فرمود: هم چنین عیسی بن مریم از سنگستان روحاء گذشت، در حالی که می گفت: لبیک، بنده تو و پسر کنیز توام لبیک.

و حضرت محمد صلى الله عليه وآله در حالی بر سنگستان روحاء گذشت که می گفت: لبیک، صاحب راهها، لبیک.

۵- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
موسی عليه السلام از شنزار مصر احرام بست.

قَالَ: وَ مَرَّ بِصَفَاحِ الرَّوْحَاءِ مُحْرِمًا يَقُودُ نَاقَتَهُ بِخَطَامٍ مِنْ لَيْفِ عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَطَوَانِيَّتَانِ يُلْبِي وَ تُجَبِيهُ الْجِبَالُ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ حَجَّ الْبَيْتَ فِي الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ وَ الرِّيَّاحِ وَ كَسَا الْبَيْتَ الْقَبَاطِيَّ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ جَابِرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ سَبْعُمِائَةَ نَبِيٍّ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ لَمَشْحُورٌ مِنْ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ آدَمَ لَفِي حَرَمِ اللَّهِ ﷺ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

حضرتش فرمود: و موسی عليه السلام در حالی که احرام بسته بود از سنگستان روحاء گذشت. او شتر خود را - که مهار آن از لیف خرما بود - می کشید و عبای قطوانی بر تن داشت، تلبیه می گفت و کوهها با او هم آواز می شدند.

۶- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

سلیمان بن داوود عليه السلام با موکبی از پریان، انسانها، پرندهگان و بادهای مراسم حج بیت را به جای آورد، و جامه ای قباطی بر کعبه پوشانید.

۷- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

در مسجد خیف - که در منا است - هفتصد پیامبر نماز گزارده اند. همانا بین رکن و مقام از قبر پیامبران پر شده است، به راستی که قبر آدم در حرم خداوند است ^(۱).

۸- راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

۱ - در «مرآة العقول» آمده است: شاید منظور این است که حضرت آدم عليه السلام ابتدا در حرم خدا دفن شده، آن گاه نوح عليه السلام استخوانهای او را به نجف اشرف منتقل کرده است، آن سان که در روایات بسیاری نقل شده است.

حَجَّ مُوسَىٰ بِنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعَهُ سَبْعُونَ نَبِيًّا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، حُطِّمَ إِلَيْهِمْ مِنْ لَيْفٍ يُلْبُونُ وَ تُجِيئُهُمُ الْجِبَالُ وَ عَلَىٰ مُوسَىٰ عَبَاءَتَانِ قَطَوَانِيَّتَانِ يَقُولُ: لَبَيْكَ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِي بِلَالٍ الْمَكِّيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ الْحَجْرَ مِنْ نَاحِيَةِ الْبَابِ ، فَقَامَ يُصَلِّي عَلَى قَدْرِ ذِرَاعَيْنِ مِنَ الْبَيْتِ ، فَقُلْتُ لَهُ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يُصَلِّي بِحِيَالِ الْمِيزَابِ . فَقَالَ: هَذَا مُصَلَّى شَبَّرَ وَ شَبِيرِ ابْنِي هَارُونَ .

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ شَبَابِ الصَّيْرِفِيِّ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارِ الدُّهْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دُفِنَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ سَبْعُونَ نَبِيًّا أَمَانَهُمُ اللَّهُ جُوعًا وَ ضُرًّا .

موسی بن عمران علیه السلام مراسم حج را در حالی انجام داد که هفتاد پیامبر از بنی اسرائیل با او بودند، مهار شترهای آنها از لیف خرما بود. تلبیه می‌گفتند و کوه‌ها با آنها هم صدا می‌شدند، و برتن موسی علیه السلام دو عبای قطوانی بود و می‌گفت: لبیک بنده تو و پسر بنده توأم. ۹- ابو بلال مکی گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که از سمت در وارد حجر شد و به فاصله دو ذراع از خانه کعبه ایستاد و نماز گزارد. به آن حضرت عرض کردم: هیچ کدام از اهل بیت پدران شما را ندیدم که در مقابل ناودان نماز بگزارد؟

فرمود: اینجا جایگاه شبر و شبیر پسران هارون است.

۱۰- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در بین رکن یمانی و حجرالاسود هفتاد پیامبر دفن شده‌اند که خداوند آنان را با گرسنگی و تنگدستی قبض روح کرده است.

۱۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ دَاوُدَ لَمَّا وَقَفَ الْمَوْقِفَ بِعَرَفَةَ نَظَرَ إِلَى النَّاسِ وَكَثَرَتْ لَهُمْ فَصَعِدَ الْجَبَلَ فَأَقْبَلَ يَدْعُو.

فَلَمَّا قَضَى نُسُكَهُ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا دَاوُدُ! يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: لِمَ صَعِدْتَ الْجَبَلَ؟ ظَنَنْتَ أَنَّهُ يَخْفَى عَلَيَّ صَوْتٌ مِّنْ صَوْتِ؟!
 ثُمَّ مَضَى بِهِ إِلَى الْبَحْرِ إِلَى جُدَّةَ فَرَسَبَ بِهِ فِي الْمَاءِ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فِي الْبَرِّ، فَإِذَا صَخْرَةٌ فَفَلَقَهَا فَإِذَا فِيهَا دُودَةٌ فَقَالَ لَهُ: يَا دَاوُدُ! يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: أَنَا أَسْمَعُ صَوْتَ هَذِهِ فِي بَطْنِ هَذِهِ الصَّخْرَةِ فِي قَعْرِ هَذَا الْبَحْرِ، فَظَنَنْتَ أَنَّهُ يَخْفَى عَلَيَّ صَوْتٌ مِّنْ صَوْتِ؟!

۱۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که داوود پیامبر عليه السلام در موقف عرفه ایستاد به انبوه مردم نگاه کرد و بر فراز کوه رفت و مشغول دعا شد. هنگامی که مناسک خود را تمام کرد، جبرئیل عليه السلام نزد او آمد و گفت: ای داوود! پروردگارت می‌فرماید: برای چه بر فراز کوه رفتی؟ آیا پنداشتی که صدای ندا کننده‌ای بر من مخفی می‌ماند؟
 آن‌گاه او را به کناره دریا برد و با او به اندازه مسافت چهل روز راه در خشکی، در آب فرو رفت.

ناگاه به سنگی برخوردند، جبرئیل آن را شکافت و در درون آن کرمی بود. به داوود گفت: ای داوود! پروردگارت تو می‌گوید: من صدای این کرم را از دل این سنگ در ته دریا می‌شنوم، پس پنداشتی که صدای ندا کننده‌ای بر من مخفی می‌ماند؟!.

(۹)

بَابُ وُرُودِ تَبَعٍ وَ أَصْحَابِ الْفِيلِ الْبَيْتِ وَ حَفْرِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ زَمْزَمَ وَ هَدْمِ
قُرَيْشِ الْكَعْبَةِ وَ بِنَائِهِمْ إِيَّاهَا وَ هَدْمِ الْحَجَّاجِ لَهَا وَ بِنَائِهِ إِيَّاهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ:
حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ:
كُنْتُ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ أَنَا وَ صَاحِبٌ لِي فَتَدَاكَرْنَا الْأَنْصَارَ، فَقَالَ أَحَدُنَا:
هُمُ نَزَاعٌ مِنْ قَبَائِلٍ.
وَ قَالَ أَحَدُنَا: هُمْ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ.

قَالَ: فَانْتَهَيْنَا إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ هُوَ جَالِسٌ فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ فَابْتَدَأَ الْحَدِيثَ
وَ لَمْ نَسْأَلْهُ فَقَالَ: إِنَّ تَبَعًا لَمَّا أَنْ جَاءَ مِنْ قِبَلِ الْعِرَاقِ وَ جَاءَ مَعَهُ الْعُلَمَاءُ وَ أَبْنَاءُ
الْأَنْبِيَاءِ.

بخش نهم

ورود تبع و اصحاب فیل به مکه ، حفر چاه زمزم توسط عبدالمطلب
تخریب خانه کعبه توسط قریش ، تجدید بنای آن ، تخریب خانه کعبه
توسط حججاج و تجدید بنای او

۱ - اسماعیل بن جابر گوید: من و رفیقم در مسیر بین مکه و مدینه بودیم، سخن از انصار
به میان آمد، یکی از ما گفت: آنان غریب و از قبیله‌های گوناگونند.
دیگری گفت: آنان از اهل یمن هستند.

اسماعیل در ادامه گوید: ما خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم، حضرتش زیر
سایه درختی نشسته بود و پیش از آن که از حضرتش چیزی پرسیم سخن آغاز کرد و فرمود:
تبع یکی از پادشاهان یمن بود، وی هنگامی که از جانب عراق به سمت مکه آمد
دانشمندان و فرزندان پیامبران نیز با او بودند.

فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى هَذَا الْوَادِي لِهَذَا نَسِيبِ أَتَاهُ أَنَا مِنْ بَعْضِ الْقَبَائِلِ فَقَالُوا: إِنَّكَ تَأْتِي
أَهْلَ بَلَدَةٍ قَدْ لَعِبُوا بِالنَّاسِ زَمَانًا طَوِيلًا حَتَّى اتَّخَذُوا بِلَادَهُمْ حَرَمًا وَبُنَيْتَهُمْ رَبًّا
أَوْ رَبَّةً ..

فَقَالَ: إِنْ كَانَ كَمَا تَقُولُونَ قَتَلْتُ مُقَاتِلِيهِمْ وَ سَبَيْتُ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ هَدَمْتُ بُنْيَتَهُمْ.
قَالَ: فَسَأَلْتُ عَيْنَاهُ حَتَّى وَقَعَتَا عَلَيَّ خَدَّيْهِ.
قَالَ: فَدَعَا الْعُلَمَاءَ وَ الْأَنْبِيَاءَ. فَقَالَ: أَنْظِرُونِي وَ أَخْبِرُونِي لِمَا أَصَابَنِي هَذَا؟
قَالَ: فَأَبَوْا أَنْ يُخْبِرُوهُ حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِمْ.
قَالُوا: حَدِّثْنَا بِأَيِّ شَيْءٍ حَدَّثْتَ نَفْسَكَ؟
قَالَ: حَدَّثْتُ نَفْسِي أَنْ أَقْتَلَ مُقَاتِلِيهِمْ وَ أَسْبِي ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَهْدِمَ بُنْيَتَهُمْ.
فَقَالُوا: إِنَّا لَا نَرَى الَّذِي أَصَابَكَ إِلَّا لِذَلِكَ.
قَالَ: وَ لِمَ هَذَا؟

وقتی که به این وادی - که از قبیله هذیل بود - رسید، گروهی از برخی از قبیله‌ها نزد او آمدند و گفتند: تو نزد اهل شهری آمده‌ای که دیر زمانی است که مردم را به بازی گرفته‌اند تا این که شهرهای آنان را حرم قرار داده و کعبه خود را مستحق تعظیم شمردند.
تبع گفت: اگر آن گونه باشد که می‌گویید، جنگجویان آنان را می‌کشم، فرزندان آنها را اسیر و کعبه آنان را ویران می‌کنم.

امام علیه السلام فرمود: در این هنگام دو چشم او روان شد تا این که بر دو گونه او افتاد.
فرمود: او دانشمندان و فرزندان پیامبران را خواست و گفت: به من بنگرید و بگویید چرا چنین شده‌ام؟

فرمود: آنان سرباز زدند از این که چیزی بگویند، تا آن که آهنگ جان آنها را کرد.
گفتند: بگو در دل با خود چه گفتی؟
گفت: در دل خود گفتم: جنگجویان آنان را می‌کشم، فرزندانشان را اسیر و کعبه آنان را ویران می‌کنم.

گفتند: آن چه به تو رسیده فقط به خاطر همان سخن است.
گفت: برای چه این گونه است؟

قَالُوا: لِأَنَّ الْبَلَدَ حَرَمُ اللَّهِ وَ الْبَيْتَ بَيْتُ اللَّهِ وَ سُكَّانَهُ ذُرِّيَّةُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ.

فَقَالَ: صَدَقْتُمْ فَمَا مَخْرَجِي مِمَّا وَقَعْتُ فِيهِ؟

قَالُوا: تُحَدِّثُ نَفْسَكَ بِغَيْرِ ذَلِكَ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْكَ.

قَالَ: فَحَدَّثْتُ نَفْسَهُ بِخَيْرٍ، فَرَجَعْتُ حَدِّقْتَاهُ حَتَّى تَبَيَّنَتَا مَكَانَهُمَا.

قَالَ: فَدَعَا بِالْقَوْمِ الَّذِينَ أَشَارُوا عَلَيْهِ بِهَدْمِهَا فَقَتَلْتَهُمْ، ثُمَّ أَتَى الْبَيْتَ وَ كَسَاهُ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ جَزُورٍ حَتَّى حُمِلَتِ الْجِفَانُ إِلَى السَّبَاعِ فِي رُءُوسِ الْجِبَالِ وَ نُثِرَتِ الْأَعْلَافُ فِي الْأُودِيَةِ لِلْوُحُوشِ ثُمَّ انْصَرَفَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَأَنْزَلَ بِهَا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ مِنْ عَسَانَ وَ هُمُ الْأَنْصَارُ. فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَسَاهُ النَّطَاعَ وَ طَيَّبَهُ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ وَ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

گفتند: چون این شهر حرم خدا، خانه، خانه او و ساکنان آن، فرزندان ابراهیم خلیل الرحمان هستند.

گفت: راست گفتید، اکنون چگونه از این گرفتاری خلاص شوم؟

گفتند: در دل خود سخن غیر از آن سخن بگو و اراده خود را تغییر ده، شاید خداوند نعمت را به تو بازگرداند.

امام علیه السلام فرمود: تبع در دل خود سخن خیر و نیک گفت، دو حدقه چشمان او بازگشتند و در جای خود قرار گرفتند.

امام علیه السلام فرمود: آن گاه تبع آن گروه را - که او را به تخریب کعبه وادار کرده بودند - خواست و همه آنها را کشت. سپس کنار خانه کعبه آمد، آن را پوشانید و سی روز، هر روز صد شتر اطعام کرد تا آنجا که کاسه های غذا برای درندگان بر سر کوه ها برده می شد و برای جانوران وحشی در دره ها غذا پراکنده می شد، آن گاه از مکه به سوی مدینه حرکت کرد و گروهی از اهل یمن را از قبیله عسان - که همان انصار هستند - در آن جا فرود آورد.

در روایت دیگری آمده است: تبع پارچه پوستین بر کعبه پوشانید و آن را خوشبو گردانید.

۲ - محمد بن حمران و هشام بن سالم گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَمَّا أَقْبَلَ صَاحِبُ الْحَبْشَةِ بِالْفِيلِ يُرِيدُ هَدْمَ الْكَعْبَةِ مَرُّوا بِإِبِلٍ لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ
فَاسْتَأْذَنُوا، فَتَوَجَّهَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ إِلَى صَاحِبِهِمْ يَسْأَلُهُ رَدَّ إِبِلِهِ عَلَيْهِ.
فَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ وَقِيلَ لَهُ: إِنَّ هَذَا شَرِيفُ قُرَيْشٍ - أَوْ عَظِيمُ قُرَيْشٍ - وَهُوَ
رَجُلٌ لَهُ عَقْلٌ وَ مَرُوءَةٌ.

فَأَكْرَمَهُ وَأَذْنَاهُ، ثُمَّ قَالَ لِتَرْجُمَانِهِ: سَلُهُ مَا حَاجَتُكَ؟
فَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَصْحَابَكَ مَرُّوا بِإِبِلٍ لِي فَاسْتَأْذَنُوا فَأَحْبَبْتُ أَنْ تَرُدَّهَا عَلَيَّ.
قَالَ: فَتَعَجَّبَ مِنْ سُؤَالِهِ إِيَّاهُ رَدَّ الْإِبِلِ وَقَالَ: هَذَا الَّذِي زَعَمْتُمْ أَنَّهُ عَظِيمُ قُرَيْشٍ
وَ ذَكَرْتُمْ عَقْلَهُ، يَدْعُ أَنْ يَسْأَلَنِي أَنْ أَنْصُرِفَ عَنْ بَيْتِهِ الَّذِي يَعْبُدُهُ. أَمَا لَوْ سَأَلَنِي أَنْ
أَنْصُرِفَ عَنْ هَدْيِهِ لَأَنْصُرِفْتُ لَهُ عَنْهُ.
فَأَخْبَرَهُ التَّرْجُمَانُ بِمَقَالَةِ الْمَلِكِ.
فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ: إِنَّ لِدَلِكِ الْبَيْتِ رَبًّا يَمْنَعُهُ، وَإِنَّمَا سَأَلْتُكَ رَدَّ إِبِلِي
لِحَاجَتِي إِلَيْهَا.

هنگامی که فرمانروای حبشه با فیل برای ویران کردن کعبه روی آورد، افراد او به شترهای
عبدالمطلب برخوردند و آنها را پیش رانده و گرفتند.
عبدالمطلب به سوی امیر حبشه شتافت و از او بازگردانیدن شترهای خود را درخواست
نمود. اجازه ورود خواست به او اجازه دادند به فرمانروای حبشه گفته شد: این شخص، نجیب -
یا بزرگ - قریش است. و فردی خردمند و با مروّت است.
حاکم او را گرامی داشت و در نزد خود جای داد، آن گاه به مترجم خویش گفت: از او بپرس
که خواسته تو چیست؟

عبدالمطلب گفت: لشکریان تو شترهای مرا گرفته‌اند، دوست دارم که آنها را به من بازگردانی.
امام عليه السلام فرمود: حاکم از درخواست او در مورد بازگردانیدن شترها تعجب کرد و گفت: این
همان کسی است که گمان کردید، بزرگ قریش است و از خرد او گفتید، این خواسته را
وامی‌گذارد که از من بخواهد تا از تخریب خانه‌ای که آن را پرستش می‌کند، دست بردارم، و به
طور حتم اگر از من می‌خواست که از آن دست بردارم، برای خاطر او این کار را انجام می‌دادم.
مترجم، سخن پادشاه را به عبدالمطلب گزارش داد، عبدالمطلب به او گفت: به راستی که این
خانه، صاحبی دارد که آن را نگه می‌دارد. من فقط از شما بازگردانیدن شترهای خود را
درخواست کردم، چون به آنها نیاز دارم.

فَأَمَرَ بِرَدِّهَا عَلَيْهِ. وَ مَضَى عَبْدُ الْمُطَّلِبِ حَتَّى لَقِيَ الْفِيلَ عَلَى طَرَفِ الْحَرَمِ،
فَقَالَ لَهُ: مَحْمُودٌ! فَحَرَكَ رَأْسَهُ، فَقَالَ لَهُ: أَتَدْرِي لِمَا جِيءَ بِكَ؟

فَقَالَ بِرَأْسِهِ: لَا.

فَقَالَ: جَاءُوا بِكَ لِتَهْدِمَ بَيْتَ رَبِّكَ أَفَتَفْعَلُ؟

فَقَالَ بِرَأْسِهِ: لَا.

قَالَ: فَأَنْصَرَفَ عَنْهُ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَ جَاءُوا بِالْفِيلِ لِيَدْخُلَ الْحَرَمَ، فَلَمَّا أَنْتَهَى إِلَى
طَرَفِ الْحَرَمِ امْتَنَعَ مِنَ الدُّخُولِ فَضَرَبُوهُ فَأَمْتَنَعَ فَأَدَارُوا بِهِ نَوَاحِي الْحَرَمِ كُلَّهَا، كُلُّ
ذَلِكَ يَمْتَنِعُ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَدْخُلْ وَ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الطَّيْرَ كَالْحَطَايِفِ فِي مَنَاقِيرِهَا
حَجَرٌ كَالْعَدَسَةِ أَوْ نَحْوِهَا.

فَكَانَتْ تُحَاذِي بِرَأْسِ الرَّجُلِ ثُمَّ تُرْسِلُهَا عَلَى رَأْسِهِ فَتَخْرُجُ مِنْ دُبُرِهِ حَتَّى لَمْ
يَبْقَ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ هَرَبَ، فَجَعَلَ يُحَدِّثُ النَّاسَ بِمَا رَأَى إِذَا طَلَعَ عَلَيْهِ طَائِرٌ
مِنْهَا.

پادشاه فرمان داد تا شترهای عبدالمطلب وی را به او بازگردانیدند. او بازگشت و در کنار حرم
به فیل برخورد، به او گفت: ای محمود! ^(۱)

فیل سر خود را تکان داد، به او گفت: آیا می‌دانی تو را برای چه آورده‌اند؟
با سر اشاره کرد: نه.

عبدالمطلب گفت: تو را آورده‌اند تا خانه پروردگارت را خراب کنی، آیا چنین کاری خواهی کرد؟
با سر اشاره کرد: نه.

امام علیه السلام فرمود: عبدالمطلب از فیل جداگشت و روانه شد، آنها فیل را آوردند تا وارد حرم
کنند، همین که به کنار حرم رسید از ورود به حرم خودداری کرد، آن را زدند، باز خودداری کرد،
فیل را در اطراف حرم گرداندند، وارد حرم نمی‌شد.

خداوند پرندگانی چون پرستو بر آنان فرستاد که در منقارهای آنها سنگی به اندازه عدس - یا
مانند آن - بود که در برابر سر مرد می‌آمد و آن را بر سر او می‌انداخت و از نشیمنگاه او خارج
می‌شد تا این که از آنها کسی نماند مگر یک مرد که فرار کرد و آن چه را که دیده بود، برای مردم
گزارش می‌کرد که ناگاه یکی از آن پرندگان ظاهر شد.

۱ - به نظر می‌رسد نام آن فیل بوده است.

فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: هَذَا الطَّيْرُ مِنْهَا، وَجَاءَ الطَّيْرُ حَتَّى حَادَى بِرَأْسِهِ ثُمَّ أَلْقَاهَا عَلَيْهِ فَخَرَجَتْ مِنْ دُبُرِهِ فَمَاتَ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ قُرَيْشًا فِي الْجَاهِلِيَّةِ هَدَمُوا الْبَيْتَ، فَلَمَّا أَرَادُوا بِنَاءَهُ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ وَالْقِيَامِ فِي رُوعِهِمُ الرُّعْبُ حَتَّى قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: لِيَأْتِي كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِأَطِيبٍ مَالِهِ وَلَا تَأْتُوا بِمَالٍ اكْتَسَبْتُمُوهُ مِنْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ، أَوْ حَرَامٍ.

فَفَعَلُوا فَخَلَّى بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ بِنَائِهِ، فَبَنَوْهُ حَتَّى أَنْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَتَشَاجَرُوا فِيهِ أَيُّهُمْ يَضَعُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فِي مَوْضِعِهِ حَتَّى كَادَ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمْ شَرٌّ. فَحَكَّمُوا أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ مِنْ بَابِ الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَنَّهُمْ أَمَرَ بِتَوْبٍ فَبَسَطُوا ثُمَّ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي وَسْطِهِ، ثُمَّ أَخَذَتِ الْقَبَائِلُ بِجَوَانِبِ الثُّوبِ فَرَفَعُوهُ، ثُمَّ تَنَاوَلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَوَضَعَهُ فِي مَوْضِعِهِ فَخَصَّهُ اللَّهُ بِهِ.

سر خود را بلند کرد و گفت: این پرنده از آنهاست، و پرنده نیز آمد تا این که در برابر سراو قرار گرفت و آن سنگریزه را براو انداخت که از نشیمنگاهش خارج شد و مرد.

۳- سعید بن عبدالله اعرج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

قریش در دوران جاهلیت خانه کعبه را ویران کردند، وقتی خواستند آن را بنا کنند، و بیم و هراس به دل‌هایشان افتاد، به گونه‌ای که یکی از آنان گفت: هر کدام از شما بایستی پاکیزه‌ترین مال خود را بیاورد، و مالی را که از طریق قطع رحم یا راه حرام به دست آورده‌اید، نیاورید. وقتی چنین کردند، مانعی که در میان بود و از ساختن کعبه منع می‌کرد از میان رفت. آن گاه به کار ساختن آن پرداختند، تا به جای نصب حجرالأسود رسیدند. در این هنگام در مورد نصب آن، مشاجره‌ای بین آنها درگرفت، به گونه‌ای که نزدیک بود که شری در میان آنها پدید آید. آنان برای رفع درگیری و نزاع این گونه توافق کردند که نخستین کسی که از در مسجد وارد می‌شود میان ایشان داوری کند. در این هنگام رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از در وارد شد و چون به جمع آنان پیوست و ماجرای آنان را دریافت، امر فرمود تا جامه‌ای آوردند، و آن گاه سنگ را در میان آن نهاد، پس از آن، سران قبایل اطراف آن جامه را گرفتند و آن را از جای برداشتند، سپس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را برداشت و به جای خود قرار داد، از این رو خداوند او را به این امر اختصاص داد.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ غَيْرُهُ بِأَسَانِيدٍ مُخْتَلِفَةٍ رَفَعُوهُ قَالُوا:
 إِنَّمَا هَدَمَتْ قُرَيْشُ الْكَعْبَةَ، لِأَنَّ السَّبِيلَ كَانَ يَأْتِيهِمْ مِنْ أَعْلَى مَكَّةَ فَيَدْخُلُهَا
 فَأَنْصَدَعَتْ وَ سُرِقَ مِنَ الْكَعْبَةِ غَزَالٌ مِنْ ذَهَبٍ رِجَالَهُ مِنْ جَوْهَرٍ، وَ كَانَ حَائِطُهَا
 قَصِيرًا، وَ كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ مَبْعَثِ النَّبِيِّ ﷺ بِثَلَاثِينَ سَنَةً.
 فَأَرَادَتْ قُرَيْشٌ أَنْ يَهْدِمُوا الْكَعْبَةَ وَ يَبْنُوَهَا وَ يَزِيدُوا فِي عَرْضِهَا ثُمَّ أَشْفَقُوا مِنْ
 ذَلِكَ، وَ خَافُوا إِنْ وَضَعُوا فِيهَا الْمَعَاوِلَ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ عُقُوبَةٌ.
 فَقَالَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمُغِيرَةِ: دَعُونِي أَبَدًا، فَإِنَّ كَانَ لِلَّهِ رِضًا لَمْ يُصِيبْنِي شَيْءٌ، وَ إِنْ
 كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ كَفَفْنَا.
 فَصَعِدَ عَلَى الْكَعْبَةِ وَ حَرَّكَ مِنْهُ حَجْرًا فَخَرَجَتْ عَلَيْهِ حَيَّةٌ وَ أَنْكَسَفَتِ
 الشَّمْسُ، فَلَمَّا رَأَوْا ذَلِكَ بَكَوْا وَ تَضَرَّعُوا وَ قَالُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ.
 فَعَابَتْ عَنْهُمْ الْحَيَّةُ فَهَدَمُوهُ وَ نَحَّوْا حِجَارَتَهُ حَوْلَهُ حَتَّى بَلَّغُوا الْقَوَاعِدَ الَّتِي
 وَضَعَهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۴ - علی بن ابراهیم و دیگران به سندهای گوناگون از معصوم علیه السلام نقل کرده‌اند که حضرتش فرمود:
 علت آن که قریش کعبه را خراب کردند، این بوده که سبیل از فراز کوهستان‌های مکه به سوی
 آنان روان می‌شده و به درون کعبه داخل می‌گشته به گونه‌ای که در اثر هجوم سبیل، دیوارهای
 کعبه شکست، و از کعبه آهویی طلایی که دو پایش از گوهر قیمتی بود، دزدیده شد. از طرفی
 دیوار کعبه کوتاه بود، این واقعه سی سال پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.
 در این هنگام قریش اراده کردند که کعبه را خراب کرده و آن را تجدید بنا کنند و بر ساختمان
 آن بیفزایند، ولی از انجام این کار ترسیده و به هراس افتادند که اگر کلنگ در کعبه گذارند، عذابی
 بر آنان نازل شود.
 از این رو ولید بن مغیره گفت: اجازه دهید من این کار را شروع کنم، اگر رضای خداوند در آن
 باشد چیزی به من نمی‌رسد، و اگر جز این باشد از آن دست برمی‌داریم.
 او بر بالای کعبه قرار گرفت، وقتی سنگی را حرکت داد، ناگاه ماری خارج شد، خورشید
 گرفت، هنگامی که قریش این صحنه را دیدند، گریه و زاری نمودند و گفتند: خدایا! ما فقط
 می‌خواهیم کعبه را تعمیر و تجدید بنا کنیم.
 در این هنگام مار پنهان شد، آنها کعبه را خراب کردند و سنگ‌های آن را برداشتند تا به
 پایه‌هایی رسیدند که ابراهیم علیه السلام آنها را گذارده بود.

فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَزِيدُوا فِي عَرْصَتِهِ وَ حَرَّكُوا الْقَوَاعِدَ الَّتِي وَضَعَهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 أَصَابَتْهُمْ زَلْزَلَةٌ شَدِيدَةٌ وَ ظُلْمَةٌ، فَكَفُّوا عَنْهُ.
 وَ كَانَ بُنْيَانُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطُّوْلُ ثَلَاثُونَ ذِرَاعًا وَ الْعَرْضُ اثْنَانِ وَ عِشْرُونَ ذِرَاعًا
 وَ السَّمْكُ تِسْعَةٌ أَذْرُعٌ، فَقَالَتْ قُرَيْشٌ: نَزِيدُ فِي سَمَكِهَا.
 فَبَنَوْهَا فَلَمَّا بَلَغَ الْبِنَاءُ إِلَى مَوْضِعِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تَشَاجَرَتْ قُرَيْشٌ فِي وَضْعِهِ
 فَقَالَ كُلُّ قَبِيلَةٍ: نَحْنُ أَوْلَى بِهِ نَحْنُ نَضَعُهُ.
 فَلَمَّا كَثُرَ بَيْنَهُمْ تَرَاضُوا بِقِضَاءٍ مَنْ يَدْخُلُ مِنْ بَابِ بَنِي شَيْبَةَ، فَطَلَعَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: هَذَا الْأَمِينُ قَدْ جَاءَ.
 فَحَكَّمُوهُ. فَبَسَطَ رِدَاءَهُ - وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: كِسَاءُ طَارُونِي كَانَ لَهُ - وَ وَضَعَ الْحَجَرَ
 فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: يَأْتِي مِنْ كُلِّ رَنْعٍ مِنْ قُرَيْشٍ رَجُلٌ فَكَانُوا عْتَبَةَ بْنَ رَبِيعَةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ
 وَ الْأَسْوَدَ بْنَ الْمُطَّلِبِ مِنْ بَنِي أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزْزِيِّ وَ أَبُو حُذَيْفَةَ بْنَ الْمُغِيرَةَ مِنْ بَنِي
 مَخْزُومٍ وَ قَيْسَ بْنَ عَدِيٍّ مِنْ بَنِي سَهْمٍ فَرَفَعُوهُ وَ وَضَعَهُ النَّبِيُّ ﷺ فِي مَوْضِعِهِ.

وقتی خواستند بر مساحت ساختمان آن بیفزایند و آن پایه‌ها را حرکت دادند، زلزله‌ای
 سخت روی داد و هوا تاریک شد. آنها از آن تصمیم دست کشیدند.
 بنایی را که ابراهیم علیه السلام ساخته بود به طول سی ذراع، به عرض بیست و دو ذراع و به ارتفاع
 نه ذراع بود، قریش گفتند: به ارتفاع آن می‌افزاییم، از این رو به ساختن آن پرداختند، وقتی به
 محل نصب حجر الاسود رسیدند درباره نصب آن مشاجره‌ای در میان آنان درگرفت، هر قبیله‌ای
 گفت: ما به نصب آن سزاوارتریم.
 وقتی که مشاجره بالا گرفت به قضاوت و حکمیت کسی که از در بنی شیبه وارد می‌شود
 راضی شدند. ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار شد، گفتند: این شخص امین آمد.
 آنها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را داور قرار دادند. آن حضرت ردای خود را گسترد - برخی از رویان
 گفته‌اند: حضرتش عبای خزطارونی داشت - و حجر الاسود را در آن گذارد، سپس فرمود: از هر
 محله‌ای از قریش یک مرد بیاید - که عبارت بودند از: عتبه بن ربیعه بن عبدشمس، اسود بن
 مطلب از بنی اسد بن عبدالعززی، ابو حذیفه بن مغیره از بنی مخزوم، قیس بن عدی از بنی سهم - آنها
 حجر الاسود را برداشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در جای خود گذارد.

وَ قَدْ كَانَ بَعَثَ مَلِكُ الرُّومِ بِسَفِينَةٍ فِيهَا سُقُوفٌ وَ آلَاتٌ وَ خَشَبٌ وَ قَوْمٌ مِنْ
الْفَعْلَةِ إِلَى الْحَبَشَةِ لِيُنْبِئَنِي لَهُ هُنَاكَ بَيْعَةٌ، فَطَرَحَتْهَا الرِّيحُ إِلَى سَاحِلِ الشَّرِيعَةِ،
فَبَطِخَتْ فَبَلَغَ قُرَيْشًا خَبْرُهَا، فَخَرَجُوا إِلَى السَّاحِلِ فَوَجَدُوا مَا يَصْلُحُ لِلْكَعْبَةِ مِنْ
خَشَبٍ وَ زِينَةٍ وَ غَيْرِ ذَلِكَ.

فَأَبْتَاغُوهُ وَ صَارُوا بِهِ إِلَى مَكَّةَ فَوَافَقَ ذَرْعُ ذَلِكَ الْخَشَبِ الْبِنَاءَ مَا خَلَا الْحِجْرَ،
فَلَمَّا بَنَوْهَا كَسَوْهَا الْوَصَائِدَ وَ هِيَ الْأُرْدِيَّةُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ
سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَاهَمَ قُرَيْشًا فِي بِنَاءِ الْبَيْتِ فَصَارَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَابِ
الْكَعْبَةِ إِلَى النُّصْفِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَانَ لِبَنِي هَاشِمٍ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ إِلَى الرُّكْنِ الشَّامِيِّ.
۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ غَيْرُهُ رَفَعُوهُ قَالَ:

پادشاه روم یک کشتی آلات و چوب‌ها برای سقف سازی به همراه بنا و کارگر به حبشه
فرستاد تا در آنجا برای او کلیسایی بسازند، توفان در نوردید و کشتی را به کنار دریا انداخت
و آن را شکست. خبر آن به قریش رسید، آنها به سوی ساحل روانه شدند و آن چه را که برای
کعبه مناسب بود - از قبیل چوب، زینت آلات و غیر آن - خریدند و به مکه آوردند، و آن مقدار از
چوب‌ها را که آورده بودند با آن چه که ساخته بودند - جز حجر الاسود - مطابق بود، و چون کار
ساخت آن پایان پذیرفت، کعبه را با پرده بافته شده‌ای که زینت داده شده بود - پوشانیدند.

۵ - داوود بن سرحان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در ساخت خانه با قریش سهم شد، که از در کعبه تا نیمی از دیوار مابین
رکن یمانی تا حجر الاسود در سهم آن حضرت قرار گرفت.

در روایت دیگری آمده است: از حجر الاسود تا رکن شامی از آن بنی هاشم بود.

۶ - علی بن ابراهیم و دیگران در روایت مرفوعه‌ای گویند: امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

كَانَ فِي الْكَعْبَةِ غَزَالَانِ مِنْ ذَهَبٍ وَ حَمْسَةُ أَسْيَافٍ، فَلَمَّا غَلَبَتْ خُزَاعَةَ جُرْهُمَ
عَلَى الْحَرَمِ أَلْقَتْ جُرْهُمُ الْأَسْيَافَ وَالْغَزَالَيْنِ فِي بئرِ زَمْزَمَ وَاللَّقُوا فِيهَا الْحِجَارَةَ وَ
طَمُّوهُمَا وَ عَمَّوْا أَثَرَهَا.

فَلَمَّا غَلَبَ قُصَيٌّ عَلَى خُزَاعَةَ لَمْ يَعْرِفُوا مَوْضِعَ زَمْزَمَ وَ عَمِيَ عَلَيْهِمْ مَوْضِعُهَا.
فَلَمَّا غَلَبَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَ كَانَ يُفْرَشُ لَهُ فِي فِنَاءِ الْكَعْبَةِ وَ لَمْ يَكُنْ يُفْرَشُ لِأَحَدٍ
هُنَاكَ غَيْرُهُ، فَبَيْنَمَا هُوَ نَائِمٌ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ. فَرَأَى فِي مَنَامِهِ أَنَّهُ آتٍ فَقَالَ لَهُ: احْفَرِ
بِرَّةً.

قَالَ: وَ مَا بِرَّةٌ؟

ثُمَّ أَنَّهُ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي فَقَالَ: احْفَرِ طَيْبَةً.

ثُمَّ أَنَّهُ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ فَقَالَ: احْفَرِ الْمَصُونَةَ.

قَالَ: وَ مَا الْمَصُونَةُ؟

در کعبه دو آهوی طلائی و پنج شمشیر بود، وقتی که قبیله خزاعه بر قبیله جرهم چیره شدند و به حرم دست یافتند، قبیله جرهم شمشیرها و دو آهورا در چاه زمزم افکنده و چاه را با سنگ پر کردند و نشانه آن را مخفی داشتند.

هنگامی که قصی بر قبیله خزاعه غلبه پیدا کرد، از جای زمزم آگاهی نداشتند. از این رو همچنان جای آن پوشیده ماند. تا آن که عبدالمطلب به حرم دست یافت. همواره جای خواب او در فضای کعبه گسترده می شد و برای کسی جز او در آنجا، جای گسترده نمی شد. در آن میان که در سایه کعبه خوابیده بود، در عالم خواب دید که شخصی نزد او آمد و به وی گفت: بره ای را (یعنی چشمه ای که آب بسیار و نفع فراوان دارد) حفر کن.

پرسید: بره چیست؟

سپس در روز دوم به خواب او آمد و گفت: طیبه و پاکیزگی را حفر کن.

و در روز سوم آمد و گفت: مصونه و حفظ شده را حفر کن.

گفت: مصونه چیست؟

ثُمَّ أَنَا فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ فَقَالَ: أَحْفِرْ زَمْزَمَ لَا تَنْزَحْ وَلَا تَنْزَحِ تَسْقِي الْحَجِيجَ الْأَعْظَمَ عِنْدَ الْعُرَابِ الْأَعْصَمِ عِنْدَ قَرْيَةِ النَّمْلِ.

وَكَانَ عِنْدَ زَمْزَمَ حَجَرٌ يَخْرُجُ مِنْهُ النَّمْلُ فَيَقَعُ عَلَيْهِ الْعُرَابُ الْأَعْصَمُ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَلْتَقِطُ النَّمْلَ، فَلَمَّا رَأَى عَبْدُ الْمُطَّلِبِ هَذَا عَرَفَ مَوْضِعَ زَمْزَمَ، فَقَالَ لِقُرَيْشٍ: إِنِّي أَمَرْتُ فِي أَرْبَعِ لَيَالٍ فِي حَفْرِ زَمْزَمَ وَهِيَ مَأْتُرُنَا وَعِزُّنَا فَهَلُمُّوا نَحْفِرْهَا.

فَلَمْ يُجِيبُوهُ إِلَى ذَلِكَ، فَأَقْبَلَ يَحْفِرُهَا هُوَ بِنَفْسِهِ، وَكَانَ لَهُ ابْنٌ وَاحِدٌ وَهُوَ الْحَارِثُ، وَكَانَ يُعِينُهُ عَلَى الْحَفْرِ، فَلَمَّا صَعِبَ ذَلِكَ عَلَيْهِ تَقَدَّمَ إِلَى بَابِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ وَدَعَا اللَّهَ ﷻ وَنَذَرَ لَهُ إِنْ رَزَقَهُ عَشْرَ بَيْنِينَ أَنْ يَنْحَرَ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ ﷻ.

فَلَمَّا حَفَرَ وَبَلَغَ الطَّوِيَّ طَوِيَّ إِسْمَاعِيلَ ﷺ وَ عَلِمَ أَنَّهُ قَدْ وَقَعَ عَلَى الْمَاءِ كَبْرٌ وَ كَبَّرَتْ قُرَيْشٌ وَ قَالُوا: يَا أَبَا الْحَارِثِ! هَذِهِ مَأْتُرُنَا وَ لَنَا فِيهَا نَصِيبٌ.

آن گاه در روز چهارم به خواب او آمد و گفت: زمزم را حفر کن، که آب آن تمام نمی شود و برای آب دادن به حاجیان بسیاری ناخرسند شمرده نمی شود. جای زمزم در نزد کلاغ یک پای سفید، در کنار سوراخ مورچگان است. کنار چاه زمزم سوراخی بود که مورچگان از آن خارج می شدند و کلاغ یک پای سفید هر روز در کنار آن سوراخ می نشست و مورچگان را بر می چید. هنگامی عبدالمطلب این خواب را دید، جای زمزم را شناخت. به قریش گفت: چهار شب است که در خواب به من فرمان داده شده تا زمزم را حفر کنم و آن شرف و عزت ماست، بیایید آن را حفر کنیم.

قریش به دعوت او پاسخ ندادند. به تنهایی با کمک تنها پسرش - که حارث نام داشت - شروع به حفر زمزم کرد. وقتی کار بر او سخت و دشوار شد، به سوی در کعبه شتافت و دست های خود را بلند کرد و خداوند ﷻ را فراخواند و نذر کرد که اگر خداوند ده پسر به او روزی کند، عزیزترین و محبوبترین آنها را برای تقرب و نزدیکی به خداوند ﷻ قربانی نماید.

هنگامی که چاه زمزم را حفر کرد و به سنگ چین حضرت اسماعیل ﷺ رسید و دانست که به آب رسیده است، تکبیر گفت.

قریش نیز زبان به تکبیر باز کردند و گفتند: ای ابو حارث! این شرف از آن ماست، ما نیز در آن بهره داریم.

قَالَ لَهُمْ: لَمْ تُعِينُونِي عَلَى حَفْرِهَا، هِيَ لِي وَ لِوَلَدِي إِلَى آخِرِ الْأَبَدِ.
 ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ
 بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام يَقُولُ:

لَمَّا احْتَفَرَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ زَمْزَمَ وَ انْتَهَى إِلَى قَعْرِهَا خَرَجَتْ عَلَيْهِ مِنْ إِحْدَى
 جَوَانِبِ الْبَيْتِ رَائِحَةٌ مُتَبَتَّةٌ أَفْطَعَتْهُ فَأَبَى أَنْ يَنْشَبِي، وَ خَرَجَ ابْنُهُ الْحَارِثُ عَنْهُ ثُمَّ
 حَفَرَ حَتَّى أَمَعَنَ فَوْجَدَ فِي قَعْرِهَا عَيْنًا تَخْرُجُ عَلَيْهِ بِرَائِحَةِ الْمَسْكِ.
 ثُمَّ احْتَفَرَ فَلَمْ يَحْفِرْ إِلَّا ذِرَاعًا حَتَّى تَجَلَّاهُ النَّوْمُ.

فَرَأَى رَجُلًا طَوِيلَ الْبَاعِ حَسَنَ الشَّعْرِ جَمِيلَ الْوَجْهِ جَيِّدَ الثُّوبِ طَيِّبَ الرَّائِحَةِ
 وَ هُوَ يَقُولُ: احْفِرْ تَعْنَمَ وَ جَدَّ تَسْلَمَ وَ لَا تَدَّخِرْهَا لِلْمَقْسَمِ الْأَسْيَافِ لِغَيْرِكَ وَ الْبَيْتُ
 لَكَ أَنْتَ أَعْظَمُ الْعَرَبِ قَدْرًا وَ مِنْكَ يَخْرُجُ نَبِيُّهَا وَ وَلِيُّهَا وَ الْأَسْبَاطُ النَّجَبَاءُ الْحُكَمَاءُ
 الْعُلَمَاءُ الْبَصْرَاءُ وَ السُّيُوفُ لَهُمْ وَ لَيْسُوا الْيَوْمَ مِنْكَ وَ لَا لَكَ، وَ لَكِنْ فِي الْقَرْنِ
 الثَّانِي مِنْكَ بِهِمْ يُنِيرُ اللَّهُ الْأَرْضَ وَ يُخْرِجُ الشَّيَاطِينَ مِنْ أَفْطَارِهَا وَ يُذِلُّهَا فِي عَزِّهَا.

عبدالمطلب گفت: شما در حفر آن مرا کمک نکردید و این شرف برای همیشه از آن من و
 فرزندانم خواهد بود.

۷- حسن بن راشد گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می فرمود:
 وقتی که عبدالمطلب چاه زمزم را حفر کرد و به ته آن رسید از گوشه‌ای بوی بدی به مشام او
 رسید که وی را مضطرب نمود، ولی از کارش باز نداشت و بیرون نیامد، اما پسرش حارث از
 چاه بیرون آمد. او به تنهایی حفر کرد تا این که آب روان شد و در ته آن، چشمه‌ای یافت که بوی
 مشک بر مشام او می رسید.

سپس به حفر چاه ادامه داد و هنوز بیش از یک ذراع حفر نکرده بود که خواب او را در ربود.
 او در خواب مردی را دید که دارای دستانی دراز، مویی زیبا، چهره‌ای خوشگل، لباسی آراسته
 و بویی خوش داشت و می گفت: حفر کن تا بهره مند شوی، بخشش کن تا با سلامت شوی و آن
 را ذخیره مکن تا بعد از تو تقسیم شود، شمشیرها برای غیر تو و چاه از آن توست، تو از نظر قدر
 و منزلت بزرگ عرب هستی و از صلب تو پیامبر و ولی عرب (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت
 علی عليه السلام) و فرزندانگانی از نسل آن پیامبر که نجیب، حکیم، دانشمند و صاحب بینشند، خارج
 خواهند شد، و شمشیرها برای آنها است، و امروز آنها از صلب تو جدا نیستند و این جدا کردن
 برای تو میسر نیست، ولی آنها در قرن دوم از صلب تو جدا خواهند شد.
 خداوند به واسطه ایشان زمین را روشن می کند، و شیطان‌ها را از اطراف آن خارج می سازد
 و آنها را پس از عزت، ذلیل می کند.

وَ يُهْلِكُهَا بَعْدَ قُوَّتِهَا وَ يُذِلُّ الْأَوْثَانَ وَ يَقْتُلُ عِبَادَهَا حَيْثُ كَانُوا ثُمَّ يَبْقَى بَعْدَهُ
 نَسْلٌ مِنْ نَسْلِكَ هُوَ أَخُوهُ وَ وَزِيرُهُ وَ دُونَهُ فِي السَّنِّ. وَ قَدْ كَانَ الْقَادِرُ عَلَى الْأَوْثَانِ لَا
 يَعْصِيهِ حَرْفًا وَ لَا يَكْتُمُهُ شَيْئًا وَ يُشَاوِرُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ هَجَمَ عَلَيْهِ.
 وَ اسْتَعْيَا عَنْهَا عَبْدُ الْمُطَّلِبِ فَوَجَدَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ سِنْفًا مُسْنَدَةً إِلَى جَنْبِهِ فَأَخَذَهَا
 وَ أَرَادَ أَنْ يَبِثَّ فَقَالَ: وَ كَيْفَ؟ وَ لَمْ أَبْلُغِ الْمَاءَ؟
 ثُمَّ حَفَرَ فَلَمْ يَخْفِزْ شَيْئًا حَتَّى بَدَأَ لَهُ قَرْنُ الْعِزَالِ وَ رَأْسُهُ فَاسْتَخْرَجَهُ وَ فِيهِ طَبَعٌ
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَلَانَ خَلِيفَةُ اللَّهِ».
 فَسَأَلَتْهُ فَقُلْتُ: فَلَانَ مَتَى كَانَ قَبْلَهُ أَوْ بَعْدَهُ؟
 قَالَ: لَمْ يَجِئْ بَعْدُ وَ لَا جَاءَ شَيْءٌ مِنْ أَسْرَاطِهِ.
 فَخَرَجَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَ قَدِ اسْتَخْرَجَ الْمَاءَ وَ أَدْرَكَ وَ هُوَ يَصْعَدُ، فَإِذَا أَسْوَدَ لَهُ
 ذَنْبٌ طَوِيلٌ يَسْبِقُهُ بَدَارًا إِلَى فَوْقِ فَضْرَبِهِ فَقَطَعَ أَكْثَرَ ذَنْبِهِ ثُمَّ طَلَبَهُ فَفَاتَهُ وَ فَلَانَ
 قَاتِلُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

و پس از قوت و نیرو، هلاک می نماید و بتها را خوار می کند و پرستشگران آنها را در هر جای
 که باشند می کشد، آن گاه پس از پیامبر نسلی از نسل تو باقی می ماند که برادر و وزیر او و سَنَسْ
 از او کمتر است. وی بر شکستن بتها تواناست، و در یک حرف از خدا نافرمانی نمی کند و چیزی
 را از او پنهان نمی دارد و در هر کاری که به او فشار آورد با او مشورت می کند.
 عبدالمطلب از تعبیر این خواب ناتوان شد. پس سیزده شمشیر یافت که در کنار آن به دیوار
 تکیه داده شده بود، شمشیرها را برداشت، وقتی خواست از چاه بیرون آید با خود گفت: چگونه
 بیرون بروم در حالی که هنوز به آب نرسیده ام.
 آن گاه شروع به حفر نمود، هنوز یک وجب حفر نکرده بود که شاخ و سر آهو برای او آشکار
 شد، آن را خارج کرد و در آن چنین نقش شده بود: «معبودی جز خدا نیست، محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول
 خدا و علی عَلِيٌّ ولی خدا و فلانی (حضرت قائم) عَلِيٌّ خلیفه خداست».
 از امام کاظم عَلِيٌّ پرسیدم: زمان فلانی (حضرت حجت عَلِيٌّ) چه وقتی است، پیش از او یا پس از او؟
 فرمود: هنوز وقت آن نیامده و چیزی از علامت های ظهور او نیز رخ نداده است.
 عبدالمطلب از چاه بیرون آمد در حالی که آب سرازیر بود و به بهره برداری رسیده بود، که
 ناگاه به مار سیاه بزرگی برخورد که دارای دمی دراز بود و پیش از او به بالا می رفت. عبدالمطلب
 آن را با شمشیر زد و بخش زیادی از دمش را قطع کرد، سپس او را دنبال کرد، ولی نیافت و - ان
 شاء الله - فلانی (حضرت قائم عَلِيٌّ) کشنده او خواهد بود.

وَ مِنْ رَأْيِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنْ يُبْطِلَ الرُّؤْيَا الَّتِي رَأَاهَا فِي الْبَيْتِ وَ يَضْرِبَ السُّيُوفَ صَفَائِحَ الْبَيْتِ، فَأَتَاهُ اللَّهُ بِالنُّومِ فَغَشِيَهُ وَ هُوَ فِي حِجْرِ الْكَعْبَةِ فَرَأَى ذَلِكَ الرَّجُلَ بَعَيْنِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: يَا شَيْبَةَ الْحَمْدِ! احْمَدُ رَبَّكَ، فَإِنَّهُ سَيَجْعَلُكَ لِسَانَ الْأَرْضِ وَ يَتْبَعُكَ قُرَيْشٌ خَوْفًا وَ رَهْبَةً وَ طَمَعًا، ضَعِ السُّيُوفَ فِي مَوَاضِعِهَا. وَ اسْتَيْقَظَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ فَأَجَابَهُ أَنَّهُ يَا بُنَيَّ فِي النَّوْمِ، فَإِنْ يَكُنْ مِنْ رَبِّي فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ، وَ إِنْ يَكُنْ مِنْ شَيْطَانٍ فَأَطْنُهُ مَقْطُوعَ الذَّنْبِ.

فَلَمْ يَرَ شَيْئًا وَ لَمْ يَسْمَعْ كَلَامًا، فَلَمَّا أَنْ كَانَ اللَّيْلُ أَتَاهُ فِي مَنَامِهِ بَعْدَةً مِنْ رِجَالِ وَ صِبْيَانٍ فَقَالُوا لَهُ: نَحْنُ أَنْبَاعُ وَ لَدَيْكَ، وَ نَحْنُ مِنْ سُكَّانِ السَّمَاءِ السَّادِسَةِ، السُّيُوفُ لَيْسَتْ لَكَ، تَزَوَّجْ فِي مَخْزُومِ نَعْوٍ وَ اضْرِبْ بَعْدُ فِي بَطُونِ الْعَرَبِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَكَ مَالٌ فَلَاكَ حَسَبٌ، فَادْفَعْ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ عَشَرَ سَيْفًا إِلَى وَ لَدِ الْمَخْزُومِيَّةِ وَ لَا يُبَانُ لَكَ أَكْثَرُ مِنْ هَذَا وَ سَيْفٌ لَكَ مِنْهَا وَ أَحَدٌ سَيَقَعُ مِنْ يَدِكَ فَلَا تَجِدُ لَهُ أَثْرًا إِلَّا أَنْ يَسْتَجِئَهُ جَبَلٌ كَذَا وَ كَذَا فَيَكُونُ مِنْ أَشْرَاطِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

نظر عبدالمطلب این بود که خوابی را که در چاه دیده بود، باطل کند و شمشیر را برای زینت بر سنگ‌های کعبه بیاویزد. خداوند خواب را بر او چیره کرد و در حالی که در حجر کعبه بود، خواب او را در ربود، همان مرد را دید که می‌گفت:

ای شیبیه الحمد! ^(۱) پروردگارت را حمد و سپاس گوی؛ زیرا که او به زودی تو را زبان زمین قرار می‌دهد (یعنی مردم مکه و اطراف آن سخن تو را می‌شنوند) و قریش از بیم و طمع، از تو پیروی خواهند کرد. شمشیرها را در جای خود بگذار (تا به دست صاحبان اصلی آنها برسد). عبدالمطلب از خواب بیدار شد و در پاسخ او گفت: اگر کسی در خواب نزد من می‌آید از جانب پروردگارم باشد، برای من محبوبتر است و اگر از جانب شیطان باشد، گمان می‌کنم همان مار سیاه بزرگ است که پیشتر دم او را قطع کردم.

پس چیزی ندید و سخنی را نشنید. چون شب فرا رسید، آن مرد که پیش از آن، او را در خواب دیده بود، عده‌ای از مردان و کودکان را نزد او آورد و آنها به او گفتند: ما پیروان فرزندان تو و از ساکنان آسمان ششم هستیم، شمشیرها از آن تو نیست، از قبیله مخزوم زنی اختیار کن تا صاحب قدرت شوی. و پس از آن از هر قبیله که خواستی زن اختیار کن اگر مال و ثروت نداری، ولی دارای کمال هستی این سیزده شمشیر را به فرزندان آن زن مخزومی بده، و بیش از این، برای تو آشکار نمی‌شود، یکی از آن شمشیرها که بی‌نظیر است به زودی از دست تو می‌افتد و نشانی از آن نخواهی یافت مگر آن که کوهی چنین و چنان آن را در خود نگاه دارد و آن از علامت‌های ظهور حضرت قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود.

۱ - شیبیه الحمد لقب عبدالمطلب است.

فَأَنْتَبَهَ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ وَ انْطَلَقَ وَ السُّيُوفُ عَلَى رَقَبَتِهِ فَأَتَى نَاحِيَةً مِنْ نَوَاحِي مَكَّةَ
فَفَقَدَ مِنْهَا سَيْفًا كَانَ أَرْقَهَا عِنْدَهُ، فَيُظْهِرُ مِنْ نَمِّ، ثُمَّ دَخَلَ مُعْتَمِرًا وَ طَافَ بِهَا عَلَى
رَقَبَتِهِ وَ الْعَزَالَيْنِ أَحَدًا وَ عَشْرِينَ طَوَافًا وَ قُرَيْشٌ تَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَدِّقْ
وَ عَدْلِكَ فَأَثْبِتْ لِي قَوْلِي وَ انْشُرْ ذِكْرِي وَ شَدِّ عَضُدِي.
وَ كَانَ هَذَا تَرْدَادَ كَلَامِهِ وَ مَا طَافَ حَوْلَ الْبَيْتِ بَعْدَ رُؤْيَاةِ فِي الْبَيْتِ بِبَيْتِ شِعْرٍ
حَتَّى مَاتَ، وَ لَكِنْ قَدْ ارْتَجَزَ عَلَى بَنِيهِ يَوْمَ أَرَادَ نَحَرَ عَبْدِ اللَّهِ، فَدَفَعَ الْأَسْيَافَ
جَمِيعَهَا إِلَى بَنِي الْمَخْزُومِيَّةِ إِلَى الزُّبَيْرِ وَ إِلَى أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ.
فَصَارَ لِأَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ذَلِكَ أَرْبَعَةٌ أَسْيَافٍ، سَيْفٌ لِأَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَيْفٌ
لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَيْفٌ لِعُجْفَرٍ وَ سَيْفٌ لِطَالِبٍ.
وَ كَانَ لِلزُّبَيْرِ سَيْفَانِ، وَ كَانَ لِعَبْدِ اللَّهِ سَيْفَانِ. ثُمَّ عَادَتْ فَصَارَتْ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الْأَرْبَعَةُ الْبَاقِيَّةُ اثْنَيْنِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ اثْنَيْنِ مِنْ أَوْلَادِهَا.

عبدالمطلب از خواب بیدار شد و در حالی که شمشیرها را بر گردن خود آویخته بود، به مکانی در اطراف مکه رفت و شمشیری را که در نزد او ظریفتر بود گم کرد، آن شمشیر به هنگام ظهور حضرت قائم عجل الله از آنجا ظاهر خواهد شد. آن گاه برای زیارت خانه کعبه با انجام اعمال عمره وارد مکه شد، خانه کعبه را - که همان شمشیرها و دو آهوی طلایی به همراهش بود - بیست و یک دور طواف کرد و قریش به او نگاه می کردند. او می گفت: بار خدایا! به وعدهات وفا کن. پس گفتار مرا استوار، نام مرا مشهور کن و بازوی مرا محکم گردان.

این کلام را تکرار می کرد، بعد از این خواب حتی با یک بیت شعر که در اثنای طواف بگوید خانه کعبه را طواف نکرد تا آن که وفات یافت.

وی روزی که می خواست عبدالله را قربانی کند، بر پسران خود رجز ^(۱) خواند، و همه شمشیرها را به فرزندان همسر مخزومی خود زبیر، ابوطالب و عبدالله داد، که از آن شمشیرها، چهار شمشیر سهم ابوطالب شد، یک شمشیر برای خود او، یک شمشیر برای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، یک شمشیر برای جعفر و شمشیری برای طالب و سهم زبیر و عبدالله هر کدام دو شمشیر شد، آن گاه چهار شمشیر مانده سهم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شد، دو شمشیر به وسیله حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و دو شمشیر به وسیله فرزندان آن حضرت، به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید.

۱ - رجز نوعی از شعر کوتاه است.

فَطَاحَ سَيْفٌ جَعْفَرٍ يَوْمَ أُصِيبَ فَلَمْ يُدْرَ فِي يَدِ مَنْ وَقَعَ حَتَّى السَّاعَةِ وَ نَحْنُ
نَقُولُ: لَا يَقَعُ سَيْفٌ مِنْ أَسْيَافِنَا فِي يَدِ غَيْرِنَا إِلَّا رَجُلٌ يُعِينُ بِهِ مَعَنَا إِلَّا صَارَ فَحْمًا.
قَالَ: وَإِنَّ مِنْهَا لَوْ أَحَدًا فِي نَاحِيَةٍ يَخْرُجُ كَمَا تَخْرُجُ الْحَيَّةُ فَيَبِينُ مِنْهُ ذِرَاعٌ وَ مَا
يُشَبِّهُهُ، فَتَبْرُقُ لَهُ الْأَرْضُ مِرَارًا ثُمَّ يَغِيبُ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ.
فَهَذَا دَابُّهُ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُهُ، وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ مَكَانَهُ لَسَمَّيْتُهُ، وَ لَكِنْ
أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِنْ أَنْ أُسَمِّيَهُ فَتَسْمُوهُ فَيُنْسَبَ إِلَيَّ غَيْرَ مَا هُوَ عَلَيْهِ.
۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ
صَاحِبِ الْأَنْمَاطِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:
لَمَّا هَدَمَ الْحَجَّاجُ الْكَعْبَةَ فَرَقَّ النَّاسُ تُرَابَهَا، فَلَمَّا صَارُوا إِلَى بِنَائِهَا فَأَرَادُوا أَنْ
يَبْنُوها خَرَجَتْ عَلَيْهِمْ حَيَّةٌ فَمَنَعَتِ النَّاسَ الْبِنَاءَ حَتَّى هَرَبُوا، فَأَتَوْا الْحَجَّاجَ
فَأَخْبَرُوهُ.

روزی که جعفر در موته به شهادت رسید، شمشیرش گم شد و تا کنون معلوم نشد که به دست
چه کسی افتاده است. ما می‌گوییم: هیچ شمشیری از شمشیرهای ما به دست غیر ما نمی‌افتد، مگر به
دست مردی که بنخواهد با آن ما را یاری کند و اگر غیر از این باشد، سیاه و باطل خواهد شد.
امام علیؑ در ادامه فرمود: یکی از آن شمشیرها در جایی است که خارج خواهد شد، آن سان
که مار از جای خود خارج می‌شود و به اندازه یک ذراع و مانند آن از آن شمشیر ظاهر می‌شود و
به وسیله آن چندین بار زمین روشن می‌گردد و پس از آن پنهان می‌شود، و چون شب فرا رسد،
همان کار تکرار می‌شود.

این کار عادت آن شمشیر است تا آن که صاحب آن حضرت قائم عجل الله بیاید، و اگر
بنخواهم جای آن را بگویم می‌توانم، ولی بر شما بیم دارم که جای آن را بگویم و شما برای
بیگانگان بازگو کنید. پس به فرد دیگری، نسبت داده شود (یعنی جای آن تغییر داده شود و یا
فرد دیگری صاحب آن گردد).

۸ - ابان بن تغلب گوید: هنگامی که حججاج کعبه را ویران کرد، مردم خاک آن را پراکنده
ساختند و آن گاه که خواستند کعبه را بازسازی کنند، ماری به طرف آنها بیرون آمد و مردم را از
آن کار بازداشت، کارگران فرار کردند و به نزد حججاج آمدند و به او خبر دادند.

فَخَافَ أَنْ يَكُونَ قَدْ مَنَعَ بِنَاءَهَا، فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ ثُمَّ نَشَدَ النَّاسَ وَ قَالَ: أَنْشُدُ اللَّهَ
عَبْدًا عِنْدَهُ مِمَّا ابْتُلِينَا بِهِ عِلْمٌ لَمَّا أَخْبَرْنَا بِهِ.
قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ شَيْخٌ فَقَالَ: إِنْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدٍ عِلْمٌ فَعِنْدَ رَجُلٍ رَأَيْتُهُ جَاءَ إِلَى
الْكَعْبَةِ. فَأَخَذَ مِقْدَارَهَا ثُمَّ مَضَى.
فَقَالَ الْحَجَّاجُ: مَنْ هُوَ؟
قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام.
فَقَالَ: مَعِدُنُ ذَلِكَ.

فَبَعَثَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام، فَأَتَاهُ فَأَخْبَرَهُ مَا كَانَ مِنْ مَنَعِ اللَّهِ إِيَّاهُ الْبِنَاءَ فَقَالَ
لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: يَا حَجَّاجُ! عَمَدَتِ إِلَى بِنَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ عليهما السلام
فَأَلْقَيْتَهُ فِي الطَّرِيقِ وَ انْتَهَيْتَهُ كَأَنَّكَ تَرَى أَنَّهُ تُرَاثُ لَكَ، اصْعَدِ الْمِنْبَرَ وَ أَنْشُدِ النَّاسَ
أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ مِنْهُمْ أَحَدٌ مِنْهُ شَيْئًا إِلَّا رَدَّهُ.
قَالَ: فَفَعَلَ، فَأَنْشَدَ النَّاسَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ شَيْءٌ إِلَّا رَدَّهُ.

حجاج ترسید که نکند از ساختن کعبه ممنوع شده باشد، از این رو برفراز منبر رفت و
مردم را سوگند داد و گفت: به خدا سوگند می‌دهم آن بنده‌ای را که در نزد او دانشی است،
درباره آن چه که بدان گرفتار شده‌ایم، چیزی به ما گوید.
در این هنگام پیرمردی برخاست و گفت: اگر در نزد کسی دانشی باشد، در نزد مردی
است که دیدم که به جانب کعبه آمد و آن را اندازه کرد، سپس رفت.

حجاج پرسید: او کیست؟

گفت: علی بن الحسین عليهما السلام.

حجاج گفت: او معدن آن است.

آن‌گاه فردی را از پی آن حضرت فرستاد. امام سجاد عليه السلام نزد او آمد و حجاج ماجرای
ممنوعیت از تجدید بنای کعبه را به عرض آن حضرت رسانید.

حضرتش فرمود: ای حجاج! قصد بنای ابراهیم و اسماعیل عليهما السلام را نمودی و آن را بر سر
راه مردم انداختی و در عرصه تاراج درآوردی. گویا فکر می‌کنی که میراث توست. اینک
برفراز منبر برو و مردم را سوگند ده که چیزی را در نزد خود باقی نگذارند و آن را بازگردانند.
راوی گوید: حجاج این کار را انجام داد و مردم را سوگند داد که هیچ کدام از آنها چیزی
را در نزد خود باقی نگذارند و آن را برگردانند.

قَالَ: فَرَدُّوهُ، فَلَمَّا رَأَى جَمْعَ التُّرَابِ أَتَى عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَوَضَعَ الْأَسَاسَ
 وَ أَمَرَهُمْ أَنْ يَحْفَرُوا.
 قَالَ: فَتَعَيَّبَتْ عَنْهُمْ الْحَيَّةُ وَ حَفَرُوا حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعِ الْقَوَاعِدِ قَالَ لَهُمْ
 عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: تَنَحَّوْا.
 فَتَنَحَّوْا، فَدَنَا مِنْهَا فَعَطَّاهَا بِثَوْبِهِ، ثُمَّ بَكَى ثُمَّ عَطَّاهَا بِالتُّرَابِ بِيَدِ نَفْسِهِ، ثُمَّ دَعَا
 الْفَعْلَةَ فَقَالَ: صَعُوا بِنَاءَ كُمْ.
 فَوَضَعُوا الْبِنَاءَ فَلَمَّا ارْتَفَعَتْ حِيطَانُهَا أَمَرَ بِالتُّرَابِ فَالْقِيَ فِي جَوْفِهِ،
 فَلِذَلِكَ صَارَ التُّيْتُ مُرْتَفِعًا يُصْعَدُ إِلَيْهِ بِالْدَّرَجِ.

(۱۰)

بَابُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾

۱ - عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ:

گوید: مردم هر چه برده بودند، برگرداندند. هنگامی که خاک‌ها جمع شد، امام
 سجاد علیه السلام آمد و پایه کعبه را گذارد و به آنها دستور داد تا حفر کنند.
 گوید: در این هنگام مار از آنها پنهان شد و آنها همچنان حفر کردند تا به جای ستون‌ها
 رسیدند، امام سجاد علیه السلام به آنان فرمود: دور شوید!
 آنها دور شدند و آن حضرت نزدیک شد و ستون‌ها را به لباس خود پوشانید و گریه کرد
 و آن‌گاه با دست مبارک خویش آنها را به گل پوشانید، سپس کارگران را خواست و فرمود:
 مشغول ساخت شوید.
 آنان مشغول ساخت دیوار شدند، دیوارهای آن بلند شد، سپس امر فرمود تا خاک
 مانده بنای پیشین کعبه در درون آن ریخته شود، و به همین سبب زمین خانه از زمین محل
 طواف بلندتر شد که به وسیله نردبان از آن بالا می‌روند.

بخش دهم

گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «در آن آیه‌های روشن است»

۱ - ابن سنان گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ * مَا هَذِهِ الْآيَاتُ الْبَيِّنَاتُ؟
 قَالَ: مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ قَامَ عَلَى الْحَجَرِ فَأَثَرَتْ فِيهِ قَدَمَاهُ وَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَ مَنْزِلُ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ أَدْرَكْتَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟
 قَالَ: نَعَمْ أَذْكَرُّ وَأَنَا مَعَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَ قَدْ دَخَلَ فِيهِ السَّيْلُ وَ النَّاسُ يَتَقَوْمُونَ عَلَى الْمَقَامِ يَخْرُجُ الْخَارِجُ يَقُولُ: قَدْ ذَهَبَ بِهِ السَّيْلُ وَ يَخْرُجُ مِنْهُ الْخَارِجُ فَيَقُولُ: هُوَ مَكَانُهُ.
 قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا فَلَانُ! مَا صَنَعَ هُوَ لَاءِ؟
 فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! يَخَافُونَ أَنْ يَكُونَ السَّيْلُ قَدْ ذَهَبَ بِالْمَقَامِ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم خداوند ﷻ که می فرماید: همانا نخستین خانه ای که برای مردمان بنا نهاده شد خانه مبارکی است که در مکه بنا نهاده شد که راهنمای جهانیان است. در آن خانه مبارک آیه ها و علامت های روشن است» این آیه های روشن چیستند؟ فرمود: آیه های روشن مقام ابراهیم علیه السلام - همان جایی که بر روی سنگ ایستاد و دو قدم او در آن نشانه گذارد - حجر الاسود و جای فرود آمدن اسماعیل علیه السلام (که مکان زمزم است). ۲- زراره گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا شما زمان امام حسین علیه السلام را درک کرده اید؟ فرمود: آری، زمانی را به یاد دارم که من با آن حضرت در مسجد الحرام بودم، که سیلاب آنجا را فرا گرفته بود و مردم نگران در کنار مقام ایستاده بودند، از شدت نگرانی و پریشانی یکی از مسجد بیرون می آمد و می گفت: سیل آن را ویران کرد و دیگری می گفت: در جای خود قرار دارد.

حضرتش فرمود: امام حسین علیه السلام به من فرمود: این مردم چه کردند؟ عرض کردم: خداوند برای شما خوش بخواهد! اینان بیم دارند که سیل مقام ابراهیم را تخریب کند.

فَقَالَ: نَادِ أَنْ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ عِلْمًا لَمْ يَكُنْ لِيَذْهَبَ بِهِ فَاسْتَقِرُّوا.
 وَكَانَ مَوْضِعُ الْمَقَامِ الَّذِي وَضَعَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ جِدَارِ الْبَيْتِ، فَلَمْ يَزَلْ هُنَاكَ
 حَتَّى حَوَّلَهُ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي هُوَ فِيهِ الْيَوْمَ.
 فَلَمَّا فَتَحَ النَّبِيُّ ﷺ مَكَّةَ رَدَّهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 فَلَمْ يَزَلْ هُنَاكَ إِلَى أَنْ وَلِيَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَسَأَلَ النَّاسَ مَنْ مِنْكُمْ يَعْرِفُ
 الْمَكَانَ الَّذِي كَانَ فِيهِ الْمَقَامُ؟
 فَقَالَ رَجُلٌ: أَنَا قَدْ كُنْتُ أَخَذْتُ مِقْدَارَهُ بِنَسْعٍ فَهُوَ عِنْدِي.
 فَقَالَ: اثْبِتْنِي بِهِ.
 فَأَتَاهُ بِهِ فَقَاسَهُ ثُمَّ رَدَّهُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ.

آن حضرت فرمود: با صدای بلند بگو: خداوند ﷻ مقام ابراهیم ﷺ را نشانه قرار داده است. از این رو، آن را تخریب نمی‌شود، پس استوار باشید.
 جایگاه اصلی مقام - که ابراهیم ﷺ آن را بنا کرده بود - نزدیک دیوار خانه کعبه بود، همچنان در آن محل بود تا آن که مردم دوران جاهلیت جای آن را به مکانی که امروز در آن قرار داد، تغییر دادند.
 هنگامی که پیامبر ﷺ مکه را فتح کرد، مقام را به همان جایی که ابراهیم ﷺ وضع کرده بود، بازگرداند و همچنان در آنجا بود تا زمانی که عمر بن خطاب به خلافت رسید، او از مردم پرسید: کدام یک از شما جایی را که مقام در آن بوده، می‌شناسد؟
 مردی گفت: من جای آن را با طنابی اندازه‌گیری کرده‌ام و اکنون آن اندازه نزد من است. عمر گفت: آن را نزد من بیاور.
 او آن طناب را آورد، عمر اندازه گرفت و مقام ابراهیم ﷺ و به همان جا که در زمان جاهلیت بود بازگرداند!

(۱۱)

بَابُ نَادِرٍ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عَقِيلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدِ الرَّفَاعِيِّ رَفَعَهُ:
 أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنِ الْوُقُوفِ بِالْجَبَلِ لِمَ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَرَمِ؟
 فَقَالَ: لِأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَ الْحَرَمَ بَابُهُ، فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَافِدِينَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ
 يَنْصَرُّعُونَ.

قِيلَ لَهُ: فَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ لِمَ صَارَ فِي الْحَرَمِ؟
 قَالَ: لِأَنَّهُ لَمَّا أُذِنَ لَهُمْ بِالذُّخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِي، فَلَمَّا طَالَ تَصَرُّعُهُمْ
 بِهَا أُذِنَ لَهُمْ لِتَقْرِيْبِ قُرْبَانِهِمْ، فَلَمَّا قَضَوْا تَقَنُّهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي كَانَتْ
 حِجَابًا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهُ أُذِنَ لَهُمْ بِالزِّيَارَةِ عَلَى الطَّهَارَةِ.

بخش یازدهم

چند روایت نکته دار

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدِ رَفَاعِيٌّ فِي رِوَايَتِهِ مَرْفُوعَةً قَالَ: سَأَلْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوْرَدِ
 وَقُوفِ دَرِ الْجَبَلِ عَرَفَاتٍ بِرِسِيْدِنَا كَمَا أَنَّ وَقُوفَ دَرِ حَرَمٍ نَمِيْ بِأَشْدِّ؟
 فَرَمُوْدُ: چُونِ كَعْبَةِ، خَانِهْ اَوْ وَ حَرَمِ، دَرِ اَنِّ اسْتِ، هَنْگَامِي كِهْ زَائِرَانِ قَصْدِ اَوْ كَنْدِ كِنَارِ دَرِ
 مِيْ اَيْسْتَنْدِ وَ تَضَرُّعِ وَ زَارِي مِيْ نَمَايَنْدِ.

عرض شد: چرا مشعرالحرام داخل در حرم گردید؟

فرمود: زیرا آن گاه که به آنان اجازه ورود داده شد آنها در کنار در دوم بایستند. هنگامی
 که تضرع و زاری آنان به درازا کشید به آنان اجازه قربانی داده شود، و آن گاه که خود را از
 چرکها و آلودگیها پاک کردند (یعنی ناخن گرفتند و سر خود را تراشیدند) به واسطه آن،
 از گناهایی که حجاب بین آنها و خدای تعالی است پاک می شوند به سبب آن طهارت و
 پاکیزگی اجازه و رخصت زیارت می دهند.

قِيلَ لَهُ: فَلِمَ حُرِّمَ الصِّيَامُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ؟
 قَالَ: لِأَنَّ الْقَوْمَ زَوَّارُ اللَّهِ وَهُمْ فِي ضِيَّافَتِهِ وَ لَا يَجْمَلُ بِمُضِيفٍ أَنْ يُصَوِّمَ
 أَضْيَافَهُ.

قِيلَ لَهُ: فَالْتَّعَلَّقُ بِأَسْتِنَارِ الْكَعْبَةِ لِأَيِّ مَعْنَى هُوَ؟
 قَالَ: مَثَلُ رَجُلٍ لَهُ عِنْدَ آخَرَ جَنَاحٌ وَ ذَنْبٌ فَهُوَ يَتَعَلَّقُ بِثَوْبِهِ يَتَصَرَّعُ إِلَيْهِ وَ
 يَخْضَعُ لَهُ أَنْ يَنْجَافِيَ عَنْ ذَنْبِهِ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ صَفْوَانَ أَوْ رَجُلٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ
 بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
 إِنَّ الْمَزْدَلِفَةَ أَكْثَرُ بِلَادِ اللَّهِ هَوَامًّا فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ التَّرْوِيَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ:
 يَا مَعْشَرَ الْهَوَامِّ! ازْهَلْنَ عَنْ وَفْدِ اللَّهِ.
 قَالَ: فَتَخْرُجُ فِي الْجِبَالِ فَتَسْعُهَا حَيْثُ لَا تُرَى، فَإِذَا انْصَرَفَ الْحَاجُّ عَادَتْ.

عرض شد: چرا روزه ایام تشریق در منا حرام شده است؟
 فرمود: چون حاجیان زائرین خدا و مهمانان او هستند و برای میزبان خوشایند نیست
 که مهمانان او روزه بگیرند.

عرض شد: چسبیدن به پرده کعبه چه معنایی دارد؟
 فرمود: همانند شخصی است که در نزد دیگری گناهی دارد، به لباس او می چسبد،
 زاری می کند و برای او فروتنی می نماید تا از گناه او بگذرد.

۲- بکیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
 گزندگان مزدلفه نسبت به تمام سرزمین های خداوند آن بیشتر است. هنگامی که شب
 ترویبه (هشتم ذی حجه) فرا رسد منادی از جانب خداوند ندا می کند: ای گروه گزندگان! از
 جایگاه واردین بر خدا کوچ کنید.
 حضرتش فرمود: آنها به کوه ها می روند در جایی که دیده نشوند و چون حاجیان
 بازگردند، آنها نیز به جایگاه خویش باز می گردند.

(۱۲)

بَابُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ مَكَّةَ حِينَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ قُرَيْشًا لَمَّا هَدَمُوا الْكَعْبَةَ وَجَدُوا فِي قَوَاعِدِهِ حَجْرًا فِيهِ كِتَابٌ لَمْ يُحْسِنُوا قِرَاءَتَهُ حَتَّى دَعَوْا رَجُلًا فَقَرَأَهُ فَإِذَا فِيهِ: «أَنَا اللَّهُ ذُو بَكَّةَ حَرَّمْتُهَا يَوْمَ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَوَضَعْتُهَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ وَحَفَفْتُهَا بِسَبْعَةِ أَمْلاكٍ حَقًّا».

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

حَرَّمَ اللَّهُ حَرَمَهُ أَنْ يُخْتَلَى خَلَاهُ أَوْ يُعْصَدَ شَجَرُهُ إِلَّا الْإِذْخِرَ أَوْ يُصَادَ طَيْرُهُ.

بخش دوازدهم

آن گاه که خداوند آسمانها و زمین را آفرید، مکه را با حرمت

و احترام قرار داد

۱- سعید اخرج گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که قریش کعبه را خراب کردند، در پایه‌های آن سنگی یافتند که در آن نوشته‌ای بود. آنها نتوانستند آن را به درستی بخوانند. از این رو شخصی را خواستند تا آن را بخواند. در آن چنین نوشته شده بود: «من خدایم و صاحب مکه هستم، آن را با حرمت و احترام قرار دادم روزی که آسمانها و زمین را آفریدم و آن را در میان این دو کوه قرار دادم و آن را به هفت فرشته گرامی داشتم که در اطراف آن می‌گردند».

۲- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

خداوند در حرم خود حرام نمود که گیاهان هرزه آن چیده شود، یا درخت آن بریده شود، مگر گیاه اذخر (که بریدن و چیدن آن اشکال ندارد) و یا پرندگان آن شکار شود.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ افْتَتَحَهَا فَتَحَ بَابَ الْكَعْبَةِ فَأَمَرَ بِصُورٍ فِي الْكَعْبَةِ، فَطُمِسَتْ فَأَخَذَ بِعِضَادَتِي الْبَابِ فَقَالَ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» مَاذَا تَقُولُونَ؟ وَمَاذَا تَنْظُنُونَ؟

قَالُوا: نَظُنُّ خَيْرًا وَنَقُولُ خَيْرًا أَحْ كَرِيمٍ وَابْنُ أَحْ كَرِيمٍ، وَقَدْ قَدَرْتَ.

قَالَ: فَإِنِّي أَقُولُ كَمَا قَالَ أَحْيَى يُوسُفُ: لَا تَثْرِيْبٌ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَهِيَ حَرَامٌ بِحَرَامِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يُنْفَرُ صَيْدُهَا وَلَا يُعْصَدُ شَجَرُهَا، وَلَا يُحْتَلَى خَلَاهَا وَلَا تَحِلُّ لِقَطْعَتِهَا إِلَّا لِمُنْشِدٍ.

۳- حریز گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز فتح مکه وارد شهر مکه شد، در کعبه را گشود و امر فرمود تا صورت‌هایی که بر دیوار کعبه بود، پاک شود، آن‌گاه دو جانب در را گرفت و فرمود: «معبودی جز خدا نیست که یگانه است و شریکی ندارد، وعده او راست شد و بنده خود را یاری کرد و به تنهایی لشکرهای مشرکان را شکست داد» (ای مردم مکه!) چه می‌گویید؟ و چه گمان دارید؟

گفتند: ما گمان نیکی داریم و خوبی را می‌گوییم. برادری کریم و فرزند برادری کریم هستی، اینک بر ما دست یافته‌ای.

فرمود: من همان سخنی را می‌گویم که برادرم یوسف به هنگام ملاقات برادران خود گفت: امروز سرزنشی برای شما نیست. خداوند شما را می‌آمزد و او مهربان‌ترین مهربانان است. آگاه باشید که خداوند از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید مکه را با حرمت و احترام قرار داد، پس به حرمت و احترام خداوند تا روز رستاخیز دارای حرمت و احترام است. نباید شکار آن رم داده شود، درخت آن قطع، علف هرز آن چیده شود چیز پیدا شده در آن حلال نمی‌شود مگر برای کسی که آن را اعلام کند.

فَقَالَ الْعَبَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِلَّا الْأَذْخَرَ، فَإِنَّهُ لِلْقَبْرِ وَ التُّبُوتِ.
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِلَّا الْأَذْخَرَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً
عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ:
إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هِيَ حَرَامٌ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ
السَّاعَةُ لَمْ تَحِلَّ لِأَحَدٍ قَبْلِي وَ لَا تَحِلُّ لِأَحَدٍ بَعْدِي وَ لَمْ تَحِلَّ لِي إِلَّا سَاعَةٌ مِنْ
نَهَارٍ.

(۱۳)

بَابُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

در این هنگام عباس گفت: ای رسول خدا! مگر گیاه اذخر، که برای پوشانیدن قبر و
خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: مگر اذخر که چیدن آن ایراد ندارد.

۴ - معاویة بن عمّار گوید: رسول خدا ﷺ در روز فتح مکه فرمود:

روزی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید مکه را مورد احترام قرار داد. از آن رو تا روز
قیامت همچنان محترم است و این برای هیچ فردی پیش از من حلال نشده است و پس از
من حلال نخواهد شد، جز ساعتی از روز، روز فتح مکه برای من نیز حلال نشده است.

بخش سیزدهم

گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «کسی که وارد حرم شود
ایمن خواهد بود»

۱ - عبدالله بن سنان گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ الْبَيْتَ عَنِّي أَمْ الْحَرَمَ؟
 قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَمَنْ دَخَلَهُ
 مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ، أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ.
 ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾.

قَالَ: إِذَا أَحَدَثَ الْعَبْدُ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ جَنَايَةً ثُمَّ فَرَّ إِلَى الْحَرَمِ لَمْ يَسْعَ لِأَحَدٍ أَنْ
 يَأْخُذَهُ فِي الْحَرَمِ، وَ لَكِنْ يُمْنَعُ مِنَ السُّوقِ وَ لَا يُبَايَعُ وَ لَا يُطْعَمُ وَ لَا يُسْقَى وَ لَا
 يُكَلَّمُ، فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ يُوشِكُ أَنْ يَخْرُجَ فَيُؤْخَذَ، وَإِذَا جَنَى فِي الْحَرَمِ جَنَايَةً
 أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ فِي الْحَرَمِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَدْعَ لِلْحَرَمِ حُرْمَتَهُ.
 ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ
 مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «هر که وارد آن شود ایمن خواهد بود» سؤال کردم که آیا منظور از آن، خانه کعبه است یا حرم؟
 فرمود: هر انسانی که به رسم پناهندگی وارد حرم شود، از خشم خداوند ایمن خواهد بود، و هر حیوان وحشی و پرده‌ای که به حرم داخل شود از بیرون راندن و آزار تا زمانی که از حرم بیرون رود، ایمن خواهد بود.
 ۲- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «هر که وارد آن شود، ایمن خواهد بود» پرسیدم.

فرمود: هرگاه بنده در غیر حرم جنایتی را مرتکب شود، سپس به طرف حرم فرار کند و به آن پناهنده شود، کسی نمی تواند او را در حرم دستگیر کند، ولی از رفتن به بازار ممنوع است، با او خرید و فروش نمی شود، به او خوراک و آب داده نمی شود و با وی سخن گفته نمی شود. اگر این کارها با او انجام شود، بیرون آمدن او نزدیک می شود و خارج شده و دستگیر می گردد و اگر در حرم مرتکب جنایتی شود، در همان جا بر او حد جاری می شود، زیرا او حرمتی برای حرم نگذارده است.
 ۳- علی بن ابی حمزه گوید:

سَأَلَتْهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾
 قَالَ: إِنْ سَرِقَ سَارِقٌ بَعِيرٍ مَكَّةَ أَوْ جَنَى جِنَايَةً عَلَى نَفْسِهِ فَفَرَّ إِلَى مَكَّةَ لَمْ يُؤْخَذْ
 مَا دَامَ فِي الْحَرَمِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ، وَ لَكِنْ يُمْنَعُ مِنَ السُّوقِ وَ لَا يُبَايَعُ وَ لَا يُجَالَسُ
 حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ فَيُؤْخَذَ، وَإِنْ أَحْدَثَ فِي الْحَرَمِ ذَلِكَ أَحْدَثَ فِيهِ.

(۱۴)

بَابُ الْإِلْحَادِ بِمَكَّةَ وَ الْجِنَايَاتِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
 عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
 أَتَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ فَعِيلَ لَهُ: إِنَّ سَبْعاً مِنْ سِبَاعِ الطَّيْرِ عَلَى الْكَعْبَةِ
 لَيْسَ يَمُرُّ بِهِ شَيْءٌ مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ إِلَّا ضَرَبَهُ.
 فَقَالَ: أَنْصَبُوا لَهُ وَ أَقْتُلُوهُ، فَإِنَّهُ قَدْ أَحْدَثَ.

از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «هر که وارد آن شود، ایمن خواهد بود» پرسیدم.

فرمود: هرگاه بنده در غیر حرم جنایتی را مرتکب شود، سپس به حرم فرار کند (و به آن پناهنده شود) کسی نمی تواند او را در حرم دستگیر کند، ولی از رفتن به بازار ممنوع است، با او خرید و فروش نمی شود، به او خوراک و آب داده نمی شود و با وی سخن گفته نمی شود. اگر این کارها با او انجام شود، بیرون آمدن او نزدیک می شود و خارج شده و دستگیر می گردد و اگر در حرم مرتکب جنایتی شود، در همان حرم بر او حد جاری می شود (زیرا او حرمتی برای حرم نگذاشته است).

بخش چهاردهم الحاد^(۱) و جنایات در مکه

۱ - معاویة بن عمار گوید: شخصی در مسجد خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شد و گفت: پرنده ای تیز چنگ بر فراز کعبه است که هیچ یک از کبوتران حرم بر او نمی گذرد مگر آن که آن را با منقار و چنگال خود می زند.
 آن حضرت فرمود: آن پرنده را به دام افکنید و بکشید، زیرا که آن دستخوش الحاد شده است.

۱ - الحاد: گذشتن از حد در حرم را گویند.

۲- ابنُ اَبی عُمَیْرٍ عَنِ مَعَاوِیَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ».

قَالَ: كُلُّ ظُلْمٍ إِحْدَادٌ وَضَرْبُ الْخَادِمِ فِي غَيْرِ ذَنْبٍ مِنْ ذَلِكَ الْإِحْدَادِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِفُهُ مِنْ عَذَابِ

الْأَلِيمِ».

فَقَالَ: كُلُّ ظُلْمٍ يَظْلِمُهُ الرَّجُلُ نَفْسَهُ بِمَكَّةَ مِنْ سَرِقَةٍ أَوْ ظُلْمِ أَحَدٍ، أَوْ شَيْءٍ مِنْ

الظُّلْمِ فَإِنِّي أَرَاهُ إِحْدَادًا، وَلِذَلِكَ كَانَ يُتَّقَى أَنْ يُسْكَنَ الْحَرَمَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مَعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحِجْلِ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ.

۲- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار قول خداوند تَعَالَى که می فرماید:

«و کسی که در آن از حق منحرف شود و مرتکب ستم شود» پرسیدم.

فرمود: هرگونه ستم، الحاد است، و زدن خادم بی گناه نیز مصداق همین الحاد است.

۳- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید: «هر

که در آن از حق منحرف شود و ستمی روا دارد از عذاب دردناک به او می چشانیم»

پرسیدم.

فرمود: من هر ظلمی را که انسان در مکه درباره خود مرتکب شود - از قبیل سرقت، ستم

بر کسی یا چیزی - الحاد می دانم، و به همین جهت مردم پیش از این از سکونت در مکه

پرهیز می کردند.

۴- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: شخصی در بیرون حرم فردی را

کشت، سپس وارد حرم شد، چه حکمی دارد؟

فَقَالَ: لَا يُقْتَلُ وَلَا يُطْعَمُ وَلَا يُسْقَى وَلَا يُبَايَعُ وَلَا يُؤْوَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ
 الْحَرَمِ فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ.
 قُلْتُ: فَمَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ قَتَلَ فِي الْحَرَمِ أَوْ سَرَقَ؟
 قَالَ: يُقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ فِي الْحَرَمِ صَاحِرًا إِنَّهُ لَمْ يَرِ لِلْحَرَمِ حُرْمَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ
 تَعَالَى: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾.
 فَقَالَ: هَذَا هُوَ فِي الْحَرَمِ، فَقَالَ: ﴿فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾.

(۱۵)

بَابُ إِظْهَارِ السَّلَاحِ بِمَكَّةَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: او کشته نمی شود؛ بلکه از آب و غذا محروم می گردد، با او خرید و فروش
 نمی شود، به او پناه داده نمی شود تا از حرم خارج شود، آن گاه که از حرم خارج شد؛ بر او
 حد جاری می گردد.

عرض کردم: نظر شما در مورد کسی که انسانی را در حرم می کشد یا دزدی می کند، چیست؟
 فرمود: با خواری بر او حد جاری می شود؛ زیرا او برای حرم حرمتی قائل نشده است.
 خدای تعالی می فرماید: «هر کسی که بر شما ستم کرد، همانند آن چه که بر شما ستم کرده
 است، ستم روا دارید».

فرمود: این اجرای حدی است که در حرم جایز است.
 آن گاه حضرتش این آیه را قرائت فرمود: «تعدی و ستم نیست مگر بر ستمکاران».

بخش پانزدهم

آشکار ساختن سلاح در مکه

۱ - حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَنْبَغِي أَنْ يَدْخُلَ الْحَرَمَ بِسِلَاحٍ إِلَّا أَنْ يُدْخِلَهُ فِي جُودِيقٍ، أَوْ يُغَيِّبَهُ - يَعْنِي
يُلْفُ عَلَى الْحَدِيدِ شَيْئًا - .

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرِ قُوفِيٍّ
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ مَكَّةَ أَوْ الْمَدِينَةَ يَكْرَهُ أَنْ يَخْرُجَ مَعَهُ بِالسَّلَاحِ.
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَخْرُجَ بِالسَّلَاحِ مِنْ بَلَدِهِ، وَ لَكِنْ إِذَا دَخَلَ مَكَّةَ لَمْ يُظْهِرْهُ.

(۱۶)

بَابُ لُبْسِ ثِيَابِ الْكَعْبَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عْتَبَةَ قَالَ:

شایسته نیست انسان با سلاح وارد حرم شود، مگر آن که آن را در کیسه‌ای قرار دهد، یا
آن را پنهان سازد (و چیزی بر آن بپنجد).

۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: مردی آهنگ سفر به مکه یا مدینه را دارد
آیا خروجش با سلاح مکروه است؟

فرمود: اشکالی ندارد که از شهر خود با سلاح خارج شود، ولی چون به مکه وارد شد
باید آن را ظاهر نسازد.

بخش شانزدهم

پوشیدن جامه‌های کعبه

۱ - عبدالملک بن عتبه گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا يَصِلُ إِلَيْنَا مِنْ تِيَابِ الْكَعْبَةِ هَلْ يَصْلِحُ لَنَا أَنْ نَلْبَسَ شَيْئاً مِنْهَا؟
 قَالَ: يَصْلِحُ لِلصُّبْيَانِ وَ الْمَصَاحِفِ وَ الْمِخْدَةَ تَبْتَعِي بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

(۱۷)

بَابُ كَرَاهَةِ أَنْ يُؤْخَذَ مِنْ تُرَابِ الْبَيْتِ وَ حَصَاهُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ:
 لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ تُرْبَةٍ مَا حَوْلَ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ أَخَذَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً رَدَّهُ.
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

از امام صادق ع پرسیدم: قطعاتی از جامه‌های کعبه به ما می‌رسد، آیا برای ما شایسته است که چیزی از آنها را بپوشیم؟
 فرمود: برای پوشش کودکان، جلد مصحف‌ها و دوختن متکا به منظور طلب برکت - این شاء الله - شایسته است.

بخش هفدهم

کراهت برداشتن خاک و سنگریزه خانه کعبه

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام صادق ع شنیدم که می‌فرمود:
 شایسته نیست انسان از خاک اطراف خانه کعبه برگیرد، و اگر چیزی از آن را برگرفت، باید به آن بازگرداند.
 ۲ - معاویة بن عمّار گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَخَذْتُ سُكًّا مِنْ سُكِّ الْمَقَامِ وَ تُرَابًا مِنْ تُرَابِ الْبَيْتِ وَ سَبَعَ حَصِيَّاتٍ.

فَقَالَ: بِئْسَ مَا صَنَعْتَ؟! أَمَا التُّرَابُ وَ الْحَصَى فَرُدَّهُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَمِّي كَنَسَ الْكَعْبَةَ، وَ أَخَذَ مِنْ تُرَابِهَا فَنَحْنُ نَتَدَاوَى بِهِ.
فَقَالَ: رُدَّهُ إِلَيْهَا.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَخْرَجُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ فِي ثَوْبِي حَصَاةٌ؟
قَالَ: فَرُدَّهَا أَوْ اطْرَحْهَا فِي مَسْجِدٍ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مقداری از بوی خوش مقام ابراهیم عليه السلام، و مقداری از خاک بیت، و هفت عدد سنگریزه را برداشتم؟

آن حضرت فرمود: چه کار بدی کردی؟ خاک و سنگریزه را به آن جا باز گردان.

۳- حذیفه بن منصور گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عموی من کعبه را تمیز و جاروب کرده است و چیزی از خاک آن را برگرفته و ما به وسیله آن مداوا می‌کنیم.
آن حضرت فرمود: آن را به کعبه باز گردان.

۴- زید شحام گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: از مسجد الحرام خارج می‌شوم و در لباسم سنگریزه‌ای است؟

فرمود: آن را بازگردان، یا در مسجدی بیفکن.

(۱۸)

بَابُ كَرَاهِيَةِ الْمَقَامِ بِمَكَّةَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ صَفْوَانَ عَنْ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُقِيمَ بِمَكَّةَ سَنَةً. قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَتَحَوَّلُ عَنْهَا، وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ. وَ رُوِيَ: أَنَّ الْمَقَامَ بِمَكَّةَ يُقْسِي الْقُلُوبَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ نُسُكِكَ فَارْجِعْ، فَإِنَّهُ أَشْوَقُ لَكَ إِلَى الرَّجُوعِ.

بخش هیجدهم**کراهت اقامت در مکه**

- ۱ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: شایسته نیست که انسان یک سال در مکه اقامت کند. گفتیم: پس چه کند؟ فرمود: از آن جا منتقل می شود، و برای هیچ کس سزاوار نیست که ارتفاع بنای خود را بلندتر از کعبه قرار دهد. و روایت شده است: اقامت در مکه به دلها قساوت می آورد.
- ۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هنگامی که از مناسک و اعمال خود فراغت یافتی به وطن خود بازگرد، زیرا این بازگشت به شوق تو برای مراجعت به مکه می افزاید.

(۱۹)

بَابُ شَجَرِ الْحَرَمِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَنْزِعُ مِنْ شَجَرِ مَكَّةَ إِلَّا النَّخْلَ وَ شَجَرَ الْفَاكِهَةِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يَبُتُّ فِي الْحَرَمِ فَهُوَ حَرَامٌ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّجُلُ يَدْخُلُ مَكَّةَ فَيَقْطَعُ مِنْ شَجَرِهَا.
قَالَ: أَقْطَعُ مَا كَانَ دَاخِلًا عَلَيْكَ، وَ لَا تَقْطَعُ مَا لَمْ يَدْخُلْ مَنْزِلَكَ عَلَيْكَ.

بخش نوزدهم

حکم درخت حرم

- ۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
از درختان مکه هیچ چیز بریده و کنده نمی شود، جز نخل و درختان میوه.
- ۲ - حریر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر گیاهی که در حرم می روید کندن آن بر مردم حرام است.
- ۳ - اسحاق بن یزید گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: شخصی وارد مکه می شود و از درخت آن می برد (حکم آن چیست؟)
فرمود: هر شاخه ای که از درخت وارد خانه تو شده، قطع کن، و هر شاخه ای را که به خانه تو داخل نشده قطع مکن.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي الْحِلِّ وَ فَرْعُهَا فِي الْحَرَمِ.
 فَقَالَ: حُرِّمَ أَصْلُهَا لِمَكَانِ فَرْعِهَا.
 قُلْتُ: فَإِنَّ أَصْلَهَا فِي الْحَرَمِ وَ فَرْعُهَا فِي الْحِلِّ.
 فَقَالَ: حُرِّمَ فَرْعُهَا لِمَكَانِ أَصْلِهَا.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 يُخَلِّي عَنْ الْبَعِيرِ فِي الْحَرَمِ يَأْكُلُ مَا شَاءَ.
- ۶ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ
 حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 فِي الشَّجَرَةِ يَقْلَعُهَا الرَّجُلُ مِنْ مَنْزِلِهِ فِي الْحَرَمِ.
 قَالَ: إِنْ بَنَى الْمَنْزِلَ وَ الشَّجَرَةَ فِيهِ، فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَقْلَعَهَا، وَإِنْ كَانَتْ نَبَتَتْ فِي
 مَنْزِلِهِ وَ هُوَ لَهُ فَلْيَقْلَعَهَا.

- ۴ - معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: درختی که ریشه‌اش در بیرون حرم و شاخه‌اش در حرم باشد حکمش چیست؟
 فرمود: ریشه‌اش به خاطر شاخه‌اش حرام شده است.
 عرض کردم: پس اگر ریشه‌اش در حرم و شاخه‌اش در بیرون حرم باشد چطور؟
 فرمود: شاخه‌اش به جهت موقعیت ریشه‌اش حرام شده است.
- ۵ - حرّیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 شتر در حرم آزاد گذاشته می‌شود تا هر چه را بخواهد بخورد.
- ۶ - حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد درختی که انسان در خانه خود در حرم آن را برکند، فرمود: اگر به هنگام ساخت خانه در زمین آن درخت بوده، نمی‌تواند آن را برکند، ولی اگر پس از ساخت خانه در زمین آن، درخت روید، می‌تواند آن را برکند.

(۲۰)

بَابُ مَا يُذْبَحُ فِي الْحَرَمِ وَمَا يُخْرَجُ بِهِ مِنْهُ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يُذْبَحُ بِمَكَّةَ إِلَّا الْإِبِلُ وَالْبَقَرُ وَالْغَنَمُ وَالِدَّجَاجُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَا كَانَ يَصُفُّ مِنَ الطَّيْرِ فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تُخْرِجَهُ، وَمَا كَانَ لَا يَصُفُّ فَلَكَ أَنْ تُخْرِجَهُ.

قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنْ دَجَاجِ الْحَبَشِ.

قَالَ: لَيْسَ مِنَ الصَّيْدِ، إِنَّمَا الصَّيْدُ مَا طَارَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

بخش بیستم**جواز ذبح در حرم و چیزهایی بیرون بردنشان از حرم جایز است**

۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

در مکه فقط می توان شتر، گاو، گوسفند و مرغ خانگی را ذبح کرد.

۲ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

پرنده‌گانی که دو بال خود را می‌گسترند، جایز نیست که آنها را از حرم خارج کنی، و

پرنده‌گانی که دو بال خود را نمی‌گسترند، می‌توانی آنها را از حرم خارج کنی.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت در مورد مرغ خانگی حبشی پرسیدم.

فرمود: مرغ خانگی جزو شکار نیست، چرا که پرنده‌گانی قابل شکارند که بین آسمان و

زمین پرواز کند.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا حَاضِرٌ - عَنِ الدَّجَاجِ الحَبَشِيِّ يُخْرِجُ بِهِ مِنَ الحَرَمِ.
فَقَالَ: إِنَّهَا لَا تَسْتَقِلُّ بِالطَّيْرَانِ.

(۲۱)

بَابُ صَيْدِ الحَرَمِ وَ مَا تَجِبُ فِيهِ الكَفَّارَةُ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا كُنْتَ حَلَالًا فَفَقِّمْتَ الصَّيْدَ فِي الحِجْلِ مَا بَيْنَ البَرِيدِ إِلَى الحَرَمِ فَعَلَيْكَ جَزَاؤُهُ،
فَإِنْ فَقَّاتَ عَيْنَهُ أَوْ كَسَرَتْ قَرْنَهُ أَوْ جَرَحَتْهُ تَصَدَّقَتْ بِصَدَقَةٍ.

۳- مُحَمَّد بن مسلم گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که از حضرتش در مورد مرغ خانگی حبشی پرسیدند که آیا بیرون بردن آن از حرم جایز است؟ فرمود: آری، زیرا که آن در پرواز استقلال ندارد.

بخش بیست و یکم

شکار حرم و وجوب کفاره آن

۱- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هرگاه در حال احرام نبودی و شکاری را در فاصله میان چهار فرسخ تا حرم بکشی کفاره آن بر تو واجب است، و اگر چشم آن را کور کردی، یا شاخ آن را شکستی و بال آن را زخمی کردی، باید صدقه پردازی.

- ۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَهْدَى لَهُ حَمَامٌ أَهْلِيَّ وَ هُوَ فِي الْحَرَمِ. فَقَالَ: إِنْ هُوَ أَصَابَ مِنْهُ شَيْئًا فَلْيَتَصَدَّقْ بِثَمَنِهِ نَحْوًا مِمَّا كَانَ يَسْوَى فِي الْقِيَمَةِ.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْحَكَمِ قَالَ: قُلْتُ لِعُغْلَامٍ لَنَا: هَبِّي لَنَا غَدَاءً. فَأَخَذَ أَطْيَاراً مِنَ الْحَرَمِ، فَذَبَحَهَا وَ طَبَخَهَا فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ: ادْفِنَهَا وَ افِدِ كُلَّ طَائِرٍ مِنْهَا.
- ۴ - عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

- ۲ - معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که در حرم است و به او کبوتر اهلی هدیه می‌کند، پرسیدم. فرمود: اگر چیزی از آن را مصرف کرده، باید به جای آن، در حدود قیمت آن صدقه بدهد.
- ۳ - محمد بن ابی الحکم گوید: به یکی از غلامان خود گفتم: غذای ما را آماده ساز. او پس چندی، چند عدد از پرندگان مکه را شکار و ذبح کرد و پخت، ما را به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گزارش دادم. آن حضرت فرمود: آنها را دفن کن و برای هر پرنده‌ای از آنها فدیة‌ای بپرداز.
- ۴ - حلبی گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّيْدِ يُصَادُ فِي الْجِلِّ ثُمَّ يُجَاءُ بِهِ إِلَى الْحَرَمِ وَهُوَ حَيٌّ.
فَقَالَ: إِذَا أَدْخَلَهُ إِلَى الْحَرَمِ حَرَّمَ عَلَيْهِ أَكْلَهُ وَإِمْسَاكَهُ فَلَا تَشْتَرِينَ فِي الْحَرَمِ إِلَّا
مَذْبُوحاً ذُبِحَ فِي الْجِلِّ ثُمَّ جِيَءَ بِهِ إِلَى الْحَرَمِ مَذْبُوحاً فَلَا بَأْسَ لِلْحَلَالِ.

۵ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ:
أَنَّ الْحَكَمَ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَهْدَى لَهُ حَمَامَةً فِي الْحَرَمِ مَقْصُوصَةً.
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: انْتَفِهَا وَ أَحْسِنِ إِلَيْهَا وَ اعْلِفْهَا حَتَّى إِذَا اسْتَوَى رِيشُهَا فَخَلَّ
سَبِيلَهَا.

۶ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ
مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ كَرِبِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ:
كُنَّا جَمَاعَةً فَاشْتَرَيْنَا طَيْراً فَقَصَصْنَاهُ وَ دَخَلْنَا بِهِ مَكَّةَ فَعَابَ ذَلِكَ عَلَيْنَا أَهْلُ
مَكَّةَ.

از امام صادق عليه السلام در مورد شکاری که در بیرون حرم شکار می شود و زنده به حرم آورده
می شود، سؤال کردند.

فرمود: هر گاه آن را به حرم آوردند، خوردن و نگه داشتن آن برای او حرام است.
بنابراین چنین شکاری را در حرم خریداری مکن، مگر آن چیزی که در غیر حرم ذبح شده،
سپس ذبح شده آن را به حرم آورده اند که خوردن آن برای شخص غیر محرم جایز است.
۵ - زراره گوید: حکم از امام باقر عليه السلام درباره کسی که در حرم کبوتری بریده بال به او
هدیه داده شده، سوال کرد؟

آن حضرت فرمود: بال هایش را (تنظیم کن و اضافات آن را) بکن و خوب به آن
رسیدگی کن، و آب و دانه بده تا آن گاه که پرو بالش رشد کرد آزاد شود.

۶ - کرب صیرفی گوید: ما گروهی به مکه می رفتیم، پرنده ای را خریدیم و بال و پرش را
چیدیم و آن را به مکه بردیم، مردم مکه به این کار را عیب گرفتند.

فَأَرْسَلَ كَرَبٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ فَقَالَ: اسْتَوْدِعُوهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ مُسْلِمًا أَوْ امْرَأَةً مُسْلِمَةً فَإِذَا اسْتَوَى خَلُّوا سَبِيلَهُ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَصَابَ طَيْرًا فِي الْحَرَمِ وَهُوَ مُجَلٌّ فَعَلَيْهِ الْقِيمَةُ وَالْقِيمَةُ دِرْهَمٌ يَشْتَرِي بِهِ عَلْفًا لِحِمَامِ الْحَرَمِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ خَلَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي رَجُلٍ ذَبَحَ حَمَامَةً مِنْ حِمَامِ الْحَرَمِ.

قَالَ: عَلَيْهِ الْفِدَاءُ.

قُلْتُ: فَيَأْكُلُهُ.

قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَيَطْرَحُهُ؟

از این رو، کرب را طی پیامی خدمت امام صادق عليه السلام فرستاد تا در این باره سؤال کند. آن حضرت فرمود: پرنده را نزد مرد - یا زن - مسلمانی از مردم مکه بسپارید، وقتی بال‌هایش رشد کرد، آن را رها کنید.

۷- صفوان بن یحیی گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

اگر کسی در حال غیر احرام پرنده‌ای را در حرم شکار کند، قیمت آن بر عهده اوست، و قیمت آن یک درهم است که با آن برای کبوتران حرم دانه می‌خرد.

۸- خلاد گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که کبوتری از کبوتران حرم را ذبح کند فرمود: فدیة بر ذمه او تعلق می‌گیرد.

عرض کردم: آیا جایز است که گوشت آن کبوتر را بخورد؟

فرمود: نه.

گفتم: پس می‌باید آن را به دور افکند؟

قَالَ: إِذَا يَكُونُ عَلَيْهِ فِدَاءٌ آخَرَ.

قُلْتُ: فَمَا يَصْنَعُ بِهِ؟

قَالَ: يَدْفِنُهُ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنِ مَنَّانِ الْحَنَاطِ

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ بِطَيْرٍ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْكُوفَةِ.

قَالَ: يَرُدُّهُ إِلَى مَكَّةَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فِي الْحَمَامَةِ دِرْهَمٌ وَ فِي الْفَرَسِ نِصْفُ دِرْهَمٍ وَ فِي الْبَيْضَةِ رُبْعُ دِرْهَمٍ.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ ابْنِ

بَكِيرٍ قَالَ:

فرمود: اگر چنین کند باید فدیهای دیگر بدهد.

عرض کردم: بنا بر این، نسبت به آن باید چه کند؟

فرمود: باید آن را دفن کند.

۹- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره کسی که پرنده مکه را به کوفه برده است، پرسیدم.

فرمود: باید آن را به مکه بازگرداند.

۱۰- حفص بن بختری گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کفاره کبوتر یک درهم، جوجه نیم درهم و تخم آن، یک چهارم درهم است.

۱۱- ابن بکیر گوید:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ طَيْرًا فِي الْجِلِّ فَاشْتَرَاهُ فَأَدْخَلَهُ الْحَرَمَ فَمَاتَ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ حِينَ أَدْخَلَهُ الْحَرَمَ خَلَّى سَبِيلَهُ فَمَاتَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ أَمْسَكَهُ حَتَّى مَاتَ عِنْدَهُ فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ.

۱۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ رَمَى صَيْدًا فِي الْجِلِّ فَمَضَى بِرَمْيَتِهِ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ فَمَاتَ أَعْلَيْهِ جَزَاؤُهُ؟

قَالَ: لَا لَيْسَ عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ، لِأَنَّهُ رَمَى حَيْثُ رَمَى وَهُوَ لَهُ حَلَالٌ، إِنَّمَا مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ رَجُلٍ نَصَبَ شِرْكَاءَ فِي الْجِلِّ إِلَى جَانِبِ الْحَرَمِ، فَوَقَعَ فِيهِ صَيْدٌ فَاضْطَرَبَ الصَّيْدُ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ، لِأَنَّهُ كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ.

از امام (باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مورد شخصی که به پرنده‌ای در بیرون حرم برخورد و آن را خریده و به حرم آورد و در حرم بمیرد، پرسیدم.

فرمود: اگر هنگامی که آن را به حرم آورده، آزاد کرده. آن گاه پرنده مرده است، چیزی به عهده او نیست. ولی اگر آن را نگه داشت و در حرم در کنار او مرد، کفاره آن بر او لازم است.

۱۲ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: هرگاه کسی در بیرون حرم شکاری را با تیر هدف قرار دهد، و شکار همچنان به راه خود ادامه دهد تا وارد حرم شود آن گاه در اثر تیر او بمیرد، آیا کیفری متوجه او می‌شود؟

فرمود: نه، کیفری بر او نیست، زیرا او تیر را در جایی رها کرده که برای او حلال بود، و کار او همانند کار کسی است که دامی را در بیرون حرم در کنار حرم بگسترده، پس شکاری در آن بیفتد و همچنان دست و پا بزند تا وارد حرم شود و در آنجا بمیرد، پس برای چنین کسی کیفری نیست، زیرا که چنین چیزی بعداً رخ داده است.

فَقُلْتُ: هَذَا الْقِيَّاسُ عِنْدَ النَّاسِ.

فَقَالَ: إِنَّمَا شَبَّهْتُ لَكَ شَيْئًا بِشَيْءٍ.

۱۳ - صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ زِيَادِ أَبِي الْحَسَنِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ قَفَّلُوا عَلَى طَائِرٍ مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ الْبَابِ فَمَاتَ.

قَالَ: عَلَيْهِمْ بِقِيَمَةِ كُلِّ طَيْرٍ [نِصْفٌ] دَرَاهِمٍ يُعْلَفُ بِهِ حَمَامُ الْحَرَمِ.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ

ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي رَجُلٍ حَلَّ فِي الْحَرَمِ رَمَى صَيْدًا خَارِجًا مِنَ الْحَرَمِ فَقَتَلَهُ.

قَالَ: عَلَيْهِ الْجَزَاءُ، لِأَنَّ الْأَفَقَ جَاءَتْهُ مِنْ قِبَلِ الْحَرَمِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَمَى صَيْدًا خَارِجًا مِنَ الْحَرَمِ فِي الْحِجْلِ فَتَحَامَلَ الصَّيْدُ

حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ.

فَقَالَ: لَحْمُهُ حَرَامٌ مِثْلَ الْمَيْتَةِ.

عرض کردم: این به نظر مردم قیاس است.

فرمود: من چیزی را به چیزی تشبیه کردم.

۱۳ - زیاد واسطی گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: گروهی کبوتری از کبوتران حرم را

زندانی کرده‌اند تا کبوتر مرده است، چه حکمی دارند؟

فرمود: به بهای هر کبوتری نیم درهم بر عهده آنها است که با آن، به کبوتران حرم دانه

داده شود.

۱۴ - مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شخصی که در حرم از احرام

خارج شود و برای شکار به بیرون حرم تیراندازی کند و پرنده‌ای را مورد هدف قرار می‌دهد.

فرمود: بر او کفاره لازم است، زیرا که پرنده از طرف حرم مورد هدف قرار گرفته است.

راوی گوید: هم چنین از حضرتش در مورد شخصی که در بیرون حرم و در حال غیر

احرام پرنده‌ای را مورد هدف قرار داده و آن پرنده با سختی خود را به حرم برساند سؤال کردم.

فرمود: گوشت آن، مانند گوشت میته حرام است.

- ۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
فِي حَمَامِ مَكَّةَ الطَّيْرُ الْأَهْلِيُّ غَيْرُ حَمَامِ الْحَرَمِ مَنْ ذَبَحَ طَيْرًا مِنْهُ وَهُوَ غَيْرُ مُحْرِمٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَفْضَلَ مِنْ تَمَنِيهِ، فَإِنْ كَانَ مُحْرِمًا فَشَاءَ عَنْ كُلِّ طَيْرٍ.
- ۱۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:
أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَنْ أَخَالِي اشْتَرَى حَمَامًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَذَهَبْنَا بِهَا إِلَى مَكَّةَ فَأَعْتَمَرْنَا وَاقْمْنَا إِلَى الْحَجِّ ثُمَّ أَخْرَجْنَا الْحَمَامَ مَعَنَا مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْكُوفَةِ فَعَلَيْنَا فِي ذَلِكَ شَيْءٌ.
قَالَ لِلرَّسُولِ: إِنِّي أَظُنُّهُمْ كَنْ فُرْهَةً.
قَالَ لَهُ: يَذْبَحُ مَكَانَ كُلِّ طَيْرٍ شَاءَ.
- ۱۷ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ:

- ۱۵ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که درباره کبوتر مکه می فرمود:
پرنده اهلی غیر از کبوتر حرم است، هر که پرنده ای از پرندگان مکه را ذبح کند بی آن که محرم باشد، باید صدقه ای بیشتر از قیمت آن بپردازد، در صورتی که اگر محرم باشد، باید در ازای هر پرنده، گوسفندی قربانی کند.
- ۱۶ - یونس بن یعقوب گوید: توسط شخصی پیامی برای امام کاظم عليه السلام فرستادم که یکی از برادرانم چند کبوتر از مدینه خرید، ما آنها را به مکه بردیم، مراسم عمره را به جای آوردیم، و تا ادای مناسک حج در مکه ماندیم، به هنگام بازگشت کبوتران را به همراه خود از مکه به کوفه آوردیم، آیا از این جهت تکلیفی متوجه ما می شود؟
حضرتش به فرستاده ما فرموده بود: به گمان من آن کبوترها جلد و چالاک بوده اند، به او فرمود: باید در ازای هر پرنده ای گوسفندی قربانی کند.
- ۱۷ - ابراهیم بن میمون گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ نَتَفَّ حَمَامَةً مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ.
 قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِصَدَقَةٍ عَلَى مَسْكِينٍ وَ يُعْطِي بِأَلْيَدِ النَّبِيِّ نَتَفَّ بِهَا فَإِنَّهُ قَدْ أَوْجَعَهُ.
 ۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ
 بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَهْدَيْ لَنَا طَائِرٌ مَذْبُوحٌ بِمَكَّةَ فَأَكَلَهُ أَهْلُنَا.
 فَقَالَ: لَا يَرَى بِهِ أَهْلُ مَكَّةَ بَأْسًا.
 قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ أَنْتَ؟
 قَالَ: عَلَيْهِمْ تَمَنُّهُ.

۱۹ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيِّ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: نَشْتَرِي الصُّقُورَ فَنُدْخِلُهَا الْحَرَمَ فَلَنَا ذَلِكَ؟
 فَقَالَ: كُلُّ مَا أُدْخِلَ الْحَرَمَ مِنَ الطَّيْرِ مِمَّا يَصُفُّ جَنَاحَهُ فَقَدْ دَخَلَ مَأْمَنَهُ فَخَلَّ
 سَبِيلَهُ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی که پره‌های کبوتر حرم را بکند چه وظیفه‌ای دارد؟
 فرمود: صدقه‌ای به مسکینی می‌دهد، و آن را با همان دستی که پرها را کنده، می‌بخشد،
 زیرا که او پرنده را آزرده است.

۱۸ - منصور بن حازم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در مکه بودیم که پرنده ذبح
 شده‌ای بما هدیه شد. خانواده ما آن را خوردند.
 فرمود: مردم مکه بر این کار اشکالی نمی‌بینند.
 عرض کردم: شما چه می‌فرمایید؟
 فرمود: قیمت آن پرنده بر عهده آنهاست.

۱۹ - ابو جریر قمی گوید: به امام کاظم عليه السلام (یا امام رضا عليه السلام) عرض کردم: ما پرنده‌های
 شکاری (مانند باز و شاهین) را می‌خریم و آنها را به داخل حرم می‌آوریم. آیا این کار برای
 ما جایز است؟

فرمود: هر پرنده‌ای که بال‌های خود را به هنگام پرواز، بگستراند به حرم آورده شود، به
 جای امن خود داخل شده است، آن را آزاد کن.

۲۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ:

كَانَ فِي جَانِبِ بَيْتِي مِكْتَلٌ فِيهِ بَيْضَتَانِ مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ فَذَهَبَ الْعُغْلَامُ يَكْتُبُ الْمِكْتَلُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِ بَيْضَتَيْنِ فَكَسَرَهُمَا. فَخَرَجْتُ فَلَقَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ.

فَقَالَ: تَصَدَّقْ بِكَفَّيْنِ مِنْ دَقِيقٍ.

قَالَ: ثُمَّ لَقَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَعْدُ فَأَخْبَرْتُهُ.

فَقَالَ: تَمَنَّ طَيْرَيْنِ تَعْلِفُ بِهِ حَمَامَ الْحَرَمِ.

فَلَقَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ فَأَخْبَرْتُهُ.

فَقَالَ: صَدَقَكَ حَدَّثَ بِهِ، فَإِنَّمَا أَخَذَهُ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام.

۲۱- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَابْنِ أَبِي الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ

بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

۲۰- یزید بن خلیفه گوید: کنار خانه من زنبیل بزرگی جای داشت که دو تخم از کبوتران حرم در آن بود. غلام رفت و نادانسته زنبیل را واژگون کرد و آن دو تخم کبوتر را شکست. من از خانه بیرون آمدم و عبدالله بن حسن را ملاقات کردم و ماجرا را به او باز گفتم. وی گفت: دو مشمت آرد، صدقه کن.

آن گاه امام صادق عليه السلام را دیدار کردم و داستان را به آن حضرت گزارش دادم.

حضرت فرمود: با قیمت دو پرنده، به کبوتران حرم دانه بده.

سپس عبدالله بن حسن را ملاقات کردم و جریان را برایش گفتم. گفت: راست گفته

است، همان را روایت کن، زیرا او از پدران خود عليهم السلام فرا گرفته است.

۲۱- عبدالرحمان بن حججاج گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ فَرْخَيْنِ مُسْرَوَلَيْنِ ذَبَحْتُهُمَا وَأَنَا بِمَكَّةَ.
 فَقَالَ لِي: لِمَ ذَبَحْتَهُمَا؟
 فَقُلْتُ: جَاءَتْنِي بِهِمَا جَارِيَةٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَسَأَلْتَنِي أَنْ أَذْبَحَهُمَا، فَظَنَنْتُ أَنِّي
 بِالْكُوفَةِ وَ لَمْ أَذْكَرِ الْحَرَمَ.
 فَقَالَ: عَلَيْكَ قِيَمَتُهُمَا.
 قُلْتُ: كَمْ قِيَمَتُهُمَا؟
 قَالَ: دِرْهَمٌ وَ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمَا.
 ۲۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ
 دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ:
 كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ بِمَكَّةَ وَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ بِهَا، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: قَالَ
 لِي دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ: مَا تَقُولُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! فِي قَمَارِيٍّ اصْطَدْنَاهَا وَ قَصَّيْنَاهَا؟
 فَقُلْتُ: تُنْتَفُ وَ تُعْلَفُ، فَإِذَا اسْتَوَتْ خُلِّيَ سَبِيلُهَا.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در مکه بودم که دو جوجه کبوتری را که پر در آورده بودند سر بریدم.
 فرمود: چرا آنها را ذبح کردی؟
 عرض کردم: کنیزکی از اهل مکه آنها را نزد من آورد و خواهش کرد که آنها را ذبح کنم،
 من به گمان این که در کوفه هستم، چنین کردم و فراموش کردم که در حرم هستم.
 امام علیه السلام فرمود: قیمت آنها بر عهده توست.
 عرض کردم: قیمت آنها چقدر است؟
 فرمود: یک درهم و همان، بهتر از آن پرنده‌ها است.
 ۲۲- داوود بن فرقد گوید: در مکه در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و داوود بن علی (که از
 بنی عباس است) نیز در مکه بود، امام صادق علیه السلام به من فرمود: داوود بن علی به من گفت: ای
 ابا عبدالله! نظر شما در مورد چند پرنده قمری که آنها را شکار کرده و پرهایشان را بریده‌ایم، چیست؟
 گفتم: پره‌های بریده آنها را کنده (و تنظیم) می‌شود، آب و دانه داده می‌شوند و چون
 بال‌هایشان رشد کرد، رها می‌شوند.

۲۳- أَحْمَدُ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ بَيْضَةِ نَعَامَةٍ أَكَلْتُ فِي الْحَرَمِ.
قَالَ: تَصَدَّقْ بِتَمَنِهَا.

۲۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَائِ عَنِ مِثْنَى قَالَ:
خَرَجْنَا إِلَى مَكَّةَ فَاضْطَّادَتِ النِّسَاءُ قُمْرِيَّةً مِنْ قَمَارِيٍّ أَمَجٍ حَيْثُ بَلَّغْنَا السَّبْرِيَدَ
فَتَنَفَّتِ النِّسَاءُ جَنَاحِيهِ ثُمَّ دَخَلُوا بِهَا مَكَّةَ، فَدَخَلَ أَبُو بَصِيرٍ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
فَأُخْبِرُهُ.

فَقَالَ: تَنْظُرُونَ امْرَأَةً لَا بَأْسَ بِهَا، فَتُعْطُونَهَا الطَّيْرَ تَعْلِفُهُ وَ تُمَسِكُهُ حَتَّى إِذَا
اسْتَوَى جَنَاحَاهُ حَلَّتْهُ.

۲۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عِمْرَانَ
الْحَلَبِيِّ قَالَ:

۲۳- سعد بن عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام درباره تخم شترمرغی که در حرم خورده
بودم، سؤال کردم.

فرمود: قیمت آن را صدقه بده.

۲۴- مثنی گوید: به طرف مکه در حرکت بودیم، گروهی از زنان همراه ما پرنده قمری از
قمری‌های امج^(۱) را در چهار فرسخی حرم شکار کردند و بال‌های آن را کردند و به مکه
آوردند.

ابوبصیر خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شد و جریان را به عرض آن حضرت
رسانید.

حضرتش فرمود: پرنده را به زن مؤمن دینداری که انحراف ندارد بسپارید تا به آن آب و
دانه بدهد و نگه دارد تا وقتی که دو بالش بهبود یابد، آن را رها کند.

۲۵- عمران حلبی گوید:

۱- مکانی است بین مکه و مدینه.

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يُكْرَهُ مِنَ الطَّيْرِ؟
فَقَالَ: مَا صَفَّ عَلَى رَأْسِكَ.

۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ
الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمُكَارِيِّ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ قَتَلَ أَسَدًا فِي الْحَرَمِ.
قَالَ: عَلَيْهِ كَبُشٌ يَذْبَحُهُ.

۲۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ
بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
فِي رَجُلٍ أَصَابَ ظَبْيًا فِي الْجِلِّ فَاشْتَرَاهُ فَأَدْخَلَهُ الْحَرَمَ فَمَاتَ الظَّبْيُ فِي
الْحَرَمِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ حِينَ أَدْخَلَهُ الْحَرَمَ حَلَّى سَبِيلَهُ فَمَاتَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ
أَمْسَكَهُ حَتَّى مَاتَ عِنْدَهُ فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شکار کدام یک از پرندگان در حرم ممنوع است؟

فرمود: پرنده‌ای که به هنگام پرواز بال‌های خود را بی حرکت بر سر تو بگستراند.

۲۶ - ابو سعید مکاری گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی در حرم

شیری را از پای درآورد، چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: بر او لازم است که قوچی را (به عنوان قربانی) ذبح کند.

۲۷ - بکیر بن اعین گوید: امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) در مورد شخصی که در

بیرون حرم آهوئی خرید و به حرم آورد و آهو در حرم مرد، فرمود:

اگر وقتی که آن را به حرم می‌آورد، رها کرد و پس از آن مرد، چیزی بر عهده او نیست،

ولی اگر نگه داشت تا در حرم در نزد او مرد، کفاره آن بر او لازم است.

- ۲۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي حَمْزَةُ بْنُ الْيَسَعِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَهْدِ يُشْتَرَى بِمَنْىَ وَ يُخْرَجُ بِهِ مِنَ الْحَرَمِ. فَقَالَ: كُلُّ مَا أُدْخِلَ الْحَرَمَ مِنَ السَّبْعِ مَأْسُوراً فَعَلَيْكَ إِخْرَاجُهُ.
- ۲۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ شَجَرَةٍ أَضْلَاهَا فِي الْحَرَمِ وَ أَغْصَانُهَا فِي الْحِلِّ عَلَى غُضَنِ مِنْهَا طَائِرٌ رَمَاهُ رَجُلٌ فَصَرَعَهُ. قَالَ: عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ إِذَا كَانَ أَضْلَاهَا فِي الْحَرَمِ.
- ۳۰ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

- ۲۸ - حمزه بن یسع گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: یوزپلنگی که در منا خریداری شده است و از حرم بیرون برده می شود (چه حکمی دارد؟) فرمود: هر درنده ای که به صورت اسیر به حرم آورده شود، بر تو لازم است که آن را از حرم خارج کنی.
- ۲۹ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: از حضرت علی علیه السلام سؤال کردند: درختی که ریشه آن در حرم و شاخه های آن بیرون حرم است و بر شاخه ای از آن، پرنده ای است که شخصی با تیر آن را می زند و می افکند (چه حکمی دارد؟). فرمود: کفاره آن بر او لازم است، در صورتی که ریشه آن درخت در حرم باشد.
- ۳۰ - عبدالاعلی بن اعین گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ صَيْدًا فِي الْجِلِّ فَرَبَطَهُ إِلَى جَانِبِ الْحَرَمِ
فَمَشَى الصَّيْدُ بِرِبَاطِهِ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ وَ الرِّبَاطُ فِي عُنُقِهِ فَأَجْرَهُ الرَّجُلُ بِحَبْلِهِ
حَتَّى أَخْرَجَهُ مِنَ الْحَرَمِ وَ الرَّجُلُ فِي الْجِلِّ.
فَقَالَ: نَمْنُهُ وَ لَحْمُهُ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ.

(۲۲)

بَابُ لُقْطَةِ الْحَرَمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَرَ قَالَ: قَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
اللُّقْطَةُ لُقْطَتَانِ: لُقْطَةُ الْحَرَمِ تُعْرَفُ سَنَةً، فَإِنْ وَجَدَتْ صَاحِبَهَا وَإِلَّا تَصَدَّقَتْ
بِهَا.
وَ لُقْطَةُ غَيْرِهَا تُعْرَفُ سَنَةً، فَإِنْ جَاءَ صَاحِبُهَا وَإِلَّا فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِكَ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که در بیرون حرم، حیوان یا پرنده‌ای را شکار کند و
آن را با طناب به سوی حرم بیاورد، آن شکار با طنابی که در گردنش می‌باشد وارد حرم
شود، و آن شخص در حالی که بیرون حرم است، آن را بکشد تا از حرم خارج سازد.
فرمود: بهای آن و گوشتش مانند میته، حرام است.

بخش بیست و دوم

حکم آن چه در حرم پیدا می‌شود

۱ - ابراهیم بن عمر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پیدا شده در حرم بر دو گونه است:

- (۱) پیدا شده در حرم که بایستی مدت یک سال آن را اعلام و معرفی کنی، پس اگر
صاحب آن را یافتی چه بهتر و گرنه آن را صدقه می‌دهی.
- (۲) پیدا شده در غیر حرم که بایستی آن را به مدت یک سال اعلام و معرفی کنی، اگر
صاحب آن آمد، چه بهتر، وگرنه آن در حکم مال خود توست.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ
قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَجِدُ اللَّقْطَةَ فِي الْحَرَمِ.
قَالَ: لَا يَمَسُّهَا، وَ أَمَا أَنْتَ فَلَا بَأْسَ لِأَنَّكَ تُعَرِّفُهَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ غَزْوَانَ
قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ الطَّيَّارُ: إِنِّي وَجَدْتُ دِينَاراً فِي الطَّوَافِ
قَدْ أُنْسَحِقَ كِتَابَتُهُ.
فَقَالَ: هُوَ لَهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
رَجَاءِ الْأَرَجَانِيِّ قَالَ:

۲- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی چیزگم شده‌ای را در حرم
می‌یابد، چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: به آن دست نمی‌زند، ولی برای تو ایرادی ندارد که به آن دست بزنی، زیرا که تو
اعلام و معرفی می‌کنی.

۳- فضیل بن غزوان گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که طیار به حضرتش عرض
کرد: من در حال طواف دیناری را یافتم که نقش آن ساییده شده بود.
فرمود: آن برای اوست (۱).

۴- محمد بن رجاء از جانی گوید:

۱- یعنی از آن کسی است که آن را پیدا کرده است و شاید مراد این باشد که در همانجا باشد، تا صاحبش پیدا شود.

كَتَبْتُ إِلَى الطَّيِّبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنِّي كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرَأَيْتُ دِينَارًا فَأَهْوَيْتُ إِلَيْهِ لِأُخْذَهُ، فَإِذَا أَنَا بِأَخْرَئِهِ ثُمَّ بَحَثْتُ الْحَصَى، فَإِذَا أَنَا بِثَالِثٍ فَأَخَذْتُهَا فَعَرَفْتُهَا فَلَمْ يَعْرِفْهَا أَحَدٌ، فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ؟
فَكَتَبَ: فَهَمَّتْ مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَمْرِ الدَّنَانِيرِ، فَإِنْ كُنْتَ مُحْتَاجًا فَتَصَدَّقْ بِثُلُثِهَا، وَإِنْ كُنْتَ غَنِيًّا فَتَصَدَّقْ بِالْكَلِّ.

(۲۳)

بَابُ فَضْلِ النَّظَرِ إِلَى الْكَعْبَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
كُنْتُ قَاعِدًا إِلَى جَنْبِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مُحْتَبٍ مُسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةِ فَقَالَ: أَمَا إِنَّ النَّظَرَ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ.

طی نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشتم: من در حرم بودم، دیناری را بر روی زمین دیدم، چون خواستم آن را بردارم، چشمم به دینار دیگر افتاد، بعد شن‌ها را پس زدم دینار سومی را یافتم، هر سه دینار را برداشتم و اعلام کردم و صاحبش را جست جو نمودم، ولی پیدا نشد و کسی صاحب آنها را نمی‌شناخت، حکم آن چیست؟ مرقوم بفرماید.
حضرتش در پاسخ نامه نوشت: آن چه در مورد دینارها نوشته بودی آگاه شدم، اکنون اگر تو خود نیاز داری یک سوم آن را صدقه بده و مانده را برای خود بردار و اگر نیاز نداری همه را صدقه بده.

بخش بیست و سوم

فضیلت نگاه کردن به کعبه

۱ - زراره گوید: در کنار امام باقر علیه السلام نشسته بودم که آن حضرت در مقابل کعبه روی پای مبارکش نشسته و زانوهایش را در بغل گرفته بود، فرمود: هان! نگاه به کعبه عبادت است.

فَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَجِيلَةَ يُقَالُ لَهُ: عَاصِمُ بْنُ عَمْرٍو فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ كَعْبَ الْأَخْبَارِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْكَعْبَةَ تَسْجُدُ لِبَيْتِ الْمَقْدِسِ فِي كُلِّ عَدَاةٍ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَمَا تَقُولُ فِيمَا قَالَ كَعْبٌ؟
فَقَالَ: صَدَقَ، الْقَوْلُ مَا قَالَ كَعْبٌ.
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: كَذَبْتَ وَكَذَبَ كَعْبُ الْأَخْبَارِ مَعَكَ، وَغَضِبَ.
قَالَ زُرَّارَةُ: مَا رَأَيْتُهُ اسْتَقْبَلَ أَحَدًا بِقَوْلٍ كَذَبْتَ غَيْرَهُ.
ثُمَّ قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ ﷻ بُقْعَةً فِي الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهَا - ثُمَّ أَوْ مَأْ بِيَدِهِ نَحْوَ الْكَعْبَةِ - وَ لَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ ﷻ مِنْهَا لَهَا، حَرَّمَ اللَّهُ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فِي كِتَابِهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةٍ مُتَوَالِيَةً لِلْحَجِّ سُؤَالَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ شَهْرٍ مُفْرَدٌ لِلْعُمْرَةِ وَ هُوَ رَجَبٌ.

ناگاه مرد بجلی - به نام عاصم بن عمر - نزد حضرتش آمد و گفت: کعب الاحبار (۱) می گفت: کعبه در هر صبح گاه برای بیت المقدس سجده می کند.
امام باقر عليه السلام فرمود: نظر تو درباره سخن کعب چیست؟
گفت: راست گفته، سخن همان است که کعب گفته است.
آن حضرت فرمود: تو دروغ گفتی و کعب الاحبار نیز با تو دروغ گفته است.
آن گاه حضرتش خشمگین شد، زراره گوید: هیچ گاه ندیده بودم آن حضرت در مقابل کسی جز این شخص بگوید: دروغ گفتی.
سپس حضرتش فرمود:

خداوند ﷻ هیچ بقعه ای را در روی زمین نیافریده که در پیشگاه او محبوبتر از آن باشد - سپس با دست مبارکش به طرف کعبه اشاره فرمود - و نه گرامی تر از آن نزد خداوند ﷻ، و به خاطر آن مکان است که خداوند در کتاب خود قرآن روزی که آسمانها و زمین را آفرید، سه ماه پی در پی را برای حج حرام گردانید که عبارتند از: شوال، ذی القعدة و ذی الحجة، و ماهی جداگانه برای عمره قرار داد که ماه رجب است.

۱ - مردی از علمای یهود بود که اظهار اسلام کرده و در نزد مخالفان محترم است.

۲- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عَشْرِينَ وَ مِائَةَ رَحْمَةٍ مِنْهَا سِتُونَ لِلطَّائِفِينَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عَشْرُونَ لِلنَّاظِرِينَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ لِلْكَعْبَةِ لِلْحِطَّةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يُغْفَرُ لِمَنْ طَافَ بِهَا أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا أَوْ حَبَسَهُ عَنْهَا عُذْرٌ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ سَيْفِ التَّمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ لَمْ يَزَلْ تُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ تُمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى يَنْصَرِفَ بِبَصَرِهِ عَنْهَا.

۲- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

همانا برای خدای تبارک و تعالی پیرامون کعبه یک صد و بیست رحمت است، که شصت رحمت آن برای طواف کنندگان، چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان به آن است.

۳- ابو عبدالله خزّاز گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

همانا برای کعبه در هر روز نظر و التفاتی است که خداوند کسی را که بر گرد آن طواف نماید، یا از روی شوق دلش به خاطر آن بتپد، یا به واسطه عذری نتواند کنار آن حاضر شود، می‌آمرزد.

۴- سیف تمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

هر کس به کعبه بنگرد، پیوسته برای او پاداشی نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌گردد، تا آن زمان که چشم خود را از کعبه بردارد.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

النَّظْرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْإِمَامِ عِبَادَةٌ. وَ قَالَ: مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ مُجِيتٌ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيْزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ بِمَعْرِفَةٍ فَعَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِنَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ كَفَّاهُمْ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ.

۵ - حرّیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نگاه به کعبه عبادت است، نگاه به پدر و مادر عبادت است و نگاه به امام عبادت است. هم چنین حضرتش فرمود:

کسی که به کعبه نگاه نظر کند برای وی پاداش نوشته شود و ده گناه از او محو گردد.

۶ - علی بن عبدالعزیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که با معرفت به کعبه بنگرد و آن گاه حقّ ما و حرمت ما را برابر با حقّ کعبه و حرمت آن بشناسد، خداوند گناهان او را می‌آمرزد و مهمّات دنیا و جهان آخرت او را کفایت می‌فرماید.

(۲۴)

بَابُ فِيمَنْ رَأَى غَرِيمَهُ فِي الْحَرَمِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ شَاذَانَ بْنِ الْخَلِيلِ أَبِي الْفَضْلِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لِي عَلَيْهِ مَالٌ فَغَابَ عَنِّي زَمَانًا فَرَأَيْتُهُ يَطُوفُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ أَفَأَتَقَاضَاهُ مَالِي؟

قَالَ: لَا، لَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ لَا تُرَوِّعُهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ.

بخش بیست و چهارم**حکم کسی که بدهکار خود را در حرم ببیند**

۱ - سماعة بن مهران گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

شخصی است که از او مالی طلبکارم، مدتی از من پنهان می‌شود تا این که می‌بینم بر گرد کعبه طواف می‌کند، آیا می‌توانم مال خود را از او بستانم؟

فرمود: نه، بر او سلام نیز مکن و او را مضطرب منما تا این که از حرم خارج شود.

(۲۵)

بَابُ مَا يُهْدَى إِلَى الْكَعْبَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي يَاسِينَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
 إِنَّ قَوْمًا أَقْبَلُوا مِنْ مِصْرَ فَمَاتَ مِنْهُمْ رَجُلٌ، فَأَوْصَى بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِلْكَعْبَةِ، فَلَمَّا قَدِمَ الْوَصِيُّ مَكَّةَ سَأَلَ فَدَلُّوهُ عَلَى بَنِي شَيْبَةَ.
 فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمُ الْخَبَرَ فَقَالُوا: قَدْ بَرِئَتْ ذِمَّتُكَ، اذْفَعْهَا إِلَيْنَا.
 فَقَامَ الرَّجُلُ. فَسَأَلَ النَّاسَ، فَدَلُّوهُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَتَانِي فَسَأَلَنِي، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ الْكَعْبَةَ غَنِيَّةٌ عَنْ هَذَا، انْظُرْ إِلَى مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ فَقُطِعَ بِهِ أَوْ ذَهَبَتْ نَفَقَتُهُ أَوْ ضَلَّتْ رَاِحِلَتَهُ أَوْ عَجَزَ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ فَادْفَعْهَا إِلَى هَؤُلَاءِ الَّذِينَ سَمَّيْتُ لَكَ.

بخش بیست و پنجم

چیزی که به کعبه هدیه می شود

۱ - حریز گوید: یاسین به من گفت: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
 گروهی از مصر روانه مکه شدند، مردی از آنها مرد و پیش از مرگ هزار درهم برای کعبه وصیت کرد، وقتی که وصی به مکه آمد از کلیددار کعبه پرسید.
 او را به بنی شیبه راهنمایی کردند، به نزد آنان آمد و جریان را گفت.
 گفتند: ذمه تو از آن بری شده آن را به ما بده.
 آن مرد برخاست و از مردم وظیفه خود را می پرسید، او را به نزد امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ راهنمایی کردند.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: او نزد من آمد و از من سؤال کرد، به او گفتم: کعبه از آن مال بی نیاز است، زائرانی را که از راه دور به زیارت این خانه آمده اند بررسی کن ببین چه کسی در راه مانده، یا مخارج سفرش تمام شده و یا مرکب سواری او گم شده و یا این که ناتوان شد که به سوی خانواده و وطنش بازگردد؟! آن گاه آن مال به چنین اشخاصی که برای تو نام بردم پرداز.

فَأَتَى الرَّجُلُ بَنِي شَيْبَةَ فَأَخْبَرَهُمْ بِقَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 فَقَالُوا: هَذَا ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ لَيْسَ يُؤْخَذُ عَنْهُ وَلَا عِلْمَ لَهُ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا وَ
 بِحَقِّ كَذَا وَ كَذَا لَمَّا أَبْلَغْتَهُ عَنَّا هَذَا الْكَلَامَ.
 قَالَ: فَأَتَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: لَقَيْتُ بَنِي شَيْبَةَ فَأَخْبَرْتُهُمْ فَزَعَمُوا أَنَّكَ كَذَا
 وَ كَذَا، وَأَنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ، ثُمَّ سَأَلُونِي بِالْعَظِيمِ إِلَّا بَلَّغْتِكَ مَا قَالُوا.
 قَالَ: وَ أَنَا أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلُوكَ لَمَّا أَتَيْتَهُمْ فَقُلْتُ لَهُمْ: إِنَّ مِنْ عِلْمِي أَنْ لَوْ وُلِّيتُ
 شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ لَقَطَعْتُ أَيْدِيَهُمْ، ثُمَّ عَلَّقْتُهَا فِي أَسْتَارِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ أَقَمْتُهُمْ
 عَلَى الْمِصْطَبَةِ، ثُمَّ أَمَرْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي: إِلَّا إِنَّ هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ اللَّهِ فَاعْرِفُوهُمْ.
 ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ
 عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

آن مرد به نزد بنی شیبیه آمد و فرمایش و دستور العمل امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به اطلاع آنها رسانید.
 گفتند: این شخص گمراه و بدعت گزار است و کسی نیست که بتوان از او فتوا گرفت و
 علمی ندارد (!!)) اکنون ما به حق این خانه و به حق چنین و چنان سوگند یاد می کنیم و از
 تو می خواهیم که سخن ما را به او برسانی.
 راوی گوید: خدمت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمدم و به آن حضرت عرض کردم: بنی شیبیه را
 ملاقات کردم و سخن شما را به آنها رسانیدم و آنها گمان می کنند که شما چنین و چنانید و
 دانشی ندارید، سپس به حق بزرگ از من خواستند که آن چه را که گفته اند به شما ابلاغ کنم.
 امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من نیز به حق آن چه آنها از تو درخواست کردند، درخواست می کنم
 وقتی که به نزد آنان رفتی به آنها بگویی: همانا از دانش من این است که اگر به چیزی از امر
 مسلمانها دست یابم، دستهای آنها (بنی شیبیه) را می برم و به پرده های کعبه می آویزم و
 آنان را در جایگاه اجرای حد نگاه می دارم و آن گاه به منادی فرمان می دهم تا ندا دهد که
 آنها دزدان خانه خدا هستند، آنها را بشناسید.

۲- علی بن جعفر گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدِيًّا لِلْكَعْبَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
 قَالَ: إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَاهُ رَجُلٌ قَدْ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدِيًّا لِلْكَعْبَةِ. فَقَالَ لَهُ: قَوْمِ الْجَارِيَةِ
 أَوْ بَعْهَا. ثُمَّ مَرُّ مُنَادِيًّا يَقُومُ عَلَى الْحَجْرِ فَيُنَادِي:
 أَلَا مَنْ قَصَرَتْ بِهِ نَفَقَتُهُ أَوْ قُطِعَ بِهِ طَرِيقُهُ أَوْ نَفِدَ بِهِ طَعَامُهُ فَلْيَأْتِ فُلَانٌ بِنِ فُلَانٍ وَ
 مُرَّهُ أَنْ يُعْطِيَ أَوْلاً فَأَوْلاً حَتَّى يَنْفَدَ ثَمَنُ الْجَارِيَةِ.
 ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي
 الْحُرِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنِّي أَهْدَيْتُ جَارِيَةً إِلَى الْكَعْبَةِ فَأَعْطَيْتُ بِهَا
 حَمْسَمِائَةَ دِينَارٍ فَمَا تَرَى؟
 قَالَ: بَعْهَا ثُمَّ خُذْ ثَمَنَهَا ثُمَّ قُمْ عَلَى حَائِطِ الْحَجْرِ ثُمَّ نَادِ وَأَعْطِ كُلَّ مَنْقَطَعٍ بِهِ وَ
 كُلَّ مُحْتَاجٍ مِنَ الْحَاجِّ.

از برادر امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که کنیزش را به کعبه هدیه کرده، تکلیف او چیست؟ و چه باید انجام دهد؟

فرمود: شخصی که کنیزش را هدیه کعبه کرده بود نزد پدرم عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و در این باره سؤال کرد. پدرم به او فرمود: آن کنیز را قیمت کن یا بفروش و بهایش را نگهدار، آن گاه به کسی دستور بده تا بر فراز حجر ندا در دهد: هر کس هزینه سفرش از مخارجش کم آمده است یا در راه مورد سرقت قرار گرفته شده، یا غذایش تمام شده نزد فلان فرزند فلان فرد برود. به آن منادی بگو که به ترتیب اول به اول و به حسب نوبت و به نسبت نیاز از آن وجوه به آنان بپردازد بدهد تا بهای کنیز پایان یابد.

۳- ابی حرّ گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

شخصی نزد امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و عرض کرد: من کنیزی را به کعبه هدیه کرده‌ام و پانصد دینار بابت بهای آن پرداخت نموده‌ام نظر شما چیست؟
 فرمود: آن را بفروش و بهای آن را بگیر و کنار دیوار حجر بایست، سپس ندا ده و به هر که در راه سفر مورد سرقت قرار گرفته و به هر شخص نیازمند از حاجیان از آن وجه بپرداز.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ أَخَوَيْهِ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدَ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو الْجَعْفِيِّ عَنْ
رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ قَالَ:

أَوْصَى إِلَيَّ أَخِي بِجَارِيَةٍ كَانَتْ لَهُ مُعْنِيَةً فَارَاهُ، وَجَعَلَهَا هَدِيًّا لِبَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.
فَقَدِمْتُ مَكَّةَ فَسَأَلْتُ.

فَقِيلَ: ادْفَعَهَا إِلَيَّ بَنِي شَيْبَةَ.

وَ قِيلَ لِي غَيْرُ ذَلِكَ مِنَ الْقَوْلِ. فَاخْتَلَفَ عَلَيَّ فِيهِ.

فَقَالَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ: أَلَا أُرْسِدُكَ إِلَى مَنْ يُرْسِدُكَ فِي هَذَا إِلَى
الْحَقِّ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَأَشَارَ إِلَيَّ شَيْخٌ جَالِسٍ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَسَلَّهُ.

قَالَ: فَأَتَيْتُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَسَأَلْتُهُ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ.

۴- سعید بن عمرو جعفری گوید شخصی از مردم مصر می گفت: برادرم کنیز خواننده
زبردست و نشاط آوری داشت. (و به من وصیت کرد که) آن را برای کعبه هدیه قرار داد،
به مکه آمدم و از مردم پرسیدم که چه وظیفه ای دارم؟
به من گفتند: آن را به بنی شیبه بده.

دیگری چیزی گفت، تا این که کار بر من مشکل شد. پس مردی از اهل مسجد به من
گفت: آیا تو را به کسی راهنمایی نمایم که در این مسأله تو را به حق برساند؟
گفتم: آری.

راوی گوید: او مرا به نزد بزرگ مردی که در مسجد نشسته بود، راهنمایی کرد و گفت:
این جعفر بن محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا است از او سؤال کن.

من نزد آن حضرت آمدم و از او پرسیدم و داستان را برایش باز گفتم.

فَقَالَ: إِنَّ الْكَعْبَةَ لَا تَأْكُلُ وَلَا تَشْرَبُ وَ مَا أُهْدِي لَهَا فَهَوَ لِزُورِهَا، بَعِ الْجَارِيَةَ وَ قُمْ عَلَى الْحَجْرِ فَنَادِ: هَلْ مِنْ مُنْقَطِعٍ بِهِ؟ وَ هَلْ مِنْ مُحْتَاجٍ مِنْ زُورِهَا؟ فَإِذَا أَتَوَكَ فَسَلْ عَنْهُمْ وَ أَعْطِهِمْ وَ أَقْسِمُ فِيهِمْ نَمْنَهَا.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ بَعْضَ مَنْ سَأَلْتُهُ أَمَرَنِي بِدَفْعِهَا إِلَى بَنِي شَيْبَةَ.

فَقَالَ: أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا لَوْ قَدْ قَامَ لَقَدْ أَخَذَهُمْ وَ قَطَعَ أَيْدِيَهُمْ وَ طَافَ بِهِمْ وَ قَالَ: هُوَ لَاءِ سُرَّاقِ اللَّهِ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

دَفَعْتُ إِلَيَّ امْرَأَةً غَزَلًا فَقَالَتْ: أَدْفَعُهُ بِمَكَّةَ لِيُحَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحَجَبَةِ وَ أَنَا أَعْرِفُهُمْ، فَلَمَّا صِرْتُ بِالْمَدِينَةِ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ امْرَأَةً أَعْطَتْنِي غَزَلًا وَ أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْفَعَهُ بِمَكَّةَ لِيُحَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحَجَبَةِ.

فرمود: کعبه نمی خورد، نمی آشامد و آن چه که برایش هدیه شود برای زیارت کنندگان آن است. کنیز را بفروش و کنار حجر بایست و ندا ده: آیا کسی هست که در راه مانده باشد؟ آیا از زائرین کعبه نیازمندی هست؟

چون به نزد تو آمدند از حال آنها تفحص و جست و جو کن که آیا نیازمند هستند یا نه. آن گاه به آنان بده و بهای کنیز را در میان آنان قسمت کن.

راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: عده‌ای به من گفتند که کنیز را به بنی شیبه بدهم؟ فرمود: آگاه باش! وقتی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام کند بنی شیبه را دستگیر نماید و دست‌های آنها را ببرد و در شهر بگرداند و بگوید: اینان دزدان خانه خدا هستند.

۵- راوی گوید: زنی کلایف و نخعی به من داد و گفت: این کلایف را بده تا با آن پرده کعبه دوخته شود.

من دوست نداشتم که آن را به دربانان و کلیدداران کعبه بدهم، چون آنها را می‌شناختم که مخالف دین حق و خیانت کارند. وقتی به مدینه رسیدم خدمت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شرف‌یاب شدم و به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم! زنی کلایف و نخعی به من داده و از من خواسته است آن را به مکه ببرم تا با آن پرده کعبه دوخته شود و من دوست ندارم آن را به دربانان و کلیدداران کعبه بدهم چه وظیفه‌ای دارم؟

فَقَالَ: اشْتَرِ بِهِ عَسَلًا وَ زَعْفَرَانًا وَ خُذْ طِينَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اعْجِنُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ، وَ اجْعَلْ فِيهِ شَيْئًا مِنَ الْعَسَلِ وَ الزَّعْفَرَانِ وَ فَرِّقْهُ عَلَى الشَّيْعَةِ لِيَدَاوُوا بِهِ مَرْضَاهُمْ.

(۲۶)

بَابُ فِي قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ»

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مُعَاوِيَةَ أَوَّلَ مَنْ عَلَّقَ عَلَى بَابِهِ مِصْرَاعَيْنِ بِمَكَّةَ فَمَنَعَ حَاجَّ بَيْتِ اللَّهِ مَا قَالَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ». وَ كَانَ النَّاسُ إِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ نَزَلَ الْبَادِي عَلَى الْحَاضِرِ حَتَّى يَفْضِي حَجَّهُ.

فرمود: با بهای آن عسل و زعفران بخر و مقداری از تربت امام حسین علیه السلام را تهیه کن و آن را با آب باران خمیر کن و در آن مقداری از عسل و زعفران بریز و آن را در میان شیعیان تقسیم کن تا بیماران خود را با آن مداوا کنند.

بخش بیست و ششم

گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «مقیمان در مکه و واردان

از خارج یکسانند»

۱ - حسین بن ابوعلاء گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

معاویه، نخستین کسی بود که در مکه بر درگاه خود دو لنگه در قرار داد و حاجیان را از آن چه که خداوند ﷻ فرموده است: «مقیمان و واردان یکسانند» منع نمود، در حالی که پیش از آن رسم چنان بود که هر گاه کسی به مکه می آمد میبهمان مردم می شد، و در خانه های آنها مسکن می گرفت تا آن که حج خود را به جا می آورد.

وَ كَانَ مُعَاوِيَةَ صَاحِبَ السُّلَيْبَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ كَانَ فِرْعَوْنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمْ يَكُنْ لِدُورِ مَكَّةَ أَبُوَابٍ، وَ كَانَ أَهْلُ الْبُلْدَانِ يَأْتُونَ بِقَطْرَانِهِمْ فَيَدْخُلُونَ فَيَضْرِبُونَ بِهَا، وَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ بَوَّبَهَا مُعَاوِيَةَ.

(۲۷)

بَابُ حَجِّ النَّبِيِّ ﷺ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

معاویه صاحب آن زنجیری است که خدای تعالی فرموده است: «در زنجیری که اندازه آن هفتاد ذراع است، او را درکشید»، زیرا که او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد، و معاویه فرعون این امت بود.

۲ - یحیی بن ابوالعلاء گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود که آن حضرت فرمود:

خانه‌های مکه در نداشتند، وقتی مردم شهرهای دیگر با شترهای خود می آمدند وارد خانه‌های آنان می شدند و خیمه برمی افراشتند و نخستین کسی که برای خانه‌های مکه در قرار داد، معاویه بود.

بخش بیست و هفتم

حَجِّ پیامبر ﷺ

۱ - غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَمْ يَحْجِ النَّبِيُّ ﷺ بَعْدَ قُدُومِهِ الْمَدِينَةَ إِلَّا وَاحِدَةً وَقَدْ حَجَّ بِمَكَّةَ مَعَ قَوْمِهِ حِجَّاتٍ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَيْسَى الْفَرَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ حِجَّاتٍ مُسْتَسِرًّا فِي كُلِّهَا يَمُرُّ بِالْمَأْزَمِينَ فَيَنْزِلُ وَ يَبُولُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشْرِينَ حَجَّةً.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه فقط یک بار اعمال حج را به جا آورد، ولی پیش از آن با قوم خود چند حج به جا آورده بود.

۲- عبدالله بن ابی یعفور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ ده سفر حج پنهانی انجام داد، و در هر سفر که از مأزمین^(۱) می‌گذشت، در آنجا پیاده می‌شد و ادرار می‌کرد.

۳- عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ بیست سفر حج انجام داد.

۴- معاویه بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- مأزمین نخستین محلی بوده که بت‌ها در آن عبادت می‌شدند.

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ عَشْرَ سِنِينَ لَمْ يَحُجَّ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ: ﴿وَ
 أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾.
 فَأَمَرَ الْمُؤَدِّينَ أَنْ يُؤَدُّنَا بِأَعْلَى أَصْوَاتِهِمْ بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَحُجُّ فِي عَامِهِ هَذَا.
 فَعَلِمَ بِهِ مَنْ حَضَرَ الْمَدِينَةَ وَأَهْلُ الْعَوَالِي وَالْأَعْرَابُ وَاجْتَمَعُوا لِحَجِّ رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ، وَإِنَّمَا كَانُوا تَابِعِينَ يَنْظُرُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَيَتَّبِعُونَهُ أَوْ يَصْنَعُ شَيْئًا
 فَيَصْنَعُونَهُ.

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي أَرْبَعِ بَقَعِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى ذِي الْحَلِيفَةِ
 زَالَتْ الشَّمْسُ فَاعْتَسَلَ ثُمَّ خَرَجَ حَتَّى أَتَى الْمَسْجِدَ الَّذِي عِنْدَ الشَّجَرَةِ، فَصَلَّى
 فِيهِ الظُّهْرَ وَعَزَمَ بِالْحَجِّ مُفْرِدًا، وَخَرَجَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ عِنْدَ الْمِيلِ الْأَوَّلِ.

رسول خدا ﷺ ده سال در مدینه ماند و اعمال حج را انجام نداد، آن گاه خداوند ﷻ این آیه
 را بر او نازل فرمود:

«و مردمان را به حج ندا ده تا به سوی تو پیاده و سوار بر هر شتر لاغری بیایند که از هر راه
 دوری آیند.»

پیامبر ﷺ دستور داد تا ندا کنندگان با صدای بلند ندا کنند که رسول خدا ﷺ در این سال
 عازم حج است.

مردم مدینه و روستاهای پیرامون آن و بادیه نشینان عرب همه از این ندا آگاه شدند و برای
 همراهی با رسول خدا ﷺ در مدینه گردهم آمدند، و همگی پیرو و منتظر فرمان بودند که آن چه
 آن حضرت انجام دهد آنها نیز انجام دهند.

چهار روز از ماه ذی قعدة مانده بود (یعنی روز بیست و ششم) پیامبر خدا ﷺ از مدینه
 خارج شد. وقتی به منطقه ذی الحلیفه^(۱) رسید ظهر شد، حضرتش غسل نمود و از آن منطقه
 خارج شد و حرکت کرد تا آن که به مسجد شجره رسید و نماز ظهر و عصر را به جای آورد و
 تصمیم گرفت که حج را به صورت مفرده بی آن که عمره ای داشته باشد انجام دهد.
 حضرتش حرکت کرد تا آن که به بیداء نزد میل اول رسید.

۱- مکانی است در دو فرسخی مدینه.

فَصَفَّ لَهُ سِمَاطَانِ فَلَبَّى بِالْحَجِّ مُفْرِدًا وَ سَاقَ الْهَدْيِ سِتًّا وَ سِتِّينَ أَوْ أَرْبَعًا
 وَ سِتِّينَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَكَّةَ فِي سَلْخِ أَرْبَعٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.
 فَطَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ عَادَ إِلَى
 الْحَجْرِ فَاسْتَلَمَهُ. وَ قَدْ كَانَ اسْتَلَمَهُ فِي أَوَّلِ طَوَافِهِ.
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَأَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ.
 وَ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا يَظُنُّونَ أَنَّ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ شَيْءٌ صَنَعَهُ
 الْمُشْرِكُونَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾.

همراهان آن حضرت در دو طرف راه صف کشیدند تا ببینند آن حضرت چه می‌کند.
 آن حضرت با صدای بلند تلبیه گفت، شصت و شش - یا شصت و چهار- شتر با خود
 روان ساخت تا آن که در آخرین ساعات روز چهارم ماه ذی حجه وارد شهر مکه شد.
 آن گاه هفت دور کعبه را طواف کرد، سپس در پشت مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ دو رکعت نماز
 گزارد. سپس به جانب حجرالأسود بازگشت و به آن دست کشید با آن که در آغاز طواف نیز
 به آن دست کشیده بود.
 آن گاه فرمود: همانا صفا و مروه از نشانه‌های خداست. اینک من آغاز می‌کنم به آن چه
 که خداوند به آن آغاز کرده است.
 مسلمانان گمان می‌کردند که سعی میان صفا و مروه از اختراعات مشرکان است. از این
 رو خداوند ﷻ این آیه را نازل فرمود:
 «به راستی که صفا و مروه از نشانه‌های خداست. پس کسی که حج (تمتع) خانه کعبه یا
 عمره را انجام داد، گناهی بر او نیست که به آن دو طواف کند».

ثُمَّ أَتَى الصَّفَا فَصَعِدَ عَلَيْهِ وَاسْتَقْبَلَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ دَعَا مِقْدَارَ مَا يُقْرَأُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مُتْرَسِلًا، ثُمَّ انْحَدَرَ إِلَى الْمَرْوَةِ فَوَقَفَ عَلَيْهَا كَمَا وَقَفَ عَلَى الصَّفَا ثُمَّ انْحَدَرَ وَ عَادَ إِلَى الصَّفَا فَوَقَفَ عَلَيْهَا ثُمَّ انْحَدَرَ إِلَى الْمَرْوَةِ حَتَّى فَرَغَ مِنْ سَعِيهِ.

فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ سَعِيهِ وَ هُوَ عَلَى الْمَرْوَةِ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

إِنَّ هَذَا جَبْرَيْلُ - وَ أَوْ مَا بِيَدِهِ إِلَى خَلْفِهِ - يَا مُرْنِي أَنْ أَمْرَ مَنْ لَمْ يَسُقْ هَدِيًّا أَنْ يُجَلَّ وَ لَوْ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَصَنَعْتُ مِثْلَ مَا أَمَرْتُكُمْ، وَ لَكِنِّي سَفْتُ الْهَدْيِ وَ لَا يَنْبَغِي لِسَائِقِ الْهَدْيِ أَنْ يُجَلَّ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيِ مَحَلَّهُ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: لَنُخْرِجَنَّ حُجَّاجًا وَ رُءُوسَنَا وَ شُعُورُنَا نَقْطُرُ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَا إِنَّكَ لَنْ تُؤْمِنَ بِهَذَا أَبَدًا.

آن گاه حضرتش به طرف کوه صفا آمد و بر آن بالا رفت و رکن یمانی را در پیش رو قرار داد و خدای را حمد و ثنا گفت، و به اندازه‌ای که سوره بقره را با تأنی و آهسته می‌خواند، دعا کرد. سپس به سوی مروه سرانیز شد و بر آن ایستاد همچنان که بر صفا ایستاده بود، و آن گاه به صفا بازگشت و بر آن ایستاد و پس از آن به مروه بازگشت تا آن که از سعی خود فارغ شد. هنگامی که از سعی بین صفا و مروه به پایان رسید، حضرتش بر مروه رو به مردم کرد و پس از حمد و ثنای الهی اشاره به پشت سر کرد و فرمود:

این جبرئیل است که به من فرمان می‌دهد تا هر کس که با خود قربانی شتر، گاو یا گوسفند نرانده است من دستور دهم تا تقصیر کرده و از احرام خارج شود. اگر من نیز قربانی نرانده بودم البته چنان می‌کردم که به شما فرمان می‌دهم، ولی من قربانی آورده‌ام و برای کسی که قربانی آورده است، شایسته نیست که از احرام خارج شود تا آن گاه که قربانی به جایگاه ذبح برسد.

امام علیؑ در ادامه فرمود:

یکی از آن گروه به آن حضرت گفت: ما روانه عرفات می‌شویم در حالی که آب غسل از سر و روی ما می‌ریزد؟^(۱)

رسول خدا ﷺ به او فرمود: تو هرگز به این حکم ایمان نخواهی آورد.

۱ - به اتفاق شیعه و سنی این فرد خلیفه دوم بود.

فَقَالَ لَهُ سَرَّاقَةُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُعْشَمِ الْكِنَانِيِّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَّمْنَا دِينَنَا كَأَنَّا
 خُلِقْنَا الْيَوْمَ، فَهَذَا الَّذِي أَمَرْتَنَا بِهِ لِعَامِنَا هَذَا أَمْ لِمَا يَسْتَقْبَلُ؟
 فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَلْ هُوَ لِلْأَبَدِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
 ثُمَّ شَبَّكَ أَصَابِعَهُ وَقَالَ: دَخَلَتِ الْعُمْرَةُ فِي الْحَجِّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
 قَالَ: وَ قَدِمَ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْيَمَنِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ بِمَكَّةَ فَدَخَلَ عَلَيَّ
 فَاطِمَةَ عَلَيْهَا وَ هِيَ قَدْ أَحَلَّتْ، فَوَجَدَ رِيحاً طَيِّبَةً وَ وَجَدَ عَلَيْهَا ثِيَاباً مَصْبُوغَةً فَقَالَ:
 مَا هَذَا يَا فَاطِمَةُ؟
 فَقَالَتْ: أَمَرْنَا بِهَذَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.
 فَخَرَجَ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُسْتَفْتِياً، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي رَأَيْتُ
 فَاطِمَةَ عَلَيْهَا قَدْ أَحَلَّتْ وَ عَلَيْهَا ثِيَابٌ مَصْبُوغَةٌ.
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا أَمَرْتُ النَّاسَ بِذَلِكَ، فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ! بِمَا أَهَلَّلْتَ؟

سراقه بن مالک بن جعشم کنانی به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! تو دین ما را به ما
 آموختی. گویی که ما امروز آفریده شده ایم. آیا این حکم که به ما فرمان انجام آن را دادی
 مخصوص امسال است یا در آینده نیز قابل اجرا است؟
 رسول خدا ﷺ به او فرمود: بلکه برای همیشه قابل اجرا است.
 آن گاه انگشتان مبارک خود را درهم فرو برد و فرمود: تا روز قیامت عمره در حج داخل شد.
 امام علی بن ابی طالب فرمود: در این هنگام علی بن ابی طالب از یمن وارد مکه شد و نزد فاطمه سلام الله علیها رفت،
 دید او از احرام خارج شده و بویی خوش به مشامش رسید و برتن او لباس های رنگارنگ یافت،
 فرمود: ای فاطمه! این چیست؟
 عرض کرد: رسول خدا ﷺ ما را به آن فرمان داده است.
 علی بن ابی طالب خارج شد و به سوی رسول خدا ﷺ شتافت تا در این مورد از آن حضرت بپرسد.
 عرض کرد: ای رسول خدا! من فاطمه علیها السلام را دیدم که از احرام خارج شده و لباس های رنگارنگ
 پوشیده است؟
 پیامبر خدا ﷺ فرمود: من به مردم دستور دادم که چنین نمایند، و تو ای علی! بازگو که به چه
 نیت محرم شده ای؟

قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِهْلَالًا كَاهِلَالِ النَّبِيِّ ﷺ .
 فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَرَّ عَلَى إِحْرَامِكَ مِثْلِي وَ أَنْتَ شَرِيكِي فِي هَدْيِي .
 قَالَ: وَ نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَكَّةَ بِالْبَطْحَاءِ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ وَ لَمْ يَنْزِلِ الدُّورَ، فَلَمَّا
 كَانَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يَغْتَسِلُوا وَ يَهْلُوا بِالْحَجِّ، وَ هُوَ
 قَوْلُ اللَّهِ ﷻ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ: ﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ﴾ .
 فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ وَ أَصْحَابُهُ مُهْلِينَ بِالْحَجِّ حَتَّى أَتَى مِنِّي فَصَلَّى الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ
 وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْأَخِرَةَ وَ الْفَجْرَ .
 ثُمَّ عَدَا وَ النَّاسُ مَعَهُ وَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُفِيضُ مِنَ الْمَزْدَلِفَةِ وَ هِيَ جَمْعٌ وَ يَمْنَعُونَ
 النَّاسَ أَنْ يُفِيضُوا مِنْهَا .
 فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قُرَيْشٌ تَرْجُوا أَنْ تَكُونَ إِفَاضَتُهُ مِنْ حَيْثُ كَانُوا يُفِيضُونَ .

علی علیه السلام در پاسخ عرضه داشت: به نیت احرامی همچون احرام پیامبر صلی الله علیه و آله .
 رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: همانند من احرام ببند که تو در قربانی من شریک هستی .
 امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود در مکه در وادی ابطح فرود آمد و به خانه
 خود در مکه نرفت، وقتی روزترویبه (هشتم ذی حجه) فرا رسید هنگام ظهر به مردم فرمان داد تا
 غسل کنند و برای حج محرم شوند و این فرمان همان پیروی از فرمایش خداوند صلی الله علیه و آله است که بر
 پیامبر خود صلی الله علیه و آله نازل فرموده است: «از دین پدر خود ابراهیم پیروی کنید» .
 آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب خود لبیک گویان برای انجام مراسم حج خارج شدند و به طرف
 منا حرکت کردند. حضرتش در آنجا نماز ظهر و عصر، مغرب و عشا و صبح روز بعد را خواند؛
 سپس به همراه مردم حرکت کرد.
 پیش از این قریش از مزدلفه نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه به جای می آوردند
 و باز می گشتند و به عرفات نمی رفتند و مردمان را منع می کردند که از مزدلفه باز گردند.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله از منا آمد و قریش امید داشتند که بازگشت آن حضرت از آن جایی خواهد
 بود که آنان باز می گشتند (یعنی به عرفات نخواهد رفت و از مزدلفه باز خواهد گشت).

فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ: ﴿تُمْ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ﴾ يَعْنِي
 إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ فِي إِفَاضَتِهِمْ مِنْهَا وَ مَنْ كَانَ بَعْدَهُمْ.
 فَلَمَّا رَأَتْ قُرَيْشٌ أَنَّ قُبَّةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ مَضَتْ كَأَنَّهُ دَخَلَ فِي أَنْفُسِهِمْ شَيْءٌ
 لِلَّذِي كَانُوا يَرْجُونَ مِنَ الْإِفَاضَةِ مِنْ مَكَانِهِمْ حَتَّى أَنْتَهَى إِلَى نَمْرَةَ، وَ هِيَ بَطْنُ عَرْنَةَ
 بِحِيَالِ الْأَرَاكِ، فَضَرِبَتْ قُبَّتَهُ، وَ ضَرَبَ النَّاسُ أَحْبَابَتَهُمْ عِنْدَهَا.
 فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ مَعَهُ قُرَيْشٌ وَ قَدِ اغْتَسَلَ وَ قَطَعَ
 التَّلْبِيَةَ حَتَّى وَقَفَ بِالْمَسْجِدِ، فَوَعظَ النَّاسَ وَ أَمَرَهُمْ وَ نَهَاَهُمْ ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ وَ
 الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ.
 ثُمَّ مَضَى إِلَى الْمَوْقِفِ فَوَقَفَ بِهِ فَجَعَلَ النَّاسُ يَبْتَدِرُونَ أَخْفَافَ نَاقَتِهِ يَقِفُونَ
 إِلَى جَانِبِهَا فَتَحَاها فَفَعَلُوا مِثْلَ ذَلِكَ.
 فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! لَيْسَ مَوْضِعُ أَخْفَافِ نَاقَتِي بِالْمَوْقِفِ، وَ لَكِنْ هَذَا كُؤُلهُ.
 وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ.

پس خدای تعالی این آیه را بر آن حضرت نازل فرمود که «آن گاه از آن جایی که مردم بازگشتند بازگردید و از خداوند آمرزش بطلبید». منظور از مردم (در این آیه) ابراهیم، اسماعیل و اسحاق علیهم السلام است. آنان از عرفات بازمی گشتند و هر کسی (مؤمنی) که پس از ایشان بوده است. هنگامی که قریش دیدند که خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله از مزدلفه به سمت عرفات حرکت داده شد نفاقی در دل آنها جای کرد، چرا که امید آنها محقق نشد، تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله به وادی عرنه - (در مقابل عرفات) و در برابر اراک (که نام مکانی در داخل حرم است) - رسید و خیمه آن حضرت در آنجا بر پا شد و خیمه های مردم نیز در کنار آن خیمه نصب شدند.

هنگام ظهر رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل کرد و تلبیه را ترک کرد و در مسجد ایستاد و مردم را موعظه نمود و ایشان را امر و نهی فرمود. سپس حضرتش نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه به جای آورد.

آن گاه به عرفات وارد شد و در آنجا توقف کرد. مردم برای رسیدن به کنار شتر آن حضرت از همدیگر پیشی می گرفتند و اطراف آن را گرفته بودند. آن حضرت شتر را به جای دیگری برد باز مردم چنان ازدحام کردند.

فرمود: ای مردم! فقط جای پاهای شتر من موقوف نیست (که همه این جا جمع می شوید) و با دست مبارکش به موقوف عرفات اشاره کرد و فرمود: تمام این منطقه محلّ وقوف است.

فَتَفَرَّقَ النَّاسُ وَفَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ بِالْمُزْدَلِفَةِ، فَوَقَفَ النَّاسُ حَتَّى وَقَعَ الْقُرْصُ
 قُرْصُ الشَّمْسِ، ثُمَّ أَفَاضَ وَأَمَرَ النَّاسَ بِالِدَّعَةِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْمُزْدَلِفَةِ وَهُوَ
 الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، فَصَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْأَخْرَةَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ.
 ثُمَّ أَقَامَ حَتَّى صَلَّى فِيهَا الْفَجْرَ وَعَجَّلَ ضِعْفَاءَ بَنِي هَاشِمٍ بَلِيلٍ وَأَمَرَهُمْ أَنْ لَا
 يَزُمُوا الْجَمْرَةَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.
 فَلَمَّا أَضَاءَ لَهُ النَّهَارُ أَفَاضَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَنَى فَرَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.
 وَكَانَ الْهَدْيُ الَّذِي جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةً وَسِتِّينَ أَوْ سِتَّةً وَسِتِّينَ وَجَاءَ
 عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَرْبَعَةٍ وَثَلَاثِينَ أَوْ سِتَّةً وَثَلَاثِينَ.
 فَنَحَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سِتَّةً وَسِتِّينَ وَنَحَرَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةً وَثَلَاثِينَ بَدَنَةً، وَأَمَرَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُؤْخَذَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ مِنْهَا جَذْوَةٌ مِنْ لَحْمٍ، ثُمَّ تُطْرَحَ فِي بُرْمَةٍ ثُمَّ
 تُطْبَخُ. فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَسَوَا مِنْ مَرَقِهَا وَكَمْ يُعْطِيَا الْجَزَارِينَ
 جُلُودَهَا وَلَا جِلَالَهَا وَلَا قَلَائِدَهَا، وَتَصَدَّقَ بِهِ.

در این هنگام مردم از دور حضرتش پراکنده شدند، مردم در مزدلفه نیز همین گونه رفتار
 کردند و در آنجا نیز آن حضرت به آنان امر فرمود تا پراکنده شدند.
 مردم در آن محل وقوف کردند تا آن که آفتاب غروب کرد، آن گاه حضرتش از عرفات
 بازگشت و به مردم امر فرمود که با وقار و به آرامی راه بروند تا به مزدلفه - که مشعرالحرام است -
 رسید و در آنجا نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه به جای آورد، سپس ماند تا آن که
 نماز صبح را در آنجا اقامه کرد. حضرتش ناتوانان و ضعیفان بنی هاشم را شب هنگام روانه
 ساخت و به آنان امر فرمود که رمی جمره عقبه را انجام ندهند تا آفتاب طلوع کند.
 هنگامی که آفتاب طلوع کرد، حضرتش از مزدلفه بازگشت و حرکت کرد تا به منا رسید و
 رمی جمره عقبه را انجام داد، و قربانی‌ها را که حضرتش با خود آورده بود، شصت و چهار - یا
 شصت و شش - شتر بود، علی عليه السلام نیز سی و چهار - یا سی و شش - شتر آورده بود.
 در منا رسول خدا صلى الله عليه وسلم شصت و شش شتر و علی عليه السلام سی و چهار شتر قربانی کردند، و
 رسول خدا صلى الله عليه وسلم امر فرمود تا از هر شتری قطعه‌ای برداشته و در دیگی سنگی بپزند و رسول
 خدا صلى الله عليه وسلم و علی عليه السلام از آن گوشت خوردند، جرعه‌ای از آب آن نوشیدند. از طرفی حضرتش
 دستور داد که پوست، پالان، جهاز و افسار شترها را به قصاب‌ها ندهند، بلکه آنها را صدقه بدهند.

وَ حَلَقَ وَ زَارَ الْبَيْتَ وَ رَجَعَ إِلَى مَنِيٍّ وَ أَقَامَ بِهَا حَتَّى كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.

ثُمَّ رَمَى الْجِمَارَ وَ نَفَرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْأَبْطَحِ ، فَقَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! تَرْجِعُ نِسَاؤُكَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَعًا وَ أَرْجِعُ بِحَجَّةٍ!؟

فَأَقَامَ بِالْأَبْطَحِ وَ بَعَثَ مَعَهَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي بَكْرٍ إِلَى التَّنْعِيمِ فَأَهَلَّتْ بِعُمْرَةٍ ثُمَّ جَاءَتْ وَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ صَلَّتْ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

ثُمَّ أَنْتِ النَّبِيَّةُ ﷺ فَازْتَحَلَ مِنْ يَوْمِهِ وَ لَمْ يَدْخُلِ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ لَمْ يَطُفْ بِالْبَيْتِ وَ دَخَلَ مِنْ أَعْلَى مَكَّةَ مِنْ عَقَبَةِ الْمَدْيَنِيِّينَ وَ خَرَجَ مِنْ أَسْفَلِ مَكَّةَ مِنْ ذِي طُوًى.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

آن گاه پیامبر خدا ﷺ سر خود را تراشید و خانه کعبه را زیارت کرد. سپس به منا بازگشت و آخرین روز از ایام تشریق را (که سه روز بعد از دهم ذی حجه است) در منا ماند و رمی جمره های سه گانه را انجام داد.

آن گاه از منا خارج شد و به وادی ابطح رسید. در این هنگام عایشه به آن حضرت گفت: ای رسول خدا! زنان خود را باز می گردانی در حالی که حج و عمره را انجام داده اند، ولی من در حالی باز می گردم که فقط حج انجام داده ام!؟

به همین جهت حضرتش در ابطح ماند و عایشه را با برادرش عبدالرحمان بن ابی بکر به تنعیم (یک فرسخی مکه) فرستاد تا به احرام عمره محرم شد، سپس کعبه را طواف کرد و دو رکعت نماز در کنار مقام ابراهیم ﷺ به جای آورد و سعی میان صفا و مروه نمود و به نزد پیامبر ﷺ بازگشت.

پیامبر خدا ﷺ همان روز از مکه کوچ کرد و دیگر داخل مسجد الحرام نشد و خانه کعبه را طواف نکرد، آن حضرت به هنگام ورود به مکه از بالای آن شهر از عقبه ای که راه مردم مدینه است، وارد مکه شده بود، به هنگام خروج از پایین آن شهر از مکانی به نام ذی طوی خارج شد.

۵ - اسماعیل بن همّام گوید: امام رضا ﷺ فرمود:

أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ عَدَا مِنْ مَنَى فِي طَرِيقِ ضَبٍّ وَ رَجَعَ مَا بَيْنَ الْمَازِمِينَ،
 وَ كَانَ إِذَا سَلَكَ طَرِيقاً لَمْ يَرْجِعْ فِيهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ
 ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؑ قَالَ:
 إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ خَرَجَ فِي أَرْبَعِ بَقِينٍ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ
 حَتَّى أَتَى الشَّجْرَةَ فَصَلَّى بِهَا.

ثُمَّ قَادَ رَاحِلَتَهُ حَتَّى أَتَى الْبَيْدَاءَ فَأَحْرَمَ مِنْهَا وَ أَهَلَ بِالْحَجِّ وَ سَاقَ مِائَةَ بَدَنَةٍ وَ
 أَحْرَمَ النَّاسَ كُلَّهُمْ بِالْحَجِّ لَا يُنَوُّونَ عُمْرَةَ وَ لَا يَدْرُونَ مَا الْمُتَعَةُ حَتَّى إِذَا قَدِمَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَكَّةَ طَافَ بِالْبَيْتِ، وَ طَافَ النَّاسُ مَعَهُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ الْمَقَامِ
 وَ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ.

ثُمَّ قَالَ: أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ ﷻ بِهِ.

هنگامی که رسول خدا ﷺ از منا سوی مکه رهسپار می شد از راه ضب^(۱) پشت مشعر
 روانه می شد، و از راه درّه - که میان «مازمین» مشعر و عرفه بود - به سوی منا بازمی گشت.
 آن حضرت همواره آن گاه که از راهی به سوی مقصدی می رفت از همان راه باز نمی گشت.
 ۶- حلبی گوید: امام صادق ؑ فرمود:

هنگامی که رسول خدا ﷺ خواست مراسم حجّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ^(۲) را به جای آورد،
 حضرتش چهار روز از ذی قعدة مانده بود از مدینه خارج شد و به مسجد شجره آمد. حضرتش
 در آنجا نماز گزارد، سپس مرکب خود را راند تا به بیداء آمد. از آنجا محرم شد و برای مناسک
 حجّ تلبیه گفت و صد شتر با خود روان ساخت، و مردم نیز برای انجام حجّ احرام بستند.
 تا آن موقع مردم عمره را نیت کردند و از متعه حجّ آگاه نبودند تا آن که رسول خدا ﷺ
 وارد مکه شد، آن گاه کعبه را طواف نمود و مردم نیز با آن حضرت طواف نمودند، سپس در
 نزد مقام ابراهیم ؑ دو رکعت نماز گزارد و دست بر حجر الاسود سایید و آن گاه فرمود: با
 آن چه که خداوند ﷻ آغاز کرده است، آغاز می کنم.

۱- ضب: کوهی کنار مسجد حیف است

۲- مراد از حَجَّةَ الْإِسْلَامِ حجّ پس از شوکت و عظمت اسلام و نازل شدن آیه در سوره حجّ است که در حدیث چهارم
 همین بخش بیان شد.

فَأَتَى الصَّفَا فَبَدَأَ بِهَا ثُمَّ طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سَبْعًا فَلَمَّا قَضَى طَوَافَهُ عِنْدَ الْمَرْوَةِ قَامَ خَطِيبًا فَأَمَرَهُمْ أَنْ يُحِلُّوا وَ يَجْعَلُوهَا عُمْرَةً، وَ هُوَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ ﷺ بِهِ. فَأَحَلَّ النَّاسُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ كُنْتُ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَفَعَلْتُ كَمَا أَمَرْتُكُمْ.

وَ لَمْ يَكُنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحِلَّ مِنْ أَجْلِ الْهَدْيِ الَّذِي كَانَ مَعَهُ إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: «وَ لَا تَخْلُقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ».

فَقَالَ سُرَاقَةُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُعْشَمِ الْكِنَانِيِّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَّمْنَا كَأَنَّا خُلِفْنَا الْيَوْمَ أَرَأَيْتَ هَذَا الَّذِي أَمَرْتَنَا بِهِ لِعَامِنَا هَذَا أَوْ لِكُلِّ عَامٍ؟
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا، بَلْ لِلْأَبَدِ.

وَ إِنَّ رَجُلًا قَامَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَخْرُجُ حُجَّاجًا وَ رُءُوسَنَا تَقَطَّرُ؟
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّكَ لَنْ تُؤْمِنَ بِهَذَا أَبَدًا.

آن گاه حضرتش به صفا آمد و سعی بین صفا و مروه را از آن آغاز کرد و هفت بار میان صفا و مروه را سعی نمود. هنگامی که سعی آن حضرت در کنار مروه تمام شد برخاست و خطبه خواند و به مردم امر فرمود تا از احرام خارج شوند و آن را عمره قرار دهند، چرا که آن چیزی است که خداوند ﷻ به آن فرمان داده است.

در این هنگام مردم از احرام خارج شدند رسول خدا ﷺ فرمود: اگر من قربانی نیاورده بودم البته همان گونه رفتار می کردم که به شما فرمان دادم.

ولی آن حضرت به جهت آن که قربانی با خود آورده بود نمی توانست از احرام خارج شود، زیرا خداوند ﷻ می فرماید: «و سرهای خود را نتراشید تا این که قربانی به جایگاه ذبح برسد».

در این هنگام سراقه بن مالک بن جعشم کنانی عرض کرد: ای رسول خدا! تو آن گونه دین را به ما آموخته ای که گویی ما امروز آفریده شده ایم، آیا به نظر شما این دستور که به آن فرمان دادی، مخصوص امسال است، یا هر سال می توان انجام داد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: نه، بلکه این دستور برای همیشه است.

آن گاه مرد دیگری برخاست و گفت: ای رسول خدا! ما روانه عرفات شویم و آب غسل از سر و روی ما بریزد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: تو هرگز به این حکم ایمان نخواهی آورد.

قَالَ: وَأَقْبَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْيَمَنِ حَتَّى وَافَى الْحَجَّ، فَوَجَدَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَحَلَّتْ وَ
 وَجَدَ رِيحَ الطَّيِّبِ، فَأَنْطَلَقَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُسْتَفْتِيًا.
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ! يَا عَلِيُّ! شَيْءٌ أَهَلَّتْ؟
 فَقَالَ: أَهَلَّتُ بِمَا أَهَلَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ.
 فَقَالَ: لَا تُحِلَّ أَنْتَ.
 فَأَشْرَكَهُ فِي الْهَدْيِ وَجَعَلَ لَهُ سَبْعًا وَثَلَاثِينَ وَنَحَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثًا وَ
 سِتِّينَ فَنَحَرَهَا بِيَدِهِ. ثُمَّ أَخَذَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ بَضْعَةً فَجَعَلَهَا فِي قِدْرِ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ
 فَطَبَخَ فَأَكَلَ مِنْهُ وَحَسَا مِنَ الْمَرْقِ وَقَالَ: قَدْ أَكَلْنَا مِنْهَا الْآنَ جَمِيعًا.
 وَ الْمُتَمَعَةُ خَيْرٌ مِنَ الْقَارِنِ السَّائِقِ وَ خَيْرٌ مِنَ الْحَاجِّ الْمُفْرِدِ.
 قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ أَلَيْلًا أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْ نَهَارًا؟
 فَقَالَ: نَهَارًا.

در این هنگام علی علیه السلام از یمن وارد مکه شد، و خود را به مراسم حج رساند، ناگاه دید که
 فاطمه سلام الله عليها از احرام خارج گشته است و بوی خوش به کار برده است. آن حضرت
 خدمت رسول خدا ﷺ شتافت تا در این موضوع از حضرتش بپرسد.
 رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! به چه نیت محرم شده‌ای؟
 عرض کرد: به نیت احرامی همچون احرام پیامبر ﷺ.
 فرمود: از احرام خارج نمی‌شوی.
 آن گاه پیامبر خدا ﷺ علی مرتضی علیه السلام را در هدی و قربانی با خود شریک ساخت و
 سی و هفت شتر برای وی قرار داد و شصت و سه شتر را به دست خود نحر کرد، سپس از
 هر شتر قطعه‌ای برگرفت و در دیگی بریخت و فرمان داد تا آن را پختند و از گوشت آن میل
 فرمود و جرعه‌ای از آب آن نوشید و فرمود: به راستی که اکنون از همه آنها خوردیم.
 امام علیه السلام در ادامه فرمود: حج تمتع از حج قران - که حاجی هدی و قربانی را با خود
 می‌راند - و از حج افراد، بهتر است.
 راوی گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا رسول خدا ﷺ شب هنگام محرم شد یا در روز؟
 فرمود: در روز.

قُلْتُ: أَيَّةَ سَاعَةٍ؟

قَالَ: صَلَاةَ الظُّهْرِ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَجَّ فَكَتَبَ إِلَى مَنْ بَلَغَهُ كِتَابَهُ مِمَّنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ: أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرِيدُ الْحَجَّ يُؤْذِنُهُمْ بِذَلِكَ لِيَحُجَّ مَنْ أَطَاقَ الْحَجَّ.
فَأَقْبَلَ النَّاسُ فَلَمَّا نَزَلَ الشَّجْرَةَ أَمَرَ النَّاسَ بِتَنْفِ الْإِطِطِ وَحَلْقِ الْعَانَةِ وَالْعُسْلِ وَ
التَّجْرُدِ فِي إِزَارٍ وَرِدَائٍ أَوْ إِزَارٍ وَ عِمَامَةٍ يَضَعُهَا عَلَى عَاتِقِهِ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ رِدَاءٌ وَ
ذَكَرَ أَنَّهُ حَيْثُ لَبَّيْ، قَالَ:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْتَبُ مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ.

عرض کردم: در چه ساعتی؟

فرمود: در وقت نماز ظهر.

۷- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام مراسم حج را یادآور شد، آن حضرت امر فرمود تا به تمام مسلمانان نوشتند: همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می خواهد مراسم حج را به جا آورد و به مردم اعلان می نماید که هر کس توانایی انجام حج را دارد در این مراسم شرکت کند.

مردم روی آوردند و به اتفاق حضرتش حرکت کردند. وقتی به مسجد شجره رسیدند، حضرتش به مردم دستور داد که موی بغل خود را کنده و موی پشت زهار را بتراشند، غسل کنند و با یک لنگ و ردایی، احرام ببندند و کسی که ردا ندارد لنگ بسته و عمامه ای را مانند ردا بردوش خود بیفکند، این برای کسی بود که ردایی نداشت.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آن حضرت به هنگام تلبیه چنین می فرمود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ».

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عبارت «لَبَّيْكَ ذِي الْمَعَارِجِ» را بسیار تکرار می کرد.

وَ كَانَ يُلَبِّي كُلَّمَا لَقِيَ رَاكِبًا أَوْ عَلَا كَمَةً أَوْ هَبَطَ وَادِيًا وَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ.

فَلَمَّا دَخَلَ مَكَّةَ دَخَلَ مِنْ أَعْلَاهَا مِنَ الْعَقَبَةِ، وَ خَرَجَ حِينَ خَرَجَ مِنْ ذِي طُوًى. فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ اسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ - وَ ذَكَرَ ابْنُ سِنَانٍ أَنَّهُ بَابُ بَنِي شَيْبَةَ - فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَتْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ، ثُمَّ أَتَى الْحَجَرَ فَاسْتَلَمَهُ. فَلَمَّا طَافَ بِالْبَيْتِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَخَلَ زَمْزَمَ فَشَرِبَ مِنْهَا ثُمَّ قَالَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

فَجَعَلَ يَقُولُ ذَلِكَ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةِ، ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: لِيَكُنْ آخِرُ عَهْدِكُمْ بِالْكَعْبَةِ اسْتِئْلَامَ الْحَجَرِ.

فَاسْتَلَمَهُ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّفَا ثُمَّ قَالَ: أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ. ثُمَّ صَعِدَ عَلَى الصَّفَا فَقَامَ عَلَيْهِ مِقْدَارَ مَا يَقْرَأُ الْإِنْسَانُ سُورَةَ الْبَقَرَةِ.

و هر زمان که با یک سواری ملاقات می‌کرد، یا در تپه‌ای بالا می‌رفت، یا به دره‌ای فرود می‌آمد، در پایان شب و در تعقیب نمازها لبیک می‌گفت. هنگامی که حضرتش وارد مکه شد از بالای آن از راه عقبه وارد شد، و هنگام خروج از ذی طوی - که پایین مکه است - خارج شد. وقتی حضرتش کنار در مسجد الحرام رسید رو به کعبه کرد - ابن سنان گوید: آن درب بنی شیبه بود - پس حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر پدر خود ابراهیم علیه السلام درود فرستاد، سپس به نزد حجر الاسود آمد و دست بر آن سایید و پس از آن که خانه کعبه را طواف نمود در پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز به جای آورد و وارد زمزم شد و از آن نوشید، سپس این دعا را خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ». «خدایا! من از تو علمی که نفع رساننده باشد و روزی که فراخ باشد و شفایی از هر درد و بیماری می‌خواهم».

آن حضرت در برابر کعبه همواره این دعا را مکرر می‌خواند. آن گاه به اصحاب خویش فرمود: باید آخرین دیدار شما از کعبه دست ساییدن بر حجر الاسود باشد. سپس حضرتش بر آن دست سایید، آن گاه به سوی صفا روانه شد و فرمود: با آن چه که خداوند آغاز فرموده است آغاز می‌کنم.

آن گاه بر صفا بالا رفت و به مدت زمانی که انسان سوره بقره را می‌خواند، در آنجا ایستاد.

۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:
نَحَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ ثَلَاثًا وَ سِتِّينَ، وَ نَحَرَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا غَبَرَ.
قُلْتُ: سَبْعَةٌ وَ ثَلَاثِينَ؟
قَالَ: نَعَمْ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الَّذِي كَانَ عَلَى بُدْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَاجِيَةً بِنُ جُنْدَبِ الْخُرَاعِيِّ الْأَسْلَمِيِّ، وَ
الَّذِي حَلَقَ رَأْسَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّتِهِ مَعْمَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حِرَاثَةَ بْنِ نَصْرِ بْنِ عَوْفِ
بِنِ عَوِيَجِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ كَعْبٍ.
قَالَ: وَ لَمَّا كَانَ فِي حَجَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ يَحْلِقُهُ قَالَتْ قُرَيْشٌ: أَيُّ مَعْمَرٍ!
أَذُنُ رَسُولِ اللَّهِ فِي يَدِكَ وَ فِي يَدِكَ الْمَوْسَى.

۸- حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دست مبارک خود شصت و سه شتر ذبح کرد و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آن چه را که
مانده بود، ذبح نمود.
عرض کردم: سی و هفت شتر؟
فرمود: آری.

۹- معاویه بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
کسی که ساریانی شتران قربانی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر عهده داشت، ناجیه بن جندب
خزاعی اسلمی بود و کسی که سر مبارک حضرتش را تراشید معمر بن عبدالله بن حراثه بن
نصر بن عوف بن عویج بن عدی بن کعب بود.
امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آن گاه که معمر در مراسم حجّ سر مبارک رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می تراشید،
قریش گفتند: ای معمر! اکنون گوش او (سر او) در دست تو و تیغ نیز به دست توست (بر او
مسلطی، او را بکش).

فَقَالَ مَعْمَرٌ: وَاللَّهِ! إِنِّي لَأَعُدُّهُ مِنَ اللَّهِ فَضْلاً عَظِيماً عَلَيَّ.
 قَالَ: وَكَانَ مَعْمَرٌ هُوَ الَّذِي يَزْحَلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا
 مَعْمَرُ! إِنَّ الرَّحَلَ اللَّيْلَةَ لَمْسْتَرَحَى.
 فَقَالَ مَعْمَرٌ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي! لَقَدْ شَدَدْتُهُ كَمَا كُنْتُ أَشُدُّهُ، وَ لَكِنْ بَعْضُ مَنْ
 حَسَدَنِي مَكَانِي مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرَادَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِي.
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا كُنْتُ لِأَفْعَلَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً
 عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:
 اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَ عُمَرٍ مُفْتَرَقَاتٍ: عُمْرَةٌ فِي ذِي الْقَعْدَةِ أَهْلٌ مِنْ
 عُسْفَانَ وَ هِيَ عُمْرَةُ الْحَدَيْبِيَّةِ؛ وَ عُمْرَةٌ أَهْلٌ مِنَ الْجُحْفَةِ وَ هِيَ عُمْرَةُ الْقَضَاءِ؛ وَ
 عُمْرَةٌ أَهْلٌ مِنَ الْجِعْرَانَةِ بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ عَزْوَةِ حُنَيْنٍ.

معمر گفت: به خدا سوگند! من این کار را فضیلتی بزرگ از جانب خداوند بر خویشتم
 می‌شمارم.
 امام فرمود: معمر کسی بود که به هنگام سوار شدن رسول خدا ﷺ بر مرکب، زین بر
 شتر می‌گذاشت.
 رسول خدا ﷺ فرمود: ای معمر! امشب زین شتر سست است.
 معمر عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد! من آن را محکم بسته‌ام، همچنان که پیش
 از این نیز محکم می‌بستم، ولی بعضی نسبت به مقام من در نزد شما حسد ورزیده خواسته
 است که دیگری را به جای من تعیین نماید.
 رسول خدا ﷺ فرمود: من چنین کاری را نخواهم کرد.
 ۱۰- معاویه بن عمار گوید: امام صادق ع فرمود:
 رسول خدا ﷺ سه عمره متفرق انجام داد:
 یک عمره در ماه ذی قعدة بود که آن را از سرزمین عسفان آغاز کرد که همان عمره
 حدیبیه بود.
 عمره‌ای از جحفه انجام داد که همان عمره قضا است.
 و عمره‌ای که از جعرانه اعلام کرد و در آنجا بانگ تلبیه سر داد و آن پس از بازگشت از
 طائف و در پایان جنگ حنین بود.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَوْ حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله غَيْرَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ؟
قَالَ: نَعَمْ عَشْرِينَ حَجَّةً.

۱۲ - سَهْلٌ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عِيسَى الْفَرَّاءِ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَشْرِينَ حَجَّةً مُسْتَسِرَّةً كُلُّهَا يَمُرُّ بِالْمَازَمِينِ فَيَنْزِلُ فَيَبُوءُ.
۱۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عُمْرَةَ الْحُدَيْبِيَّةِ، وَ قَضَى الْحُدَيْبِيَّةَ مِنْ قَابِلٍ، وَ مِنْ الْجِعْرَانَةِ حِينَ أَقْبَلَ مِنَ الطَّائِفِ ثَلَاثَ عُمَرٍ؛ كُلُّهُنَّ فِي ذِي الْقَعْدَةِ.

۱۱ - عمر بن یزید گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلى الله عليه وآله جز حجّة الوداع حجّی به جای آورده است؟

فرمود: آری، حضرتش بیست مرتبه حجّ انجام داد.

۱۲ - ابن ابی یعفور گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله ده سفر حجّ پنهانی انجام داد، و در هر سفر که از مازمین ^(۱) می گذشت، در آنجا پیاده می شد و ادرار می کرد.

۱۳ - ابان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله عمره حدیبه را انجام داد و در سال بعد آن را قضا کرد، و یک عمره نیز از جعرانه وقتی که از طائف می آمد، انجام داد که در مجموع سه عمره به جای آورد که همه آنها در ماه ذی قعدة بود.

۱ - مازمین نخستین محلی بوده که بتها در آن عبادت می شدند

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْتَمَرَ فِي ذِي الْقَعْدَةِ ثَلَاثَ عُمَرٍ كُلُّ ذَلِكَ يُوَافِقُ عُمَرَتَهُ ذَا الْقَعْدَةِ.

(۲۸)

بَابُ فَضْلِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَثَوَابِهِمَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ، وَتَتَسَّعَ أَرْزَاقُكُمْ، وَتُكْفَوْنَ مَثُونَاتِ عِيَالِكُمْ. وَقَالَ: الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ، وَ الْمُؤَجُّوبُ لَهُ الْجَنَّةُ، وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ، وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.

۱۴ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ماه ذی قعدة سه عمره انجام داد، در حالی که هر بار عمره آن حضرت با ماه ذی قعدة موافق می شد.

بخش بیست و هشتم

فضیلت حج و عمره و پاداش آنها

۱ - خالد قلانسی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مناسک حج و عمره را انجام دهید تا بدنهای شما سالم و تندرست بماند، روزی شما فراوان شود و نسبت به هزینه اهل و عیال خود بی نیاز شوید.

هم چنین حضرتش فرمود: شخصی که حاجی می گردد، آمرزیده می شود، بهشت بر او واجب می گردد، عمل او از سرگرفته می شود (یعنی گناهان گذشته او بخشوده شده و باید عمل خود را از سر گیرد) و خانواده و ثروت و مالش محفوظ می گردد.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا مُبْرَأً مِنَ الْكِبَرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

ثُمَّ قَرَأَ ﴿فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾
قُلْتُ: مَا الْكِبَرُ؟

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَعْظَمَ الْكِبَرِ غَمَصُ الْخَلْقِ، وَ سَفَهُ الْحَقِّ.
قُلْتُ: مَا غَمَصُ الْخَلْقِ وَ سَفَهُ الْحَقِّ؟

قَالَ: يَجْهَلُ الْحَقَّ وَ يَطْعُنُ عَلَى أَهْلِهِ، وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَازَعَ اللَّهَ رِدَاءَهُ.
۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
ضَمَانُ الْحَاجِّ وَ الْمُعْتَمِرِ عَلَى اللَّهِ إِنْ أَبْقَاهُ بَلَعَهُ أَهْلُهُ، وَ إِنْ أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.

۲ - عبدالأعلى گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پدرم همواره می فرمود: کسی که با پیراستگی از کبر و خودبینی برای انجام حج یا عمره آهنگ این خانه را کند، از گناهانش مانند روزی که از مادر متولد شده، بیرون آید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «پس کسی که در کوچ از منا در دو روز شتاب کند گناهی بر او نیست و هر کس تأخیر کند گناهی بر او نیست برای کسی که پرهیزکار باشد».

عرض کردم: حقیقت کبر چیست؟
فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بالاترین کبر، کوچک شمردن مخلوق و نادانی نسبت به حق است.

عرض کردم: کوچک شمردن مخلوق و نادانی نسبت به حق چیست؟
فرمود: حق را نشناسد و به اهل آن طعنه زند و هر که چنین کند با خدا خصومت و دشمنی کرده و ردای کبریای الهی را به جانب خود کشیده است.

۳ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
حاجی و کسی که عمره را به جا می آورد در ضمانت خداوند است. اگر خدا او را نگاه دارد به خانواده اش رساند و اگر او را بمیراند به بهشت خواهد برد.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْحَجَّةُ نَوَابِهَا الْجَنَّةُ، وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ.

۵- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو بْنِ كَلْبِيعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي قَدْ وَطَّئْتُ نَفْسِي عَلَى لُزُومِ الْحَجِّ كُلِّ عَامٍ بِنَفْسِي أَوْ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِمَالِي؟

فَقَالَ: وَ قَدْ عَزَمْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ؟

قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: إِنَّ فَعَلْتَ فَأَبْشِرْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ.

۴- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از نیاکان بزرگوارش علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر خدا ﷺ

فرمود: پاداش حج بهشت و پاداش عمره کفاره همه گناهان است.

۵- اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من تصمیم گرفته‌ام که همه

ساله برای حج برنامه‌ای داشته باشیم که یا خود آن را انجام دهم، یا مردی از خانواده خود را با سرمایه‌ام به حج بفرستم.

آن حضرت فرمود: آیا تصمیم بر این کار گرفته‌ای؟

گفتم: آری.

فرمود: اگر چنین تصمیمی داری پس مزده باد به تو فراوانی مال.

۶- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْحُجَّاجُ يَصْدُرُونَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يُعْتَقُ مِنَ النَّارِ، وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَ صِنْفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ. فَذَلِكَ أَذْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ وَ يَذْكُرُ الْحَجَّ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: هُوَ أَحَدُ الْجِهَادَيْنِ، هُوَ جِهَادُ الضُّعَفَاءِ، وَ نَحْنُ الضُّعَفَاءُ، أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْحَجِّ إِلَّا الصَّلَاةُ، وَ فِي الْحَجِّ لَهَا هُنَا صَلَاةٌ وَ لَيْسَ فِي الصَّلَاةِ قِبَلِكُمْ حَجٌّ لَا تَدْعُ الْحَجَّ وَ أَنْتَ تَقْدِرُ عَلَيْهِ.

۶- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بازگشت حاجیان از سفر حج بر سه گونه است:

عده‌ای از آتش آزاد می‌شوند.

گروهی از گناهان خود همانند روزی که از مادر متولد شده‌اند، بیرون می‌آیند.

دسته‌ای دیگر که فقط خانواده و ثروتشان محفوظ می‌ماند و آن کمترین پاداشی است

که حاجی با خود می‌آورد.

۷- عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که ضمن سخن از حج

فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: حج، یکی از دو جهاد است و آن جهاد ضعیفان است و ما (اهل

بیت) ضعیفانیم.

آگاه باشید! چیزی با فضیلت‌تر از حج نیست. مگر نماز با آن که در مراسم حج، نماز نیز

وجود دارد؛ ولی در نماز واجب، اعمال حجی نیست، تا می‌توانی حج را وامگذار.

أَمَا تَرَى أَنَّهُ يَشَعْتُ رَأْسَكَ وَ يَفْشَفُ فِيهِ جِلْدَكَ وَ يَمْتَنِعُ فِيهِ مِنَ النَّظَرِ إِلَى النِّسَاءِ، وَإِنَّا نَحْنُ لَهَا هُنَا وَ نَحْنُ قَرِيبٌ، وَ لَنَا مِيَاهُ مُتَّصِلَةٌ مَا نَبْلُغُ الْحَجَّ حَتَّى يَشُقَّ عَلَيْنَا فَكَيْفَ أَنْتُمْ فِي بُعْدِ الْبِلَادِ وَ مَا مِنْ مَلِكٍ وَ لَا سُوقَةٍ يَصِلُ إِلَى الْحَجِّ إِلَّا بِمَشَقَّةٍ فِي تَغْيِيرِ مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ شَمْسٍ لَا يَسْتَطِيعُ رَدَّهَا، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ ﷺ: ﴿وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْعِيبَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يُحَالِفُ الْفَقْرُ وَ الْحُمَى مُدْمِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةَ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

آیا نمی بینی که در این سفر، سرتو غبار آلود، و پوست بدنت چرکین می شود و خود را از نگاه به زنان باز می داری. همانا ما در اینجا و نزدیک مکه هستیم. در هر منزلی بین راه آب وجود دارد. با این صورت به حج نمی رسیم مگر با زحمت و مشقت، پس چگونه خواهد بود حال شما با توجه به مسافت دوری که بین شما و مکه وجود دارد، و هیچ پادشاه و هیچ رعیتی به حج نمی رسند مگر با تحمل مشقت و رنج سفر که خوراکش دگرگون می گردد، با کمبود آب، یا آزار باد، یا آفتاب - که توان دفع و رد آن را ندارد - رو به رو می شود و همین مضمون گفتار خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ است که می فرماید:

«و شتران بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که شما جز با مشقت و رنج به آن نمی رسیدید. به راستی که پروردگار شما رؤوف و مهربان است.»

۸- فضیل بن یسار گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: کسی که بر انجام حج و عمره مداومت نماید، فقر و بیماری و تب با او همراهی نخواهد کرد.

۹- سعد اسکاف گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

إِنَّ الْحَاجَّ إِذَا أَخَذَ فِي جَهَازِهِ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً فِي شَيْءٍ مِنْ جَهَازِهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ جَهَازِهِ مَتَى مَا فَرَغَ.

فَإِذَا اسْتَقْبَلَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ لَمْ تَضَعْ خُفًّا وَ لَمْ تَرْفَعْهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ ﷻ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى يَفْضِي نُسْكَهُ.

فَإِذَا قَضَى نُسْكَهُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ كَانَ ذَا الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ وَ صَفَرٍ وَ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ تُكْتَبُ لَهُ الْحَسَنَاتُ، وَ لَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ السَّيِّئَاتُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَ بِمُوجِبَةٍ، فَإِذَا مَضَتْ الْأَرْبَعَةُ الْأَشْهُرُ خُلِطَ بِالنَّاسِ.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ

الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: لِأَيِّ شَيْءٍ صَارَ الْحَاجُّ لَا يُكْتَبُ عَلَيْهِ الذَّنْبُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ؟

کسی که قصد سفر حج کند، هر گامی که برای تهیه و وسایل سفرش بردارد، خداوند تعالی ده حسنه برای او بنویسد، ده گناه از او محو کند و ده درجه بر مقام او بیفزاید تا این که وسایل خود را تهیه کند و آن گاه که سوار مرکبش شود، هر گامی که آن حیوان بردارد، خداوند بر هر گام آن، مانند آن چه که گفته شد برای او بنویسد تا این که مناسک حج خود را به پایان رساند.

و هر گاه مناسک خود را به پایان رساند، خداوند گناهان او را بیمارزد، و در چهار ماه ذی حجه، محرم، صفر و ربیع الاول برای او حسنات نوشته می شود و گناهی بر او نوشته نمی شود، مگر آن که گناه کبیره ای انجام دهد که مستوجب دوزخ شود، و آن گاه که این چهار ماه به پایان رسید، پرونده او همانند دیگر مردم خواهد شد.

۱۰- حسین بن خالد گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: چرا در نامه اعمال حاجی تا

چهار ماه گناهی نوشته نمی شود؟

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ أَبَاحَ الْمُشْرِكِينَ الْحَرَمَ فِي أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، إِذْ يَقُولُ: ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ ثُمَّ وَهَبَ لِمَنْ يَحُجُّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْبَيْتَ الذُّنُوبَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ.
 ۱۱ - أَحْمَدُ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

الْحَاجُّ لَا يَزَالُ عَلَيْهِ نُورُ الْحَجِّ مَا لَمْ يَلْمَ بِذَنْبٍ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَرَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يُنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ، كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ.
 ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ جَعْفَرَ بْنِ عَمْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

فرمود: همانا خداوند ﷻ چهار ماه را برای مشرکان مباح ساخته است و در ظرف این چهار ماه آنها را از تعرض مصون داشته است. آنجا که می فرماید: «مدت چهار ماه در زمین سیر کنید».

خداوند بر همین اساس برای مؤمنی که حج به جای آورد، گناهانش را تا چهار ماه بخشیده است.

۱۱ - راوی گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

شخصی که حج به جای آورده تا خود را به گناهی نیالاید، همواره نور حج در چهره او خواهد درخشید.

۱۲ - ابومحمد فراء گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: حج و عمره را از پی یکدیگر انجام دهید؛ چرا این دو عمل، فقر و ناداری و گناهان را برطرف می کنند آن سان که کوره ها زنگ زدگی آهن را می زدایند.

۱۳ - ابوبصیر گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

- الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْأَحْرَةِ اللَّازِمِ لِهَمَّا فِي ضَمَانِ اللَّهِ، إِنْ أَبْقَاهُ
أَدَّاهُ إِلَى عِيَالِهِ، وَإِنْ أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.
- ۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ زَكَرِيَّا
الْمُؤْمِنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَلَّ اللَّهُ إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ، وَإِنْ شَفَعُوا
شَفَعَهُمْ، وَإِنْ سَكَّتُوا ابْتَدَأَهُمْ، وَ يُعَوِّضُونَ بِالذَّرْهِمِ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهَمٍ.
- ۱۵ - وَعَنْهُ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
دِرْهَمٌ تُنْفِقُهُ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ تُنْفِقُهَا فِي حَقِّ.
- ۱۶ - وَعَنْهُ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي سُلَيْمَانَ الْجَصَّاصِ عَنْ عَدَّافِرٍ قَالَ:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْحَجِّ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْعِيَالُ.

حج و عمره دو بازار از بازارهای جهان آخرت هستند که ملازم و همراه آن دو، در ضمانت خداوند است. اگر خداوند حاجی را نگاه دارد به خانواده اش بازگرداند، و اگر او را بمیراند به بهشت خواهد برد.

۱۴ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حاجی و کسی که عمره را انجام می دهد، مهمان خدا هستند. اگر آنها از خدا چیزی بخواهند به آنان عطا کند، اگر او را فراخوانند آنها را اجابت کند، اگر از کسی شفاعت کنند، شفاعت آنها را می پذیرد، اگر ساکت بمانند، خداوند خود بدون درخواست به آنان عطا می نماید و در ازای یک درهم، یک میلیون درهم به آنان می دهد.

۱۵ - ابو حمزه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: یک درهم که برای مراسم حج هزینه کنی از بیست هزار درهم که در راه حقی دیگر هزینه کنی، بهتر است.

۱۶ - عذافر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: چه چیزی تو را از انجام همه ساله حج باز می دارد؟

عرض کردم: قربانت کردم! زن و فرزندان.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا مِتَّ فَمَنْ لِعِيَالِكَ؟! أَطْعِمَ عِيَالَكَ الْخَلَّ وَالزَّيْتِ وَحَجَّ بِهِمْ كُلَّ سَنَةٍ.

۱۷ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ سُلايْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ:

بَادِرُوا بِالسَّلَامِ عَلَى الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ وَمُصَافِحَتِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَالِطَهُمُ الذُّنُوبُ.

۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُونِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ فِي ضَمَانِ اللَّهِ، فَإِنْ مَاتَ مَتَوَجِّهًا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَإِنْ مَاتَ مُحْرِمًا بَعَثَهُ اللَّهُ مُلَبِّيًّا، وَإِنْ مَاتَ بِأَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَمِينِينَ، وَإِنْ مَاتَ مُنْصَرِفًا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ جَمِيعَ ذُنُوبِهِ.

فرمود: هر گاه تو بمیری چه کسی هزینه آنها را به عهده می گیرد؟! خوراک آنها را سرکه و زیتون قرار ده ^(۱) و همه ساله به همراه آنها مراسم حج را انجام ده.

۱۷ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: برای سلام بر حاجیان و عمره گزاران و مصافحه با آنان بشتابید، پیش از آن که آلوده گناه شوند.

۱۸ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: حاجی و عمره گزار در ضمانت خدا است، اگر در حالی که رو به کعبه می رود بمیرد، خداوند گناهان او را می آمرزد، اگر در حال احرام بمیرد خداوند او را در روز قیامت لَبِیکَ گویان برمی انگیزاند، اگر در یکی از دو حرم مکه و مدینه بمیرد، خداوند او را ایمن شده از عذاب برمی انگیزاند و اگر به هنگام بازگشت بمیرد، خداوند تمام گناهان او را می آمرزد.

۱ - شاید مراد جلوگیری از اسراف باشد، تا هزینه زندگی کمتر شود، و اندوخته ای برای انجام همه ساله حج گردد.

۱۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَا وَقَفَ أَحَدٌ فِي تِلْكَ الْجِبَالِ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ: فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي آخِرَتِهِمْ. وَأَمَّا الْكُفَّارُ فَيُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي دُنْيَاهُمْ.

۲۰ - وَ عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ بِمَنَى نَادَى مُنَادٍ: يَا مَنَى قَدْ جَاءَ أَهْلُكَ فَاتَّبِعِي فِي فِجَاجِكَ وَ انْتَرِعِي فِي مَتَابِكِ.

وَ مُنَادٍ يُنَادِي: لَوْ تَذَرُونَ بِمَنَى حَلَلْتُمْ لَا يُقَتِّمُ بِالْحَلْفِ بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ.

۲۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ».

قَالَ: حُجُّوا إِلَى اللَّهِ ﷻ.

۱۹ - ابن فضال گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر که در کوه های (مزدلفه، عرفات و منا) وقوف کند، دعایش مستجاب شود که دعای مؤمنان در جهان آخرت و دعای کفار در دنیا مستجاب خواهد شد.

۲۰ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که مردم وارد سرزمین منا شوند، منادی ندا کند: ای منا! اینک اهل تو آمدند، راه خود را وسعت ده و حوض خود را پر کن.

منادی دیگری ندا می کند: اگر می دانستید که به درگاه چه کسی فرود آمده اید، یقین می کردید که علاوه بر جبران هزینه، آمرزیده شده اید.

۲۱ - ابو جارود گوید: امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه که می فرماید: «پس به سوی خدا بگریزید به راستی که من از سوی او برای شما بیم دهنده ای آشکارم».

فرمود: به سوی خداوند ﷻ حج و آهنگ کنید.

۲۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ بِمِنَى نَادَى مُنَادٍ: لَوْ تَعَلَّمُونَ بِنَاءَ مَنْ حَلَلْتُمْ لِأَيَقَاتِكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ.

۲۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ خَالِهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَعِيدِ السَّمَّانِ قَالَ: كُنْتُ أَحْجُ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَلَمَّا كَانَ فِي سَنَةٍ شَدِيدَةً أَصَابَ النَّاسَ فِيهَا جَهْدٌ. فَقَالَ لِي أَصْحَابِي: لَوْ نَظَرْتَ إِلَى مَا تُرِيدُ أَنْ تَحُجَّ الْعَامَ بِهِ فَتَصَدَّقْتَ بِهِ كَمَا أَفْضَلَ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُمْ: وَ تَرَوْنَ ذَلِكَ؟

قَالُوا: نَعَمْ.

قَالَ: فَتَصَدَّقْتُ تِلْكَ السَّنَةَ بِمَا أُرِيدُ أَنْ أَحُجَّ بِهِ، وَ أَقَمْتُ.

۲۲ - معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که مردم در سرزمین منا فرود آیند، منادی ندا می‌کند: اگر می‌دانستید به درگاه چه کسی آمده‌اید، یقین می‌کردید که علاوه بر جبران هزینه، آمرزیده شده‌اید.

۲۳ - سعید سمّان گوید: من هر سال توفیق شرکت در مراسم حج را داشتم. سالی (به سبب گرانی و قحطی) بر مردم سخت گذشت. دوستانم به من گفتند: اگر آن وجهی را که با آن به حج می‌رفتی، صدقه بدهی بهتر است.

گفتم: شما نیز این کار را بهتر می‌دانید؟

گفتند: آری.

سعید گوید: من آن سال هزینه سفر حج را صدقه دادم و در کوفه ماندم.

قَالَ: فَرَأَيْتُ رُؤْيَا لَيْلَةَ عَرَفَةَ وَ قُلْتُ: وَ اللّٰهِ، لَا أَعُودُ وَ لَا أَدْعُ الْحَجَّ.
 قَالَ: فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلِ حَجَّجْتُ، فَلَمَّا أَتَيْتُ مِنِّي رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عِنْدَهُ
 النَّاسُ مُجْتَمِعُونَ فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ قِصَّتِي وَ
 قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْحَجُّ أَوْ الصَّدَقَةُ؟
 فَقَالَ: مَا أَحْسَنَ الصَّدَقَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.
 قَالَ: قُلْتُ: أَجَلٌ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟
 قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ مِنْ أَنْ يَحُجَّ وَ يَتَصَدَّقَ.
 قَالَ: قُلْتُ: مَا يَبْلُغُ مَالُهُ ذَلِكَ وَ لَا يَتَّسِعُ.
 قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ فِي شَيْءٍ مِنْ سَبَبِ الْحَجِّ أَنْفَقَ خَمْسَةَ وَ
 تَصَدَّقَ بِخَمْسَةِ أَوْ قَصَرَ فِي شَيْءٍ مِنْ نَفَقَتِهِ فِي الْحَجِّ فَيَجْعَلُ مَا يَحْبِسُ فِي
 الصَّدَقَةِ، فَإِنَّ لَهُ فِي ذَلِكَ أَجْرًا.

شب عرفه خوابی دیدم که با خود گفتم: به خدا سوگند! دیگر این کار را نمی‌کنم و از مراسم حج باز نخواهم ماند.

می‌گوید: سال جدید فرا رسید، برای انجام حج به مکه رفتم، وقتی به منا آمدم، امام صادق علیه السلام را دیدم که مردم گرداگرد وجود حضرتش حلقه زده بودند. به خدمت آن حضرت شرف یاب شدم و جریان خود را برایش بازگو کردم و عرض داشتم: کدام بهتر است: حج یا صدقه؟ آن حضرت سه مرتبه فرمود: صدقه، چقدر نیکوست؟! عرض کردم: آری، ولی کدام بهتر است؟

فرمود: چه مانعی دارد که کسی از شما هم در مراسم حج شرکت کند و هم صدقه بدهد؟! عرض کردم: دارایی او به این اندازه نیست و گنجایش چنین کاری را ندارد.

فرمود: به جای آن که در هزینه مراسم حج ده درهم مصرف نماید، پنج درهم هزینه کند و پنج درهم دیگر را صدقه بدهد، یا در برخی از هزینه‌های حج - که ضروری نیستند - کمتر مصرف کند و دیگر پس انداز خود را صدقه بدهد، زیرا این کار دارای پاداشی برای اوست.

قَالَ: قُلْتُ: هَذَا لَوْ فَعَلْنَاهُ اسْتِقَامَ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: وَ أَنَى لَهُ مِثْلُ الْحَجِّ - فَقَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - إِنَّ الْعَبْدَ لَيُخْرَجُ مِنْ بَيْتِهِ فَيُعْطِي قِسْمًا حَتَّى إِذَا أَتَى الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ عَدَلَ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَيَأْتِيهِ مَلَكٌ فَيَقُومُ عَنْ يَسَارِهِ فَإِذَا أَنْصَرَفَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى كَتِفَيْهِ فَيَقُولُ: يَا هَذَا! أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ لَكَ وَ أَمَّا مَا يَسْتَقْبَلُ فَجَدِّ.

۲۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ

الْثَّمَالِيِّ قَالَ:

قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: تَرَكْتَ الْجِهَادَ وَ خُشُونَتَهُ وَ لَزِمْتَ الْحَجَّ وَ

لِينَهُ؟

قَالَ: وَ كَانَ مُتَكِنًا فَجَلَسَ وَ قَالَ: وَ يَحْكُ! أَمَا بَلَعَكَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ إِنَّهُ لَمَّا وَقَفَ بِعَرَفَةَ وَ هَمَّتِ الشَّمْسُ أَنْ تَغِيبَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا بِلَالُ! قُلْ لِلنَّاسِ: فَلْيُنْصِتُوا.

سعید گوید: عرض کردم: اگر این کار را انجام دهیم که هم در مراسم حج شرکت کنیم و

هم صدقه بدهیم درست می شود

حضرتش سه مرتبه فرمود: و کجاست برای او پاداشی همانند حج؟ به راستی آن گاه که بنده ای برای انجام حج از خانه خود خارج می شود، بهره هایی از پاداش به او داده می شود. تا هنگامی که وارد مسجد الحرام شود و طواف واجب را انجام دهد و آن گاه در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز گزارد، فرشته ای نزد او می آید و در جانب چپ او می ایستد، وقتی نماز را به پایان رساند دست خود را بر شانه او می زند و می گوید: فلانی! خداوند گناهان گذشته تو را آمرزید، نسبت به آینده خود سعی و تلاش بکن.

۲۴ - ابو حمزه ثمالی گوید: مردی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد: جهاد و خشونت و

درستی آن را رها کرده و ملازم و همراه حج و نرمی آن شده ای؟!

راوی گوید: آن حضرت تکیه کرده بود، پس نشست و رو به او کرد فرمود: از تو در شکستم! آیا سخن رسول خدا صلى الله عليه وآله در حجّة الوداع به تو نرسیده است که آن بزرگوار در صحرای عرفه نزدیک غروب آفتاب ایستاد و فرمود: ای بلال! به مردم بگو تا ساکت شوند!

فَلَمَّا نَصَّتُوا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَعَفَّرَ لِمُحْسِنِكُمْ وَشَفَّعَ مُحْسِنِكُمْ فِي مُسِيئِكُمْ، فَأَفِيضُوا مَغْفُوراً لَكُمْ. قَالَ: وَزَادَ غَيْرُ الثَّمَالِيِّ أَنَّهُ قَالَ: إِلَّا أَهْلَ التَّبِعَاتِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ. فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةٌ جَمَعَ لَمْ يَزَلْ يُنَاجِي رَبَّهُ وَ يَسْأَلُهُ لِأَهْلِ التَّبِعَاتِ، فَلَمَّا وَقَفَ بِجَمْعٍ قَالَ لِبِلَالٍ: قُلْ لِلنَّاسِ فَلْيَنْصِتُوا.

فَلَمَّا نَصَّتُوا قَالَ: إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَعَفَّرَ لِمُحْسِنِكُمْ وَشَفَّعَ مُحْسِنِكُمْ فِي مُسِيئِكُمْ، فَأَفِيضُوا مَغْفُوراً لَكُمْ، وَ ضَمِنَ لِأَهْلِ التَّبِعَاتِ مِنْ عِنْدِهِ الرِّضَا.

۲۵- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

هنگامی که مردم ساکت شدند حضرتش فرمود: همانا پروردگارتان در این روز برای شما انعام کرد؛ نیکوکارهایتان را بخشید و شفاعت نیکوکاران را در مورد بدکاران پذیرفت. شما در حالی از عرفه بازمی گردید که بخشیده شده‌اید.

راوی گوید: راوی دیگری غیر از ثمالی این روایت نقل کرده و افزوده که حضرتش فرمود: مگر کسی که بر عهده او حق الناس باشد، چرا که خداوند عادل است و حق ضعیف و ناتوان را از قوی و نیرومند می‌ستاند.

حضرتش به هنگام شب در مزدلفه پیوسته با پروردگار خویش مناجات می‌کرد و برای کسانی که بر عهده آنان حق الناس بود درخواست بخشش می‌نمود.

حضرتش هنگامی که در مزدلفه وقوف کرد به بلال فرمود: به مردم بگو تا ساکت شوند، وقتی مردم ساکت شدند فرمود: همانا پروردگارتان در این روز به شما فضیلت و برتری داد، نیکوکاران شما را بخشید و شفاعت نیکوکاران را درباره بدکارانتان پذیرفت. پس در حالی بازگردید که آمرزیده شده‌اید و نسبت به حق الناس، رضایت صاحبان حق را از نزد خود ضمانت فرمود.

۲۵ - معاویة بن عمّار گوید:

لَمَّا أَفَاضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَلَقَّاهُ أَعْرَابِيٌّ بِالْأَبْطَحِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي
خَرَجْتُ أُرِيدُ الْحَجَّ فَعَاقِبِي وَ أَنَا رَجُلٌ مَيْلٌ - يَعْنِي كَثِيرَ الْمَالِ - فَمُرْنِي أَصْنَعُ فِي
مَالِي مَا أُبْلَغُ بِهِ مَا يَبْلُغُ بِهِ الْحَاجُّ.

قَالَ: فَالْتَقَتِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَبِي قُبَيْسٍ، فَقَالَ: لَوْ أَنَّ أَبَا قُبَيْسٍ لَكَ زِنْتُهُ ذَهَبَةٌ
حَمْرَاءُ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَّغْتَ مَا بَلَّغَ الْحَاجُّ.

۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
يَقُولُ:

مَنْ دُفِنَ فِي الْحَرَمِ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ.
فَقُلْتُ لَهُ: مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَ فَاجِرِهِمْ؟
قَالَ: مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَ فَاجِرِهِمْ.

هنگامی که رسول خدا ﷺ از منا باز می‌گشت در وادی ابطح عربی بیابان نشین آن
حضرت را ملاقات نمود و عرض کرد: ای رسول خدا! من برای انجام حج از خانه خود
بیرون آمدم، ولی کسی مانع من شد. من مرد ثروتمندی هستم، به من در مورد ثروتم
دستوری دهید تا به مرتبه‌ای که حاجیان می‌رسند من نیز به آن برسم.

گوید: رسول خدا ﷺ نگاهی به کوه ابوقبیس کرد، آن گاه فرمود: اگر هم وزن این کوه،
طلای خالص داشتی و آن را در راه خدا انفاق می‌کردی به پاداش حاجیان نمی‌رسیدی.

۲۶ - هارون بن خارجه گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

کسی که در حرم دفن شود از هول و وحشت بزرگ روز محشر ایمن خواهد بود.
هارون گوید: به حضرتش عرض کردم: خواه از نیکان باشد و خواه از تبهکاران؟
فرمود: آری خواه از نیکان باشد و خواه از تبهکاران.

۲۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ الَّذِي لَا يُقْبَلُ مِنْهُ أَنْ يُحْفَظَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ. قَالَ: فَقُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يُحْفَظُ فِيهِمْ؟ قَالَ: لَا يَحْدُثُ فِيهِمْ إِلَّا مَا كَانَ يَحْدُثُ فِيهِمْ وَ هُوَ مُقِيمٌ مَعَهُمْ.

۲۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْحَجُّ جِهَادُ الضَّعِيفِ. ثُمَّ وَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ فِي صَدْرِ نَفْسِهِ وَ قَالَ: نَحْنُ الضُّعَفَاءُ وَ نَحْنُ الضُّعَفَاءُ.

۲۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۲۷- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

همانا کمترین چیزی که حاجی که حجّ او قبول نمی شود با خود می آورد این است که خانواده و ثروتش محفوظ می ماند.

راوی گوید: عرض کردم: به چه چیزی محفوظ می ماند؟

فرمود: بلایی برای آنان فرود نمی آید مگر به همان اندازه ای که خود او با آنان بود.

۲۸- جندب گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

حجّ جهاد، ضعیف است.

آن گاه حضرتش دست خود را بر سینه مبارکش نهاد و فرمود: ما همان ضعیفانیم، ما همان ضعیفانیم.

۲۹- ابراهیم بن میمون گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم:

إِنِّي أَحْسِبُ سَنَةً وَ شَرِيكِي سَنَةً.
 قَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْحَجِّ يَا إِبْرَاهِيمُ؟!
 قُلْتُ: لَا أَتَفَرَّغُ لِذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَتَصَدَّقُ بِخَمْسِمِائَةٍ مَكَانَ ذَلِكَ.
 قَالَ: الْحَجُّ أَفْضَلُ.
 قُلْتُ: أَلْفٍ.
 قَالَ: الْحَجُّ أَفْضَلُ.
 قُلْتُ: فَأَلْفٍ وَ خَمْسِمِائَةٍ.
 قَالَ: الْحَجُّ أَفْضَلُ.
 قُلْتُ: أَلْفَيْنِ.
 قَالَ: أَ فِي أَلْفَيْكَ طَوَافُ الْبَيْتِ؟
 قُلْتُ: لَا.
 قَالَ: أَ فِي أَلْفَيْكَ سَعْيِي بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ؟

یک سال من به حج می روم و یک سال شریکم.
 فرمود: ای ابراهیم! چه چیزی تو را از انجام حج باز می دارد؟
 عرض کردم: قربانت گردم! به خاطر شغلی که دارم موفق نمی شوم، ولی به جای آن
 پانصد درهم صدقه می دهم.
 فرمود: حج بهتر است.
 عرض کردم: هزار درهم؟
 فرمود: حج بهتر است.
 عرض کردم: هزار و پانصد درهم؟
 فرمود: حج بهتر است.
 عرض کردم: دو هزار درهم؟
 فرمود: آیا در دو هزار درهم تو طواف کعبه هست؟
 عرض کردم: نه.
 فرمود: آیا در آن، سعی میان صفا و مروه هست؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: أَفِي أَلْفَيْكَ وَتُوقِفُ بِعَرَفَةَ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: أَفِي أَلْفَيْكَ رَمِي الْجِمَارِ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: أَفِي أَلْفَيْكَ الْمَنَاسِكُ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: الْحَجُّ أَفْضَلُ.

۳۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ

سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: قَالَ لِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَيْمُونٍ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ

فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: مَا تَرَى فِي رَجُلٍ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ الْحَجُّ أَفْضَلُ أَمْ

يُغْتَبَقُ رَقَبَةً؟

عرض کردم: نه.

فرمود: آیا در آن، وقوف در عرفه هست؟

عرض کردم: نه.

فرمود: آیا در آن رمی جمره‌های سه گانه هست؟

گفتم: نه.

فرمود: آیا در دو هزار درهم تو مناسک هست؟

عرض کردم: نه.

فرمود: پس در این صورت همان حجّ بهتر است.

۳۰- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: ابراهیم بن میمون به من گفت:

من در نزد ابوحنیفه نشسته بودم که مردی آمد از وی پرسید: نظر تو درباره شخصی که

حجّة الاسلام را انجام می‌دهد چیست؟ آیا حجّ بهتر است یا آزاد کردن یک برده؟

فَقَالَ: لا، بَلْ عِتْقُ رَقَبَةٍ.
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَذَبَ وَاللَّهِ، وَ أَيْمَ لِحَجَّةٍ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ رَقَبَةٍ وَ رَقَبَةٍ وَ رَقَبَةٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا.
 ثُمَّ قَالَ: وَيَحَهُ فِي أَيِّ رَقَبَةٍ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيٍ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَ حَلْقُ الرَّأْسِ وَ رَمْيُ الْجِمَارِ؟ لَوْ كَانَ كَمَا قَالَ لَعَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ، وَ لَوْ فَعَلُوا كَانَ يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَ إِنْ أَبَوْا، فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وَضِعَ لِلْحَجِّ.
 ۳۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
 حَجَّةٌ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ سَبْعِينَ رَقَبَةً.
 فَقُلْتُ: مَا يَعْدِلُ الْحَجَّ شَيْءٌ؟

ابوحنیفه گفت: نه، بلکه آزاد کردن یک برده، بهتر است.
 امام صادق عليه السلام فرمود: به خدا سوگند! دروغ گفته و گناه کرده است، یک حج بهتر از آزاد کردن یک برده است.
 حضرتش به شمار برده‌ها افزود تا آن که به ده برده رسید، سپس فرمود: وای بر او! در کدام برده آزاد کردن طواف کعبه، سعی میان صفا و مروه، و قوف در عرفه، تراشیدن سر و رمی جمره‌های سه گانه وجود دارد؟ اگر البته آن گونه بود که ابوحنیفه گفته است؛ مردم حج را ضایع می‌کردند، و در این صورت بر امام شایسته بود که آنها را خواسته و نخواسته برای رفتن به حج وادار نماید، زیرا این خانه کعبه، برای حج بنا نهاده شده است.
 ۳۱- عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: انجام یک حج از آزاد کردن هفتاد برده بهتر است.
 عرض کردم: آیا چیزی با حج برابری نمی‌کند؟

قَالَ: مَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ، وَ لَدِرْهِمٌ وَاحِدٌ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهِمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: حَرَجْتُ عَلَى نَيْفٍ وَ سَبْعِينَ بَعِيرًا وَ بَضْعَ عَشْرَةَ دَابَّةً وَ لَقَدْ اشْتَرَيْتُ سُودًا أَكْثَرَ بِهَا الْعَدَدَ، وَ لَقَدْ آذَانِي أَكُلَ الْخَلِّ وَ الزَّيْتِ حَتَّى إِنَّ حَمِيدَةَ أَمَرْتُ بِدَجَاجَةٍ فَشَوَيْتُ فَرَجَعْتُ إِلَيَّ نَفْسِي.

۳۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يَتَصَدَّقُ بِهِ حَتَّى يَفْنَى.

۳۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

لَا، وَ رَبُّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ! لَا يُخَالِفُ مُدْمِنَ الْحَجِّ بِهَذَا الْبَيْتِ حُمَى، وَ لَا فَفَرُّ أَبَدًا.

فرمود: چیزی با آن برابری نمی‌کند. البته یک درهم که در راه حج هزینه شود از دو هزار درهم که در غیر حج و در راه خدا خرج شود، بهتر است.

آن‌گاه حضرتش فرمود: با هفتاد و اندی شتر و ده و اندی چهارپایا از مدینه برای انجام حج خارج شدم، چند غلام سیاه نیز خریدم تا بر تعداد حاجیان اضافه کنم، در این سفر به جهت خوردن سرکه و روغن زیتون ناتوان شدم تا این که حمیده (مادر امام کاظم عليه السلام) دستور داد مرغی را برای من بریان کردند. وقتی آن را خوردم حالم خوب شد و ناتوانی من برطرف گشت.

۳۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: انجام یک حج، بهتر از خانه پر از زری است که آن را صدقه دهند تا پایان پذیرد.

۳۳ - فضیل گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

نه، به صاحب این خانه سوگند! کسی که بر انجام حج و عمره مداومت کند، هرگز فقر و بیماری تب ملازم و همراه او نخواهد شد.

۳۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:
 قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام جُعِلَتْ فِدَاكَ! إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام أَنَّهُ قِيلَ لِبَعْضِهِمْ:
 إِنَّ فِي بِلَادِنَا مَوْضِعَ رِبَاطٍ يُقَالُ لَهُ: قَزْوِينَ وَ عَدُوٌّ يُقَالُ لَهُ: الدَّيْلَمُ، فَهَلْ مِنْ جِهَادٍ أَوْ
 هَلْ مِنْ رِبَاطٍ؟

فَقَالَ: عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجُّوهُ.

ثُمَّ قَالَ: فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْحَدِيثَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ
 فَحُجُّوهُ.

ثُمَّ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ: أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ يَنْتَظِرُ
 أَمْرًا، فَإِنْ أَدْرَكَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَدْرًا، وَإِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ كَانَ كَمَنْ
 كَانَ مَعَ قَائِمِنَا فِي فُسْطَاطِهِ هَكَذَا وَ هَكَذَا - وَ جَمَعَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ -
 فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: صَدَقَ هُوَ عَلَى مَا ذَكَرَ.

۳۴ - محمد بن عبدالله گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! پدرم از
 پدرانت عليهم السلام به من نقل کرد که به یکی از آن بزرگواران گفتند: در شهرهای ما سر حدی به نام
 قزوین است. در آنجا دشمنی به نام دیلم است. آیا در این زمان می توانیم با آنها جهاد کنیم،
 یا اسبی برای جهاد با آنها بفرستیم؟

فرمود: بر شما باد به آمدن کنار این خانه کعبه. پس آهنگ آن کنید.

آن گاه پدرم گفت: سؤال کننده سه مرتبه پرسش خود را تکرار کرد. حضرتش در هر
 مورد می فرمود: بر شما باد به آمدن کنار این خانه کعبه پس آهنگ آن کنید.

حضرتش در مرتبه سوم فرمود: آیا یکی از شما شیعیان راضی و خشنود نمی شود که در
 خانه خود باشد، هزینه خانواده اش را بدهد و در انتظار ظهور ما باشد؟

پس اگر ظهور را درک کرد، مانند کسی است که با رسول خدا صلى الله عليه وآله در جنگ بدر شرکت
 کرده باشد، و اگر بمیرد و ظهور را درک نکند به سان کسی است که با قائم - عجل الله تعالی
 فرجه الشریف - در خیمه او چنین و چنان باشد - و میان دو انگشت سبابة خود را جمع کرد
 (یعنی در خیمه او و در کنار آن حضرت باشد).

آن گاه امام رضا عليه السلام فرمود: پدرت راست گفته است. سخن همان گونه است که او نقل
 کرده است.

۳۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ غَالِبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْأَخْرَةِ وَالْعَامِلُ بِهِمَا فِي جَوَارِ اللَّهِ، إِنْ أَدْرَكَ
مَا يَأْمُلُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَإِنْ قَصَرَ بِهِ أَجَلُهُ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ.
۳۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ زَعْلَانَ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ الطَّيَّارِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
حِجٌّ تَتْرَى وَ عُمْرٌ تُسْعَى يَدْفَعَنَّ عَيْلَةَ الْفَقْرِ وَ مَيْتَةَ السَّوْءِ.
۳۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ
أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلَانِ: رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ رَجُلٌ مِنَ ثَقِيفٍ. فَقَالَ الثَّقِيفِيُّ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ! حَاجَتِي.
فَقَالَ: سَبَقَكَ أَحْوَكُ الْأَنْصَارِيِّ.

۳۵- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

حج و عمره دو بازار از بازارهای جهان آخرت اند و کسی که آن دو را انجام دهد، در پناه
خداوند خواهد بود. اگر به آن چه امید دارد از حج با عمره برسد، خداوند او را بیمارزد، اما
اگر اجل به او مهلت ندهد و به آن نرسد پاداش او بر عهده خداوند است.

۳۶- ابن طیار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مراسم حج‌هایی که یکی پس از دیگری و به فاصله یک سال و عمره‌هایی که به فاصله
نه روز انجام پذیرد، فقر و تنگدستی و مرگ بد را بر طرف می‌کنند.

۳۷- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مردی از انصار و مرد دیگری از ثقیف خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرف‌یاب شدند، مرد ثقیفی
عرض کرد: ای رسول خدا! حاجت مرا روا کنید.
فرمود: برادر انصاری تو زودتر آمده است.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ وَإِنِّي عَجَلَانٌ.
 وَ قَالَ الْأَنْصَارِيُّ: إِنِّي قَدْ أَذِنْتُ لَهُ، فَقَالَ: إِنَّ شِئْتَ سَأَلْتَنِي، وَإِنْ شِئْتَ نَبَأْتُكَ.
 فَقَالَ: بَبْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
 فَقَالَ: جِئْتَ تَسْأَلُنِي عَنِ الصَّلَاةِ وَ عَنِ الوُضُوءِ وَ عَنِ السُّجُودِ.
 فَقَالَ الرَّجُلُ: إِي وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ!
 فَقَالَ: أَسْبِغِ الوُضُوءَ وَ أَمْلَأْ يَدَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَ عَفِّرْ جَبِينَكَ فِي التُّرَابِ وَ صَلِّ
 صَلَاةَ مَوْدِعٍ.
 وَ قَالَ الْأَنْصَارِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! حَاجَتِي.
 فَقَالَ: إِنَّ شِئْتَ سَأَلْتَنِي، وَ إِنْ شِئْتَ نَبَأْتُكَ.
 فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَبْنِي.
 قَالَ: جِئْتَ تَسْأَلُنِي عَنِ الْحَجِّ وَ عَنِ الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ وَ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ
 وَ رَمِي الْجِمَارِ وَ حَلْقِ الرَّأْسِ وَ يَوْمِ عَرَفَةَ.
 فَقَالَ الرَّجُلُ: إِي وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ!

عرض کرد: ای رسول خدا! من در حال سفرم و شتاب دارم.
 مرد انصاری گفت: من به او اجازه دادم. فرمود: اگر بخواهی سؤال کن و اگر بخواهی من
 تو را از حاجتت آگاه سازم؟
 عرض کرد: ای رسول خدا! مرا از حاجتم آگاه سازید.
 فرمود: تو آمده‌ای تا درباره نماز، وضو و سجود از من سؤال کنی.
 عرض کرد: آری، به آن خدایی که تو را فرستاد! همین طور است.
 فرمود: وضوی خود را کامل کن، دو دست خود را از دو زانوی خود پر کن و پیشانی
 خود را بر خاک بگذار و مانند کسی که نماز آخرش باشد نماز بخوان؛ نماز و داعی که پس
 از این نماز خواهد مرد (یعنی با خشوع و خضوع انجام ده).
 مرد انصاری عرض کرد: ای رسول خدا! حاجت مرا نیز روا کنید.
 فرمود: اگر بخواهی سؤال کن و اگر بخواهی تو را از حاجتت آگاه سازم؟
 عرض کرد: ای رسول خدا! مرا از حاجتم آگاه سازید.
 فرمود: تو آمده‌ای تا درباره حج، طواف خانه کعبه، سعی میان صفا و مروه، رمی
 جمره‌های سه گانه، تراشیدن سر و روز عرفه از من سؤال کنی.
 عرض کرد: آری، به آن خدایی که تو را به حق فرستاد! چنین است.

قَالَ: لَا تَرْفَعْ نَافَتِكَ خُفًّا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ بِهِ لَكَ حَسَنَةً، وَلَا تَضَعُ خُفًّا إِلَّا حَطَّ بِهِ عَنْكَ سَيِّئَةٌ، وَ طَوَافُ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ تَنْفِئُ كَمَا وَلَدْنَاكَ أُمَّكَ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ رَمِي الْجِمَارِ ذُخْرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَلَقُ الرَّأْسِ لَكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ عَرَفَةَ يَوْمٌ يُبَاهِي اللَّهُ ﷻ بِهِ الْمَلَائِكَةَ. فَلَوْ حَضَرْتَ ذَلِكَ الْيَوْمَ بِرَمَلٍ عَالِجٍ وَ قَطْرِ السَّمَاءِ وَ أَيَّامِ الْعَالَمِ ذُنُوبًا، فَإِنَّهُ تَبَتْ ذَلِكَ الْيَوْمَ. وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ يَخْطُو إِلَيْهَا يُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ يُمْحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ، وَ يُرْفَعُ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ.

۳۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا يَقِفُ أَحَدٌ عَلَى تِلْكَ الْجِبَالِ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ. فَأَمَّا الْبَرُّ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ، وَ أَمَّا الْفَاجِرُ فَيَسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ.

فرمود: در این سفر شترسواری تو گامی بر نمی دارد مگر آن که خداوند پاداشی برای تو می‌نگارد، آن حیوان گامی بر زمین نمی‌نهد مگر آن که گناهی از تو محو می‌کند، و طواف خانه کعبه و سعی میان صفا و مروه موجب پاکی از گناهان پاک می‌گردد همانند روزی که مادرت تو را زاید و رمی جمره‌های سه گانه ذخیره روز قیامت است، و تراشیدن سر به هر مویی نوری در روز قیامت است و روز عرفه، روزی است که خداوند به آن روز با فرشتگان خود مباحثات می‌کند. اگر در آن روز، در صحرای عرفه حاضر شدی و گناهان تو به اندازه ریگ‌های انباشته، قطره‌های باران و روزهای دنیا باشد تمام گناهان تو بریده و نابود خواهند شد.

حضرتش در روایت دیگری فرمود:

به هر گامی که چهار پا به سوی کعبه برمی‌دارد، پاداشی برای او نوشته می‌شود، گناهی از او محو می‌شود، و درجه‌ای در بهشت برای او بالا می‌رود.

۳۸- حسین بن جهم گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: امام باقر عليه السلام فرمود:

هیچ کس - چه نیکوکار و چه تبهکار - بر فراز کوه‌های مزدلفه، عرفات و منا وقوف نمی‌کند، مگر آن که خداوند دعایش را اجابت می‌فرماید؛ دعای نیکوکار در امور دنیایی و جهان آخرتش مستجاب می‌شود، ولی دعای تبهکار فقط در امور دنیایش مستجاب می‌گردد.

۳۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْحَاجُّ ثَلَاثَةٌ، فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيبًا رَجُلٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ وَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَ أَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَ يَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ. وَ أَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ حَفِظَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.

۴۰- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَاجُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صِنْفٌ يُعْتَقُ مِنَ النَّارِ، وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَ صِنْفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ هُوَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ.

۴۱- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۳۹- جابر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

حاجیان بر سه گونه‌اند، حاجی پر بار کسی است که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود، خدا او را از عذاب قبر حفظ کند، پس از او کسی است که گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود، و در باقی‌مانده عمر، عمل خود را از سر می‌گیرد، و کسی که رتبه‌اش پایین‌تر از این است شخصی است که فقط خانواده و ثروتش محفوظ می‌شود و آمرزیده نمی‌شود.

۴۰- معاویه بن عمّار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

بازگشت حاجیان از سفر حج بر سه گونه است:

عده‌ای از آتش آزاد می‌شوند.

گروهی از گناهان خود همانند روزی که از مادر متولد شده‌اند، بیرون می‌آیند.

دسته‌ای دیگر که فقط خانواده و ثروتشان محفوظ می‌ماند و آن کمترین پاداشی است

که حاجی با خود می‌آورد.

۴۱- هشام بن حکم گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَا مِنْ سَفَرٍ أَبْلَغَ فِي لَحْمٍ وَ لَا دَمٍ وَ لَا جِلْدٍ وَ لَا شَعْرٍ مِنْ سَفَرِ مَكَّةَ، وَ مَا أَحَدٌ يَبْلُغُهُ حَتَّى تَنَالَهُ الْمَشَقَّةُ.

۴۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَوَاطِنَهُمْ بِمَنَى نَادَى مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تعالى: إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَرْضَى فَقَدْ رَضِيتُ.

۴۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: إِذَا أَخَذَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ بِمَنَى نَادَى مُنَادٍ: لَوْ تَعَلَّمُونَ بِنَاءَ مَنْ حَلَلْتُمْ لِأَيَّتُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ.

۴۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَفْصِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

هیچ سفری نیست که تأثیر آن در گوشت، خون، پوست و مو از سفر مکه عمیق تر و رساتر باشد، و هیچ فردی نیست که این آثار به او برسد، مگر آن که مشقت به او برسد.

۴۲ - داوود بن ابویزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن گاه که مردم در مکان‌های خود در منا استقرار یابند، منادی از جانب خداوند تعالی ندا می‌دهد: اگر منظور شما از این وقوف رضایت من از شماست به راستی که من از شما راضی شدم.

۴۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که مردم در سرزمین منا فرود آیند، منادی ندا می‌کند: اگر می‌دانستید به درگاه چه کسی آمده‌اید یقین می‌کردید که علاوه بر جبران هزینه، آمرزیده شده‌اید.

۴۴ - سعید بن یسار گوید:

عَشِيَّةً مِنَ الْعَشِيَّاتِ وَ نَحْنُ بِيَمِينِي وَ هُوَ يَحْشِينِي عَلَى الْحَجِّ وَ يُرْعِبُنِي فِيهِ يَا
سَعِيدُ! أَيُّمَا عَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ رِزْقًا مِنْ رِزْقِهِ فَأَخَذَ ذَلِكَ الرِّزْقَ فَأَنْفَقَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ
عَلَى عِيَالِهِ، ثُمَّ أَخْرَجَهُمْ قَدْ ضَحَاهُمْ بِالشَّمْسِ حَتَّى يَقْدَمَ بِهِمْ عَشِيَّةً عَرَفَةَ إِلَى
المَوْقِفِ فَيَقِيلُ، أَلَمْ تَرَفُرْجًا تَكُونُ هُنَاكَ فِيهَا خَلَلٌ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ؟
فَقُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ: يَجِيءُ بِهِمْ قَدْ ضَحَاهُمْ حَتَّى يَشَعَبَ بِهِمْ تِلْكَ الفُرْجَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ
وَ تَعَالَى: لَا شَرِيكَ لَهُ عَبْدِي رَزَقْتُهُ مِنْ رِزْقِي فَأَخَذَ ذَلِكَ الرِّزْقَ فَأَنْفَقَهُ فَضَحَى بِهِ
نَفْسَهُ وَ عِيَالَهُ.

ثُمَّ جَاءَ بِهِمْ حَتَّى شَعَبَ بِهِمْ هَذِهِ الفُرْجَةَ التِّمَاسَ مَغْفِرَتِي أَغْفِرُ لَهُ ذَنْبَهُ وَ أَكْفِيهِ
مَا أَهَمَّهُ وَ أَرْزُقُهُ.

قَالَ سَعِيدٌ: مَعَ أَشْيَاءَ قَالَهَا نَحْوًا مِنْ عَشْرَةِ.

در پایان یکی از روزهایی که در منا بودیم امام صادق علیه السلام در حالی که مرا به حج وادار
می کرد و به آن ترغیب می نمود فرمود:

ای سعید! خداوند به هر بنده ای که رزق و روزی ارزانی دارد او را به هنگام گرمی آفتاب
بیرون برد تا در پایان روز عرفه به موقف آورد و در آنجا به درگاه خداوند روی آورد، آیا در
آنجا شکاف هایی را که در آنها رخنه هایی است می بینی و کسی در آنها نیست؟

عرض کردم: آری، قربانت گردم!

فرمود: با خانواده خود که گرمی آفتاب بر آنان تابیده، می آید تا با عبادت خود آن
شکاف ها را اصلاح می کند.

در این هنگام خداوند تبارک و تعالی - که شریکی برای او نیست - می فرماید: برای بنده
خود رزق و روزی ارزانی داشتم، او آن را هزینه کرد و خود و خانواده اش را در برابر آفتاب
نگاه داشت تا آن که به واسطه آنها این شکاف ها را برای طلب آمرزش من اصلاح کرد، من
نیز گناه او را می آمرزم، کارهای مهم او را کفایت می کنم و به او روزی می دهم.

سعید گوید: حضرتش غیر از این سه مورد، موارد دیگری در حدود ده مورد بیان فرمود.

۴۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِعًا أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۴۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ مُحَرَّرٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: أَبُو الْوَرْدِ فَقَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَحِمَكَ اللَّهُ! إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَرَحْتَ بَدَنَكَ مِنَ الْمَحْمِلِ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَبَا الْوَرْدِ! إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَشْهَدَ الْمَنَافِعَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ إِنَّهُ لَا يَشْهَدُهَا أَحَدٌ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ. أَمَّا أَنْتُمْ فَتَرَجَعُونَ مَعْفُورًا لَكُمْ وَأَمَّا غَيْرُكُمْ فَيُحْفَظُونَ فِي أَهَالِيهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ.

۴۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۴۵- ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که در راه مکه بمیرد - چه هنگام رفتن و چه هنگام بازگشتن - از بزرگترین هول و ترس روز قیامت ایمن خواهد شد.

۴۶- سلمه بن محرز گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که ناگاه مردی به نام ابوالورد وارد شد و عرض کرد: خداوند به شما رحمت کند! کاش در کجاوه استراحت می کردید.

حضرتش فرمود: ای ابوالورد! من دوست دارم آن منافی را که خداوند تبارک و تعالی فرموده است که: «تا آن منافی را که برای آنهاست مشاهده کنید» ببینم، زیرا هیچ کس آنها را نمی بیند مگر آن که خداوند به او نفع رساند، ولی شما (شیعیان) در حالی بازمی گردید که آمرزیده شده اید. اما دیگران فقط خانواده ها و ثروت هایشان محفوظ می ماند (یعنی بهره آنها از حج همین است و آمرزیده نمی شوند).

۴۷- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شَأْنِهِ الْحَجَّ كُلَّ سَنَةٍ ثُمَّ تَخَلَّفَ سَنَةً فَلَمْ يَخْرُجْ قَالَتْ
الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ عَلَى الْأَرْضِ لِلَّذِينَ عَلَى الْجِبَالِ: لَقَدْ فَقدْنَا صَوْتَ فُلَانٍ.
فَيَقُولُونَ: اطلُّوهُ.

فَيَطْلُبُونَهُ فَلَا يُصِيبُونَهُ. فَيَقُولُونَ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ حَبَسَهُ دَيْنٌ فَأَدِّ عَنْهُ أَوْ مَرَضٌ
فَاشْفِهِ أَوْ فَقْرٌ فَأَغْنِهِ أَوْ حَبْسٌ فَفَرِّجْ عَنْهُ أَوْ فِعْلٌ فَأَفْعَلْ بِهِ.
وَ النَّاسُ يَدْعُونَ لِأَنفُسِهِمْ، وَ هُمْ يَدْعُونَ لِمَنْ تَخَلَّفَ.

۴۸- أَحْمَدُ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ:

يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحْجَّ! اسْتَبْشِرُوا بِالْحَاجِّ وَ صَافِحُوهُمْ وَ عَظِّمُوهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ
يَجِبُ عَلَيْكُمْ تُشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ.

هر گاه کسی همه ساله در مراسم حج شرکت کند یک سال نتواند در آن مراسم شرکت
کند فرشتگان موکل بر زمین به فرشتگانی که موکل بر کوهها هستند می گویند: ما صدای
فلانی را نمی شنویم.

می گویند: در پی او بروید! در پی او می روند، ولی او را نمی یابند، می گویند: خداوندا!
اگر او به علت بدهکاری نتوانسته در مراسم حج شرکت کند، بدهی او را ادا کن، اگر به
واسطه بیماری، است او را شفا ده، اگر به علت فقر و تنگدستی است، او را بی نیاز گردان،
اگر در زندان است او را نجات ده و اگر به خاطر شغل و کاری است برای او کار سازی کن (تا
خاطر او آسوده شود). این در حالی است که مردم برای خود دعا می کنند و فرشتگان برای
کسانی دعا می کنند که از سفر حج باز مانده اند.

۴۸- علی بن عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امام سجاد عليه السلام همواره می فرمود:

ای کسانی که در مراسم حج شرکت نکرده اید، از حاجیان با آغوش باز و چهره خندان
استقبال کنید، دستشان را بفشارید و آنان را بزرگ بشمارید، زیرا که این کار برای شما
واجب است، و شما با ایشان در اجر شریک خواهید شد.

(۲۹)

بَابُ فَرَضِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَسَائِلَ بَعْضُهَا مَعَ ابْنِ بُكَيْرٍ وَبَعْضُهَا مَعَ أَبِي الْعَبَّاسِ.

فَجَاءَ الْجَوَابُ بِإِمْلَائِهِ: سَأَلْتُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ يَعْنِي بِهِ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا، لِأَنَّهُمَا مَفْرُوضَانِ. وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾. قَالَ: يَعْنِي بِتَمَامِهِمَا آدَاءَهُمَا وَاتِّقَاءَ مَا يَنْتَقِي الْمُحْرِمُ فِيهِمَا.

بخش بیست و نهم**وجوب حج و عمره**

۱ - عمر بن اذینه گوید: نامه‌ای به خدمت امام صادق علیه السلام نوشتم و مسایلی را از حضرتش پرسیدم. برخی از آنها را به واسطه ابن بکیر و برخی دیگر را به واسطه ابوالعباس خدمت حضرتش فرستادم.

نامه‌ای که حاوی جواب آنها به املائی خود حضرت بود، به دستم رسید که حضرتش مرقوم فرموده بود: در مورد گفتار خدا پرسیده بودی که می‌فرماید: «و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند».

منظور از آن حج، و عمره است؛ زیرا که هر دو واجب شده‌اند.

هم چنین از آن حضرت در مورد گفتار خداوند ﷻ پرسیدم که می‌فرماید: «و حج و عمره را برای خداوند تمام کنید».

فرمود: منظور از تمام کردن، به جا آوردن آنها و خودداری از چیزهایی است که محرم در حج و عمره باید خود را از آنها باز دارد.

- وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿الْحَجُّ الْأَكْبَرُ﴾ مَا يَعْنِي بِالْحَجِّ الْأَكْبَرِ؟
 فَقَالَ: الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَ رَمِي الْجِمَارِ وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ
 عُثْمَانَ عَنِ الْفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ».
 قَالَ: هُمَا مَفْرُوضَانِ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً
 عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْحَجُّ عَلَى الْعَنِيِّ وَ الْفَقِيرِ؟
 فَقَالَ: الْحَجُّ عَلَى النَّاسِ جَمِيعاً كِبَارِهِمْ وَ صِغَارِهِمْ، فَمَنْ كَانَ لَهُ عُذْرٌ عُذْرَهُ
 اللَّهُ.
- ۴ - ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- و نیز از آن حضرت درباره گفتار خدای تعالی پرسیدم که می فرماید: «در روز حج بزرگتر»
 منظورش از آن چیست؟
 فرمود: حج بزرگتر، وقوف در عرفه، رمی جمره های سه گانه است و حج اصغر انجام
 عمره است.
- ۲ - فضل گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خدای متعال که می فرماید: «و حج و
 عمره را برای خداوند به پایان برسانید» فرمود:
 حج و عمره واجب هستند.
- ۳ - عبدالرحمان بن حججاج گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا انجام حج بر هر
 ثروتمند و فقیر واجب است؟
 فرمود: انجام حج بر همه مردم از بزرگ و کوچک واجب است، کسی که عذری داشته
 باشد، خداوند عذر او را می پذیرد.
- ۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ:
 ﴿وَأَتُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ وَإِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ.
 قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ﴾ أَيْ جَزَى ذَلِكَ عَنْهُ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ
 بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيِّ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 إِنَّ اللَّهَ ﷻ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ ﷻ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى
 النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَنْ لَمْ يَحِجَّ مِنَّا فَقَدْ كَفَرَ؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ مَنْ قَالَ: لَيْسَ هَذَا هَكَذَا فَقَدْ كَفَرَ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ
 مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

انجام عمره همانند حج بر همه مردم که استطاعت و توانایی دارند، واجب است، زیرا
 خدای تعالی می فرماید: «و حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید» و به راستی که حکم
 عمره در مدینه نازل شده است.
 راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: پس کسی که عمره تمتع را انجام دهد که متصل
 به حج است آیا برای او کافی است؟
 فرمود: آری.

۵ - علی بن جعفر گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

همانا خداوند ﷻ انجام اعمال حج را هر ساله بر ثروتمندان واجب فرمود و همان
 مضمون فرمایش خداوند ﷻ است که می فرماید:
 «و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن
 را دارند، پس به راستی خداوند از جهانیان بی نیاز است».

راوی گوید: عرض کردم: هر که از ما به حج نرود کافر است؟

فرمود: نه، ولی کسی که بگوید: این طور که می گویند نیست، کافر شده است.

۶ - حدیفة بن منصور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

- إِنَّ اللَّهَ ﷻ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ.
- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَجُّ فَرَضٌ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ﷻ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ.

به راستی خداوند ﷻ انجام حج را همه ساله بر ثروتمندان واجب فرموده است.

۷- فضیل بن یونس گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

انجام حج و عمره برای غلام و کنیز واجب نیست تا آن گاه که آزاد شوند.

۸- ابو جریر قمی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

انجام حج همه ساله بر ثروتمندان واجب است.

۹- حذیفه بن منصور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

به راستی خداوند ﷻ انجام حج را همه ساله بر ثروتمندان واجب فرموده است.

(۳۰)

بَابُ اسْتِطَاعَةِ الْحَجِّ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». قَالَ: مَا السَّبِيلُ؟
 قَالَ: أَنْ يَكُونَ لَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ.
 قَالَ: قُلْتُ: مَنْ عُرِضَ عَلَيْهِ مَا يَحُجُّ بِهِ فَاسْتَحْيَا مِنْ ذَلِكَ أَهْوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ إِلَيْهِ سَبِيلًا؟
 قَالَ: نَعَمْ مَا شَأْنُهُ أَنْ يَسْتَحْيَا، وَلَوْ يَحُجُّ عَلَى حِمَارٍ أَجْدَعَ أُبْتَرَ، فَإِنْ كَانَ يُطِيقُ أَنْ يَمْشِيَ بَعْضًا وَ يَرْكَبَ بَعْضًا فَلْيَحُجَّ.

بخش سیام

استطاعت و توانایی بر انجام حج

۱ - حلبی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره گفتار خداوند تَعَالَى که می فرماید «و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند» پرسیدم که آن راه چیست؟
 فرمود: چیزی (از مال، مرکب و آذوقه) را دارا باشد که بتواند به وسیله آن به حج برود.
 گوید: عرض کردم: کسی که چیزی به او داده می شود که می تواند به وسیله آن به حج برود؛ ولی از پذیرش آن شرم می کند، آیا او از کسانی است که توانایی انجام حج را یافته است؟
 فرمود: آری، برای چه شرم می کند؟ هر چند که بر پشت الاغی دماغ، گوش، لب و دم بریده سوار شود و به حج برود. پس اگر توانایی داشته باشد که بخشی از راه را پیاده و بخش دیگر را سواره باشد، باید به حج برود.

۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ قَالَ:
سَأَلَ حَفْصُ الْكُنَاسِيِّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى
النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَعْنِي بِذَلِكَ؟
قَالَ: مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ
الْحَجَّ.

أَوْ قَالَ: مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ.

فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْكُنَاسِيِّ: فَإِذَا كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَ
رَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحُجَّ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ.
قَالَ: نَعَمْ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ
عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ:
سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾.

۲ - محمد بن یحیی خثعمی گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که حفص کناسی
از آن حضرت در مورد گفتار خداوند تعالى پرسید که می‌فرماید: «و برای خدا بر مردم است که
حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند»، منظور خداوند چیست؟
فرمود: هر که سالم و تندرست باشد، راه امن باشد و دارای توشه و مرکب سواری
باشد، از کسانی است که توانایی و استطاعت برای حج را دارد.
یا این که فرمود: از کسانی است که دارای مالی می‌باشند.
حفص کناسی به آن حضرت عرض کرد: اگر سالم و تندرست باشد، راه امن باشد و
دارای توشه و مرکب سواری باشد و به حج نرود آیا او از کسانی است که استطاعت و
توانایی برای حج را دارد؟
فرمود: آری.

۳ - ابو ربیع شامی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره معنای گفتار خداوند تعالى که
می‌فرماید: «هر که توانایی رفتن به سوی آن را دارد» سؤال کردند.

فَقَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ؟

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذَا. فَقَالَ: هَلَكَ النَّاسُ إِذَا لَيْنُ كَانَ مَنْ كَانَ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ قَدَرَا مَا يَقُوتُ عِيَالَهُ وَ يَسْتَعِينِي بِهِ عَنِ النَّاسِ يُنْطَلِقُ إِلَيْهِ فَيَسْأَلُهُمْ إِيَّاهُ لَقَدْ هَلَكُوا.

فَقِيلَ لَهُ: فَمَا السَّبِيلُ؟

قَالَ: فَقَالَ: السَّعَةُ فِي الْمَالِ إِذَا كَانَ يَحُجُّ بِبَعْضٍ وَ يُبْقِي بَعْضًا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ أَلَيْسَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ فَلَمْ يَجْعَلْهَا إِلَّا عَلَى مَنْ يَمْلِكُ مِائَتِي دِرْهَمٍ؟
 ٤ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي شَيْعْتُ أَصْحَابِي إِلَى الْقَادِسِيَّةِ فَقَالُوا لِي: انْطَلِقْ مَعَنَا وَ تُقِيمُ عَلَيْكَ ثَلَاثًا فَرَجَعْتُ وَ لَيْسَ عِنْدِي نَفَقَةٌ فَيَسِّرَ اللَّهُ وَ لِحِفَّتِهِمْ.

فرمود: مردم (اهل تسنن) چه می گویند؟

راوی گوید: به آن حضرت گفتند: آنها می گویند: منظور داشتن زاد و توشه سفر و مرکب سواری است.

امام صادق علیه السلام فرمود: از امام باقر علیه السلام در این باره پرسیدند. حضرتش فرمود: اگر معنای استطاعت چنین باشد، در این صورت مردم هلاک خواهند شد، زیرا اگر کسی که توانایی تهیه توشه سفر و مرکب را داشته باشد، و این مبلغ را که به اندازه تأمین قوت عیال و بی نیازی از مردم است، در راه تهیه وسایل سفر صرف کند و به سوی حج روانه شود، و آن را از اهل و عیال خود برآید، در این صورت مردم خود را به هلاکت افکنده اند.

گفتند: پس مقصود از سبیل چیست؟

فرمود: مقصود فراخی و فراوانی مال است که شخص با صرف کردن بخشی از آن، حج را به جای آورد، و بخشی را برای قوت خانواده خود نگاه دارد، مگر نه این است که خداوند تعالی زکات را مقرر فرمود، و با وجود این آن را جز بر کسی که دوپست درهم داشته باشد، فرض نکرده است؟

٤ - ابوبکر حضرمی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من یاران و دوستان خود را در سفر حج تا قادسیه بدرقه کردم، به من گفتند: تو هم با ما بیا. ما تا سه روز در این جا منتظرت می مانیم. بازگشتم با این که هیچ هزینه ای نداشتم، خداوند گشایشی در دارایی من قرار داد، هزینه سفر رسید و به آنها ملحق شدم.

قَالَ: إِنَّهُ مَنْ كُتِبَ عَلَيْهِ فِي الْوَفْدِ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ لَا يَحُجَّ، وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا وَ مَنْ لَمْ يُكْتَبْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَحُجَّ وَإِنْ كَانَ غَنِيًّا صَحِيحًا.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْقَدَرِ. فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ أَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْإِسْتِطَاعَةَ؟ فَقَالَ: وَيْحَكَ! إِنَّمَا يَعْنِي بِالْإِسْتِطَاعَةِ الزَّادَ وَ الرَّاحِلَةَ لَيْسَ اسْتِطَاعَةَ الْبَدَنِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: أَلَيْسَ إِذَا كَانَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ؟ فَقَالَ: وَيْحَكَ لَيْسَ كَمَا تَنْظُرُ، قَدْ تَرَى الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ أَكْثَرَ مِنَ الزَّادِ وَ الرَّاحِلَةَ فَهُوَ لَا يَحُجُّ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ.

حضرتش فرمود: کسی که نام او در گروه حاجیان نوشته شده است نمی تواند به حج نرود. هر چند که فقیر باشد و کسی که نوشته نشده است نمی تواند به حج برود، هر چند که بی نیاز و تندرست باشد.

۵ - سکونی گوید: شخصی از قدری مذهبها (که منکر قدر خدا هستند) از امام صادق عليه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! مرا از گفتار خداوند تعالى آگاه سازید که می فرماید: «و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند». آیا این طور نیست که خداوند استطاعت و توانایی را برای آنان قرار داده است؟ آن حضرت فرمود: وای بر تو! منظور از استطاعت و توانایی توشه و مرکب سواری است و توانایی بدنی نیست.

آن مرد عرض کرد: مگر این گونه نیست که اگر توشه و مرکب سواری داشته باشد، پس او استطاعت برای انجام حج را دارد؟

فرمود: وای بر تو! آن گونه نیست که تو می پنداری، گاهی می بینی شخصی مال فراوانی دارد که از زاد و توشه و مرکب سواری نیز بیشتر است؛ ولی موفق به حج نمی شود تا آن که خداوند اجازه دهد او به حج برود.

(۳۱)

بَابُ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ

- ۱- أَبُو عَلِيِّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحْجْ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْجِفُ بِهِ، أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ، أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمْتِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا». فَقَالَ: ذَلِكَ الَّذِي يُسَوِّفُ نَفْسَهُ الْحَجَّ. يَعْنِي حَجَّةَ الْإِسْلَامِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ.

بخش سی و یکم**حکم کسی که با توانایی انجام حج آن را به تأخیر می اندازد**

- ۱- ذریح محاربی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بمیرد در حالی که و بی آن که مانعی - مثل احتیاجی شدید، یا مرضی طاقت فرسا و یا سلطانی باز دارنده از حج - از انجام حَجَّةِ الْإِسْلَامِ داشته باشد، و آن را انجام نداده باشد. پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.
- ۲- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالى که می فرماید: «و هر که در این دنیا کور باشد پس او در جهان آخرت کور و گمراه تر است» سؤال کردم. حضرتش فرمود: منظور کسی است که حج - یعنی حَجَّةِ الْإِسْلَامِ - را به تأخیر می اندازد تا آن که مرگ او فرا می رسد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: التَّاجِرُ يُسَوِّفُ نَفْسَهُ الْحَجَّ. قَالَ: لَيْسَ لَهُ عُذْرٌ وَإِنْ مَاتَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ الرَّجُلَ التَّاجِرَ ذَا الْمَالِ حِينَ يُسَوِّفُ الْحَجَّ كُلَّ عَامٍ وَ لَيْسَ يَشْغَلُهُ عَنْهُ إِلَّا التَّجَارَةُ أَوْ الدَّيْنُ. فَقَالَ: لَا عُذْرَ لَهُ يُسَوِّفُ الْحَجَّ إِنْ مَاتَ وَ قَدْ تَرَكَ الْحَجَّ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۳- زید شحام گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: تاجری که از ترس از دست رفتن منافع دنیوی حج واجب را به تأخیر می‌اندازد (حال او چگونه است؟) فرمود: عذر و بهانه‌ای ندارد و اگر بمیرد شریعتی از شرایع اسلام را ترک کرده است.

۴- ابو صباح کنانی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: نظر شما در مورد تاجری که دارای مال و ثروت است و هر سال حج را به تأخیر می‌اندازد و چیزی - جز تجارت یا بدهکاری - مانع از رفتن او به حج نیست، چیست؟ فرمود: برای او عذری از تأخیر حج نیست، اگر در حالی که حج را ترک کرده بمیرد به راستی که شریعتی از شرایع اسلام را ترک کرده است.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ تَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ، أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلَيَمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

۶- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ مَاتَ وَ هُوَ صَحِيحٌ مُوسِرٌ لَمْ يَحِجَّ فَهُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ تعالى: «وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى».

قَالَ: قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَعْمَى؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ تعالى أَعْمَاهُ عَنْ طَرِيقِ الْحَقِّ.

۵- ذریح محاربی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بمیرد در حالی که و بی آن که مانعی - مثل احتیاجی شدید، یا مرضی طاقت فرسا و یا سلطانی باز دارنده از حج - از انجام حجّة الاسلام داشته باشد، و آن را انجام نداده باشد، پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.

۶- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام که می فرماید:

هر که در حال تندرستی و ثروت از انجام حجّ سر باز زند و بمیرد از کسانی خواهد بود که خداوند تعالی درباره آنان فرموده است:

«و ما در روز رستاخیز او را کور محشور می نمایم».

راوی گوید: عرض کردم: سبحان الله! کور (محشور می شود!؟)

فرمود: آری، زیرا خداوند تعالی او را از پیمودن راه حقّ، کور کرده است.

(۳۲)

بَابُ مَنْ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ لَا يُرِيدُ الْعَوْدَ إِلَيْهَا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ لَا يُرِيدُ الْعَوْدَ إِلَيْهَا فَقَدْ اقْتَرَبَ أَجْلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ لَا يُرِيدُ الْعَوْدَ إِلَيْهَا فَقَدْ اقْتَرَبَ أَجْلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِوَلَدِهِ:

يَا بَنِي! انظروا بيت ربكم فلا يحلون منكم فلا تناظروا.

بخش سی و دوم**حکم کسی که از مکه بیرون می شود و اراده بازگشت به آن را ندارد**

۱- حسین احمدسی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کسی که از مکه بیرون شود و تبت بازگشت به آن را نداشته باشد، اجلس نزدیک و عذابش زودتر فرا می رسد.

۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

کسی که از مکه بیرون شود و تبت بازگشت به آن را نداشته باشد، اجلس نزدیک و عذابش زودتر فرا می رسد.

۳- حماد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به فرزندان خود می فرمود:

ای فرزندان من! خانه پروردگار خود کعبه را با دقت بنگرید و به زیارت آن بروید. پس البته آن خانه از وجود شما خالی نماند؛ زیرا شما را از نزول عذاب مهلت نخواهند داد.

(۳۳)

بَابُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي تَرْكِ الْحَجِّ خَيْرَةٌ وَأَنَّ مَنْ حُبِسَ عَنْهُ فَبِذَنْبٍ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمْرَانَ بْنِ مِيثَمٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 قَالَ لِي: مَا لَكَ لَا تَحُجُّ فِي الْعَامِ؟
 فَقُلْتُ: مُعَامَلَةٌ كَانَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمٍ وَأَشْعَالٌ وَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرَةً.
 فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، مَا فَعَلَ اللَّهُ لَكَ فِي ذَلِكَ مِنْ خَيْرَةٍ.
 ثُمَّ قَالَ: مَا حُبِسَ عَبْدٌ عَنْ هَذَا الْبَيْتِ إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا يَعْفُو أَكْثَرَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 لَيْسَ فِي تَرْكِ الْحَجِّ خَيْرَةٌ.

بخش سی و سوم**خیری در ترک حج نیست و هر کس موفق به انجام حج نشود
به خاطر گناه است**

- ۱ - سماعه گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود: چرا همه ساله به حج نمی‌روی؟
 عرض کردم: به خاطر معامله‌ای که با عده‌ای دارم و کارهایی که انجام می‌دهم که شاید
 ترک حج خیر من باشد.
 فرمود: نه، به خدا سوگند! خداوند در ترک حج برای تو خیری قرار نداده است.
 آن گاه فرمود: هیچ بنده‌ای از زیارت این خانه محروم نمی‌شود مگر به خاطر گناه، و
 کسانی را که (خداوند) مورد عفو قرار می‌دهد بیشترند.
- ۲ - سهل بن زیاد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 در ترک حج خیری نیست.

(۳۴)

بَابُ أَنَّهُ لَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ لَمَا تُوظِرُوا الْعَذَابَ.

أَوْ قَالَ: أَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّبِيَّتَ.

فَقَالَ: لَوْ عَطَّلُوهُ سَنَةً وَاحِدَةً لَمْ يُنَاطَرُوا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِوَلَدِهِ:

بخش سی و چهارم

اگر مردم حج را ترک کنند، برای آنان عذاب نازل خواهد شد

۱ - حسین احمدسی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر مردم حج را ترک کنند برای آنان از نزول عذاب مهلت داده نخواهد شد.

یا این که فرمود: برای آنان عذاب نازل خواهد شد.

۲ - سدید گوید: در حضور امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ سخن از کعبه به میان آوردم.

آن حضرت فرمود: اگر مردم یک سال آن را معطل گذارند برای آنان از نزول عذاب

مهلت داده نخواهد شد.

۳ - حمّاد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: حضرت علی صلوات الله علیه همواره به فرزندان

خود می فرمود:

يَا بَنِيَّ! انظُرُوا بَيْتَ رَبِّكُمْ فَلَا يَخْلُونَ مِنْكُمْ فَلَا تُنَاطِرُوا.
 ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ
 أُيُوبَ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ.

(۳۵)

بَابُ نَادِرٍ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا اسْتَشَارَنِي فِي الْحَجِّ وَكَانَ ضَعِيفَ الْحَالِ،
 فَأَشْرْتُ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَحُجَّ.
 فَقَالَ: مَا أَخْلَقَكَ أَنْ تَمْرَضَ سَنَةً.
 قَالَ: فَمَرَضْتُ سَنَةً.

ای فرزندان من! خانه پروردگار خود کعبه را با دقت بنگرید و به زیارت آن بروید. پس
 البته آن خانه از وجود شما خالی نماند؛ زیرا شما را از نزول عذاب مهلت نخواهند داد.
 ۴ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 تا آن گاه که کعبه پا بر جاست، دین پا بر جاست.

بخش سی و پنجم

چند حدیث نکته دار

۱ - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی درباره حج با من
 مشورت کرد و او سرمایه اندک داشت به او گفتم: تو به حج نرو.
 آن حضرت فرمود: به راستی که سزاواری که به کیفر این راهنمایت تا یک سال بیمار شوی.
 اسحاق گوید: به همین جهت من یک سال بیمار شدم.

(۳۶)

بَابُ الْإِجْبَارِ عَلَى الْحَجِّ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَهَشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَمُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَغَيْرِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ. وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ.

وَلَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ. فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ لَوَجَبَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا، فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وُضِعَ لِلْحَجِّ.

بخش سی و ششم

وآدار کردن مردم بر انجام حجّ

۱ - حفص بن بختری، هشام بن سالم، معاویة بن عمّار و راویان دیگری گویند: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر مردم حجّ را ترک کنند، والی وظیفه دارد که آنها را به انجام آن و اقامت در حرم مجبور سازد، و اگر زیارت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ترک کنند، بر والی واجب است که آنها را به این کار و اقامت در حرم آن حضرت وادار کند، در صورتی که مالی نداشته باشند، باید از بیت المال مسلمانان به آنان انفاق کند تا این کارها صورت پذیرد.

۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر مردم حجّ را تعطیل کنند بر امام واجب است که آنها را - چه بنخواهند و چه نخواهند- بر انجام حجّ وادار سازد، زیرا این خانه برای حجّ بنا نهاده شده است.

(۳۷)

بَابُ أَنَّ مَنْ لَمْ يُطِقِ الْحَجَّ بِبَدَنِهِ جَهَّزَ غَيْرَهُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام :
 أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ لِرَجُلٍ كَبِيرٍ لَمْ يَحُجَّ قَطُّ: إِنْ شِئْتَ أَنْ تُجَهَّزَ رَجُلًا ثُمَّ أْبَعْتَهُ أَنْ يَحُجَّ عَنْكَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَمَرَ شَيْخًا كَبِيرًا لَمْ يَحُجَّ قَطُّ وَ لَمْ يُطِقِ الْحَجَّ لِكِبَرِهِ أَنْ يُجَهَّزَ رَجُلًا أَنْ يَحُجَّ عَنْهُ.

بخش سی و هفتم**حکم کسی که توانایی انجام حج را ندارد و فرد دیگری را با****پرداخت هزینه روانه حج کند**

- ۱ - عبدالله بن میمون گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: حضرت علی عليه السلام به پیرمرد سالمندی که هیچ گاه حج نکرده بود، فرمود:
 اگر می‌توانی مردی را با دادن هزینه سفر به حج روانه کن تا به نیابت از تو حج انجام دهد.
- ۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
 امیرمؤمنان علی سلام الله علیه به پیر سالمندی که هیچ گاه حج نکرده و توان آن را هم نداشت امر فرمود که مردی را با پرداخت هزینه سفر به نیابت از خود رهسپار حج کند.

- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ حَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَجِّ مَرَضٌ أَوْ أَمْرٌ يَعْذِرُهُ اللَّهُ فِيهِ؟ فَقَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يُحِجَّ عَنْهُ مِنْ مَالِهِ صَرُورَةً لَا مَالَ لَهُ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ فَعَرَضَ لَهُ مَرَضٌ أَوْ خَالَطَهُ سَقَمٌ فَلَمْ يَسْتَطِعِ الْخُرُوجَ فَلْيَجْهَزْ رَجُلًا مِنْ مَالِهِ ثُمَّ لِيَبْعَثْهُ مَكَانَهُ.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ كَانَ رَجُلٌ مُوسِرٌ حَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَجِّ مَرَضٌ أَوْ أَمْرٌ يَعْذِرُهُ اللَّهُ تعالى فِيهِ، فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يُحِجَّ عَنْهُ صَرُورَةً لَا مَالَ لَهُ.

۳- علی بن ابی حمزه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: شخص مسلمانى كه به جهت بیماری یا کاری نتوانسته به سفر حج برود آیا خداوند او را در کار حج معذور می‌دارد؟ فرمود: بر عهده اوست كه فردى را كه به حج نرفته به نیابت خویش با هزینه خود به حج بفرستد.

۴- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: حضرت علی صلوات الله علیه همواره می‌فرمود: هرگاه كسى بخواهد اعمال حج را انجام دهد و به جهت بیماری یا دردی نتواند، در این سفر شركت كند، باید هزینه سفر شخصی را بپردازد و به جای خود به حج بفرستد.

۵- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر شخص ثروتمند به جهت بیماری یا کاری نتواند به حج برود، خداوند تعالى عذر او را در انجام حج می‌پذیرد، زیرا بر عهده اوست كه هزینه كسى را كه به حج نرفته بپردازد و به نیابت از خویش به حج بفرستد.

(۳۸)

بَابُ مَا يُجْزَى مِنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَ مَا لَا يُجْزَى

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُعْسِراً أَحَجَّهُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ حَجَّةٌ، فَإِنْ أُيْسِرَ بَعْدَ كَانٍ عَلَيْهِ الْحَجُّ، وَ كَذَلِكَ النَّاصِبُ إِذَا عَرَفَ فَعَلَيْهِ الْحَجُّ وَإِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ.
- ۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ فَحَجَّ بِهِ أَنْاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ أَ قَضَى حَجَّةَ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَإِذَا أُيْسِرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَحُجَّ.

بخش سی و هشتم

انجام حجی که از حجة الاسلام کفایت می کند و حجی که کفایت نمی کند

- ۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: اگر کسی که حج بر عهده دارد، فردی تنگدستی را به حج بفرستد، هرگاه پس از آن، فرد تنگدست توانگر شود، باید حج به جا آورد. هم چنین شخص ناصبی (که دشمن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است) آن گاه که ولایت را بشناسد و به آن بگردد اگر چه حج به جا آورده باشد، باید حج را انجام دهد.
- ۲ - فضل بن عبدالمملک گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: شخصی توان مالی ندارد و گروهی از دوستانش او را با خود به حج می برند، آیا حجة الاسلام را به جا آورده است؟ فرمود: آری، ولی هرگاه پس از آن، توانگر شد، بر او واجب است که حج به جا آورد.

قُلْتُ: وَ هَلْ تَكُونُ حَجَّتُهُ تِلْكَ تَامَّةً أَوْ نَاقِصَةً إِذَا لَمْ يَكُنْ حَجًّا مِنْ مَالِهِ؟
 قَالَ: نَعَمْ يُفْضَى عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ وَ تَكُونُ تَامَّةً وَ لَيْسَتْ بِنَاقِصَةٍ، وَ إِنْ أَيْسَرَ
 فَلْيُحِجَّ.

قَالَ: وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْإِبِلُ يُكْرِيهَا فَيُصِيبُ عَلَيْهَا فَيُحِجُّ وَ هُوَ كَرِيٌّ
 تُغْنِي عَنْهُ حَجَّتُهُ؟ أَوْ يَكُونُ يَحْمِلُ التَّجَارَةَ إِلَى مَكَّةَ فَيُحِجُّ فَيُصِيبُ الْمَالَ فِي
 تِجَارَتِهِ، أَوْ يَضَعُ أَتَكُونُ حَجَّتُهُ تَامَّةً أَوْ نَاقِصَةً أَوْ لَا تَكُونُ حَتَّى يَذْهَبَ بِهِ إِلَى الْحَجِّ
 وَ لَا يَنْوِي غَيْرَهُ أَوْ يَكُونُ يَنْوِيهِمَا جَمِيعاً أَوْ يُفْضَى ذَلِكَ حَجَّتُهُ؟
 قَالَ: نَعَمْ، حَجَّتُهُ تَامَّةً.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ أَيْجَزُهُ ذَلِكَ مِنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ؟
 قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: حَجَّةُ الْجَمَالِ تَامَّةً أَوْ نَاقِصَةً؟

عرض کردم: اگر هزینه سفر حجّ او از مال خودش نباشد، آیا آن حجّ کامل است یا ناقص؟
 فرمود: آن حجّی که انجام داده از انجام حجّة الاسلام کفایت می‌کند و کامل است و
 ناقص نیست، ولی اگر بعدها توانگر شود، باید حجّ به جا آورد.
 راوی گوید: هم چنین از آن حضرت سؤال کردند: مردی دارای شترانی است که آنها را
 به مسافرتین مکه کرایه می‌دهد. او در این هنگام مالی به دست می‌آورد و در حالی که
 چاروادار است، حجّ انجام می‌دهد، آیا این حجّ او را از حجّة الاسلام بی‌نیاز می‌کند؟
 یا شخصی که کالای تجارتهی به مکه می‌برد و حجّ انجام می‌دهد و در تجارت خود سود
 یا زیان می‌برد، آیا حجّ او کامل است یا ناقص؟
 یا این که کالای تجارتهی به همراه ندارد و فقط هدف او بردن مسافر برای حجّ است و جز
 آن نیستی ندارد، و یا بردن مسافر به حجّ و تجارت هر دو را با هم نیت می‌کند، آیا او با چنین
 حجّی حجّة الاسلام را ادا کرده است؟
 فرمود: آری، حجّ او کامل است.

۳ - معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که به نیابت از دیگری حجّ
 انجام می‌دهد آیا این حجّ نیابتی او را از حجّة الاسلام بی‌نیاز می‌کند؟
 فرمود: آری.

عرض کردم: آیا حجّ ساریان کامل است یا ناقص؟

قَالَ: تَامَةٌ.

قُلْتُ: حَجَّةُ الْأَجِيرِ تَامَةٌ أَمْ نَاقِصَةٌ؟

قَالَ: تَامَةٌ.

۴ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ حَجَّ وَ لَا يَدْرِي وَ لَا يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَ الدَّيْنُونَةَ بِهِ أَعَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ أَمْ قَدْ قَضَى؟
قَالَ: قَدْ قَضَى فَرِيضَةَ اللَّهِ وَ الْحَجُّ أَحَبُّ إِلَيَّ.

وَ عَنْ رَجُلٍ هُوَ فِي بَعْضِ هَذِهِ الْأَصْنَافِ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ نَاصِبٍ مُتَدَيِّنٍ ثُمَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَعَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ أَيُقْضَى عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ أَوْ عَلَيْهِ أَنْ يَحُجَّ مِنْ قَابِلٍ؟
قَالَ: الْحَجُّ أَحَبُّ إِلَيَّ.

فرمود: کامل است.

گفتم: آیا حج اجیر (کسی که خود را برای خدمت در کاروان و یا برای نیابت از حج اجاره می دهد) تمام است یا ناقص؟
فرمود: تمام است.

۴ - عمر بن اذینه گوید: توسط نامه ای از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: کسی که حج به جای آورده، ولی به این امر (مقام ولایت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) شناخت و معرفتی ندارد. پس از آن خدا بر او منت نهاده و معرفت و اعتقاد به این امر را به او عنایت کرده است، آیا حج الاسلام بر او واجب است یا آن که همان که انجام داده کافی است؟
فرمود: او با انجام حج، فريضة خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ را انجام داده است، ولی به نظر من انجام حج خوشایندتر است.

هم چنین پرسیدم: کسی که در برخی از این گروه های مخالفین از اهل قبله و ناصبی است، اما به مذهب خود پای بند است، خداوند بر او منت نهاده و امر ولایت را بشناسد، آیا با آن حج که (در زمان ناصبی و مخالف بودنش) انجام داده حج الاسلام خود را ادا کرده است یا باید در آینده حج را انجام دهد؟
فرمود: به نظر من انجام حج خوشایندتر است.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيَّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنِّي حَجَجْتُ وَ أَنَا مُخَالِفٌ وَ كُنْتُ صَرُورَةً فَدَخَلْتُ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ. قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيْهِ: أَعِدْ حَجَّكَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَمُرُّ مُجْتَازًا يُرِيدُ الْيَمْنَ أَوْ غَيْرَهَا مِنَ الْبُلْدَانِ وَ طَرِيقُهُ بِمَكَّةَ فَيَذَرُكَ النَّاسَ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ إِلَى الْحَجِّ فَيَخْرُجُ مَعَهُمْ إِلَى الْمَشَاهِدِ أَيْجُزُهُ ذَلِكَ مِنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

۵ - علی بن مهزیار گوید: ابراهیم بن محمد بن عمران همدانی طی نامه‌ای به خدمت امام جواد عليه السلام نوشت: من در دوران تاریک مخالفت با شما به سر می‌بردم، پیش از آن حج انجام نداده بودم، در آن حال حج به جا آورده و به قصد حج تمتع وارد مکه شدم؟ گوید: امام عليه السلام برای او نوشت: حج خود را اعاده کن.

۶ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی عازم یمن - یا مقصدی دیگر - در راه سفر خود از مکه می‌گذرد، وقتی به مکه می‌رسد که مردم در حال انجام اعمال حج هستند. او نیز در جمع ایشان به سوی مشاهد (و برای انجام مناسک) حرکت می‌کند، آیا چنین حجی او را از حجة الاسلام کفایت می‌کند؟ فرمود: آری.

۷ - معاویة بن عمار گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ فِي تِجَارَةٍ إِلَى مَكَّةَ أَوْ يَكُونُ لَهُ إِبِلٌ
فَيُكْرِيهَا حَجَّتُهُ نَاقِصَةً أَمْ تَامَةً؟
قَالَ: لَا، بَلْ حَجَّتُهُ تَامَةً.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شَهَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي رَجُلٍ أَعْتَقَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ عَبْدًا لَهُ أَيْ جَزِيءٌ عَنِ الْعَبْدِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ؟
قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَأُمُّ وَلَدٍ أَحَجَّهَا مَوْلَاهَا أَيْ جَزِيءٌ عَنْهَا؟
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: أَلَهُ أَجْرٌ فِي حَجَّتِهَا؟
قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ ابْنِ عَشْرِ سِنِينَ يَحُجُّ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی برای تجارت به مکه می‌رود، یا شترانی دارد که
آنها را به مسافرتین مکه کرایه می‌دهد، در این صورت آیا حج او ناقص است یا تمام؟
فرمود: نه، بلکه حج او تمام است.

۸- شهاب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در شامگاه عرفه غلام خود را آزاد
کرده است (غلام پس از آزادی موقف عرفه را درک نموده است) آیا چنین حجی از
حجّة الاسلام کفایت می‌کند؟
فرمود: آری.

عرض کردم: کنیز امّ ولدی را صاحبش به حجّ برده است، آیا این حجّ، برای او از
حجّة الاسلام کفایت می‌کند؟
فرمود: نه.

عرض کردم: آیا در آن حجّی که به جای آورده است، اجری برای او هست؟
فرمود: آری.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت درباره نوجوان ده ساله‌ای که حجّ به جا می‌آورد
پرسیدم؟

- قَالَ: عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ إِذَا احْتَلَمَ، وَكَذَلِكَ الْجَارِيَةُ عَلَيْهَا الْحَجُّ إِذَا طَمِثَتْ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام عَنِ الصَّبِيِّ مَتَى يُحْرَمُ بِهِ؟ قَالَ: إِذَا اتَّعَرَ.
- ۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ صُرَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: فِي رَجُلٍ خَرَجَ حَاجًّا حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ. فَقَالَ: إِنَّ مَاتَ فِي الْحَرَمِ فَقَدْ أُجْزَأَتْ عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ، وَإِنْ كَانَ مَاتَ دُونَ الْحَرَمِ فَلْيُفْضِضْ عَنْهُ وَلِيُّهُ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ.
- ۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ:

فرمود: چون بالغ شود حَجَّةُ الْإِسْلَامِ بر دَمه خواهد داشت.

هم چنین دوشیزه آن گاه که حائض شود، حَجَّةُ الْإِسْلَامِ بر عهده اش خواهد بود.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ فَضَيْلٍ گوید: از امام جواد عليه السلام پرسیدم: چه هنگام کودک را محرم می سازند؟

فرمود: آن گاه که دندان بیندازد.

۱۰- صُرَيْسٍ گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: فردی به قصد انجام حَجَّةُ الْإِسْلَامِ از شهر و

دیار خود خارج می شود و در میان راه از دنیا می رود حج او چگونه است؟

فرمود: اگر در حرم وفات یافته است، همان رسیدن به حرم برای حَجَّةُ الْإِسْلَامِ او کافی

است، و اگر هنوز به حرم نرسیده بود، در گذشته است، باید ولی او حَجَّةُ الْإِسْلَامِ را به

نیابت از او انجام دهد.

۱۱- بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ حَاجًّا وَ مَعَهُ جَمَلٌ لَهُ وَ نَفَقَةٌ وَ زَادٌ فَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ.

قَالَ: إِنْ كَانَ صَرُورَةً ثُمَّ مَاتَ فِي الْحَرَمِ فَقَدْ أَجَزَّ عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ، وَإِنْ كَانَ مَاتَ وَ هُوَ صَرُورَةً قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ جُعِلَ جَمَلُهُ وَ زَادُهُ وَ نَفَقَتُهُ وَ مَا مَعَهُ فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ. فَإِنْ فَضَلَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَهُوَ لِلْوَرَثَةِ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ دَيْنٌ. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَتِ الْحَجَّةُ تَطَوُّعًا ثُمَّ مَاتَ فِي الطَّرِيقِ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ لِمَنْ يَكُونُ جَمَلُهُ وَ نَفَقَتُهُ وَ مَا مَعَهُ؟

قَالَ: يَكُونُ جَمِيعُ مَا مَعَهُ وَ مَا تَرَكَ لِلْوَرَثَةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيَقْضَى عَنْهُ أَوْ يَكُونَ أَوْصَى بِوَصِيَّةٍ فَيَنْقُذَ ذَلِكَ لِمَنْ أَوْصَى لَهُ وَ يُجْعَلَ ذَلِكَ مِنْ ثُلُثِهِ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ أَنْ يَمْشِيَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ أَوْ يُجْزِيَهُ ذَلِكَ عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ؟

کسی که به قصد انجام حج با مرکب سواری، هزینه سفر و زاد و توشه از شهر و دیار خود خارج شده و در میان راه وفات یافته است حج او چگونه است؟
فرمود: اگر پیش از این حج انجام نداده و در حرم درگذشته است، برای حجة الاسلام او کافی بوده، و اگر پیش از این حج انجام نداده و پیش از آن که محرم شود درگذشته است، باید مرکب سواری، توشه و هزینه سفر و هر چه با او بوده در راه انجام حجة الاسلام صرف شود. پس اگر چیزی افزون از هزینه حجة الاسلام به جای ماند، در صورتی که بدهکاری بر ذمه نداشته متعلق به وارثان او خواهد بود.

گفتم: اگر آن حج به عنوان استحباب بوده و حاجی پیش از احرام بستن در راه درگذشته است، مرکب سواری، هزینه و اشیایی که با او بوده از آن کیست؟
فرمود: همه آن چه با او بوده و از خود به جای نهاده، متعلق به وارثان اوست، مگر آن که بدهکاری داشته باشد که بایستی از اموال او پرداخته شود، و یا آن که وصیتی کرده که بایستی درباره کسی که به نفع او وصیت کرده است اجرا شود، و در حساب ثلث اموال او محسوب گردد.
۱۲ - رفاعه گوید: از امام صادق ع پرسیدم: کسی که برای انجام حج نذر کرده که پیاده به خانه خدا برود، آیا چنین حجی از حجة الاسلام کفایت می کند؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَإِنْ حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ وَ قَدْ نَذَرَ أَنْ يَحُجَّ مَا شِئياً أ يُجْزِي ذَلِكَ عَنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَامِرِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَّغْنِي عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَحَجَّ عَنْهُ بَعْضُ أَهْلِهِ أَجْزَأَ ذَلِكَ عَنْهُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ أَشْهَدُ بِهَا عَنْ أَبِي عليه السلام أَنَّهُ حَدَّثَنِي: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ أَبِي مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: حُجَّ عَنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِي عَنْهُ.

۱۴- عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَكَمِ بْنِ حُكَيْمٍ قَالَ:

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر به نیابت دیگری به حج برود و خود او مالی نداشته باشد و نذر کند که پیاده به حج برود، آیا آن حج از او کفایت می‌کند؟

فرمود: آری.

۱۳- عامر بن عمیره گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: از شما به من نقل شده که فرموده‌اید: اگر شخصی بمیرد و حجة الاسلام به جا نیاورده باشد پس برخی از خویشانش از جانب او حج به جا آورند از او کفایت می‌کند؟

فرمود: آری، از جانب پدرم به این حدیث گواهی می‌دهم که او برای من نقل فرمود که شخصی خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! پدرم مرده و حج به جا نیاورده است؟

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از جانب او حج به جای آور، به راستی که آن حج از او کفایت می‌کند.

۱۴- حکم بن حکیم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْسَانٌ هَلَكَ وَ لَمْ يَحُجَّ وَ لَمْ يُوصِ بِالْحَجِّ فَأَحَجَّ عَنْهُ
بَعْضُ أَهْلِهِ رَجُلًا أَوْ امْرَأَةً هَلْ يُجْزِي ذَلِكَ وَ يَكُونُ قِضَاءً عَنْهُ وَ يَكُونُ الْحَجُّ لِمَنْ
حَجَّ وَ يُوجِرُ مَنْ أَحَجَّ عَنْهُ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْحَاجُّ غَيْرَ صَرُورَةٍ أَجْرًا عَنْهُمَا جَمِيعًا وَ أُجِرَ الَّذِي أَحَجَّهُ.

۱۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ

رِفَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَمُوتُ وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُوصِ بِهَا
أَيُقْضَى عَنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَمُوتَانِ وَ لَمْ يَحُجَّأُ يُقْضَى عَنْهُمَا

حَجَّةَ الْإِسْلَامِ؟

شخصی از دنیا رفته و حج انجام نداده است و وصیت برای انجام حج نیز نکرده است.
مرد یا زنی از خویشانش به نیابت از او حج انجام می دهد، آیا این حج از جانب میت کفایت
می کند؟ یا این حج برای کسی که حج انجام داده و کسی که دستور انجام آن را داده پاداش دارد؟
فرمود: اگر کسی که از جانب میت حج انجام می دهد پیش از این حج انجام نداده باشد
از جانب هر دو (میت و انجام دهنده آن) کفایت می کند و کسی که دستور انجام آن را داده
پاداش دارد.

۱۵- رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که وفات یافته و حجة الاسلام را به جا

نیاورده و وصیتی نیز در آن باره نکرده است، آیا باید از جانب او حجة الاسلام انجام دهند؟

فرمود: آری.

۱۶- رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مرد و زنی که از دنیا رفته اند بی آن که حج

به جا آورده باشند، آیا باید از جانب آنان حجة الاسلام را انجام دهند؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَ لَهُ ابْنٌ لَمْ يَدْرِ أ حَجَّ أَبُوهُ أَمْ لَا؟

قَالَ: يَحُجُّ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ أَبُوهُ قَدْ حَجَّ كُتِبَ لِأَبِيهِ نَافِلَةٌ وَ لِلابْنِ فَرِيضَةٌ، وَإِنْ كَانَ أَبُوهُ لَمْ يَحُجَّ كُتِبَ لِأَبِيهِ فَرِيضَةٌ وَ لِلابْنِ نَافِلَةٌ.

۱۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ كَانَتْ عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ أَيْضًا إِذَا اسْتَطَاعَ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا. وَ لَوْ أَنَّ غُلَامًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ ثُمَّ احْتَلَمَ كَانَتْ عَلَيْهِ فَرِيضَةُ الْإِسْلَامِ. وَ لَوْ أَنَّ مَمْلُوكًا حَجَّ عَشْرَ حَجَجٍ ثُمَّ أُعْتِقَ كَانَتْ عَلَيْهِ فَرِيضَةُ الْإِسْلَامِ إِذَا اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.

فرمود: آری.

۱۷ - محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مردی در گذشته است. او پسری دارد و آن پسر نمی‌داند که پدرش حج به جای آورده است یا نه و وظیفه چیست؟

فرمود: آن پسر از جانب او حج به جای می‌آورد، اگر پدرش حج انجام داده حجی مستحب برای پدر و واجب برای پسر نوشته می‌شود، و اگر پدرش حج انجام نداده بود، برای پدر حجی واجب و برای پسر حجی مستحب نوشته می‌شود.

۱۸ - مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر انسانی ده بار حج به جای آورد، آن گاه که مستطیع شود حجة الاسلام را بر عهده دارد، و اگر بچه‌ای ده بار حج به جای آورد، سپس بالغ شود فريضة حج بر عهده اوست و اگر برده‌ای ده بار حج به جای آورد، سپس آزاد شود، هرگاه که استطاعت یافت بر عهده اوست که فريضة حج را به جا آورد.

(۳۹)

بَابُ مَنْ لَمْ يَحُجَّ بَيْنَ خَمْسِ سِنِينَ

- ۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ مَضَتْ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ فَلَمْ يَفِدْ إِلَى رَبِّهِ وَهُوَ مُوسِرٌ إِنَّهُ لَمَحْرُومٌ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مُنَادِيًا يُنَادِي: أَيُّ عَبْدٍ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَأَوْسَعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَفِدْ إِلَيْهِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ أَعْوَامٍ مَرَّةً لِيَطْلُبَ نَوَافِلَهُ إِنَّ ذَلِكَ لَمَحْرُومٌ.

بخش سی و نهم**حکم کسی که در مدت پنج سال حج نیاورد**

- ۱- ذریح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس پنج سال بر او بگذرد و با توانگری به حج نرود؛ همانا او محروم از پاداش پروردگار است.
- ۲- حمران گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند ندا کننده‌ای دارد که ندا می‌کند: به هر بنده‌ای که خداوند احسان کرده و رزق و روزی او را توسعه داده است و در هر پنج سال به سوی خانه او برای رسیدن به رحمت خدا و عطاهايش نرود، به‌راستی که آن بنده محروم از ثواب است.

(۴۰)

بَابُ الرَّجُلِ يَسْتَدِينُ وَيَحُجُّ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَحُجُّ بَدِينٍ وَ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ؟
قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ سَيَقْضِي عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:
قُلْتُ لَهُ: هَلْ يَسْتَفْرِضُ الرَّجُلُ وَ يَحُجُّ إِذَا كَانَ خَلْفَ ظَهْرِهِ مَا يُؤَدِّي عَنْهُ إِذَا حَدَّثَ بِهِ حَدَّثٌ؟
قَالَ: نَعَمْ.

بخش چهلّم**حکم کسی که قرض می ستاند و به حجّ می رود**

- ۱ - یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که با گرفتن قرض حجّة الاسلام را به جا می آورد، آیا این عمل جایز است؟
فرمود: آری، زیرا خداوند قرض او را به زودی اداء خواهد کرد، إن شاء الله.
- ۲ - موسی بن بکر گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: کسی که دارای پس اندازی برای هزینه حادثه ای است، اگر قرض کند می تواند باز پرداخت آن را از محل آن پس انداز بپردازد، آیا می تواند وام بستاند و به حجّ برود؟
فرمود: آری.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ عَلَيْهِ دَيْنٌ يَسْتَقْرِضُ وَ يَحُجُّ؟
قَالَ: إِنْ كَانَ لَهُ وَجْهٌ فِي مَالٍ فَلَا بَأْسَ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ قَالَ:
قُلْتُ لِلرِّضَاءِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ عَلَيْهِ الدَّيْنُ وَ يَحْضُرُهُ الشَّيْءُ أَوْ يَفْضِي دَيْنَهُ أَوْ يَحُجُّ؟

قَالَ: يَفْضِي بِبَعْضٍ وَ يَحُجُّ بِبَعْضٍ.
قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِقَدْرِ نَفَقَةِ الْحَجِّ.
فَقَالَ: يَفْضِي سَنَةً وَ يَحُجُّ سَنَةً.
فَقُلْتُ: أُعْطِيَ الْمَالَ مِنْ نَاحِيَةِ السُّلْطَانِ.
قَالَ: لَا بَأْسَ عَلَيْكُمْ.

۳- عبدالملک بن عتبه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی، بدهکار است آیا باز هم می تواند قرض کند و به حج برود؟

فرمود: در صورتی که زمینه ای در مال او برای پرداختن قرض داشته باشد، اشکالی ندارد.

۴- ابوهمام گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: شخصی بدهکار است و درآمد

سالیانه ای به دست او می رسد، آیا با آن درآمد، وامش را بپردازد یا به حج برود؟

فرمود: با بخشی از آن قرض خود را می پردازد و با بخشی دیگر به حج می رود.

گفتم: آن درآمد فقط به اندازه مخارج حج است.

فرمود: یک سال قرض خود را می پردازد و یک سال به حج می رود.

عرض کردم: اگر این مال از طرف سلطان به او داده شود چه حکمی دارد؟

فرمود: ایرادی برای شما نیست.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَكُونُ عَلَيَّ الدَّيْنُ فَيَقَعُ فِي يَدِي الدَّرَاهِمُ فَإِنْ وَزَعْتُهَا بَيْنَهُمْ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ أَفَأَحْجُ بِهَا أَوْ أُوزَعُهَا بَيْنَ الْغُرَّامِ؟
فَقَالَ: تَحْجُ بِهَا وَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَفْضِي عَنْكَ دَيْنَكَ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَفْرِضُ وَ يَحْجُ؟
فَقَالَ: إِنْ كَانَ خَلْفَ ظَهْرِهِ مَالٌ إِنْ حَدَثَ بِهِ حَدَثٌ أُدِّيَ عَنْهُ فَلَا بَأْسَ.

۵- معاویة بن وهب از عده‌ای نقل می‌کند که گویند: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من بدهکارم با این حال چند درهمی به دستم می‌رسد، پس اگر آن را در میان طلبکاران خود توزیع کنم چیزی به جا نمی‌ماند، آیا می‌توانم آن را هزینه حج کنم یا میان طلبکاران توزیع نمایم؟

فرمود: آن را هزینه حج ساز و خدا را بخوان تا قرض تو را از جانب تو بپردازد.

۶- موسی بن بکر واسطی گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: انسان می‌تواند قرض کند و به حج برود؟

فرمود: اگر پس اندازی برای هزینه حادثه‌ای است می‌تواند باز پرداخت آن را از محل

آن پس انداز بپردازد، می‌تواند به حج برود.

(۴۱)

بَابُ الْفَضْلِ فِي نَفَقَةِ الْحَجِّ

- ۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا رِيحَ الرِّيحِ أَخَذَ مِنْهُ الشَّيْءَ فَعَزَلَهُ فَقَالَ: هَذَا لِلْحَجِّ وَإِذَا رِيحَ
أَخَذَ مِنْهُ وَقَالَ: هَذَا لِلْحَجِّ جَاءَ إِبَانُ الْحَجِّ وَقَدْ اجْتَمَعَتْ لَهُ نَفَقَةٌ عَزَمَ اللَّهُ فَخَرَجَ،
وَلَكِنْ أَحَدُكُمْ يَرِيحُ الرِّيحَ فَيُنْفِقُهُ، فَإِذَا جَاءَ إِبَانُ الْحَجِّ أَرَادَ أَنْ يُخْرِجَ ذَلِكَ مِنْ رَأْسِ
مَالِهِ فَيَشُقُّ عَلَيْهِ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ شَيْخِ رَفَعِ الْحَدِيثِ
إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لَهُ:

بخش چهل و یکم**زیادی از هزینه زندگی برای هزینه حج است**

- ۱- اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:
اگر یکی از شما شیعیان هرگاه سودی به دست آورد، بخشی از آن را کنار بگذارد و
بگوید: این برای حج است. هرگاه باز سودی به دست آورد، بخشی از آن را کنار بگذارد و
بگوید: این برای حج است. هرگاه وقتی که موسم حج فرا می رسد، او هزینه سفر را
جمع آوری می کند و عازم سفر می شود.
- ولی هرگاه یکی از شما سودی ببرد و آن را به مصرف برساند، وقتی که موسم حج
فرا می رسد و بخواهد هزینه سفر را از سرمایه اش جدا کند، برای او دشوار خواهد بود.
- ۲- راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:

يَا فُلَانُ! أَقَلِّلِ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ تَنْشِطْ لِلْحَجِّ، وَ لَا تُكْثِرِ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ فَتَمَلَّ الْحَجَّ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام لَيَنْقَطِعُ رِكَابَهُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَيَشُدُّهُ بِخُوصَةٍ لِيَهْوُونَ الْحَجَّ عَلَيَّ نَفْسِهِ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْهَدِيَّةُ مِنْ نَفَقَةِ الْحَجِّ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: هَدِيَّةُ الْحَجِّ مِنَ الْحَجِّ.

ای فلانی! هزینه سفر حج را کم کن تا برای انجام حج با نشاط باشی، و هزینه حج را زیاد مکن که سفر حج برای تو ملال آور باشد چرا که در این صورت انجام هر ساله حج ممکن نخواهد بود.

۳- ربیع بن عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هر گاه در سفر مکه بند رکاب حضرت علی عليه السلام می برید آن را به برگی از درخت خرما می بست تا انجام حج را بر خود آسان سازد.

۴- سهل بن زیاد در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هدیه از هزینه سفر حج است.

۵- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هدیه حج جزو هزینه حج است.

(۴۲)

بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ مُتَهَيِّئًا لِلْحَجِّ فِي كُلِّ وَقْتٍ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ زَعْلَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ قَالَ: قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا عِيسَى! إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا بَيْنَ الْحَجِّ إِلَى الْحَجِّ وَأَنْتَ تَتَهَيَّأُ لِلْحَجِّ.
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ اتَّخَذَ مَحْمِلًا لِلْحَجِّ كَانَ كَمَنْ رَبَطَ فَرَسًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ يَعْلَى عَنْ بَعْضِ الْكُوفِيِّينَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

بخش چهل و دوم

استحباب آمادگی برای انجام حج

- ۱ - عیسی بن منصور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمود:
 ای عیسی! من دوست می‌دارم که خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ تو را در فاصله میان دو حج در حالی ببیند که برای انجام حج آماده می‌شوی.
- ۲ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
 کسی که هودجی را به تبت استفاده در سفر حج بگیرد، به سان کسی است که اسبی را (برای محافظت از مرزهای اسلام و جهاد) در راه خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ بسته باشد.
- ۳ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَنْوِي الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ زِيدَ فِي عُمْرِهِ.

(۴۳)

بَابُ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ فَيُحُجُّ قَبْلَ أَنْ يَخْتَتِنَ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُسَلِّمُ فَيُرِيدُ أَنْ يَحُجَّ وَقَدْ حَضَرَ الْحَجَّ أَوْ يَحُجُّ أَوْ يَخْتَتِنُ؟
قَالَ: لَا يَحُجُّ حَتَّى يَخْتَتِنَ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ تَطُوفَ الْمَرْأَةُ غَيْرَ الْمَحْفُوضَةِ. فَأَمَّا الرَّجُلُ فَلَا يَطُوفُ إِلَّا وَهُوَ مُخْتَتِنٌ.

هر که به هنگام بازگشت از مکه تبت کند که سال دیگر باز گردد، بر عمرش افزوده می شود.

بخش چهل و سوم

حکم مردی که مسلمان می شود، پیش از آن که ختنه کند

به حج می رود

۱- ابراهیم بن میمون گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که اسلام می آورد و می خواهد به حج برود، در حالی که موسم حج فرا رسیده است، آیا باید حج به جا آورد یا ختنه کند؟

فرمود: تا ختنه نکند نمی تواند اعمال حج را به جا آورد.

۲- حریر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زنی که ختنه نکرده اشکالی ندارد طواف کند، ولی مرد نمی تواند بدون ختنه طواف نماید.

(۴۴)

بَابُ الْمَرْأَةِ يَمْنَعُهَا زَوْجُهَا مِنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ لَهَا زَوْجٌ أَبِي أَنْ يَأْذَنَ لَهَا أَنْ تَحُجَّ وَ لَمْ تَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَغَابَ زَوْجُهَا عَنْهَا وَ قَدْ نَهَاها أَنْ تَحُجَّ. قَالَ: لَا طَاعَةَ لَهُ عَلَيْهَا فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ فَلْتَحُجَّ إِنْ شَاءَتْ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ تَخْرُجُ مَعَ غَيْرِ وَلِيِّ.

بخش چهل و چهارم

حکم زنی که همسرش او را از حَجَّةِ الاسلام باز دارد

- ۱ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: همسر زنی اجازه نمی‌دهد به حج برود با آن که زن حَجَّةِ الاسلام را انجام نداده است، وقتی همسر در غیاب خود نیز از حج نهی می‌کند وظیفه او چیست؟
فرمود: برای انجام حَجَّةِ الاسلام اطاعت همسر بر آن زن لازم نیست، و اگر بخواهد می‌تواند به حج برود.
- ۲ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حکم زنی که بدون ولی و سرپرست به سوی مکه روان می‌شود، چیست؟

قَالَ: لَا بَأْسَ، فَإِنْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ أَوْ ابْنٌ أَخٌ قَادِرَيْنِ عَلَيَّ أَنْ يَخْرُجَا مَعَهَا وَ لَيْسَ لَهَا سَعَةٌ فَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقْعُدَ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهَا.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ لَهَا زَوْجٌ وَ هِيَ صَرُورَةٌ لَا يَأْذَنُ لَهَا فِي الْحَجِّ.
قَالَ: تَحُجُّ وَ إِنْ لَمْ يَأْذَنُ لَهَا.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
فِي الْمَرْأَةِ تُرِيدُ الْحَجَّ لَيْسَ مَعَهَا مَحْرَمٌ هَلْ يَصْلُحُ لَهَا الْحَجُّ؟
فَقَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ.
فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ.

فرمود: اشکالی ندارد و اگر شوهر یا فرزند برادری دارد که می‌تواند با او بروند، ولی او توانایی مالی ندارد که آنها را به همراه ببرد، برای او سزاوار نیست که به حج نرود، و برای آنان شایسته نیست که او را از رفتن به حج جلوگیری کنند.

۳- زراره گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی که شوهری دارد، ولی تاکنون حج به جا نیاورده است و شوهرش به او اجازه حج نمی‌دهد.

فرمود: او حج را به جا می‌آورد، گرچه شوهرش اجازه ندهد.

۴- سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا زنی که قصد سفر حج دارد و محرمی با او نیست حج برای او شایسته است؟

فرمود: آری، در صورتی که ایمن باشد.

۵- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: زنی که بدون ولی به سوی مکه روان می‌شود چه حکمی دارد؟

فرمود: اشکالی ندارد که با گروهی مورد وثوق و اعتماد به حج برود.

(۴۵)

بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنْ بَيْتِهِ وَفَضْلِ الصَّدَقَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا اسْتَحْلَفَ رَجُلٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافَةٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يَزِرُ كَعُھْمَا إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى سَفَرٍ يَقُولُ:
- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي» إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَحْوَلِ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ قَالَ:
- كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا جَمَعَ عِيَالَهُ فِي بَيْتِهِ. ثُمَّ قَالَ:

بخش چهل و پنجم**دعای هنگام خروج از خانه و فضیلت صدقه**

- ۱ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
- رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ بنده‌ای به هنگام بیرون شدن برای سفر، برای سرپرستی خانواده خود جانشینی بهتر از آن به جای نگذاشته است که دو رکعت نماز بگزارد و بگوید:
- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي»
- مگر آن که خداوند هر چه را که خواسته است به او عطا فرماید.
- ۲ - برید بن معاویه عجلی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ همواره آن گاه که می‌خواست به سفری برود خانواده‌اش را در خانه جمع می‌کرد و عرضه می‌داشت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الْعِدَاةَ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ.

اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ.

اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ».

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيْكْرَهُ السَّفَرُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَكْرُوهَةِ الْأَرْبَعَاءِ وَ
غَيْرِهِ؟

فَقَالَ: افْتَتِحَ سَفَرُكَ بِالصَّدَقَةِ وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِذَا بَدَأَ لَكَ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ
الْحَجَّاجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
تَصَدَّقْ وَاخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الْعِدَاةَ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ.

اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ.

اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ».

خدایا! در این بامداد خود، مال، خانواده و فرزندان - حاضر آنها و غائبشان - را به تو
می سپارم. خداوندا! ما و نعمت های خود را بر ما نگاه دار. خدایا! ما را در پناه خود قرار
ده. خداوندا! نعمت خود را از ما مگیر و عافیت و فضل خود را - که با ماست - تغییر مده.
۳ - حماد بن عثمان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا سفر در روزهای مکروه،
چهارشنبه و غیر آن، کراهت دارد؟

فرمود: سفر خود را با صدقه آغاز کن و آیه الکرسی را بخوان و هر وقت که خواستی
راهی سفر شو.

۴ - عبدالرحمان بن حججاج گوید:

امام صادق عليه السلام فرمود: صدقه بده و هر وقت که خواستی راهی سفر شو.

(۴۶)

بَابُ الْقَوْلِ إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: حَدَّثَنَا صَبَّاحُ الْحَدَّاءُ قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ قَامَ عَلَى بَابِ دَارِهِ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ. ثُمَّ قَالَ:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ» لِحَفِظَةِ اللَّهِ وَ حَفِظَ مَا مَعَهُ وَ سَلَّمَ وَ سَلَّمَ مَا مَعَهُ وَ بَلَّغَهُ وَ بَلَّغَ مَا مَعَهُ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: يَا صَبَّاحُ! أَمَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحْفَظُ وَ لَا يُحْفَظُ مَا مَعَهُ، وَ يَسَلِّمُ وَ لَا يَسَلِّمُ مَا مَعَهُ، وَ يَبْلُغُ وَ لَا يَبْلُغُ مَا مَعَهُ؟

بخش چهل و ششم

دعای هنگام خروج از خانه

۱ - صَبَّاحُ حَدَّاءُ گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمود:

هرگاه یکی از شما هنگام سفر کند، کنار در خانه خود بایستد، رو به طرف مقصد خود بنماید و سوره حمد را به سمت پیش رو، راست و چپ خود، و آیه الکرسی را به سمت پیش رو و راست و چپ خود می خواند، و آن گاه عرضه می دارد: «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ»

البته خدا او را حفظ می کند و هر چه با او باشد حفظ می کند، و او را به سلامت می دارد، و آن چه را با او باشد به سلامت می دارد، و او را به مقصد می رساند، و آن چه را با او باشد به مقصد می رساند.

راوی گوید: سپس حضرتش فرمود: ای صَبَّاحُ! آیا ندیده ای که شخص مسافر محفوظ می شود، ولی آن چه با اوست محفوظ نمی شود؟ خود سالم می ماند؛ ولی آن چه با اوست سالم نمی ماند؟ و خود به مقصد می رسد، ولی آن چه با اوست به مقصد نمی رسد؟

قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ!

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ وَ هُوَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ».

ثُمَّ قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلْتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ».

گفتم: آری، فدایت شوم!

۲- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه از خانه خود خارج شدی - و ان شاء الله - اراده حج و عمره داشتی؛ دعای فرج را بخوان و آن دعا چنین است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

سپس بگو:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ».

آن گاه بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلْتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ».

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَ قِنَا عَذَابِ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَغْتَاءِ
السَّفَرِ وَ كَأْتِيَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضِدِي وَ نَاصِرِي بِكَ
أَحْلُ وَ بِكَ أَسِيرُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا السُّرُورَ وَ الْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ
مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِي فِيهِ وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ هَذَا حُمْلَانُكَ وَ الْوَجْهَ وَ جِهْكَ وَ السَّفَرُ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَطْلَعْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ يَطَّلِعْ
عَلَيْهِ أَحَدٌ فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي وَ كُنْ عَوْنًا لِي عَلَيْهِ وَ اكْفِنِي وَغْتَهُ وَ
مَشَقَّتَهُ وَ لَقِّنِّي مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ رِضَاكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ».

فَإِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرِّكَابِ فَقُلْ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ عَلَيَّ رَاحِلَتِكَ وَ اسْتَوَى بِكَ مَحْمَلُكَ فَقُلْ:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَ قِنَا عَذَابِ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَغْتَاءِ السَّفَرِ وَ
كَأْتِيَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضِدِي وَ نَاصِرِي بِكَ أَحْلُ وَ بِكَ أَسِيرُ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا السُّرُورَ وَ الْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ
اصْحَبْنِي فِيهِ وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ هَذَا حُمْلَانُكَ وَ الْوَجْهَ وَ جِهْكَ وَ السَّفَرُ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَطْلَعْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ
فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي وَ كُنْ عَوْنًا لِي عَلَيْهِ وَ اكْفِنِي وَغْتَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ لَقِّنِّي مِنَ
الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ رِضَاكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ».

آن گاه که پای خود را در رِکاب نهادی بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

آن گاه که بر پشت مرکب سوار شدی و محملت هموار شد بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ الَّذِي
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ
الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالمُسْتَعَانُ عَلَى الأَمْرِ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَاغاً يَبْلُغُ إِلَى خَيْرِ بَلَاغاً يَبْلُغُ إِلَى
مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ. اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَ لَا حَافِظَ غَيْرُكَ.»

(۴۷)

بَابُ الوَصِيَّةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ
صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
مَا يُعْبَأُ مَنْ يَوْمَ هَذَا الْبَيْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: خُلِقَ يَخَالِقُ بِهِ مَنْ
صَحِبَهُ أَوْ حَلِمَ يَمْلِكُ بِهِ مِنْ غَضَبِهِ أَوْ وَرَعَ يَحْجِزُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا
هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ
المُسْتَعَانُ عَلَى الأَمْرِ.
اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَاغاً يَبْلُغُ إِلَى خَيْرِ بَلَاغاً يَبْلُغُ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ. اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَ لَا خَيْرَ إِلَّا
خَيْرُكَ وَ لَا حَافِظَ غَيْرُكَ.»

بخش چهل و هفتم

توصیه به حاجیان

۱ - صفوان جمال گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام همواره می فرمود: هر
که به زیارت کعبه می رود ارزشی ندارد اگر سه ویژگی نداشته باشد: اخلاقی که با همسفرش
مدارا کند، بردباری که خشم خود را فرو نشاند و پارسایی که از حرام های خدا بازش ندارد.

- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا يُعْبَأُ مَنْ يَسْلُكُ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَطَنُ نَفْسِكَ عَلَى حُسْنِ الصُّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَتْ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ وَكُفِّ لِسَانِكَ وَانْكَظَمَ غَيْظَكَ وَأَقَلَّ لَعْوَكَ وَتَفَرَّشَ عَفْوَكَ وَتَسَخَّوْ نَفْسِكَ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ فَقَالَ:

- ۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کسی که در راه حج قدم بگذارد، ارزش و اعتباری ندارد، در صورتی که صاحب این سه ویژگی نباشد: پارسایی که او را از معاصی خدا باز بدارد، حلم و بردباری که خشم او در اختیارش بماند، و نیکی و خوشرفتاری با هر کسی که همسفر او گردد.
- ۳- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: عزم خود را جزم کن که با هر کس معاشر و همراه شوی معاشری نیک و خوش اخلاق باش، زیانت را نگهدار، خشم را فرو بخور. کار بیهوده‌ات را کم کن. عفو و گذشت خود را بر سر راهش بگستر و سخی طبع و گشاده دست باش.
- ۴- ابو ربیع شامی گوید: در خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم و خانه پر از جمعیت بود. حضرتش فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ، وَ مَرَافَقَةَ، مَنْ رَافَقَهُ وَ مُمَالِحَةَ مَنْ مَالِحَهُ وَ مَخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الرَّفِيقُ نِصْفُ السَّفَرِ. وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرِكَ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ عَلَيْكَ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا صَحَبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَكَ وَ لَا تَصْحَبَنَّ مَنْ يَكْفِيكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ. ۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ:

کسی که با معاشران خود خوشرفتاری نکند، با رفقای خود رفق و مدارا پیشه نسازد و حق نمک را رعایت نکند و با اخلاق نیک به دیگران احترام نگذارد، با ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پیوندی ندارد.

۵ - سکونی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از نیاکان بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نقل می کند که حضرتش فرمود: نخست همسفر و رفیق برگزین آن گاه رهسپار سفر شو. امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: با کسی که به تو ارزش قائل نیست آن سان که تو به او ارزش قائلی همسفر نشو.

۶ - راوی گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: به هنگام سفر با همسان خود همسفر شو، با آن که از فرا دست است و هزینه تو را می پردازد، همسفر نشو، چرا که موجب خواری مؤمن خواهد بود. ۷ - شهاب بن عبد ربّه گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَدْ عَرَفْتَ حَالِي وَ سَعَةَ يَدِي وَ تَوْشِيحِي عَلَى إِخْوَانِي
فَأَصْحَبُ النَّفَرِ مِنْهُمْ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَأَتَوْسَعُ عَلَيْهِمْ.
قَالَ: لَا تَفْعَلْ يَا شَهَابُ إِنَّ بَسَطْتَ وَ بَسَطُوا أَجْحَفْتَ بِهِمْ وَ إِنْ أَمْسَكُوا أَذَلَّتْهُمْ
فَأَصْحَبُ نُظْرَاءَكَ.

۸- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَيَّاسِيرٍ وَ هُوَ أَقْلُهُمْ شَيْئًا فَيُخْرِجُ
الْقَوْمَ النَّفَقَةَ وَ لَا يَقْدِرُ هُوَ أَنْ يُخْرِجَ مِثْلَ مَا أَخْرَجُوا.
فَقَالَ: مَا أَحَبُّ أَنْ يُذَلَّ نَفْسَهُ لِيُخْرِجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شما از وضعیّت و ثروت و دست و دل بازی من نسبت
به برادران دینیم آگاهید. من با گروهی از آنان در راه حج همسفر می شوم و در هزینه آنان را
یاری می نمایم.

فرمود: ای شهاب! چنین نکن. اگر تو بیشتر هزینه کنی آنان نیز ناگزیر بیشتر هزینه
خواهند کرد و به آنها اجحاف خواهی نمود، و اگر از پرداخت هزینه خودداری کنی آنان را
خوار خواهی کرد، پس با همسانان خود همسفر شو.

۸- ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: فرد کم درآمدی با گروهی ثروتمند همسفر
می شود، آنها بیشتر هزینه می کنند ولی او نمی تواند (چه وظیفه ای دارد؟)
فرمود: دوست ندارم انسان خود را خوار سازد، او باید با همسانان خود همسفر شود.

(۴۸)

بَابُ الدُّعَاءِ فِي الطَّرِيقِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ:
صَحِبْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا صَلَّى قَالَ:
اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَأَحْسِنْ عَافِيَتَنَا.
وَكُلَّمَا صَعِدَ أَكْمَةً قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ وَإِذَا صَعِدَ كَبَّرَ.

بخش چهل و هشتم

دعا در راه

- ۱ - حدیفته بن منصور گوید: در سفر مکه با امام صادق عليه السلام همسفر شدم. هنگامی که آن حضرت نماز می خواند عرضه می داشت: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَأَحْسِنْ عَافِيَتَنَا. وهرگاه از تپه یا تلی بالا می رفت عرضه می داشت: اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ.
- ۲ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: سیره رسول خدا صلى الله عليه وآله در سفر این بود که چون از تپه سرازیر می شد، خدا را تسبیح می گفت، و چون بر تپه ای بالا می رفت، خدا را تکبیر می گفت.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ قَاسِمِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
 إِنَّ عَلِيَّ ذُرْوَةَ كُلِّ جَسْرٍ شَيْطَانٌ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَيْهِ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ» يَرْحَلْ عَنْكَ.
 ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْ:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِنَفْسِي الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي وَأَنْتَ رَجَائِي وَأَنْتَ عَضُدِي وَأَنْتَ نَاصِرِي بِكَ أَخْلُ وَ بِكَ أَسِيرُ».
 قَالَ: وَ مَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ وَحْدَهُ فَلْيَقُلْ: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ أَنْسِ وَخَشْتِي وَاعْنِي عَلَى وَحْدَتِي وَادِّ غَيْبَتِي».
 ۵- أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمُكَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
 إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَقُلْ:

۳- حفص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در گوشه هر پلی شیطان است، هرگاه به آن رسیدی بگو: «بسم الله» شیطان از تو دور خواهد شد.

۴- عیسی بن عبدالله قمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِنَفْسِي الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي وَأَنْتَ رَجَائِي وَأَنْتَ عَضُدِي وَأَنْتَ نَاصِرِي بِكَ أَخْلُ وَ بِكَ أَسِيرُ». و فرمود: و هر کس به تنهایی سفر کند، پس بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ أَنْسِ وَخَشْتِي وَاعْنِي عَلَى وَحْدَتِي وَادِّ غَيْبَتِي».

۵- ابو سعید مکاری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی رهسپار سفر شوی بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ فِي وَجْهِ هَذَا بِإِثْقَةِ مَنِّي بِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءَ آوِي إِلَيْهِ إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ
 أَتَكِلُ عَلَيْهَا وَ لَا حِيلَةَ أَلْجَأُ إِلَيْهَا إِلَّا طَلَبْتُ فَضْلِكَ وَ ابْتِغَاءَ رِزْقِكَ وَ تَعَرُّضًا لِرَحْمَتِكَ وَ سُكُونًا إِلَى
 حُسْنِ عَادَتِكَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي سَفَرِي هَذَا مِمَّا أَحَبُّ أَوْ أَكْرَهُ فَإِنَّمَا أَوْقَعْتُ
 عَلَيْهِ يَا رَبِّ مِنْ قَدْرِكَ فَمَحْمُودٌ فِيهِ بِلَاؤُكَ وَ مُنْتَصِحٌ عِنْدِي فِيهِ قَضَاؤُكَ وَ أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ
 تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِيَّ كُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كَنَفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفًا
 مِنْ عَفْوِكَ وَ سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَ تَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ جَمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ وَ أَوْقِعْ عَلَيَّ فِيهِ جَمِيعَ

«اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ فِي وَجْهِ هَذَا بِإِثْقَةِ مَنِّي بِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءَ آوِي إِلَيْهِ إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ أَتَكِلُ عَلَيْهَا وَ
 لَا حِيلَةَ أَلْجَأُ إِلَيْهَا إِلَّا طَلَبْتُ فَضْلِكَ وَ ابْتِغَاءَ رِزْقِكَ وَ تَعَرُّضًا لِرَحْمَتِكَ وَ سُكُونًا إِلَى حُسْنِ عَادَتِكَ وَ أَنْتَ
 أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي سَفَرِي هَذَا مِمَّا أَحَبُّ أَوْ أَكْرَهُ فَإِنَّمَا أَوْقَعْتُ عَلَيْهِ يَا رَبِّ مِنْ قَدْرِكَ فَمَحْمُودٌ
 فِيهِ بِلَاؤُكَ وَ مُنْتَصِحٌ عِنْدِي فِيهِ قَضَاؤُكَ وَ أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ. اللَّهُمَّ
 فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِيَّ كُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كَنَفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ
 وَ سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَ تَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ جَمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ وَ أَوْقِعْ عَلَيَّ فِيهِ جَمِيعَ

قَضَائِكَ عَلَى مُوَافَقَةِ جَمِيعِ هَوَايَ فِي حَقِيقَةِ أَحْسَنِ أَمَلِي وَادْفَعْ مَا أُحْذِرُ فِيهِ وَ مَا لَا أُحْذِرُ عَلَى
نَفْسِي وَ دِينِي وَ مَالِي مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِآخِرَتِي وَ دُنْيَايَ مَعَ مَا أَسْأَلُكَ يَا
رَبِّ أَنْ تُحْفَظَنِي فِيمَنْ خَلَفْتُ وَرَائِي مِنْ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَعِيشَتِي وَ حُرَانَتِي وَ قَرَابَتِي وَ
إِحْوَانِي بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ حِفْظِ مَنْ كُلِّ مَضِيعَةٍ وَ
تَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ كِفَايَةِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ سِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ صَرْفِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ كَمَالِ كُلِّ مَا يَجْمَعُ لِي
الرِّضَا وَ السُّرُورَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي. وَ افْعَلْ ذَلِكَ بِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

قَضَائِكَ عَلَى مُوَافَقَةِ جَمِيعِ هَوَايَ فِي حَقِيقَةِ أَحْسَنِ أَمَلِي وَادْفَعْ مَا أُحْذِرُ فِيهِ وَ مَا لَا أُحْذِرُ عَلَى نَفْسِي
وَ دِينِي وَ مَالِي مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِآخِرَتِي وَ دُنْيَايَ مَعَ مَا أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُحْفَظَنِي
فِيمَنْ خَلَفْتُ وَرَائِي مِنْ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَعِيشَتِي وَ حُرَانَتِي وَ قَرَابَتِي وَ إِحْوَانِي بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ
بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ حِفْظِ مَنْ كُلِّ مَضِيعَةٍ وَ تَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ كِفَايَةِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ
سِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ صَرْفِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ كَمَالِ كُلِّ مَا يَجْمَعُ لِي الرِّضَا وَ السُّرُورَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي. وَ افْعَلْ
ذَلِكَ بِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ».